

تاریخ

علمی اجتماعی اصفہان

درود و شکرِ خیر

جلد دوم

تألیف:

سید مصباح الدین مجددوی



سَيِّدُ صُلْحِ الدِّينِ  
مَوْلَانَا

بَابُ مَطْلُوعِ  
جَمَاهِرِ الصُّفَّيَّانِ

٢

نَشْرُ  
الْهُدَايَةِ





بیان سُبُلِ الْهَدَايَةِ  
فِي ذِكْرِ عَقَائِدِ الْفِرَاقِيَةِ

یا

تاریخ علمی و اجتماعی صفہان

در دو تکرار اخیر

جلد دوم

تألیف

سید مُصَلِح الدین مَہدوی

- \* بیان سبل الهدایة
- \* سید مصلح الدین مهدوی
- \* نشر الهدایة
- \* ۲۰۰۰ نسخه
- \* چاپ خیام - قم
- \* تابستان ۱۳۶۷
- \* چاپ اول
- \* توزیع دار الذخائر - قم

مقدمه :

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وبه نستعين

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى محمد وآله المعصومين واللعنة  
الدائمة الابدية على أعدائهم ومخالفهم ومعانديهم ومنكري فضائلهم من الاولين  
والاخرين .

اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه وآله وغيبه ولينا وكثرة عدونا  
وقلة عددنا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد وآله وأعنا على  
ذلك بفتح منك تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وساطان حق تظهره ورحمة منك  
تجللناها وعافية منك نلبسناها برحمتك يا أرحم الراحمين .

پاکنویس این صفحات ( جلد دوم کتاب : بیان سبیل الهدایة فی ذکر اعقاب  
صاحب الهدایة ) مقارن گردید با ایامیکه شهر تاریخی اصفهان در زیر بمبهای  
طیارات دشمن یعنی دولت عراق قرار گرفته و خانه ها و کویها یکی پس از دیگری



ویران میشود و مردم این شهر از پیر و جوان - بزرگ و کوچک - مرد و زن عده‌ای کشته شده و جمعی زخمی گردیده و آنانکه از این خطرات جانی سلامت بدر برده هریک خائفاً بترقب بگوشه‌ای خزیده و یا در شهری دور دست مسافرت نموده و یا در دهات و بیغولها رفته شاید بتوانند جان خود و خانواده خویش را از این مهلکه بدر برند . دیگر نه آرامش روحی و نه امید حیات بر کسی مانده است .

پسر پدر را تنها گذاشته و مادر دل از مهر فرزندان و جگر گوشگان خود کنده و شوهر رسته محبت زن و فرزند گسسته و هر يك در اندیشه نجات جان خویش و در این فکر که کجا رود و به که پناه برد که جانش در امان باشد . الحق دیدار این مناظر هولناک مسلمان را بیاد روز رستاخیز انداخته که : يوم يفر المرء من اخيه و امه و ابیه و صاحبته و بنیه ( سوره عبس آیات ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ ) می‌اندازد و از علم الیقین به حق الیقین میرساند .

جمعی از مؤمنین و مقدسین به آستان حضرت ثامن الحجج علیه و علی آباءه و ابائیه السلام پناهیده و مضمون این شعر را ورد زبان خود ساخته که :

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم

از بسد حادثه این جا به پناه آمده‌ایم

همگان یکدل و یک زبان با گریه و آه و زاری از حضرت قادر منان ظهور و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌طلبند و جزا و یسار و معینی سراغ ندارند چه او ولی خون شهیدان و دستگیر مستمیدگان و یار معین درماندگان است .

برای مردم راه چاره جز لطف خداوند کریم منان از همه جهات بسته و همه امیدها بساحت قدس او پیوسته است اما چه میشود کرد آنچه که به ما میرسد در

اثر اعمال حال و گذشته خود ما می باشد و همه این مصائب و بلاها نتیجه گناهان ما می باشد .

خداوند در قرآن مجید درباره قوم حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام پس از ذکر نافرمانیهای آنان میفرماید : ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون (سورة البقره آیه ۶۱) .

قوم حضرت موسی علیه السلام در اثر نافرمانی از امر حق و ارتکاب گناه با ذلت و خواری و مسکنت بر آنها مقدر گردید : « و باؤا بغضب من الله » و در اثر کافر شدن به آیات و نشانههای خداوند و دستورات پیغمبران و کشتن آنها مورد غضب قرار گرفتند .

همه این بلاها که بر آن قوم نازل گردید بخاطر عصیان و نافرمانی کردن آنها و تجاوز از حدود خداوند بوده است .

آیا فراموش کرده ایم که در زمان گذشته چه می کردیم ؟ آیا گناهی بود که در جامعه مسلمین رواج نداشته باشد مسکرات علناً استعمال میشد و دکانهای شراب فروشی از طرف شهرداریها رسماً جواز کسب داشتند . قمارخانهها و فاحشهخانهها و دیگر اماکن فساد رسمی و علنی بود و کسی از آنها جلوگیری نمیکرد . رباخواری از مشاغل رسمی و امری رایج بود . زن مسلمان را بخاطر داشتن حجاب مورد اذیت و آزار و نکوهش و ملامت قرار میدادند . دولت و اولیای امور رسماً درباره حجاب دختران دستورات خلاف شرع و قرآن میدادند . مسجد و منبر جسمهائی بدون روح و قالبهائی بدون محتوا بودند . چه بسیار نفوس محترمی که بجرم اسلامخواهی در زیر شکنجه مأمورین از خدا بی خبر در زندانهای حکومت جان دادند و چقدر مردان دیندار و علماء با فضیلت حامیان اسلام و شریعت که بهمین جرم به حکم دادگاههای نظامی محکوم باعدام شدند و حکم درباره آنان اجرا شده

واحدی از آنان قدرت یساز کردن در آن شرایط سخت و محیط خفقان نیافت  
و مصداق فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطب که میفرماید :  
این قتیل مطلول و خائف مستجیر ( ص ۴۵۷ جلد سوم شرح نهج البلاغه مرحوم  
فیض الاسلام ) بظهور پیوست .

یعنی ( بعضی از مؤمنین کشته شده ( و خونش بهدر می رود ) و برخی از آنان  
( از جور ستمگران ) ترسیده و پناه می طلبند ( و نمی یابند ) .

همگان باید متذکر باشیم که آنچه بما می رسد نتیجه همان اعمال و کردارمان  
می باشد که جمعی بدان آلوده بودند و عده ای در اثر نهی از منکر نمودن گرفتار  
عذاب آن شدند . خداوند در قرآن کریم در سوره سجده میفرماید : ولنذیقنهم  
من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلمهم یرجعون ( آیه ۲۱ ) یعنی ما از  
راه لطف و کرم به این مردم گناهکار نافرمان از عذاب کوچک و نزدیک خود  
( در دنیا ) قبل از عذاب بزرگ و سخت قیامت می چشانیم شاید از راه گناه  
و معصیت برگردند و براه راست هدایت شوند و همچنین به بندگان معصیت کار  
میفرماید : واستغفروا ربکم ثم توبوا الیه ان ربی رحیم وودود (سوره هود آیه ۹۰)  
ای مردم گنهکار طلب آمرزش کنید از پروردگارتان سپس از گناهانتان توبه کنید  
بدرستی که خدای من مشفق و مهربانست . چه نوید جانبخشی از شفقت و مهربانی  
خداوند نسبت به اهل معصیت سخن میگوید و در یک آیه دیگر کیفیت توبه را  
بدینگونه بیان میفرماید که : یا ایها الذین آمنوا توبوا الیه توبه نصوحاً عسی  
ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم ( سوره التحریم آیه ۸ ) ای کسانی که ایمان آورده اید  
( از گناهان خود ) بسوی خدا توبه کنید همانگونه که نصوح توبه کرد شاید  
خداوند گناهان شما را بیامزد .

همه مسلمانها که اکنون گرفتار مصائب جانفرسا و جنگ و نزاع و ویرانی و سختی معیشت و دیگر بلاها می‌باشند باید متذکر باشند که این پیش آمدها همه و همه از الطاف بیکران خداوندی است نسبت به بندگان گنهگار خود تا شاید از خواب غفلت بیدار شوند و از معصیت دست برداشته و رو بخدا آورند .

همچنین باید متوجه باشیم که این مصائب در حقیقت امتحان و آزمایش خداوندی است از بندگان خود تا مؤمن و منافق شناخته شوند . چنانکه در قرآن مجید میفرماید : أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا امنا وهم لا یفتنون (سورة العنکبوت آیه ۲) آیا مردم تصور کردند که به مجرد اینکه بر حسب ظاهر گفتند ایمان آوردیم آنان را رها کرده و آنها را آزمایش نمی‌نماید .

بنابراین مصیبت‌های وارده بر انسان نیز از نعمتهای خداوند است همچنانکه گاهی آسایش و آرامش و بی‌نیازی موجب دور شدن از رحمت‌های بی‌منتهای حضرت احدیت جل ثناؤه می‌باشد چنانکه در قرآن میفرماید : کلا الانسان لیطغی أن رآه استغنی (سورة العلق آیه ۶ و ۷) از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند : ان تکونوا مؤمنین حتی تعدوا البلاء نعمة والرخاء مصیبة (التمحیص صفحه ۳۴ حدیث ۲۴) هرگز مؤمن نیستید تا آنگاه که بلا را نعمت و زندگانی راحت را مصیبت و رنج بشمارید .

و امید است که این خوف و اضطراب و وحشت و دهشت که اکنون عموم شیعیان جهان بالخصوص مردم ایران را فروگرفته است کفارة گناهان گذشته ما باشد و در آینده نیز خداوند ما را از آلودگی بگناه در باقی عمر در حفظ و مصون دارد . از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند :

إذا ما أصاب المؤمن تلك الموبقات شیئاً ابتلاه الله به بلیة فی جسده أو بخوف

يدخله الله عليه حتى يخرج من الدنيا وقد خرج من ذنوبه ( التمهيد ص ٤٠ )

حديث ( ٤١ ) .

با عرض معذرت از خوانندگان محترم بملت خارج شدن از مقصد اصلی  
وبدرازا کشیده شدن مقدمه مطلب بهمین جا خاتمه داده وبخواست خداوند شروع  
در مقصود می کنیم . بحول الله وقوته .

(٧)

حاج شيخ نورالله نجفي

ثقة الاسلام

(١٢٧٨ - ١٣٤٦)

(V)



## حاج شیخ نورالله نجفی

نام : حاج شیخ مهدی

شهرت : حاج شیخ نورالله ( شهرت بر نام غلبه یافته و نام متروک و مهجور مانده است .

پدر : حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی .

مادر : علویه زمزم بیگم صبیبه مرضیه علامه فقیه رجالی مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی از مخدره جان جان خاتون دختر علامه کبیر مرحوم آقا شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء علویه نامبرده مادر مرحوم حاج آقا نورالله در سفر مکه معظمه در بین راه وفات یافته است .

مرحوم حاج آقا نورالله چهارمین فرزند پسر مرحوم شیخ و پنجمین اولاد آن بزرگوار بوده است .

تولد : مشار الیه در سال ۱۲۷۸ در اصفهان متولد گردید .

لقب : پس از فوت مرحوم حاج شیخ محمد علی برادر بزرگتر وی که ملقب به ثقة الاسلام بود ایشان به این لقب مشهور گردید یعنی ( ثقة الاسلام ) .



و درگیر و دار مشروطیت که آن مرحوم قدرت و نفوذ زیاد در اصفهان و اطراف یافت بشرحیکه اجمال آنرا بعداً می نویسیم به شاه نورالله مشهور شد .  
اما این اندیشه که مرحوم حاج آقا نورالله ثقة الاسلام در نهضت به قم و قصد دگرگونی حکومت رضا خانی خود خیال حکومت و سلطنت داشته است بنظر نویسنده اندیشه‌ای واهی و بی بنیاد است .

**گفتار نویسندگان و بزرگان درباره مرحوم حاج آقا نورالله نجفی  
علیه الرحمه :**

عموم نویسندگان کتب تاریخ و رجال که از مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نورالله نجفی در کتابها و نوشته‌های خود ذکری کرده‌اند ویرا بعظمت و بزرگی و علم و سیاست و آزادیخواهی ستوده‌اند اکنون جهت آگاهی خوانندگان محترم بیان چند تن از آنها نقل میشود :

۱ - مورخ و محقق بزرگوار معاصر جناب آقای ابراهیم صفائی در کتاب :  
رهبران مشروطه ( ص ) درباره او می نویسد :  
مصلحی با تقوی و مجاهد بزرگ و روحانی مبارز بشمار میرفت و بی شک یکی از رهبران واقعی مشروطه است که روی احساسات ملی مبارزه کرد و از هیچ چیز دریغ نداشت با شرافت و تقوی زیست و در حفظ حقوق مردم و حدود احکام الهی و عدالت اجتماعی تا آنجا که توانست جهاد کرد .  
( آثار ملی اصفهان صفحه ۶۳۸ نقل از رهبران مشروطه ) .

۲ - مرحوم استاد جلال الدین همائی در پاورقی دیوان طرب ( ص ۱۶۳ )  
درباره آن مرحوم می نویسد :  
مرحوم حاج آقا نورالله را حفاً باید بزرگترین عالم سیاسی عهد خود در

اصفهان شمرد ، سهم او در نهضت مشروطیت ایران در واقع کمتر از سیدین ( آقا سید عبدالله بهبهانی و میر سید محمد طباطبائی ) نبود در وقایع مهم مملکت از قبیل قضیه « محمد علیشاه » و دوره استبداد صغیر و حوادث جنگ بین الملل اول و امثال و نظائر آن همه جا صمیمیت و ثبات قدم و فداکاری خود را در خدمت بملک و مملکت ایران بمنصه ظهور رسانید . آخرین قیام او برضد پاره‌بی‌ازامور و مقررات او ایسل عهد « رضا شاه پهلوی » است که بنهضت دسته جمعی علمساء و اجتماع ایشان در بلده قم و عاقبت بموافقت دولت با خواسته‌های مشروع وی که از آن جمله حفظ قانون اساسی و مسئله پنج نفر طراز اول بود منتهی گردید ، و در همان سفر بلده قم ناگهان بدرود حیات گفت . . . .

مرحوم استاد همائی در مقدمه دیوان طرب ( ص ۱۳۵ ) نیز نامی از مرحوم حاج آقا نورالله برده که بعداً نقل خواهیم کرد انشاء الله تبارک و تعالی .

۳ - مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری مؤلف کتابهای تاریخی : آگهی شهان از کار جهان و تاریخ اصفهان نصف جهان و تاریخ اصفهان وری و تاریخ اصفهان ، در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۹۸ ) در ضمن وقایع سال ۱۳۴۶ می نویسد :

آقای حاج شیخ نورالله دارای خلایق خوب و خصالی نامطلوب بود . در حیا و تواضع و حلم و علم و شجاعت و شهامت و عدم خدیعت و اطف محاورت و حسن بیان در معاشرت عین القلاده آقایان مسجد شاه مینمـود که از پاره‌ای از حرکات دیگران و تکفیر و تفسیق مردم براهت داشت ولی در سخاوت و صرف اوقات را بتدریس یا برسیدگی حال ارباب حاجات کوتاه می آمد . بیشتر را با زنان خوش داشت بگذارند . سیاستش هم حب ریاست بود و پیشرفت اندیشه خود و مقید به نیک و بسد در سرانجام امر نبود بختی بلند و ثروتی گرامند داشت

و با آنکه فرزند نداشت بجمع اموال آزمند و نیازمندان را نژند میگذاشت و حسن قبولی داشت که هر قدر دوستانش بدلسوزی می گفتند این ماری خوش خط و خال است بگرد پای اهل علم پاسخ میداد ، نه چنین است بلکه دسته گل‌های رنگارنگ است املاك و اموالش را وقف و وصایائی کرد که می گویند عمل به آنچه خواسته نمیشود . . . . .

نویسنده گوید : مرحوم انصاری از وابستگان دستگاه ظل السلطان بوده و خود و پدرش در آن دستگاه مصدر خدماتی بوده‌اند و در کلیه تألیفات خود از ظل السلطان همه جا بخوبی یاد می‌کند و گناه آنهمه ظلم و تعدی را بگردن اطرافیان او میگذرد ضمناً با مشروطه نیز نظر موافق ندارد و عموماً از مشروطه خواهان بعنوان افراد ساده و فریب خورده و اینگونه صفات یسار می‌کند . بنابراین در قضاوت او درباره مرحوم حاج آقا نورالله باید دقت بیشتری نمود .

۴ - مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب : المآثر والاثار (ص ۱۸۴) درباره او می‌نویسد :

حاج آقا نور الله : خلف الصدق حجة الاسلام حاج شیخ محمد باقر اعلی الله مقامه از جمله فقهاء و کبراء علماء اصفهان است پس از تکمیل مراتب فقاہت در نجف اشرف بمکه رفت و فریضه حج گذارده باصفهان آمد . فی التاريخ دو سال است که آنجا بتدریس و ترویج قرین اشتغال است .

نویسنده گوید : سال تألیف کتاب : المآثر والاثار سال ۱۳۰۶ قمری بوده بنابراین مراجعت مرحوم حاج آقا نورالله او اواخر سال ۱۳۰۴ و یا اوایل ۱۳۰۵ بوده و در این موقع سن آن مرحوم قریب ۲۸ سال بوده است .

۵ - علامه جلیل مرحوم حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (ص ۳۴)

پنجاهم) می‌نویسد :

كان عالماً جليلاً رئيساً مطاعاً . . .

۶ - مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری (ص ۳۹۴ چهارم) درباره او می‌نویسد :

حاج آقا نورالله اصفهانی ثقة الاسلام . . . از علمای روشنفکر ، باسواد ، صاحب نفوذ خوشگذران و متمول درجه اول اصفهان بوده است .  
در میان افراد مسجد شاهی‌ها در متأخرین حاج آقا نورالله و در متقدمین شیخ محمد تقی جد او اعلم بوده‌اند .

#### قضاوت بی جا :

همانگونه که مشاهده شد نویسنده کتاب : شرح حال رجال ایران یعنی مهدی بامداد مرحوم حاج آقا نور الله را در بین متأخرین از علمای مسجد شاهی اعلم می‌نویسد .

البته قضاوت در این گونه مطالب حق امثال من نویسنده این سطور و آقای بامداد نیست در خاندانی که علامه مرحوم حاج شیخ محمد باقر استاد فقهاء و مجتهدین زمان و مرحوم آقای نجفی و بالاخره مرحوم شیخ محمد باقر الفت و بالاخص علامه فقیه ادیب محدث جامع مرحوم آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی وجود دارد تشخیص اعلامیت کارآسانی نیست که نویسنده‌ای که از علوم اسلامی آگهی ندارد درباره آن اظهار نظر کند .

#### ادوار زندگانی مرحوم حاج آقا نور الله :

برای آنکه بهتر بتوانیم به زندگانی مرحوم حاج نورالله و افکار و اندیشه‌های

او واقف شویم دوران هفتاد ساله عمر او را بدینگونه منقسم می‌کنیم :

۱ - دوران کودکی و تحصیل در ابتدای جوانی در اصفهان .

۲ - دوران تحصیل در اعقاب مقدسه : نجف و سامراء .

۳ - مراجعت به ایران و شروع بفعالیت‌های علمی و اجتماعی و سیاسی .

۴ - توقف در اصفهان .

مرحوم حاج آقا نورالله از سال ۱۳۰۴ ( یا ۱۳۰۵ ) که به اصفهان مراجعت نموده تا سال ۱۳۴۸ یعنی متجاوز از چهل و یک سال از عمر خود را تماماً در کوشش و کوشش در راه مبارزات بوده است بدین ترتیب :

۱ - مبارزه بایدینی و فساد در کنار برادر خود مرحوم آقا نجفی علیهما الرحمة.

۲ - مبارزه با استبداد و قدرت شاه و حکومت و فداکاری در راه تحقق بخشیدن

به مشروطیت و نظام قانون و عزل ظل السلطان و بالاخره مهاجرت بقم علیه استبداد رضا خانی .

۳ - مبارزه با استعمار و استثمار خارجی در کلیه ابعاد آن :

الف: از جنبه اقتصادی از تأسیس شرکت اسلامیة - مبارزه علیه تجارتخانه‌های

خارجی و تحریم کالاهای خارجی و استعمال پارچه‌های داخلی .

ب : از جنبه فرهنگی از تأسیس انجمن صفاخانه - نشر و چاپ مجله دعوت

اسلامی و غیره .

در باره هر يك از مطالب فوق و دیگر مطالب مربوط به آن در دنباله همین

مقال سخن خواهیم گفت .

اساتید و مشایخ اجازه مرحوم حاج آقا نورالله :

مرحوم ثقة الاسلام مبادی علوم و مقدمات را از علوم ادبی و صرف و نحو

وقسمتی از فقه و اصول در اصفهان در نزد جمعی از دانشمندان این شهر که از آنجمله است پسر بزرگوار او و مرحوم ملا محمد نقه‌ای (پسر مرحوم حاج ملا اسماعیل نقه‌ای) و برخی دیگر از علماء بخوبی فرا گرفت سپس قبیل از سال ۱۳۰۰ ظاهراً حدود ۱۲۹۵ جهت تکمیل به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام رهسپار شد و مدتها در نجف و سپس بسامراء مهاجرت کرد و در این دو شهر در نزد عده‌ای از اعظام مجتهدین حاضر شده و از مباحث علمی آنان بهره‌مند گردیده و در آن زمانها بسال ۱۳۰۰ با اتفاق برادر بزرگ خود مرحوم حاج شیخ محمد حسین به مکه معظم جهت اداء فریضه حج مشرف گردیده و تا سال ۱۳۰۳ و شاید تا سال ۱۳۰۴ در سامراء از مباحث حضرتین آیتین میرزایین رشتی و شیرازی استفاده نموده سپس با اخذ اجازات از اساتید بزرگوار خود و دیگر بزرگان به اصفهان مراجعت نموده و چون دارای روحی انقلابی و آزادپخواه بوده از همان ایام وارد در کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی گردیده و تا آخر عمر حتی يك هفته و يك روز آرام نگرفت .

اینک اسامی برخی از اساتید و مشایخ اجازه او تا آنجا که یقین داریم و بنا از دیگران شنیده‌ایم :

۱ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی نجفی پدر بزرگوارش استاد و شیخ روایت .

۲ - مرحوم آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی استاد .

۳ - مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای شیرازی) استاد .

۴ - مرحوم آقا سید حسن صدرالدین کاظمینی .

۵ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین نجفی برادر آن مرحوم .

- ۶ - مرحوم حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی .  
 ۷ - مرحوم حاج شیخ محمد طه نجف نجفی .  
 ۸ - مرحوم آیت الله آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی .  
 ۹ - مرحوم ملا محمد نقنه‌ای ( پدر مرحوم حاج ملا اسماعیل نقنه‌ای )  
 مرحوم آقا ملا محمد و فرزندش حاج ملا اسماعیل و نواده‌اش ملا محمد نقنه‌ای  
 همگان از علماء وابسته به آقایان مسجد شاه بودند رحمة الله علیهم اجمعین .

### شاگردان و مجازین - تدریس :

مرحوم حاج آقا نور الله با وجودیکه در فقه و اصول و کلام و حکمت زحمتهای کشیده بود و بمقام استادی در این علوم و فنون رسیده بود و طبق گواهی برخی از شاگردان ایشان که تا این تاریخ در قید حیات می‌باشند در موقع تدریس چون دریای مواجی بود که دامن طالبین را از گورهای تحقیق انباشته می‌نمود بجهت گرفتاریهای سیاسی و کارهای اجتماعی که بدان اشتغال داشت کمتر به امر تدریس و مطالعه میپرداخت فقط در اوائل ورود از نجف چند سالی شاید تا سالهای مبارزات علیه بیگانگان بعنوان تحریم تنباکو - جلوگیری از فرقه ضاله دست نشانده بیگانه و غیره و باز یکی دوسه سال اواخر عمر بخصوص سال ۱۳۴۲ دیگر بکار تدریس پرداخته است .

در کتاب : اعلاط در انساب ( صفحه ۱۶ ) بنقل از نسب نام مرحوم الفت

می‌نویسد :

در خلال این سنوات ( اوائل زمامداری سردار سپه ) درسی در مسجد شاه اصفهان شروع کرده و بعقیده بعضی این حوزه درس حاج آقا نورالله جهت ارباب دولت وقت بود . موضوع درس مسأله : جبر و تفویض بود و طلاب قریب ( کمتر

از ) هزار کس برای منبر تدریس حاضر میشدند ( مرحوم بلاغی می‌نویسد: وانا منهم ) در اول به هر نفری چهار تومان شهریه داد در اوایل ماه دوم جلسه تعطیل شد .

( ناگفته پیداست که عده زیادی فقط بخاطر ماهی چهار تومان به جلسه درس می‌آمدند و مسلم است باگرفتن این حقوق در آن سالها در ماه بعد جمعیت زیاد میشده لکن آنها که حقاً طالب علم بودند و میتوانستند از بیانات و تحقیقات علمی استاد استفاده کنند خیلی کم بوده است و شاید عات تعطیل جلسه نیز همین بوده است ) .

عالم جلیل آقای حاج شیخ حیدرعلی محقق عالم واعظ معاصر که از حاضرین در آن جلسات بوده‌اند و بحمد الله اکنون در قید حیات می‌باشند و محراب و منبر به ارشاد و هدایت مردم اشتغال داشته و بوظائف روحانی خود عمل میفرماید ضمن بیان کیفیت تدریس مرحوم حاج آقا نورالله از مقامات علمی آن بزرگوار تجلیل و تکریم میفرمودند .

با توجه به تعداد ( قریب هزار نفر یا عده‌ای کمتر از هزار نفر ) طالبان علم حاضر در آن جلسات معلوم میشود که بیشتر طلاب اصفهان از محضر آن عالم بزرگوار بهره‌مند شده‌اند و همچنین در دوره اول تدریس ایشان عموم و یا عده زیادی از کسانی که بدرس مرحوم آقا نجفی و حاج شیخ محمد علی حاضر میشدند بدرس ایشان نیز حاضر شده و از بیانات علمی او بهره‌مند میشده‌اند اینک اسامی چند تن از شاگردان دوره دوم ایشان بنا بنقل معتمدین و حاضرین در آن جلسه :

۱- مرحوم آقا سید ابوالقاسم موسوی شاه‌کرمی فریدنی فوت ۱۳۸۴ ق . ه

۲- مرحوم حاج ملا اسدالله فاضل بیدآبادی

۳- مرحوم آقا سید محمد باقر موسوی نحوی بیدآبادی



۴ - مرحوم آقا جواد خادمی فرزند آقا سید علی بن آقا سید ابو جعفر خادم

الشریعه

۵ - مرحوم آخوند ملا حسین کرونی

۶ - مرحوم آقا سید محمد حسین حسینی شوندی همدانی اصفهانی

۷ - آقای حاج شیخ حیدر علی محقق

۸ - مرحوم شیخ حیدر علی آدرمن آبادی

۹ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا محمود آبادی

۱۰ - مرحوم آقا میرزا محمد رضا فرزند حاج ملا طاهر شهرکی معروف به

الهی ( فوت ربیع الثانی ۱۳۶۱ )

۱۱ - مرحوم آقا میرزا محمد رضا رشتی فرزند حاج میرزا ابو تراب رشتی

اصفهانی

۱۲ - مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی معروف به آقا میرزا فرزند سید

مهدی بن ابوالحسن بن علامه سید صدرالدین عاملی

۱۳ - مرحوم حاج سید عبدالحجت بلاغی فرزند مرحوم سید حسن حسینی

نائینی

۱۴ - مرحوم حاج سید عبدالعلی طباطبائی عقدائی

۱۵ - مرحوم سید عبدالوهاب معین العلماء ومهدوی از شاگردان دوره اول

فوت رمضان ۱۳۵۸ . ۸ ق

۱۶ - مرحوم حاج شیخ عزالدین نجفی فرزند علامه فقیه آقا شیخ محمد

رضا مسجد شاهی

۱۷ - مرحوم آقا سید علی بن سید ابراهیم مقدس حسینی بیدآبادی

۱۸ - مرحوم حاج ملا علی بن ملا ابو تراب مارینی واعظ

- ۱۹ - مرحوم میرزا علی بن میرزا ابو تراب بروجردی اصفهانی واعظ
- ۲۰ - مرحوم آقا میر سید علی زفره‌ای اصفهانی
- ۲۱ - مرحوم حاج سید علی بن حاج سید مهدی کرمانی موسوی اصفهانی  
فوت جمادی الاولی ۱۳۷۸ هـ . ق
- ۲۲ - مرحوم میرزا علی اصغر شریف فوت ربیع الاول ۱۳۸۴ هـ . ق
- ۲۳ - مرحوم آقا شیخ علی فرزند شیخ محمد باقر فقیه فریسنی متوفی در  
دی حجه ۱۳۷۳
- ۲۴ - مرحوم آقا شیخ محمد علی جبل عاملی سدهی
- ۲۵ - مرحوم شیخ محمد علی بن شیخ حسن عندلیب بیدآبادی
- ۲۶ - مرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام موسوی مازندرانی اصفهانی  
شمس آبادی
- ۲۷ - مرحوم حاج میرزا فتح الله درب امامی فرزند مرحوم حاج میرزا  
بدیع موسوی ( ۱۳۰۱ - ۱۳۷۷ )
- ۲۸ - مرحوم سید فخرالدین بن سید مهدی حسینی بهشتی متوفی در جمادی  
الثانیه ۱۳۳۸ هـ . ق
- ۲۹ - مرحوم سید فضل الله حسینی بهشتی فرزند سید محمد هاشم فوت  
محرم ۱۳۸۲ هـ . ق
- ۳۰ - مرحوم آخوند ملا کاظم بیدآبادی فوت محرم ۱۳۶۷ هـ . ق
- ۳۱ - مرحوم مجد العلماء نجفی فرزند علامه جلیل آقا شیخ محمد رضا  
مسجد شاهی
- ۳۲ - مرحوم حاج ملا محمد هرتمنی فوت ۱۳۶۱ هـ . ق در مسافرت مکه  
معظمه

- ۳۳ - مرحوم ملا محمد دهاقانی
- ۳۴ - مرحوم آقا سید مرتضی طباطبائی بیدآبادی مسئله گو
- ۳۵ - مرحوم حاج سید مرتضی شهرستانی موسوی فوت ربیع الثانی ۱۳۸۷
- ۳۶ - مرحوم آقا شیخ مهدی حقوقی فرزند مرحوم حاج میرزا محمد علی واعظ فوت ربیع الاول ۱۳۷۳ هـ ق
- ۳۷ - مرحوم شیخ نورالله دهاقانی معروف به نورشرف فرزند ملا علی محمد فوت ذی حجه ۱۳۷۱ هـ ق
- وعموم طلاب و مشغولین و جمعی کثیر از علماء و ائمه جماعت و اهل منبر و ذاکرین اصفهان و حومه آن
- ۳۸ - مرحوم حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه ( صفحه ۳۵ پنجاهم ) در ضمن شرح حال مرحوم حاج آقا نورالله نجفی می نویسد :
- آقای مرعشی نجفی ( حضرت آیت الله العظمی حاج سید شهاب الدین ) از او روایت می کنند و او از پدرش و او از مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بیدآبادی .
- نویسنده گوید : تا کنون از مجازین از ایشان غیر از حضرت آیت الله مرعشی دیگری را نمی شناسیم .

### تالیفات :

مرحوم حاج آقا نورالله نجفی دارای تألیفاتی بفارسی و عربی بشرح زیر می باشد :

۱ - تقریظ بر کتاب : حقایق الحق للقائم بالحق تألیف میرزا محمد تقی بن

حاج محمد علی نراقی تاجر همدانی متوفی بسال ۱۳۴۰ که در رد بایه و بهائیه نوشته و در سال ۱۳۲۷ بچاپ رسیده است ( ص ۲۴۹ یکم فهرست کتب چاپی مشار ) .

۲ - خصال الشیعه مطبوع در هند ( ص ۱۸۹۰ فهرست کتابهای چاپی مشار )  
و در الذریعه ( ص ۱۶۲ هفتم ) می نویسد تألیف شیخ مهدی از معاصرین ( بدون ذکر نام حاج آقا نورالله ) و آن ترجمه چندین حدیث در بیان خصال و صفات شیعه می باشد و در خاتمه آن مواعظی است .

۳ - دیوان اشعار ( یا اشعار ) مرحوم ثقة الاسلام بحرینی و فارسی شهرمیسروده  
و اگر هم آنها جمع آوری شود خود دیوانی خواهد شد .

۴ - رساله در فوائد مشروطه بنا بنقل یکی از بزرگان .

۵ - شرح حال مرحوم حاج شیخ محمد حسین برادر ایشان بحرینی در آخر تفسیر قرآن تألیف مرحوم حاج شیخ محمد حسین بچاپ رسیده است .

۶ - مقیم و مسافر ( صفحه ۱۲۷ بیست و دوم الذریعه ) زبان فارسی در اصفهان بطبع رسیده است مرحوم مشار در فهرست کتب چاپی فارسی ( صفحه ۴۸۷۱ چهارم ) می نویسد :

مقاله مقیم و مسافر: مکالمات حاجی مقیم و مسافر در بیان حقیقت معنای مشروطه مطلقه است که ما بین حاجی مقیم تاجر کاشانی و میرزا مهدی مسافر در قریه سعادت آباد در خانه میرزا هدایت الله الله آبادی واقع شده و موسوم است به : مقاله مقیم و مسافر یا مکالمات حاجی مقیم و مسافر ( صفحه ۴۹۰۵ فهرست نامبرده ) در سال ۱۳۲۷ قمری بقطع جیبی چاپ سنگی بدون شماره صفحه در طهران ( در اصفهان ) بچاپ رسیده است .

نویسنده گوید : ظاهراً این کتاب همان : رساله در فوائد مشروطه (شماره ۴) می باشد .

### مبارزه با بیدینی و فساد :

یکی از وظائف اصلی علماء مبارزه با فساد و بی دینی بهر اسم و عنوان که باشد بوده و علماء بزرگوار شیعه در طول تاریخ پر افتخار خود در هیچ موقع از انجام این وظیفه خطیر و اساسی غفلت نفرموده و تا پای جان ایستادگی کرده اند و بمفاد آیه شریفه « وجادلهم بالتی هی احسن » عمل فرموده اند .

پس از جنگ های ایران و روس و حکم جهاد که بوسیله مرحوم آقا سید محمد مجاهد داده شد گرچه بر حسب ظاهر ایران شکست خورد لکن خارجیا متوجه قدرت روحانیت شده و در صدد از بین بردن آن برآمدند و چون شیعه مجتهدین را نواب عام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف میدانند سیاست بیگانه مقتضی آن شد که برای مردم سست عقیده مهدی بتراشد و امام زمان بسازد .

در قبل از سال ۱۲۶۰ پسر میرزا رضای بزاز شیرازی را باین عنوان معرفی کردند و کسانیرا همچون معتمد الدوله منوچهر گرجی مأمور بزرگ کردن او نمودند و وزیر بی تجربه ای مانند امیر کبیر میرزا تقی خان را تحریک کردند که او را بکشد بعداً در گوشه و کنار مملکت هر روز بلوایی و شورش پیا پی کرده و عده ای بی گناه را طعمه شمشیر و تیر نموده و هلاک ساختند .

در سال ۱۲۹۶ در اصفهان قصد شورش داشتند که بوسیله مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی از بین رفت دفعه دیگر در سال ۱۳۰۷ در این شهر قصد

آشوب داشتند که آنهم بوسیله مرحوم آقا نجفی سرکوب شد ( شرح هر دو ماجرا قبلاً بطور اجمال نوشته شده است ) .

در این دو جریان مرحوم حاج آقا نور الله در یکی ناظر و در دیگری یار و معین برادر بوده و بهمین علت ناصرالدینشاه ایشانرا نیز بطهران احضار نموده است .

هر دو برادر بطهران مهاجرت فرموده و مورد اعزاز و احترام قاطبه علماء و کلیه طبقات مردم قرار گرفته و شاه نیز مجبوراً برخلاف خواسته نمایندگان دول بیگانه از آنان احترام نموده و آنان با کمال عزت و احترام به اصفهان مراجعت نموده اند . این اولین مرتبه‌ای است که مرحوم حاج آقا نور الله را در صحنه سیاست و روبروی دستگاه حکومت مشاهده می کنیم .

### مبارزه با بایها :

میدانیم که باب و بهاء ساخته و پرداخته سیاست خانه بر انداز خارجیها و برای مبارزه با علماء شیعه و مسلمانها بوده و می باشند از اینرو در طول تاریخ ننگین صد و پنجاه ساله خود مرتکب خیانتها و جنایتهای زیادی شده اند و دولتهای وقت نیز بر حسب اراده بیگانگان مستقیماً و یا غیر مستقیم از آنها حمایت می کرده است اینک یکی از این جریانات که در سال ۱۳۲۱ رویداده و مربوط به مرحوم حاج آقا نور الله میشود ( شرح مفصل آن در تاریخ زندگانی مرحوم آقا نجفی ذکر شد ) . مظفرالدینشاه که پادشاهی علیل و بیمار بود و در طول سلطنت خود غیر از مسافرت بخارج از کشور و قرض کردن از بیگانگان کاری برای کشور انجام نداد و اگر مفهوم مشروطه را نیز می فهمید هرگز حاضر نمیشد که قانون آنرا امضاء کند

بطوریکه نقل است که یکی از سفرای بیگانه پس از آنکه شاه حکم مشروطیت ایران را امضاء کرد گفته بود: «نه شاه فهمید چه چیزی به ملت داده و نه ملت میدانند که چه قدرتی بدست آورده است» ( مفهوم عبارتی است که شاه گفته ) .

در این موقع که چند نفر بایی که مطابق قانون شرع مطهر باید کشته میشدند کشته شده‌اند شاه فرمان احضار دو عالم بزرگوار دو مجتهدی که حق حکومت دارند را صادر کرده و آنان را بطهران احضار می کند و مدت تقریباً يك سال در آن شهر فقط بخاطر رضایت سفارتهای خارجی نگاه میدارد و چون علماء بزرگوار نجف و کربلا و همچنین مجتهدین بزرگوار طهران و اصفهان و دیگر شهرهای ایران در این باره به شاه و صدر اعظم فشار می آورند آنان را اجازه مراجعت می دهند .

در این جریان گرچه ظاهراً مرحوم نفع الاسلام حاج آقا نورالله دخالتی نداشته است لکن دولت وقت و حاکم اصفهان و قنسوگریهای انگلیس و روس در این شهر که وجود او را در اصفهان مخالف منافع استعماری خود میدانسته و باین وسیله مدتی ویرا از اصفهان خارج نموده تا شاید از نتایج اقدامات او در تشکیل شرکت اسلامی و دیگر مبانی ضد استعماری بکاهند .

### مبارزه با اقتصاد استعمارگران :

در آن موقع که دولتهای استعمارگر انگلیس و روس چنگالهای خود را بر حمانه در اعماق ملت فرو برده و بعنوان توسعه تجارت در شهرهای مختلف ایران مؤسسات تجاری از بانك و تجارتخانه و صرافخانه و حتی بیمارستان و مدرسه تأسیس میکردند و اجناس گوناگون از انواع پارچه و بلور و غیره و همچنین دارو تا کاغذ وارد میکردند و آنها را بقیمت‌های نسبتاً ارزان و شرایط مناسب به مردم فقیر و از همه جا بی خبر

میفروختند و کمکم مردم ایران را در تحت سیطره و قدرت اقتصادی خود در آورده و محتاج به خویش مینمودند و عده‌ای از بازرگانان از روی بی خبری و جمعی بعلت سودجویی عمال و دست‌اندرکار آنان شده و کالاهای بیگانه را ترویج میکردند که در نتیجه بازار کالاهای داخلی کساد شده و از رواج میافتاد و کارگران ایرانی بیکار و فقیر و محتاج میشدند .

مردم از همه جا بی خبر و ناآگاه نیز بعلت عدم رشد اجتماعی و هم بعلت مرغوبی اجناس خارجی و لطافت و ظرافت آنها و یا بسبب غرب زدگی که خود نیز از آن بی خبر بودند بخريد و مصرف اجناس بیگانه راغب و مایل و شاید دلیل بر بزرگی و شخصیت خود قرار میدادند .

شاه مملکت وزراء و بزرگان نیز با گرفتن رشوه از صاحبان مؤسسات خارجی در ترویج و پیشرفت کار آنان موافقت نموده و با عقد قرار دادهای تجارتي هر روز مشکلی بر مشکلات مملکت می‌افزودند .

در این بین تنها دسته‌ای که - متوجه نقشه استعمارگران و سودجویان خارجی را در تسلط بر جان و مال و عرض و ناموس مملکت شد و دانست که آنان از این کار :

- ۱ - قصد قبضه کردن تمام بنیادهای اقتصادی را دارند و در نتیجه آن
- ۲ - کارگران ایرانی بیکار و در دنباله بیکاری فقر اقتصادی و عمومی خواهد بود .

علماء بزرگوار بودند که با پیش دینی و عقل اجتماعی وزیر کی تمام نقشه‌های شیطانی دشمنان غدار یعنی دول استعمارگرو استعمار کننده را میخواندند و با توجه و یاد آوری از کیفیت نفوذ و تسلط انگلیس‌ها بر شبه قاره هند که به اسارت ملیونها



انسان زحمت کش و فقیر انجامید عاقبت کلر ایران را با این نقشه مزورانه بخوبی تشخیص دادند .

این علماء بزرگوار و حامیان افراد اجتماع بفکر چاره افتاده و راه مبارزه را منحصر در تحریم کالای خارجی و مصرف آن تشخیص کردند تا بتوانند از راه دین و دینداری که مردم ایران جداً بدان علاقمند بودند جلو پیشرفت سریع نفوذ اقتصادی بیگانگان را بگیرند تا بعداً با اقدامات دیگر از تأسیس کارخانجات بافندگی و شرکتها رفع نواقص و کمبود محصولات و ملزومات را بکنند .

در این جا نکته‌ای دقیق و قابل توجه می‌باشد و آن عبارتست از اینکه :

چون ملت ایران هنوز بحقیقت و ماهیت استعمارگران واقف نشده بود و آن آمادگی لازم را برای مبارزه همه جانبه با آنها نداشت لذا علماء اسلام عمل تحریم را از خود شروع کردند و با يك اعلامیه و توصیه نامه مردم را به پیروی آن دعوت و بوظیفه دینی و اجتماعی خود آشنا ساختند .

از این تاریخ دولتهای استعمارگر متوجه نقش اساسی علماء و برنامه‌کار آنان شده و هر روز نمایندگان آنها یعنی قنسواگریهای روس و انگلیس به سفارت خانه‌های خود در طهران جریان کار را گزارش میکردند و آنان دولت را برای رفع آن تحت فشار قرار میدادند .

اینك برای آگاهی بیشتر بذکریکی از اعلامیه‌های مرحومین آیتین آقای نجفی و حاج شیخ محمد علی مسجد شاهی اشاره می‌کنیم .

**يك سند قابل توجه :**

در سال ۱۳۱۵ قمری اعلامیه‌ای بامضای مرحومین حاجتین آیتین آقای نجفی

و آقای حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام در ۶ ماده بدیوار مساجد اصفهان چسبانیده شد و مردم را به پیروی از مواد آن تحریص و ترغیب و تشویق کرده بود .

مواد این اعلامیه بطور خلاصه بشرح زیر بود :

۱ - از استعمال پارچه‌های خارجی و فرنگی حتی المقدور خودداری شود .

۲ - علماء و طلاب لباس و عمامه خود را از پارچه‌های بافت ایران تهیه کنند

و ما خود نیز چنین می‌کنیم .

۳ - کفن اموات را از پارچه ایرانی ( کرباس - متقال ) تهیه کنند .

۴ - در مجالس میهمانی و غیره از تشریفات زائد جلوگیری شود و فقط

بیک نوع غذا اکتفاء شود .

۵ - روی کاغذ مارک دار انگلیسی قباله و سند نوشته نشود و ما نیز نمی‌نویسیم .

۶ - شهادت افراد تریاکی را در دعاوی نمی‌پذیریم .

مطالب این اعلامیه بسیار مهم و قابل توجه و دقت است و باید از نظر اجتماعی

و اقتصادی مورد دقت کامل قرار گیرد .

پس از انتشار این اعلامیه از طرف آندو عالم جلیل و پشتیبانی مرحوم حاج

آقا نور الله در منبر و مجالس درس و همچنین مجالس خصوصی اعلامیه‌ای از

جمعی از علماء معروف اصفهان در آن زمان صادر شد و همگی نوشتند که :

ما معتقد باین اصول بوده و به آن عمل کرده و می‌کنیم .

با انتشار این اعلامیه‌ها و اثر آن در اجتماع مأمورین تجاری بیگانه سخت

بوحشت افتاده و بدولت وقت در این مورد یادداشتی فرستادند .

یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۱۶ شرکت اسلامی بهمت مرحوم رکن‌الملک

نایب‌الحکومه اصفهان و مرحوم حاج شیخ نورالله نجفی و جمعی دیگر از تجار

در اصفهان تشکیل گردید .

مبارزه علماء اصفهان بزعامت آقایان مسجد شاه علیه تجارخانه‌های

خارجی :

پس از صدور اعلامیه مرحومین آیتین آقا نجفی و مرحوم حاج شیخ محمد علی نقة الاسلام و سخنرانهای مرحوم حاج آقا نورالله نجفی و از آن پس اعلامیه سایر علماء اصفهان عموم مردم از آن تبعیت کرده و از خرید و فروش اجناس خارجی و استعمال آن خود دارای کردند . این موضوع تجار وابسته به تجارت بیگانه و همچنین افراد تابع آن دولتها و قنسواگری آنان را سخت بوحشت و اضطراب انداخت که :

۱ - میادا دنباله این اعلامیه دستور دیگری محکمتر و شدیدتر صادر گردد .

۲ - سایر علماء شهرهای دیگر نیز به اصفهان تاسی کرده و از استعمال و فروش امته خارجی جلوگیری کنند .

۳ - مردم متدین و متعصب جهت خارجیها مزاحمت ایجاد کرده و از آنان سلب امنیت شود .

از اینرو سفارتخانه‌ها شروع به اقدامات سیاسی و دیپلماسی نموده از آنجمله :  
جارلرمارتیک نامه‌ای به مشیرالدوله صدر اعظم وقت نوشت و در آن صریحاً اظهار داشت که :

«از قراری که جنرال قنسول انگلیس اظهار میدارد هنوز تجار ایرانی جرأت نمی‌کنند که بطور وضوح و با آزادی مثل سابق با اروپا معامله کنند» (نقل از مجاهد شهید ص ۵) ، همچنین مشار الیه در یادداشت‌های خود به مشیرالدوله می‌نویسد :

« در مساجد و سایر نقاط علماء می گویند که :

مردم نباید امتعه خارجه را بخرند »

و همچنین می نویسد : علماء آنجا ( اصفهان ) بیشتر برضد تجارت خارجه

می باشند و مخصوصاً می گویند که امتعه خارجه نجس است .

جناب آقا نورالله در مسجد چند روز قبل از این گفته بودند که : «تجار داخله

باید حساب خود را با خارجه تصفیه کنند این اقدام اقدام وطن خواهی است » که

تجارت داخله را ترغیب و تجارت خارجه را خارج کنند . این مسئله نهایت اهمیت

را دارد مشتریان داخله و رشکست خواهند شد ( نقل از مجاهد شهید صفحه ۶ ) .

#### تاسیس شرکتهای تجارتهی :

دیگر از اقدامات مرحوم حاج آقا نورالله تشویق و ترغیب تجار و بازرگانان

به تشکیل شرکتهای بوده که از آنجمله است :

۱ - شرکت اخوت وابسته به تجار خونساری مقیم اصفهان که نظامنامه آن

در سال ۱۳۲۵ در سی صفحه بقطع جیبی بچاپ رسیده است .

در صفحه ۱۴ نظامنامه از توجهات مخصوص حضرت بندگان سرکار شریعتمدار

آقای ثقة الاسلام تقدیر و تشکر شده است .

ریاست این شرکت بعهده مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار بوده است .

در ماده ۱۹ ( صفحه ۲۲ ) می نویسد :

شرکت اخوت بکلی ازداد و ستمتاع خارجه بجهت خاصه خود ممنوعست

مگر بقدر ازوم که اجناس روشن بوده باشد فقط هم خود را مصروف ترقی امتعه

داخله و آوردن چرخ و اسباب کارخانجات لازم مفید خواهد نمود .

در ماده ( ۳۱ ) ( صفحه ۲۷ ) می نویسد :

تمام اجزاء از اماناء و شرکاء و مستخدمین شرکت مقدس حسب الشرط مجبورند لباس خود را از منسوجات وطنیه مصرف فرمایند .

در ماده ( ۳۵ ) اسامی و کلاء و مدیر شرکت را بدینقرار اعلام میدارد :

۱ - جناب مستطاب آقا ابوالقاسم تاجر خونساری .

۲ - جناب مستطاب حاجی محمد رضا تاجر خونساری .

۳ - جناب مستطاب آقا عباسعلی تاجر خونساری .

۴ - جناب مستطاب آقا عبدالباقی تاجر خونساری .

ریاست کلیه شرکت بعهدہ حاج محمد ابراهیم ملک التجار و منظور از تاسیس شرکت ترویج منسوجات و ملبوسات ملی داخلی و همچنین صنعت قالی بافی و شروع رسمی کار شرکت اول شعبان سال ۱۳۲۵ بوده است .

۲ - یکی دیگر از شرکتها که به تشویق مرحوم حاج آقا نورالله برای ترویج کالاهای وطنی در اصفهان تاسیس گردید : شرکت مسعودیه است ریاست این شرکت بعهدہ مرحوم حاج محمد حسین کازرونی و محل آن در بازار در سرای مسعودیه بوده است همچنانکه محل شرکت اخوت در سرای خونساریها قرار داشته است .

۳ - اتحادیه و شرکت تجارنی وابسته به ( اتحادیه سادات ایران ) که در سال ۱۳۳۴ نظامنامه و آمال نامه آن پچاپ رسیده است .

با توجه به این سه مؤسسه تجاری و پشتیبانی مرحوم حاج آقا نورالله نجفی از آنها بلکه تاسیس و تشکیل نیزه تشویق و ترغیب آن مرحوم بوده نظریه مرحوم ثقة الاسلام از جنبه اقتصادی و رفع نیاز از بیگانگان بوسیله خود ایرانیان بخوبی آشکار است .

بررسی دقیق و کامل در این موضوع یکی از موارد بسیار ضروری درباره زندگی مرحوم حاج آقا نورالله میباشد که اکنون ما را نه مجال و فرصت آنست و نه کتاب را بیش از این گنجایش .

### تشکیل شرکت اسلامی :

علماء بزرگوار شیعه با توجه به سرنوشت مملکت هندوستان و ماجرای کمپانی هند شرقی که به اسارت این ملت ستمدیده و استعمار و استثمار میلیونها انسان منتهی شد همه جا و همه وقت با نفوذ اقتصادی بیگانگان مخالف بوده و در راه از بین بردن آن از هیچ اقدامی کوتاهی نکرده اند داستان تحریم تنباکو در سال ۱۳۰۹ قمری یکی از این برخوردها و مبارزات علماء می باشد .

در اثر مسافرت های ناصر الدین شاه به اروپا و ارتباط با ممالک بیگانه پای تجار خارجی که همیشه عمال سیاست بوده اند به مملکت ایران باز شد و هر روز دامنه فعالیتشان گسترده تر میشد . پارچه های لطیف و ظریف کارخانه های اروپا جای پارچه های داخلی را گرفت و کارگران و فروشندگان اجناس داخلی همگی نزدیک به ورشکست و نابودی شدند اجناس بلوری و فلزی خارجی نیز جای خود را باز کرد یک عده تجار داخلی نیز که فقط بفکر اندوختن سرمایه بودند با آنها همدست شده و از جنبه اقتصادی و تجاری مشغول فعالیت دامنه داری شدند . این تجار دانسته و یا ندانسته آلت اغراض سیاسی بیگانگان بودند و متأسفانه در اثر ضعف دولت و عوامل دیگر برخی از آنان با کمال وقاحت و بیشرمی ترك تابعیت ایران را نموده تبعه آنان نیز شدند و بخیال خود با این نیرنگ جان و مال خود را محفوظ نگاه داشتند .

دولتهای بیگانه ( روس و انگلیس و . . . ) نیز به بهانه حفظ اتباع خود عده‌ای مستحفظ مسلح تربیت کرده و عملاً در کلیه امور داخلی مملکت دخالت میکردند و وزراء و حکام را به میل خود عزل و نصب کرده و آنان نیز خواسته اینان را عمل میکردند و در حقیقت خارجیها دولتی در داخل دولت ایران بودند .  
علماء و عقلاء مات این جریان را می‌دیدند و خون دل میخوردند و راه چاره را نمیدانستند تا آنکه :

مرحوم حاج آقا نورالله مسجد شاهی بانفاق جمعی از تجار و بازرگانان دیندار و مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملك نایب الحکومه اصفهان که الحق مردی عاقل و فهمیده و مسلمان و وطن خواه بود در ۶ شوال سال ۱۳۱۶ شکرکتی بنام : شرکت اسلامیة تأسیس نموده و در مجلسی که در منزل مرحوم رکن الملك نایب الحکومه تشکیل یافته بود ضمن خرید سهام شرکت حاضرین را بخرید سهام ترغیب و مردم را بپوشیدن لباس از پارچه های وطنی تشویق نمودند و در اثر اقدامات ایشان و دیگر علماء سهام شرکت بفروش رفته و اعضاء مدیره شرکت تعیین شدند و مرحوم حاج میرزا علی ادیب التجار بسمت رئیس و حاج محمد حسین کازرونی بعنوان مدیر عامل معین و شروع به کار کردند .

پس از تشکیل این شرکت و شروع کردن آن بفعالیت علماء اصفهان بزعامت مرحوم آقا نجفی و حاج آقا نورالله اعلامیه‌ای صادر کردند و مردم را از استعمال پارچه‌های خارجی منع نموده و تشویق و ترغیب نمودند که حتی المقدور لباسهای خود را از پارچه‌های داخلی تهیه کنند .

مرحوم حاج آقا نور الله در این مبارزه اقتصادی که بضرر خارجیها و نفع ایرانیها بود حد اعلائی کشش و کوشش را بکار برده و در منبر و مسجد و در مجامع عمومی و خصوصاً در باره آن بحث و گفته‌نگو میکرد .

او می گفت : مردم نباید امتعه خارجی را بخرند .  
او در منبری گفت : ای مردم، ما نباید سرمایه خود را به خارجیها بسپاریم .  
در یکی از منابر خود گفته بود : تجار داخله باید حساب خود را با خارجیها  
تصفیه کنند و این کار از اقدامات وطن خواهی است .

علماء دیگر نه تنها علماء اصفهان بلکه علماء نجف و کربلا نیز نظریات علماء  
اصفهان را در موضوع عدم تجویز استعمال امتعه خارجی تنفیذ نمودند اینک  
اسامی برخی از این مجتهدین بزرگوار :

۱ - آیت الله العظمی مرحوم حاج سید اسماعیل صدر اصفهانی از مراجع  
تقلید .

۲ - آیت الله العظمی آقا شیخ محمد حسن ممقانی .

۳ - آیت الله العظمی حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی  
از مؤسسين مشروطیت ایران .

۴ - محدث نوری مرحوم حاج میرزا حسین .

۵ - مرحوم شیخ محمد طه نجف .

۶ - مرحوم آقا شیخ عبدالله مازندرانی از مؤسسين مشروطیت ایران .

۷ - مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا فتح الله شریعت اصفهانی از مراجع  
بزرگ تقلید .

۸ - مرحوم آیت الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بنیان گزار  
مشروطیت ایران .

۹ - مرحوم آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی رضوان الله  
علیه از مراجع تقلید .



۱۰ - مرحوم مولی محمد شریانی نجفی از مراجع نجف اشرف .  
واز علمای اصفهان :

۱۱ - مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی از علماء اصفهان .

۱۲ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی از علماء اصفهان .

۱۳ - مرحوم حاج آقا حسن ملاذالاسلام بیدآبادی .

۱۴ - مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی لنجانی اصفهانی .

۱۵ - مرحوم حاج میرزا مهدی جویباره‌ای اصفهانی .

۱۶ - مرحوم ثقه الاسلام حاج شیخ نورالله نجفی مسجد شاهی .

واما هیئت مؤسس و مدیره این شرکت عبارت بودند از :

۱ - حاج محمد جعفر فرزند حاج زین العابدین معروف به عروس ارمنی .

۲ - حاج محمد حسین کازرونی معروف به حاج کاکا حسین مدیر عامل .

۳ - میرزا سلیمان خان رکن‌الملک نایب‌الحکومه اصفهان از مؤسسين اولیه

شرکت .

۴ - حاج میرزا علی ادیب‌التجار رئیس شرکت .

۵ - حاج محمد کاظم منقالی .

۶ - حاج میرزا محمد مشکی .

و جمعی دیگر از تجار و بازرگانان محترم اصفهان که فعلاً نام آنها را نمیدانیم.

این شرکت پس از شروع به کار اقدام به :

۱ - تأسیس شعبات مختلف در شهرهای ایران و خارج کشور همچون

هندوستان نمود .

۲ - با اعزام چند تن از گویندگان و غیره به شهرهای داخلی ایران شروع به تبلیغات دامنه‌داری نموده و مردم ولایات را آماده کمک به شرکت اسلامی اصفهان و همچنین تأسیس شرکتهائی مشابه آن نمودند از آنجمله :

سید جمال واعظ اصفهانی که در آن زمان هنوز در بین علماء و مردم بعنوان يك گوینده مذهبی شناخته میشد را به شیراز فرستاده و مشارالیه در آنجا کتاب : لباس التقوی را در سال ۱۳۱۸ تألیف و بچاپ رسانید و در آن از فوائد شرکت اسلامی سخنها گفت و فتاوی چند تن از مراجع بزرگ نجف را در این باره نقل نمود که دانشمند بزرگوار حجة الاسلام جناب آقای حاج شیخ رضا استادی طهرانی در مجله نور علم ( شماره ۵ دوره دوم صفحه ۲۰ ) نقل نموده اند طالبین مراجعه فرمائید .

#### تقاضای امتیاز :

از مطالب قابل توجه این رساله اینکه می نویسد :  
از قراریکه نوشته بودند شرکت اسلامی اصفهان بدرباردولت عریضه تقدیم کرده استدعای امتیاز راه آهنی باطراف اصفهان خواسته است چقدر نیکوتشبی کرده ( صفحه ۵۰ لباس التقوی ) .

#### نظامنامه شرکت اسلامی :

مجلسه مظفری چاپ بوشهر در شماره (نهم) صفحه ۱۳۶ شرحی مختصر راجع به شرکت اسلامی اصفهان و نظامنامه جدید آن که برای مدت ۶ سال از اول محرم سال ۱۳۲۰ تنظیم گردیده شرحی نوشته و از خدمات مرحوم حاج محمد

حسین امین الضرب در طهران و حاج آقا رضا رئیس التجار و آقا محمد تقی ملک التجار در خراسان یادآوری و قدردانی کرده و نامه ظل السلطان حاکم مقتدر اصفهان خطاب به مرحوم رکن الملک را که در اول نظامنامه مندرج بوده عیناً نقل کرده است .

این نظامنامه در ده فصل و یکصد و بیست ماده تنظیم شده است .

در صفحات ۱۸۶ و ۲۱۴ و ۲۲۵ شرحی راجع به شرکت اسلامیّه نوشته و در صفحه ۲۱۵ سود سهام شرکت را بترتیب از سالهای ۱۳۱۶ به بعد بدین شرح بیان داشته :

در سال ۱۳۱۶ سود هر سهم ۲۷ درصد بوده که بین مشترکین تقسیم گردیده است .

در سال ۱۳۱۷ سود هر سهم ۱۶ درصد بوده است .

در سال ۱۳۱۸ هر سهم ۱۲ درصد بوده است .

در سال ۱۳۱۹ سود هر سهم ۶ درصد بوده است .

ضمناً از اقدامات علماء عراق عرب و ایران خصوصاً اصفهان بالاخص حضرتین حجّتین آیتین آقای نجفی و آقای ثقة الاسلام و همچنین مرحوم رکن الملک تقدیر شده است .

مقدمه نظامنامه که در مجله نامبرده ( ص ۲۲۶ ) بچاپ رسیده بقلم سید جمال

واعظ ( صدر الواعظین اصفهانی ) تاریخ نظامنامه ذی القعدة الحرام ۱۳۱۹ می باشد .

قسمتی از نظامنامه در صفحات ۲۶۹ و ۲۷۳ مجله نامبرده بچاپ رسیده

است .

## جشن شرکت اسلامیة در بادکوبه :

در مجله مظفری شماره هفدهم ( ص ۲۶۲ ) شرحی راجع به جشن شرکت اسلامیة در بادکوبه در روز ۵ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نوشته که در آن جشن مرحوم حاج زین العابدین قمی اف از تجار محترم بادکوبه و مرحوم حاج میرزا عبدالمحمد تاجر اصفهانی هریک درباره شرکت اسلامیة سخن رانیهای جالبی نموده و نمونه پارچه‌های بافته شده در اصفهان را به حضار نشان داده و برای خرید آن همگان را تشویق و ترغیب نمودند .

## يك نمونه از احكام مجتهدین :

ذیلا جهت آگاهی خوانندگان عزیز سواد دستخط حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج میرزا فتح الله شریعت اصفهانی ( شیخ الشریعه ) را در این جا نقل نموده و مطلب را بهمین جا ختم می کنیم .

بسم الله الرحمن الرحيم .

عمارت دیار و آبادی امصار بعد از معدلت سلاطین با اقتدار و امراء فرمان گزار منوط به رواج تجارت است و رونق ملک و دولت به ترقی صنایع اهل صنعت است ، نان خود را در سر سفره مردم خوردن و به نعمت خویش منت از دیگران بردن و خانه خود سوختن و چراغ اجانب برافروختن و جامه خویش دریدن و کلاه بیگانه دوختن نه کار عقلاء است . گفته اند :

ملك از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزکاران کمال پذیرد . آری که جامع خردمندی و پرهیزکاری و دارای دیانت و دنیا داری و کمال ملت و جمال دولت باشد البته اهتمام در آن فریضه همت بزرگان خواهد بود . . . معلوم است

تساهل و تسامح در ترویج این مقصد را به هیچ گونه روا نخواهند داشت .  
حرره الجانی المیرزا فتح الله الشیرازی الاصفهانی نقل از مجله نور علم  
( شماره پنجم دوره دوم ) .

در نقل این فتوی چند سطر حذف شده که متأسفانه نسخه کتاب : لباس  
التقوی کتابخانه نویسنده نیز ناقص و بطور کلی ۷ صفحه از آخر کسر دارد که  
نتوانستیم از آنجا آنرا تکمیل نمائیم .

دکتر مهدی ملک زاده در کتاب زندگانی ملك المتکلین ( ص ۹۲ ) تشکیل  
این شرکت را از کارهای پدر خود می نویسد و حال آنکه مشار الیه هیچگونه  
دخالتی در امور آن نداشته است و فقط این پسر میخواهد پدر را فردی از همه  
عاقتر و داناتر و فهمیده تر و آشنا باوضاع دنیا معرفی کند . بنابراین آنچه مربوط به  
هر کس و هر کجا باشد بپدر خود نسبت میدهد .

ضمناً سرمایه شرکت را نیز نهصد هزار تومان ( به پول نود سال قبل ) می نویسد .

### تشکیل انجمن صفاخانه اصفهان :

یکی از کارهای اساسی و بنیادی مرحوم حاج آقا نورالله در جهت مبارزه با  
استعمار خارجی و پیشرفت مقاصد آنان در بعد فرهنگی ایجاد انجمن صفاخانه  
اصفهان در محله جلفا و مباحثه و مذاکره با علمای مسیحی در امور مذهبی می باشد .  
میدانیم که یکی از وسائل پیشرفت دول استعمارگر وجود کشیشان و زنان  
راهبه بوده است که در بین تمام طبقات اعم از شهری و دهاتی - زن و مرد -  
دانشجو و کارگر رفت و آمد کرد . و با القاء شبهات و مطالب در پیرامون اصول  
و فروع دین و سیره و روش حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام مردم

راگمراه و احياناً منحرف نموده و بنبغ دول خودكار ميگردند و گاهگاهی نيز در اين باره كتابها چاپ زده آنها را مجاناً و با بقيمت نازل مي فروختند و مسلمانهای بي خبر از همه چيز آن كتابها را بدست آورده و مطالعه ميکردند و در نتيجه در عقايد آنان تزلزل و سستی حادث ميشد .

علمای اسلام اين رفتار خارجيان را ميديدند و راه چاره آنرا فقط بوسيله تأليف كتب در رد آنها دانسته ولي در برابر اعمال آنها و نفوذشان در اعماق اجتماع اقدامی شايسته نمی کردند تا گاهی که مرحوم ثقة الاسلام حاج شيخ نورالله مسجد شاهی به اين اندیشه افتاد که بايد :

در هر مبارزه ای با اسلحه ای که دشمن مجهز است خود را آماده ساخت تا بتوان در برابر آن مقاومت کرد .

در برابر تبليغات و دعوت مسيحيان نيز بايد از طرف مسلمين انجمن های تبليغی تأسيس نمود و در برابر انتشارات آنها نيز بايد كتابها و رساله ها نشر داد و در بين مسلمين بخصوص جوانها تبليغ نمود .

۱ - از اينرو در تاريخ غره جمادی الاخره سال ۱۳۲۰ هـ ق در محله جلفای اصفهان که محل سکونت ارامنه و مسيحيان بوده انجمنی بنام: « صفاخانه اصفهان » تشكيل داده و مجله بنام: « الاسلام » منتشر نموده که شماره اول آن در رمضان المبارک سال ۱۳۲۰ هجری در اصفهان بچاپ رسیده و در صفحه ۴ می نویسد به امر جناب مستطاب حامی الشریعة الغراء مروج الملة البيضاء ملاذ الانام مروج الاحکام حجة الاسلام آقای حاج شيخ نورالله ثقة الاسلام دامت برکاته العالیه انجمن صفا خانه دائر و مجله یا رساله الاسلام بچاپ رسیده و در صفحه ۱۴ می نویسد که رساله اول يك مرتبه بقطع نیم ورقي و مجدداً بقطع خشتی بچاپ رسیده است و در صفحه ۱۵ نيز از کمک های مادی مرحوم ميرزا سليمان خان رکن الملك نایب

الحکومه اصفهان ذکر می نماید و آخرین شماره این مجله در تاریخ شوال المکرم ۱۳۲۲ بطبع رسیده و عبارت از شماره ۱۲ سال دوم می باشد و متأسفانه بعد از این تاریخ تعطیل شده است .

مرحوم حاج سید محمد علی بن سید حسن حسنی معروف به داعی الاسلام از علماء و فضلاء معروف و مفاخر علمی و ادبی ایران بشمار میرود در سال ۱۲۹۵ ق. در شهر آمل متولد گردیده و در آمل و طهران و اصفهان تحصیلات خویش را بپایان رسانیده سپس در هندوستان چندین زبان از زبانهای محلی و غیره آموخته کتابها و رسائل زیادی تألیف نموده که معروفترین آنها : ۱ - فرهنگ نظام در پنج مجلد ۲ - ترجمه و تدوین ۳ - دیوان اشعار با تخلص داعی ۴ - نادر شاه ترجمه از انگلیسی می باشد .

برای آگاهی بیشتر از شرح حال مرحوم داعی الاسلام و شرح محله الاسلام به : ۱ - تاریخ جراید و مجلات جلد یکم صفحه ۲۳۳ و جلد دوم صفحه ۲۹۰ ۲ - ریحانة الادب صفحه ۹ دوم ۳ - شعرای معاصر اصفهان صفحه ۱۸۵ ، ۴ - فهرست مؤلفین کتب چاپی فارسی صفحه ۲۲۷ چهارم ۵ - مجله ارمنان صفحه ۳۹۸ سال دهم شماره هفت ۶ - مجله دانش صفحه ۴۳۸ سال دوم شماره هشت ۷ - مازندران صفحه ۲۲ دوم ۸ - روزنامه آئین اسلام شماره ۱۱۷ مورخ سوم تیر ماه ۱۳۲۵ ، ۹ - مواضع مختلفه الذریعه .

تذکر : نام پدر مرحوم داعی الاسلام سید حسن بوده و در ریحانة الادب فضل الله ذکر می کند و نسب او به حضرت مجتبی علیه السلام می پیوندد .

۲ - روزنامه نور شرق و این روزنامه به مدیری و سردبیری مرحوم آقا شیخ نور الله دهقانی فرزند مرحوم شیخ علی محمد دهقانی در سال ۱۳۴۴ در اصفهان چاپ و منتشر گردیده است .

این روزنامه با حمایت و کمک مادی و معنوی آقایان مسجد شاه بالاحص مرحوم حاج شیخ نور الله ثقة الاسلام تأسیس شده و تقریباً مدت سه سال در هر ماه دو شماره و غیر مرتب بچاپ رسیده و بعداً برای همیشه تعطیل گردیده است .  
مرحوم آقا شیخ نورالله دهاقانی معروف به نور شرق از جمله علماء و دانشمندی است که مقام علمی و شخصیت اجتماعی او در زمان حیات و پس از مرگش نشناخته شده و از آن قدردانی نگردیده است .

مرحوم نور شرق در حدود سال ۱۳۰۰ در اصفهان متولد گردیده و در خدمت جمعی کثیر از بزرگان علم و ادب تحصیل نموده که از آن جمله است مرحوم پدر دانشمندش و آقای نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی و غیره و خود ایشان در طبعه روزنامه نور شرق که در ماه رمضان ۱۳۴۴ منتشر گردیده می نویسد: اجازات اجتهادی دارم . آخرین شماره این روزنامه شماره ( ۲ ) سال سوم در تاریخ جمعه ۶ ذی قعدة ۱۳۴۶ می باشد که چند ماه پس از فوت مرحوم ثقة الاسلام است .

در اواخر عمر مرحوم نور شرق در اداره فرهنگ اصفهان استخدام شده و از دبیران ادبیات فارسی و عربی و مورد توجه عموم دانش آموزان و دبیران این رشته ها بود سر انجام در شب ۲ شنبه ۲۴ ذی حجه سال ۱۳۷۱ در اصفهان وفات یافت و در تحت فولاد مدفون گردید ماده تاریخ وفاتش را مرحوم میر سید علی نور بخش متخلص به آزاد از دبیران ادبیات و شعرای بزرگوار اصفهان این چنین فرموده است :

نور شرق آن بنام نور الله	ناگهان شد ز دور دوران حیف
حیف از آن فکر پاک و رای زرین	هم از آن پرتو فروزان حیف
گفت آزاد به - تاریخش	که: «در شده نور شرق پنهان حیف»

برای آگاهی از شرح حال او به کتابهای : تاریخ جراید و مجلات صفحه



۳۱۸ چهارم - بزرگان ودانشمندان اصفهان ۵۲۵ و کتاب علوم و عقاید صفحه ۶۶  
مراجعة شود .

### ۳ - نامگذاری يك روزنامه :

مرحوم صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ( صفحه ۱۷۹ یکم )  
ضمن بیان روزنامه‌ای بنام اصفهان بمدیری میرزا حسین خان اعتلای الدوله (۱۲۷۹-  
۱۳۳۰ ) نقل از مقاله افتتاحیه آن روزنامه بخلاصه می‌نویسد که :  
قصده داشتم که روزنامه خود را اصفهان بگذارم لکن نیت خود را به کسی  
اظهار نکرده بودم در مقام تیمن وتبرک ونفأل از حضرت مستطاب ملاذالانام  
مروج الاحکام آقای ثقة الاسلام حاج آقا نور الله مدظله اسم این روزنامه را  
استفتاواستعلان کردیم ایشان فوراً بزبان الهام بیان فرمودند: اصفهان وشکی نیست  
که این را جز به الهامات غیبی و تأییدات لاریبی بجیزی حمل نتوان کرد . . . .

### تشکیل حوزه اسلام در طهران :

مقارن با تأسیس انجمن صفاخانه اصفهان در طهران نیز بطوریکه در مجله  
مظفری که در بوشهر بچاپ میرسیده در شماره ۲۱ مورخه پانزدهم شعبان المعظم  
۱۳۲۰ ( صفحه ۲۳۴ ) در تحت عنوان : مسلمین غیرتمند را بشارت : بخلاصه  
می‌نویسد :

در دولتسرای جناب مستطاب حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد مجتهد  
طباطبائی ادام الله ظلّه العالی از تاریخ شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۲۰ همه هفته  
ازیک ساعت بغروب مانده روز جمعه تا یک ساعت گذشته از شب - شنبه مجلسی  
بنام : حوزه اسلام منعقد است . مقاصد این حوزه عبارتست از :

- ۱ - تأسیس این مجلس فقط برای اصلاح و انتظام امور دینی است .
  - ۲ - گفتگوی این مجلس منحصر است در اصول قوانین و سیاسات اسلامی .
  - ۳ - مقصد عمده آن کشف تدایسات مداسین و حل شبهات منکرین است .
  - ۴ - تألیف و طبع و انتشار کتب مذهبی .
- تاکنون بیش از این اندازه آگهی از این حوزه و هدف و مؤسس آن نداریم و نمی‌دانیم که چه اقداماتی انجام داده و تا کجا موفق بوده‌اند .
- بظن نویسنده این حوزه علاوه بر مقاصد و اهداف یاد شده یکی از مقدمات بیداری مردم جهت انقلاب آزادیخواهی و عدالت طلبی و بالاخره مشروطیت بوده است .

#### مشروطیت ایران و سهم اصفهان در این نهضت :

یکی از مراکز مهم نهضت آزادیخواهی و مبارزه علیه استبداد و خودسری سلاطین و حکام و بالاخره به ثمر رسانیدن این نهضت شهر اصفهان مردم بیدار و آگاه این شهر بوده است .

دو تن از معروفترین خطباء و گویندگان و وعاظ که سهم بسیار ارزنده‌ای در انقلاب مشروطیت دارند یعنی : ۱ - سید جمال الدین ۲ - میرزا نصرالله ملك المتكلمین اصفهانی بوده‌اند .

نوشته‌ها و مقالات و کتابهای ملك ارمنی جلفائی در محاسن حکومت قانونی و مضار استبداد یقیناً در بیداری ایرانیها اثر فراوانی داشته است .

علماء و روحانیون بزرگوار این شهر که در رأس آنها مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نورالله مسجد شاهی قرار داشت بی‌شک از مهمترین عوامل در پیشرفت این مقصود بوده است .

روزنامه‌های اصفهانی و آنچه که اصفهانیان در طهران و دیگر شهرها بوسیله روزنامه و مجله در تنویر افکار و آماده ساختن مردم جهت قبول آزادی و مبارزه در راه آن از هیچگونه سعی و کوشش خود داری ننموده و خدمات گرانبهایی نموده‌اند .

مرحوم استاد همائی در دیوان طرب ( صفحه ۵۰۳ پاورقی ) پس از شرح مختصری راجع به خدمات اصفهانیان در راه مشروطه می‌نویسد :

با این احوال در کتب و مقالات و سخنرانیها که تا کنون در پیرامون مشروطیت نوشته و گفته‌اند بهیچ وجه حق اصفهان ادا نشده سهل است که احیاناً در توضیح حق کوشیده اصلاً از اصفهان و اصفهانی نام نبرده یا بجزمله‌های سست از این قبیل که : « از اصفهان هم سر و صداهائی شنیده میشد . » و امثال آن که ناشی از بی اطلاعی یا غرض ورزی است بر کنار نبوده‌اند .

### حاج آقا نور الله ونهضت مشروطه خواهی :

مردم ایران از اواسط عهد ناصری بخاطر فشار دستگاه و ظلم و ستم و بیداد بیش از اندازه شاه و وزراء و حکام بجان آمده و هر روز در گوشه‌ای از مملکت بعنوان رفع ظلم شورش بر پا میکردند و سرانجام خواهان عدالتخانه شدند که شاید باین وسیله بتوانند از اینهمه ظلم و بیداد تا اندازه‌ای جلوگیری کنند . شرح این ماجرا مفصل و خارج از موضوع کتاب، می‌باشد طالبین باید بکتاب مربوط به این موضوع مراجعه کنند ضمناً توجه داشته باشند که چندین کتاب از نویسندگان مزدور و مغرض و بیدین و مأمور خارجی نیز در این باره نوشته شده و تا آنجا که توانسته‌اند موضوعات را تحریف نموده و علماء اسلام که حامی مظلوم بوده‌اند را طرفدار ظالم معرفی کرده و عموماً آنان را بیدی یاد کرده‌اند و هیچ از ستمگریهای دستگاه

حاکمه و نفوذ مستقیم دول خارجی و استعمارگر یاد نکرده‌اند و اگر نامی از آنان برده شده است بعنوان دلسوز و پشتیبان ملت و مردم رنج دیده است .

باری نهضت عدالت خواهی در زمان مظفر الدین شاه اوج گرفته و در اغلب شهرهای ایران بالاخص اصفهان - تبریز و شیراز با راهنمایی علماء بزرگوار بعنوان حق مسلم ملت شناخته و راه و رسم دیگری یافت یعنی بعنوان يك موضوع دینی و مذهبی مورد توجه قرار گرفت .

مراجع تقلید ساکنین نجف اشرف یعنی : حضرات آیات عظام : ۱ - حاج میرزا حسین طهرانی ۲ - حاج شیخ عبدالله از ندرانی ۳ - مولی محمد کاظم خراسانی در این باره بوجوب آن بصراحت فتوی دادند علماء شهرها نیز هر يك به استقلال و یا به تبعیت از مراجع عظام مشغول فعالیت شدند .

در طهران در درجه اول مرحومین سیدین سندین آقای عبدالله بهبهانی و آقا میر سید محمد سنگلجی و در درجه دوم آقای سید جمال الدین افجه‌ای و دیگران اقدامات وسیعی شروع کرده که شرح آن در کتابها مبسوط نوشته شده است .

در اصفهان نیز مردم به رهبری مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نورالله نجفی مسجد شاهی نسیم آزادیخواهی و عدالت طلبی و بالاخره مشروطه خواهی و زیدن گرفت و همه شهر و اطراف آنرا فرو گرفت عموم علماء این شهر بغیر از عده معدودی که در این جرگه هر يك بعلتی وارد نشدند دیگران از مرحوم حاج آقا نور الله تبعیت نمودند و خلاصه اصفهان یکی از پایگاههای مهم آزادیخواهی و مشروطه خواهی شد .

مرحوم استاد همایی در مقدمه دیوان پدر خود مرحوم طرب ( صفحه ۱۳۵

پاورقی ) می نویسد :

حاج آقا نور الله مسجد شاهی در ایجاد انقلاب و استقرار مشروطیت ایران  
حقاً باید ثالث سیدین سندین « آقا سید محمد طباطبائی و آقا سید عبدالله بهبهانی.»  
بلکه تالی و ثانی « آخوند ملا محمد کاظم خراسانی » شمرد و متأسفانه حق او در  
تاریخ مشروطیت گذارده نشده است .

### اعلامیه علماء اصفهان در موضوع مشروطه :

اعلامیه زیر از طرف عده‌ای از علماء اصفهان در همان زمان منتشر گردیده  
است :

عموم علمای اعلام حجج اسلام و حصون شریعت سید الانام علیه آلاف التحية  
والسلام حاضر و بر خود متحتم و لازم نمودند که بالاتفاق به تمام هستی خود در  
اعلای کلمه اسلام و احیای سنن شریعت خیر المرسلین علیه صلوة المصلین و ابطال  
بدع مدعین و اعانت مظلومین کیف ، کان و بالغاً ما بلغ بجان و مال و عرض و عمر  
در این مقصد مقدس و حفظ حمایت مجلس شورای ملی و انجمن ملی اصفهان  
حاضر و بدون ملاحظه شخصی و اغراض نفسانی به اقدام و اهتمام در انجام این  
مقصد مقدس سعی و در تمام مطالب مرقومه تماماً ید و احد و لسان واحد باشند  
و امید نصرت از حضرت احدیت و توجهات امام عصر عجل الله تعالی فرجه داشته  
باشند انشاء الله تعالی به کلمه واحده متفق خواهند بود . والسلام علی من اتبع  
الهدی . محل خاتم مبارك آقایان عظام کثر الله امثالهم :

حاج میرزا محمد علی کلباسی	حاج شیخ محمد تقی نجفی
حاج ملا اسماعیل نقنه‌ای	حاج شیخ نور الله نجفی
حاج میرزا ابوالحسن بروجردی	حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی
	آقا شیخ مرتضی ریزی

نقل از روزنامه رسالت یادداشتهای آقای آقا موسی نجفی ( صفحه ۱۰  
مجاهد شهید ) .

### اهداف علماء از مشروطه :

بطوریکه در اعلامیه ملاحظه میشود منظور از مشروطه بنظر علماء اسلام مطالب

ذیل بوده و می باشد :

- ۱ - اعلای کلمه اسلام .
  - ۲ - احیای سنن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم .
  - ۳ - ابطال بدعتها .
  - ۴ - اعانت و یاری مظلومین .
- پس از آن حفظ و نگاهداری انجمن ملی اصفهان و حمایت بی دریغ از مجلس  
شورای ملی که بر روی همین پایه و اساس بنیان نهاده شده باشد لاغیر .

### معنی مشروطه در نظر مرحوم ثقة الاسلام نجفی :

مرحوم حاج آقا نور الله در رساله مقیم و مسافر در چند جا بصراحت و بنا  
بکنایه لفظ مشروطه را تعبیر و تفسیر و معنی می کند از آنجمله :

- ۱ - مشروطه عین اسلام است و اسلام همان مشروطه (ص ۲۹ مقیم و مسافر)
- و این بیان همان مشروطه مشروعه است یعنی اسلام و مشروطه يك چیز و مسا بین  
آندو اختلافی وجود ندارد .
- ۲ - مشروطه مساوق با اسلام است . (ص ۸۷ مقیم و مسافر) .

## علماء مخالف در اصفهان :

آنچه مسلم است هیچ عاقلی با ظلم و بی‌داد موافق نبوده و همگان طرفدار مظلوم بوده و میبایستند لکن تفاوت بین افراد در طرز برخورد با این دو گروه است و کیفیت مبارزه با دلی و جبران کاردومین، همه دانشمندان از رفتار ظالمانه مأمورین دستگاه حکومتی ناراضی بودند و رفع آنرا طالب. مرحوم ثقة الاسلام و همفکرانش شدت عمل و قطع ایادی ستمگر را بای نحوکان خواستار بودند و جمعی دیگر این رویه را نمی‌پسندیدند و بمفهوم آیه شریفه : أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (سوره النحل قسمتی از آیه ۱۲۵) را وجهه خاطر داشتند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۴۸) می‌نویسد :

مرحوم آقا سید محمد باقر درجه‌ای و آقا شیخ مرتضی ریزی با اعمال مرحوم حاج آقا نور الله مخالف بودند عبارت او در این مورد بدینقرار است .

آقای حاج شیخ نور الله که در زبانها « شاه نور الله » افتاده بود بالای منبر و در مجالس انجمن‌ها تشکیل داده و همه علماء را سوای مرحوم درجه‌ای و ریزی برای مشروطیت و ریاست همراه کرده مردم را طوری اغراء و ترغیب نموده همی گفت :

« رعایا بیل‌های شما طلا میشود و خاک اندازهای خانه‌ها و نادران‌های عمارات نقره و سیخ‌ها زر » .

آقا نجفی را هم بتهدید و نوید پشتیبان استوار خود داشت .

## دو برادر در تمام حالات با یکدیگر :

با مطالعه اجمالی در زندگانی مرحوم آقای نجفی و مرحوم حاج آقا نورالله از سال ۱۳۰۷ یعنی سال بابی کشی تا پایان عمر مرحوم آقا نجفی در همه جا و تمام موارد این دو برادر را در تمام صحنه‌ها و موارد با یکدیگر می‌بینیم :

۱ - در سال ۱۳۰۷ در داستان بابی کشی و جلوگیری از ورود آنها به سده

مارین .

۲ - در سال ۱۳۰۹ موضوع تحریم تنباکو و جلوگیری از استعمار انگلستان.

۳ - در سال ۱۳۱۳ در قضایای بابی کشی .

۴ - در سال ۱۳۱۶ شرکت اسلامی و ترویج منسوجات داخله .

۵ - در سال ۱۳۲۰ تأسیس انجمن صفاخانه و مجله دعوت اسلامی و جلوگیری

از تبلیغات مذهبی مسیحیان .

۶ - در سال ۱۳۲۱ جلوگیری از تبلیغات ضد دینی شیخ الرئیس قاجار .

۷ - در سال ۱۳۲۱ در قضایای بابی کشی .

۸ - در سال ۱۳۲۴ در تشکیل انجمن ولایتی اصفهان .

۹ - در سال ۱۳۲۴ در دعوت از بختیارها و حکومت بختیاری .

۱۰ - در سال ۱۳۲۵ در عزل ظل السلطان از حکومت اصفهان .

در تمام این قضایا و ده‌ها قضیه دیگر این دو برادر یکدل و یکجهت متفقاً و یکمک همدیگر بوده و کارها را با نظر و صوابدید یکدیگر انجام میدادند . گاهی بر حسب سیاست و مقتضای روز مرحوم آقای نجفی پیشقدم بودند و مرحوم ثقه الاسلام بدنبال وزمانی مرحوم حاج آقا نورالله عامل شناخته میشد و مرحوم آقای



نجفی مؤید و معین ویار و مددگار .

### تشکیل انجمن ولایتی :

یکی از اقدامات اساسی که بوسیله مرحوم حاج آقا نورالله در اصفهان انجام گردید تشکیل انجمن ولایتی در سال ۱۳۲۴ هجری قمری بود مرحوم انصاری می نویسد : تشکیل انجمن و اقدامات مجدانه حاج آقا نورالله ( ص ۱۱۹ سوم آگهی شهان ) .

این انجمن زیر نظر مستقیم مرحوم ثقة الاسلام و ریاست ایشان و عضویت عده ای از علماء و بزرگان همچون مرحوم سید حسن مدرس و دیگران اداره میشد.

### اسامی برخی از افراد انجمن :

نفرات زیر جزو کسانی هستند که در انجمن ولایتی اصفهان عضویت داشته اند:

- ۱ - مرحوم آقا خان محاسب الدوله .
- ۲ - سید حسن مدرس اسفهای .
- ۳ - میرزا حسن خان انصاری منشی انجمن .
- ۴ - حاج شیخ علی اکبر شیخ الاسلام .
- ۵ - حاج شیخ کمال الدین شریعتمدار .
- ۶ - مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نورالله رئیس انجمن .

### رفع اشتباه :

در کتاب : مدرس سی سال شهادت ( ص ۸۵ ) نقل از کتاب : مدرس شهید

می نویسد :

با نضج گرفتن نهضت مشروطیت در اصفهان نیز تحولاتی ایجاد میشود از جمله : صمصام السلطنه بختیاری از طرف حکومت مشروطه به اصفهان میآید و انجمن ولایتی ریاست او تشکیل میگردد . مدرس که اینک چهره شناس و محبوبی است به نیابت ریاست انجمن برگزیده میشود . . . . ( نقل از کتاب : مدرس شهید نابغه ملی ایران صفحه ۴۴ نوشته علی مدرس ) .

نویسنده گوید: تشکیل انجمن ولایتی اصفهان در سال ۱۳۲۴ بوده و حکومت صمصام السلطنه بختیاری در سال ۱۳۲۶ یعنی دو سال بعد و او و دیگر حکام اصفهان خواه مستبد و خواه مشروطه خواه با انجمن ولایتی اصفهان مخالف بوده و همیشه درصد تعطیل آن بوده اند و حاکم لر هیچگاه ریاست انجمن را نداشته و انجمن نامبرده از اول تا آخر زیر نظر و تحت ریاست مستقیم مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نور الله نجفی اداره میشده است و نوشته کتاب نامبرده بدون تحقیق است .

مرحوم انصاری در دنباله موضوع تشکیل انجمن ولایتی می نویسد :

و الزام بنده از شدت هجوم اعادی بمصاحبت او و بیرون آمدن روزی سیصد ورقه انتخاب خطی و شبی پنجاه نامه مبسوطه از قول علماء به نجف و طهران و تبریز به تأسیس مشروطیت اسلامی و ایرانی نه تقلید اروپائی .

نویسنده گوید : توجه خوانندگان محترم را به خواسته علماء از قیام بر ضد دستگاه حکومت معطوم میدارم که همه جا سخن از مشروطه اسلامی است .

در دومین فرمانیکه مظفر الدین شاه در روز ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴ در کاخ صاحبقرانیه صادر می کند می نویسد :

بعد از انتخاب اعضاء مجلس فصول و شرایط نظامنامه مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین بطوریکه شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع

مقدس باشد مرتب نمائید .

### تغییر عنوان :

پس از صدور این فرمان مشیرالدوله صدر اعظم وقت مجلسی مرکب از تمام رجال و امنای ملت و دوات تشکیل داده ضمن نطق مختصری می گوید :

رای شاهنشاه بدان نعلق گرفت که مجلس شورای ملی از منتخبین طبقات معینه ... (ص تاریخ مشروطه برون ۳۶۶) بطوریکه ملاحظه میشود از این به بعد مجلس شورای اسلامی که شاه فرمان داده بود به مجلس شورای ملی که مشیر السطنه و دیگران میخواستند تغییر عنوان یافت .

### نکته قابل تذکر :

در کتاب : مدرس سی سال شهادت (ص ۸۲) مطالبی خالی از حقیقت و آلوده به اغراض می نویسد که فقط در خور همان کتاب و نویسنده بی اطلاع و قابل توجه نبوده و نمی باشد اما بر حسب مثل معروف : اوسنگ را در چاه انداخته اکنون باید از چاه بیرون آورد .

می گوید : آقا نجفی مسجد شاهی و فرزنداش استفاده های کلانی از غارت موقوفات میبرند .

### آقا نجفی واقف یا موقوفه خوار :

تا کنون از طرف دشمنان روحانیت و مخالفین سرسخت آقا نجفی همه نوع اتهام و تهمت به او زده بودند که در شرح حال ایشان اجمالا بدانها اشاره شد از آنجمله :

- ۱ - بیسواد .
- ۲ - خود خواه .
- ۳ - ریاست طلب .
- ۴ - ریاکار و عوام فریب .
- ۵ - سخت گیر نسبت به ضعیفاً ( البته مقصودشان بایبان و ارباب معاصی بوده است ) .
- ۶ - شهرت طلب .
- ۷ - فتودال و مال دوست .
- ۸ - ماجرا جو .
- ۹ - مستبد و مرتجع و طرفدار استبداد .

اینها مطالبی است که دشمنان آن مرحوم برای او گفته‌اند اما تا کنون دیده و شنیده نشده بود که ویرا موقوفه خوار بنویسند که اخیراً یکی از نویسندگان بی اطلاع چنین موضوعی را عنوان نموده است .

در خانمه کتاب حاضر شرحی راجع به املاك و مستغلانی که مرحوم آقا نجفی برای مصارف معینه‌ای وقف نموده است را بیان خواهیم کرد تا خلاف نوشته بی تحقیق کتاب نامبرده ثابت گردد .

چند مطلب دیگر از کتابهای نامبرده :

کتابی را که ذکر کردیم و مؤلف آنرا بنام مرحوم سید حسن مدرس اسفندی نامگذاری نموده حاوی دهها مطلب اشتباه و دروغ و آلوده بغرض می‌باشد از آنجمله :

۱ - موضوع منبر رفتن مرحوم مدرس در تخت فولاد واصل تبعید او بدانجا

و مطالبی که از قول او نقل می کند .

۲ - انتخاب مرحوم مدرس در دوره دوم مجلس شورای ملی بعنوان یکی از پنج نفر عالم طراز اول و نظریه بر خی مبنی بر اینکه : انتخاب ایشان عاری از شائبه سود جوئی نبوده است .

### تقاضای واگذاری ملك :

در همان کتاب (ص ۲۱) می نویسد :

حاجی رضا تاجر همیشه ای بخدمت مرحوم مدرس میرسد و اصرار می کند که : شش حبه از آب و نمک مزرعه مهدی آباد را بنام ایشان کند . مرحوم مدرس میبرد مگر شما قوم و خویش فقیر ندارید در جواب می گوید چرا دارم ولی مایل هستم که این آب و ملك را بشما واگذارم . مرحوم مدرس قبول نمی کند بعداً حاج رضای نامبرده خدمت مرحوم آقا نجفی رفته و آن شش حبه زمین را بایشان وا میگذارد و آن مرحوم نیز قبول می کنند .

نویسنده گوید : قبول نکردن مرحوم مدرس ملك مزبور را افتخاری برای ایشان نیست همچنانکه قبول کردن مرحوم آقا نجفی نیز نمیتواند مورد اعتراض واقع شود از آن گذشته :

۱ - شاید حاجی رضا نذر کرده بود که به یکی از علماء ببخشد و در بین ارحام فقیر او عالمی وجود نداشته است .

۲ - به احتمال دیگر حاجی نامبرده با شريك الملك شدن با یکی از علماء خواسته باشد از فشار مأمورین حکومتی و ظل السلطان بر املاك خود بکاهد و آنرا راه نجات خود میدانسته و چندین احتمال دیگر .

قابل توجه: در همان کتاب (صفحه ۸۲) شرحی راجع به رفتن مرحوم مدرس

به تخت فولاد بعنوان اعتراض به رفتار برخی از وابستگان به علماء و تحصن در آنجا می نویسد و گوید :

مرحوم برای حمایت او به تخت فولاد میروند و مدرس ( در آنجا ) منبر میروند و ضمن وعظ می گوید :

این آقا نجفی واجب القتل است .

مردم میپرسند چرا ؟

او در جواب بطور خلاصه می گوید : او و اولادش دختران مردم را صیغه می کنند و . . .

نویسنده گوید : یقیناً نویسنده محترم ما موقعیت مرحوم آقا نجفی را در اجتماع آن زمان نمیدانسته و الا چنین مطلب اشتباه و دروغی هرگز در کتاب خود نمی نوشت .

واز این گذشته :

مرحوم مدرس عاقلتر از آن بود که با اینگونه حرفهای بی ربطی موقعیت اجتماعی خود را از بین ببرد و اگر حقاً هم با مرحوم آقا نجفی مخالف بود قدرت اظهار مخالفت علنی آنهم باین کیفیت نداشت .

و مطلب قابل توجه آنکه مرحوم آقا نجفی غیر از زنهای دائم و موقت که از آنها اولاد دارد زن صیغه ای دیگری نداشته تا بتواند مورد ایراد امثال نویسنده کتاب نامبرده باشد .

علماء شیعه از صدر اسلام تا این اواخر علیرغم آنکه گفت : دو متعه بود که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حلال بودند و اکنون من آنها را حرام می کنم و عامل بانندو را عقوبت می کنم : سعی کرده اند که این سنت

سینه اسلام یعنی متعه زنان و متعه ( حج تمتع ) را زنده نگهدارند و نگذارند که از بین برود .

اگر این گونه حرفها از مرحوم مدرس باشد ( که یقیناً از او نیست ) کلامی بدون منطق و خارج از رویه شیعه بوده است و شاید نویسنده عزیز ما خواسته است با جعل این داستان مقامی و شخصیتی برای مرحوم مدرس درست کرده باشد غافل از آنکه :

بزرگش نخوانند اهل خرد      که نام بزرگان بزشتی برد

نویسنده ای دیگر : رسواتر از همه اینها يك نفر دیگر از نویسندگان معاصر در باره مرحوم آقا نجفی می نویسد آقا نجفی محترک . . .

شاید این آقای بزرگوار معنی کلمه محترک را نمیداند و شنیده است که مرحوم آقای نجفی در هر سال مقداری زیادی گندم بفقراء و طلاب و ارباب استحقاق میداده و از این بیان آن معنی را درك کرده است در هر حال مرحوم آقا نجفی از همه اینگونه اتهامات مبرا می باشد .

**بست نشینی یا تحصن :**

درازمنه قدیم شاید از قبل از اسلام یکی از قواعد و سنن در بین مردم ستمدیده و ظلم کشیده این بود که بجهت دادخواهی به منزل پادشاهان و حکام و بزرگان پناهند میشدند و از آنها جهت رفع ظلم و بیداد کمک و یاری میخواستند و در خانه آنها می نشستند تا از آنها دفع ظلم میشد . گاهی مقصرین دولت نیز برای نجات از باز خواست مأمورین به منزل بزرگان رفته و از آنان استمداد میکردند و برای تخفیف در مجازات آنان را واسطه و شفیع قرار میدادند .

پناهنده شدن و بست نشینی در اماکن مقدسه و مساجد و خانه علماء تا حدود

یکصد و پنجاه سال قبل رایج بوده و در تاریخ نمونه‌های بسیاری از آنرا سراغ داریم البته گاهی نیز ظالم و ستمگرویا مقصر واقعی برای فرار عقوبت باین حبله متوسل میشد اما در هر حال بزرگان احترام بست را رعایت میکردند و احدی را مجبوراً از بست خارج نمی‌کردند مگر در موارد استثنائی .

از روزیکه خارجیان و دول بیگانه در این مملکت نفوذ یافتند دست استعمار هم برای کوبیدن و خرد کردن قدرت علماء و هم برای پیشرفت مقاصدشوم استعماری بوسیله عمال داخلی خود که در بین اجتماع مسلمین بصورت مسلمان و بسیرت کافر حربی بودند قونسولگریها و سفارتخانه‌های بیگانه را نیز بعنوان بست و محل تحصن معرفی کردند و دولتهای وقت نیز در برابر این نیرنگ ساکت بلکه تسلیم شدند و به خواسته‌های بست نشینان قونسولگریها بیشتر و بهتر از دیگر مطلوبین رسیدگی کردند و اینان را بتمام خواسته‌های خود رسانیدند و از اینرو توجه مردم کوتاه نظر همه و همه قونسولگریها شد و مساجد و امامزادگان و خانه علماء و مجتهدین از اهمیت اولیه افتاد .

نمونه این تحصن ها در قونسولگریها در جریان مشروطیت ایران بظهور رسید که مشروطه خواهان به خانه دشمن واقعی ایران پناهنده شدند در اصفهان بایبان و ازلیان و سورچرانان آنها به قونسولگری روس دشمن دیرین این مملکت پناه بردند و از آنها کمک خواستند .

در این جا قصد آن نداریم که از این ماجرای ننگین بیشتر از این پرده برداریم فقط به یک نکته اساسی اشاره کرده مطلب را خاتمه می‌دهیم .

پس از تشکیل انجمن ولایتی در اصفهان بریاست وزعامت مرحوم حاج آقا نورالله ثقة الاسلام مسجد شاهی عده‌ای از مردم بجهت انجام پاره‌ای از مقاصد خود به یکی از قونسولگریهای اصفهان رفته و متحصن شدند .



در رساله: «مجاهد شهید آیت الله حاج آقا نورالله نجفی» (صفحه ۱۴)

می نویسد:

روزی آقا نجفی در انجمن ولایتی اصفهان گفتند:

امروز بمن خیر رسید که عده‌ای می‌خواهند به قونسولخانه انگلیس بروند  
من به آنها پیام دادم بیایند در مسجد تا مطالبشان را اصلاح کنیم. فعلاً در مسجد  
متحصن هستند.

همچنین می‌نویسد که روزی عده‌ای اغفال شده برای امری به کنسولگری  
انگلیس در اصفهان رفته بیرون نمی‌آمدند تا اینکه حاج آقا نور الله پیغامی به این  
نحوه برای آنان نوشته و بسویشان فرستاد.

حضرات متحصنین اگر رأی و میل ما را می‌خواهید و ما را خیر خواه خود  
میدانید و اطاعت دارید از قونسولخانه بیرون بیایید و از هر جهت اطمینان داشته  
باشید (که بکار شما رسیدگی خواهد شد) . . .

تذکر ۱: رساله مجاهد شهید مجموعه مقالاتی است که آقای آقا موسی  
نجفی فرزند آقای حاج آقا مرتضی نجل جلیل مرحوم حاج شیخ محمد حسین فرزند  
مرحوم آقا جلال الدین فرزند مرحوم آقا نجفی در روزنامه رسالت چاپ طهران  
در باره زندگی مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله نجفی نوشته و بعداً يك جا  
جمع آوری نموده و مجموعه را باین نام موسوم ساخته است.

تذکر ۲: در سال ۱۳۱۵ قمری قونسولگری روس در اصفهان در باغ  
بزرگ مقابل مسجد سرخی (مسجد سفره چی) در اصفهان تشکیل و تأسیس  
یافته است (صفحه ۱۷۶ تاریخ اصفهان مرحوم انصاری).

مشروطه از دیدگاه علماء شیعه و مجلس:

ذیلاً جهت آنکه خوانندگان محترم از معنی مشروطه و مفهوم آن بنظر علماء

آن زمان (غیر از عده‌ای از افراطیون و غرب‌بزدگان و احياناً جیره خواران سفارت خانه‌های خارجی و دیگران) بطور اجمالی آگهی پیدا کنند چند نظریه زیر را نقل می‌کنیم :

۱ - متحصنین در زاویه مقدسه حضرت عبد العظیم علیه السلام در سوم شعبان ۱۳۲۵ دو سؤال از مجلس شورای ملی بشرح زیر می‌کنند :

۱ - معنی مشروطیت چیست و حدود مداخله مجلس تا کجاست و قوانین مقرر در مجلس میتواند مخالف با قواعد شرعیه باشد یا خیر ؟  
۲ - مراد از حریت و آزادی چیست . . .

جواب جواب از سؤال اول : معنی مشروطیت :

۱ - حفظ حقوق ملت .

۲ - تحدید حدود سلطنت .

۳ - تعیین تکالیف کارگزاران دولت است بروجیه که مستلزم .

۴ - رفع استبداد .

۵ - سلب اختیار استبدانه اولیاء دولت .

و حدود این مجلس ( یعنی مجلس شورای ملی ) :

۱ - اصلاح امور دولتی .

۲ - تنظیم مصالح مملکت .

۳ - رفع ظلم و تعدی .

۴ - نشر عدل .

۵ - تصحیح دوائر وزارتخانه‌ها .

بعبارت اخری وظیفه مجلس این است که بتعارضد افسکار اموری را که قابل

مشورت و جسرح و تعديل و تغيير و تبديل است بوضع قوانين عرفيه و نظارت در اجراء آن مقرون بتسويه و انتظام نمايند .

پس دخالت در احكام شرعيه و حدود الهيه كه بهيچوجه قابل تغيير و تبديل نيست از وظيفه اين مجلس خارج و مرجع احكام و امور شرعيه كسانى هستند كه حضرت خاتم الانبياء و ائمه كرام عليه السلام معين فرموده اند و ايشان علمائى اعلام و عدول مجتهدين عظام هستند و مسلم است كه قوانين موضوعه در اين مجلس مخالف با قواعد شرعيه نبوده و نخواهد بود . . . ( صفحه ۶۸ - لوايح مرحوم شيخ عليه الرحمة ) .

اين نامه بنظر علماء طهران رسیده و آنها نیز آنرا گواهی نموده اند صاحبان امضاء عبارتند از :

۱ - آقا سيد عبدالله موسوى بهبهانى

۲ - حاج شيخ فضل الله نورى

۳ - آقا سيد محمد بن محمد صادق حسيني طباطبايى

۴ - ميرزا محمد باقر تبريزى

۵ - احمد حسيني طباطبايى

۶ - حسين الرضوى القمى

نظريه علماء و مراجع نجف اشرف و ساير علماء و مردم در نهضت مشروطيت ايران :

سهم بزرگ و اساسى مربوط بمراجع بزرگ تقليد و علماء نجف اشرف مى باشد و كليۀ اقدامات علماء ايران و بالاخص مجتهدين طهران و اصفهان در تأييد

اوامر و فتاوی علمای نجف اشرف حضرات آیات عظام :

۱ - آیت الله حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی .

۲ - آیت الله حاج شیخ عبدالله مازندرانی .

۳ - آیت الله آخوند ملا کاظم خراسانی علیهم الرحمة بوده است .

این علماء بزرگوار و سایر مجتهدین تمام فساد و ظلم و بیداد مأمورین دولت را در ایران میدیدند و می شنیدند و از عدالت اجتماعی و قانون و مساوات و آزادی نیز نامی شنیده بودند . همگان تصور می کردند که اگر مملکت ایران مشروطه شود و حکومت قانونی برقرار گردد دیگر به احدی ظلم نخواهد شد و . . .

این آقایان و عموم مردم ایران در عالم رؤیا و خیال برای خود ایرانی تصور میکردند که در آن فقط قانون حکمفرما باشد . دیگر حکام و مأمورین دولت و صاحبان قدرت به کسی ظلم نکنند مال مردم را به جبر و عنف و غیر حق تصرف نکنند . همه و همه در برابر قانون برابر باشند و . . . .

حاج میرزا یحیی دولت آبادی در کتاب : حیات یحیی ( ص ۸۴ جلد دوم )

می نویسد :

بغیر از معدودی که میدانند چه می کنند و مقصود چیست دیگران نمیدانند چه خبر است اسم مجلسی می شنوند حرف مشروطه و قانون اساسی بگوششان میخورد اما قانون یعنی چه ؟ مجلس کدامست ؟ مشروطه چیست ؟ نمیدانند .

کسبه تصور می کنند مجلسی برای نرخ ارزاق تشکیل میشود . درباریان جاهل تصور می کنند مجلس شورای درباریست . روحانیان تصور مینمایند مجلسی است برای رسیدگی بمحاکمات و اجرای احکام شرعیه و هیچکدام از آنها که نمیدانند هم حاضر نیستند از اهلس بپرسند این مهمان تازه وارد شده خصوصیات احوالش چیست . چه کاری از او ساخته است . چگونه باید او را پرورش داد و چگونه

باید او را نگهداری نمود که ضایع و باطل نگردد .  
روحانیان مشروطه را از روی چند آیه از قرآن میشناسند که در آنها امر بمشورت  
در امور شده است . عوام هم که نظرشان بر رؤسای روحانی است و چنانکه در مسائل  
شرعی فرعی از آنها تقلید می کنند در مسائل سیاسی هم تصور می کنند هر طور  
آنها گفتند همان صحیح است . .

### دوره اول مجلس شورای ملی :

مقدمات انتخابات مجلس و انتخاب نمایندگان در ماه جمادی الثانیه و رجب  
سال ۱۳۲۴ فراهم گردید و تا اواسط ماه شعبان عده ای قریب پنجاه و چند نفر از  
وکلاء انتخاب شده بودند . و کلاء طهران بطور طبقاتی انتخاب شدند .  
ابتداء قرار شد که روز ۱۵ شعبان که مصادف با میلاد مسعود حضرت بقیه الله  
الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد مجلس شورای ملی رسماً  
افتتاح گردد بعداً بعلت :

۱ - نرسیدن عده و کلاء بحد قانونی .

۲ - خواستند که روز افتتاح مجلس عیدی مخصوص باشد و با عید مذهبی

تداخل نشود .

روز ۱۸ شعبان را جهت این منظور انتخاب کردند و در این روز که مصادف  
با ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی بود مجلس در حضور مظفر الدینشاه در عمارت  
سلطنتی افتتاح گردید .

نطق مظفر الدین شاه در روز افتتاح مجلس :

دولت آبادی در کتاب حیات یحیی ( ۸۹ دوم ) می نویسد :

شاه که بیمار وضعیف بود را آوردند و روی صندلی نشاندند او در خطبه ای که با صدای بسیار ضعیف خواند گفت :

ده سال است که آرزوی این روز را داشتم الحمد لله که بمقصود خود رسیدم .

سپس پاکتی را بدست نظام الملك که مخاطب سلام است و پیش رو ایستاده بود می دهد و می گوید این نطق ما است بخوان . او پاکت را باز کرده و نطق را میخواند .

### مرگ مظفر الدین شاه و سلطنت محمد علی شاه :

مظفر الدین شاه پس از این روز یعنی روز افتتاح مجلس هر روز بر شدت مرضش افزوده شده تا سرانجام در ۲۴ ذی القعدة همین سال وفات یافته جنازه اش بکربلا منتقل گردیده در رواق پشت سرمبارك مدفون گردید تولد او در ۲۴ جمادی الثانیه ۱۲۶۹ بوده است .

پس از او فرزندش محمد علی شاه که تا این تاریخ ولیعهد مملکت بود بسلطنت رسید .

دوره اول مجلس شورای ملی ایران که گفتیم در تاریخ ۱۸ شعبان المعظم سال ۱۳۲۴ رسماً شروع بکار کرد تا تاریخ ۲۳ جمادی الثانیه سال ۱۳۲۶ طول کشید و قبل از پایان رسیدن دو سال دوره قانونی اجباراً تعطیل شد .

محمد علی شاه در ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۲۸۹ قمری از دختر میرزا تقی خان امیر کبیر در تبریز متولد گردید و در سال ۱۳۱۳ هنگام بسلطنت رسیدن پدرش مظفر الدین شاه بولیعهدی منصوب گردید و در ذی القعدة ۱۳۲۴ بسلطنت رسید

در رجب سال ۱۳۱۷ پس از فتح طهران و پناهندگی او به سفارت روسیه از سلطنت خلع گردید سرانجام در ۱۳ رمضان المبارک سال ۱۳۴۳ در پاریس وفات یافته در کربلا در جنب پدر مدفون گردید .

از کارهای او توشیح و امضای متمم قانون اساسی است و با وجودیکه چندین مرتبه قول داد که در حفظ مشروطیت و قانون اساسی مساعدت کند و دست از مخالفت بردارد لکن بعمل و موجباتی چند ، روز بروز بدبینی و خشم او نسبت به مشروطه خواهان زیادتر گردید و از اینطرف نیز آزادیخواهان انقلابی موجبات اختلاف را تشدید میکردند تا کار به خرابی مجلس و گرفتار ساختن عده‌ای از وکلاء و کشتن چند تن از آنها و . . . رسید .

سعدی می گوید :

دو عاقل را نباشد کین و پیکار      نه عاقل می ستیزد با سبکبار  
اگر از هر دو جانب جاهلانند      اگر زنجیر باشد بگسلانند

تاریخ خراب کردن و گرفتاری و کلاه روز ۳ شنبه ۲۳ جمادی الاولی سال ۱۳۲۶ می باشد که قبلا نیز بدان اشاره کردیم .

دوره استبداد صغیر :

مظفر الدینشاه در تاریخ ۱۴ جمادی الثانیه سال ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر کرد و اولین دوره مجلس شورای ملی در ۱۸ شعبان همان سال تشکیل شد و در آن قانون اساسی نوشته شد و در تاریخ ۱۴ ذی القعدة همان سال شاه آنرا امضاء کرده و در ۲۴ ذی القعدة مرد .

محمد علیشاه پس از پدر به سلطنت رسید و در ابتداء قانون اساسی را تصدیق

کرده و قول داد که به آن عمل کند و با مشروطه مخالفت ننماید ولی پس از مدت زمانی در اثر :

۱ - تندروهای برخی از وکلاء مجلس شورای ملی .

۲ - نوشته‌های عده‌ای از روزنامه‌های تندرو .

۳ - نفوذ عده‌ای از مخالفین مشروطه و خارجیان یعنی روسها .

۴ - و چندین دلیل دیگر تغییر عقیده داده و بنای مخالفت با مشروطه و مجلس را گذاشت تا آنجا که در روز ۳ شنبه ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی را بدست لیاخوف فرمانده روسی قزاقخانه به توپ بست و کرد آنچه کرد که شرحش در کتب تاریخ مشروطه به تفصیل نوشته شده است .

از تاریخ ۲۳ جمادی الاولی سال ۱۳۲۶ که مجلس به توپ بسته شد ( و شاید اندکی قبل از آن ) تا ۲۷ جمادی الاخری سال ۱۳۲۷ که سردار اسعد بختیاری با بختیارها از اصفهان و محمد و ایخان تنکابنی سپهدار اعظم از شمال طهران را فتح نمود و محمد علیشاه را از سلطنت خلع کرده و فرزندش احمد شاه را بجای او بسلطنت نشاندند را دوره استبداد صغیر می گویند .

در این دوره دو ساله از طرف شاه و درباریان و هواخواهان آنها اقداماتی شد که همگی موجب رنجش ملت و مردم بود ضمناً مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری نیز جهت حفظ قانون اساسی و مشروطیت که بدست افراطیون و غربزدگان به انحراف کشیده میشد و از مجرای اسلامی خود خارج میگشت قیام فرمود و با تحصن در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم و صدور لوایح مقصود خود را که مشروطه مشروعه بود به عموم افراد ملت و علماء ایران و عراق ابلاغ فرمود که متأسفانه مخالفین دستگاه روحانیت آنرا بگونه‌ای دیگر تعبیر و او را بعنوان مخالف با مشروطه و طرفدار استبداد در جامعه معرفی میکردند .



انسان با مطالعه لوایح و نامه‌هایی که در این ایام یعنی در روزگار تحصن مرحوم شیخ شهید در حضرت عبدالعظیم منتشر می‌فرموده و همچنین مرور در روزنامه‌های مخالف آن عالم جلیل که فقط بخاطر اسلام و قرآن و حفظ نوامیس اسلامی قیام فرموده بود متوجه می‌شود که مخالفین تاچه حد در تبلیغات خود موفق بوده‌اند .

مرحوم شیخ را يك جا مخالف مشروطه در جای دیگر موافق استبداد و رفتار خارج از رویه محمد علی‌شاه می‌شناساندند و هرچه او می‌فرمود و می‌گفت و می‌نوشت و بخدا و پیغمبر و بزرگان دین قسم یاد می‌کرد که :

من همان شیخ فضل الله سابقم که موافق اصول مشروطه و هواخواه او بودم اکنون نیز از عقیده خود برنگشته‌ام اما می‌خواهم: افراد بی‌دین و لایابالی و مغرض این مشروطه را که بخون عده‌ای از مسلمین و مجاهدت علماء بدست آمده بفساد و انحراف نکشند و فقط قید مشروعه و رعایت قوانین اسلام و حفظ حقوق مسلمین و احترام بزرگان دین و علماء را طالبیم اما کسی به حرفهای او توجه نمی‌کرد و همگان در راه خود پیش می‌رفتند .

در تبریز و اصفهان و دیگر شهرها آزادیخواهان قیام کردند . علماء نجف و کربلا بر ضدیت پادشاه تلگراف نمودند و اقدامات آزادیخواهی و مشروطه‌طلبی بحد اعلای خود رسید .

شرح این وقایع را در تاریخ مطالعه فرمائید .

تشکیل قشون فدائیان مشروطه در سال ۱۳۲۶ هـ . ق :

مرحوم انصاری در اصفهان (ص ۱۸۷) ضمن وقایع سال مزبور می‌نویسد:

خبر مخالفت شاه با مجلس باصفهان رسید . ثقه الاسلام آقای حاج شیخ نور الله از هر بلوك و قریه ای تشکیل عده ای فدائی داده و شهریان را نیز گت نشانها زدند و يك روز در تخت فولاد از مسلم و یهود و ارامنه قریب پنجاه هزار نفر جمع آوردند .

و در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۳۵۵ پاورقی ) می نویسد :  
آقای حاج شیخ نور الله انجمن های اتحادیه راه انداخته رعایا را گت همه نشانی برنجی و حلبی بسینه زده کلیمی ها که با طناً از مقاماتی دستور داشتند می گفتند :

ما امت موسائیم                      مشروطه را فدائیم

و مسلمانها نیز می گفتند :

ما بنده خدائیم                      مشروطه را فدائیم

و يك روز سی هزاری را جمع کرده و به تخت فولاد رفته و به محمد علی شاه تلگرافات تهدید نمودند .

### مقدمات عزل ظل السلطان از حکومت اصفهان :

مسعود میرزا فرزند ناصرالدین شاه ملقب به ظل السلطان حاکم مقتدر اصفهان که از سال ۱۲۹۱ تا سال ۱۳۲۵ حاکم و صاحب اختیار اصفهان و در چندین سال حکومت تقریباً نصف ایران را داشت خود و عمالش مردمان ظالم و ستمگر و طماع بودند. مردم در زمان حکومت او برجان و مال و ناموس خود تسلط نداشتند چه جنایتها که از او و اطرافیان او بمردم تحت فرماندهیش بالاخص مردم اصفهان رسید فقط اطرافیان او از او راضی بودند و برخی دیگر که از این نابسامانها سود میبردند .

مرحوم انصاری که خود و پدرش سالها در دستگاه او بوده و مورد احترام و تکریم و نواخت قرار می گرفته در کتاب تاریخ اصفهان وری (ص ۳۵۱ پاورقی) و کتاب آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۲۱ سوم) و همچنین در تاریخ اصفهان بنام تاریخ نصف جهان و همه جهان (ص ۱۸۶ پاورقی) ضمن وقایع سال ۱۳۲۵ می نویسد: متنفذین باطنی در عروق خلق بدستور... که فرمانگذاری ظل السلطان را امروز منافی مقاصد خود دانسته و بعضی از ارکان دولت ظل السلطان نیز محرمانه پول داده اغوا می نمودند و بوسیله دولت آبادی و حاج میرزا سید علی و آقا میرزا جناب و آقا سید حسن مدرس اسفه‌ای و آقا سید حسن قمیشه‌ای و سید کاشی و پول حاج محمد حسین کازرونی و دیگران آقای حاج آقا نور الله را دیده و حاضر کردند برای عزل ظل السلطان و به قونسوگری انگلیس رفته و دستگاه سماور و غیره را راه نداخته و اول خرج سماور را از میرزا احسنعلی خان سراج‌الملک گرفته و متحصن شدند از بانوی عظمی و جاهای دیگر نیز ملد خرج میرسید در طهران هم محمد علیشاه به آقای بهبانی گفته بود کاری بشود که عموجانم طهران باشد.

طرفداران ظل السلطان در اصفهان منحصر بود به مرحوم رکن‌الملک و آغاباشی و میرزا اسدالله خان و از علماء حاج میرزا محمد علی کلباسی دیگر همه مخالف بودند برخی علناً مخالفت میکردند و بر ضد او اقدامات داشتند و دیگران ظاهراً ساکت بودند و باطناً با ایشان همراه و همگام.

### میانجیگری مرحوم انصاری:

در این گیر و دار مرحوم انصاری که سابقه ارادتش را با ظل السلطان قبل از گفته‌ایم در صدد اصلاح برآمد. او خود در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۵۱) می نویسد:

در خلوت به آقای حاج آقا نورالله گفتم :

اساسی که چیده شده عاقبت با شخص محمدعلیشاه طرف خواهد شد و وجود ظل السلطان را لازم دارید و آقایان سنوایی که او شاخ زن بود ( یعنی جوان بود و کم تجربه ) شاخ او را تیز کردید امروز که شیرده شده ( یعنی موقع استفاده کردن از تجربیات او می باشد ) و همه نوع استفاده از ثروت و ابهت و تجربیاتش میبرید خطاست او را از میان بردارید ( و این مطلب را از روی حقیقت و عقیده می گفتم . . . ) .

در مجلس هم کارگزاران . . . و کلاه مصنوعی اکثریت بعزلش رأی دادند ( مگر عزل حکام شهرها و ولایات مربوطه به رأی و کلاه مجلس می باشد یا بنظر وزارت داخله ) .

مرحوم انصاری در دنباله مطالب فوق می نویسد :

باز بنده بنوشتهجات از جانب آقای نجفی و آقای حاج شیخ نورالله میان آنها را بصلح آورده و تبانی کتبی شد که :

ظل السلطان بعنوان بازدید ذخائرش بمشلولو آید و آقایان و جمعی به استقبالش روند و او را محترماً باصفهان آوردند . ده ورقه روز جمعه در این خصوص نوشتم و سحر شب شنبه که بردم بدهم آقایان مهر و امضاء کنند ناگاه قضیه ناگوار اکبر میرزای صارم الدوله و مادرش مونس السلطنه پیش آمده بود .

خود انصاری می نویسد : سری الهی در کار بوده زیرا بهمراهی ظل السلطان هر اقدامی که میشد نتیجه بعکس می بخشید .

کشتن صارم الدوله مادر خود را در سال ۱۳۲۵ هـ . ق :

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان (ص

۱۸۶) و تاریخ اصفهان وری (صفحه ۴۵۲ پاورقی) بخلاصه می نویسد :

مونس السلطنه زن ظل السلطان و مادر اکبر میرزا صارم الدوله از بی عقلی یا توهم بوحشت افتاده چون برای علاقه مال دنیا علاقه مهربانی ورشته زندگانی پسر راگسسته به منزل ثقه الاسلام حاج شیخ نورالله پناه برده و در آنجا متحصن گشته تا از ظل السلطان طلاق بگیرد .

اکبر میرزا شب به منزل آقای ثقه الاسلام رفته هر چه خواست مادر را بخانه برد او حاضر نشد . و چون صارم الدوله نمی خواست چنین بد نامی در خانواده شان باشد و مادرش بخانه دشمن پناه برد از روی غیرت ! با ششلول مادر را کشت و برگشت . شب جمعه .

نویسنده گوید: آفرین بر این طرز قضاوت و داوری کردن که مرحوم انصاری قتل نفس که از گناهان کبیره و محرمات شرعیه است آنهم قتل مادر را بعنوان پناهنده شدن بخانه دشمن ، غیرت می داند . و با کمال گستاخی می نویسد : از روی غیرت مادر را کشت ! .

### حکام و فرمانداران اصفهان پس از عزل ظل السلطان :

- مرحوم انصاری در کتب تاریخی خود اسامی حکام اصفهان را پس از عزل ظل السلطان بترتیب سنواتی باین شرح متفرقاً ذکر می کند :
- ۱ - نظام السلطنه در سال ۱۳۲۵ پس از عزل ظل السلطان
  - ۲ - نیر الدوله در سال ۱۳۲۵
  - ۳ - علاء الملک در سال ۱۳۲۶ پس از استعفای نیر الدوله
  - ۴ - اقبال الدوله کاشانی ۱۳۲۶ با پیشکاری و نیابت حکومت میرزا احمد خان معدل شیرازی

- ۵ - صمصام السلطنه بختیاری در سال ۱۳۲۶ هـ . ق
- ۶ - سردار اشجع بختیاری در سال ۱۳۲۸ هـ . ق
- ۷ - معتمد خاقان در سال ۱۳۲۹ هـ . ق (قوام الدوله صدری اصفهانی)
- ۸ - سردار اشجع در سال ۱۳۲۹ هـ . ق
- ۹ - سردار ظفر بختیاری در سال ۱۳۳۰ هـ . ق
- ۱۰ - سردار اشجع در سال ۱۳۳۱ هـ . ق
- ۱۱ - صمصام السلطنه در سال ۱۳۳۲ هـ . ق
- ۱۲ - سردار محنشم در سال ۱۳۳۲ هـ . ق
- ۱۳ - محمود میرزا در سال ۱۳۳۴ هـ . ق (یمین السلطنه)
- ۱۴ - صارم الدوله در سال ۱۳۳۵ هـ . ق
- ۱۵ - عضد السلطان در سال ۱۳۳۶ هـ . ق
- ۱۶ - امیر مفخم بختیاری در سال ۱۳۳۶ هـ . ق
- ۱۷ - نصیر خان سردار جنگگ ۱۳۳۷ هـ . ق
- ۱۸ - امیر اقتدار در سال ۱۳۴۱ هـ . ق (میرزا محمود خان انصاری)

دعوت از بختیارها در سال ۱۳۲۷ هـ ق :

مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۳۵۷ پاورقی )

می نویسد :

اقبال الدوله و معذل ( حاکم و نایب الحکومه اصفهان ) در اصفهان برای جنس ممیزی که هیچوقت معمول نبود فشار آوردند آقای حاج آقا نورالله موقع را مغتنم دانسته با صمصام السلطنه و ضرغام قرارداد گرفتن اصفهان را کرد قبلا هم با سردار

اسعد توطئه داشت محرمانه و او بفرنگ رفته و اطمینان گرفته برگشته .  
و در تاریخ اصفهان (صفحه ۱۸۸ پاورقی) ضمن وقایع سال ۱۳۲۶ می نویسد:  
ظلم معدل مردم را بغان آورد .

برای برگشت تسعیرات که حق و باطل مخلوط شده دفتریان جنس و جوزق و شلتوک ممیزی را که هیچ وقت جنس بعین نبود و همان هشتاد سال قبل موقع ممیزی و تعدیل بمصالحی نقدی نموده بودند با جنس دیوان که بعد از فروش خالصجات محدودی اقویا بسا دیوان مسعر کرده مخلوط نمودند خلق دبدند هیچ وقت پدرانشان هم یاد نداشته چنین جنسی جمع املاکشان بوده ( باشد ) بفریاد آمدند تا آنکه مجلس و دولت خرواری پنجهزار خواستند باز نپذیرفتند .  
نقّه الاسلام آقای حاج شیخ نور الله که منتظر وقت میگذرانیدند شیخ الاسلام و دیگران را بخفیه فرستاده ضرغام السلطنه بختیاری را باصفهان آوردند .

مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (صفحه ۶۴) در ضمن شرح حال حاج ابراهیم خان ضرغام السلطنه فرزند رضا قلیخان ایل بیکی چهارم محالی بختیاری فرزند جعفر قلیخان بن حبیب الله خان هفت لنگ ( ۱۲۷۲ - ۱۳۲۷ ) می نویسد:  
در اوایل سال ۱۳۲۷ قمری با اشاره حاج آقا نورالله مجتهد بسا یکصد و ده تن بنام علی (علیه السلام) حرکت کرد و اصفهان را پس از زد و خورد گرفت .

### جنگ بختیارها با قوای دولتی در اصفهان :

ضرغام السلطنه بختیاری ( حاج ابراهیم خان ) اولین کسی بود که دعوت علماء را پذیرفته و به اصفهان آمد و بشرحیکه در کتب تواریخ مسطور است در روز ترویبه و یا روز عرفه ( هشتم یا نهم ) ذی الحجه سال ۱۳۲۶ قمری با یکصد

وده تن از افراد ایل بختیاری بعدد نام مبارك حضرت على عليه السلام باصفهان آمده و شهر را مسخر شدند در این جریان خدمات وفداکارهای فرزند رشیدش ابوالقاسم خان را نباید از یاد برد . صمصام السلطنه نجف علیخان بختیاری نیز با عده‌ای زیاد به کمک ویاری ضرغام آمدند .

### هزینه اردو کشی :

برای یاد آوری از خدمات کسانی که در انقلاب مشروطیت ونهضت آن در اردو کشی بختیاریها به اصفهان متحمل مخارج آنها شده‌اند وقدردانی از آنها ویاد خیری از زحمات خالصانه ویی ریای آنها شده باشد ذیلا بذکر اسامی برخی از آنها اشاره می‌شود .

مرحوم ثقة الاسلام دعوتی از تجار واعیان شهر نمود وموضوع مخارج اردو کشی را عنوان فرمود همگان صمیمانه از دل وجان هر کسی فراخور حال ومال خود مبلغی بر عهده گرفت ویی مسامحه پرداخت نمود واین روش تا آخر مدت انقلاب همچنان ادامه داشت اسامی برخی از آنها بقرار زیر است :

- ۱ - حاج محمد ابراهیم ملك التجار از جمله اختیار روزگار
  - ۲ - حاج میرزا حبیب الله امین التجار از جمله سادات خاتون آبادی
  - ۳ - حاج محمد کازرونی رئیس کمپانی مسعودیه بنیان گزار کارخانه میهن
- ( نقل از دیوان طرب صفحه ۵۰۴ پاورقی ) .

غارت بازار اصفهان در سال ۱۳۲۶ هـ ق :

در سال ۱۳۲۵ قمری پس از عزل واستعفای نیرالدوله ، علاء الملك حاکم



اصفهان گردید و زمان حکومت او نیز دیری نپائید که اقبال الدوله کاشانی به حکومت اصفهان منصوب گردید و معدل نایب الحکومه شد .

اقبال الدوله ( میرزا محمد خان کاشانی فرزند میرزا هاشم امین خلوت کاشانی ) حاکمی مستبد و طرفدار استبداد بود و او و نایب الحکومه اش نسبت به مردم اصفهان و دیگر شهرهایی که بحکومت منصوب شده بود ظلمها روا میداشت. مرحوم انصاری در کتاب : آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۲۴) ضمن وقایع سال ۱۲۲۶ می نویسد :

پس از آنکه محمد علی شاه دستور خراب کردن مجلس و گرفتار ساختن مجلسیان را داد و چند تن را در باغشاه با مجبعتربین وضع کشتند و . . . اقبال الدوله بحکومت اصفهان منصوب شد و معدل هتاکی ها بمحترمین کرده . . .

صمصام السلطنه و ضرغام بختیاری رهسپار اصفهان گشتند. حاج شیخ نورالله حسن استقبال کرده بعضی را فرستادند تا خوانین را به شهر آوردند . اقبال که از فراق حسن جانش دیوانه و معدل دیوانه فوج ملایری را بغارت بازار امر دادند و توپ شکسته شان را بمسجد شاه بستند و بعد رشته نظامی را گسستند و بقونسولگری انگلیس رفتند .

### قضاوت مرحوم انصاری :

پس از این بیان مرحوم انصاری می نویسد :

گوئیا همه رفتار طرفین بدستور استادکار بود .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان نصف جهان (ص ۱۸۸) و همچنین تاریخ اصفهان وری (ص ۲۵۸) و همچنین دیگر نویسندگان تاریخ شرح ماجرای ورود

بختیارها به اصفهان و دفاع اقبال الدوله و غارت بازار اصفهان و دیگر قضایا را نوشته‌اند و نیازی به تکرار آنها در این جا نمی‌باشد .

اقبال الدوله کاشانی تا سال ۱۳۴۲ زنده بوده و در این سال بسن ۷۸ سالگی در طهران وفات یافته و در قم در مقبره فرخ خان امین الدوله بخساک سپرده شد ( ص ۲۱۴ سوم شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری ) بنابراین تولد او بسال ۱۲۶۴ بوده است .

### پس از هفتاد و چهار سال :

در سال ۱۲۵۰ قمری خسرو خان گرجی حاکم اصفهان شد او با علماء مخالف بود و با مردم بد رفتاری میکرد در سال ۱۲۵۳ مردم اصفهان علیه او شوریدند و او را در عمارت هفت دست ( محل فعلی کارخانه وطن ) محصور کردند شرح شورش مردم اصفهان در کتب تواریخ مسطور است .  
یکی از کارهای او علیه علماء غارت کردن خانه علامه فقیه مرحوم آقا سید حسن مجتهد موسوی (جد نویسنده) می‌باشد که کاپه اثاثیه او بغارت بردند و از آنجمله کتابها و مؤلفات آن مرحوم بود .

پس از غارت بازار اصفهان و بعداً تسلط بختیارها بر اوضاع شهر روزی مرحوم ملا علی میرزا مؤذن مسجد سید که علاوه بر آنکه مؤذن مسجد بود شغل کتابفروشی داشته و در فن خود صاحب اطلاع کافی بود به پدرم مرحوم آقا سید شهاب الدین فرزند آقای سید حسن مجتهد خبر میدهد که مقابل عمارت عالی قاپو کتابهای پدر شما را حراج کرده‌اند ( کتابها در عمارت عالی قاپو بوده است ) مرحوم آقای والد رحمه الله علیه به تعجیل خود را به محل رسانیده

و باقیمانده کتابها را ایتباع مینماید که اکنون در کتابخانه حقیرموجود است و معلوم میشود که مأمورین خسرو خان حاکم اصفهان خانه مرحوم مجتهد را که غارت می کنند اثاث البیت را خود میبرند و کتابها که مورد استفاده آنها نبوده در نزد حاکم برده و در عمارت عالی قاپو می گذارند که پس از گذشت ۷۴ سال بدست مرحوم پدرم میرسد .

توضیح : غارت بازار اصفهان در روز عرفه ( نهم ذی الحجه الحرام سال ۱۳۲۶ روی داده است) و در مدت دو ساعت سربازان دولت که باید حائظین جان و مال ملت باشند اموال تجار و کسبه را بغارت بردند .

**صورت حکم آیتین حجتین مرحومین حاج شیخ محمد تقی آقاجنئی  
و حاج شیخ نورالله ثقة الاسلام درباره مشروطه :**

پس از آنکه محمد علیشاه علناً بنای مخالفت با مشروطه و مشروطه خواهان نهاد و مجلس شورای ملی را تحت فشار قرار داد و ضدیت او با مشروطه مسلم گردید از طرف مرحوم آیت الله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی از نجف حکمی صادر شد و در آن تأیید از مشروطه شد . و پرداخت مالیات و غیره را بدولت غیر جائز و حرام دانستند . دنباله حکم مراجع نجف در اصفهان آقایان مسجد شاه : آقای نجفی و حاج شیخ جمال الدین و حاج آقا نورالله مسجد شاهی نیز هر کدام در تأیید احکام مراجع بزرگوار نجف حکمی صادر فرموده و منتشر ساختند . اینک صورت حکم صادره از طرف مرحوم آقای نجفی :

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين .

در خصوص مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارگانه احکام مطاعه حجج اسلام نجف اشرف و سایر علماء اعلام و دامت برکاتهم در وجوب مشروطه زیارت شد مطاع و لازم الاتباع است این احقر هم از اول امر تا بحال کراً مطابق مدلول احکام مطاع حجج اسلام مداظلالهم تأکیداً نوشته‌ام و همراهی و اهتمام در تشیید این امر مقدس نمودم و بعد از این هم باعانت حضرت صاحب الامر صلوات الله و سلامه علیه قولاً و فعلاً و کتباً سعی و جاهد هستم و این معنی را مسلمانان می‌دانم من اقل الطلاب و المحصلین محمد تقی النجفی الاصفهانی عفی الله عن جرائمه (صفحه ۱۰۱ مقیم و مسافر)

صورت حکم مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله در باره مشروطه :

بسم الله الرحمن الرحيم احکام صادره از حجج اسلام و حصون شریعت حضرت سید امام ادام الله ظلالهم مادام الایام در باره وجوب مشروطه و حرمت مخالفت با آن ملاحظه شد اطاعت آن بر کافه اناس و عموم کسانیکه مرعی مسلمانانی میباشند واجب و لازم است فی شهر محرم الحرام ۱۳۲۷ حرره الاحقر شیخ نور الله الاصفهانی (صفحه ۱۰۲ مقیم و مسافر)

صورت حکم مرحوم حاج آقا جمال الدین در ضمن شرح حال ایشان نوشته میشود .

**کارهای اشتباه محمد علیشاه در دوره استبداد صغیر :**

کسیرا که برگردش روزگار هم آن کند کش نیاید بگر

محمدعلیشاه از روی غفلت و نادانی و همچنین فرور و جوانی مرتکب اعمالی شد که تماماً بضرر او انجامید از آنجمله :

۱ - بتوپ بستن مجلس شورای ملی و تعطیل مشروطیت و مجلس .

۲ - گرفتار کردن و گشتن جمعی از آزادیخواهان و تبعید مرحومین بهبهانی و طباطبائی .

۳ - پوشیدن لباس قزاقان روسی .

۴ - فرمان عفو عمومی ندادن ( اگر مردم را مقصر میدانست اکنون که بر اوضاع مسلط شده عقل حکم میکرد که فرمان عفو عمومی بدهد و دیگر مردم را در فشار و آزار قرار ندهد .

۵ - صادر نکردن فرمان انتخابات مجدد که باین وسیله خود را طرفدار مشروطیت معرفی میکرد و فقط عده‌ای را مقصر می‌شناخت .

محمد علیشاه با این اشتباهات خود و دیگر اشتباهاتش علاوه بر آنکه عموم افراد مملکت را از خود بیزار ساخت انگلیس‌ها نیز که بعنوان حامی مشروطیت و قانون بلکه مؤسس آن اساس بودند را نیز از خود ناراضی کرد که درصد خلع او و همچنین انقراض سلطنت از خاندان قاجار بر آمدند تمام قضایائی که در ایران پس از این تاریخ رویداده دست سیاست بیگانه یعنی انگلیس در آن نمودار است .

قرارداد ۱۹۱۵ و قرارداد وثوق الدوله در ۱۹۱۹ (برابر ۱۳۳۸ قمری و ۱۲۹۸ خورشیدی) تشکیل پلیس جنوب - کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ خورشیدی (برابر ۱۲ جمادی الثانیه ۱۳۳۹ قمری) و بالاخره روی کار آمدن رضا شاه پهلوی و پس از ۱۶ سال خلع او از سلطنت و سلطنت فرزندش و تمام جنایات و اعمال خلاف شرع و عقل و عرف که در ایران در تمام این سالها بوقوع پیوست دست مرموز سیاست خارجی در آن مشهود است .

## رفتار محمد علیشاه و عکس العمل مردم و آزادیخواهان :

پس از آنکه بر همگان ثابت شد که محمد علیشاه با مشروطه و مشروطه چیان نظر موافق ندارد و کار اختلاف بین شاه و مجلس شورای ملی بالا گرفت بجای آنکه عقلاء ملت و علماء در صد چاره جوئی بر آیند و راه اصلاحی بیابند خود باین اختلافات دامن زدند و آتش فتنه و فساد را روشنتر ساختند .

مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری که اعلم و افضل علمای طهران بلکه ایران بود برای جلوگیری از تندروها آزادیخواهان تندرو و انقلابی ابتداء در میدان توپخانه و سپس به زاویه مقدسه حضرت عبد العظیم رفته و بوسیله لوایح مقاصد خود را بیان فرمود و صریحاً اظهار داشت که :

من با اصول مشروطیت موافقم و آنرا مطابق قوانین شرع و اسلام میخواهم لذا عنوان مشروطه مشروعه بمیان آمد .

سخن در این باره زیاد است طالبین بکتاب مربوطه مراجعه فرمائید و آنچه مسلم است آنکه شیخ شهید نوری اندیشه اسلام و ضم دین داشت نه آنچه مخالفین او گفتند و می گویند .

شاه نیز در این گیر و دار آسوده ننشسته بود و از مجلس تقاضا کرد که هشت نفر از وکلاء را که به او بیشتر از همه توهین میکردند جهت سیاست بنزد او بفرستد و مجلسیان نیز از شاه می خواستند که شش نفر از درباریان را که مخالف اساس مشروطه بودند از خود دور گرداند و . . .

این مطالب موجب شد که هر دو طرف از همدیگر مأیوس شدند. شاه در صدد بر انداختن اساس مجلس و مشروطه بر آمد و مجلسیان و آزادیخواهان بفکر بر

کنار ساختن او از سلطنت افتاده مردو بکار مشغول شدند و اقدامات لازم را شروع نمودند .

### جلوگیری از مسافرت مرحوم آقا نجفی بطهران :

مرحوم انصاری در کتابهای تاریخی خود در ضمن وقایع سال ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ می نویسد که :

محمد علیشاه در طهران جمعی را گرفتار و محبوس داشت . حجة الاسلام آقای نجفی خواستند بطهران روند وثقة الاسلام مانع شدند ( سال ۱۳۲۶ ) . در سال ۱۳۲۷ ه . ق باز حجة الاسلام آقای نجفی خواستند بطهران روند و میان مردم را با شاه اصلاح کنند ثقة الاسلام آقای حاج شیخ نور الله ، آقا میرزا و حاج سید اسماعیل را فرستاد و با تهدید از جز ( گزاز بلوک بر خوار ) عودتشان دادند . ( صفحه ۱۸۹ تاریخ اصفهان - صفحه ۱۲۵ کتاب آگهی شهان سوم ) .

در صفحه بعد ضمن وقایع ۵مین سال می نویسد ( ص ۱۹۰ تاریخ اصفهان ) :  
قلندر معتمد خاقان را برای تعلیمات صمصام السلطنه روانه اصفهان داشتند و اغفال آقای نجفی و جلوگیری از شورش در امر شیخ ( مراد موافقت با مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری است ) .

در تاریخ اصفهان وری در ضمن وقایع سال ۱۳۲۷ و خلع محمد علیشاه از سلطنت و گرفتاری مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری بدست مجاهدین قفقازی و مشروطه خواهان افراطی و حزب ده و کرات ( ص ۲۵۸ پاورقی ) می نویسد :

آقای نجفی خواستند بطهران روند غائله را بخوابانند و نگذارند به مرحوم

شیخ فضل الله خطری برسد آقای حاج شیخ نور الله، آقا میرزا را فرستاد عودتش داد بتهدید ...

معمد خاقان را از طهران به اصفهان فرستادند آقای حاج شیخ نور الله جلوگیر آقایان شود که معترض نشوند و معمد خاقان تلگراف اقداماتش را کرد و مرحوم شیخ را بدار زدند.

نویسنده گوید : عات ظاهری جلوگیری حاج آقا نور الله از مسافرت مرحوم آقا نجفی بطهران یقین داشتن به اینکه اقدامات ایشان و دیگران در این مورد تأثیر ندارد و احتمال خطر برای خود آقای نجفی نیز می رود. والله اعلم بحقایق الامور. بظن قوی دوستان و آشنایان مرحوم ثقة الاسلام از طهران به ایشان خبر داده بودند که مراقب خود و آقای نجفی باشید که ممکن است مشروطه چپان خود فروخته و مجاهدین ناشناخته در صد گرفتاری شما و ایشان نیز باشند و خطر گرفتاری شما دو برادر و جمعی دیگر از علماء تقریباً حتمی است از اینرو مرحوم ثقة الاسلام در صد جلوگیری از مسافرت آقای نجفی و گرفتاری احتمالی ایشان در طهران بر آمد. و خود نیز پس از شهادت مرحوم شیخ به عراق عرب و اعتبار مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مهاجرت نموده است.

قول ضعیف دیگری نیز در این مورد می باشد و آن اختلاف نظر مرحوم ثقة الاسلام و مرحوم شیخ شهید است درباره مشروطه مشروعه که حاج آقا نور الله آنرا غیر ممکن میدانست چنانکه از رساله مقیم و مسافر منسوب به ایشان استفاده میشود و همچنین اقوال دیگری نیز گفته شده که چون مقرون به ادله یقینی نمی باشد از ذکر آنها صرف نظر گردید و حقیقت امر را جز خداوند علام الغیوب و عالم السرو الخفیات دیگری نمیداند و آنچه گفته اند و گفتیم همه وهمه ظن و گمانی بیش نیست و ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً (سوره النجم آیه ۲۸).



دورساله مفیم و مسافر منتسب به مرحوم حاج آقا نورالله ( ص ۸۴ ) درباره مشروطه مشروعه که آنرا با رفتار معاویه و عمر و عاص در جنگ صفین مقایسه می کند و فرمایش حضرت علی علیه السلام را که : وقتی قشون معاویه قرآنها بر سر نیزه کرده و فریاد کردند که : لاحکم الا لله حضرت فرمودند : انها کلمة حق اراد به باطلا .

سپس گوید: سلطنت حقه که بتمام خصوصیات مشروع باشد غیر از زمان ظهور حضرت امام عصر ( عجل الله تعالی فرجه ) امکان ندارد .  
این عنوان را نمودند ( مشروطه مشروعه ) که مشروطه را باین عنوان ( از بین ) ببرند و مشروعه هم در ظرف خارج محقق نشود .

#### آرزوئیکه ظل السلطان با خود بگور برد :

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۳۵۵ پاورقی ) ضمن وقایع سال ۱۳۲۶ می نویسد :

پس از بروز خلاف میان شاه و پارانمان عنوان عزل شاه پیش آمد ( و همچنین عنوان ) نصب ظل السلطان پیش آمد . در اصفهان شاهزادگان چادرها زدند و طلای خوانند :

شکر الله ظل سلطان شاه شد      ظل سلطان بود وظل الله شد

در شیراز نیز همراهان عشایری و شهری داشت ولی انگلیسیان گویا برای رضای روسیان ظاهراً او را منع کردند ( روسها با سلطنت او که از مهرهای سیاست انگلستان و دست نشانده آنسان بود مخالف بودند ) و باطناً بسی میل نبودند ( به او وعده داده بودند و او یعنی ظل السلطان گامی در مجالس خصوصی برای دوستان خود و دیگران این مطلب را اظهار کرده بود ) و خودش

نظر بضمف نفس و قلب معمولی جرأت نکرد و شنیدم حاج مشیر الملک جداً او را جلو گیر شده و ترسانده بود از شیراز با خیلی ترس برگشت . از بنده پرسید چه میشود گفتم دول ( خارجی ) نخواهند این شاه مطلق العنان بماند و محرک سرکشان میشوند گفت من چه کنم گفتم بروید بمکه و برگردید به نجف و با آقایان نجف بسازید .

نویسنده گوید : از مطالب گذشته و آنچه در این قسمت مطالعه فرمودید و بعداً نیز میخوانید ارتباط و بستگی مرحوم انصاری را به ظل السلطان درک فرمودید اینک شما و قضاوت در باره برخی از مطالبی که او نقل نموده و اشارات و کنایاتی که درباره برخی از بزرگان میدهد .

مرحوم انصاری در سالهای ۱۳۰۶ به بعد مستقیماً وارد دستگاه حکومتی بوده و با آقایان مسجد شاه نبر بهر قصد و نیتی که بوده ارتباط داشته و بهتر از دیگران از مطالب پشت پرده آگاه بوده لکن آنچه نوشته همه و همه به نفع ظل السلطان می باشد و اگر قلم او طغیان کرده و از ظلم و ستم دستگاه حاکم سخنی رانده آنرا بدیگران نسبت داده است تلویحاً خواسته است ظل السلطان را از آنهمه جنایات تبرئه کند .

ادوارد برون در کتاب انقلاب ایران ( صفحه ۳۴۶ ) در باره مراجعت ظل السلطان به ایران می نویسد :

( ظل السلطان ) چون از برکناری برادر زاده خود : « محمد علی » آگاه گردید آهنگ بازگشت به ایران را کرد به امید اینکه قاعدتاً از موقعیت استفاده کرده باشد غافل از اینکه باید قبلاً انگلستان و روسیه از این عزم آگاه شده بازگشت او را تضمین نمایند . . .

نکته قابل توجه در این قسمت اینکه می نویسد : باید قبلاً انگلستان و روسیه از این عزم آگاه شده و بازگشت او را تضمین نمایند معلوم میشود که آنها خود

را صاحب اختیار مطلق و دستور دهنده تمام کارها بوده اند و . . .  
شعر زیر مربوط بهمین زمان و خیال باطل ظل السلطان است :  
ستاره کوری ماه همیشه      شازده لوجه شاه همیشه  
شازده مخفف شاهزاده و لوج بمعنی دو بین است در اصطلاح مردم اصفهان  
و مراد ظل السلطان می باشد .

اثر تبلیغات علیه مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری علیه الرحمه :

در دوره استبداد صغیر که مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری بعنوان: مشروطه  
مشروعیه قیام نموده بود و برخی از تند رویها و لایابالگیریهای مشروطه خواهان الهام  
گیرنده از خارج کشور را بوسیله لوائج و نامه ها و گویندگان مذهبی برملا و آشکارا  
می ساخت مخالفین او نیز آرام نگرفته و هر روز موجبات اذیت و آزار او را که  
فقط از این انقلاب رواج دین و شریعت میخواست و هیچگونه آرزوی دیگر-ری  
نداشت فراهم می ساختند .

در روزنامه های آن زمان اگر دقت شود نسبت ناروایی نیست که به آن مجتهد  
عالی مقام نداده باشند .

با مطالعه نوشته های روزنامه های جبل المتین و صبح صادق ( هر دو در تاریخ  
۱۱ جمادی الاولی ۱۳۲۵ ) بسیاری از مطالب روشن می شود .  
صبح صادق می نویسد که :

در مدرسه صدر مرکز انجمن طلاب رفتم جمعیت زیاد بود بر بالای منبر آقا  
میر سید محمد بر عرشه نشسته بود آقا میرزا محسن در طرف چپ ایشان سید جمال  
طرف راست ایستاده ملك المتكلمین در پله دوم و ادیب المجاهدین و جمال المحققین  
و جمعی دیگر روی پله های منبر و مردم فریاد میزدند و يك زبان نفی و تبعید آفایان:

- ۱ - حاج شیخ فضل الله
  - ۲ - حاج ملا محمد آملی ( مؤلف تلخیص الفرائض متوفی در شب غره شعبان ۱۲۳۶ . ۵ ق )
  - ۳ - حاج ملا لطف الله واعظ
  - ۴ - حاج میرزا حسن تبریزی ( متوفی در جمادی الثانیه ۱۳۳۷ و مؤلف تشریح الاصول وغیره )
  - ۵ - حاجی خمایی
- را می‌خواستند

از علمای موافق نیز امام جمعه وسید جمال افجه‌ای وصدر العلماء وظهیر الاسلام و آقا سید محمد عصار در تالار مدرسه حاضر بوده‌اند .

در دنباله این مطالب چیزها نوشته که از محیط نا آرام واغتشاش وتحریک علیه علماء طرفدار مشروطه مشروعه حکایت می‌کند طالبین مراجعه کنند (ص ۱۴ - لوابیح مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری ) .

کار این تبلیغات بجائی رسید که بر حسب آنچه معروفست :

در هنگام شهادت آن بزرگوار وبر دار کشیدن او یکی از فرزندان درپای دار حاضر بوده و اظهار رضایت وخرسندی مینموده است .

رفتاریکه از برخی از مجاهدین ودیگران نسبت به جنازه مرحوم شیخ شهید انجام گردیده وجسارتها وبی احترامیها که از برخی از افسران در آن موقع بظهور پیوسته نشان دهنده وضع روحی مردم وطرز اندیشه آنها نسبت به آن عالم جلیل می‌باشد .

حضور صدها تن از مردم مسلمان که تما چندی قبل از مریدان مرحوم شیخ بوده واطاعت امر او را چون مجتهد جامع الشرایط است واجب می‌دانستند

اکنون در اثر تبلیغات سوء علیه ایشان در میدان توپخانه برای مشاهده بردار کشیدن او حاضر شده‌اند و باین مناسبت اظهار شادی و خرسندی می‌کنند و آنرا فوز عظیم می‌شمارند .

نقل است که وقتی تلگراف طهران راجع به شهادت آن بزرگوار رسید یکی از اهل عمام بنام : شیخ حبیب الله نائینی در تلگرافخانه حضور داشت در مقابل چشم صدها تن از مردم به زمین افتاده و خدایرا بر این فاجعه شکر کرد .

خواننده عزیز از این چند نمونه که ذکر شد میزان تأثیرگفتار مخالفین مرحوم شیخ شهید را در جامعه متوجه شدند . اکنون داستان شهادت مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری .

پیشگویی دو تن از ائمه اطهار علیهما السلام درباره شهادت شیخ بزرگوار :

۱ - ابن عقده از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که آنحضرت فرمودند :

« من وقایع آخر الزمان اختلاف الصغیر من العجم فی کلمة عدل یقتل فیهم الوف یخالفهم الشیخ طبرسی یصلب ویقتل » .

۲ - مرحوم حاج شیخ ابوالفضل خراسانی در کتاب سفینه النجاة ( صفحه ۱۷۲ ) از حضرت جواد علیه السلام روایت می‌کند که آنحضرت فرمودند :

« کأنی بجراید شتی بأسماء شتی لأری بهم رشدأ ولالد ینهم صبانة کلما مالوا الی جانب انهدر منهم الاخر یمرضهم رجل طبرسی فیصلب ویقتل » .  
ترجمه حدیث اول :

از وقایع دوره آخرالزمان اختلاف دو گروه از مردم عجم است درباره کلمه عدل در این بین هزاران نفر کشته شوند شیخی از اهل طبرستان با آنان مخالفت کند بدار زده شود و کشته شود .

ترجمه حدیث دوم :

گویا می بینیم نامه های (نوشتها - روزنامه ها ) چندی بنامهای چند که در آنها رشد و هدایت نمی بینم و از برای دینشان نگهبانی نیست ( مقید باصول دیانت نمی باشند ) بهر سو میل کنند از سوی دیگر خراب شوند ( شاید مقصود شمال و جنوب یعنی انگلیس و روس باشد ) مردی از اهل طبرستان با اینان معارضه کند پس بدار آویخته شود و کشته گردد .

( نقل حدیث از کتاب : فاجعه قرن صفحه ۱ ) .

این دو حدیث را با جریان مشروطیت و شهادت شیخ تطبیق نموده اند و الحق ایندو را باید از معجزات باهرات ائمه اطهار و پیشگوئیهای آنان شمرد که قریب یازده قرن قبل از آن خبر دادند .

برای روشن شدن اهمیت این پیشگوئیها گوئیم :

الف : ابن عقیله ( بسر وزن عمده ) شهرت ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید بن عقیله یا عبدالرحمن بن زیاد سبعی عجلانی همدانی از بزرگان محدثین و حفاظ و از فرقه جارودیه از فرق زیدیه بوده و قدرت حفظ بی نظیر بوده است از او نقل شده که گفته است : من یکصد هزار حدیث مسند حفظ دارم و بسا سیصد هزار حدیث مذاکره می کنم . کتب زیر از تألیفات اوست : ۱ - اخبار ابی حنیفه ۲ - اسماء الرجال الذین رووا عن الصادق علیه السلام ۳ - التاريخ ۴ - تسمیه مع شهد مع امیر المؤمنین علیه السلام ۵ - تفسیر قرآن مجید ۶ - کتاب الرجال ۷ - من روی عن فاطمه علیها السلام ۸ - من روی غدیر خم ۹ - الولایه مشارایه در

سال ۳۳۲ در کوفه وفات یافته است .

ب : عالم فاضل متقی حاج میرزا ابوالفضل فرزند مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد حسین خراسانی از علماء وائمه جماعت طهران واز شاگردان حوزه مقدسه قسم ومحضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری میباشد وی از مؤلفین ومروجین بشمار میرود کتب زیر از او بچاپ رسیده است : ۱ - سفینه النجاة فی المهلكات والمنجیات بفارسی در چندین مجلد جلد اول آن بسال ۱۳۶۴ در دویست ونود وهفت صفحه وقسمت دوم از مجلد اول در سال ۱۳۶۵ در سیصد وپنجاه وشش صفحه وقسمت اول از جزء چهارم از مجلد دوم نیز در سال ۱۳۶۵ در سیصد وشصت وچهار صفحه وقسم دوم از جزء چهارم از مجلد دوم همچنین در سال ۱۳۶۵ در پانصد وبیست ودو صفحه در طهران بچاپ رسیده وحديث ذکر شده از همین کتابست .

۲ - الأربعة عشر فی عشر فی احادیث دعاة البشر در سال ۱۳۴۹ قمری در طهران در ۲۵۹ صفحه بچاپ رسیده است .

۳ - حکمة النقاب وفلسفة الحجاب مطبوع

۴ - زیبایی مردان در تمام ادیان یا محاسن الرجال مطبوع

( آثار الحجة - الذریعه - مؤلفین کتب چاپی ) .

آشنائی با مرامنامه حزب دموکرات :

مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری دراوائل امر که سخن از مبارزه علیه استبداد و رفع ظلم ونشر عدالت بود با مردم وعلماء موافقت میکرد وچون نام مشروطه از سفارت انگلیس در دهان مردم افتاد اندکی در موضوع توقف نمود لکن پس از استقرار مشروطه وتشکیل مجلس شورای ملی بجای مجلس شورای اسلامی

و همچنین تشکیل احزاب سیاسی و چاپ و انتشار نظامنامه‌های آنها و چاپ روزنامه‌های مختلف همچون روزنامه اختر و حبل المتین و دیگر جراید و روشن شدن ماهیت و هویت آزادیخواهان ایشان و جمعی دیگر از بزرگان علماء از صف مشروطه خواهان جدا شده و عنوان مشروطه مشروعه (یعنی مشروطه‌ای که قوانین آن با قوانین شرع اسلام مطابقت داشته باشند) با قوانین ممالک خارجه غیر مسلمان را بمیان آوردند .

دیلا جهت آگاهی بیشتر خوانندگان به چند ماده از مواد اساسنامه و مرامنامه حزب دموکرات اشاره می‌کنیم :

- ۱ - در ضمن شرایط دخول افراد در حوزه‌های حزب می‌نویسد :  
محرف بکسب روحانی نبوده و متکدی و مفتخور نباشد (ص ۳ قواعد و نظامنامه فرقه دموکرات ایران) .  
توجه فرمائید که روحانیت را کسب دانسته و آنرا بسا تکدی و مفتخوری هم‌ردیف قرار داده است .
- ۲ - تساوی همه افراد ملت در مقابل دوات و قانون بدون فرق نژاد - مذهب و ملیت ( ص ۱۰ مرامنامه دموکرات ماده اول حقوق مدنیه ) .  
این ماده یکی از موارد اختلاف بین علماء بزرگوار و مشروطه خواهان افراطی بوده است .
- ۳ - انفکاک کامل قوه سیاسیه از قوه روحانیه ( ص ۱۲ مرامنامه )  
این مطلب نیز از یکی از خواسته‌های دول استعمارگر است که دوات و روحانیت را دونیروی مجزی از یکدیگر می‌شناسد حال آنکه اسلام و بخصوص شیعه ایندو قدرت را یکی می‌خواهد و در يك جا میداند .
- ۴ - در رساله ( اصول دموکراسی ) در توضیح مطالب مرامنامه مطالبی



می نویسد من جمله: درباره تساوی حقوق بصراحت می گوید اسلام و مسیحیت را نباید سبب تفاوت و موجب اختلاف دانست و دولت مثلاً در استخدام و تفویض امور بعد از اجتماع شرایط لیاقت در دو شخص نژاد و غیره ( مذهب و ملیت ) را علت فرق نکنند . . . ( ص ۲۶ - اصول دموکراسی ) در خانمه این شرح و توضیح می گوید :

امور مذهبی که در شریعت فرق گذاشته اند مثل مناکحه و مواریث و غیره با ربطی باین ماده ندارد .

این مطالب و دیگر امور که در ظاهر مورد قبول و پسند همه می باشد عباراتی زیبا بود که حقایقی را وارونه جلوه میداد. آنان از این گونه سخنان اندیشه های دیگری داشتند که در روزنامه های خودگاهی بکنایه و زمانی بصراحت بآن اشاره میکردند . اینان بهمه علماء و روحانیون تهمت و افتراء میزدند و همه را ببدی یاد میکردند و کار وقاحت را بیالاتر از علماء نیز گاهی می رساندند . در این جا وظیفه علماء اسلام بود که از دین و شریعت و علماء دفاع کنند و شایسته ترین فرد در این وقت مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری بود که مردانه قد علم کرد و حق را بیان فرمود و جان خود را در این راه داد و زنده جاوید گشت رحمة الله علیه .

اسامی چند تن از علماء طهران که موافق با مشروطه مشروعه بودند:

علماء نامبرده زیر جزو کسانی هستند که در قیام و نهضت مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری مستقیماً شرکت نمودند :

- ۱ - سید ابراهیم تبریزی .
- ۲ - حاج میرزا ابوطالب زنجانی .
- ۳ - حاج میرزا حسن آقا تبریزی .

- ۴ - حاجی خمایی رشتی ( حاج شیخ احمد ) .
- ۵ - سلطان العلماء .
- ۶ - حاج شیخ علی اکبر بروجردی
- ۷ - حاج شیخ عیسی چالمیدانی .
- ۸ - ملا لطف الله .
- ۹ - ملا محمد آملی .
- ۱۰ - ملا محمد پشناماز .
- ۱۱ - سید مهلی امام .

### شهادت حاج شیخ فضل الله نوری رضوان الله علیه :

در سال ۱۳۲۷ هـ . ق : ما در این جا بر سر آن نیستیم که اوضاع واحوال انقلاب مشروطیت را از اول تا به آخر نقل کنیم و مطالب را به موضوع شهادت مرحوم شیخ ش-هید برسانیم زیرا این موضوع را دیگران کمأ و کیفأ در کتابهای خود نوشته اند فقط می گوئیم :

روزانه اول مردم و علماء اجرای عدالت و عدالتخانه و عزل عین الدوله را از صدارت می خواستند سپس به یلقین انگلیس موضوع مشروطه را عنوان نمودند . مظفر الدین شاه در تاربخ ۱۴ جمادی الثانیه سال ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی را افتتاح نمود و عین الدوله را نیز معزول کرد .

با افتتاح مجلس شورای ملی و نفوذ افراد سرسپرده سفارت و خود فروختگان به بیگانه و تصویب قانون اساسی اوضاع صورت دیگری به خود گرفت . تا این موقع تقریباً تمام علماء با اصل موضوع موافق بودند و همگان مجلس و قوانینی مطابق شرع مقدس اسلام میخواستند لکن مجلسیان خیلی زود ماهیت خود و عقاید

خوبش را ظاهر و نموده خواهان قوانین و مقررات ممالک بیگانه شدند .  
اول عالم و مجتهدی که به ماهیت این گروه متوجه گردید و علناً به مبارزه با آنان  
برخاست علامه بزرگوار و مجتهد عالی‌مقدر مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری بود  
که مشروطه مشروعه را عنوان نمود و فرمود که :

من مشروطه‌ای را میخواهم و از آن حمایت می‌کنم که مطابق قوانین شرع  
مطهر باشد و باین مشروطه که از خارج از مملکت و از غیر مسلمانها دستور بگیرد  
مخالقم . عده‌ای دیگر از علماء بزرگوار نیز به تبعیت از ایشان وهم از روی عقیده  
در طهران و تبریز و زنجان و دیگر شهرها بنای مخالفت با این مشروطه و این مجلس  
شوری را نهادند . لکن در اصفهان قدرت مطلقه در دست مرحوم ثقة الاسلام بود  
و او از مشروطه کذائی حمایت میکرد .

در طهران و برخی دیگر از شهرها روزنامه‌ها بنای بدگویی به علماء و بزرگان  
دینی نهاد و نسبت به مقدسات اسلام و دین قرآن جسارت نموده و حتی کار و قاحت  
و بیشرمی بجائی رسید که در مجلس شورای ملی نیز برخی از و کلاء همین نغمه‌ها  
را سرودند و دیگران در برابر آنها ساکت و خاموش نشستند .

در این موقع نیز علماء قیام کرده و خواهان اصلاح برخی از مواد قانون  
اساسی شدند و مجلسیان مجبوراً مضمون قانون اساسی را تنظیم و تصویب نمود .  
مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری که با مخالفت و کلای مزدور و مأمور  
بیگانه روبرو شده بود و با نور ایمان همه چیز را میدید و آینده ایران و اسلام  
را با این مجلسیان و قانون آنها مشاهده میکرد علناً بنای مخالفت با آنها نهاد با  
جمعی کثیر از علمای طهران و عراق ( اراک ) و تبریز و دیگر شهرها در سال ۱۳۲۶  
بزایوه مقدسه حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام رفته و در آنجا تحصن اختیار  
فرمود و مقاصد و نیات خالصانه خود را بوسیله لوایح و اعلامیه‌ها چاپ و منتشر

نمود نسخه‌های آنرا جهت آگاهی وهم برای کمک و همراهی برای علماء شهرها  
و علماء معروف فرستاد .

مرحوم انصاری در کتاب آگهی شهان ( صفحه ۱۲۳ سوم ) ضمن وقایع  
سال ۱۳۲۶ تحسن مرحوم شیخ را یاد آور شده ومی نویسد :  
تمایل بعضی علمای اصفهان به او ( انتهی ) لکن ذکری از اسامی این علماء  
نموده ونویسنده نیز تا کنون نام آنها را از کسی نشنیده است .

سخن را کوتاه کنیم و شرح مفصل را بکتابهای تاریخ آن عصر واگذاریم  
وگوئیم : پس از تعطیل مجلس بوسیله محمد علیشاه مشروطه خواهان از شمال  
وجنوب یعنی گروهی از رشت به قزوین آمده واز آنجا آهنگ طهران کردند  
وبختیارها نیز از اصفهان به سوی طهران رفته وهر دو وارد طهران شدند ومحمد  
علیشاه که به سفارت روسیه پناهنده شده بود را از سلطنت عزل وبجای او فرزند  
خرد ساش احمد شاه را به سلطنت نشانند .

مصیبت از این روز شروع گردید :

برون در کتاب : انقلاب ایران ( صفحه ۳۴۳ ) بخلاصه واندک تصرف  
می نویسد :

دادگاه وبژه‌ای برای دادرسی پرخاشگران سیاسی برپا کردند ( این دادگاه  
محکمه قضاوت عالی نامیده شد ) واز ده تن تشکیل یافته بود در این محکمه  
بجای آنکه حرف از اتهام وبازخواست و بیان مواردخطا باشد فقط به آن بزرگوار  
اعتراض وایراد میگرفتند که چرا چنین کردی وچرا چنین گفتی واز این نوع حرفها.

وقتی که همه برای حفظ جان خود به بیگانه پناهنده میشوند :

در طول مبارزات مشروطه و کشمکش‌ها وسایر موارد دقت می کنیم می بینیم

که مردم بظاهر مسلمان و مخالف کفر جائیکه حفظ منافع و جان در کار بوده حاضر شده‌اند که به بیگانگان یعنی دشمنان واقعی خود پناهنده شوند و بسفارتخانه‌های آنها رفته و متحصن شوند نمونه‌های آن :

۱ - تحصن در سفارت انگلیس برای آزادبخواهی و عدالت طلبی (در طهران)

۲ - تحصن در سفارت روسیه در طهران و اصفهان

۳ - تحصن در سفارت عثمانی در طهران و تبریز

اما تنها مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری است که مرگ را استقبال می‌کند وزیر بار ننگ تحصن در سفارت بیگانه نمی‌رود .

وقتی سفارت روسیه برای او پرچم میفرستد و پیغام میدهد که : جان شما در خطر است این پرچم را سر درب خانه خود نصب کنید و از هرگزندی آسوده باشید وی با کمال شهامت و مردانگی که از صفات مردان خاص خداوند است این پیشنهاد را رد کرد . و میفرماید :

آیا رواست که من پس از هفتاد سال که محاسنم را برای اسلام سفید کرده‌ام حالا بیایم و بروم زیر بیرق کفر .

به او پیشنهاد کردند که در طهران مخفی شود و بعداً به اعتاب مقدسه مهاجرت فرماید در جواب فرموده بود :

اگر من پایم را از این خانه بیرون بگذارم اسلام رسوا خواهد شد . (تازه مگر می‌گذارند) .

وقتی که از سفارت عثمانی به او پیشنهاد پناهندگی شد فرمود :

يك عمر نان حضرت علی بن ابیطالب را خورده‌ام اکنون حاضر نیستم که نان عمر را بخورم .

بالاخره او را گرفتند و با يك محاکمه فرمایشی ویرا محکوم به اعدام کردند

و با این عمل ننگین خود ماهیت خود و مشروطه خود را انکار نمودند .

### هیئت مدیره :

افراد زیر جزو هیئت مدیره دادگاه بوده و تعداد نفرانشان ۱۲ نفر و در غیاب مجلس شورای ملی قائم مقام آن و تمام رتق و فتق امور مملکت با آنان بوده و هیأت قضات دادگاه عالی انقلاب را نیز آنان انتخاب نموده بودند اسامی آنها بدین شرح است :

- ۱ - ابراهیم حکیم الملک .
  - ۲ - سید حسن تقی زاده .
  - ۳ - میرزا حسن خان وثوق الدوله .
  - ۴ - حسینقلی خان نواب .
  - ۵ - میرزا سلیمان خان میکده .
  - ۶ - صادق مستشار الدوله .
  - ۷ - عبدالحسین سردار محبی .
  - ۸ - میرزا محمد علی خان تربیت .
  - ۹ - حاج علی قلی خان سردار اسعد .
  - ۱۰ - مرتضی قلیخان صنیع الدوله .
  - ۱۱ - حاج سید نصرالله تقوی .
  - ۱۲ - محمد ولیخان سپهدار اعظم .
- ( صفحه ۱۰۴ سوم رجال ایران در سه قرن اخیر ) .

آنچه مسلم است و همه میدانند آنکه حکم اعدام مرحوم شیخ فضل الله را انگلیسی ها سالها قبل داده بودند لکن در این زمان بدست افراد نامبرده بالا که

همگان از نوکران و سر سپردگان سفارت بودند و بعدها در برابر این جنایت و سایر خیانتها بمقامات عالیه از وکالت و وزارت و سایر مشاغل دولتی رسیدند انجام گردید .

اسامی اعضاء محکمه قضاوت عالی : افراد نامبرده زیر کسانی هستند که در جلسه محاکمه شیخ بزرگوار حضور داشته و باتصویب و امضای حکم بدار آویختن آن عالم جلیل لعن ابدی و نفرین همیشگی را برای خود تحصیل کردند:

۱ - شیخ ابراهیم زنجانی نماینده زنجان

۲ - میرزا محمد مدیر روزنامه نجات

۳ - جعفر قلیخان بختیاری سردار بهادر

۴ - سید محمد ملقب به امام زاده

۵ - نصرالله خان خلعت بری اعتلاء الملك وابسته کنونی وزیر مختاری ایران

در استانبول ( سال ترجمه و چاپ کتاب انقلاب ایران ۱۳۲۹ ش ) .

۶ - جعفر قلیخان یکی از ساکنین استانبول

۷ - حاج میرزا عبد الحسین خان کاشانی ملقب به وحید الملك شیبانی

۸ - یمین نظام . عبد الحمید خان سردار مقتدر کاشانی

۹ - میرزا علی محمد خان مجاهد . برادر میرزا محمد علی خان تربیت

۱۰ - احمد علی خان مجاهد . عمید السلطان برادر سردار محیی

اسامی افراد نامبرده بالا از قول اعتلاء الملك نقل شده است (صفحه ۴۲ کتاب

انقلاب ایران یادداشت ۲۴ مترجم ) صفحه ۱۰۴ سوم رجال ایران بامداد .

اسامی محکومین در محکمه قضاوت عالی :

برون در کتاب انقلاب ایران ( صفحه ۴۴۳ ) محکومین در این محکمه را

شش نفر بشرح زیر می نویسد :

۱ - صنیع حضرت رئیس قورخانه . سید محمد خان

۲ - مفاخر الملك معاون حکمران طهران . علی نقی خان

۳ - مرحوم حاج شیخ فضل الله مجتهد نوری .

۴ - میر هاشم یا سید هاشم تبریزی در روز ۲ رجب ۱۳۲۷ .

۵ - برادر میر هاشم .

۶ - آجودانباشی . افسر توپخانه در روز ۱۴ رجب ۱۳۲۷ .

علت محکومیت مرحوم شیخ نوری نورالله مضجعه الشریف : برون در کتاب

انقلاب ایران ( صفحه ۳۴۴ ) ضم-ن موضوع دادرسی به اتهامات مرحوم شیخ

می نویسد :

او از نظر سیاسی محکوم بمرگ (بوسیله دار) نشده بلکه از آنرو که فتوای

قتلهائی را در شاه عبدالعظیم داده و حکم این کشتار که به مهر او رسیده بود در

دست دادگاه افتاده ( بود ) .

نویسنده گوید : اگر مجتهد جامع الشرائطی حکم به قتل کسی بدهد احدی

را نمیرسد که درباره او و حکمش حرفی بزند مگر آنکه سخن در مقدمات حکم

و ادله شرعیه باشد که خلاف آنرا ثابت کند آنهم در زمانیکه حکم اجرا نشده است

بلکه پس از صدور و اجرای حکم مجتهد را نمیتوان مورد بازخواست قرار

داد آنهم دادگاهی با افرادی که اسامی آنها ذکر شد که در بین آنها فقط نماینده

زنجان با کلمه « شیخ » خوانده شده و عدم اجتهاد او مسلم می باشد .

فرمایش مرحوم شیخ قبل از بدار آویخته شدن :

آنچه مسلم است آنکه مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری را بخاطر اسلام



ودفاع از حریم مقدس آن کشتند و این سخن را جای هیچگونه شك و تردیدی نمی باشد .

دانشمندان معاصر جناب آقای حاج شیخ علی دوانی در کتاب : نهضت روحانیون ایران ( صفحه ۱۶۲ یکم ) به نقل از کتاب شیخ شهید نوری نوشته آقای دکتر تندرکیا پس از شرح نسبتاً مفصلی که راجع به مقدمات بدار آویختن و شهادت شیخ بزرگوار می نویسد می گوید :

( مرحوم شیخ ) عمامه اش را از سرش برداشت و تکان داد و گفت :

« از سر من این عمامه را برداشتند از سر همه بر خواهند داشت » .

نویسنده گوید : روانت شادای بزرگواریکه با دیده حق بین خود اوضاع آینده مملکت را می دیدی و میفرمودی از سر ۵۵-ه بر میدارند پس از بیست سال از شهادت او بدست رضا خان نوکر استعمار بعنوان قانون لباس متحد الشكل در این مملکت اجرا گردید .

### اجمالی از احوال و آثار مرحوم :

شیخ بزرگوار علامه جلیل حاج شیخ فضل الله نوری رحمة الله علیه :

مرحوم حاج شیخ فضل الله فرزند آخوند ملا عباس کجوری مازندرانی ( معرف به پیشناماز) پدرش از جمله علما و ائمه جماعت در طهران و داماد و شاگرد مرحوم میرزا محمد تقی بن میرزا علی محمد بن میرزا محمد تقی نوری ( ۱۲۰۱- ۱۲۶۳ ) بوده بطوریکه در معارف الرجال ( ۲۰۶ دوم ) به شاگردی او یاد آور شده است و پس از فوتش یکی از شمراه قصیده ای عربی در مرثیه اش سروده که در آن جناب میرزای شیرازی و حاجی نوری و فرزند صاحب عنوان را تسلیت

گفته است (ص ۱۶۰۵ پنجم مکارم الاثر) مرحوم حاج شیخ فضل الله از اجله علماء ورؤسا و فقهاء و مجتهدین و صاحب نفوذ فوق العاده در بین خواص و عوام بوده است .

در کتاب احسن الوايعه ( ۹۱ دوم ) درباره او می نویسد :

العالم الكامل السعيد والفقیه النبیه السدید الفائز بالشهادة والحائز مرتبتي العلم والسعاده وكان رحمه الله من كبار العلماء المجتهدین واجلاء الفقهاء المحدثین والادباء البارعين والنبلاء الجامعين ولدين الله من الناصرین .

در کتاب المآثر والاثار ( ص ۱۵۱ ستون دوم ) می نویسد :

افضل واكمل تلامذه سرکار حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی مدظله العالی اوست و در فقه و اصول و حدیث و رجال و انواع فضایل دیگر امتیازی بین دارد . . .

مرحوم شیخ نوری در سال ۱۲۵۹ ( در اعیان الشیعه و شهداء الفضیله ۱۲۵۸ می نویسد ) در روز ۲ ذی حجه ( شرح حال رجال ایران - بامداد ) مطابق به روزیک شنبه ( تقویم تطبیقی هزار و پانصدساله ) در طهران متولد گردید مقدمات علوم را در طهران فرا گرفته در اوائل جوانی به نجف اشرف مهاجرت کرده و در آنجا در نزد بزرگان علماء و مجتهدین مانند : ۱ - شیخ راضی نجفی بطوریکه در معارف الرجال ( صفحه - ۳۱۰ یکم ) نوشته ۲ - شیخ مهدی نجفی کاشف الغطاء ( ص ۹۸ سوم معارف الرجال ) تلمذ نموده و موقعیکه جناب میرزای شیرازی به سامراء مهاجرت فرمود مشارالیه به اتفاق دائی خود مرحوم حاج میرزا حسین نوری و حاج مسلا فتحملی عراقی در سال ۱۲۹۲ به سامراء هجرت کرده و از مهاجرین اولیه به سامراء بوده و سالهای چندی از محضر آن علامه جلیل استفاده نموده و تقریرات ایشانرا مفصلا مرقوم داشته است .

تالیفات مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری :

و اما تالیفات آن مرحوم عبارتست از :

۱ - تذكرة العاقل وارشاد الجاهل فارسی مختصر ( ص ۴۲ چهارم الذریعه )  
۱۳۲۶ چاپ شده است .

۲ - تقریرات درس جناب میرزای شیرازی علیه الرحمة ( ص ۲۹۴ چهل  
ودوم اعیان الشیعه )

۳ - دعوة الاسلامیة روزنامه که در موقع تحصن در حضرت عبدالعظیم  
می نوشته .

۴ - دیوان اشعار ( یا اشعار ) عربی و فارسی با تخلص نوری .

۵ - شصت مسئله از فتاوی جناب میرزای شیرازی مطبوع در سال ۱۳۰۶ . ق .

۶ - صحیفه قائمیه یا المهدویه در ادعیه منسوب به حضرت حجة ابن الحسن  
العسکری علیه السلام .

فائده : غیر از صحیفه المهدیه تألیف مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری

کتابهای زیر نیز بهمین نام و در همین موضوع است :

صحیفه المهدویه مطبوع (ص ۲۴ پانزدهم الذریعه) شاید همان صحیفه الهادیه

باشد .

صحیفه المهدویه فی ادعیه المهدی الحجة علیه السلام آنچه از انشاء خود

آنحضرت میباشد نه از مرویات از پدران بزرگوار خود و آنها قریب شصت عدد

دعا می باشد مانند دعای علوی مصری و دعای عبرات و غیره از جمع مرحوم علامه

فقیه رجالی میرزا محمد رجبعلی عسکری (۱۲۸۱ - ۱۳۷۱) طهرانی سامرائی

علیه الرحمة ( ص ۲۴ پانزدهم الذریعه ) .

صحیفه الهادیه تألیف شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی کتاب برای اولین دفعه در سال ۱۳۱۸ ه. ق. بخط مصطفی بن محمد نجم آبادی در طهران بچاپ رسیده و اخیراً نیز تجدید چاپ گردیده است .

مرحوم شیخ ابراهیم را کتاب دیگری است بنام صحیفه المحمدیه والنور الاحمدیه در ادعیه منسوب به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وخطب و مواعظ آنحضرت که در سال ۱۳۲۰ بچاپ رسیده است (ص ۲۴ پانزدهم الذریعه) .

۷- ( رساله عملیه بفارسی است که در سال ۱۳۰۵ بچاپ رسیده است (ص ۸۶۱ چهارم مؤلفین کتب چاپی تألیف مرحوم خان بابا مشار) .

۸- لوایح و آن عبارت از لوایحی است که در ایام تحصن در حضرت عبدالعظیم علیه السلام نوشته و منتشر مینمود و مقصود خود را از این تحصن در آنجا بیان داشته است .

شرح و کیفیت شهادت و قضایای بعد از آن را باید بکتابهای مربوطه مراجعه نمود خلاصه آنکه آنجناب را در عصر روز ۱۳ رجب سال ۱۳۲۷ بجرم حمایت از قرآن و اسلام بدار آویخته و شهید کردند .

### ماده تاریخ وفات آن بزرگوار :

جمله : « فضل الله الشهيد » ماده تاریخ آن مرحوم است و جمعی از بزرگان شعراء و ادباء در مرثیه و ماده تاریخ شهادت آن مرحوم قصاید و قطعاتی سروده اند که از آنجمله است :

۱- مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری ( ۱۲۶۰ - ۱۳۴۹ ) قصیده ای عربی

در ۲۳ بیت سروده بدین مطلع :

لا زال من فضل الاله وجوده  
جود یفیض علی ثراک همولا  
روی عظامک وابل من سببه  
یعتاد لحدک بکرة واصیلا  
تلکم عظام کدن ان یاخذن من  
جوالی عرش الاله سبیلا

تمام قصیده در فوائد الرضویه (صفحه ۲۵۳ یکم پاورقی) نقل گردیده است.

۲ - مرحوم آقا شیخ اسد الله حکیم قمشہای متخلص به دیوانه (فوت ۱۳۳۴)

مرثیه ذیل را سروده است :

بدار فانی بردار شد بلند چهار  
کزین چهار در این دار مفتخر شد دار  
نخست عیسی مریم مہین پیمبر پاک  
دویم مؤید منصور کاشف اسرار  
مذاق عالمیان تلخترز خنطل شد  
چو نخل دار بر آورد میثم تمار  
چهارم آنکہ بفضل از زمانه افزون بود  
کہ تافت ز آتش سردار نور او سردار  
۳ - مرحوم میرزا لطفعلی صدر الافاضل ( ۱۲۶۸ - ۱۳۵۰ ) متخلص به -

نصیری مرثیه وماده تاریخ زیر را سروده است .

کفر دیدی چه کرد با اسلام ؟ ای عجب : لا اله الا الله  
اعلم عصر را بدار زدند در کجا ؟ پای تخت شاهنشاه  
کفر شد آشکار و دین پنهان گشت اسلام خوار و علم تباہ  
رفت منصور وار بر سردار آنکہ حق گفت و شد زحق آگاہ  
داد از خواب غفلت امروز آہ از انتقام فردا آہ  
پی تاریخ این بلیه زعیب گفته شد : الشہید فضل الله

لفظ جلاله ( الله ) باید ۶۷ حساب شود . اشعار نقل از مواد التواریخ (ص

۲۳۸ ) و ریحانة الادب ( ص ۲۵۰ چهارم ) .

۴ - مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر ( ۱۳۰۸ - ۱۳۷۹ ) در مرثیه ومساده

تاریخ آن مرحوم فرماید ( ص ۲۶ اول معادن الافادات تألیف آن مرحوم ) .  
ارخت فی شهادة نورینا السعید نادیتہ وقلت: «افضل الله الشہید»

مدفن و مزار مرحوم شیخ شہید : پس از آنکہ مرحوم شیخ را بدار آویختند  
و عده ای جاہل و غوغا طلب آنچه لازمہ رذالت و پستی بود بہ آن بزرگوار انجام دادند  
سپس جنازہ را بہ فرزندان ایشان تحویل دادہ و آنان شبانہ بہ قم منتقل کردند . و در  
صحن جدید معروف بہ صحن امین السلطان در حجرہ چہارم سمت شرقی درب  
شمالی صحن مطہر مدفون ساختند و اکنون قبر شریف آن بزرگوار از قبور معروف  
و مردم از ہر طبقہ بخصوص مقدسین و متدینین بزیارت آن توجہ کامل دارند .

#### اولاد و اعقاب :

مرحوم شیخ بزرگوار دارای دو زوجہ دائمیہ بودہ است :

۱ - مرحوم سکینہ خانم دختر دائی آن بزرگوار بنت مرحوم حاج میرزا  
حسین نوری ( محدث نوری ) صاحب کتاب مستدرک الوسائل .

۲ - گلین خانم

و از این مخدرات جمعا دوازده فرزند یافته باین شرح :

۱ - شیخ میرزا مہدی مقتول در نیمہ اول سال ۱۳۳۳ ه . ق وی مخالف پدر  
در امر مشروطہ بودہ است

۲ - آقا ضیاء الدین کیانوری

۳ - حاج شیخ میرزا ہادی نوری

و مخدرات ۴ - زینب الشریعہ ۵ - مرضیہ ۶ - احترام الشریعہ ۷ - بدیع  
الزمان ۸ - خدیجہ ( بلا عقب ) این ہشت تن از دختر مرحوم محدث نوری  
بودہ اند ۹ - میرزا جلال الدین کیا ۱۰ - منیرہ ۱۱ - اقدس الزمان ۱۲ - انور

الزمان از زوجه دوم آن مرحوم (پاورقی صفحه ۱۶۰۹ پنجم مکارم الآثار) .  
برای آگاهی از احوالات مرحوم حاج شیخ فضل الله شهید نوری طالبین  
می توانند بکتابهای زیر مراجعه کنند .

- ۱- آگهی شهان از کار جهان
- ۲- احسن الودیعه ص ۹۱ دوم
- ۳- اعیان الشیعه ص ۲۹۴ چهل و دوم
- ۴- تاریخ اصفهان وری
- ۵- تاریخ رجال ایران ص ۹۶ سوم
- ۶- تاریخ مشروطه کسروی
- ۷- حیات یحیی
- ۸- دفتر انساب خانوادگی مرحوم شیخ شهید
- ۹- ریحانه الادب ص ۲۵۰ چهارم
- ۱۰- زندگانی ملك المتکلمین
- ۱۱- شهداء الفضيله ص ۳۵۷
- ۱۲- شیخ شهید نوری
- ۱۳- علمای بزرگ شیعه ص ۲۳۳
- ۱۴- فاجعه قرن
- ۱۵- فوائد الرضویه ص ۳۵۲ دوم
- ۱۶- فهرست مؤلفین کتب چاپی
- ۱۷- المآثر والاثار ص ۱۵۱
- ۱۸- معارف الرجال صفحه ۱۵۸ دوم
- ۱۹- مکارم الآثار ص ۱۶۰۵ پنجم

۲۰ - میرزای شیرازی ص

۲۱ - نهضت روحانیون ایران ص ۱۲۲ یکم

۲۲ - نهیب جنبش ادبی شاهین ص ۲۱۰ تا ۳۰۹

۲۳ - وفیات الملماء ص ۲۲۰

وده‌ها کتاب و رساله و مجله و روزنامه دیگر که بمناسبت ذکری از آن مرحوم در آن‌ها شده است .

اسامی برخی از کسانی که در این سالها کشته شده‌اند :

اکنون که موضوع شهادت مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری را بطور اجمال بیان کردیم بی‌مناسبت نمیدانند ذکری از چند تن از علماء و غیر از آنها از بزرگان و معاریف که در طول این سالها کشته شده‌اند بنمائیم . نامبردگان زیر برخی بدست عوامل استبداد و عده‌ای بوسیله مشروطه خواهان انقلابی کشته شده و چند تن نیز بعلل دیگر بوده است . شرح حال اینان در کتابهای تاریخ مسطور است طالبین مراجعه کنند .

۱ - کشته شدن حاج قاسم آقا اردبیلی در ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هـ ق

۲ - کشته شدن میرزا علی اصغر خان صدر اعظم ( ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ ) در ۲۲

( رجب )

۳ - شهادت حاج میرزا ابراهیم خوئی ( ۱۳۲۵ - ۱۳۴۷ ) ششم شعبان

۴ - کشته شدن محمد رضا خان قوام الملک شیرازی ( ۱۳۲۶ - ۱۳۶۸ )

چهارم صفر

۵ - شهادت شیخ محمد باقر اصطهباناتی ( ۱۳۲۶ - ) هشتم صفر

۶ - شهادت آقای سید احمد ( ۱۳۲۶ - )



۷ - کشته شدن حاج میرزا نصر الله ملك المتكلمين بهشتی )

( ۱۳۲۶ )

۸ - کشته شدن میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل شیرازی ( ۱۳۲۶ - )

۹ - کشته شدن سید جمال واعظ اصفهانی ( ۱۳۲۶ )

۱۰ - شهادت میرزا مصطفی افتخار العلماء آشتیانی ( ۱۳۲۷ ) دوم

ربیع الاول

۱۱ - شهادت حاج آقا میربحر العلوم رشتی (حدود ۱۲۶۷ - ۱۳۲۷) هجدهم

ربیع الثانی

۱۲ - شهادت شیخ علی فومنی (۱۲۶۸ - ۱۳۲۷) بیست و سوم ربیع الثانی

۱۳ - شهادت شیخ حسین جوینی زنجانی ( ۱۳۱۷ - ) هفتم جمادی

الاولی

۱۴ - شهادت شیخ محمد تقی دزفولی کاظمینی ( ۱۳۲۷ - ) رجب

مسموماً

۱۵ - شهادت ملا قربانعلی زنجانی (حدود ۱۲۴۸ - ۱۳۲۸) مسموم شده است

۱۶ - شهادت آقا سید عبد الله بهبهانی ( ۱۲۶۲ - ۱۳۲۸ )

۱۷ - کشته شدن مرتضی قلیخان صنیع الدوله ( ۱۲۷۳ - ۱۳۲۹ ) پنجم صفر

۱۸ - کشته شدن میرزا احمد سهیلی شاعر تبریزی ( ۱۳۳۰ )

۱۹ - کشته شدن میرزا ابوالقاسم ضیاء العلماء تبریزی ( ۱۳۰۳ - ۱۳۳۰ )

۲۰ - کشته شدن مهرزا علی آقا ثقة الاسلام تبریزی ( ۱۲۷۷ - ۱۳۳۰ )

این سه نفر در روز عاشوراء بوسیله سالدانهای روسی بجرم اسلام و وطن خواهی

بدار اویخته شدند.

۲۱ - کشته شدن میرزا حسین خان اعتلاء الدوله ( ۱۲۷۹ - ۱۳۳۰ )

- ۲۲ - شهادت حاج میرزا حسن علوی سبزواری - ( ۱۳۳۲ ) چهارم محرم الحرام .
- ۲۳ - کشته شدن میرزا محمود خان اشرف زاده ( ۱۳۳۳ ) بیست و یکم رمضان .
- ۲۴ - کشته شدن عبدالحمید معین السلطنه ( ۱۳۳۵ )
- ۲۵ - کشته شدن باقر خان سالار ملی ( ۱۳۳۵ )
- ۲۶ - شهادت حاج میرزا عبدالکریم امام جمعه تبریزی و فرزندش بیوک آقا ( ۱۳۳۶ )
- ۲۷ - شهادت آقا سید محمد خلیفای بدست ارامنه ( ۱۲۸۰ - ۱۳۳۶ )
- ۲۸ - کشته شدن میرزا ابراهیم خان منشی ( ۱۲۹۶ - ۱۳۳۶ )
- ۲۹ - شهادت آقا شیخ محمود بروجردی ( ۱۳۳۷ )
- ۳۰ - کشته شدن شیخ محمد خیابانی تبریزی ( ۱۲۹۷ - ۱۳۳۸ )
- پس از آنکه اعمال خلاف رویه مشروطه خواهان غریزه و تند رویهای آنان بر علماء ثابت شد مرحوم آخوند خراسانی جهت رسیدگی به اوضاع داخلی ایران و وضع آزادخواهان انقلابی و جلوگیری از اعمال فزاقان روسی که بشهرهای شمالی ایران از خراسان و آذربایجان وارد گردیده و مرتکب جنایاتی میشدند عازم مسافرت به ایران گردید که در شب ۲۱ ذی الحجه سال ۱۳۲۹ در کربلا فجأة وفات یافت و شهرت یافت که ایشان را مسموم کرده اند و حقیقت امر معلوم نشد .

### سالهای بحرانی :

در طول سالهای مابین ۱۳۲۴ تا سال ۱۳۴۴ موقع روی کار آمدن رضا شاه یعنی مدت ۲۰ سال تقریباً اصفهان و شهرهای دیگر ایران در اثر پیش آمدها

و اتفاقات داخلی و در خارج مملکت که مستقیم و غیر مستقیم در اوضاع ایران و اصفهان مؤثر بوده است حوادثی روی داده و اوضاع را از حالت عادی خارج گردانیده است.

اینک با مراجعه به کتب تاریخ به برخی از این حوادث بطور اجمال اشاره می‌کنیم.

سال - ۱۳۲۴ مقدمات مشروطیت ایران و بالاخره اعلان مشروطیت در ۱۴ جمادی الثانیه

سال ۱۳۲۴ - تشکیل انجمن ولایتی اصفهان

سال ۱۳۲۴ - مرگ مظفر الدینشاه ۲۴ ذی القعدة

سال ۱۳۲۴ - جلوس محمد علیشاه

۱۳۲۵ - امضاء کردن محمدعلیشاه قوانین مشروطه را ۲۹ شعبان و بعداً نقص

عهد نمودن

۱۳۲۵ - عزل ظل السلطان از حکومت اصفهان و نصب آن بر حکمرانی فارس

۱۳۲۵ - جدا شدن مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری از صف مشروطه

خواهان و تحصن در حضرت عبد العظیم

۱۳۲۶ - بتوب بستن و خرابی مجلس شورای ملی ۳ شنبه ۲۳ جمادی الاولى

( استبداد صغیر )

۱۳۲۶ - تشکیل فدائیان مشروطه در اصفهان

۱۳۲۶ - حکومت اقبال الدوله کاشانی در اصفهان

۱۳۲۶ - کشته شدن صور اسرافیل و میرزا نصر الله ملك المتکلمین در

باغشاه طهران و سید جمال اصفهانی در کرمانشاه

۱۳۲۶ - بسته شدن و تعطیل انجمن های ولایتی

۱۳۲۶ - دعوت از بختیارها بوسیله مرحوم حاج آقا نور الله

۱۳۲۶ - غارت بازار اصفهان

۱۳۲۷ - فتح اصفهان بوسیله بختیارها سپس فتح تهران بوسیله بختیارها

وسپهدار رشتی ۲۷ جمادی الثانیه

۱۳۲۷ - خلع محمد علیشاه از سلطنت

تذکر : محمد علی میرزا در سال ۱۲۸۹ در شهر تبریز از دختر میرزا تقی

خان امیر کبیر متولد گردید و در ۱۳۱۳ بولیعهدی منصوب شد در ۱۳۲۴ بسلطنت

رسیده و در ۱۳۲۷ خلع گردیده و ضرب المثل معروف « کل سادس مخلوع » در

سلسله قاجار نیز بحقیقت پیوست ( ص خلاصه تاریخ ایران ) .

محمد علیشاه در ۱۳ رمضان المبارک سال ۱۳۴۳ در پاریس وفات یافته و تولدش

در ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۲۸۹ بوده و پس از فوت در کربلا مدفون گردید. قبور

مظفر الدینشاه و محمد علیشاه و احمد شاه در حرم مطهر حسینی واقع است .

سال ۱۳۲۷ - جلوس احمد شاه فرزند ۱۲ ساله محمد علیشاه به سلطنت ایران

غره رجب .

سال ۱۳۲۷ - شهادت مرحوم حاج شیخ فضل الله مجتهد نوری اعلی الله

مقامه الشریف .

سال ۱۳۲۸ - کشته شدن سید عبدالله بهبهانی از بنیان گزاران مشروطه بدست

مشروطه خواهان افراطی شب ۹ رجب ( تولد ۱۲۶۲ )

سال ۱۳۲۹ - فوت آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بانی و مؤسس واقعی

مشروطیت ایران ۲۱ ذی الحجه احتمال مسمومیت درباره او میرود .

سال ۱۳۲۹ - داستان معجزات جناب امامزاده هرون ولایت در اصفهان .

سال ۱۳۲۹ - فوت گرفتن حزب افراطی دمکرات در اصفهان و مخالفت آنان

با علماء و نفوذ آنان .

سال ۱۳۲۹ - مهاجرت مرحوم حاج آقا نور الله بعراق عرب « خائفاً  
یتربق » .

سال ۱۳۳۰ - ورود میهمانان ناخوانده یعنی قشون روسیه به سرحدات ایران  
وسپس در شهرهای مرزی .

سال ۱۳۴۰ - جسارت کردن روسها به عتبه مقدسه رضویه یعنی توپ بستن  
بگنبد مطهر و کشتن عده‌ای از مردم ۱۰ ربیع الثانی .

سال ۱۳۳۰ - تعطیل مجلس دوم (شورای ملی) سوم محرم الحرام . گشایش  
آن در دوم ذی القعدة ۱۳۲۷ بوده است .

سال ۱۳۳۰ - مصلوب شدن ثقة الاسلام تبریزی: میرزا علی آقا روز عاشوراء  
تولدش ۱۲۷۷ بدست سربازان روسیه

سال ۱۳۳۱ تسعیر غله در اصفهان و غیره در اثر کم آبی و سن .

سال ۱۳۳۲ - خرابی چند دهکده و روستا در کرون و دهق در اثر سیل پس  
از بارندگی شدید و تگرگ زیاد

سال ۱۳۳۲ - مراجعت مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله از مسافرت  
عتبات پس از چهار سال .

سال ۱۳۳۲ - فوت مرحوم آقای نجفی در اصفهان ۱۱ شعبان .

سال ۱۳۳۲ تاجگذاری احمد شاه ۲۷ شعبان .

سال ۱۳۳۲ - شروع جنگ بین المللی اول ۴ رمضان

سال ۱۳۳۲ - اعلان بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول

سال ۱۳۳۳ - تشکیل پلیس جنوب بوسیله انگلیسی‌ها

سال ۱۳۲۳ - موضوع مهاجرت و تشکیل دولت موث

سال ۱۳۳۴ - ورود سربازان روسی بهمدان

سال ۱۳۳۴ - فرستادن قشون داوطلب بهمدان جهت مقابله با قشون روسیه  
و کمک بدولت عثمانی

سال ۱۳۳۴ - حرکت حاج نورالله از اصفهان به بختیاری و از آنجا به  
کرمانشاه و سپس به عتبات

سال ۱۳۳۴ - ورود سالدات‌های روسی به اصفهان و جنایت آنها در این  
شهر و دیگر شهرها

سال ۱۳۲۴ - تسلط رضا جوزدانی و جعفر قلی و علی نقی چی و دیگر یاغیان  
ودزدان بر حدود اصفهان

سال ۱۳۳۴ - لغو قرارداد ۱۹۰۷ و عقد قرارداد ۱۳۱۵ بین روس و انگلیس  
درباره تقسیم ایران

سال ۱۳۳۵ - شروع گرانی و قحطی در اصفهان بعلی چند که بعداً ذکر  
خواهیم کرد

سال ۱۳۳۵ - گرفتاری و تبعید مرحوم آیت الله حاج آقا جمال الدین نجفی  
بطهران از طرف سالدات‌های روسی

سال ۱۳۲۵ - انقلاب روسیه (۱۹۱۷ م) و انقراض دولت تزار ۲۸ ذی‌قعدة

سال ۱۳۳۶ - قحطی سخت اصفهان و طهران

سال ۱۳۳۶ - لغو قرار داد ۱۹۱۵ در اثر انقلاب روسیه

سال ۱۳۳۶ - خاتمه جنگ جهانی اول ۲۴ محرم الحرام

سال ۱۳۲۷ - گرفتاری رضا جوزدانی و یارانش پس از جنگ و تلفات زیاد  
و کشته شدن آنان

سال ۱۳۳۸ - قیام میرزا کوچک خان جنگلی شهادت او در ۱۳۴۰  
سال ۱۳۳۸ - گرفتاری نایب حسن کاشی و ماشاء الله خان یاغیان و دزدان معروف  
سال ۱۳۳۸ - قیام شیخ محمد خیبابانی تبریزی و کشته شدن او در ۲۹ ذی حجه  
( تولد ۱۲۹۷ ق. ه )

سال ۱۳۳۸ - عقد قرارداد وثوق الدوله ( ۱۹۱۹ م )  
سال ۱۳۳۹ - کودتای رضا خان میرپنج سواد کوهی ۱۲ جمادی الثانی  
( سوم اسفند ۱۲۹۹ )

سال ۱۳۳۹ - تصرف مملکت عراق بوسیله قشون انگلیس و فرمان جهاد  
دادن علماء و جنگ با آنان

سال ۱۳۳۹ تأسیس دولت عراق ۱۸ ذی حجه  
سال ۱۳۴۰ - کشته شدن کلنل محمد تقی خان پسیان تبریزی غره صفر ( تولد  
( ۱۳۰۹ )

سال ۱۳۴۱ - مسافرت سردار سپه به اصفهان  
سال ۱۳۴۱ - مسافرت حاج آقا نور الله بطهران و مشهد مقدس  
سال ۱۳۴۲ - تشکیل هیئت علمیه اصفهان بریاست مرحوم حاج آقا نور الله  
سال ۱۳۴۲ - داستان انحصار تریاک و تحصن برخی از تجار در تگرافخانه اصفهان  
سال ۱۳۴۳ - قانون نظام وظیفه ( نظام اجباری )  
سال ۱۳۴۴ - تصویب قانون مربوط به انقراض سلسله قاجاریه ۱۴ ربیع  
الثانی ( نهم آبان ۱۳۰۴ شمسی )

سال ۱۳۴۴ - خراب کردن و هابیهها بقاع ائمه بقیع علیهم السلام را ۸ شوال  
سال ۱۳۴۴ تشکیل مجلس مؤسسان برای تعیین سلطنت ایران  
سال ۱۳۴۴ - جشن تاجگذاری رضا شاه ۲۹ جمادی الاولی

سال ۱۳۴۶ - الغای کاپیتولاسیون

سال ۱۳۴۶ - مهاجرت علماء اصفهان بریاست حاج آقا نور الله به قم ۱۵

ربیع الاول

سال ۱۳۴۶ - شهادت مرحوم حاج آقا نور الله نجفی در قم شب غره رجب

وده‌ها موضوع دیگر که شاید به بعضی از آنها بمناسبت ذکر می‌شود .

موضوعاتی را که ذکر کردیم هر یک شایسته آنست که در باره آن بحث

مفصل شود لکن بعلت دسترسی نداشتن نویسنده به منابع ومصادر قابل اطمینان

وهمچنین بجهت اختصار از ذکر آنها خود دارای می‌شود فقط به پاره‌ای از آنها

که مستقیماً یا غیر مستقیم به اصفهان وزندگانی مرحوم ثقة الاسلام ارتباط دارد

اشاره می‌کنیم .

#### تلگراف علماء ومراجع نجف اشرف :

پس از آنکه دو مملکت روس وانگلیس به بهانه عدم امنیت داخلی ایران

وجهت پیشرفت مقاصد جنگی خود سربازان خود را از شمال وجنوب به ایران

وارد کردند واز هر طرف به داخل ایران پیشروی مینمودند . از طرف آیتین حججین

خراسانی ومازندرانی تلگراف زیر به مجلس شورای ملی وانجمن‌ها ورؤساء

عشایر وایلات مخابره شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم .

مجلس محترم شورای ملی شید الله تعالی ارکانه .

توسط هیئت مجتهدین عظام واعضای انجمن‌ها ایدیه‌م الله تعالی .

عموم امراء وسرداران عظام روسای عشایر وولات طبقات ایالات را بسلام

وافر مخصوص میداریم .



در این موقع که دشمنان دین اسلام اغتشاشات داخله مملکت را بهانه نموده از جنوب و شمال بمحو استقلال ایران و هدم اساس مسلمانی حمله ور شده‌اند البته حمایت از حوزه مسلمین و تخلص ممالک اسلامی از تشنیعات عبده صلیب فریضه ذمه قاطبه مسلمین و متدینین و اهل قبله و توحید است و باقی این اغتشاشات علاوه بر تمام مفاسد دینیه و دنیویه آن چون موجب استیلائی کفر و ذهاب تنفیذ اسلام است لهذا محاربه و معانده با صاحب شریعت مطهره علی صادرها افضل التحیه والسلام است و بر تمام امراء عظام و طبقات ملت لازم است که در تخلص ممالک اسلامی از تشنیعات اجانب با دولت موافقت نموده بد نامی و لعن ابدی محو اسلام را بوسیله رقابت و نفاق‌های داخله و اغراض شخصیه و جنگ‌های خانگی بر خود روا ندارند انشاء الله تعالی والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی - عبد الله مازندرانی

۲۶ عقرب ۱۳۲۸ قمری

نقل از ره آورد وحید (ص ۳۲ جلد دوم) .

تقاضای تبعید مرحومین حاجتین آقا نجفی وثقه الاسلام :

پس از آنکه مشروطه چیان وارداتی و مهاجرین قفقازی و مأمورین سفارت در روز میلاد مبارک حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام یعنی در ۱۳ رجب سال ۱۳۲۷ علامه فقیه مجتهد بزرگواری همچون حاج شیخ فضل الله نوری را در میدان توپخانه در جلو چشم صدها ناظر و بیننده که همگی دم از اسلام مسلمانی و شیعه بودن میزدند بدار آویختند . دموکراتها یعنی حزب انقلابی (و غیر اسلامی) در شهرها بفکر صاف کردن راه خود و برطرف ساختن موانع نمودند. این موانع جز علماء و بزرگان دیگری نبود .

حاکم لر اصفهان که بدستگیری علماء بر این شهر استیلا یافته بود اینک جزو

مخالفین آنها شده و بوسیله تلگراف از مجلس شورای ملی اجازه تبعید دو عالم بزرگوار که حتماً از بنیان گزاران این اساس یعنی: مشروطه و حکومت بختیارها شده بودند را در خواست نمود .

مستشار الدوله در ضمن خاطرات خود تلگرافی را از حاکم اصفهان که در جلسه روز ۵ شنبه ۲۳ شعبان سال ۱۳۲۷ خوانده شده را باین مضمون نقل می کند: صمصام السلطنه می نویسد که لازم است آقا نجفی و حاج شیخ نور الله از اصفهان تبعید شوند و مجلس آنروز نظر میدهد که مرحوم آقای نجفی را به عتبات بفرستند و مرحوم ثقة الاسلام را بطهران احضار نمایند اما این دستور بعملی که عمده آن عدم مساعدت محیط بوده اجرا نمیشود . ( نقل از مجاهد شهید حاج آقا نورالله ص ۲۰ ) .

#### نقشه ترور مرحوم ثقة الاسلام :

پس از مایوس شدن مأمورین از اجرای تبعید و احضار مخالفین روحانیت یعنی مشروطه خواهان افراطی در صدد ترور مرحوم حاج آقا نور الله بر می آیند که این مانع را نیز از جلو خود بردارند لکن مرحوم ثقة الاسلام قبل از آنکه آنها موفق شوند از اصفهان خائفاً بترقب به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مهاجرت می کند .

مهاجرت به عراق عرب : مرحوم حاج آقا نور الله در سال ۱۳۲۹ همانگونه که ذکر شد به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مهاجرت فرمود و تا سال ۱۳۳۳ یعنی پس از فوت مرحوم آقا نجفی در کربلا مجاور بود و در این سال که اوضاع ایران فی الجمله آراش یافته بود و حزب دموکرات از قدرت و فعالیتش کاسته شده بود و برای علماء امنیتی حاصل گردیده بود به ایران و اصفهان معاودت

فرمود و از طرف علماء اصفهان بریاست هیئت علمیه برگزیده شد و الحق شایستگی این مقام را داشت .

مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان نصف جهان (ص ۱۹۵) می نویسد:  
ورود ثقة الاسلام و ریاست علماء و پذیرفتن ایرانیان کهنه و نو ایشانرا ( هر کسی از ظن خود شد یارشان ) از جمله وقایع سال ۱۲۳۳ ق . ه .  
همچنین مرحوم انصاری در ضمن وقایع سال ۱۲۲۸ در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۶۱ پاورقی ) می نویسد :

مسافرت حاج شیخ نورالله بعتبات که اول ماه رمضان در مسجد مأمومی برای خود ندید ( انتهی ) از این عبارت اوضاع زمان و نظریه مردم نسبت به مشروطه و مشروطه خواهان ظاهر میشود .

نظریه علماء طرفدار مشروطه پس از استقرار مشروطه :

گفتیم که سه تن از مراجع بزرگ یعنی :

۱ - مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی

۲ - مرحوم آیت الله آقا شیخ عبدالله مازندرانی

۳ - مرحوم آیت الله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی از طرفداران و مروجین

و حامیان مشروطه و مشروطه خواهان بودند و علماء و لایات ایران نیز به تبعیت از آن بزرگواران شروع به اقدام نموده و بکمک و یاری مردم موفقیت حاصل نمودند. اما آنچه مسلم است آنکه مجتهدین و مردم دیندار قانونی موافق قوانین اسلام و ترویج عدالت و رفع ظلم و بیداد میخواستند و این خواسته مشروع و عاقلانه ای بود .

لکن پس از استقرار مشروطه و نفوذ عده ای از افراد در دستگاه قانون گذاری

خیلی زودتر از آنچه تصور میرفت ماهیت غیر اسلامی آن روشن شد .  
ابتداء برخی از علماء تهران و سایر شهرهای ایران شروع به مخالفت با این  
وضع و این گونه افراد کردند ولی مرحومین سیدین آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا  
میر سید محمد سنگلجی و چند تن دیگر از علماء تصور میکردند ممکن است با  
ملایمت و مدارا کارها را اصلاح نمود . چه اندیشه خطائی .

مشروطه چنان انقلابی مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری را در روز عید سعید  
میلاد حضرت مولای متقیان علیه السلام در حضور مردم بدار زدند . در شهرهای  
مختلف مخالفین خود را یکی پس از دیگری کشتند و یا تبعید نمودند . اوضاع  
داخلی ایران را بهرج و مرج و آشوب و نا امنی کشیدند . قشون روسیه بعنوان حفظ  
سرحدات و تبعه خود به آذربایجان و خراسان وارد شد و ...

کم کم علماء نجف متوجه اوضاع داخلی ایران شده و درصدد چاره جوئی  
برآمدند . مرحوم آخوند قصد مسافرت به ایران نموده که :

۱ - به اوضاع داخلی و مجلس و مشروطه چنان رسیدگی کنند .

۲ - فرمان جهاد علیه روسیه تزاری که قشونش در ایران وارد شده بود و از  
ظلم و ستم بیداد میکرد داده و دفع شر او را بنمایند .

لکن در صبح ۴ شنبه ۲۱ ذی الحججه سال ۱۳۲۹ ناگهان و بدون مقدمه در نجف  
اشرف وفات یافت و گفته شد که او را مسموم نموده اند .

معروف آنست که مرحوم آخوند خراسانی در سال آخر عمر خود از اقداماتی  
که در مورد مشروطه نموده بود و به نتیجه مطلوبه نرسیده بود اظهار نگرانی مینموده  
است .

**مرحوم نائینی و مشروطه :**

یکی از دیگران از طرفداران حکومت قانون و مشروطه مرحوم آیت الله آقامیرزا

محمد حسین نائینی (۱۲۷۷ - ۱۳۵۵) میباشد که ایشان کتاب: تنبیه والامة و تنزیه المله رادر لزوم مشروطه و حکومت انتخابی جهت رفع ظلم و ترقی مملکت بفارسی تألیف فرمود و در سال ۱۳۲۷ بچاپ رسانید و برخی از بزرگان علماء همچون مرحوم آخوند خراسانی و آقاشیخ عبدالله مازندرانی بر آن تقریظ نوشتند. پس از آشکار شدن نیت و اغراض مشروطه چنان غرب زده ایشان نیز متوجه میشوند که فریب الفاظ را خورده و دلباخته معشوق نادیده و ناشناخته بوده اند بنابراین شروع به جمع کردن نسخه های کتاب تألیفی خود می نماید و آنرا بقیمت هر مجله يك لیره طلا تا پنج لیره عثمانی می خریده است. ( ص ۲۸۶ یکم معارف الرجال بانندکی تغییر و تصرف ).

در سالهای اخیر رساله مزبور برخلاف میل و رضایت مؤلف بزرگوار آن تجدید طبع گردیده است .

### گفتار مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله نجفی :

مرحوم حاج آقا نور الله نجفی یکی از طرفداران جدی مشروطه بوده و شرح خدمات و فداکاریهای آن مرحوم در این راه را بطور اجمال بیان داشتیم :

اما وقتی که مشروطه خواهان انقلابی و مجاهدین قفقازی و سران بختیاری به مشروطه خود رسیدند و حس کردند که دیگر با علماء و اسلام کاری ندارند بنای مخالفت علنی با علماء و ضدیت با آنها را نهادند و کار را بجای باریک کشاندند و رسماً طالب مقررات و قوانینی مخالف اسلام و قرآن شدند . در این وقت بود که علماء متوجه شدند که فریب يك عده شیاد و حیلہ گراز عمال خارجی را خورده اند و بدون آنکه متوجه باشند بفتح بیگانگان و سیاست آنان اقدام کرده اند البته ب فکر چاره جوئی و اصلاح امور بر آمدند لکن دیگر کار از کار گذشته بود و برگرداندن اوضاع مشکل بنظر میرسید . در این جا نیز دوچار اشتباه دوم شده و بجای آنکه

مردانه همچون دفعه اول اقدام کنند و از هیچ پیش آمدی نهراسند خود را کنار کشیده و ناظر اوضاع شدند .

مرحوم استاد همائی در مقدمه دیوان طرب ( ص ۱۳۶ ) در شرح حال مختصر مرحوم حاج آقا نورالله و مجاهدات او درباره مشروطه و عقیده ایشان پس از مشاهده اعمال خلاف قاعده مجاهدان قفقازی و تندرویهای حزب دموکرات و واقعه شهادت مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری و شهرت مسموم شدن مرحوم آخوند خراسانی و امثال این وقایع گفته بود :

« ما انگور انداختیم که سرکه شود آنرا شراب کردند » .

پس از این تاریخ است که :

مشروطه از روحانیت جدا شد و هر یک برای رفت علماء براه دین و شریعت و مشروطه چنان بر اهیکه برای آنان تعیین شده بود یعنی جدائی بین دین و سیاست همان چیزی که استعمار خارجی طالب ترویج دهنده او بود .

مرحوم حاج آقا نور الله در جنگ جهانی اول :

در تاریخ چهارم رمضان المبارک سال ۱۳۳۲ جنگ جهانی اول شروع گردید و تا ۲۴ محرم الحرام سال ۱۳۳۶ یعنی تقریباً چهار سال ادامه داشت ممالکی که در این جنگ بطور مستقیم شرکت داشتند عبارت بودند از :

۱ - مملکت آلمان مؤسس و بانی اولیه جنگ و اطریش و ایتالیا و ژاپن و در اواخر جنگ عثمانی این گروه به نام متحدین ۲ - ممالک : انگلیس - روسیه فرانسه و در اواخر امریکا بنام متفقین .

دولت ایران در این جنگ رسماً اعلان بیطرفی نمود لکن روسها و انگلیسیان به بهانه‌های واهی از جمله حفظ منافع خود و سفارتخانه‌ها و تجارتخانه‌ها و تبعه‌ها از

جنوب و شمال به ایران حمله کرده و بشهرهای ایران وارد شدند و آنچه از جنایت و ظلم و بیداد که در قدرت داشتند نسبت به ملت مظلوم ایران روا داشتند .  
شرح این جریانات را در تواریخ مفصلا نوشته‌اند طالبین مراجعه نمایند .  
جمعی از مردم آزاده ایران از روی حس و وطن پرستی و اسلامخواهی  
و همچنین بطرفداری و کمک دولت مسلمان عثمانی عازم مبارزه با دشمن یعنی  
متفقین شدند .

اعزام قشون به نفع و حمایت دولت عثمانی : یکی از کارهاییکه مرحوم حاج  
آقا نور الله نجفی در این جنگک به نفع دولت عثمانی انجام داد تهیه و اعزام  
عدهای قشون داوطلب و فدائی بود که به همدان اعزام شدند این عمل گرچه به نتیجه  
نرسید لکن ثابت کرد که : مسلمین با همه اختلافات عقیدتی که دارند در برابر  
دشمن متحد و یکدل می‌باشند و در دفع او از جان و مال نمیهراسند .

مرحوم انصاری در کتاب : آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۳۹ سوم) ضمن  
وقایع سال ۱۲۳۴ می‌نویسد که :

حاج آقا نورالله را فریب دادند و عدهای از جوانان مردم را برای همدان که  
میدان تهاجم عثمانی و روس شده فرستاد و جانشان بر باد رفت و هر چه گفتند شد  
با سی و چهل هزار تومان اعانه که از علاف و اکاف و نداف و صحاف گرفته شود  
وارد جنگک بین المللی نتوان شد و با چند کور قشون روس تلافی کرد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۴۷۳ پاورقی) همین مطالب  
را کمی مفصلتر می‌نویسد اما در همه جا عقیده خود را بر رأی همگان مقدم  
میشمارد .

مهاجرت مرحوم حاج آقا نور الله : مرحوم ثقة الاسلام نجفی چون خبر  
حرکت قشون روسیه را به سمت اصفهان شنید و میدانست که آنان بمحض ورود

ویرا و جمعی از هواخواهانش را گرفته و خواهند کشت همچنانکه این جنایت را در تبریز مرتکب شده بودند و در مشهد نیز مرتکب آن جنایت عظیم و هتک حرمت نسبت به آستان مقدس حضرت ثامن الحجج نموده بودند بنابراین صلاح خود و جمعی از یاران خویش را در مهاجرت از اصفهان به بختیاری دانست.

مرحوم انصاری در کتاب آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۳۹ سوم) در ضمن وقایع سال ۱۳۳۴ می نویسد: آقای حاج آقا نور الله خیر حرکت روسها را به اصفهان شنیدند از راه بختیاری به کرمانشاه رفتند و به مدرس و دیگران ملحق شدند با چراغعلی خان سردار صوات و رضای جوزدانی تباری شده بود که جلو روسها را بگیرند. آنها به اصفهان آمده مشغول گرفتن جرم از ملك التجار و سراج الملك و دیگران شده اولاد ظل السلطان گریخته رئیس تلگرافخانه گرفتار و آبرویش ریخته و در مقام تطاول و چپاول که بلای ناگهانی یعنی هزار و دو بیست نفر قزاق روسی از سمت شمس آباد به اصفهان حمله شوند چراغعلی خان و سردار صوات و رضا جوزدانی گریخته. شعر:

چوتوپ روس بزد نعره و کشید خروش چراغ صولت لرشد بیک پفی خاموش  
مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۷۴ پاورقی) همین مطالب را بعینه با اندکی اختلاف و اضافه نقل می کند طالبین مراجعه فرمایند.

### مرحوم ثقة الاسلام و فرهنگ جدید:

مرحوم حاج آقا نور الله نجفی عالمی روشنفکر و زیرک و تیز بین بود از اینرو افراد مملکت را مردمی با سواد و عالم و فهمیده و آشنا بعلوم جدید میخواست و معتقد بود که جوانها و دانشجویان همانگونه به علوم دینی اشتغال دارند باید علوم و دانشهای جدید را نیز بیاموزند.



وی در پیشرفت فرهنگ جدید در اصفهان یکی از اعضاء مؤثر و فعال و مشوق بود به کسانی که مدرسه دائر می‌کردند از جنبه مادی و معنوی کمک و مساعدت میکرد و همین طرفداری ایشان از مدیر و صاحب امتیاز مدرسه در پیشرفت کار او بسیار مؤثر بود .

مرحوم جناب در کتاب : الاصفهان ( ص ۶۴ ) می‌نویسد :

آقا میرزا مسیح و آقا میرزا محمد علی ( معین الاسلام - ناظم مازندرانی ) مدرسه ایتم را بسرپرستی انجمنی مخصوص و باسم انجمن علمیه دائر نمودند بمساعی آقای محاسب الدوله و مدرسه علمیه بنظر همان انجمن تشکیل شد .  
آقای ایمانیه در کتاب : تاریخ فرهنگ اصفهان ( ص ۱۷۰ ) مدرسه علمیه و ایتم را ذکر نموده و گوید : اعضای انجمن ۱۲ نفر بودند باین شرح :

۱ - ریاست انجمن بعهده مرحوم نفعه الاسلام حاج آقا نور الله

۲ - میرزا آقا خان مصطفی ( محاسب الدوله )

۳ - صدر المحدثین ( آقا میرزا محمود واعظ خونساری )

۴ - فاتح الملك

۵ - عبدالله خان میر پنجه

۶ - میرزا احمد خان میر پنجه

۷ - ناظم الاطباء

۸ - میرزا فضل الله خان

۹ - میرزا حبیب الله

۱۰ - اعتماد همایون

۱۱ - حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام<sup>۱</sup>

۱۲ - محمد میرزا رئیس پستخانه

از طرف انجمن مرحوم محاسب الدوله بعنوان سرپرست ومدیر مدرسه  
ومرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام شمس آبادی بعنوان ناظم انتخاب شدند  
( واز این تاریخ مرحوم معین الاسلام به : ناظم مازندرانی شهرت یافت )  
ظاهراً تاسیس مدرسه علمیه وایتام حدود سال ۱۳۲۵ قمری یا اندکی قبل از آن  
بوده است .

### ایجاد وتاسیس مریضخانه :

یکی از وسائل تبلیغی دول استعمارگر در جلب قلوب مردم عوام وساده اوح  
ایجاد مریضخانه ورسیدگی بحال بیماران بوده ومی باشد .

دولتهای مشرق زمین وملل آنها عموماً در اثر عدم توجه اولیای امور همیشه  
دچار کمبود پزشک ودارو بوده وبخصوص در نواحی دور افتاده وعشایر مردم  
از این بابت رنجها کشیده ودر هر پیش آمدی از بروز وباوحصبه ودیگر امراض  
وبیماریها چقدر تلفات داده اند وچون راه نجاتی نداشته اند تسلیم پیش آمد حوادث  
گشته وآنرا خواست خداوند متعال شمرده اند .

عقلاء ملت که از يك طرف گرفتاری مردم وسختیهای آنها وتلفات را مشاهده  
میکردند واز سوی دیگر وجود خارجیان وبیگانگان که در لباس طبیب وپزشک  
ومبلغ دینی در بین مردم با کمال آزادی رفت وآمد میکردند را نیز مشاهده  
نموده واثر تبلیغی آنرا در نظر میگرفتند روحاً ناراحت بوده ورنج میبردند وکاری  
نیز نمی توانستند انجام دهند .

در سالهاییکه انجمن ولایتی اصفهان تحت ریاست ورهبری مرحوم حاج آقا  
نورالله در این شهر بفعالیت مشغول بود یکی از شاهزادگان بنام : محمد حسن  
میروزا اقدام بتاسیس مریضخانه ای در این شهر نمود که نام آنرا مریضخانه

اسلامی « نهادند .

مرحوم حاج میرسید علی جناب در الاصفهان (ص ۶۷) ضمن مطالب مربوط به طب و نام اطباء اصفهان و مریضخانه‌ها می‌نویسد :

مریضخانه اسلامی هم چندی در تحت ریاست آقا میرزا مسیح خان و احتشام الاطباء و محمد حسن میرزا برپا بود ( پس از سال ۱۳۴۱ ) .

مرحوم حاج آقا نورالله در روز تأسیس و افتتاح مریضخانه ضمن سخنرانی گفت :

امروز آرزوی چندین ساله من بحصول پیوسته که مسلمانان از قید استعلاج از کفار رهائی یافته و مستخلص شده ( اند ) و در آن مجلس مبلغ ده تومان بعنوان اعانه به مریضخانه عنایت کرده و قبول کردند که سالانه مبلغ شصت تومان کمک نمایند و اظهار داشتند که در صورت توسعه یافتن بیمارستان حاضر میباشند مقداری از املاک خود را وقف بر آن کنند . ( ص ۱۳ - مجاهد شهید ) . دکتر مهدی ملک زاده در کتاب ، زندگانی ملک المتکلمین ( ص ۸۲ ) می‌نویسد :

( ملک المتکلمین ) پس از فراغت از کار مدرسه بمقدمات تأسیس یک مریضخانه ملی پرداخت و پیشرفت شانی در این منظور مقدس نصیبش شد و بسیاری از ثروتمندان مساعدت و کمک کردند و زمینه کار بوجه احسن فراهم شد ولی متأسفانه . . . این عمل در اثر مسافرت او پایان نرسید .

بنابر این فکر تأسیس مریضخانه از سالها قبل در اندیشه برخی از بزرگان بوده است و چون آقای دکتر مهدی ملک زاده برای این نوشته خود که مؤسس این اساس ملک المتکلمین بوده مدرك و مأخذی نقل نموده ما نیز آنرا نقل کردیم و در صحت و عدم صحت آن تردید داریم .

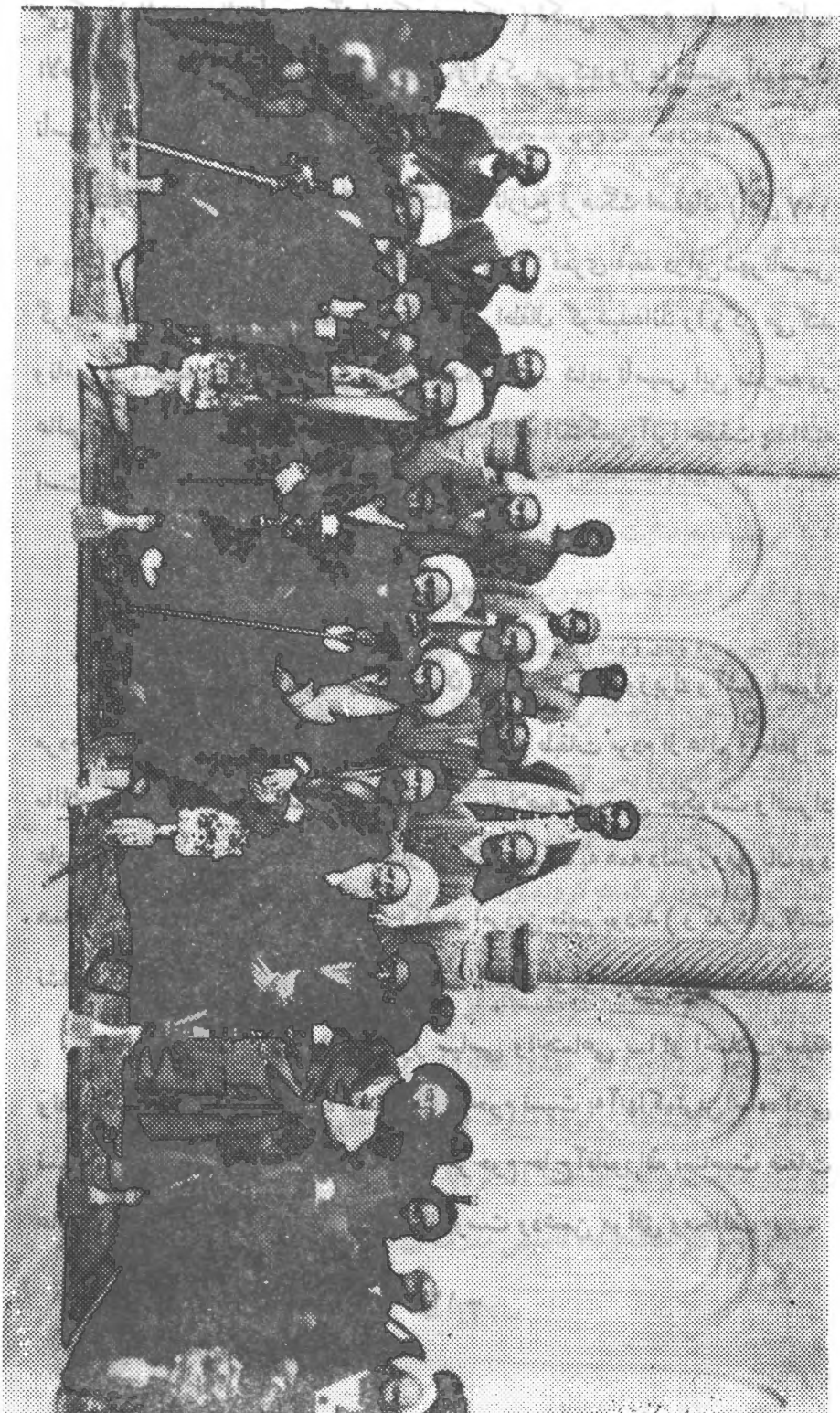
گفتیم که دکتر ملک زاده تأسیس مدرسه‌ای را بوسیله پدرش در اصفهان نقل

می‌کند ( البته سه سال تأسیس آنرا ذکر نمی‌کند ) لکن مرحوم جناب در کتاب  
الاصفهان ( ص ۶۳ ) که نام مدارس جدید را ذکر می‌کند و از مؤسسين آن و سال  
تأسیس نام میبرد ذکری از این مدرسه نمی‌کند .

همچنین آقای مجتبی ایمانیه در کتاب : تاریخ فرهنگ اصفهان ( ص ۱۰۷  
به بعد ) نام مدارس جدید اصفهان را که از سال ۱۲۹۸ قمری به بعد در این شهر تأسیس  
گردیده و هر يك چند سالی بكار تعليم و تربیت اطفال كوشیده‌اند را ذکر می‌کند  
و نامی از مدرسه ملك المتكلمين برده نشده است . شاید تأسیس این مدرسه در  
عالم خیال بود . و آقای دکتر ملك زاده فرزند ملك المتكلمين آنرا حقیقت پنداشته  
است .

### حاج آقا نورالله و برخی از معاصرین :

مرحوم ثقة الاسلام عالمی خلیق و مهربان و دانشمندی دانا و زیرك و آشنا با اصول  
مردم داری و رموز نفوذ در اجتماع بود . او با کلیه طبقات مردم از عالم و جاهل -  
مالك و زارع - تاجر و كاسب - غنی و فقیر و خلاصه مأمورین حكومت و افراد  
عادی مردم بطور مهربانی و شفقت رفتار می‌کرد . نسبت به همه دلسوز و مهربان بود  
همه را احترام می‌کرد - حتی کسانی را که در امر دین متهم بودند ( و كفرشان ثابت  
نشده بود ) و آنان که به فسق و فجور شهرت داشتند از او آسوده و مطمئن بودند .  
عده‌ای از علماء و دیگران در امور سیاسی و اجتماعی بسا او اختلاف سلیقه  
و نظر داشتند اما هیچگاه شنیده نشد که آن مرحوم نسبت به آنها کمترین اساءه ادبی  
نموده و یا حرفی زده باشد . خلاصه آن که مرحوم حاج آقا نورالله بمناسبت صفات  
عالیه‌ای که داشت مورد احترام همگان از دوست و دشمن موافق و مخالف بود .



مرحوم استاد همائی در شرح حال مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم طرب پدر خود ( ص ۱۲۴ مقدمه دیوان طرب ) می نویسد :

از طبقه علماء وزعمای روحانی اصفهان ، طرب با عده ای دوستی و آمیزش داشت که کدام را بسبب مزیتی بر امثال وقرانش ترجیح میداد .

مرحوم حاج آقا نورالله مسجد شاهی را بصفت شهادت وشجاعت اخلاقی وعدم حرص بر تکثیر مال ودولت وقیام برضد دستگاه حکومت ظالم جبار وروح وطن دوستی و طرفداری جدی او از مشروطیت و آزادی خواهی وامثال این مزایا که در وجود وی مجتمع بود بسیار می ستود وبسا او خلطه و آمیزش دوستانه وهمکاری صمیمانه داشت .

#### حاج آقا نورالله مسجد شاهی وحاج ملاحسن دری :

مرحوم حاج ملاحسن فرزند رجبعلی از اهالی قصبه در ، از علماء بزرگوار اصفهانست که عمری را بعزت وقناعت واعراض از مردم دنیا ودرزهد وپارسائی کم نظیر بوده تا اواخر عمر لباس دهاتی خود را عوض نکرده وبسا وجودیکه همگان بمقامات عالیه علمی او معترف بودند ومرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی استاد او ودیگران به اجتهادش گواهی کرده بودند باقبسا وکلاه دهاتی بود فقط در موقع نماز شالی بر سر می بست ودر اواخر عمر باصرار جمعی از علماء ملبس بلباس روحانیت شده وکلاه را به عمامه تبدیل نمود وپرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱ - يك دوره فقه استدلالی بفارسی ۲ - مناسك حج عبری وغیره در ربیع الاول ۱۳۳۶ در اصفهان وفات یافته در تکیه ملك در تخت فولاد مدفون گردید .

مرحوم استاد همائی در مقدمه دیوان طرب ( ص ۱۲۳ ) در ضمن بیان

دوستان پدرش مرحوم ابوالقاسم طرب از علماء روحانی اصفهان نام مرحوم حاج ملا حسن دری برده و گوید :

وی در زهد و قناعت و بی پیرایگی و بی اعتنائی به مخلوق از رجال ممتاز عهد خود بود . . بساط قضاء و فتوی و امامت جماعت را که مدتی باگرمی و اقبال روز افزون عامه تصدی داشت ناگهان در هم پیچیده و گوشه انزوا بسرگزیده بسود .

مرحوم استاد همائی در پاورقی همین صفحه اضافه می کند :

یکی از فقها و مجتهدان مسلم زمان خود محسوب میشد . در فن اصول فقه شاگرد مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بود و پیاپی حق استادی او مدتی بفرزندانش مخصوصاً مرحوم حاج آقانور الله که او را افضل واعلم والیق اولاد شیخ می شمرد خدمت کرد و معین مجلس فتوی و قضای او بسود و خود او هم مستقلاً مسند ریاست شرعی داشت . روزها هم در مسجد خان محله تلو اسکان نماز جماعت می گذاشت و جمعی کثیر خصوصاً خواص شهر بدو اقتداء میکردند . . ( برای آگاهی از بقیه مطالب به دیوان طرب مراجعه شود ) .

مرحوم حاج آقا نورالله مسجد شاهی و مرحومین آیتین درچه‌ای

وریزی رحمة الله علیهما :

مرحوم آقا سیدمحمد باقر درچه‌ای از اعاظم علماء و فقهاء و مجتهدین بزرگوار است که شایسته است در شرح حال و گزارش احوال این مرحوم رساله ای مستقل تألیف گردد . وی غیر از درس و مباحثه علمی بکار دیگری نمیرداخت و از امور سیاسی بطور کلی برکنار بود .

مرحوم آقا سید محمد باقر در ۱۲۶۴ متولد و در شب ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۴۲

در حمام درچه وفات یافته جنازه بشهر منتقل و پس از تشییع عظیم در تخت فولاد در تکیه کازرونی مدفون گردید .

رفع اشتباه : در سالهای اخیر نویسنده‌ای مجهول کتابی نوشت و صاحبان اغراض باطله آنرا بچاپ رسانیدند بنام : تخت فولاد این کتاب سراپا دروغ و تهمت و افتراء بمقام شامخ مرحوم آقای درچه‌ای بود و البته کسانی که آن عالم جلیل که مستغرق در توحید بود و جز خداوند تبارک و تعالی چیزی نمی‌دید را می‌شناختند متوجه بی اساس بودن مطالب کتاب بودند لکن جماعتی دیگر که از حالات و روحیات آن مرحوم بی خبر بودند اباطیل کتابرا بنصورت صحیح بودن باور کردند این کتاب جهت تزلزل عقاید مردم تألیف شده بود و متأسفانه مطالب آنرا به مرحوم آیت الله العظمی آقا سید محمد باقر درچه‌ای نسبت دادند .

مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی عالم جلیل زاهد عابد فقیه از قدماء شاگردان مرحوم شیخ مرتضی انصاری و اول کسی که کتاب فرائد استادش را در اصفهان تدریس فرمود . از علماء بزرگوار است که همچون مرحوم آقای درچه‌ای کمتر به امور سیاسی توجه داشته و عمر شریف خود را به تدریس و رسیدگی به امور مسلمین می‌گذرانیده از آثار آن مرحوم رسم احیای شبهای جمعه در تخت فولاد و قرائت دعای شریف کمیل در آن زمین مبارک می‌باشد که بحمد الله تاکنون که قریب یکصد سال از ابتدای آن می‌گذرد برقرار است .

وفات مشار الیه در شب ۱۷ رمضان المبارک سال ۱۳۲۹ در اصفهان رویداده و در محل محراب عبادت شبهای جمعه خود در تخت فولاد مدفون گردیده که بعدها در آنجا بقعه و تکیه‌ای بنا کردند و بنام ایشان ( تکیه آقا شیخ مرتضی - تکیه ریزی ) شهرت یافت .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۴۸ پاورقی ) ضمن وقایع



سال ۱۳۲۴ خورشیدی و اقدامات مرحوم حاج آقا نور الله که در آن زمانها بنام :  
شاه نور الله شهرت یافته بود از تشکیل انجمن‌ها و غیره می‌نویسد :  
همه علماء راسوای مرحوم درچه‌ای وریزی برای مشروطیت و ریاست همراه  
کرده مردم را طوری اغراء و ترغیب نموده همی گفت :  
رعایابیل‌های شما طلا مشیود و خاک اندازهای خانه‌ها و ناودان‌های عمارات  
نقره و میخ‌ها زر . . .

### نظریه مرحوم انصاری :

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۴۷ پاورقی ) ضمن وقایع  
سال ۱۳۲۴ و قضایای طهران و کشته شدن سید عبدالحمید . . . می‌نویسد :  
مردم اول دیوانخانه عدلی میخواستند از سفارت به آنها تلقین شد چه نتیجه  
دیوانخانه موقتی باحکومت ملی و مشروطه بخوایید مرحومین حاج شیخ فضل‌الله  
و بهبهانی و سنگلجی هم بحضرت عبدالعظیم رفته . . .  
در هر بلدی علمای سیاسی نامدار گمان میبردند چون حکومت ملی است  
پنج نوبت طبل پس از مشروطیت درب خانه‌های آنها زده میشود و آنها تاج  
بردار و تاج‌گذارند و ندانستند مقصد اصلی آنها برانداختن ریاست این طبقه است.  
علماء اصفهان : غیر از چندتن از علماء که علناً با مشروطه خواهان موافقت  
نمیکردند دیگران یا بطور کلی از این جریانات خود را کنار کشیده و نقیاً یا اثباتاً  
اظهار نظر نمیکردند مانند اولاد و اصحاب علامه جلیل آقامیرزا محمد باقر چهار سوقی  
صاحب کتاب روضات الجنات که همگان بزهد و تقوی و علم و اجتهاد و مقبولیت  
عامه معروف بودند و عده‌ای اجباراً موافقت میکردند و مردم آنها را به زور و تهدید  
در اجتماعات خود می‌کشاندند .

## گرانی و قحطی اصفهان :

شهر اصفهان از نظر موقعیت جغرافیائی در حاشیه و کنار فلات مرکزی ایران ( کویر لوت ) قرار گرفته و آب و هوایش تحت تأثیر منطقه کویر می باشد یعنی آب و هوای خشک با قدرت تبخیر زیاد بطوریکه قدرت تبخیر آن حداقل بیش از ۱۵ برابر بارندگی آنست ( ص ۲۰ جغرافیای اصفهان ) .

رشته کوههای زاگروس در قسمت غربی اصفهان قرار دارد و مانع نفوذ رطوبت باین قسمت میشود ( ابرهای ایران و در نتیجه بارندگی در این مملکت در اثر ابرهای حاصله از دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس می باشد ) از این لحاظ میزان بارندگی در این شهر و اطراف کم بوده و در برخی از سالها بسیار اندک می باشد و در اثر تجربه هر سه - چهار سال یک بار کم آبی و خشک سالی روی میدهد که ممکن است تا چندین سال بطول انجامد و چون بارندگی کم شد منابع آبهای زیر زمینی ( قنات ها - چاهها ) و همچنین آب رود خانه زاینده رود نقصان یافته و زراعت کاهش می یابد و موجب کمبود غله و در نتیجه قحطی و گرانی می شود . مرحوم جناب در کتاب الاصفهان ( ص ۲۴ ) درباره باران اصفهان می نویسد : میزان معتدل باران در اصفهان پنجاه میلیمتر می باشد پنج شش سال یکمرتبه به صد میلیمتر میرسد و هفت هشت سال یکدفعه خشک سالی است .

در کتاب جغرافیای اصفهان ( ص ۲۱ ) جدولی تنظیم نموده و بارندگی اصفهان را نسبت به چند شهر هم عرض ( که عرض جغرافیائی آن قریب عرض جغرافیائی اصفهان است ) را بر حسب میلی متر ذکر می کند .

اصفهان در عرض ۲۵ سال از ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۱ ( مطابق ۱۳۶۶ تا ۱۳۹۱ قمری و ۱۳۲۶ تا ۱۳۶۶ خورشیدی ) ۱۰۹/۷ میلی متر می باشد و باین ترتیب شهر

اصفهان را باید کم باران ترین شهر بزرگ ایران معرفی نمود .

نام شهر	عرض جغرافیائی	سالهای آمارگیری	مقدار بارندگی
اصفهان	۳۲	۳۷	۱۰۹/۷
انارک	۳۳	۲۵	۷۵/۵
شهرکرد	۳۲	۱۹	۲۷۹/۳
کوهرننگ	۳۲	۲۷	۱۲۲۹/۷
نائین	۳۲	۵۱	۸۷
نجف آباد	۳۲	۴۳	۱۳۸/۵
نی بندان	۳۲	۲۰	۶۹/۵

تغییرات بارندگی در سالهای مختلف فوق العاده زیاد بوده بطوریکه در سال

۱۹۶۰ ( ۱۳۷۹ قمری ) حدود ۳۹/۷ میلی متر و حداکثر در سال ۱۹۵۴ ( ۱۳۷۳

قمری ) حدود ۲۲۵ میلی متر بوده است .

برای آگاهی بیشتر در این موضوع طالبین بکتاب نامبرده و دیگر کتب مربوطه

مراجعه فرمایند .

علل قحطی : در اثر کمبود آب و باران و همچنین آفات دیگر محصول از قبیل

سن و ملخ و دیگر آفات نباتی در برخی از سالها محصول غلات اصفهان کاهش

یافته و در اثر آن گرانی و قحطی بوجود آمده است .

مرحوم جناب در کتاب الاصفهان ( ص ۲۱۹ ) می نویسد :

یکی از اسباب خرابی اصفهان گرانی است که کمتر ده سالی گذشته و ظاهر

نشده و هرسی یا چهل سال که گذشته است يك قحطی سخت بروز کرده و شیرازه

اوضاع اصفهان را از هم پاشیده است . مانند قحطی سال ۱۳۲۶ که در قنسولخانه

انگلیس سه خروار گندم را به نهصد تومان خرید ( انتهی ملخصاً ) .

مرحوم انصاری در کتابهای تاریخی خود ضمن وقایع سال ۱۳۳۶ موجبات  
گرانی و قحطی را در سال فوق بدین شرح بیان می کند (بطور اجمال و خلاصه) :

- ۱ - کمبود محصول غله
- ۲ - جلوگیری رضا جوزدانی لنجانی و جعفر قلی و بارانشان دزدان و یاغیان  
معروف از حرکت اجناس
- ۳ - ناشی گری مأمورین و خطای آنها (مرحوم شیخ الاسلام رئیس بلدیه)  
ص ۲۷۶ تاریخ اصفهان وری
- ۴ - طمع محنکرین و انبار داران
- ۵ - خرید غله توسط انگلیسها برای ذخیره پلیس جنوب
- ۶ - اغراض باطنی آقای شریعتمدار و صارم الدوله (ص ۱۴۰ سوم آگهی  
شهان)
- ۷ - می نویسد که شنیدم احمد شاه نیز در این گیسو دار و داد و ستد جنس  
خواسته است بهره ببرد  
این قحطی به قحطی شیخ الاسلامی معروف و قریب سی هزار نفر در شهر  
اصفهان و اطراف تلفات داشته است .

#### برخی از گرانیها و قحطی های اصفهان :

اکنون که سخن از قحطی سال ۱۳۳۶ ذکری نمودیم و قبلا نیز در جلد یکم  
بمناسبت از قحطی و گرانی معروف به آدم خوری در سال ۱۲۸۸ نامی برده بودیم  
که در این دو قحطی و دیگر قحطی ها چقدر از مردم فقیر و بینوای این شهر از شدت  
گرسنگی مردند و مرده های آنها روزها روی زمین ماند و کسیرا پروای کفن و دفن  
آنها نبود و اگر کسی حاضر میشد مخارج آنها را تکفل کند از کثرت مردگان  
کسی را یارای دفن همگی آنان نبود از این رو گودالی حفر میکردند و عده ای از

آن‌ها را يك جا روی هم بخاك میسپردند .

بی‌مناسبت نیست که بطور اجمال ذکر از برخی دیگر از گرانپها و قحطی‌های اصفهان که در طول تاریخ روی داده بنمائیم و متذکر میشویم که آنچه نوشته میشود کلاماً خود از کتب تاریخی مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری میباشد:

۱ - سال ۶۸ هجری قحطی در اصفهان در اثر محاصره بودن شهر بوسیله

خوارج

۲ - سال ۲۰۰ هجری قحطی اصفهان که تا سال ۲۰۸ بطول انجامید در سال ۲۰۱ بسیاری از مردم اصفهان وری در اثر قحطی و مجاعه مردند

۳ - سال ۲۶۰ قحطی در عموم بلاد و همچنین شهر اصفهان

۴ - سال ۳۳۹ قحطی اصفهان در اثر جنگ ما بین رکن الدوله و منصور

ابن قرائتکین

\* سال ۴۲۳ بروز مرض وبا در اصفهان و مردن قریب چهل هزار تن در

اثر آن

۵ - سال ۴۳۹ قحطی در عراق عرب که مردم مردار خوردند و در اصفهان در اثر جنگ بین رکن الدوله و منصور

۶ - سال ۴۴۲ قحطی در اثر محاصره طغرل سلجوقی یکسال شهر اصفهان را

۷ - سال ۴۹۵ قحطی در اثر محاصره برکیارق سلجوقی شهر اصفهان را .

تذکر : همیشه پس از جنگ‌ها و نزاعها که مابین حکام و سلاطین و امراء اصفهان و با جنگ‌های مذهبی که بین شافعیان و حنفیان روی میداده و این جنگ‌ها تقریباً تا زمان ظهور صفویه بصورت‌های مختلف ادامه داشته گاهی بین : خجندیان و صاعدیان زمانی بین آل مظفر و آل اینجو روزگاری بین آق‌قویونلوها و بالاخره تیموریان و در همه حالات آنکه پاپسوز حوادث بوده مردم ضعیف و ستمدیده این

شهر بوده‌اند .

در فهرست زیر کمتر به این گونه قحطی‌ها که تعداد آن نسبتاً زیاد میباشد اشاره گردیده و فقط بعنوان مثال و نمونه می‌نویسیم :

۸ - در سال ۵۴۲ جنگ خانگی بین شافعیان ( آل خجندی ) و حنفیان ( آل صاعد یا صاعدیان ) رخ داده که در اثر آن خاندان خجندی از بین رفتند در این جنگ و نزاع مسعود غزنوی بحمايت صاعديها بسياري از خجندیان و مردم شافعی مذهب اصفهان را بجرم عقیده مذهبی کشت و نابود کرد .

۹ - سال ۵۴۳ قحطی عظیم در عموم بلاد اسلام و در اصفهان و می‌نویسند که قحط در مغرب زمین سخت تر بوده است .

۱۰ - سال ۵۷۰ قحطی اصفهان .

۱۱ - سال ۷۵۰ قحطی در اصفهان در اثر محاصره اشرف چوپانی شهر

اصفهان را .

اشرف چوپانی حاکمی جابر و ستمگر بود جانی بيك او را در سال ۷۵۸ گرفته و آنچه اندرخته بود از وی بستد و او را نیز بکشت این شعر معروف در باره اوست :

دیدي که چه کرد اشرف خر او مظلّمه برد و جانی بك زر

\* سال ۸۰۹ و بای بزرگ اصفهان .

۱۲ - سال ۹۳۴ شدت قحط و غلا در تمام شهرهای ایران .

۱۳ - سال ۱۱۳۵ و قحط غلا در اصفهان در اثر محاصره افغانه .

۱۴ - سال ۱۱۷۰ قحطی اصفهان که در اثر آن چهل هزار کس از مردم شهر

مردند .

۱۵ - سال ۱۱۷۱ دنباله قحطی سال قبل در این سال در شهر قریب ۱۲ هزار

نفر ودر محله جلفا نزدیک پانصد نفر از گرسنگی مردند و مردم اطفال خود را میفروختند و بهای نان يك من نه هزار دینار شد ( به پول آن زمان ) .

۱۶ - در سال ۱۲۰۲ مردم از شدت قحطی و کمبود مواد غذایی علف می خوردند

۱۷ - سال ۱۲۱۹ قحطی در اثر ملخ

۱۸ - سال ۱۲۳۲ معروف به قحطی صدری مردم جهت سد جوع پوست درخت می خوردند قیمت نان يك من هزار و پانصد دینار شد ( به پول آن زمان )  
۱۹ - سال ۱۲۴۷ قحطی شدید که سه سال بطول انجامید و مردم علف می خوردند

قیمت آرد يك من چهار هزار دینار بود

۲۰ - سال ۱۲۸۸ قحطی معروف به آدم خوری

۲۱ - سال ۱۳۰۸ گرانی گندم که خرواری سه تومان شد

\* - سال ۱۳۱۹ وبای اصفهان و همچنین سال ۱۳۲۱

۲۲ - سال ۱۳۲۰ گرانی اجناس

۲۳ - سال ۱۳۲۳ قحطی و گرانی و در اثر آن شورش مردم مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۴۶ پاورقی ) می نویسد :

شکستن یکی از انبارهای مزروعات ظل السلطان را از سراج الملك که در بیگدلی بود و عمده گرانی را حاج سید رضای علاف و دو نفر اتباع ظل السلطان و مالکین رودشت شده .

۲۴ - سال ۱۳۲۹ گرانی اصفهان و کشته شدن حاج محمد جعفر خونساری ( شرح این ماجرا را بطور اجمال در جلد سوم در ضمن شرح حال مرحوم حاج شیخ کمال الدین شریعتمدار می نویسم .

۲۵ - سال ۱۳۳۱ گرانی در اثر کم آبی و آفت سن

۲۶ - سال ۱۳۳۶ شرح آنرا قبلاً نوشتیم .

### مراجعت مرحوم حاج آقا نورالله از سفر عتبات :

گفتیم که مرحوم ثقة الاسلام نجفی وقتی که روسها باصفهان حمله کردند از این شهر خائفاً بترقب فرار کرده و به بختیاری رفته و مدتی در آنجا نزد خوانین و بی بی مریم محترماً میزیسته و بالاخره به کرمانشاه رفته و به مهاجرین طهرانی و مخالفین با بیطرفی ایران و اعضاء کابینه موقت پیوست سپس به کربلا مهاجرت فرمود و تا سال ۱۳۳۶ در آن شهر مقدس از دور ناظر اوضاع بود .

سال ۱۳۳۶ پس از خاتمه جنگ بین الملل به ایران مراجعت نموده و مورد احترام کلیه طبقات قرار گرفته و بریاست حوزه علمیه اصفهان که در آن زمان از مهمترین حوزه های علمی شیعه پس از نجف اشرف بشمار می آمد پذیرفته شد . از این تاریخ او امر و دستورات مرحوم ثقة الاسلام نه تنها بعنوان يك مرجع دینی و يك مجتهد جامع الشرايط مورد قبول و اطاعت بود بلکه بعنوان رئیس علماء شیعه ایران شناخته شده بود اگر چه علماء و مجتهدین معروفی در قم و تبریز و طهران و شیراز بودند لکن مرحوم ثقة الاسلام بعنوان رئیس مطلق شناخته شده و مورد احترام همگان قرار گرفت .

### تضاد سیاست انگلیس و روس در ایران :

احتیاج بنزدکریست و همه خوانندگان از نظر استعماری این دو همسایه قوی ایران که هر دو چشم طمع به جان و مال و خاک این مملکت و افراد آن داشتند آگاه می باشند .

قرار دادسی ام اوت سال ۱۰۹۷ میلادی و تقسیم ایران به سه منطقه ( ۱ ) - منطقه



روسها ۲ - منطقه انگلیسها ۳ - منطقه بیطرف ) .

قرار داد سال ۱۹۱۷ میلادی که جانشین قرار داد قبلی شد و در این قرارداد منطقه بیطرف از بین رفت و ایران فقط بدو منطقه نفوذ بین روسها و انگلیسیان تقسیم گردید .

این دو قرار داد معرف نظریات این دو دولت نسبت به مملکت ایران بود که بخواست خداوند قادر متعال هیچ يك عملی نشد .

در اواخر سال ۱۹۱۷ میلادی در روسیه دولت بالشویکی روی کار آمد و کلیه قرار دادهای قبلی من جمله قرار داد ۱۹۱۵ مسیحی را درباره ایران ملغی کرد و از این تاریخ انگلیسها ظاهراً در اوضاع داخلی ایران بدون رقیب و مانع شدند. تا این موقع هر چه بر این مملکت می گذشت در اثر دخالت ناروای آندو و اندیشه های استعماری و استثمارگری آنها بود و از این تاریخ انگلیسها یکه تاز سیاست ایران شدند .

مجلس دوم که در دوم ذی القعدة ۱۳۲۷ گشایش یافته بود در اثر فشار سیاست روسها در سوم محرم سال ۱۳۳۰ منحل گردید . کشتار آزادیخواهان و علمای تبریز در روز عاشوراء سال ۱۳۳۰ و توپ بستن بگنبد مطهر حضرت ثامن الحجج در ۱۰ ربیع الثانی همین سال ( ۱۳۳۰ ) از جمله جنایاتی است که روسها در این مملکت مرتکب شدند .

شرح اعمال و رفتار انگلیسها نیز مفصل و برای آگاهی از آن باید بکتاب تاریخ مراجعه شود .

### قرار داد وثوق الدوله :

پس از آنکه انگلیسها خود را بدون رقیب دیده و برای اجرای مقاصد شوم

استعماری خود مانع و رقیبی نمی‌دیدند در سال ۱۹۱۹ مسیحی برابر سال ۱۳۳۸ و ۱۲۹۸ خورشیدی با وثوق الدوله قرار دادی منعقد ساختند که به قرارداد وثوق الدوله معروفست .

حسن وثوق ( ۱۲۹۰ - ۱۳۷۰ ) در شوال ۱۳۳۶ در ایام جنگ بین الملل برای بار دوم به دستور انگلیس‌ها نخست وزیر ایران شد و با گرفتن مبلغی معادل صد و سی هزار لیره که بین او و صارم الدوله اکبر مسعود فرزند ظل السلطان و نصرة الدوله تقسیم گردید .

طرز تقسیم مبلغ رشوه : از مبلغ نامبرده هشتاد هزار لیره سهم وثوق الدوله نخست وزیر و چهل هزار لیره سهم صارم الدوله وزیر دارائی و بالاخره سی هزار لیره سهم نصرة الدوله وزیر امور خارجه گردید مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص ۳۵۰ یکم) ضمن بیان شرح حال وثوق الدوله می‌نویسد: رضا شاه در سال ۱۳۰۶ خورشیدی وجوه مزبور را از هر سه نفر پس گرفت . برای آگاهی از شرح حال وثوق الدوله به کتاب مرحوم بامداد و کتب تذکره این عهد مراجعه شود .

پس از انتشار خبر انعقاد این قرار داد در طهران و ولایات عده زیادی از بزرگان با آن مخالفت نموده که علماء اصفهان و مرحوم حاج آقا نورالله را نیز در عداد آنان محسوب داشت .

برای آگاهی از مواد قرار داد به کتاب تاریخ بیست ساله ایران تألیف آقای حسین مکی جلد یکم (صفحات ۲۱ و ۲۲) مراجعه فرمائید .

**حاج آقا نورالله در جشن تاجگذاری :**

در سال ۱۳۴۴ قمری پس از آنکه مجلس شورای ملی به خلع سلطنت

احمد شاه و ولایعهدی محمد حسن میرزا رأی داد و همچنین قرار بر آن شد که رضا خان که در آنوقت سردار سپه و وزیر جهگ بود را به پادشاهی بردارند .  
جشن تاجگذاری او را در طهران در تاریخ گرفتند و برای آن از بسیاری از بزرگان و معاریف ایران جهت حضور در آن دعوت نمودند .  
مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۹۵ قسمت پاورقی ) در ضمن وقایع سال ۱۳۴۴ و تشکیل مجلس مؤسسان برای تعیین سلطنت پس از شرح مختصری می نویسد :

شرعی از طرف عموم علماء بخط روشن نوشتم که :

امروز که بحکم : قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء خدائی یگانه سلطنت آن اعلیحضرت را خواسته علمای اصفهان نیز بسادای وظائف تهنیت پرداخته . . .

چون صدرالاسلام دارای صدای غرائی بود مأمور خواندن آن نامه گردید . صدرالاسلام در موقع خواندن خدای یگانه را خدای بیگانه خواند . پهلوی (ودبگران) متوحش شده که خدای بیگانه کیست و این سخن را معنی چیست نامه را دیدند یگانه نوشته شده بود حال چه سری ایزدی در این کار بود که صدرالاسلام یگانه را بیگانه خواند . ابهت مجلس او را گرفته بود ، کلمه را اشتباه دیده بود یا نکته ای از اسرار ازلی در آن بود که باید چنین خطائی بسر زبان او جاری شود ( نقل با اندکی تغییر و تصرف ) .

پس از تاجگذاری مرحوم حاج آقا نور الله قرانی بشاه جدید هدیه داده و فرمود :

اکنون که پادشاه مملکت اسلامی شده ای قرآن کتاب آسمانی و کلام ربانی را بتو هدیه می کنم که او را نصب العین خود قرار داده و بدستوراتش عمل کنی

و بر خلاف آن نروی ( مضمون گفتار مرحوم ثقة الاسلام ) .

### اولین ملاقات با رضاخان سردار سپه :

بسطوریکه میدانیم و شرح آن در تاریخ بطور تفصیل نوشته شده رضاخان میرپنجه در ۱۲ جمادی الثانیه سال ۱۳۳۹ مصادف با سوم حوت ( اسفند ) سال ۱۲۹۹ خورشیدی کودتا نموده و پس از مدتی بمقام ریاست وزرائی رسید .  
مرحوم حاج آقا نورالله در سال ۱۳۴۱ عازم تشریف به ارض اقدس مشهد مقدس رضوی گردید در طهران از احمد شاه و محمد میرزا و لیمهد و دیگر رجال دولت دیدار نمود .

رضا خان خواستار ملاقات با ایشان گردید مرحوم ثقة الاسلام نجفی بشرطی این دیدار را قبول کرده و بآن راضی شدند که :

رضا خان از کلیه القاب خود ( حضرت اشرف - سردار سپه - رئیس الوزراء . . . ) صرفنظر نموده و همچون يك فرد نظامی معمولی با ایشان ملاقات کند .

مرحوم ثقة الاسلام نیز از کلیه عناوین خود ( آیت الله - ثقة الاسلام . . . ) چشم پوشد و فقط شیخ نورالله باشد .

این ملاقات که بسا این کیفیت برخلاف میل رضا خان بود بهمین طرز انجام گردید و در آن جلسه مطالبی پیرامون اعمال خلاف رویه مأمورین حکومت گوشزد رضا خان میشود لکن او که حاضر بشنیدن اینگونه مطالب نبود باعصبانیت از جلسه بیرون میرود .

از جزئیات این ملاقات و گمنگوها اطلاع زیادی نداریم همینقدر میدانیم که پس از این جلسه هر وقت در حضور رضا خان که بعداً رضاشاه شده بود نامی از

آن مرحوم برده میشد او می گفته است . « آخوند خطرناکی است » سر انجام نیز در قیام امام علیه او و مهاجر نشان بقم ویرا بشرحی که بعداً خواهیم گفت مسموم گردانید .

### تشکیل هیئت علمیه اصفهان :

یکی از کارهای اساسی که بوسیله مرحوم حاج آقا نورالله نجفی در اصفهان انجام گرفت تشکیل هیئت علمیه جهت رسیدگی به امور مدارس دینی و طلاب و نظارت در اجرای صحیح احکام و مقررات اسلام در سطح اصفهان و حومه آن بود .

اعضاء اصلی این هیئت عبارت بودند از :

۱ - مرحوم آقا میرزا ابراهیم شمس آبادی آل رسول موسوی

۲ - مرحوم آقا سید ابوالقاسم حسینی دهکردی

۳ - مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی

۴ - آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی

۵ - حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی

۶ - حاج میرزا عبدالحسین سید العراقین

۷ - حاج میرزا علی

و عده ای دیگر از علماء و مدرسین و مجتهدین اصفهان . ریاست حوزه علمیه

با مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نورالله بوده و روزهای پنجشنبه صبح تشکیل

جلسه میدادند . این جلسات بطور متناوب در منزل بعضی از اعضاء مؤسس و زیر

نظر مستقیم ریاست حوزه اداره میشد .

آغاز تشکیل این هیئت سال ۱۳۴۲ بوده و تا سال ۱۳۴۶ یعنی سال وفات

مرحوم ثقة الاسلام ادامه داشته و با کمال جدیت به امر بمعروف و نهی از منکر  
میپرداخته است .

### مهاجرت به قم :

در سال ۱۳۴۶ قمری پس از تصویب قانون نظام اجباری که بعداً بنام نظام  
وظیفه تغییر نام یافت و ابلاغ آن از طرف مجلس جهت اجراء به دولت که مورد  
مخالفت صریح مردم ایران قرار گرفت علماء و بزرگان که از مدت‌ها قبل پی به  
اشتباه و اغفال خود در موضوع انتخاب رضا خان به سلطنت ایران برده بودند  
وقت را مغتنم شمرده و خواستند از این موقعیت بهره‌گیری کنند .

مردم اصفهان با تشکیل راه‌پیمایی و بستن بازار و رفتن به تلگرافخانه و کمک  
خواستن از علماء ظاهرأ لغو و یا اصلاح قانون را میخواستند لکن علماء که حاج  
آقا نور الله مسجد شاهی در رأس آنها قرار داشت و باطناً گرداننده اوضاع بود  
خواسته دیگری داشت . علماء برای پیشبرد مقاصد خود به قم مهاجرت کردند  
لکن مرحوم حاج آقا نور الله ظاهرأ دور از غوغای مردم در خانه نشست و در  
بروی خود از خودی و بیگانه بست .

اما سیاست او در این جا همان سیاست برادر بزرگش مرحوم آقا نجفی بود  
که ظاهرأ هیچ‌کاره و باطناً همه‌کاره بود مردم و علماء به او روی آوردند و از او  
استمداد کردند و او بکمک آنان برخاسته باعده‌ای از اقوام و خویشان و آشنایان  
و جمعی دیگر از علماء اصفهان که تا این تاریخ بقم مهاجرت نکرده بودند بقم  
رفت .

تجار و کسبه نیز بازار را بسته به قم رفته و به مهاجرین پیوستند و هر روز دامنه  
مهاجرت وسیع تر شد در خارج شهرستان قسم چادرها برافراشته گشت و مردم در

آنجا ساکن شده و رفت و آمد بین اصفهان و قم و طهران و قم و سایر شهرها رو به افزونی نهاد .

مادر این جا بر سر آن نیستیم که جریان این مهاجرت را کمأ و کیفأ نقل کنیم زیرا :

۱ - اطلاعات نویسنده در این باره باندازه کافی نیست .

۲ - مصادر و مأخذ مورد اعتمادی که بتوان از آن نقل کرد یا اصلا وجود ندارد و یا بسیار کم میباشد .

۳ - عموم افرادی که در آن جریانات مستقیماً وارد بوده‌اند یا مرده‌اند و یا نمیدانیم به چه علت از گفتن جواب صریح و مستدل امتناع دارند .

در هر صورت بر حسب ظاهر از این مهاجرت نتیجه مثبتی گرفته نشد جز آنکه تصمیم رضا شاه بر کوبیدن قدرت روحانیون قطعی گردید و از این تاریخ به بعد شدیداً با کلیه موازین روحانیت و اسلام علناً مخالفت آغاز کرد و تا آنجا که توانست عمل کرد اما خداوند تبارک و تعالی میفرماید : انما نزلنا الذکر وانا له لحافظون پیش آمد قضایای سوم شهریور ۱۳۲۰ (سوم شعبان ۱۳۶۰) طومار اعمال و رفتار و عمر او را همه با هم بهم پیچیده والحمد لله رب العالمین وسیعاً الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون .

### استخاره از قرآن :

در آن روزها که مردم اصفهان بعنوان اعتراض بقانون نظام اجباری شروع بفعالیت کرده بودند و هر روز زنها و مردها بصورت اجتماع در بازار حرکت مینمودند و دولتیان در صدد جلوگیری از تظاهرات آنها بودند تا جائیکه یکی از رؤسای کمیسر بها (کلانتریها) در خیابانها پشت چهل ستون (خیابان سپه)

جلو زنها که فریاد حسین حسین می کردند و قرآنی در جلو بر سر دست داشتند را گرفته و بطوریکه نقل شد آن مأمور نظمی برای جلوگیری از تظاهرات و متفرق ساختن جمعیت نسبت بقرآن مجید اهانت عملی نموده بود .

علماء هر روز در منزل یکی از آنان جلسه ای داشتند و پیرامون موضوع بحث و تبادل نظر میکردند که چه باید کرد آیا باید ساکت بود و تماشاگر - باید قیام کرد حتی بلغ ما بلغ و . . .

در یکی از ایام که منزل مرحوم آیت الله فشارکی همه جمع بودند قرار شد که درباره تعیین تکلیف خود از قرآن تفال زده و یا استخاره کنند .  
مرحوم آیت الله حاج میرزا عبد الحسین سید العراقین بهمین نیت قرآن را گشود و این آیه را می خواند .

ومن یخرج من بیته مهاجراً الی الله ( الخ ) .

دیگر تکلیف هم روشن میشود که باید بقم مهاجرت کنند و به جمع مهاجرین اولیه به پیوندند .

مرحوم حاج آقا نور الله نجفی پس از شنیدن آیه مبارکه خیر از کشته شدن و مرگ خود نیز در این سفر می دهد .

مهاجرت به قم به چه منظور بود ؟

تا کنون در باره قیام تاریخی علماء اصفهان بزعامت مرحوم حاج آقا نور الله نجفی آنچنانکه باید و شاید بررسی نشده است .

بسیاری از نویسندگان می نویسند که جهت مبارزه با قانون نظام اجباری و برخی دیگر از قوانین که یکی پس از دیگری بوسیله و کلاء منصوب نه منتخب بتصویب میرسید لکن ذکری از این قوانین نمی کنند بوده است .



جای بسیار تعجب است که مرحوم ثقة الاسلام نجفی که خود سالها قبل یعنی از سال ۱۳۲۴ ترتیب قشون فدائیان مشروطه داده است و با درجنگ بین الملل عده ای قشون تربیت نموده و به کمک دولت مسلمان عثمانی و برابری با سربازان روسیه به میدان جنگ میفرستد را مخالفت نظام اجباری که بعداً بنام نظام وظیفه نامیده شد بدانیم .

حق آنست که مرحوم حاج آقا نور الله از مدتها قبل منتظر موضوعی بود که آنرا دست آویز قراردادده و بوسیله آن مردم را علیه دستگاه بشوراند و باصطلاح خود ایشان « خری را که بالا برده اند پائین بیاورند . » اکنون موضوع نظام همگانی بهترین وسیله ای بود که آن مرحوم بوسیله آن میتوانست بمقصود برسد و شاه را از سلطنت بیندازد .

همانگونه که گفته اند شد مرحوم ثقة الاسلام در ابتداء با موضوع مهاجرت روی خوش نشان نداد و در خانه نشست مردم اصفهان علماء ابن شهر را یکی پس از دیگری به قم فرستادند و چون رؤسای علماء اصفهان و مجتهدین معروف بدان شهر عزیمت نمودند بعد از همه ایشان با جمله اقوام و بستگان حرکت نمود و هزینه کلیه کسانی که قادر به تهیه وسائل زندگی در قم نبودند را متکفل گردید . انگیزه نهضت در نظر مردم اصلاح قانون نظام اجباری و از نظر مرحوم حاج آقا نور الله شکستن قدرت دیکتاتوری رضاخانی و از کلبرکنار ساختن آن دستگاه بوده است .

دلیل بر اینکه موضوع مهاجرت تنها مخالفت با قانون نظام اجباری نبوده است علاوه بر آنکه از طرز رفتار و عمل حاج آقا نور الله در موقع تشکیل فدائیان مشروطه و کمک به عثمانی و جنگ با روسها در جبهه همدان نوشتم : آنکه :

قانون نظام اجباری مربوط به تمام ایران بود و دلایلی نداریم بر اینکه چرا اصفهانیان با آن مخالف بودند و دیگر شهرها در برابر آن ساکت و آرام و بدون عکس العمل بودند .

می نویسند نهضت جهت مخالفت با نظام اجباری و پاره‌ای از قوانین بود که علماء مخالف شرح و مصالح مملکت تشخیص کرده بودند .

اما همانگونه که گفتیم مرحوم حاج آقا نورالله که عالمی فطن و زیرک و تیز بین بود خیلی زودتر از علماء دیگر و مردم متوجه آتیه مملکت با بودن چنین شاهی با آن وزراء و وکلاء گردید و دانست که : در زیر این کاسه نیم کاسه‌ها نهفته است که یکی پس از دیگری ظاهر خواهد شد . امروز در لباس چوپانی غمخوار در آمده که در حفظ و نگهداری گوسفندان می‌کوشد اما خود در حقیقت گرگی است غدار و حیوانی مردم آزار فردا که پرده روی از چهره پلید او برداشته شد و قیافه منحوس او ظاهر گردید با کلیه موازین و قوانین اسلام مخالفت خواهد کرد علماء و بزرگان و آزادیخواهان کشته و یا زندانی خواهد کرد . . .

از اینرو حاج آقا نور الله بناً بنقل معتمدین در مجالس خصوصی اظهار کرده بود که :

سخن از قانون نظام اجباری و غیره نیست : اساساً این مرد بیسواد لاابالی و بیدین و مستبد و خودخواه و نوکر اجنبی است و بدرد سلطنت و حکومت ایران نمیخورد باید او را کنار گذاشت و از سلطنت عزاش کرد و این کار آسانی است . و ما خود این خری را که بالا بردیم پائین میآوریم .

**طرز برخورد مرحوم آیت الله حائری با مهاجرین :**

مرحوم آیت الله حائری گر چه از اول تا آخر زمان توقف علماء مهاجر

اصفهان و دیگر شهرها به قم راه و روش بیطرفی خود را تغییر ندادند و در این باره نفیاً و یا اثباتاً چیزی نفرموده و یا ننوشتند لکن عملاً از علماء تجلیل نموده و هر دسته از علماء که بقم وارد میشدند علمی قدر مراتبهم العلمیه مرحوم آقای حائری به طلاب و دیگر طبقات مردم قم دستور استقبال و پیشواز کردن میفرمودند . باصرار آن مرحوم آقایان آقا شیخ محمد رضا نجفی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی ( و شاید یکی دو تن دیگر از علماء ) شروع بمباحثه و تدریس نمودند و مرحوم آیت الله حائری فضلاء حوزه علمیه قم را به شرکت در مجالس درس آنان تشویق و ترغیب میفرمود .

مرحوم حائری رحمه الله علیه با این عمل خود یعنی دستور پیشواز کردن و شرکت در جلسات درس آنان و همچنین با دید و بازدید کردن از بزرگان علماء مهاجر عملاً موافقت خود را با خواسته‌های آنان ثابت فرمود لکن از نظر احتیاط و حفظ موازین عقلی مستقیماً شرکت نفرمود .

خداوند آن عالم جلیل و سایر علماء را غریق بحار رحمت بی پایان خود فرماید که هر کدام از آنان بوظیفه شرعی خود در حفظ و بقای اسلام و حوزه علمیه قم کوشیدند و همه گونه رنج و زحمت را تحمل کردند جزاهم الله عن الاسلام و اهله خیر الجزاء .

### دعوت از علماء و بزرگان ولایات و شهرهای مختلف :

مرحوم حاج آقا نور الله وقتی که با بیشتر علماء اصفهان و چند هزار نفر از تجار و کسبه و مردم اصفهان بقم مهاجرت فرمود و در شهر و خارج مستقر شدند برای رسیدن به اهداف عالی خود پس از مشورت با عده‌ای از عقلاء همراهان قرار شد که بوسیله نامه و همچنین نمایندگان مطمئن اقدامات زیر انجام گیرد :

۱ - از عده‌ای از وکلاء مجلس شورای ملی و بخصوص اقلیت دعوت شود و از آنها علاوه بر کمک فکری در پیشبرد مقصد یاری بخواهند لهذا بوسیله نامه از مرحوم آقا سید حسن مدرس و جمعی دیگر دعوت بعمل آمد و ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با آنان برقرار شد .

۲ - نامه‌هایی به علماء طراز اول و مراجع شهرهای مختلف ایران : تبریز - مشهد - کاشان - شیراز - و بالاخص طهران نوشته شد و مقصود مهاجرت را که بنظر اصلاح برخی قوانین بود و در باطن چیز دیگر با آنها در میان نهادند . مطالب عادی و مشهور را در نامه‌ها می‌نوشتند و آنچه نوشتن آنرا صلاح نمیدانستند بوسیله افراد مورد اطمینان پیغام میفرستادند .

۳ - دعوت از تجار معتبر و بازرگانان شهرها .

یکی دیگر از اقدامات مهاجرین دعوت از بازرگانان طراز اول شهرها و معتمدین و افراد صاحب نفوذ ولایات بود که اگر روزی لازم شد که مثلاً در تمام ایران تعطیل عمومی اعلان شود مردم و تجار و کسبه آمادگی داشته باشند .

۴ - آخرین و اساسی‌ترین اقدام علماء مهاجر آگاه ساختن دولت وقت و متصدیان امور بود از مهاجرت آنان که نخست وزیر و وزیر دربار و مجلس شورای ملی و دیگر مراجع قانونی و قدرت مراتب را بوسیله نامه و تلگراف تذکر دادند .

عکس العمل دولتیان در برابر دعوت از علماء : هر چند مرحوم حاج آقا نورالله سعی داشت که دولت از برنامه کار مهاجرین خبر دار نشود تا عکس العملی از خود نشان ندهد و مشکلی برای آنان ایجاد نکند لکن متأسفانه دولت برخی از نزدیکان علماء در قم و ولایات را بحیله و تزویر و اشتباهکاری با خود همراه ساخته و آنان را مأمور خیرگیری از اوضاع نموده بود .

این جاسوسان دولتی که در لباس اهل علم بودند هر روز موثق ترین اخبار را به نظمیّه ها (شهربانی) گزارش میکردند و مأمورین برای مقابله با آن از طهران کسب تکلیف مینمودند .

از جمله اخباری که به شهربانی ها گزارش شد دعوت از علماء و تجار شهرهای مختلف بود که از طهران به کلیه شهرها تلگرافی دستور رسید که با کلیه وسائل ممکنه وبدون سر و صدا از حرکت علماء بسمت قم جداً جلوگیری شود و آنها را بهر نحو که ممکن باشد نگذارند بجمع مهاجرین بپیوندند .

مرحوم آیت الله بروجردی : یکی از جمله این علماء بزرگوار مرحوم آیت الله حاج آقا حسین بروجردی میباشد که در گزارش نظمیّه خرم آباد بنام حاج آقا حسین مجتهد یاد شده و پس از آنکه آن مرحوم موفق میشود که از بروجرد مخفیانه حرکت نماید در خرم آباد از حرکت ایشان ممانعت نموده آن مرحوم بسمت عتبات حرکت میفرماید و در نجف خدمت مرحومین آیتین اصفهانی و نائینی رسیده اند و بوسیله ایشان جهت مرحوم حاج آقا نور الله پیغام می دهند که در اقدام خود کوشا باشید ، نیز از خواسته های شما طرفداری خواهیم کرد . لکن متأسفانه در مراجعت ظاهراً در کرمانشاه ( یا جای دیگر ) از حرکت ایشان بقم تا پس از فوت مرحوم حاج آقا نور الله جلوگیری میشود داستان ملاقات مرحوم آقای بروجردی با مرحوم آیت الله حائری خسود داستانی مفصل و احتیاج به بررسی و مطالعه بیشتر دارد .

یکی دیگر از علماء بزرگواریکه از حرکت ایشان و وصولشان بقم تا پس از فوت مرحوم حاج آقا نورالله جلوگیری شده است مرحوم آیت الله حاج میرزا صادق آقا تبریزی ( ۱۲۷۴ - ۱۳۵۱ ) می باشد .

### اسامی برخی از علماء مهاجر به قم از اصفهان :

گفتیم که از وقایع مهم سال ۱۳۴۶ مهاجرت علماء اصفهان به قم ظاهراً بعنوان اعتراض به قانون « نظام اجباری » و برخی از قوانین موضوعه دیگر و باطناً مخالفت با اساس سلطنت رضا شاه . اینک اسامی برخی از علماء اصفهان از مدرسین طراز اول تا ائمه جماعت بطور فهرست ضمناً متذکر میشود که نام بسیاری از علماء که ممکن است از مجتهدین طراز اول نیز بوده باشند را چون نویسنده یقین به مهاجرت آنان نداشت ذکر ننمود . ( تعداد علماء مهاجر اصفهان قریب سیصد نفر بوده است ) :

- ۱ - آقا میرزا ابراهیم شمس آبادی
- ۲ - حاج میرزا ابراهیم نواب
- ۳ - حاج میرزا ابوالحسن نویسرکانی حسینی
- ۴ - حجة الاسلام حاج میرزا ابوالحسن بروجردی طباطبائی
- ۵ - حاج میرزا ابوالحسن صدر الاسلام نصیری
- ۶ - حاج میرزا ابوالفضل خاتون آبادی
- ۷ - حاج شیخ ابوالفضل نجفی
- ۸ - آیت الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی حسینی
- ۹ - حجة الاسلام آقا میرزا احمد مدرس حسینی
- ۱۰ - حجة الاسلام آقا شیخ احمد بیدآبادی
- ۱۱ - حاج ملا اسدالله فاضل بیدآبادی
- ۱۲ - حاج ملا اسماعیل نقنه ای
- ۱۳ - حاج آقا باقر قزوینی معروف به دردشتی

- ۱۴ - حاج سید محمد باقر میر محمد صادقی احمد آبادی حسینی
- ۱۵ - آقا میرزا محمد باقر فقیه احمد آبادی
- ۱۶ - حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی
- ۱۷ - حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی حسینی
- ۱۸ - حاج محمد باقر ابطحی سدهی حسینی
- ۱۹ - آیت الله آقا جلال الدین مسجد شاهی
- ۲۰ - آقا سید محمد باقر نحوی موسوی
- ۲۱ - حاج سید محمد جواد عاملی موسوی مسجد شاهی
- ۲۲ - حاج آقا جلال خونساری بیدآبادی
- ۲۳ - حاج سید محمد جواد خراسانی حسینی
- ۲۴ - آیت الله آخوند ملا محمد حسین فشارکی
- ۲۵ - آیت الله آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی
- ۲۶ - حاج آقا حسن خادم الشریعه موسوی
- ۲۷ - میرزا محمد رضا رشتی
- ۲۸ - حاج میرزا محمد رضا کلباسی
- ۲۹ - آیت الله حاج میر محمد صادق خاتون آبادی یزدآبادی
- ۳۰ - حاج شیخ محمد رضا جوپیاره ای صالحی
- ۳۱ - حجة الاسلام حاج سید عبدالحسین سیدالعراقین خاتون آبادی
- ۳۲ - حاج میرزا عبدالحسین مسجد شاهی نجفی
- ۳۳ - آیت الله حاج سید علی نجف آبادی حسینی
- ۳۴ - حاج شیخ علی مفید بیدآبادی
- ۳۵ - آقا شیخ علی مدرس یزدی

- ۳۶ - حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام  
 ۳۷ - حاج سید محمد علی ابطحی سدهی  
 ۳۸ - حاج سید محمد علی معین الاسلام مازندرانی موسوی  
 ۳۹ - حاج میرزا فتح الله درب امامی موسوی  
 ۴۰ - حاج ملا فرج الله دری  
 ۴۱ - آقا کمال الدین خونساری  
 ۴۲ - حاج آقا کمال الدین شریعتمدار  
 ۴۳ - آیت الله مجید العلماء نجفی  
 ۴۴ - آیت الله آقا میر سید محمد مدرس نجف آبادی موسوی  
 ۴۵ - آقا سید محمد رضوی خونساری  
 ۴۶ - آقا میر سید محمد مدرس میر محمد صادقی حسینی  
 ۴۷ - حاج آقا محمد شیخ المراقین جویبارهای  
 ۴۸ - حاج آقا مرتضی رشتی  
 ۴۹ - حاج سید مرتضی خراسانی حسینی  
 ۵۰ - آیت الله حاج شیخ مهدی نجفی  
 ۵۱ - سید محمد هادی صدر العلماء حسینی  
 ۵۲ - حاج میرزا هاشم کلباسی  
 ۵۳ - سید میرزا اردستانی حسینی

ودها عالم و امام جماعت دیگر ( قریب سیصد تن از علماء و مدرسین و ائمه جماعت ) و صدها تن طلبه و دانشجوی دینی و چند هزار نفر از کسبه و تجار و متدینین از تمام شهر و بازار بطوریکه تقریباً مدت سه ماه بازارهای اصفهان بسته و کارها تعطیل شده بود و مردم دیگر نیز با نبودن وسائل جهت رفت و آمد به قم مرتباً ما



بین این دو شهر رفت و آمد میکردند و چون تقریباً تلگراف که تنها وسیله خبری در آن روزگار بود در اختیار دولتیان و تحت نظر آنان بود و سخت کنترل و سانسور میشد مردم جهت اطلاع از وظائف و تکالیف خود مجبور بودند که بوسیله مسافرین مطمئن و مورد اعتماد طرفین عمل کنند لهذا ایاب وذهاب بین این دو شهر زیاد شده بود .

### خواسته‌های مهاجرین بقم :

پس از آنکه چندین دفعه مأمورین دولتی از نخست وزیر و وزیر دربار و غیره بقم آمدند و وعده‌ای از علماء نیز بنمایندگی مهاجرین بطهران رفتند قرار شد که تقاضاهای علماء مهاجر را کتباً بدولت ابلاغ کنند تا در باره آنها تصمیم بگیرد .

مجموعه خواسته‌های علماء ضمن شش ماده به دولت ابلاغ شد :

- ۱ - اصلاح یا تعدیل قانون نظام اجباری
  - ۲ - نظارت پنج تن از مجتهدین بر مصوبات مجلس طبق اصل دوم متمم قانون اساسی
  - ۳ - جلوگیری از کلیه امور خلاف شرع
  - ۴ - ابقاء و تثبیت محاضر شرع ( زیر نظر علماء و مجتهدین )
  - ۵ - نظارت کامل در امر مطبوعات و جلوگیری از چاپ و نشر اوراق مضره و همچنین تعطیل مدارس خارجیان
  - ۶ - تعیین يك فرد ذی صلاحیت بعنوان : ناظر شرعیات در وزارت فرهنگ جهت رسیدگی به کتب درسی و غیره .
- با توجه به مواد نامبرده روشن بینی و آتیه نگری مهاجرین که محور اصلی

خواسته‌های خود را روی فرهنگ و مدارس و روزنامه‌ها قرار داده‌اند آشکار  
میشود.

در این جا مجال آن نیست که در باره این مواد ششگانه بحث شود طالبین  
خود می‌توانند با در نظر گرفتن اوضاع آن روز و آنچه بعداً در این مملکت از  
فرهنگ استعماری و ضد دینی خاندان پهلوی ظاهر شد پی به اهمیت آن ببرند.

### مهاجرین در قم و راه اصلاح :

پس از آنکه علماء اصفهان بقم مهاجرت کردند اولین اقدام آنها برنامه ریزی  
و تعیین خط‌کشی نهضتیان بود برای این منظور و جهت هم آهنگی تمام طبقات  
واقشار ملت از علماء شهرها دعوت کردند و علماء تبریز - کاشان - شیراز - طهران  
و مشهد زودتر از دیگر شهر باین دعوت جواب مساعد داده و جمعی از معارف  
آنان بقم مهاجرت کردند.

دومین اقدام علماء مهاجر دستور تعطیل عمومی و اظهار همبستگی مردم با علماء  
بود پس از این امر به بازارهای اصفهان و شیراز بطور کلی تعطیل شده و این بسته  
بودن تقریباً سه ماه بطول انجامید.

سومین امر به علماء مهاجر پیوستن مردم شهرها به مهاجرین قم بود که آنهم  
انجام شده و چندین هزار نفر از مردم اصفهان - شیراز - طهران و دیگر شهرها  
در قم جمع گشتند.

در آثار الحجه (ص ۲۹ یکم) می‌نویسد :

چندین هزار نفر از مردم اصفهان و شهرهای دیگر بقم مهاجرت نموده  
و پشتیبانی خود را نسبت بخواسته‌های علماء اظهار میداشتند.

هر روز عده‌ای از علماء و طلاب و دیگر مردم از شهرهای دور و نزدیک بقم

رفته و اظهار موافقت ( با کلیه خواسته‌های مهاجرین ) مینمودند .

از قبرستان احدائی مرحوم حاج شیخ تا خاک فرج را مهاجرین چادر زده بودند و آمادگی خود را برای اجرای دستورات علماء و بالاحص مرحوم حاج آقا نوبتلقه زعیم مهاجرین و رئیس علماء ابراز میداشتند .

دوات وقت از این جریان و دنباله آن مضطرب و نگران بود و بهر وسیله‌ای می‌خواست جمعیت را پراکنده کند .

اندیشه دوات وقت در برابری با نهضت : گفتیم که دولتیان بطور اعم و شخص رضاخان که دو سالی بود رضا شاه شده بود بیشتر از همه از این جریان بیم داشت و برای مقابله با آن چندین راه حل بنظرشان میرسید :

۱ - گذراندن وقت به مذاکرات تا رسیدن فصل سرما . مردم اصفهان و دیگر شهرها از اواخر شهریور ماه مصادف با ربیع الاول سال ۱۳۴۶ بقم مهاجرت کرده بودند و چون محل سکونت مرتب و خوب نداشتند عموماً در زیر چادر زندگی میکردند . اگر توقف آنها یکی دو ماه و بیشتر بطول می‌انجامد فصل زمستان و سرما میرسید و دیگر این جمعیت چندین هزار نفری که همه شهری و بازاری بودند تاب و توان مقاومت در برابر سرما نداشتند و خود بخود متفرق میشدند آنوقت کار دولتیان آسان و سهل بود پراکندن چند نفر اهل علم و گرفتن زندانی کردن آنها برای عمال رضا خان خیلی ساده بود .

۲ - هزینه مهاجرین نیز موضوع قابل توجهی بود . این بار بخلاف تحصن در سفارت انگلیس جهت مشروطه خواهی که هزینه آن از جاهای دیگر تأمین شده بود باید مخارج این مهاجرت را خود مردم تکفل کنند و چون عموم طلاب و دانشجویان دینی وعده‌ای از علماء و بسیاری از کسبه و بازاریان فاقد همه‌گونه وسائل زندگی و معیشت در این سفر بودند لازم بود که مرحوم آیت الله حاج آقا

نور الله خود شخصاً متحمل این مخارج گزاف باشند و آنهم برای مدتی طولانی  
و غیر معلوم کاری بسیاری دشوار بود و دولتیان امیدوار بودند که بالاخره این وضع  
نمی‌تواند ادامه یابد و پیروزی نهائی نصیب دولتیان است .

۳ - ایجاد تفرقه و نفاق بین مهاجرین یکی دیگر از راههای بود که دولتیان  
برای انتخاب نمودند . مأمورین مخفی و آشکار در بار و دولت برخی از علماء  
را مرعوب ساخته و بر حسب آنچه گفته شده بچند تن از افراد طبقه سوم رشوه  
دادند تا از جمعیت جدا شده و به اصفهان و دیگر شهرهای خود برگردند و آنان  
نیز رسیدن فصل زمستان و نبودن وسائل زندگی در زیر چادرها را بهانه کرده  
مراجعت کردند و شکاف عمیقی در صف مهاجرین ایجاد شد .

۴ - مذاکرات اصلاحی : دولت وقت یعنی مخبر السلطنه هدایت نخست  
وزیر و تیمورتاش وزیر دربار و جم و عده‌ای دیگر از وزراء و جمعی از وکلاء هم  
از نوکران دستگاه چندین مرتبه بقم آمده و با آقایان در باب خواسته‌های آنها  
مذاکره نموده با وعده‌های پوشالی و خالی از حقیقت علماء را امیدوار ساخته  
و ظاهراً در برخی از مطالب فی الجمله موافقتی انجام گرفت لکن هنوز مطالب  
از گفته به نوشته نرسیده بود که موضوع بیماری و سرماخوردگی مرحوم حاج آقا  
نور الله نجفی پیش آمد .

دولتیان که آرزوی چنین پیش آمدی را داشتند فرصت را مغتنم شمرده  
بلافاصله عواطف ملوکانه رضا خانی را تحریک نموده دکتر امیر اعلم را از  
طهران جهت مداوای ایشان میفرستند .

بقیه این مطلب را در صفحات آینه تحت عنوان « وفات و علت فوت » مطالعه  
فرمائید .

## نتیجه ظاهری قیام ونهضت علماء اصفهان ومهاجرت بقم :

شرح داستان مهاجرین وطرز برخورد دولتیان با آنها واینان با مأمورین دوات احتیاج به رساله‌ای جداگانه دارد واجمال آن قضایا را فاضل محترم آقای آقا موسی نجفی در روزنامه رسالت بچاپ رسانیده ومجموعه مقالات را بنام «مجاهد شهید آیت الله حاج آقا نور الله نجفی» نامیده وهمچنین درسالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ در روزنامه قانون بقلم سید اسدالله رسا که ظاهراً در آن موقع جزو مهاجرین بقم بوده ضمن چند شماره مطالبی نوشته شده ، ودرموقع نوشتن این مطالب دسترسی به آن پیدا نکردیم در هر حال موضوع قابل دقت وبررسی بیشتر وکاملتری است .

دراین جا فقط متذکر می شویم که پس ازآنکه دولت سیاست مکارانه خود رابگار برد گاهی سختی وتندی وزمانی نرمی وملایمت مینمود پس از سه ماه تمهد نامه‌ای نوشت که هم خود وهم علماء مهاجر بقم میدانستند که بر آن عمل نخواهد کرد وضمن آن گفت که :

از منهیات شرعی جلوگیری می کنیم .

ما وشخص رضا شاه علاقه کاملی به اسلام وقوانین داشته وداریم .

دولت به مأمورین خود دستور خواهد داد که بر خلاف وضددیانت اسلام چیزی ومطلبی گفته ونوشته نشود وانتشار نیابد .

این تمهد نامه در تاریخ ۲۱ برج آذر ماه بامضاء نخست وزیر مهدیقلسی هدایت مخبرالسلطنه وتیمور تاش وزیر دربار ونماینده رضاخان رسید .

این تنها نتیجه ظاهری انقلاب ومهاجرت بود لکن نتیجه حقیقی این مهاجرت:

۱ - علماء اسلام چهره واقعی شاه ودولتیان را شناختند .

۲ - دولت استعمارگر انگلیس که رضا خان را روی کار آورده و بر سلطنت نشانده بود مخالف حقیقی سیاست خود را شناخت که فقط و فقط علماء و روحانیون می‌باشد بنابراین این باید آنها را سرکوب کرده و تا سرحد نیستی و اضمحلال به آنان فشار آورد .

چرا مرحوم آیت الله حائری مستقیماً در این نهضت شوکت  
نفرمود ؟

برای يك عده از افراد که با اوضاع آن زمان آشنا نیستند ممکن است که این سؤال پیش بیاید که چرا مرحوم آیت الله حائری در این نهضت مداخله نفرمود و شاید ایشان اگر به جمع علماء مهاجر و نظرات آنان می‌پیوست آنان در اقدامات خود موفق میشدند .

در جواب اینگونه افراد که همیشه کارها را يك طرفی قضاوت می‌کنند باید گفت :

۱ - مجتهدانهم مجتهد مرجع تفلید که کلیه شرایط مرجعیت در او جمع باشد در اظهار نظر در امور آزاد بوده و کسیرا حق ابراد به احکام و فتاوی او نیست در امور اجتماعی همچون امور دینی هر طور صلاح جامعه مسلمین را دانست عمل می‌کند . مجتهدی حکم به جهاد می‌دهد و دیگری در این باره سکوت مینماید و مسلماً عمل هر دو بر پایه عقل و شرع نهاده شده است .

۲ - موضوع مبارزه با فساد و ظلم و ظالم واجب کفائی است یعنی اگر کسی اقدام کرد و جواب آن از دیگران ساقط میشود . دفع ظلم و بدعت‌هایی که رضا خان و دار و دسته‌اش از وزراء و وکلای و روزنامه نویسان شروع کرده بودند بر همه مسلمانها بالاخص علماء اسلام واجب و لازم بود اما وقتی که مهاجرین از علماء

اصفهان و دیگر شهرها اقدام کردند لازم بنظر نمیرسید که دیگران شرکت کنند (البته هیچ يك از علماء ایران و عراق و بالخصوص مراجع بزرگوار با این اقدام مخالف نبودند).

۳ - مرحوم آیت الله حائری پس از سالها رنج و کوشش موفق شده بود که حوزه علمیه قم را تشکیل داده و بهر نوع و کیفیت در حفظ و بقای او می کوشید. مرحوم آیت الله حائری مانند دیگر مجتهدین و عقلاء ملت میدانستند که هدف استعمار خارجی که عامل داخلی آن رضا خان و دار و دسته او می باشد اسلام است آنها قصد نابودی اسلام و قرآن را دارند و علماء را سد راه خود میدادند بنابراین برای رسیدن به مقصود از هیچ کشش و کوششی در از بین بردن علماء از قتل و حبس و تبعید و شکنجه خود داری نمی کنند.

مرحوم آیت الله حائری میدانست که با شرکت مستقیم او در این نهضت حوزه علمیه قم نابود خواهد شد و این موضوع قابل جبران نیست بنابراین ظاهراً سکوت فرمود و هیچگونه اظهار نظر نفعاً و اثباتاً ننمود.

۴ - مرحومین آیتین حجّین حائری و ثقة الاسلام نجفی بایک هدف و منظور اما در دو طرز فکر و اندیشه رفتار میکردند.

هر دو بخاطر اسلام و قرآن و حفظ دینت جانفشانی میکردند اما :

الف - مرحوم حاج شیخ نور الله اضاع روز را در نظر داشت و اصلاح آنرا میخواست.

ب - مرحوم آیت الله حائری آنیه مردم مسلمان و مملکت اسلامی ایران را او میدانست که سیاست استعماری بیگانه قدرت روحانیت را خواهد شکست و علماء را خانه نشین می کند اما ملت مسلمان ایران در سالهای آینده و بعد احتیاج به عالم مجتهد و فقیه و واعظ دارد که باید در حوزه علمیه قم و دیگر شهرها تربیت شوند

و با شرکت مستقیم ایشان بهانه بدست دشمن غدار افتاده و در محو و اضمحلال حوزه قم و دیگر شهرها خواهد کوشید بطوریکه پیش بینی ایشان نسبت به حوزه‌های شهرها کاملاً انجام گردید لکن حوزه قم بخواست خداوند و نظر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با همه مشکلاتی در راه خود در زمان رضا خان و پسرش داشت روز بروز رونق بیشتر یافته و امروز مهمترین پایگاه علمی شیعه در تمام عالم اسلام بشمار میرود .

ه - ادله دیگری نیز میتوان برای نظریه مرحوم آیت الله حائری بیان داشت از قبل اهم و مهم که مبارزه با رضا خان مهم است لکن حفظ حوزه از آن مهمتر.

شرح حال اجمالی مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم یزدی حائری قمی علیه الرحمة والرضوان :

مرحوم آیت الله حائری فرزند آقا محمد جعفر مهرجردی میبیدی یزدی از اعظام علماء و اکابر فقهاء و مجتهدین و از خدمتگزاران واقعی اسلام و مسلمین و بنیان گذار و مؤسس حوزه مقدسه علمیه قم می باشد که در سال ۱۲۷۶ قمری در مهرجرد متولد و مقدمات علوم و سطوح را در موالد خود واردکان و یزد از اساتید آن شهرها فرا گرفته سپس جهت تکمیل آنها به نجف اشرف و سامراء مهاجرت فرموده و از اساتید بزرگ و مراجع معروف بهره های علمی یافته سپس مدتی در کربلا ساکن و بدرس و مباحثه اشتغال جسته و از مجتهدین معروف و صاحب نظر آن شهر مقدس بشمار آمده بطوریکه مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی مسائل احتیاطی خود را بایشان رجوع داده و مقلدین خود را امر به اطاعت از نظریات ایشان فرموده سپس در اواخر سال ۱۳۳۲ و بروز جنگ بیسن الملل و مشکلات داخلی مملکت عراق به ایران مهاجرت فرموده و در این سفر بسا رفیق و دوست



و مصاحب و هم مباحثه خود مرحوم شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی همراه بوده و ایشان در اوایل سال ۱۳۳۳ بنا بدعوت مرحوم حاج سید اسماعیل عراقی فرزند مرحوم حاج آقا محسن عراقی بسدان شهر وارد و ساکن گردید و مرحوم آقا شیخ محمد رضا به اصفهان وارد شد .

اساتید مرحوم حائری: اساتید مرحوم حائری در اردکان و یزد و سامراء و نجف بر حسب حروف تهجی تا آنجا که اطلاع داریم از اینقرار می باشند :

۱ - مرحوم آقا میرزا ابراهیم محلاتی ۲ - میرزا محمد تقی شیرازی ( میرزای شیرازی دوم ) ۳ - میرزا محمد حسن حسینی شیرازی ( میرزای شیرازی اول - میرزای مجدد ) ۴ - حاج میرزا حسین نوری شیخ روایت ۵ - حاج میرزا سید حسین واثق در یزد ۶ - حاج شیخ فضل الله شهید نوری در سامراء ۷ - آخوند ملا کاظم خراسانی در نجف ۸ - مرحوم آقا سید کاظم یزدی در نجف ۹ - مجدد العلماء اردکانی در اردکان ۱۰ - آقا سید محمد فشارکی اصفهانی در سامراء و نجف و در این حوزه درس با مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی آشنا و رفیق و هم مباحثه گردیده و این دوستی و صداقت تا آخرین روزهای حیات آن دو ادامه داشت . بطوریکه مرحوم حائری در سال ۱۳۴۶ که علماء اصفهان و دیگر شهرها بقم مهاجرت کردند مرحوم حائری از مرحوم آقا رضا مسجد شاهی بسیار تجلیل و تکریم نموده و فضلاء حوزه درس خود را بشرکت در جلسات درس آن مرحوم تشویق و ترغیب می فرموده است ۱۱ - مرحوم حاج سید یحیی کبیر یزدی در یزد رحمة الله علیهم اجمعین در کتاب رجال قم ( ص ۱۲۹ ستون دوم ) در ضمن شرح حال مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری علماء زیر را نیز جزو اساتید مرحوم ذکر می کند :

۱۲ - میر سید حسین میرزا در یزد ۱۳ - میر سید علی مدرس یزدی در یزد

۱۴ - مرحوم آقا شیخ علی بفروئی یزدی در اعیان مقدسه عراق علیهم السلام .  
ورود به اراک و تشکیل حوزه علمیه : مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری  
( بمناسبت آنکه چندین سال در کربلا مجاور و بتربیت طلاب و رسیدگی بکارهای  
علمی دانشجویان رسیدگی میفرموده به حائری شهرت یافته است ) پس از ورود  
به شهر اراک ( سلطان آباد - عراق ) به تشکیل حوزه علمیه پرداخته و در اثر سعی  
و مجاهدات ایشان قریب سیصد نفر طلبه و دانشجوی علوم دینی در پیرامون ایشان  
و سایر فضلاء این حوزه جدید گردآمده و بدرس و بحث و افاده و افاضه اشتغال  
جستند و توجه عموم اهل علم و فضلاء باین شهر روز افزون شده و شهر اراک  
کعبه آمال علماء گردید .

مهاجرت بقم و تشکیل حوزه علمیه قم : مرحوم حائری در ماه رجب سال  
۱۳۴۲ بقصد زیارت بقم مشرف شدند و در این سفر در اثر اصرار علماء این شهر  
و موافقت استخاره عازم بتوقف در آن شده و از آن تاریخ تا هنگام وفات در این شهر  
ساکن و با همه مشکلات و سختی ها که دولت و دولتیان برای ایشان بطور خصوص  
و جهت عموم اهل علم فراهم میکردند مقاومت نموده و بخواست خداوند قادر  
متعال و توجهات مخصوصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف  
حوزه مقدسه را بنیاد نهاده و از آنروز تا کنون که قریب هفتاد سال میگذرد ودهها  
باکه صدها مجتهد جامع الشرایط و نویسنده مبارز و خطیب و گوینده از این پایگاه  
علمی خارج شده اند . خداوند به همه آنها توفیق خدمت ببه اسلام و مسلمین  
عنایت فرماید بمنه و کرمه .

آثار علمی مرحوم حائری : کتابهای زیر از آثار مرحوم حائری که برخی از  
آنها بچاپ رسیده است :

۱ - تقریرات درس مرحوم آقا سید محمد فشارکی در اصول فقه .

۲ - در الفوائد در اصول مطبوع ( در الاصول نیز نامیده شده ) تقریرات  
بحث مرحوم آقا سید محمد فشارکی است ( ص ۱۱۸ هشتم الذریعه ) ۳ - کتاب  
الرضاع ۴ - کتاب الصلوة مطبوع ۵ - کتاب الموارث ۶ - کتاب النکاح ۷ - مجمع  
الاحکام رساله عملیه فارسی مطبوع .

آثار اجتماعی مرحوم حائری : مرحوم حائری در مدت اقامت خود در شهر  
قم منشأ خدمات زیادی بوده از آنجمله :

۱ - تأسیس بیمارستان سهامیه و فاطمیه - قم ۲ - تعمیرات مدارس قدیمه قم  
( مدرسه دارالشفاء - مدرسه فیضیه ) ۳ - تأسیس کتابخانه جهت مدرسه فیضیه  
قم ۴ - بنای سد رودخانه قم ۵ - ایجاد قبرستان جدید قم ۶ - ساختن غسالخانه  
۷ - محله مبارک آباد جهت سیل زدگان ۸ - دارالایتام و غیره .

مهمترین اثر اجتماعی مرحوم حائری که انشاء الله الرحمن بخواست خداوند  
رؤوف مهربان و توجهات حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تا  
هنگام ظهور آن بزرگوار باقی و برقرار خواهد ماند و روز بروز بر اهمیت و ارزش  
واقعی آن افزوده میشود تشکیل حوزه علمیه قم می باشد . اهمیت آن از واضحات  
و بدیهیات بوده و نیازی بشرح و بیان ندارد و همچنین تربیت کردن صدها مجتهد  
و قریب الاجتهاد و متجزی از آثار اجتماعی آن مرحوم می باشد .

وفات مرحوم حائری : مرحوم حاج شیخ عبدالکریم در طول ریاست  
وزعامت خود صدمات روحی بسیاری تحمل کرد و در برابر همه آنها مقاومت نمود  
لکن روز بروز از قوای جسمانی او کاسته شده و ضعف و ناتوانی بر او چیره شد  
تا سر انجام در شب شنبه ۱۷ ذی القعدة الحرام سال ۱۳۵۵ وفات یافته و در محل  
تدریس آن بزرگوار که به قبة العلماء معروف بود و اکنون جزو مسجد بالاسر  
مبارک از حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها قرار گرفته مدفون گردید .

اسامی برخی از مدفونین درقبةالعلماء واطراف مرقد شریف مرحوم حائری :  
اینک برای آگهی خوانندگان محترم بذکر اسامی عده‌ای از علماء مدفون درحوالی  
قبر آن مرحوم بدون ذکر القاب علمی وشرح حال مبادرت می کنیم :  
۱ - مرحوم آفاشیخ ابوالقاسم بن محمد تقی قمی معروف به کبیر ( ۱۲۸۱ -  
( ۱۳۵۳ )

۲ - مرحوم آفا سید احمد لواسانی

۳ - مرحوم آفا سید احمد عراقی فرزند مرحوم حاج سید محسن ) -  
( ۱۳۵۶ )

۴ - آیت الله العظمی حاج سید احمد خونساری فرزند سید یوسف  
( ۱۳۰۹ - )

۵ - مرحوم حاج سید محمد باقر قزوینی ( - ۱۳۶۴ )

۶ - حاج شیخ محمد تقی بهبهانی ( - ۱۳۶۰ )

۷ - حاج شیخ محمد تقی بن حاج محمد باقر باقی ( ۱۲۹۲ - ۱۳۶۵ )

۸ - آیت الله العظمی حاج سید محمد تقی بن اسدالله موسوی خوانساری  
( ۱۳۰۶ - ۱۳۷۱ )

۹ - میرزا محمد تقی اشراقی بن حاج میرزا محمد ارباب ( - ۱۳۶۸ )

۱۰ مرحوم حاج شیخ محمد حسن طالقانی

۱۱ - مرحوم آفا سید حسن بن عبد الله برقی قمی ( ۱۳۰۶ - )

۱۲ - مرحوم حاج سید حسین کوچه حرمی ( - ۱۳۵۷ )

۱۳ - حاج سید حسین شوشتری ( - ۱۳۶۲ )

۱۴ - مرحوم حاج سید محمد حسین علامه طباطبائی

۱۵ - حاج میرزا رضی قبریزی

- ۱۶ - مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند خرم آبادی
- ۱۷ - آقا سید صادق بهبهانی ( ۱۳۶۴ - )
- ۱۸ - آیت الله آقا سید صدرالدین صدر ( ۱۲۹۹ - ۱۳۷۳ )
- ۱۹ - مرحوم آقا شیخ عباس طهرانی ( ۱۳۰۹ - )
- ۲۰ - مرحوم شیخ عبد الجواد صافی
- ۲۱ - ملا عبد الله ( ۱۳۵۷ - )
- ۲۲ - آیت الله حاج شیخ عبد النبي عراقی ( ۱۳۰۸ - )
- ۲۳ - آقا شیخ محمد علی حائری قمی ( ۱۲۹۹ - ۱۳۵۸ )
- ۲۴ - شیخ صیسی لواسانی ( ۱۳۶۴ - )
- ۲۵ - سید فخرالدین بن سید ابوالقاسم شیخ لاسلام قمی سبط میرزای قمی  
( ۱۳۶۲ - )
- ۲۶ - مرحوم حاج شیخ محمد بن آیت الله شیخ زین العابدین ملازندران  
( ۱۳۵۰ - )
- ۲۷ - مرحوم آقا سید محمد بن سید عبد الله برقمی ( ۱۳۵۰ - )
- ۲۸ - حاج میرزا محمود اصولی تبریزی
- ۲۹ - حاج شیخ مرتضی حائری یزدی
- ۳۰ - حاج شیخ مرتضی مطهری
- ۳۱ - مرحوم آقا شیخ مهدی بن علی اکبر حکیم پائین شهری ( ۱۲۸۰ )  
( ۱۳۶۰ - )
- ۳۲ - حاج میرزا مهدی بروجردی
- ۳۳ - حاج سید مهدی بن ریحان الله کشفی بروجردی طهرانی  
وده‌ها تن از علماء دیگر

### مقبره سه نفر از پادشاهان صفویه :

یکی از مقابری که تا سالهای اخیر در قسم در قسمت جنوبی دار السیاده و شرقی بقعة العلماء ( جنوب شرقی بقعة العلماء ) وجود داشت در تعمیرات اخیر از بین رفت و جزو مسجد بالاسر گردیده مقبره سه نفر از پادشاهان صفوی بشرح زیر بود :

۱ - شاه سلیمان ( ۱۰۷۷ - ۱۱۰۶ )

۲ - شاه سلطان حسین ( ۱۱۰۶ - ۱۱۳۵ )

۳ - شاه طهماسب دوم ( ۱۱۳۵ - ۱۱۴۵ )

شرح بقعه و آثار آن بعلت آنکه فعلا خراب شده است نیازی بشرح و بیان ندارد و اکنون اثری از مقبره و قبور واقعه در آن نیست .

مقبره دو تن از سلاطین قاجاریه : دو نفر از پادشاهان قاجاریه نیز در رواق مطهر حضرت مصومه سلام الله علیها مدفون می باشند باین شرح :

۱ - فتحعلیشاه ( ۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ )

۲ - محمد شاه ( ۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ) قبر او در بقعه جنب راهرو و کرباس

مسجد بالاسر واقع است .

شرح این دو مقبره و دیگر مقابر را در کتب تاریخی مربوط به قم و آستانه مبارکه بخوانید و چون فعلا همه این قبور از بین رفته است بیشتر از این درباره آنها مطلبی نمی نویسیم .

### امتیازات مرحوم حاج آقا نور الله نجفی:

گفتیم که مرحوم حاج آقا نور الله پس از مسافرت از عتبات و ورود بایران

بعنوان : رئیس العلماء و یا رئیس حوزه علمیه اصفهان شناخته شد و تا آخر عمر با همین عنوان و شهرت در کمال عزت و قدرت زندگی نمود اینک بطور فهرست برخی از امتیازات آن مرحوم را ذکر می کنیم :

۱ - از جنبه فردی مرحوم حاج آقا نور الله بطوریکه در شرح حال او نوشته اند و عموم معاصرین در آن متفق القولند فردی بوده است :  
انقلابی - آزادیخواه - بلند همت - بی باک - سیاستمدار و سیاست باز - روشنفکر - شجاع و متهور - صاحب نفوذ و قدرت - طرفدار ضعیفان و پست و پناه مردم - دارای هوش و ذکاوت بسیار و صاحب ذهن و حافظه بسیار قوی - نیک نفس - دارای سری پر شور و خستگی ناپذیر - متمول و ثروتمند دقیقه ای از کار و کوشش آرام نداشته - به جان و مال و ناموس مردم طمع نداشته و تجاوز نمی کرده - تنگ چشم نبوده - ریاکار و عوام فریب نبوده و بالاخره خوشی و سعادت و شادکامی عموم را طالب بوده و در راه وصول بدان متحمل هزاران گونه رنج و زحمت شده است . ( ماخوذ از کتاب نسب نامه الفت و کتب مرحوم انصاری و اطلاعات خارجی ) .

۲ - از جنبه خانوادگی مرحوم حاج آقا نور الله همانگونه که قبلاً گفته شد با بسیاری از خاندانهای علمی بستگی نسبی و یاسیبی داشته از آن جمله : خاندان صدر - خاندان کاشف الغطاء - شیخ الاسلام - سید حجة الاسلام و جویبارهایها ( اولاد مولی صالح جویبارهای ) و بالاخره خاندان آقا میرزا زین العابدین خونساری و غیره و همچنین بسیاری از خانواده های تجار معروف و بزرگان و معاریف اصفهان نیز با خانواده آن مرحوم نسبت داشتند و همین بستگی ها و انتسابات بیشتر موجب پیشرفت مقاصد آن مرحوم بود .

۳ - از جنبه موقعیت اجتماعی مرحوم ثقه الاسلام نجفی مجتهدی متمکن

ومالدار بود و ثروت خود را قسمتی صرف امور طلاب و دانشجویان علوم دینی میفرمود و جمعی از علماء اصفهان از ایشان حقوق ماهیانه دریافت میکردند و از اینرو هیئت علمیه اصفهان که از مدرسین اصفهان و طلاب تشکیل یافته بود عموماً جیره خوار سفره انعام و اکرام او بودند و محبت‌های او رایبترین راه جبران میکردند و هیچ وقت راهی بخلاف راه او نمیرفتند .

در مسجد نوبازار که از نظر موقعیت در وسط بازار قرار گرفته امامت و پیشوائی داشت و جمع کثیری از مؤمنین و مقدسین بنماز او حاضر میشدند و در برخی از روزها و تمام ایام ماه مبارک رمضان پس از اقامه جماعت به منبر میرفت و با بیانات شافیه مردم را موعظه و ارشاد و هدایت میفرمود و بیشتر راجع به آزادی و مشروطیت و مفاسد استبداد سخن میگفت و چون گفتار او با آیات و احادیث و همچنین با داستانها و حکایات توأم بود همه طبقات شیفته و فریفته بیانات او و مسحور سخنانش بودند و همین حسن بیان او یکی از مؤثرترین عوامل پیشرفت مقاصد ضد استبدادی و استعماری آن مرحوم بود .

ع - بالاخره آنچه بیشتر از همه خصوصیات مرحوم حاج آقا نور الله قابل توجه و بررسی است مبارزات مستمر و مداوم چهل ساله او در کنار برادر و مستقیماً علیه استعمار خارجی در تمام ابعاد : اقتصادی ، سیاسی - فرهنگی و نظامی با دودولت مقتدر و طماع انگلیس و روس و همچنین مبارزات آن مرحوم علیه استبداد داخلی حکام مستبد و خود سر از ظل السلطان تا صمصام السلطنه بختیاری که خود ویرا باین جایگاه نشانده بود .

اینها و بسیاری از مطالب دیگر چیزهایی است که مرحوم حاج آقا نور الله را بر عموم علماء هم زمان که شاید عده‌ای از آنها از حیث مقام علمی بر وی برتری داشتند مقدم ساخته بود و همه علماء اصفهان و دیگر شهرهای ایران ویرا



بهمین عنوان یعنی: رئیس العلماء وقائدهضت علیه دستگاه قبول نموده دستور آتش را بدون چون و چرا پذیرفتند .

### فضائل وملکات نفسانی مرحوم حاج آقا نور الله :

آنچه مسلم است آنکه تا در انسانی مجموعه‌ای از فضائل ومحامد جمع نشود وی محبوبیت ومقبولیت عام نخواهد یافت . در بین علماء بزرگوار علم وتقوا به تنهایی نمیتواند سبب شهرت ومرجعیت شود يك فرد سیاستمدار علاوه بر آشنا بودن به اصول ورموز سیاست وآگاهی از اوضاع دنیا چیزهای دیگری میخواهد تا فرد سیاس شناخته شود از اینرو گفته‌اند : هزارش نکته می‌باید بغیر از حسن وزیباتی .

اینک برخی از صفات و اخلاق مرحوم حاج آقا نور الله نجفی :

۱ - مرحوم حاج شیخ نور الله در حسن معاشرت با خودی و بیگانه وغریبه وآشنا ممتاز بوده با همه افراد باچهره گشاده برخورد نموده وبا حسن بیان ولطیفه گوئی فردی ممتاز بوده است .

۲ - نسبت بهمه افراد حسن ظن داشته وهیچ کس را بدون دلیل وبرهان بد نمی‌شناخته مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۹۷ پاورقی ) در این باره می‌نویسد :

هر قدر دوستان بدلسوزی می‌گفتند این ماری خوش خط وخال است بگرد پای اهل علم پاسخ میداد نه چنین است بلکه دسته گلهای رنگارنگ است .

۳ - عالمی متواضع وفروتن بود نسبت بهمه افراد بخصوص اهل علم تواضع میکرد از فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که میفرماید:

کافی بالتواضع رفته . برای سر بلندی و رفعت مقام داشتن صفت تواضع و فروتنی کافی است .

۴ - در صبر و حاکم و گذشت بی نظیر بود در برابر کسانی که نسبت به او بد می گفتند خشمگین نمیشد و ناملازمات زندگانی را تحمل میکرد و از همه کسانی که نسبت به او بدی میکردند می گذشت و خطای آنان را نادیده می گرفت .

۵ - فردی با حیا و محتجب بود هیچگاه از او حرفی خلاف قاعده انصاف و مروت و مردانگی شنیده نشد .

۶ - مکار و حيله گر نبود

۷ - کسی را تکفیر و تفسیق نمی کرد

۸ - از صفات ممتازه او صله رحم او بوده بطوریکه معتمدی از خاندان نجفی نقل فرمود مرحوم حاج آقا نور الله از املاک موروثی و یا ایتاعی خود بعموم ارحام فقیر خود مقداری صلح نموده بود و همچنین اموال و املاک خود را جهت مصارف معینی که یکی از آن کمک به ارحام می باشد وقف نموده است . مرحوم الفت می نویسد : تا کنون آنچه تاکنون باید و شاید به این موقوفه عمل نشده است اینها و ده صفت حمیده دیگر از اخلاق آن مرحوم بوده است .

نقاط ضعف مرحوم حاج آقا نور الله نجفی :

غیر از ذوات مقدسه حضرات معصومین علیهم السلام که مجموعه مکارم و اخلاق و کمالات و خالی از هر گونه عیب و نقص بوده اند دیگر افراد بشر بر حسب موقعیت اجتماعی و شخصیت خود دارای عیوب و نواقصی میباشند که لازمه بشر بودن آنانست .

از جمله فرمایشات بزرگانست که : حسنات الابرار سیئات المقربین خوبیهای نیکان نسبت به مقربین در گاه حضرت احدیت جل و علا از بدیها شمرده میشود

یعنی خوبی و بدی و حسن و قبح علاوه بر آنکه خود درجانی دارد نسبت به افراد مختلف نیز متفاوت می باشد ممکن است صفتی در کسی از محسنات او شمرده شود و همان صفت در دیگری زشت و نکوهیده باشد .

می گویند : کفی المرء نبلا ان تعد معايبه . در بزرگی و بزرگواری شخص همینقدر کافی است که عیوب او قابل شمارش باشد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۲۹۸ پاورقی ) ضمن وقایع سال ۱۳۴۶ فوت مرحوم حاج شیخ نورالله در باره او می نویسد :

آقای حاج شیخ نورالله دارای خصلتی خوب و خصلتی نامطلوب بود ... . اینک نقاط ضعف آن مرحوم بعقیده مرحوم انصاری :

۱ - در سخاوت

۲ - صرف اوقات را بتدریس

۳ - رسیدگی حال ارباب حاجات کوتاه می آمد

۴ - بیشتر اوقات را خوش داشت با زنان بگذراند

۵ - سیاستش همه حب ریاست بود و پیشرفت اندیشه خود

۶ - مقید به نیک و بد در سرانجام امر نبود

۷ - با آنکه فرزند نداشت به جمع اموال آزمند بود

۸ - نیازمندان را نژند میگذاشت .

اینها مطالبی است که مرحوم انصاری می نویسد و در بسیاری از آنها ایراد

وگفتگو است .

ارتباط مرحوم انصاری با آقایان مسجد شاه و بخصوص حاج آقا نورالله نجفی علیه الرحمه :

نویسنده در این کتاب به کتابهای مرحوم انصاری ( ۱ - آگهی شهان از کار

جهان ۲ - تاریخ اصفهان نصف جهان ۳ - تاریخ اصفهان وری ۴ - تاریخ رجال اصفهان جلد سوم (تاریخ اصفهان) زیاد مراجعه نموده و مطالب بسیاری از آن مرد دانشمند و نویسنده محقق و متتبع نقل نموده است و قول او را سند و محقق و ثابت دانسته است. اینک لازم است که ارتباط آن مرحوم را با علماء مسجد شاه نیز از قول خود او نقل کنیم.

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۴۸ قسمت پاروقی) در ضمن وقایع سال ۱۳۲۴ و ابتدای کار مشروطه خواهان و اقدامات مرحوم ثقة الاسلام نجفی در اصفهان می نویسد:

اتفاقاً شش ماهی بود بنده (یعنی آقای انصاری) کالمستجیر من الرمضاء بالنار (مانند کسیکه از شدت گرما به آتش پناه ببرد) با ترسهای وارده ناچار خود را به آقایان مسجد شاه داده که آقایان من دیوانه را خواستند و مراسلات بعراق - عرب و هند و اسلامبول و بلاد ایران و اوراق انتخابات را همه خطی که چون مطبوعه نبود و نوشتجات انجمن ولایتی و تشخیص مالیاتهای دهات و غیره را از طرف آقایان مسجد شاه و انجمن با جبار و اصرار بعهد بنده گذاردند بنده از ظلم اتباع ظل السلطان و... ناچار بودم تمکین نمایم.

همچنین وی در کتاب: آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۱۹ سوم) ضمن وقایع سال ۱۳۲۴ می نویسد:

اقدامات مجدانه حاج شیخ نور الله و الزام بنده از شدت هجوم اعدای به مصاحبت او و بیرون آمدن روزی سیصد ورقه انتخابات خطی و شبی پنجاه مراسله مبسوطه از قول علماء به نجف و طهران و تبریز از قلم بنده بتأسیس مشروطیت اسلامی و ایرانی نه تقلید قوانین اروپائی...

از این بیان و سایر نوشتههای مرحوم انصاری میزان عقیده و ایمان او:

۱ - نسبت به مشروطه

۲ - نسبت به علماء مشروطه خواه

۳ - نسبت به آقایان مسجد شاه و بالاخص مرحوم حاج آقا نور الله

۴ - وابستگی او به ظل السطان وعلاقه قلبی او به این حاکم ظاهر است بنا بر این آنچه از معایب و نواقص و وابستگی ها می نویسد احتیاج به شاهد و دلیل دارد و آنچه از محاسن و فضائل و کمالات نوشته است : الفضل ما شهدت به الاعداء .

### حاج آقا نورالله و شعر :

مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله علاوه بر مقام فقاہت و اجتهاد در شعر و ادب نیز وارد بوده و بفارسی و عربی در کمال سلامت و روانی شعر میسروده است .

از نمونه اشعار فارسی ایشان فقط دو فرد شعر در مساده تاریخ بنای مسجد رکن الملك در تخت فولاد از ایشان باقی مانده است که بر قدرت و تسلط ایشان در شعر فارسی و فن ماده تاریخ سرائی دلالت دارد .  
ماده تاریخ زیر بر ستون سنگی زیر گنبد مسجد رکن الملك حجاری شده است :

چون زرکن الملك والدين آن سليمان دوم

شد بنای مسجد اقصی هدی للمتقين

سر برون آورد نور و بهر تاریخش سرود

« از سلیمان شد بنای مسجد اقصی متین »

۱۳۲۴ مساری ۵۰ - ۱۳۷۴

تذکره: ماده تاریخ بنای مسجد که خود مرحوم رکن الملك متخلص به خلف

سروده و همچنین ماده تاریخ دیگری از گوینده‌ای ناشناس سروده‌اند سال ۱۳۲۲  
و ماده تاریخ سروده شده بوسیله سید عبد الوهاب مستشار دفتر متخلص به مرشد  
سال ۱۳۲۳ و ماده تاریخ گفته شده بوسیله ادیب سال ۱۳۱۸ را میرساند و معلوم  
میشود که گویندگان بیشتر توجه به حدود سال اتمام بنا و زیبایی ماده تاریخ داشته‌اند.

تخلص مرحوم ثقة الاسلام در اشعار فارسی ( نور ) بوده است .

برای آگاهی بیشتر از ساختمان مسجد مزبور و کتیبه‌های نامبرده به کتاب  
گرانقدر : گنجینه آثار تاریخی اصفهان ( صفحه ۵۴۹ ) مراجعه شود .  
و اما از اشعار عربی ایشان :

۱ - مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی در کتاب : الانهار ( صفحه ۲۹ ) پس  
از نقل فوت برادر خود مرحوم آقا حسین در روز ۱۹ محرم سال ۱۳۱۸ بسن هیجده  
سالگی می‌نویسد :

ولما توفى ذلك الطفل رثاه عمى ناصر الملة والدين ثقه الاسلام والمسلمين  
الحاج شيخ نور الله بهذه القطعة :

حفروا لجسمك فى الثرى قبراً وما	شعروا بما لك فى القلوب قبور
ما كنت احسب قبل حطك فى الثرى	ان النجوم لفى التراب نغور
ان غبت عن عيني القريحة ان لى	قلباً بذكرك لا يزال تغور
من سر بهدك فليسر فان لى	قلباً أبى أن يعتربه سرور
قد حاصنته الغانيات فما	عشته الليل الا حاصنته الحور
قد كان بدرأ يستضاء بنوره	لو كان بدرأ فى النهار ينير
فالعين بعدك ارمد والليل	منك مسهد والدمع فيك غزير
ما كنت احسب قبل ان افجى	به ان الزمان مع الكرام بهجور

۲ - مرحوم حاج آقا نوو الله در آخر رساله‌ای که در شرح حال برادر خود

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین نجفی صاحب تفسیر قرآن مرقوم فرموده  
و در آخر تفسیر نامبرده بچاپ رسیده است و در پایان همین فصل نیز خواهد آمد .

بوخی از نکات و یا وقایع قابل ذکر از زندگانی مرحوم حاج آقا

نور الله مسجد شاهی :

در خانمه احوالات مرحوم حاج شیخ نور الله مناسب بنظر رسید که چند  
موضوع دیگر نقل شود :

۱ - ظل السلطان از بستگان آقایان مسجد شاه ملاحظه داشت .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۲۴ پاورقی ) ضمن وقایع  
سال ۱۴۱۳ می نویسد : مستأجر آقای حاج آقا نور الله کدخدای قریه کوجان ملکی  
ظل السلطان را گرفته و زدوبی حرمتی کرد و ظل السلطان در مقام برنیامد که او را  
مجازات کند زیرا که از آقایان مسجد شاه ملاحظه داشت ( و باطناً میترسید ) .

۲ - خرابی قلعه تبرک ( تبرک ) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری  
( ص ۳۲۱ پاورقی ) می نویسد : بوسیله آقای حاج شیخ نور الله شیخ العراقرین  
( شیخ حسن عرب ) که یکی از رجال الغیب حاشیه مقوم میرزا نظام بود بر قلعه  
تبره که صد و بیست هزار متر در بنیان داشت و پناهگاه سلاطین بود و مخزن اسلحه  
و جواهرات است انداخت و . . .

موضوع قلعه تبرک ( طبرک ) خسود داستانی مفصل است و تاریخچه آن از  
زمان احداث تا موقع نابودی بوسیله شیخ العراقرین کاشفی خود احتیاج به  
رساله ای جداگانه دارد .

۳ - بیماری مرحوم حاج شیخ نور الله : در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۳۵  
پاورقی ) می نویسد : ضمن وقایع سال ۱۴۱۸ مشرف بر موت شدن حاج شیخ

نور الله از انحام مجرای بول و بگار نرفتن میل و تصمیم بر شق آت گه مهات بود و عجز آقای حاج شیخ محمد علی که بك میل دیگر بزند و زدن میل و شفا یافتن .

تنبیه و تذکر : مرحوم انصاری در کتابهای تاریخی خود ( ص ۱۱۴ سوم آگهی شهان و ص ۲۳۵ تاریخ اصفهان وری ) ضمن وقایع سال ۱۳۱۸ می نویسد:

فوت هفت تن از علماء بزرگ اصفهان

۱ - نفة الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی که در شرع سیاسی بی نظیر بود

۲ - آقای حاج میرزا بدیع که در علم و زهد و اخلاق و گوشه گیری مقامی

رفیع داشت

۳ - حاج سید مهدی کرمانی

۴ - حاج میرزا زین العابدین امام مسجد صفا

۵ - آقای آقا سید محمد رضا

۶ - حاج میرزا عبدالرزاق رشتی که نظر بعلم و ثروت زیاده لیاقت تعالی

داشت

۷ - اعلم علمای عصر آقای آقا میرزا محمد هاشم چهار سوئی .

و از اعیان و دولتیان :

حاج میرزا علی نقی مستوفی انصاری .

برای آگهی از حالات علماء هفتگانه فوق الذکر طالبین بکتاب : دانشمندان

و بزرگان اصفهان و دیگر کتب مربوطه مراجعه فرمایند .

۸ - مسافرت شاهزاده ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس به اصفهان در سال

۱۳۲۰ : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۳۸ پاورقی ) و همچنین در



کتاب آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۱۵ سوم) ضمن وقایع سال مزبور می‌نویسد :

آمدن شیخ رئیس قاجار باصفهان و جمع هوس پیشگان سست اندیشه‌گرد  
شمع بیان و سجع سخنانش که بسمع مردم چشم بسته داپسند آمد اما بنظر اهل  
نظر اهمیتی نداشت .

در تاریخ اصفهان وری می‌نویسد : آمدن شیخ رئیس باصفهان با پنداری  
فراوان منزل جواد صراف ( متهم به بهائیت ) و جمع پشه‌های سست پیشه‌گرد شمع  
بیان و سجع بی بنیانش که بچشم و گوش مردم چشم بسته خوشتر از دیدار حبیب  
و نوای عندلیب آمده اما بنظر مردم دور اندیش برای اصحاب ابن مقفع مضامینی  
مرقع طی الفاظ مسجع بیش نبود .

علمای سیاسی مسجد شاه دسته طلابی را نزد ظل السلطان که در نهان با آقایان  
مواضعه داشت فرستاده تا عذر او را خواسته روانه طهران شد .

شیخ رئیس برای آقای نجفی پیغام داد : « ذکر تنی فی الحجاز و نسبتی  
فی العراق فما عدا مما بدا » .

مرحوم انصاری ورود شیخ رئیس قاجار را به اصفهان در سال ۱۳۲۰ در  
کتاب تاریخی دیگرش : اصفهان نصف جهان و همه جهان یا جلد اول تاریخ  
اصفهان ( ص ۱۸۰ ) نیز بطور اجمال یاد آور شده است .

دیدار شیخ رئیس قاجار از مرحوم آخوندگزی :

در بین علمای اصفهان در آن عصر مرحوم آقا شیخ عبد الکریم گزی که خود  
عالمی جلیل و فقیهی بزرگوار و در علم و عمل و زهد و تقوی و رسیدگی به امور  
مردم و قضاوت و فتوی مورد وثوق و قبول کلیه طبقات بود و در حسن معاشرت نیز  
بی نظیر می‌نمود شیخ رئیس قاجار تصمیم گرفت که با ایشان ملاقات و دیدار

کند ( هیچ يك از علماء اصفهان در طبقات مختلف شیخ الرئیس را نپذیرفته بودند و بدیدارش نرفته بودند) بوسیله جمعی از محترمین با مرحوم آیت الله گزی روز پنج شنبه قبل از ظهری را در مدرسه نیم آورد و عده ملاقات نهادند .

یکی از تجار محترم و معتمد اصفهان برای من نقل کرد که :

۱ - روز پنج شنبه را از آن جهت اختیار کرده بودند که مرحوم آیت الله آقا سید محمد باقر درچه‌ای شهر نباشند و طبق معمول که در تمام مدت عمر عمل می‌کردند به درچه تشریف برده باشند .

۲ - مدرسه نیم آورد را جهت ملاقات تعیین کردند از آنرو که اولاً مرحوم گزی خانه اندرونی و بیرونی جهت ملاقاتهای خصوصی نداشتند و ثانیاً جلسه در مدرسه باشد که بعدها اصحاب شیخ الرئیس نتوانند بآن پیرایه‌ها بیندند .

روز موعود چون شیخ الرئیس با جمعی از اصحاب و یارانش مقابل درب مدرسه رسیدند طلاب مدرسه از داخل شروع بداد و فریاد کرده و عملاً مانع ورود او شدند .

شیخ الرئیس قاجار چون وضع را چنین دید با صدای بلند این آیه قرآن را قرائت کرده و مراجعت نمود : و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً .

#### مسافرت‌ها :

مرحوم حاج آقا نور الله در طول عمر خویش مسافرت‌های زیادی نموده که بطور اجمال به آنها اشاره میشود :

۱ - در سال ۱۲۹۰ و اندی مسافرت به نجف اشرف جهت تحصیل ( قبل از سال ۱۳۰۰ به چند سال فاصله )

۲ - در سال ۱۳۰۰ مسافرت به مکه معظمه بزیارت حج بیت الله باتفاق

مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام .

۳ - سال ۱۳۰۴ مراجعت به ایران پس از تحصیل .

۴ - سال ۱۳۰۷ مسافرت بطهران پس از قضایای بابی کشی باتفاق مرحوم

آقا نجفی علیه الرحمة .

۵ - سال ۱۳۲۱ مسافرت بطهران پس از قضایای بابی کشی باتفاق مرحوم

آقا نجفی و برگشت در سال ۱۳۲۲ . ق . ۸ .

۶ - سال ۱۳۲۹ مسافرت به نجف اشرف و مراجعت در ماه ذی قعدة ۱۳۳۲

پس از فوت مرحوم آقا نجفی علیه الرحمة .

۷ - سال ۱۳۳۴ مهاجرت به بختیاری و سپس به کربلا و مراجعت در سال

۱۳۳۶ . ق . ۸ .

۸ - سال ۱۳۴۱ مسافرت بطهران و سپس به مشهد مقدس و مراجعت در سال

۱۳۴۲ . ق . ۸ .

۹ - سال ۱۳۴۴ مسافرت بطهران جهت مراسم جشن تاجگذاری رضا شاه .

۱۰ - سال ۱۳۴۶ مهاجرت بقم جهت رفع بدعتها و شاید خلع رضا شاه که

منجر به فوت آن مرحوم گردید .

**مدایح و ستایش‌ها از مرحوم حاج آقا نور الله نجفی :**

عده‌ای از شعراء و گویندگان معاصر مرحوم ثقة الاسلام ویرا در اشعار خود

ستوده‌اند که از آنجمله است :

۱ - مرحوم آقا شیخ عبدالجواد خطیب در ضمن قصیده‌ای فوت مرحوم

آقای نجفی را مرثیه گفته و چون در همان سال مرحوم ثقة الاسلام از مسافرت

چند ساله عتبات مراجعت نموده ایشان را مدح و خیر مقدم گفته است :

نهان شد ماه و مهر از پی بر آمد  
 مهین اس اساس عدل کزوی  
 بدیدارش همه خاسق آرزومند  
 سپاس و منت بیحد خدا را  
 دل و چشم تمام خلق روشن  
 رئیس دین و دولت آیت الله  
 مسلمانان بساط عیش چینیید  
 باجرای قوانین حاکم عدل  
 پناه و کف و غوث و مامن خلق  
 دگرزین پس نگریم بر آیت الله  
 تویی آب حیات چشمه نور  
 تویی کادر بنای عدل نامت  
 وجودت درة التاج شرافت  
 ردای آیت الهی تو را راست  
 شد ار آن آیت الله بدر دین خسف  
 چورفت آن ماه این نور خدا تافت  
 بشارت ساکنان فلزم شرع  
 به شعبان آیت الله شد بجنّت  
 بحکم نص : ما ننسخ من آیه  
 خطیب از بهر تاریخ دو آیت  
 بیحر فکر هر سو غوطه ور گشت  
 چو شد آن نور نور دیگر آمد  
 اساس معادلت محکمتر آمد  
 خدا را شکر کام دل بر آمد  
 که دور دوری و فرقت سر آمد  
 ضیاء شرع نور انور آمد  
 رکن رکن هدا از در درآمد  
 که مفتی طریق محضر آمد  
 باحکام شریعت داور آمد  
 امین منهج پیغمبر آمد  
 که آن دریا برفت این گوهر آمد  
 که عطشانت هزار اسکندر آمد  
 از اول روز صدر دفتر آمد  
 که در اسلام زیب دفتر آمد  
 براندام شریعت گستر آمد  
 بتابش نور شمس دیگر آمد  
 بمنهاج شریعت رهبر آمد  
 که بهر کشتی دین لنگر آمد  
 به ذی قعد آیتی روشنتر آمد  
 بجایش آیتی نیکوتر آمد  
 که آن شد خسف و این زین برد آمد  
 نصیب خامه اش این گوهر آمد

برون چون شد یکی تاریخ گفتا      نهان شد شمس نور از پی برآمد

۱۳۳۲ مساوی ۱ - ۱۳۳۳

۲ - مرحوم سیناگروتی ( مصطفی قلی ) از شعرای معروف اصفهان صاحب دیوان اشعار ضمن ترکیب بندی که در اصطلاحات قواین مشروطه گفته است باین مطلع :

مستبد برغرور خود مفتون      غافل از دور چرخ بوقلمون

در ضمن بند ۱۳ بدینگونه از علماء مشروطه خواه یاد و ستایش می کند :

علماء جهانشان ز آفت دور      که جهان شد ز جهد شان معمور

نه عجب گر عمامه شان گیرد      بساج از تاج قیصر و فغفور

کلکشان هر زمان صغیر زند      مردگان را بود چو نفخه صور

همچو آب حیات در ظلمات      آفتنا بند در شب دیجور

هادی خلق شیخ عبدالله      قطب دین کاظم اشرف جمهور

الحق اینان طیب دین و دلند      نشود بی طیب به رنجور

من از این قوم ناصری دانم      که از او شد سپاه دین منصور

شمس دین حاجی آقا نورالله      که ز روشن دلپست آیت نور

آیت حق فروغ دوات و دین      آنکه این نامه شد از او منشور

تا فلک را بود ایاب و ذهاب      بود این نور علم عالمتاب

۳ - مرحوم طرب ( میرزا ابوالقاسم فرزند مرحوم هما ) در قصیده دخانیه

مندرج در دیوان اشعارش ( ص ۱۷۵ دیوان طرب ) که مطلع آن چنین است :

الحمد که شد رایب کفار نگوینسار      بر شد علم شرع بر از گنبد دوار

از چند تن از علماء بزرگوار که در آن قضیه اقداماتی نموده اند نام میرد

و آنانرا بعظمت و بزرگی می ستاید و آنان عبارتند از :

- ۱ - حضرت آیت الله العظمی جناب میرزای شیرازی اعلی الله مقامه الشریف
  - ۲ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی
  - ۳ - مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام نجفی اصفهانی
  - ۴ - مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی
  - ۵ - مرحوم حاج آقا نورالله مسجد شاهی نجفی
- در باره مرحوم حاج آقا نورالله می گوید :
- زان نور مجسم که سراپاش بود نور

کش بساد بهر حال خداوند نگهدار

۴ - ستودن مکرم مرحوم حاج شیخ نورالله نجفی را : محمد علی مکرم حبیب آبادی صاحب روزنامه : صدای اصفهان و دیوان اشعار در کتاب دیوان اشعارش قسمتی است بنام « کتاب اقبال الدوله » ( از صفحه ۲۱۲ تا ۲۲۴ ) و در آن پس از نقل جنایات اقبال الدوله کاشانی و ظلم و بیادادهائی که او و معدل الملك شیرازی نایب الحکومه اش در این شهر مرتکب شده اند و سپس شرح مخالفت مردم بازار و بسته شدن بازار اصفهان و سایر اوضاع و همچنین غارت بازار اصفهان پس از ورود بختیارها و بالاخره قرار و پناهندگی حاکم و نایب الحکومه به قنسواگری انگلیس شرحی در ستایش سران بختیاری سروده تا آنجا که می گوید:

پس از رفع ظلم گروه عناد	منادی مشروطه آواز داد
هر آنکس که می بود مشروطه خواه	رساند از برایش خدایش پناه
مهرین خدام شرع خیر البشر	که دارند از وی لعینان حذر
همان شیخ نورالله پاکمدل	کز او مستبدین همه مضمحل
به اسلام و اسلامیان او ثقة	که روز ستمکار از او شد سینه
ز مشروطه خواهان حمایت نمود	بر وی همه بساد راحت گشود

تنش وقف از بهر خالق خداست	به گم گشتگان هادی و ره‌نماست
دعایش بود ورد کل انام	بم‌س‌ه و بسال و بصبح و بشام
خدا دشمنش را کند دستگیر	که او دستگیر است از هر فقیر
اگر از کرامات ایشان نبود	کسی را بنه در صف‌ها مان وجود

سپس ذکرى از تشکیل انجمن ولایتی و حضور عموم بزرگان از علماء و تجار و کسبه و غیره نموده و گوید :

گروهی نشستند در انجمن	بگفتند از حال مردم سخن
بزرگ همه شیخ نور الله است	که او را خدای جهان همراه است
ندانند کسی قدر آن نور را	دم از روشنائی مزن کور را
نه آن نور گردد خموش از عدو	بنص بریدون ان یطعموا
مجال است اطفاء نور خدا	خدا بیش از اینش ببخشد ضیاء
هر آنکس که بدگوی ایشان بود	همیشه حزین و پریشان بود

و هم او در مخمس بنام : یادگار معدل (ص ۲۲۵ دیوان) پس از شرح مفصلی که از ظلم و بیداد و طرز رفتار اقبال الدواه و معدل المالك و سپس ورود بختیارها می‌نویسد می‌گوید :

از آفت صمصام که او سرور باشد	مشروطه اسلام دگر باره باشد
همه بهمه متقیان نور خدا شد	در دل مخلوق ستم‌دیده دوا شد

چون هاتف مشروطه دگر باره خبر کرد

در شهر صفاهان ثقه ملت اسلام	از بابت مشروطه دمادم کند اقدام
ای بار خداوند جهان خالق علام	بنما تو بکامش ز کرامت همه ایام

زیرا که عجب همت افزون ز شمر کرد

## شهادت و علت آن و مدفن :

در اواخر ماه جمادی الثانیه سال ۱۳۴۶ مصادف با اوائل دیماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی در اثر تغییر هوا و سردی و همچنین خستگی جسمی و روحی که در مدت مهاجرت بخصوص در این روزهای اخیر بر مرحوم ثقه الاسلام چیره شده بود مشارالیه دچار تب و بستری شدند . مرض ایشان چیسز فوق العاده ای نبود قبلا نیز گاهی که در اثر کار زیاد و فعالیت و بر خورد های سیاسی و اجتماعی خسته میشدند یکی دو روز تب میکردند و پس از کمی استراحت بهبودی حاصل نموده مجدداً بکارهای خود رسیدگی مینمودند .

اما در این مرتبه اگر چه علت مرض همان علت های سابق یعنی خستگی مفرط و ناراحتی روحی و جسمی بود و مداوای آن نیز همان معالجات دفعات سابق کافی بود لکن دولت وقت که از مدتها قبل منتظر چنین روزی بود و از کلیه اسلحه های شیطانی خود از قبیل :

۱ - گذراندن وقت و امروز و فردا کردن و از گذشت زمان و خستگی مردم سود بردن .

۲ - ایجاد تفرقه و نفاق در بین جمع مهاجرین بعنوانین مختلف نمودن .

۳ - رشوه دادن به برخی و ارباب و تهدید جمعی دیگر کردن .

تا اندازه ای کامیاب شده بود این پیش آمد را جهت خود فوز عظیم دانسته و بفکر ریشه کن نمودن مایه اصلی و بنیان مهاجرت افتاده و برای همیشه فکر مخالفت با دولت را از سر مردم ناراضی بیرون کردن و آن این بود که : حاج آقا نور الله را نابود کند .

عیادت کردن حاکم قم و دکتر شفاء الدوله از مرحوم ثقه الاسلام :



وقتی خبر بیماری مرحوم حاج آقا نور الله به مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رضوان الله علیه میرسد ایشان بلافاصله وبدون تأمل بسا یکی دو نفر از اطباء قم به عیادت آن مرحوم آمده وپزشکان پس از معاینه وپرسش از حال مرحوم حاج آقا نور الله می گویند بیماری جزئی وغیر مهم است وحتمی احتیاج بدارو نیز ندارد و فقط استراحت کافی است لکن :

پس از آن فرماندار قم به اتفاق دکتر شفاء الدوله قاصد مرگ وارد شده وپس از گفتگوی مختصری اظهار می کند که بیماری مالاریا و احتیاج به تزریق آمپول کینین دارد وبدون فوت فرصت آمپول را تزریق نموده وخارج میشوند .

در اثر تزریق آمپول مزبور حال مزاجی مرحوم ثقة الاسلام بهم خورده وحالت تشنج ولرزه به ایشان دست میدهد . گفته میشود که محتویات آمپول زهر - آگین بوده وباین وسیله آن مرحوم را مسموم وسر انجام بشهادت رساندند .

برای آنکه خدمت رضا خان تمام شده باشد بدستور او سه نفر پزشک از اطباء معروف طهران بقم جهت عیادت می آیند ولی موقعی میرسند که بز حسب گفته خودشان : دیگر کار از کار گذشته بود ومتفقاً اظهار می کنند که حضرت آیت الله مسموم شده اند وجهت اطلاع بسراغ دکتر شفاء الدوله میفرستند اما از او خبری نمی یابند زیرا او از قم بیرون رفته بود ( ویا در جـائی پنهان شده بود ) .

پزشکان مأمور از طهران عبارت بودند از : ۱ - دکتر امیر اعلم ۲ - دکتر لقمان الدوله ۳ - دکتر ملک زاده .

آیا اینها حقاً از جریان کار آگاه بودند وخود نیز مأموریتی داشتند یا آنکه دولت که نتیجه معالجات شفاء الدوله را قطعی میدانست اینان را فقط بخاطر تبلیغات بسود دستگاه راهی قم کرده بود هر چه بوده است گذشته وخداوند عالم

که علام الغیوب است از آن آگاه می‌باشد و جمعی دیگر از معاصرین که هنوز زنده‌اند و کم و بیش از جریان آگاهند از گفتن آنچه میدانند ابا و امتناع دارند و خدا میداند که مقصودشان از آن چیست .

شهادت : سر انجام در اثر همین بیماری و معالجه مرحوم حاج آقا نور الله مسجد شاهی در ۲ ساعت قبل از ظهر ( و یا شب ) روز ۴ دیماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی مطابق با غره رجب سال ۱۳۴۶ در قسم وفات یافته و جنازه پس از مراسم مذهبی از غسل و تکفین و نماز و تشییع چند روز در مسجد بالاسر گذارده شد تا مقدمات حرکت آن به نجف اشرف فراهم شد . و بوسیله اتومبیل به اعتبار مقدسه حمل گردید .

رفع اشتباه : مرحوم همائی درپاورقی دیوان طرب ( ص ۱۶۰ ) می‌نویسد: جنازه مرحوم ثقة الاسلام به اصفهان منتقل شده و در این شهر نیز تشییع گردیده و سپس به اعتبار مقدسه انتقال یافته است. موضوع نقل جنازه به اصفهان اشتباه و از قم به نجف منتقل شده است .

محل دفن : مرحوم حاج آقا نور الله مسجد شاهی را پس از آنکه از قم به اعتبار مقدسه انتقال دادند و در شهرهای کربلا و نجف طواف داده و تشییع نموده سپس در بقعه مرحوم شیخ اکبر جناب شیخ جعفر کاشف الغطاء علیه الرحمه جد مادری آن مرحوم در نجف اشرف بخاک سپردند .

در برخی از کتابها دیده شد که مدفن آن مرحوم را در یکی از حجرات صحن مطهر علوی در جنب برادرش مرحوم حاج شیخ محمد حسین نوشته بودند که خالی از اعتبار است .

### خبر فوت در قم و دیگر شهرها :

چون خبر فوت مرحوم ثقة الاسلام نجفی در شهر قم منتشر گردید بلافاصله

حوزه‌های درس تعطیل و بازارها بسته شده و سیاهپوشی شد و کلیه طبقات اجتماع در مراسم تشییع آن مرحوم شرکت نموده و وفاداری خود را نسبت باین عالم جلیل و مجتهد مجاهدی که سراسر عمر پر افتخار او در راه اسلام و مسلمین صرف نموده بود نشان دادند .

مرحوم حاج آقا نور الله نجفی از هنگام تولد و کودکی که مقارن مبارزات پدر علامه اش علیه فرقه ضاله مضله بود تا هنگام وفات یعنی هفتاد سال شاهد مبارزات و عامل مجاهدات علیه دستگاه ظلم و ستم و بیدادگری بود . در آخرین روزهای زندگی با قیام تاریخی خود علیه دستگاه حاکم بر اوضاع و استعمار خارجی که به از دست دادن جان او تمام شد نام خود و علمای بزرگوار شیعه را در تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی برای همیشه در تاریخ ثبت نموده و افتخار جاودانی نصیب او گردید .

جنازه مرحوم حاج آقا نور الله را پس از انجام مراسم مذهبی از تغسیل و تکفین و نماز و تشییع در مسجد بالای سر گذارده تا مقدمات انتقال آن به اعتبار مقدسه فراهم گردید .

مراسم ختم و سوگواری در اصفهان : چون خبر فوت مرحوم حاج آقا نور الله علیه الرحمة باصفهان رسید شهر يك پارچه بصورت عزاخانه درآمده تمام بازارها و دكا كبن محلات بسته و تعطیل شد ، شهر سیاه پوش و غرق در ماتم گردید . جلسه ختم در روزهای اول در مسجد شاه و بعداً در کلیه مساجد و مدارس دینی اصفهان منعقد گردید ، تمام طبقات مردم شهر از علماء و مجتهدین و طلاب و بازرگانان و کسبه و کشاورزان و کارگران بصورت دسته‌های عزادار در این مراسم شرکت نمودند ( حتی یهودیان و مسیحیان نیز در این عزای عمومی بصورت اجتماع شرکت کردند ) مردم در حال سینه زدن و زنجیر زدن نوحه میخواندند

واشك ميریختند و گویا پدر مهربانی را از دست داده بودند .  
 عده‌ای از عزاداران سده که در این مراسم شرکت نموده وبشهر آمده  
 بودند قمه زده وسنگ میزدند از نجف آباد وقهپایه وگز وقمیشه ودیگر روستاهای  
 وقصبات وشهرهای دور ونزدیک دسته‌های عزادار بشهر آمده ودر مراسم  
 سوگواری این عالم خدمتگزار شرکت نمودند این مراسم در شهر واطراف تا  
 چندین روز بعداز هفته آن فقید سعید ادامه داشت ومردم دیندار وحق شناس علاقه  
 قلبی خود را بمقام شامخ روحانیت وعلماء خدمتگزار ثابت نمودند .  
 مراسم ختم درطهران ودیگرشهرها : درطهران ازطرف مرحوم آقا سیدحسن  
 مدرس قمیسه‌ای عالم مجاهد ووکیل مردم طهران درمسجد سپهسالار منعقد گردید  
 وتمام اقشار ملت ودولت در آن شرکت نمودند همچنین در مسجد شاه طهران  
 ومسجد سید عزیز الله نیز مجالس باشکوهی منعقد گردید که همه علماء طهران  
 وبازرگانان ومأمورین دولت در آن شرکت نمودند .  
 در شهرهای مقدس کربلا ونجف نیز مجالس ختم از طرف مراجع بزرگ  
 تقلید وسجته‌دین عالیقدر منعقد شد وهمه از شهادت این فقیه مجاهد آنهم بوسیله  
 ایادی رضاخان اظهارتأسف نمودند .

### مرائی وماده تاریخ فوت :

در شهادت مرحوم حاج آقا نور الله عده‌ای از شعراء وگویندگان بعبری  
 وفارسی مرثیه هاگفتند وماده تاریخها نوشتند که از آنجمله است :  
 ۱ - مرحوم علامه فقیه ادیب حاج سید احمد علم الهدی ابطحی شیرازی  
 مقیم اصفهان ( فرزند مرحوم حاج سید علی اکبر در ۱۳ رجب ۱۲۹۷ در شیراز  
 متولد گردیده ودر ۱۶ جمادی الثانیه ۱۳۸۲ در اصفهان وفات یافته ودر شیراز در

يكي از حجرات صحیح حضرت امامزاده شاه چراغ علیه السلام مدفون گردید )

در مرثیه وماده تاریخ فوت آن مرحوم گوید :

انما الحشر اقترب  
عالم الكون اضطرب  
وترامت بالنجوم  
ولسو الحزن نصب  
بحنين و بكاء  
وعلى الخصم اجترب  
و تنادى روحها  
وبغم اكترب  
ثاویاً تحت الثرى  
و حين ملتهب  
ثم افسدى مهجته  
واسدى الله احتسب  
قلت ارخه فسال  
هو انما ما احب  
انتفض ما الاعتذار  
هاج من كل حلب  
وترامت بالرجوم  
وبهم حاط الكرب  
وبك الكون امتدى  
ربنا الخصم اختلب

ان روح القدس فى الافاق نادى وندب  
من سماء المجدناب الشمس والنور غرب  
يالزره هارت الافلاك منه فى الرسوم  
ولهذا الرزه من فى عالم الكون اعتصب  
قد نعاه الروح جبريل ونادى فى السماء  
غمد السيف الذى من برقه الكفر هرب  
قد مشت من خلفه التقوى و تعلق نوحها  
ثم الاسلام من فقدك والدين اغرب  
و كان الفعش نعش لك بالافق سرى  
وبنات النعش ترثيك بدمع قد سكب  
ولنصر الدين قد قام وادى حجته  
وحمى الدين بامر قام فيه وانتصب  
اذ بقم روحه القدسى بروح القدس نال  
« من جمال الدين نور الله فى قم احتجب  
يا ولى العصر طود الدهر طال الانتظار  
انما الكفر على الاسلام بالحرب انتدب  
غارت الشمس وغاب البدر والخط النجوم  
هاجت الفتنة فى اصقاع عجم وعرب  
اظلم الافاق يا غوث الورى نور الهدى  
يا ولى النار ادرك قبل ان فات الطلب

بیت « من جمال الدین نورالله فی قم احتجب هو انما صاحب »  
 ماده تاریخ وفات است . نقل از : شعرای مخلص اصفهان ( صفحه ۲۲ ) .  
 ۲ - مرحوم حسن اهتمام ( ۱۲۹۸ - ۱۳۷۹ ) در ماده تاریخ وفات آن مرحوم  
 گوید :

نور الاله نام و لقب آیت خدا  
 جانرا گرفت بر کف و کرد او بقم قیام  
 میخواست در طریق سعادت خدا شود  
 آخر رسید جانب مقصد ز اهتمام  
 تاریخ رجعتش سوی حق شد همانکه بود

« نور الاله و آیت حق تکیه انام »

۳ - مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در مرثیه و مساده تاریخ  
 گوید :

اناخ بارض قم مطی قم      و فیها جامدوا والسمی مشکور  
 و نورالله اشرف فی وجوه      یضیی بها الظلام بلیل دیجور  
 فاوهمن من غری برق نور      و آنس نورهم من جانب الطور  
 بدا فی وجهه نور و عابا      لذا ازخت : « غاب مهبط النور »

( تاریخ اصفهان وری صفحه ۳۹۸ ) .

۴ - مرحوم استاد جلال الدین همائی متخلص به سنا در مرثیه و ماده تاریخ  
 وفات گوید :

آه کز جور سپهر کجمدار      نور حق از چشم ما مستور شد  
 آیت الله شیخ نورالله بقم      در جواب امر حق مأمور شد  
 از خراب آباد تن بر بست رخت      بهر او قصر جنان معمور شد

آری آری جان بحق نزدیک گشت  
 در طواف کعبه جانان بصدق  
 آسمان حشمت و خورشید فضل  
 چون نظر بست از جهان دلفریب  
 زد بتاریخش رقم کلک سنا  
 نقل از دیوان اشعار مرحوم همائی علیه الرحمه .

۵ - مرحوم آخوند ملا عبد الکریم دستگردی متخلص به سودائی فرماید :  
 یا وقعة حدثت للشرع هائلة  
 صال المصاب علينا فی کتابه  
 لقد توفى الفقيه الحبر ذو الشرف  
 لما مضى افجع الاسلام فاجعه  
 والناس من فقد هذا الغوث کلهم  
 فالعين ان لم يفض فی المصائب دماً  
 لاح العزاء لنا فوق طاقتنا  
 قد صار فی الطور نور الله مرموساً  
 سألت عبد کریم حول رحلته  
 القى ثماناً من المصراع زائده  
 واهله بین مخذول ومکسور  
 والناس مابین مغلول ومأسور  
 وراح نحو ریاض الخلد والمحور  
 والخلق یرثیه فی الاسواق والدور  
 صاروا حیارى لمجنون ومخمور  
 یكون عندی ملوماً غیر معذور  
 والصبر فیہ علينا غیر معذور  
 فالطور ظل لذا نور علی نور  
 اجاب بدر النظم منثور  
 فقال « قديتوارى النور فی الطور »

۱۳۴۶ مساوی ۸ - ۱۳۵۴

نقل از کتاب گلزار ( دیوان اشعار مرحوم سودائی ) صفحه ۲۸۹ .  
 مرحوم حجة الاسلام مجدد العلماء نجفی اشعار فوق را با اندکی اختلاف  
 در اشعار کتاب : مسائل العلوم ( صفحه ۸ نسخه خطی ) نقل فرموده است .  
 ۶ - مرحوم علامه فقیه حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء نجفی در مرثیه

آن مرحوم و تسلیت به مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی میفرماید :

ابقية الماضين من آباءه      كانوا الدين الحق كالسور

ان راح نور الله محتجباً      فاسلم فانك شعله النور

نقل از کتاب: المختار من القصائد والاشعار تألیف مرحوم مجد العلماء نجفی

( صفحه ۲۱ نسخه خطی ) .

۷ - مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر در مرثیه و ماده تاریخ فوت گوید :

جهان شد تار از پنهانی نور      بمردم روز شد چون شام دیجور

چو حاجی شیخ نورالله در قم      اجل زهرش بداد و گشت رنجور

روان شد در بهشت و خلق گفتند      روان آیت الله بباد مسرور

تجلی النور فی جنات عدن      بنیم سال از ما گشت مستور

پی تاریخ سالش گفت نیر      « جهان شد تار از پنهانی نور »

توضیح : مقصود از نیم سال ، شب سلخ جمادی الثانیه و اول ماه رجب

میباشد .

نقل از کتاب : « معادن یکم » ص ۲۹ تألیف مرحوم نیر علیه الرحمه .

۸ - همچنین مرحوم نیر گوید :

« آیت الله فدای ملت شد »

ص ۱۶ سوم معادن تألیف مرحوم نیر ( ۱۳۰۸ - ۱۳۷۹ )

استدراك :

در صفحات قبل مکرراً مظالم و جنایات ظل السلطان در اصفهان گفته ایم اینک جهت مزید فایده و آگاهی بیشتر خوانندگان از اوضاع اصفهان در زمان حکومت این حاکم خود سر و ستمگر و بیان برخی از خبیانتهای او به این شهر موضوع



خرابی عمارات صفوی را که بدست او و اطرافیان‌ش انجام گردید بطور اجمال شرح می‌دهیم .

مرحوم استاد همائی در پاسورقی دیوان پدرش (ص ۲۲۶) بطور خلاصه می‌نویسد :

خرابی آثار صفویه در اصفهان از حوالی سنه ۱۳۰۰ قمری شروع شده و دنباله آن همچنان تا مدتی بعد از مشروطیت ادامه داشته است . . .

اگر بلوای عمومی و قیام اهالی اصفهان باز عامت مرحوم حاج آقا نورالله برای عزل ظل السلطان در سنه ۱۳۲۵ قمری پیش نیامده بسود و ازدحام خلق برای چادر زدن در «چهل ستون» يك روز دیرتر اتفاق افتاده بود عمارت چهل ستون را هم مثل نمکدان و آئینه خانه و هفتدست قطعاً خراب کرده و اثری از آن نگذارده بودند ، زیرا فرمان این امر از ظل السلطان بیکی از پسرانش صادر شده و چند روز بود که مقدمات خرابی را فراهم کرده و باین منظور سنگهای ازاره اطراف عمارت را برچیده بودند . مقداری از حمالهای طاق دوپوش را نیز بریده بودند که ناگهان آن قضیه اتفاق افتاد و . . .

باقیمانده عمارت تالار اشرف : این عمارت را کسی با اجازه برخی از مراجع تصرف کرده و برای فروش مصالح و تغییر صورت مشغول خراب کردن آن شده بود . . .

در سنه ۱۳۲۷ که صمصام السلطنه بختیاری پس از بیرون کردن اقبال الدوله حاکم اصفهان شده بود يك روز در عمارت دولتی گردش می‌کرد دیده بود که يك دسته عمله با عجله عملت بدان زیبایی را خراب می‌کنند . غیرتش بجوش آمده بانگی برایشان زد که همه از ترس فرار کردند و این باقیمانده عمارت تالار اشرف از برکت همان غیرت است .

فائده: مرحوم استاد همائی رحمه الله علیه دردنباله مطالب فوق که با اندکی تصرف نقل کردیم می نویسد :

اشرف از القاب خاص صفویه است که : « نواب اشرف اعلی » می گفتند و عمارت اشرف مازندران هم از صفویه است ، هیچ ارتباطی با اشرف افغانی ندارد که بعضی عوام تصور کرده اند .

عمارت اشرف و تالار طویله را اول بار « بانوی عظمی » در حدود ۱۳۱۸ قمری خراب کرد و مصالح قیمتی آن را برده و با قسمتی از آنها عمارت ( باغ شرف ) را در دستگرد بنیاد نهاده بود ( انتهی ملخصاً ) .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ضمن وقایع ابن سالها به عمارت صفویه اشاره کرده و خراب کنندگان آنها را نیز بشرح نام میبرد طالبین مراجعه نمایند . همچنین در کتاب آگهی شهان از کار جهان (ص ۹۱ جلد سوم) اسامی قسمتی از عمارات تاریخی اصفهان را که قریب ۱۲۷ عدد باغ و عمارت میشود ذکر نموده است .

تذکر و توضیح : در تأیید مطلب منقول از استاد بزرگوار جلال الدین همائی نویسنده گوید : در تذکره نصر آبادی ( ص ۸۱ ) ماده تاریخ زیر از شاعری بنام : بهشتی گیلانی در تاریخ عمارت در شهر اشرف مازندران نقل گردیده است :

خسرو آفاق شه کام بخش	آن محک باطن هر خوب وزشت
گرد چو در اشرف مازندران	طرح بنائی بصفا چون بهشت
دست سعادت پی تاریخ آن	بر در آن « دولت اشرف » نوشت

از این مساده تاریخ معلوم میشود که شاه عباس کبیر در بیشتر از یک قرن قبل از ظهور اشرف افغان شهر اشرف مازندران و عمارت آنجا را بنیاد نهاده است و کلمه اشرف در ساختمان آن عصر هیچگونه ارتباطی با افغانه ندارد .

## خاتمه بیان :

در ضمن تألیفات مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نور الله نجفی رساله ای در شرح حال و گزارش حالات مرحوم حاج شیخ محمد حسین عالم عابد زاهد فقیه متقی بقلم مرحوم ثقة الاسلام ذکر نمودیم و گفتیم که رساله نامبرده در آخر کتاب تفسیر بچاپ رسیده است .

اکنون چنین مقضی دانستیم که ترجمه رساله مزبور را که فاضل محترم آقای آقا شیخ محمد هادی نجل جلیل حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی بفارسی برگردانده اند را جهت مزید فائدت وهم بپاس زحمات بی شائبه ایشان در فراهم ساختن وسائل چاپ و انتشار کتباب حاضر وهم بخاطر دیگر خدمات دینی واجتماعی ایشان نقل نمائیم و از خداوند قادر متعال توفیق هر چه بیشتر ایشانرا در احیاء آثار خاندان خویش و دیگر بزرگان خواستارم انه ولی قدیر .

رساله مزبور در ده صفحه بقطع خشتی نوزده سطری و در آخر تفسیر (پس از صفحه ۴۴۲ کتاب) بچاپ رسیده است .

مرحوم آقا سید محمد تقی خوانساری در سال ۱۳۱۳ تفسیر را از روی نسخه اصل پاکنویس کرده و آماده چاپ گردانیده و مرحوم آقا شیخ جعفر معروف به آقا جلال الدین فرزند مرحوم آیت الله آقا نجفی شاگرد مرحوم حاج شیخ محمد حسین و برادر زاده ایشان در سال ۱۳۱۷ تفسیر و رساله شرح حال را دستور داده که بچاپ برسانند و مرحوم حاج شیخ حسین کتابفروش خوانساری از خدمتگزاران به فرهنگ شیعه و از ناشرین کتب علماء اسلام آنرا بچاپ رسانیده کاتب تفسیر و رساله محمد باقر نام دارد . اللهم اغفر لهم جميعاً .

# رساله‌ای

در احوالات آیه الله

حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی  
صاحب مجد البیان فی تفسیر القرآن

نویسنده

علامه فقیه شهید آیت الله حاج شیخ نورالله نجفی (ثقة الاسلام)

مترجم

هادی نجفی

## مقدمه بقلم مترجم :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله والصلوة والسلام على نبیه محمد وآله .

یکی از خویشان و دوستانم که او را بر خود مقدم میدارم از من خواست که این رساله شریفه را بفارسی برگردانم ، تا مدتی از انجام اینکار بعلت تراکم اشتغالات تحصیلی سرباز زدم و چون اصرار زیاد نمود انجام آنرا یکی از دوستان که برای ایشان احترام خاصی قائل می باشم واگذار کردم و چون او پس از گذشت مدت زمانی بدلائل واهی از بانجام رسانیدن آن خود داری کرده این جانب شخصاً بناچار در فرصت مناسب شروع بآن مهم نمودم و ترجمه را شروع کردم .

اگر در ترجمه موفقیتی حاصل شده باشد و خوب و روان انجام گرفته باشد این موفقیت را از کرامات صاحب رساله و قلم روان مؤلف آن میدانم و اگر خطا

وسهوی پیدا شده باشد از قلم این حقیر است .  
بدان امید که چراغی باشد فرا راه نفوس مستعده و سالکان طریق که رفتار آن  
عالم جلیل سر مشق زندگی آنان باشد .

اول ربیع المولود ۱۴۰۶

قم المقدسه : هادی نجفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين خالق الخلق اجمعين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين .  
اما بعد : چنین گوید بنده گناهکار خطا کار، امیدوار رحمت پروردگار مهدی ملقب به نور الله عفی الله عن جرائمه واثامه وایده الله بطاعته فی قصیر ایامه .  
بعضی از دوستان که نمی توانم مخالفت آنها را بکنم وسخنشان را نپذیرم از من خواسته اند که گوشه ای از احوالات صاحب این کتاب <sup>(۱)</sup> [ آیت الله حاج شیخ محمد حسین نجفی طاب ثراه ] را بدون ایجاز واطناب بنویسم تا خواننده با توجه بیشتر بمطالعه پردازد واستفاده بیشتری ببرد ، من نیز خواسته ایشان را پذیرفتم بخاطر اینکه ، نعمت های الهی را شکر گزار وحق برادری را بانجام رسانیده باشم . با اینکه وقت محدود بود وافکارمغشوش ودر این کار توکل کردم به حضرت پروردگار و او در همه امور کفایت است .

(۱) تفسیر مرحوم حاج شیخ محمد حسین نجفی علیه الرحمه .

پس چنین آغاز می کنم: او شیخ بارع و تأیید شده جامع و دریای محیط و دانشمند عمیق و عقل بسیط و عدل و سبیط، زاده بزرگان علم، عالم عماد و دانای نبیه الساقی الوجیه زاهد پا کدامن و دانشمند بزرگوار و عنصر لطیف خاتم المجتهدین و داناترین پیشینیان و متأخرین رئیس حکمای الهی پناه عارفان سالک، مبرا از هر عیب و بدی، برادرم و یار مهربانم و فرزند مادرم شیخ محمد حسین اصفهانی از نظر محل تولد و نجفی از دیدگاه مدفن اعلی الله فی خطائر القدس مقامه و محشور گرداند او را با سرورانش در روز واپسین و رستاخیز فرزند شیخ عالم کامل حجت اسلام و مسلمین آیت خداوند بر جمیع خلق پناه مذهب و ملت و مسلمانها و پناهگاه دنیا و دین الدر الزاهر و العلم الباهر و الادی العلامة الشیخ محمد باقر فرزند شیخ عالم کامل معلم بشر و عقل حاد یعشر استاد کل در کل التقی التقی الشیخ محمد تقی صاحب هدایه المسترشدین علی معالم اصول الدین قدس الله ارواحهما الشریفه .

اولئك ابائی فجئنی بمثلهم      از اجتماعا یاجریر المجامع  
 اذالم یجبنی مجیب من بعید او قریب      اذا فتخرت باباء ذوی حسب  
 صدقت فیہ ولكن بشس ما ولدوا .

و بالجمله او عالمی کامل و فقیهی محدث، اصولی حکیم متبحر و زاهدی جامع و ماهر و در زمان خود کم نظیر در فقه و اصول و حدیث و معانی و بی مانند در فلسفه و کلام و عرفان و ریاضی بود، روزگار چون او بخود ندیده بود جمع بود در او آنچه انسان واقعی از حقیقت انسان می طلبد وی از بزرگان علماء معقول و منقول و از دقیقترین و پاکترین و شریفترین دانایان به اصول و فروع از کلیه علماء استاد در اثر ذهن و فکر و قناد نقاد خود مقدم بود هیبتی عظیم و همیشی داشت همتی بلند و قدرت فهم و درکی سریع داشت ( بهتر آنست که بقیه ستایشها را بعین عبارت نقل کنیم که ضمناً قدرت چیز نویسی مرحوم ثقة الاسلام را نیز نشان داده



باشیم ضمناً در ترجمه آنها فائده زیادی تصور نمی‌کنیم ( جلیل المنزلة والمقدار  
جزیل الموهبة والایثار جامعاً للعلوم الدیته عارفاً بالمعارف الیقینیة کاشفاً عن الاسرار  
العرفانیة وافناً علی السرائر الافانیة معلماً فی مضامیر الغرائب من العلوم مسلماً فی  
فنون الفقه والاصول والتفسیر والرسم عادم العدیل فی ارشاد الخلائق بحسن  
التفسیر وفاقد البدیل فی هدایة الخلق الی الحق والحقایق بلطف التقرير فسبحان  
الذی ورثه غیر الامامة والعصمة ما اراد وجعله حجة علی قاطبة البشر فی یوم  
المعاد ونصبه علماً یأتم به فی کل عصر العلماء الامجاد .

واو ( که رحمت خداوند تبارک و تعالی بر او باد ) از ابتدای امر ولواتل  
سنش ، زیرک و باهوش پرهیزگار و پاک از بدیها ، مواظب نماز و دور از شهوات  
و شبهات مشغول به بحث و درس و استفاده بود ، همتش در دوران نوجوانی متوجه  
به یاد گرفتن دانشها و معارف بود در همه حالات ، در رفتن و آمدنها ، نسبت به عمر  
خود که آنرا صرف کارهای بیهوده و بی جا کند بخل می‌ورزید و آنرا به بازی  
و بیکاری نمیگذرانید .

از فراگیری علوم صرف و نحو و معانی و بیان و سایر علوم مقدماتی فارغ شد  
قبل از آنکه بحد بلوغ و تکلیف برسد . در این وقت بتحصیل فقه و اصول در نزد  
پدر علامه ام که خداوند بلند گرداند مقام او را بدون بطالت و وقت گذرانی  
و سستی پرداخت در این هنگام از شدت هوش و زیرکی و خوش فهمی و جریزه‌ای که  
داشت بزرگان طلاب و دانشجویان زبردست و ماهر از مباحثه با او میهراسیدند  
و حال آنکه در سنین نوجوانی بود ( و نسبت به بسیاری از آنها سالی کمتر بود )  
و بزرگان علماء و طالبان علم به بلندی مقام و منزلت او اعتراف مینمودند .

پس از آن جهت تکمیل به نجف اشرف که بر ساکن آن مقام شریف هزاران  
درود و شرف باد روانه شد و در آن مکان مقدس سالها رحل اقامت افکند و بسا

جدیث و کوشش تمام در نزد علماء آند سامان به تحصیل پرداخت تا از علم و دانش  
بحد اعلای آن و در آسمان فضل به نهایت رسید ( پس از این مرحوم فقه الاسلام  
نجفی اسامی چندین ۱۶ کتاب از کتب فقه و اصول و حدیث را در ضمن عبارات  
خود بمناسبت ذکر فرموده است ) .

پس در علم اصول قوانین اصولیه را متقن و محکم گردانید و معالم فصولش  
وزبده فوائد و ونخبه عوائد اورا فرا گرفت و از فقه و حدیث غرر و درر او جواهر  
تابناک و منتهی و نهایت تهذیبش و مسالك قبول و ردش به آنچه از تبصره او ( متن  
کتاب تبصره بامسداد مشود برای بندگانش کافی ( کافی ) است و ذخیره شافیه  
برای آخرت آنان بخوبی آموخت تا آنکه همه دانشمندان در تمام اطراف به  
فضل و دانش او اقرار کرده و بدان معترف شدند و همچون خورشید در وسط آسمان  
مشهور گردید .

اساتید:

در نجف اشرف در نزد گروهی از علماء اخبار و فقهاء ابرار تحصیل نمود که  
از آن جمله است :

۱ - شیخ عالم فاضل کامل رئیس مجتهدین و یگانه دانای اصولی و فرد ممتاز  
متکلمین دانشمند امت و رئیس و بزرگ پیشوایان شیخ الطائفه الحقه و رئیس فرقه  
محققه شیخ من و استاد من و آنکه در تمامی علوم سند و استفاده من بلوست عالم  
بزرگوار میرزا حبیب الله رشتی گیلانی ، ساکن گرداند خداوند ویرا در جایگاه  
اولیای مقرینش و در روز حساب و پاداش دهد ویرا بهترین پاداش مجتهدین از  
اصحاب .

۲ - و از آن جمله است : یگانه و دانای متبحر بی همتا عالم و جیه و فقیه نبیه

رئیس فقهاء ومحدثین عماد ملت ودین شیخ الطائفة در زمان خود واستاد فقه و حدیث دوران خویش خالوزاده ما علامه شیخ راضی نجفی خداوند به مغفرت خود او را بیوشاند ودر بهشت او را ساکن گرداند .

۴ - واز آن جمله است : شیخ فقیه عالم العجب العجاب وانجبالانجبال و بهترین خردمندان وبرگزیده خداوند عزیز وهاب مروج مذهب ودین واستاد فقهاء ومجتهدین وآیت الله در زمین استاد بشر ومجدد مذهب در قرن رابع عشر پناه مردمان وحجت اسلام الحسن المستحسن الحاج میرزا حسن الشیرازی مولداً والسامرائی مسکناً والغروی مدفناً افاض الله علی روحه شبابیت الغفران واسکنه مع اولیائه فی روضة الجنان .

وگروهی دیگر از علماء عاملین وفقهاء متبحرین .

#### مراجعت به اصفهان :

پس زمانیکه از تحصیل وتکمیل آن درفروع واصول وجمع کردن بین معقول ومنقول فراغت حاصل کرد درحال سلامت مزاج وبهره مندی کامل بمنزل وماوای خود دراصفهان که خدا آنجا را از پیش آمدها حفظ کند باز گشت و به افاده واستفاده مشغول شده و بر متکای تدریس وافاده تکیه زد . طالبان علم از هر گوشه وکنار ودور ونزدیک بدو رو نهادند وجهت تحصیل وبرا احاطه نمودند . وی درصدر مجلس تدریس بدون مخالف جای گرفت وبر همه علماء زمان برتری یافت ، هر صاحب فضلی بیه فضل او وهمه صاحبان علوم وفنون مختلف ادعان واعتراف نمودند . وی با لطف بیان وتفسیر وتأویل نیکو مردم را ارشاد وهدایت نموده وموعظه ونصیحت میفرمود ودر این مورد نیز باتفاق همگان یگانه وبی نظیر شد .

## تغییر حالت :

پس در این حالات و زمان بود که حالتی باو دست داد که از دنیای فریبنده مردم بریده و متوجه قیامت و روز رستاخیز شد . آنچه را از موعظه و ارشاد و تدریس و مباحثه بر عهده گرفته بود بیکباره ترك کرد و آنچه را که مانع انس با حضرت حق جل و علا که نعم الانیس است را رها ساخت .

از صبح سعادت نوری بر او تابید که همه تاریکیهای شبهای ظلمانی را روشن ساخت و از نور حقیقت پرتوی بر او ظاهر شد که همه ابرهای کدر و تیره و کور دلی را پاره کرده بیکسو زد . و به فکر و ذکر و تلاوت قرآن مشغول شد و شب و روزش را بزه و عبادت صرف میکرد از خواندن ذکر « لا اله الا الله » در شب و روز خسته نمیشد . همچون زن بچه مرده آشکار او پنهان بر نفس خود می گریست به طوریکه برادران او از شدت گریه اش ناراحت میشدند و زنان و کودکان از فریاد و ناله اش به گریه می افتادند برخی از همسایگان از او خواستند که گریه خود را یا در شب یا در روز ترك کند و گفتند که شدت گریه او مانع خواب و استراحت آنانست .

## مسافرت به نجف :

در همین دوران مسافرتی در خدمتش جهت زیارت نجف اشرف در بهترین حالات نمودم . در طول راه با وجودیکه رفیق راهی جز من نبود کلمه ای با من سخن نگفت نه کم و نه زیاد مگر با کلمات مقطعه بسیار اندک و همه را بنذر خداوند قادر متعال مشغول بود .

و هر کس بحال او نگاه میکرد و کثرت گریه و زاریش و آه و ناله اش را

می شنید از کردها گرفته تا دیگران که به دین و قیامت اعتقاد ندارند بدون اختیار حالشان تغییر میکرد و اشک از چشمانشان جاری میشد بدون بصیرت و بینائی .

در یکی از روزها در بین راه داخل در گرمابه شد که جمعی از کردها و روستائیان و عوام در آنجا بودند. بمجرد اینکه حال او و خضوع و خشوع و گریه و اشکش را دیدند حالشان پریشان شد و بی اختیار اشک از چشمانشان جاری شده و صداهایشان خاموش گشت . پس هلك و منزله است خدائیکه در حقیقت اثری در دلها قرار داد که عقلا بدان احاطه پیدا نمیکنند ، و قرارداد برای حق حقیقی که در دلها اثر میگذارد و غفلت و بی خبری را از بین میبرد و در سخن او که خدایش پیامرزد اثر عجیبی در دلها بود بطوریکه کمتر وقتی بود که کسی را نصیحت کند و او را پند و اندرز دهد مگر آنکه در نفس و میل او اثر می کرد و در او تصرف میکرد بطوریکه متوجه عبادت و اطاعت حضرت حق می گشت .

روزی به یکی از اصحاب بزرگوارش در نجف اشرف فرمود : و آن کس شیخ عالم فاضل مؤید شیخ علی محمد که خداوند او را سلامت و بناقی بداد و به حد اعلا آرزوهایش برساند : « بر تو باد به نماز شب خواندن » این سخن چنان در نفس شریف او اثر گذارد که تا مدت های زیاد که من دیدم ترك فرمود حتی در سفرهای مشکل و گرفتاریهای بزرگ .

### علت ترك علاقه :

علت قطع علاقه و توجه او بخداوند عزوجل و برگشت از هر چه جز اوست بر حسب آنچه برای من حدیث کرد شیخ بزرگوار و فاضل ارجمند دانشمند امین و دانای عمل کننده و استوار پناه ملت و حق و دین افتخار علماء عالمین و مورد اعتماد اسلام و مسلمین برادر بزرگوار محترم حاج شیخ محمد علی خدای مرا

فدای او گرداند و سایه او را بر غیرش مستدام بدارد و سلامت و پایداریش بدارد از قول و گفتار او ( یعنی حاج شیخ محمد حسین ) که گفت :

زمانیکه در اصفهان امام جماعت بودم در سینه و قلبم و سوسه‌ای ایجاد شد که از ناحیه شیطان بود که در سینه‌های مردم ایجاد شبهه و وسوسه می‌کند. هر روز قبل از آنکه جهت نماز از خانه خارج شوم یک ساعت و دو ساعت در این باره می‌اندیشیدم تا نیت خود را جهت خدای خود خالص گردانم خلوصی که جهت نماز واجب حتمی است. فکر میکردم در فانی بودن دنیا و آنچه که موجب غرور در آنست و عدم ناپایداری نعمتها و خوشیها و آنچه از مکروهات و بدیها جهت اهل دنیا آماده شده و سپری شدن تمام سختیها و آسانیها و همچنین فکر میکردم در آخرت و پایداری بودن آن و آنچه موجب نجات و رستگاری و یا سبب هلاک و نابودی در آنجا خواهد بود این افکار بخاطر آن بود که ریا را از خود و عمل خود رفع کنم و ظاهر سازی و جلب توجه دیگران را نسبت بخود دور سازم. این اندیشه‌ها چنان در قلب من اثر کرد که بطور کلی از غیر خدا بریدم و با تمام وجود روی بحضرت معبود نهادم و آنچه بمن رسید همه و همه بخاطر تفکر و اندیشه در آن ساعات بود و حقیقت این فرمایش بر من ظاهر شد که میفرماید : « تفکر ساعة خیر من عبادة سنة و انه اصل لكل العبادات و رأس لجميع السعادات » اندیشیدن يك ساعت بهتر است از عبادت کردن يك سال زیرا اصل همه عبادات و سرمنشأ تمام سعادتها اندیشه و فکر است.

### نقل يك حکایت :

همچنین حدیث کرد مرا ( برای من گفت ) از او ( یعنی مرحوم حاج شیخ محمد علی از حاج شیخ محمد حسین ) که گفت : که یاد ندارم ( بخاطر نمیاورم )

که در عمرم نا فرمانی خدا و مرتکب گناهی شده باشم حتی در يك چشم بر هم زدنی و با این حال نفس خود را از معصیت تبرئه نمی کنم و او در گفتار خود راستگو بود در آنچه از حالات خود بیان و ظاهر ساخت مورد تصدیق و امین بدون شك و شبهه و خداوند داناست .

## دو مکاشفه :

و همچنین نقل کرد برای من شیخ امین و مورد اعتماد فاضل محدث عالم عامل دانشمند تأیید شده افتخار فقهاء و زبده علماء هادی مهدی شیخ حاج میرزا مهدی خداوند تأیید فرماید او را و باقی بدارد و پیرا و او را به منتهای آرزوهایش برساند وی داماد خواهرش و دوستش و پسر خاله او بود و از دوستان یکدل و در دوستی و صداقت و وفاء خالص و پاک بود گفت در یکی از روزها از جناب او که پاک گرداند خداوند روح شریف او را سؤال کردم از آنچه که خود برای العین از مقامات و کرامات در دوران اشتغال به مجاهدات و ریاضات شرعیه داشته است پس از آنکه در این باره شدیداً انکار داشت دو موضوع بیان نمود :

۱ - در شبهای چندی نوری در نظرم ظاهر میشد که تاریکی ها را روشن می ساخت و در آن روشنائی آنچه را که از چشم مردمان پنهان و ناپیدا است را می دیدم و در آن نور در شب تاریک کتاب مطالعه میکردم بدون آنکه احتیاجی به نوری دیگر و چراغ داشته باشم .

۲ - در همان دوران اشتغال بر ریاضات و مجاهدات نفسانی گاه میشد که گرسنه شده و زیاد میل بغذا پیدا میکردم در این هنگام از عالم غیب انواع خوردنیها و آشامیدنیها برایم آماده میشد بقدر حاجت از آن غذاها و نوشیدنیها مصرف میکردم تا جائیکه رفع گرسنگی و تشنگی از من تا چندین روز میشد . و قسم بجان خودم

که راست گفت در آنچه گفت . و این چیزها نسبت بمقامات این دانشمند زاهد دانا و بافضیلت مقدار اندکی است و خداوند دانا بحقیقت حالات می باشد .  
او در اواخر عمر و دوران گذشتن روزگارش : بسیار نیکو کار ، وفادار ، خندان و خوشحال مهربان و دوستی رفیق و برادری پاکدل بود به همنشینی او هر کس آنس می گرفت و از مجالست و گفتگوی با او سیر نمیشد .

### شیخ در سفر :

در یکی از سفرها که بزیارت ائمه اطهار علیهم السلام مشرف میشد من رفیق راهش بودم از خوش صحبتی و محبت خالص و بی شائبه او چیزها دیدم ، کارهای من و همراهانم را انجام میداد کلیه کارها و تحمل انواع زحمتهای از بار بردن و دیگر زحمتهای بلکه بانوکران در کارهای مربوط به آنها شرکت مینمود در حالیکه بسیار خرم و شادمان میبود .

او مساعدت بسیار میکرد و مخارج زندگیش اندک بود ، لباس خشن و درشت می پوشید و غذاهای ناگوار میخورد و شام و نهار خود را بفقراء و یتیمان میداد و به اندک چیزی که مایه سد جوع او در شبانه روز باشد قناعت میورزید مازاد مخارج خود را به فقیران میداد .

مردی دوراندیش شکیبیا و با وقار در کلیه حالات در خوشی و ناخوشیها بود .

### شکل و شمایل :

دارای اندامی متوسط ، ضعیف و لاغر اندام ، گوشت در بدنش کم بود دارای



مزاجی ناتوان، چشمهای گیرا، بینی کشیده، ابروان کمابلی، گندمگون با قیافه‌ای نمکین، ریش اوتنک و آثار پیری در آن ظاهر شده بود گونه‌ها فرو رفته و بدون گوشت (ضعیف) اثر ابله در صورت او نمایان دندانهایش کمی گشاده بوده.

### شاگردی من نزد او:

من در خدمتش در نجف اشرف در ابتدای تشریف در آن ارض مقدس مقداری از کتاب «فصول» تألیف عموی علامه‌ام در اصول و کمی از علم هیئت و مقداری از علم معقول را نلמד کردم.

در زمانیکه در اصفهان بود در منزل خود اطاق کوچک تازیکی را برای خود انتخاب کرده بود که شب و روز از آنجا بیرون نمی‌آمد و پیوسته به فکر و ذکر و عبادت در آن جایگاه در آشکار و نهان مشغول بود.

### تولد و وفات:

تولدش در دوم محرم سنه ۱۲۶۶ و وفاتش در اولین روز محرم سال ۱۳۰۸ در اوائل ظهر واقع شد مدت عمر شریفش چهل و دو سال يك روز کم بود. و نقل کرد برای من یکی از خدمتکارانش که من بگفته ام مطمئن هستم که در موقع وفات او حاضر بوده شنیده است که او در آخرین لحظات زندگانی این شعر را میخوانده:

آنکه دائم هوس سوختن ما میکرد کاش می‌آمد و از دور تماشا میکرد  
و بر خردمندان مناسبت این شعر در آن حالت مخفی و پنهان نمی‌باشد.  
و خداوند دانا تر است به حقیقت حالها.

نقل يك رؤیا: و نقل کرد یکی از بزرگانیکه بگفتار من مطمئن می‌باشم از قول

یکی از بزرگان و کسانی که مورد اطمینان می باشند که گفت :  
در عالم رؤیا چنین دیدم که در سامراء میباشم و در آنجا خدمت حضرت  
رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم شرفیاب شدم پس از کلماتی بآن حضرت  
عرض کردم :

ای رسول خدا ، شیخ مرتضی انصاری نجات یافت ؟

فرمودند آری بشفاعت ما نجات یافت .

گفتم شیخ محمد باقر اصفهانی یعنی پدر علامه ام نجات یافت ؟

فرمودند آری بدوستی ما نجات یافت .

عرض کردم شیخ محمد حسین اصفهانی نجات یافت ؟

فرمودند او بر خدا وارد شد و هر چه میخواست خداوند باو عطا فرمود .

و خداوند دانا به ابتداء و انتهای کاربندگان است .

### تشریف به حرم مطهر :

و نقل کرد یکی از کسانی که به نقل و روایتش اطمینان هست از مرد صالحی  
که دربان روضه مطهره نجف برساکن آنجا هزاران سلام و تحیت باد که گفت :  
شیخ محمد حسین در دوره تشریفش بدان استان مبارک آخرین کسی بود که  
در شبها از حرم مطهر خارج میشد و اولین فردی بود که سحرگاه موقع گشودن درب  
حرم وارد می گشت .

در یکی از شبها او از حرم خارج شد و من نیز خارج شده درهای حرم را  
بستم چون موقع سحر برای گشودن درها آمدم صدائی و گفتگوئی از داخل روضه  
مطهره شنیدم و جود کسانی را حس کردم که گویا دو نفر بایکدیگر سخن می گویند  
ترسیدم که مبادا برخی از سارقین و دزدان جهت دزدیدن اموال و چیزهای گرانبهای

حرم باشند باشتاب درب حرم مطهر را گشودم با تعجب مشاهده کردم که شیخ محمد حسین اصفهانی مقابل ضریح مطهر و مرقد منور ایستاده است شگفتی من از آن بود که چگونه قبل از گشوده شدن درب حرم خود را بداخل حرم رسانیده و از کیفیت و حقیقت موضوع جو یا شدم و پرسیدم در آن موقع و حال با که سخن میگفتی ؟ بمن دستور سکوت داده و قسم داد مرا که تا او در قید حیات است این موضوع را برای احدی بیان نکنم و خداوند دانایتر است . انتهى .

### ماده تاریخ وفات :

چون فوت آن بزرگوار در دهه هاشوراء واقع شد یکی از شعراء تاریخ وفاتش را باین مصرع گفت : « با حسین شهید شد محشور » و من در تاریخ وفاتش گفتم : « نلم الاسلام ثلمه » .

چون خبر وفات او و سپری شدن روزگار زندگانیش بمن رسید اورادر يك قصیده مفصلی مرثیه گفتم که دوست داشتم که بعضی از آنرا در این کتاب شریف بیاورم .

### مطلع قصیده این است :

یا حین جودی بحمر الدمع مدارا

واذکر مساکین من تهویه والدارا

منازل عطلت من اهله و خلت

واستوحشت بعدما کانوا لها جارا

بالله سل مدمع الباکی هل ارتحلوا

ام هل بقى عنهم فى الربع آثارا

واز اشعار این قصیده است :

لم انس اذ زارنى والليل معتكر  
ثم استهل دموع العين من جزع  
كادت تاجع نيران الغرام به  
وظل ينثر فى ورد الخدود اسأ  
وصاح صبراً فان القوم قد ظعنوا  
افديه من زائر جنح الدجى زارا  
وطل دمعاً على الخدين مدرارا  
ثاراً تضرم فى الاحشاء سعارا  
لثالى الدمع مقللا ومكثارا  
يا بعدها منزلا ساروا واسفارا

وهم از این قصیده است در مرثیه :

لهفى على جيرة جار الرمان بهم  
لهفى على قمر قد غاب عن نظرى  
كنا وكانوا جميعاً فى هوى وتقى  
حتى رمثنا صروف الدهر من عجل  
قد كنت ارجو فدتك النفس يا املى  
لكن قضايا قضاء الله غالية  
واضرموا فى الحشام من هجرهم ناراً  
من ان تكتمل للوصول مضماراً  
عوناً على الدهر ايراداً واصداراً  
وفرقتنا بدوح الارض اشطاراً  
ان يستدام لنا الايام اعصاراً  
وليس بعد قضاء الله انكاراً

واز اشعار این قصیده است :

قد حاز من دوحة العلياء ازهرها  
ما كان بديراً ولكن يستضاء به  
وكان اوسعنا حلاً واصبرنا  
وكل نبت نما من معشب حسن  
روضاً وارفعها شأناً ومقداراً  
ما كان بحراً ولكن كان ذخاراً  
على الحوادث ايساراً واعساراً  
يكون اقصرها عيشاً واعماراً

قصیده دیگر : همچنین در مرثیه او قصیده مفصل طویل دیگری گفتیم  
واراده کردم که بعضی از اشعار آنها در این جا بیاورم اگر چه من راهرو این  
راهها نبوده‌ام ( شاعر و مرثیه سرا نبوده‌ام ) .

مطلع آن قصیده این است :

حل جاد صب بالهوى فاجودا  
ام هل افاق من الصباية عاشق  
ام هل سمعت بعاشق ذاق الهوى  
ام هل رأيت متيما خاف الردى  
ما كنت اول من تصدر للهوى  
تبدو على كل الامور نقيصة  
اترى الصبايب الفتى بالله ام  
كيف التستر والوشاة على الهوى  
وغرير دمع فى الهوى يهريقها

وهم از اشعار ابن قسيده است در حماسه :

لله ايام الصبا اذ كان لى  
ويهنى سكر الشباب كانى  
يا دهر كف فان من عاديته  
ودع التحاول لمن تذلل من غدا  
من مبلغ العلياء عنى انى  
وانار ضيغ لباهها وحليفها  
والمجد ما رفعت لمجد راية  
والعين شاخصة الى عليائه  
فكرب داهية رفعت قناعها  
كم طارق غرثى كشفت كروبه  
ومخوف صرف الزمان اجرته  
وبدا غصون المجد متى مورقا

ام زاد عن لوم العدى فاودا  
فابق ام هل استطاع ججودا  
فطاع عاذله وخان عهودا  
فى وصل من يهوى فرام صدودا  
ذاق النوى دهرأ ومات شهيدا  
والحب يوماً بعد يوم يزيدا  
ذم الصباية فى السورى محمودا  
وجدى وكدى والسقام شهودا  
نار تاجج فى الكلى وسهودا

نجم المسرة بازغاً مسعودا  
غصن يميل به الصبا ويعيدا  
شمس العداوة لا يخاف عنيدا  
قد نال عزا ما عليه مزيدا  
احمى حماها قائماً وقعودا  
عند الهزائم مصدرأ وورودا  
الا اخذت ذمامها والمعفودا  
شرأ اذا ما الناس عندرقودا  
ومعاضل كشفتها وعقودا  
وبذلت فيه طارقاً وتليدا  
وصرفته رطب اللسان حميدا  
بيد تمد الى الفحار مديدا

لواخذ الشرف الفتى لرأيتلى  
 لكن من غير الزمان وصرفه  
 كراحوادث والشهور لحادث  
 وارى المنايا والمنى اثرالفتى  
 فى الدهر مادام السماء خلودا  
 لم ينج مذموماً ولا محمورا  
 لا والد ييقى ولا مولودا  
 يتسابقان وما لهن مدودا

وهم از اين قصيده است در مرثيت :

يا صاحبي ارى التهاجر قاتلى  
 عوداالذكر الى بعد تذكراكالهوى  
 كنا جميعاً فى مضامير الهوى  
 فأباد تاريب الزمان وصرفه  
 مهلا روييات الزمان وصرفه  
 بابى اخأ برأ كريماً ماجداً  
 قدكان بحرألفضائل والنهى  
 ما جاد بعدك وابل طلاولا  
 ولقد بنى على الزمان واهله  
 لهنى لايام الوصال وقد مضت  
 هيهات ان يلد الزمان بمثله  
 يغرزعلى بان ارى غوث الورى  
 من الارامل واليتامى والتقى  
 عوداً على ود الاحبة عودا  
 عهد الحبيب وفضله المشهودا  
 فى ظل شاخصة العلى ممدودا  
 يا ليت كللكة الزمان تبودا  
 امهل رويداً وامهلين رويدا  
 قد عاش محموداً ومات سعيذا  
 ان كان للبحر العطا والجودا  
 اخضر بعدك للمسرة عودا  
 اذمايسرونك والفخار فقيدا  
 يا ليت ايام الوصال تعودا  
 وان استكان وابذل المجهودا  
 ما بين اطباق الثرى ملحودا  
 والنائبات اذا وردن ورودا

تمام شد ترجمه رساله شريف بدست بنده خاطى جاني، فقير رحمت پروردگار

غنى هادى نجفى در اول شهر ربيع الولود سنة ١٤٠٦ .



( ٨ )

## بيان مجد النبلاء

در احوالات

شيخ ابوالمجد محمد الرضا

( ١٢٨٧ - ١٣٦٢ )







أبو المجد يتوسط ولديه مجد الدين وعز الدين



## پیشگفتار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و به نستعین

سپاس و ستایش خدایا که به این بنده توفیق تألیف و تنظیم این کتاب را که در شرح حال و گزارش احوالات یکی از خاندانهای علمی و روحانی و خدمتگزار بشرع مطهر بوده اند عنایت فرمود.

این فصل شامل حال یکی از نوابغ علم و ادب و نوادرفضلاء و فقهاء و مجتهدین عصر حاضر جامع کلیه علوم اسلامی از فقه و اصول و حدیث و تفسیر و شعر و ادب و ریاضی و کلام و هیئت و فلسفه و دیگر علوم بود و الحق آنچه درباره ایشان گفته شده که شیخ بهائی زمان ما بود کلامی بگزافه و اغراق نبود.

یکی از مؤلفان عظام و دوستان قدیمی که از هر جهت حقوقی بر ذمه این نویسنده ثابت دارند پس از آنکه جلد اول کتاب پاکنویس شده بود و مقاله ای نیز از نویسنده سطور درباره علامه آقا شیخ محمد رضا نجفی در مجله نور علم

شماره چهارم دوره دوم چاپ قم بطبع رسیده بود و نام کتاب را: بیان سبل الهدایه فی ذکر اعقاب صاحب الهدایه « معرفی و نامگذاری نموده بسودم پیشنهاد فرمود که :

بی مناسبت نیست که بمناسبت کنیه مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی وهمچنین لقب فرزند گرامی ایشان مرحوم آیت الله آقای مجد العلماء و نام تفسیر قرآن مرحوم علامه فقیه زاهد حاج شیخ محمد حسین نجفی که در چاپ دوم : مجد البیان « نامیده شده است ، در این کتاب نیز ذکری از کلمه : « مجد » که نشانه عظمت بزرگواری علماء و فقهاء و مجتهدین این خاندان جلیل است بشود . نویسنده با تصدیق به گفتار این صدیق مکرم و دانشمند معظم چون موقع تسمیه کتاب گذشته است این فصل را بنام :

#### « بیان مجد النبلاء »

در شرح احوالات علامه شیخ ابوالمجد محمد رضا نجفی مسجد شاهی نامیده و از آن سرور مکرم پوزش می طلبم اینک بخواست خداوند متعال شروع در مقصود می کنیم :

نام : آقا شیخ محمد رضا نجفی

شهرت : آقا رضا مسجد شاهی ( اصفهانی )

کنیه : ابوالمجد

تولد : ۲۰ شعبان سال ۱۲۸۷ در نجف اشرف

پدر : علامه فقیه زاهد حاج شیخ محمد حسین بن حاج شیخ محمد باقر

مسجد شاهی فرزند علامه شیخ محمد تقی رازی اصفهانی صاحب حاشیه .

مادر : علویه رباب بیگم دختر مرحوم عالم جلیل آقا سید محمد عاملی

اصفهانى معروف به : آقا مجتهد

جده پدرى : مادر حاج شيخ محمد باقر مسجد شاهى : بانو نسيمه خاتون  
دختر شيخ اكبر جناب حاج شيخ جعفر نجفى مؤلف كشف الغطاء .  
جده مادرى : مادر مرحوم آقا مجتهد ، بانو جان جان خاتون دختر مرحوم  
شيخ الطائفه جناب حاج شيخ جعفر نجفى مؤلف كتاب كشف الغطاء .  
جده مادرى ديگر : زوجه مرحوم آقا مجتهد دختر علامه فقيه مجتهد الزمان  
مرحوم حاج سيد محمد باقر شفتى بيد آبادى معروف به حجة الاسلام .  
همسر : مرحوم آقا شيخ محمد رضا داراى همسران متعدد از عقدى وغيره  
( عقد دائم و منقطع ) و از هر يك از آنان اولادى بهمرسانيده است .  
زوجه اول ايشان كه در نجف اشرف اختيار نموده است .  
بانو علويه زهرا بيگم دختر عالم جليل مرحوم آقا سيد محمد امامى خاتون  
آبادى اصفهانى نجفى بوده است .

سلسله نسبت مرحوم آقا سيد محمد امامى :

مرحوم آقا سيد محمد خاتون آبادى از جمله علماء اخيار و فضلاء ابرار  
و محترمين و مورد وثوق و اطمینان عموم مراجع و مجتهدين بوده و از طرف  
متوليان و ناظرين موقوفات مدرسه صدر نجف در امور آنجا دخالت ميكرده  
است .

شجره نسب او بقرار زير است :

مرحوم آقا سيد محمد فرزند ميرزا محمد حسين خاتون آبادى اول كسيكه  
از اصفهان به نجف اشرف مسافرت نموده و در آن شهر مقدس ساكن گرديده  
فرزند مرحوم ميرزا عابدين بن ميرزا محمد على بن ميرزا محمد رضا بن ميرزا

زین العابدین بن میر محمد صالح شیخ الاسلام. فرزند میر عبد الواسع بن میسر محمد صالح بن میر محمد اسماعیل معروف به شاه مراد مدفون در قریه گورت اصفهان فرزند میر عماد الدین محمد (اول کسبکه از این سلسله جلیله در اصفهان ساکن گردیده و مدفون در پای کوه گورت) فرزند میر سید حسن نقیب فرزند میر جلال الدین نقیب فرزند میر سید مرتضی نقیب فرزند میر سید حسن (اول کسبکه از مدینه طیبه سال ۷۹۲ بخراسان مهاجرت نموده و در سال ۸۱۵ در خراسان وفات یافته است) فرزند سید حسین شمس الدین بن سید علی شرف الدین بن سید محمد مجد الدین بن سید حسن تاج الدین بن سید حسین شرف الدین بن عماد الشرف محمد بن سید عباد بن محمد بن حسین بن محمد بن ابو عبد الله امیر حسین معروف بقمی بن علی بن میر محمد معروف به عمر الاکبر بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن الامام علی بن الحسین سید الساجدین علیه السلام .

نقل از خط مرحوم آقا سید محمد حسین خاتون آبادی معروف به آزاد رحمة الله علیه .

مرحوم آقا سید محمد امامی در نجف در خدمت جمعی از علماء تلمذ نموده و سالها در این شهر مقدس ساکن بوده و در اواخر عمر به کربلا منتقل گردیده و در آن شهر وفات یافته و همانجا مدفون گردیده رحمة الله علیه .

#### اسامی پسران مرحوم آقا سید محمد امامی :

مرحوم آقا سید محمد امامی خاتون آبادی دارای چهار فرزند پسر بوده که همگان از فضلاء و علماء بشمار میرفته اند اسامی آنان بدین شرح میباشد :

۱ - آقا سید حسن که در مسافرت با اصفهان در این شهر وفات یافته و در تکیه میر در تخت فولاد در اطراف جنب قبر مرحوم حکیم و فیلسوف بزرگوار میر

ابوالقاسم فندرسکی مدفون گردیده است .

۲ - مرحوم آقا سید زین العابدین معروف و مشهور به سید میرزا متوفی به سال ۱۳۵۶ در نجف اشرف مرحوم آقا سید زین العابدین دارای چندین فرزند پسر و دختر بوده از آنجمله :

الف - آقا سید حسن داماد عالم جلیل آقا سید محمد شاهرودی فرزند مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی  
ب - دختری که زوجه علامه ادیب شاعر مرحوم حاج سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی بوده است .

مرحوم حاج سید محمد هاشمی فرزند مرحوم آیت الله العظمی سید جمال الدین گلپایگانی نجفی (فرزند سید حسین بن سید محمد علی موسوی گلپایگانی یکی از مراجع بزرگ تقلید و از اولاد زمان متولد در ۱۲۹۶ و متوفی در ۱۳۷۷) میباشد .

در کتاب : معجم رجال الفكر والآداب ( ص ۲۸۶ ) در باره او می نویسد :  
عالم فاضل مجتهد جلیل من اساندة الأدب العربی وسیع الخیاتی سهل الییان وگوید که مقدار زیادی از اشعار او در مجلات و روزنامه های عراق بچاپ رسیده است . کتابهای زیر از تأیفات اوست : ۱ - الأدب الجدید مطبوع ۲ - اصول الدین الاسلامی مطبوع ۳ - الامام المنتظر علیه السلام ۴ - دیوان اشعار مطبوع ۵ - فاطمة الزهراء سلام الله علیها مطبوع .

علامه محقق بزرگوار جناب حاج سید محمد علی روضانی درپاورقی شرح حال مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی ( ص ۲۲۲۱ ششم مکرر الاثار ) در باره این عالم جلیل می نویسد :

این سید جلیل از نوابغ علم و ادب حوزه نجف اشرف بود . و گویا بمعارضه



سکته در شب جمعه ۱۴ ربیع الاول سال ۱۳۹۷ در نجف وفات یافت و در جوار والد ماجدش آیت الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی رحمه الله علیهما در مزار مطهر وادی السلام بخاک سپرده شد .

تولد مرحوم حاج سید محمد در سال ۱۳۲۲ هجری قمری در نجف اشرف بوده است .

۳ - سومین فرزند پسر مرحوم آقا سید محمد امامی ، آقا سید علی نام داشته است .

۴ - مرحوم آقا سید مهدی امامی داماد علامه جلیل فقیه اصولی استاد مجتهدین آیت الله العظمی مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی رضوان الله علیه از مراجع بزرگ تقلید .

به سعی و اهتمام مرحوم آقا سید مهدی چندین رساله از تألیفات مرحوم آیت الله عراقی بچاپ رسیده است . شرح حال مرحوم آقا ضیاء الدین در عموم کتب تراجم معاصرین نوشته شده و عموماً از مقامات علمی واحاطه و جامعیت ایشان سخن گفته اند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار در ضمن وقایع سال ۱۳۷۸ یعنی سال تولد آن مرحوم شرح نسبتاً جامع ومفصلی از زندگانی آن علامه بزرگوار نوشته ودانشمند محترم ، محقق ومتتبع ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد علی روضانی در پاورقی آنرا تکمیل فرموده اند طالبین مراجعه نمایند .

کتابهاییکه از مرحوم آیت الله عراقی بهمت داماد بزرگوارش بچاپ رسیده است بدینقرار است : ۱ - کتاب القضاء از شرح تبصره ۲ - رساله فی تعاقب الایدی ۳ - روائع الامالی در فروع علم اجمالی ۴ - رساله در لباس مشکوک .

## دامادهای مرحوم آقا سید محمد امامی علیه الرحمه :

ظاهرآ مرحوم آقا سید محمد دارای سه فرزند دختر بوده که بترتیب عبارتند

از :

۱ - زوجه علامه فقیه مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی .

۲ - زوجه مرحوم آقا سید عبدالله خلیفه موسوی احسائی .

۳ - زوجه مرحوم آقا شیخ حسین فرزند علامه فقیه مرحوم فاضل شرایبانی

سرابی تبریزی نجفی .

فائده ۱: مرحومین عالمین فاضلین آقا میر سید محمد امامی خاتون آبادی و علامه

فاضل مرحوم شرایبانی عدیل بکد دیگر بوده اند (یعنی باجناب و باصطلاح اصفهانیان

همریش) .

فاضل شرایبانی : مرحوم مولی محمد بن فضلعلی بن عبد الرحمن بن

فضلعلی شرایبانی از بزرگان علماء و مجتهدین و اکابر فقهاء و محققین عالم عامل

و فقیه کامل جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول از مراجع تقلید در سال

۱۲۴۵ ( در احسن الودیعہ سال ۱۲۴۸ و در برخی از کتب دیگر حدود ۱۲۵۰

می نویسد و سال ۱۲۴۵ بنا بنقل از کتاب الذریعه می باشد ) متولد گردیده در تبریز

مقدمات علوم را فرا گرفته سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و از اساتید بزرگوار

آنجا بهره مند گردیده تا بمقامات عالیہ علم و اجتهاد نائل گردیده و در زمان حیات

اساتید خود بدرس فقه و اصول اشتغال جسته و جمعی کثیر از افاضل طلاب به محضر

او حاضر میشده اند و پس از فوت مرحوم میرزای مجدد شیرازی ( سال ۱۳۱۲ )

مرجعیت تقلید یافته و عده ای از مردم آذربایجان و دیگر شهرها از وی تقلید مینموده اند

اساتید و مشایخ اجازه آن مرحوم عبارتند از : ۱ - میرزا حسن بن میرزا علی

علیاری تبریزی شیخ روایت ۲ - مرحوم آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی  
۳ - مرحوم آقا سید حسین ترك كوه كمری استاد و شیخ روایت ۴ - مرحوم شیخ  
الطائفه آیت الله علی الاطلاق حاج شیخ مرتضی انصاری استاد و شیخ روایت  
۵ - مرحوم آقا میرزا مهدی معروف به قاری در تبریز مرحوم فاضل شرایبانی  
را تألیف چندی است بدینقرار : ۱ - کتاب الاصول بزرگتر از کتاب قوانین  
مرحوم میرزای قمی علیه الرحمه ۲ - تعلیقه بر فرائد ۳ - تعلیقه بر مكاسب ۴ -  
تقریرات فقه و اصول مرحوم آقا سید حسین ترك ۵ - ذخیره العباد لیوم المعاد  
رساله عملیه پس از فوت آن بزرگوار بوسیله چند تن از بزرگان مجتهدین حاشیه  
خورده و مورد عمل مقلدین بوده است ۶ - رساله عملیه غیر از ذخیره العباد ۷ -  
شرح معلمات السبع ۸ - کتاب الصلوة ۹ - کتاب متاجر و غیره .

مرحوم فاضل شرایبانی در بین الطلوعین روز جمعه ۱۷ رمضان المبارک سال  
۱۳۲۲ در نجف اشرف وفات یافت در آن سال بمناسبت شیوع بیماری وبا  
حکومت نجف دستور منع دفن اموات در حجرات و صحن مطهر علوی داده  
بود و شدیداً ممانعت میکرد لکن مردم غیور و متمصب نجف خود را با اسلحه سرد  
و گرم مجهز ساخته و آماده برابری و مقابله با قوای دولتی در صورت جلوگیری  
از دفن در صحن مطهر گشته و جنازه آن مرحوم را باتشیع بی سابقه و با کمال عزت  
و احترام در یکی از اطاقهای صحن بخاک سپردند و دولت بعداً اجازه صادر  
نمود .

ماده تاریخ وفات مرحوم فاضل جمله : « یرحم الله جناب الفاضل » میباشد .

مرحوم فاضل دارای سه فرزند پسر بنامهای : شیخ حسن و شیخ حسین و شیخ

محسن بوده است .

شیخ محسن مؤلف رساله ای است در شرح حال پدر بزرگوار خود .

شرح حال مرحوم فاضل شرایانی در عموم کتب رجالیه مذکور است و نویسنده  
با مراجعه به: احسن الودیعه ص ۱۷۶ یکم - اعیان الشیعه ص ۱۸۸ سی و نهم -  
ریحانه الادب ص ۳۰۲ دوم - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ص ۴۰۵ -  
الکنی والاقاب ص ۲۲۰ دوم - معارف الرجال ص ۲۷۲ دوم - مکارم الآثار ص  
۱۲۵۶ چهارم و شرح حال میرزای شیرازی ترجمه هدیه الرازی ص .

توضیح و تکمیل: در روز ۹ ربیع الاول سال ۱۳۸۴ دانشمندی بنام: میرزا  
ابوالحسن شرایانی که گفته شد فرزند علامه جلیل مرحوم فاضل شرایانی است  
وفات یافت وی از علماء و فضلاء و مدرسین حوزه علمیه قم بود رحمة الله علیه .  
دیگر از معارف اعقاب مرحوم آیت الله فاضل شرایانی: عالم جلیل شیخ  
عبدالحمید شرایانی میباشد که در سال ۱۳۵۰ خورشیدی در ساله از تألیفات او بنامهای:  
۱ - رساله الامضاء فی القدر والقضاء ۲ - النظر فی الجبر والقدر در تبریز بچاپ  
رسیده و در پشت جلد آن نام پنج رساله دیگر از تألیفات ویرا نام برده است .  
فائده ۲: مرحوم آقا سید عبدالله خلیفه فرزند سید محمد علی متوفی بسال  
۱۳۰۵ فرزند سید محمد بن خلیفه موسوی احسائی عالم جلیل و فاضل ورع در  
سال ۱۳۰۰ متولد گردیده و دو شنبه پنجم محرم سال ۱۳۷۴ در بصره وفات  
یافته جنازه او به نجف اشرف حمل گردیده و در زیر ساباط صحن مرتضوی که  
فعلا در مسجد قرار گرفته و در ایوانی قرار دارد که بوسیله شبکه به دالان متصل  
میشود .

در این ایوان قبر آقا سید مهدی امامی فرزند آقا سید محمد امامی نیز قرار  
دارد .

علامه طهرانی در نقباء البشر ( ص ۸ ۱۲ سوم ) ویرا عنوان کرده و گوید:  
از اصدقاء مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شامی و همچنین عدیل وی بوده

یعنی هر دو نفر داماد مرحوم آقا سید محمد امامی خاتون آبادی بوده‌اند و همچنین  
شیخ حسین بن مولی محمد فاضل شرایبانی سومین داماد مرحوم آقا میر سید  
محمد بوده است .

فرزند او ( یعنی شیخ حسین شرایبانی ) میرزا یوسف شرایبانی است که  
داماد مرحوم سید عبدالله خلیفه میباشد .

مرحوم آقا سید عبدالله از جمله شاگردان مرحوم آخوند ملا محمد کاظم  
خراسانی و مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی و شیخ علی جواهری بوده است .

### اقوال بزرگان :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا که عموماً ایشانرا : آقا رضا مسجد شاهی  
میخواندند از نظر جامعیت در علوم از فقه و اصول و حکمت و ریاضی و ادب مورد  
قبول عموم دانشمندان و نویسندگان بوده و همگان ویرا بعلم و ادب و شعر و حکمت  
و اجتهاد و فقاہت ستوده‌اند ذیلا بعنوان نمونه سه چند گفتار از قول بزرگان علم  
و دانش اشاره می‌کنیم :

۱ - علامه سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه ( صفحه ۴۹ سی و دوم )  
بنقل از حضرت آیت الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی در باره  
ایشان می‌نویسد :

من نوابغ العصور و اغالیط الزمان فقهاً و اصولاً و ادباً و شعراً و حدیثاً و ریاضیاً .

۲ - علامه شیخ علی بن شیخ محمد رضا آل کاشف الغطاء در کتاب: الحصون  
المنیعه فی طبقات الشیعه ( صفحه ۸۹ یکم ) بنقل صاحب کتاب: ادب الطیف یا شعراء  
الحسین ( صفحه ۲۶۰ نهم ) می‌نویسد : عالم فاضل فقیه اصولی ریاضی فلسفی  
شاعر نثر . . . .

وهمچنین در الحصون المنیعه ( ص ۵۳۳ سوم بنقل شعراء الغری ) : پس از آنکه از قریحه و استعداد او در شعر و ادب ستایش می کند می نویسد :  
وله شعر كثير واغلبه فی المراسلات والمراجعات مع احبائه وشعراء زمانه .  
و در الحصون ( صفحه ۴۸۹ یکم ) زیاده بر هزار بیت از اشعار او را نقل می کند و در اول آنها قصیده آن مرحوم را که در مرثیه حضرت سید الشهداء علیه السلام سروده است نقل می کند .

۳ - مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب ( صفحه ۱۶۴ پنجم ) می نویسد :

از اجلای علمای عصر حاضر ما که فقیه اصولی حکیم متکلم ریاضی عروضی شاعر ماهر و جامع معقول و منقول و فروع و اصول ...

۴ - حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی در پشت کتاب : السیف الصنیع علی رقاب منکری البدیع از تألیفات مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی آنجناب را بدینگونه ستوده و معرفی فرموده است :  
الامام الهمام القدوة الاسوة نابتة العصر ویتمة الدهر رب الفضائل وکعبتها التي تهوى اليها الافئدة ناطورة الفقه عالم الكتاب والسنة فقیه الامة خريت الأديب و طائرها الصیت شیخ الاجازه و مرکز الروایة الرحلة المسند الثبت الثبت المصنف المؤلف المجید المجید مفسر التفسیر درة تیجان المحدثین و مقدم المجتهدین حجة الاسلام و المسلمین آية الله العظمی بین الوری شیخنا و استادنا الشیخ محمد الرضا ابی المجد الاصفهانی النجفی لازالت بیاض الفضل بوجوده مبتهجة ضاحكة مستبشرة سپس حضرت آیت الله خویشان را بدینگونه معرفی می نماید .

الراجی المستکین ابوالمعالی شهاب الدین الحسینی الحسنی المرعشی الرضوی الموسوی النجفی المشتهر بالنجفی حررتها فی ۱۸ شوال المکرم

۱۳۵۹ بیلده قم المشرفه حرم الائمه عليهم السلام .

۵ - مرحوم شيخ محمد سماوی در کتاب : الطلیعه من شعراء الشيعة ( ص ۴۳ چهارم شعراء الغری ) می نویسد: فاضل تلقی الفضل عن اب وجد ولم يكفه ذلك حتى سعی فی تحصیله وجد، الی زکاه ثاقب ونظر صائب وروح خفیه وحاشیه طبع رقیقه الی النجف فارتقی معارج الکمال وزاحم بمناكب الفضل الرجال حتى بلغ فيه الامال وصنف ما تطيب به النفس وتجذب به القلوب امنيتها والافكار ضالتها ونظم فاصاب شاکلة الغرض ونثر فامتار جوهر کلامه عن کل عرض .

۶ - دانشمند محترم آقای حاج شيخ محمد هادی امینی فرزند علامه مرحوم آقا شيخ عبدالحسين امینی مؤلف کتاب گرانقدر الغدير در کتاب : معجم رجال الفكر والأدب فی النجف خلال الف عام (صفحه ۳۶) در باره آنجناب می نویسد: عالم فیه اصولی حکیم متکلم ریاضی عروضی شاعر ماهر جامع المعقول والمنقول .  
۷ - علامه حاج شيخ آقا بزرگ طهرانی در نقباء البشر ( ص ۷۴۹ دوم ) در ضمن بیان شرح حال آن مرحوم می نویسد :

كان مجتهداً فی الفقه محیطاً باصوله وفروعه متبحراً فی اصول متقناً لمباحثه ومسائله ، متضلحاً فی الفلسفه خبير بالفسیر ، بارعاً فی الکلام والعلوم الرياضیه، وله فی کل ذلك آراء ناضجه ونظريات صائبه اصف الی ذلك نبوغه فی الادب والشعر . . .

آنچه از مجموع این گفتارها ونظریات حاصل میشود آنکه :

مرحوم آقا شيخ محمد رضا را باید ادیب الفقهاء والمحققین وفقیه الشعراء المدققین فیلسوف المجتهدین وحکیم الاصولیین استاد الرياضیین و خلاصه کلام جامع جمیع فضائل و کمالات بوده و حقاً از مفاخر علمی و ادبی شیعه در قرن اخیر می باشد رحمة الله علیه .

## صورت و سیرت مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا دارای قدی کوتاه و صورتی زیبا و جذاب و اخلاقی پسندیده و در معاشرت و محاورت بود . در موقع صحبت تند سخن می گفت با جمله های کوتاه و رسا در هنگام نوشتن عباراتش عموماً خشن و نیشدار بود و از این جهت عده ای ویرا مورد ایراد و اعتراض قرار میدادند از نمونه های آن حواشی آن مرحوم است بر روضات الجنات .

لطیفه گو و حاضر جواب بود و از اومزاحهای نمکین و شوخیهای شیرین نقل شده است که بعداً به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد .

در دوستی و محبت مستقیم و ثابت قدم بود .

نسبت به اساتید خود متواضع بود و همیشه نام آنان را بعظمت و بزرگی یاد میکرد و بخصوص از دو نفر آنها: مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم آقا سید محمد فشارکی اصفهانی بیشتر یاد مینمود و اقوال آنان را در موقع درس و مباحثات علمی بیان میکرد .

از زندگانی خود ناراضی بود و در بیشتر مجالس عمومی و خصوصی حتی جلسات درس و مباحثات نیز این نارضائی را آشکار مینمود .

از اوضاع زمان و مردم روزگار و بالاخص برخی از اهل علم که عالم بی عمل بودند شکایت داشت و این شکایت را بی پروا همه جا اظهار میکرد .

در موضوع درس و مباحثه بسیار ساعی و کوشا و در امر رسیدگی به امور مردم اهتمام تام داشت امر بمعروف میکرد و نهی از منکر مینمود و در این راه از مصادیق آیه شریفه : لایخافون لومة لائم بود .

یکی از بزرگترین خدمات آن مرحوم بعالم اسلام حفظ حوزه علمیه اصفهان



در دوره اختناق رضا شاهی بود که مجلس درس را تعطیل نکرد و چون برای او و طالب علوم دینی حضور در يك جلسه در مسجد و یا مدارس دینی محظور داشت و عموماً غیر ممکن بود ایشان همچون جمعی دیگر از علمای بزرگوار اصفهان جلسات درس را در منازل خود تشکیل میدادند و هنگام درس گفتن درب منزل را بر روی دیگر مراجعین می بستند و جمعی از طلاب با لباس متحد الشکل بحکم طاغوت زمان و اجباراً در جلسات حضور می یافتند . لکن بحمد الله والمنه پس از مدتی کلیه موانع ظاهری و اشکالات و سخت گیریهای مأمورین ( غیر معذور ) خاتمه یافت و مجدداً حوزه علمیه اصفهان و دیگر شهرها رونق و رواج یافت .

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفواههم ویأبی الله الا أن یتن نوره ولو کره الکافرون .  
( سورة التوبه آیه ۳۲ ) .

چند نمونه از لطیفه گوئیهای مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی  
علیه الرحمه :

نقل است که تاجری از مردم یزد چندین مجلد کتاب بر کتابخانه مدرسه مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی در نجف اشرف وقف کرد و در وقفنامه قید کرد که :  
اگر دو طلبه یکی یزدی و دیگری غیر یزدی در يك شب کتاب را بخوانند  
و مورد نیازشان باشد البته طلبه یزدی بر غیر مقدم است .

۱- شوخی مرحوم آقا شیخ محمد رضا با مرحوم علامه فقیه آقا سید محمد کاظم طباطبائی رحمه الله علیه : روزی مرحوم طباطبائی در جلسه درس فقه در موضوع خیار حیوان بحث میکردند و بطور مثال فرمودند : او باع حماراً و این جمله را بمناسبت چندین بار تکرار نمودند . یکی از طلاب حاضر در جلسه درس می گوید :  
چرا فقط مثال به « حمار » میزنید ؟

مرحوم آقا شیخ محمد رضا که حاضر در جلسه درس بوده فوراً وبدون تأمل می گوید :

یزدی بر غیر یزدی مقدم است .

حاضرین حوزه درس از این جمله که ضمناً تعریض به واقف کتب نیز بوده است بخنده می افتند و خود مرحوم علامه طباطبائی یزدی نیز مدت چند دقیقه می خندد و همگی بر حسن تعبیر مرحوم آقا شیخ محمد رضا تحسین و آفرین می گویند .

۲- شوخی مرحوم آقا شیخ محمد رضا با مرحوم آخوند خراسانی رحمه الله علیه : معروف آنست که در جلسه درس مرحوم آخوند خراسانی که تعداد حاضرین در آن بالغ بر چندین صد نفر میشده اند هیچ يك از آنها قدرت اظهار نظر و سؤال و ایراد نداشته است مگر چند نفر از افاضل طلاب که از آنجمله مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی بوده است .

در یکی از روزها در هنگام درس مرحوم آقا شیخ محمد رضا سؤالی می کند و مرحوم آخوند جواب میفرماید مرحوم آقا شیخ محمد رضا سؤال دیگر و یا ایرادی بجواب استاد میگیرد و جواب می شنود سومین بار ایراد می کند و ایراد ایشان ظاهراً در نظر استاد اشتباه و بیمورد بوده و ایشان را ناراحت می کند لذا میفرماید : آخوند خر ساکت شو !

مرحوم آقا شیخ محمد رضا بدون تأمل می گوید :

« قید آن توضیحی است » .

همه حاضرین و خود آخوند خراسانی از این لطیفه گوئی و حاضر جوابی بخنده می افتند .

تنبیه : در این لطیفه نکته ای دقیق هست که بر هوشمندان مخفی نیست .

۴ - مزاح بامرحوم حاج میرزا رضا کلباسی اصفهانی: مرحوم حاج میرزا محمد رضا فرزند میرزا عبدالرحیم کلباسی اصفهانی (۱۲۹۵-۱۳۸۳) عالم محقق جلیل از علماء اخیر صاحب تألیفات کثیره در اواخر عمر به مشهد مقدس رضوی رفته و در آنجا مجاورت اختیار کرده و هم در آن ارض مقدس وفات یافته و مدفون گردید و لنعم ما قیل :

آنانکه در جوار رضا آرمیده اند      کفران نعمت است بهشت آرزو کنند

از جمله تألیفات آن مرحوم کتابی است بنام: « انیس اللیل در شرح دعای گمیل » که يك مرتبه در زمان حیات مؤلف و بار دوم پس از وفات ایشان بسعی و اهتمام و حواشی فرزند ایشان مرحوم ثقة المحدثین حاج شیخ اسماعیل از فضلاء اهل منبر و خطباء و واعظین اصفهان به چاپ رسیده است .

پس از چاپ و انتشار چاپ اول کتاب: انیس اللیل در جلسه ای که عده زیادی از اهل علم و غیره حضور داشتند و مرحومین کلباسی و نجفی نیز حاضر بوده اند . مرحوم آقا شیخ محمد رضا خطاب به مرحوم حاج میرزا رضا می گوید: « آقا چند شب انیس اللیلتان را بفرستید مطالعه کنیم » و فیه نکته لطیفه .

#### اساتید و مشایخ اجازه :

مرحوم آقا رضا مسجد شاهی اصفهانی در اصفهان و نجف در نزد بسیاری از بزرگان علماء و مجتهدین و حکماء و ادباء و ریاضی دانان و فلاسفه بکسب علوم و فضائل اشتغال جسته و با داشتن استعداد کافی و هوش سرشار و مجاهدت و کوشش در راه تحصیل علم و دانش در مدت بسیار اندک ترقیات زیادی نموده بطوریکه نام او در زمره فقهاء و اصولیین و حکماء و ادباء و شعراء در ردیف دانشمندان طراز اول قرار گرفت و در کلیه علوم بالاخص فقه و اصول و علوم ادبی و ریاضی

زبانزد خاص و عام و مشار بالبنان گشته و آراء و نظرات او مورد توجه و قبول  
عموم مجتهدین و بزرگان اهل ادب و شعراء قرار گرفت .

دانشمندان زیر از جمله بزرگانی هستند که مرحوم آقا شیخ محمد رضا از  
آنان بهره علمی یافته و با اجازه اجتهاد و روایت دریافت نموده است :

۱ - مرحوم آقا سید محمد ابراهیم قزوینی . علامه طهرانی در نقباء البشر  
( ص ۷۴۸ دوم ) می نویسد :

بعضی از سطوح فقه و اصول و تفسیر را نزد او خوانده است . ( کتاب نحو -  
معالم الاصول - روضة البهیه در شرح لمعه ) .

ظاهراً مرحوم آقا سید محمد ابراهیم قزوینی استاد آقا شیخ محمد رضا  
فرزند سید هاشم بن محمد علی موسوی ( ۱۲۳۳ - ۱۳۲۷ ) می باشد که در صحن  
حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام در کربلا اقامه جماعت مینموده و خود او  
از شاگردان پدرش و مجاز از او بوده است و در هفتم ربیع الثانی سال ۱۳۶۰  
وفات یافته است ( ص ۲۴ نقباء البشر و ص ۴۹ سی و دوم احیان الشیبه ) .

۲ - حاج شیخ محمد باقر بهاری همدانی از مشایخ اجازه ( ۱۲۷۷ - ۱۳۶۳ )  
شعبان ) .

شیخ محمد باقر بن محمد جعفر بن محمد کافی بن محمد یوسف بهاری  
همدانی عالم فقیه زاهد عارف از بزرگان علماء و فقهاء و عرفاء و تربیت یافتگان  
مولی حسینی همدانی ( فوت ۱۳۱۱ ) بوده شرح حالش در عموم کتب تراجم  
رجال مسطور و عموماً ویرا به عظمت و بزرگی ستوده اند در نقباء البشر ( ص ۲۰۱  
یکم ) متجاوز از شصت مجلد از تألیفات ویرا ذکر نموده طالبین مزاجمه نمایند  
مرحوم آقا شیخ محمد رضا در اجازاتی که جهت شاگردان خود مرقوم فرموده  
ویرا از مشایخ اجازه خود نامبرده است .

### ۳ - مرحوم آقا سید جعفر حلی ( ۱۲۷۷ - ۱۳۱۵ ) .

سید جعفر بن محمد بن محمد حسن حسینی ادیب شاعر از بزرگان ادب و شعراء و نوابخ در نظم انواع شعر تسلطی کامل داشته و از جمله کسانی است که مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در ایام توقف در نجف اشرف از محضر او استفاده کامل نموده و در جلسات ادبی با او مشاعره و مخاطبه داشته است . مرحوم آقا شیخ محمد رضا ویرا به عنوان : « استاذنا » در نوشته های خود می ستاید . دیوان اشعار مرحوم سید جعفر بنام : سحر بابل و سجع البلابل یا تراجم الاعیان والافاضل در سال ۱۳۴۱ در ۴۶۶ صفحه در بیست و سه باب در شهر صیداء بچاپ رسیده است .

### ۴ - میرزا حبیب الله ذی القنون ( ۱۲۷۸ - ۱۳۶۷ )

فرزند جعفر سلطان آبادی عراقی ( اراکی ) طهرانی عالم فاضل ریاضی . علامه طهرانی در نقباء البشر ( صفحه ۷۴۸ دوم ) درباره مشارالیه می نویسد : مرحوم آقای شیخ محمد رضا علوم ریاضی و هیت و فلك و معقول را نزد شیخ حبیب الله ذی القنون آموخت .

\* : میرزای مجدد شیرازی - میرزا محمد حسن بن میرزای محمود حسینی

شیرازی ( ۱۲۴۰ - ۱۳۱۲ ) .

دانشمند محترم جناب حاج شیخ محمد شریف رازی در کتاب آثار الحججه ( صفحه ۷۷ یکم ) در شرح حال مرحوم آقا رضا مسجد شاهی اصفهانی می نویسد :

از تلامذه مبرز مرحوم میرزای بزرگ شیرازی و . . .

نویسنده گوید : مرحوم شیخ محمد رضا درك محضر مرحوم میرزای مجدد را نموده بلکه از تلامذه شاگردان آن مرحوم می باشد و این موضوع یکی از اشتباهات نویسنده محترم کتاب نامبرده میباشد .

۵ - علامه جلیل سید حسن صدر الدین عاملی موسوی کاظمینی ( ۱۲۷۲

- ۱۳۵۴ )

علامه سید حسن بن هادی بن محمد علی ( برادر مرحوم آقای سید صدر الدین محمد عاملی موسوی اصفهانی ) بن صالح از بزرگان علماء واجله فقهاء ومشایخ اجازات واکابر مؤمنین در نزد بسیاری از بزرگان تلمذ نموده وهفده سال در خدمت جناب میرزای شیرازی در سامراء بوده واز خواص اصحاب آن جناب شمرده میشده تألیفات زیادی دارد از آنجمله: تأسیس الشیعه الکراملفنون الاسلام والشیعه وفنون الاسلام می باشد که در موضوع خود بسیار قابل توجه وابتکاری است .

اجازة مرحوم علامه آیت الله آقای سید حسن صدر کاظمینی جهت مرحوم علامه آیت الله ابوالمجد آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی در ابتدای کتاب « شرح نجات العباد » مجاز در صفحات آتی آمده است .

۶ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین بن حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی

اصفهانی نجفی ( ۱۲۶۶ - ۱۳۰۸ )

مرحوم آقا شیخ محمد رضا در شرح حال خود می نویسد : کتاب فصول وتفسیر بیضاوی وقسمتی از تفسیر کشاف را در نزد پدرم خواندم واین در موقعی بود که در خدمت ایشان از اصفهان به نجف مراجعت نمودیم (ص ۴۸ سی ودوم احیان الشیعه ) .

۷ - مرحوم محدث نوری نورالله تربته ( ۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ )

حاج میرزا حسین بن میرزا محمد تقی بن میرزا علی محمد بن تقی نوری

مازندرانی نجفی .

علامه طهرانی در نقباء البشر ( ص ۵۴۴ دوم ) درباره مشار الیه می نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل العلم ودراسة الأعيان وفضل من علم على مدار السنين  
 والصلوات على خير الرسل من رب السموات والأرض والهدى وسبل  
 الحق على من سلكه في هذا الشرح المبين للناسل النبيل ما يفيد العصر وحيث  
 والدهر النقيض على الصافي والحق لكل غامض وريق السخ إلى الحد  
 محل الرضا الاستهاني فوجدت كصاحب الأثراني نحو بين الكتب  
 ما ليسه كالمال حكم الملقن وحق العاني بمصطلح علم الحديث  
 والرسائل وما هو من الجليل وقد سئل عن الله عز وجل ما تم على  
 ربه من شانه ربه الله تعالى عنم تشبها بالسلف وهو مع  
 الخلق فافترس له من ان يروى مع كتب الأضواء الساطعة الأنوار  
 سبها كماله والقبول والتهديب والاستبصار الشهيرة في هذه الاعمار  
 اختتمت الشرح ذراعة النهار المبرور الثلث الاوائل والكتب الثلاثة  
 للمؤيد الثلاثة الاواخر الوالي والوسائل والجار وسائر الخطيب في  
 الواضع والقبول والامام وجميع ما ألف في الاسلام على الخاص  
 والعام في فنون العلوم الشرعية والعلوم الشرعية من العقيدة والاشعرية  
 والاصول والفرعية والتفسيرية والادوية عن من عهد قديم  
 حتى انكروا في الفقه الفقه منهم ما واجهت شاملا واعظم  
 كما ذكره في تاريخه من ايام ائمة العالم العلم والفقه الاقوي  
 وقد وثق الايام وعلم الاعلام تراهم العصر فريد العلم خلال السالكين  
 والمجاهدين الذين من الله بعلومهم والى السخ ما على من الخلق  
 يروا عقل الأري الضيف تعلقوا بالبرهان ورواياتهم عن من جاهد  
 تحت شانه السخ اذ لم العلم السلافة التقيم القيام السخ الولي الذي  
 عبد النبي الرشد العيني صاحب الشرح على الشرح ومدى منه الخلق  
 الاول وهو شرح كتاب الطائفة عظم الشرح على طرفة  
 اجازة من الطائفة صاحب كنف الغطاء عظم الشرح واجازة  
 السخ الطائفة صاحب الرياض عظم الشرح ولي من كتابه وروى  
 عظمه وعن كتب بحر العلوم الطباطبائي تحت الاقا عظم

الوحيد الاضهان الشهير بالبهاني مع ابيه الافضل المولى محمد الميرزا  
العلامة الميرزا مطرقة التفتي في اول القرنه وازواجه وقت مولده  
الامام الثالث من الشيخ الفقيه الخليل صاحب الهدائق من المولى  
ربيع الدين الجليلي الساكن بالمشيخ الرضوي مع العلامة الجليلي  
دسار مطرقة التفتي نزلوا في زمانهم الشيخ صاحب الهداية مع  
السيد محمد الرضوي الميرزا الميرزا الاوتاد صاحب مدائح الكرامه  
عن السيد محمد الطوسي مع شاعر الزكوري في خاتمه مستور  
الموسم مطرقة المذكورة هناك وثالثهم الشيخ الاعظم والركن  
الاقوم كتاب حقايق الفقه والاصول مع ابيان في عيشته  
امر فله وحيث خلاصه البناء العايلين في الامام والمسلمين العالم  
الرباني ابي ميرزا علي الاصفهاني عن تصنيف الفاضل الميرزا محمد  
التيارات والسيد الامام العلامة السومري والوقت العايلي قدماه  
روجهما واما جميعا عن السيد محمد الطوسي والسيد الميرزا محمد  
الشهستاني والشيخ كاشف الغطاء الحسيني والميرزا ابو العباس المحقق  
القرمي جميعا عن الفاضل الشيخ محمد بن محمد بن القزويني والشيخ محمد  
البحراني وغيرهم المذكورين في جميع الشيخ الفقيه الفاضل الميرزا محمد  
مولى كتاب الفقيه صاحب السبع الميسرة على اللغات في القاموس  
عشره في كتاب السيد ميرزا العايلي صاحب منهاج القواعد  
مع السيد محمد الطوسي مطرقة التفتي في النسخ الاشارة في حاشية  
ان الفاضل الفقيه ميرزا الشرايع الشيخ رضاشاه التفتي من العايلين  
العايلي الميرزا محمد السومري والعايلي مع السيد العلامة الميرزا  
السيد محمد بن السيد العلامة السومري في رضا الشيرازي العايلي  
انصرفت الكثر صاحب جامع الاحكام وهو ميرزا محمد الجبار وغيره عن  
شيخ العلامة الميرزا محمد لا شيد الفطاح السيد الفقيه صاحب الرضا  
في شرح اعلام الشيرازية الشيخ الاواه الشيخ السيد الفقيه صاحب القابوس  
مشهور في اذكاره في اول معاينه وسادته السيد الفاضل  
السومري في السيد العلامة السومري ميرزا العايلي مع ابيه السيد  
ميرزا صاحب منهاج الكرامه عن السيد محمد الطوسي مطرقة التفتي  
المذكور في النسخ الاشارة في حاشية في حاشية



العالم العاقل والفاضل الخليل عريك علم الحديث والادب المشهور بالنقل  
 والعلوم كعلم على نار للقول العلامة النور المحسن بن العلامة النور  
 الطبري صاحب مستدرك الرسائل عن عدة من الشيوخ الذين  
 ذكرهم في خامسة المستدرك بطرق المذكورة هناك في سنة ١٠١٠  
 ثالث من اجازته العالم المتبحر حضرت طريق التحقيق والملك  
 ازمه النقل بالنظر الدقيق ذوالفكر العاقل والملك النافذ  
 السيد الفقيه الحديث العالم الميرزا محمد هاشم بن الميرزا زين العابدين  
 الخوضاري الاصفهاني صاحب اصول الاربعة في فوائد الفرائد  
 من جامع من الاعلام اجتمعت السيد العلم الامام العلامة السيد  
 صدر الدين العالم بكل طرق التي اجتمعت ما يرويه عن  
 السيد السيد العلامة السيد صالح عن ابيه السيد الامام العلامة  
 السيد محمد بن السيد العلامة السيد ابراهيم بن السيد العلامة السيد  
 زين العابدين بن السيد العلامة السيد نور الدين اخو  
 السيد محمد صاحب المدارك عن ابيه الفاضل الشيخ محمد الحديث  
 الشيخ محمد بن الحسين صاحب الرسائل بطرق المذكورة في اخر  
 الرسائل من دعوت الميرزا محمد هاشم المذكور عن  
 السيد محمد بن الامام السيد محمد باقر الاصفهاني عن  
 السيد علي صاحب الرياض عن ابي القاسم الجعفري عن  
 الميرزا محمد هاشم المذكور عن ابيه الفقيه الشيخ محمد بن ابي  
 المحقق الشيخ علي بن ابي الطاهر الشيخ جليل كاشف الغطاء عن  
 ابيه الشيخ الفقيه العالم العلامة الشيخ صاحب انوار العقائد  
 عن ابيه عن السيد محمد بن العلوم والشيخ محمد بن القاسم والشيخ  
 يوسف الخوافي والامام محمد باقر الجعفري عن طريق المعروفة  
 عنهم وهو رابع من اجازته السيد العالم العالم العلامة المصنف  
 اللدني صاحب الكرام السيد محمد بن السيد محمد بن الزبير  
 المكي الخوافي عن والده الامام الباقر السيد باقر الخوافي صاحب  
 الفوائد في تفسير القرآن والشيخ محمد بن القاسم الخوافي عن

في نسخة  
 السيد الفقيه  
 الحديث  
 الميرزا زين  
 العابدين  
 الخوضاري



امام ائمه الحديث والرجال في الأعصار المتأخرة ومن اعظم علماء الشيعة  
وكبار رجال الاسلام في هذا القرن .

مرحوم معلم حبيب آبادی در مکارم الاثار ( ص ۱۴۶۳ نهم به بعد ) سی  
و پنج کتاب و رساله از تألیفات آن مرحوم را ذکر فرموده است که معروفتر و مهمتر  
از همه آنها کتاب شریف مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در مستدرک کتاب  
وسائل الشيعة تأليف مرحوم شيخ حرعالمی در سه مجلد تأليف شده و هم در آن  
کتاب ( صفحه ۱۴۶۹ پنجم ) بنقل از الذريعة ( ص ۱۱۰ دوم ) و نقباء البشر ( صفحه  
۵۵۳ دوم ) شرحی قابل توجه راجع به این کتاب می نویسد طالبین مراجعه  
فرمایند .

۸ - مرحوم آقا سید حسین بن آقا سید مهدی قزوینی حلی نجفی ( ۱۲۶۸  
- ۱۳۲۵ )

عالم فاضل فقیه فیلسوف ادیب شاعر کاتب ، منزل او همیشه مجمع ادبیه  
و شعراء همچون سید جعفر حلی و شیخ عبدالحسین صادق و شیخ جواد شبلی و سید  
مهدی بغدادی و شیخ عبدالحسین جواهری و شیخ آقا رضا اصفهانی و امثال  
و اقران اینان بوده است .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا از او روایت حدیث می کند ( ص ۶۶۲ دوم  
نقباء البشر ) .

۹ - علامه فقیه حاج آقا رضا همدانی نجفی سامرائی متوفی - ۱۳۲۲

فرزند محمد هادی مؤلف کتاب : مصباح الفقیه در شرح شرایع و غیره از  
معروفترین شاگردان جناب میرزای مجدد شیرازی بوده و در زمان حیات استاد از  
سامراء به نجف - مراجعت نموده و بدرس و مباحثه اشتغال جسته و جمعی کثیر از  
بزرگان در خدمت او تلمذ نموده اند .

در اواخر عمر بمرض سل مبتلا گردیده به جهت تغییر آب و هوا به سامراء مهاجرت نمود در آن شهر در صبح روز يك شنبه ۲۸ صفر سال ۱۳۲۲ وفات یافته در رواق پائین پای مبارك امامین هماهین علیهما السلام دفن گردید .

علامه سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (صفحه ۶۲ سی و دوم) و علامه طهرانی در نقباء البشر ( صفحه ۷۷۷ دوم ) شرح حال او را مفصلاً نوشته اند که بسیار قابل توجه و برای علماء و طلاب باید سرمشق گیرد قرار طالبین مراجعه نمایند.

۱۰ - علامه مرحوم مولی علی بن فتح الله نهاوندی نجفی ( - ۱۳۲۲ )

از شاگردان مرحوم شیخ انصاری و پس از وفات او خدمت میرزا ابوالقاسم کلانتری و دیگران تلمذ نموده و در اصول روش خصاصی غیر از روش مرحوم شیخ بزرگوار داشته در اواخر عمر به امراض گوناگون مبتلا گردیده سرانجام در غره ربیع الثانی سال ۱۳۲۲ در موقع شدت وبا در نجف اشرف وفات یافته در اول وادی السلام مدفون گردیده که بعداً جهت ایشان مقبره ای بنا نهادند .

ویرا تألیفاتی از آنجمله : ۱ - تشریح الاصول الصغیر ۲ - تشریح الاصول الکبیر ۳ - رساله در اغسال و دماء ثلاثه ۴ - رساله در طهارت ۵ - روا شح الاصول علامه امین در اعیال الشیعه (ص ۱۱ چهل و دوم) و علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۵۶ یازدهم ) پس از ذکر نام این کتاب گفته اند شاید نام یکی از دو تشریح الاصول باشد و یا از مؤلفی غیر از مرحوم علامه نهاوندی ۶ - مقدمه واجب و غیره .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا در وقایع الازدهان ( ص ۱۸ ) هر جا میفرماید : بعض مشایخنا ، مراد ایشان مرحوم نهاوندی صاحب عنوانست .

۱۱ - علامه فقیه مجاهد مرحوم حاج میرزا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی

استاد و شیخ روایت ( ۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ )

مرحوم سید عبدالحجت بلاغی در اعلاط در انساب ( صفحه ۲۴ ) می نویسد :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا درحوزه تدریش کلمات مرحوم شریعت را بسیار تذکره میکرد .

شرح حال اجمالی آن مرحوم در ضمن شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی نوشته شد .

۱۲ - مرحوم آخوند ملا محمد کاظم بن محمد حسین خراسانی نجفی

( ۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ )

مؤلف بزرگوار کتاب کفایة الاصول واز شاگردان مرحوم شیخ انصاری و میرزای مجدد شیرازی و بنیان گذار مشروطیت ایران و استاد جمعی کثیر از بزرگان مجتهدین و مراجع معاصر شیعه میباشد .

شهت و عنوان و مقام مرحوم آخوند خراسانی ما را از نوشتن سطری از حالات ایشان بی نیاز ساخته است .

دانشمند محترم حجة الاسلام حاج شیخ محمد شریف رازی در کتاب گنجینه دانشمندان ( صفحه ۱۷۱ یکم ) می نویسد :

از بعضی موثقین اهل علم شنیدم که میفرمود :

در جلسه درس مرحوم آخوند خراسانی جز مرحوم : آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله بروجردی و مرحوم شیخ علی قوچانی و مرحوم شیخ عبدالله گلپایگانی و آقای آقا رضا مسجد شاهی اصفهانی کس دیگری جرأت اشکال و اعتراض را نداشت .

۱۳ - مرحوم آیت الله العظمی فقیه اهل البیت علیهم السلام آقا سید محمد

کاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی ( ۱۲۴۷ - ۱۳۲۷ )

مرحوم شیخ محمد حرز الدین در معارف الرجال ( ص ۱۳۶ دوم ) در باره آنجناب می نویسد : ونال المترجم له رئاسة واسعة النطاق خصوصاً وفي ايامه

الاحيره بل اصبح الفقيه الاعظم والزعيم المطلق الذى لايدانيه احد وكان بحراً متلامطاً علماً وتحقیقاً ومثانة مستحضراً للفروع الفقهيه ومتون الاخبار ...  
 در قضایای مشروطه که جمعی از علماء طرفدار آن شدند ولی بی طرف مانده و بنا بگفته مرحوم معلم حبیب آبادی در مکرم الآثار (ص ۱۳۲۲ پنجم) بلکه در برخی از موارد آن بتنقید ورد آن (کما كان فى الواقع ايضاً كذلك) کوشید. انتهمی. ودر این راه از طلاب جوان مشروطه خواه رنجها کشیده واذیتها دید و بخاطر اسلام تحمل فرمود گرچه برخی از طلاب حوزه درس ایشان نیز بمقابله بمثل میپرداختند لکن بنا بگفته عموم بزرگان و نوشته مرحوم شیخ محمد حرز الدین در معارف الرجال (صفحه ۳۲۷ دوم در پاورقی) هیچگونه ارتباطی بسا شخص ایشان نداشته بلکه مربوط به برخی از اطرافیان ایشان وجمعی از مهاجرین بوده است.

مرحوم آقا سید کاظم تألیفات چندی دارد که مهمتر از همه آنها کتاب :  
 عروه الوثقی است که رساله عملیه فتاویه جامع اغلب فروع وجمیع مباحث فقه می باشد واز زمان تألیف تا کنون مورد نظر وتوجه عموم مراجع بزرگوار بوده است و بر آن حواشی وشروح زیاد نوشته است.

مرحوم آقای سید محمد کاظم قبل از طلوع فجر شب سه شنبه ۲۸ رجب سال ۱۳۳۷ بمرض ذات الجنب در منزل خود در محله خویش وفات یافته وپس از مراسم تغسیل وتکفین ونماز بوسیله فرزند آن مرحوم آقای سید علی درایوان بزرگ صحن نجف مجاور مسجد عمران مدفون گردیده رحمة الله علیه رحمة واسعة.

۱۴ - علامه فقیه آقا سید محمد طباطبائی فشارکی نجفی (۱۲۵۳ - ۱۳۱۶)  
 مرحوم آقا سید محمد فرزند میر ابوالقاسم بن امیر شریف بن امیر اشرف

طباطبائی فشارکی زواره‌ای اصفهانی نجفی از بزرگان علماء و خواص اصحاب  
میرزای بزرگ شیرازی بوده و در سامراه زمان زعامت و مرجعیت تامه جناب میرزا  
بر حسب امر مبارک آن مرحوم امور تدریسی طلاب بایشان واگذار گردیده و آن  
مرحوم بی‌ترین وضع آنرا اداره نموده است .

پس از وفات جناب میرزای مجدد به نجف مراجعت فرموده و ابتداء در  
منزل و سپس در مقبره مرحوم میرزا و بالاخره در مسجد هندی بتدریس و مباحثه  
پرداخته و هم در منزل درسی خصوصی برای جمعی از فضلاء طلاب می‌فرموده که  
مرحوم آقای شیخ محمد رضا مسجد شاهی می‌فرماید : من نیز بحمد الله جزو آن  
حوزه بودم .

مرحوم فشارکی در ماه ذی القعدة سال ۱۳۱۶ در نجف وفات یافته و در یکی  
از حجرات صحن شریف مدفون گردید .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی می‌فرماید: بهره علمی که مدت زمان  
اندک از این استاد بزرگوار بر مردم از بهره‌ای که از دیگر اساتید خود برده‌ام  
بیشتر می‌باشد رحمة الله علیهما ( ص ۴۷ سی و دوم اعیان الشیعه ) .

۱۵ - امیر معزالدین سید محمد بن سید محمد مهدی بن حسن قزوینی حلی

حسینی علیه الرحمه

علامه طهرانی در نقباء البشر ( صفحه ۷۵۳ دوم ) در ضمن اسامی مشایخ  
اجازه مرحوم آقا شیخ محمد رضا می‌نویسد : سید محمد و سید حسین دو پسر سید  
مهدی قزوینی حلی .

در کتاب نامبرده اشخاص زیر را جزو مشایخ اجازه مرحوم آقا شیخ محمد  
رضا می‌نویسد که ما قبلا بنام آنان اشاره کرده‌ایم سید حسن صدر کاظمینی - شیخ  
باقر بهاری - حاج میرزا حسین نوری و مرحوم شیخ الشریعة اصفهانی علیهم الرحمه .  
پدرش ( یعنی پدر مرحوم آقا سید محمد صاحب عنوان ) سید مهدی بن

حسن بن احمد حسینی (۱۲۲۲ - ۱۴۰۰) قزوینی حلی از علماء معروف زمان خود و ساکن حله و داماد علامه مرحوم شیخ علی کاشف الغطاء نجفی بوده و فرزندان او : میرزا جعفر - میرزا صالح - علامه سید محمد و سید حسین از این مخدره می باشند ، شرح حال او در اغلب کتب مسطور از آنجمله در معارف الرجال ( ص ۱۱۰ سوم ) مذکور است .

مرحوم امیر معز الدین محمد در خدمت پدر و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و در سال ۱۳۳۵ وفات یافته ویرا تألیفاتی است ( صفحه ۳۸۴ دوم معارف الرجال ) .

۱۶ - علامه فقیه عابد زاهد مرحوم سید مرتضی بن مهدی بن محمد بن کرم الله رضوی طوسی قمی کشمیری نجفی مدفون در کربلا .

مشارالیه از جمله بزرگان و معاریف شاگردان مرحوم میرزای بزرگ شیرازی در سامراء بوده ( صفحه ۱۹۴ میرزای شیرازی ترجمه کتاب هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی ) و از شیخ محمد حسین کاظمینی ( ۱۲۳۰ - ۱۴۰۸ ) و شیخ نوح بن قاسم قرشی ( ۱۲۱۳ - ۱۴۰۰ ) و علامه آقا میرزا محمد هاشم موسوی چهار سوقی ( ۱۲۳۵ - ۱۴۱۸ ) اجازه داشته و عده زیادی از بزرگان از وی مجاز بوده اند از آنجمله : علامه طهرانی حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی و سید محمود بن شرف الدین علی مرعشی تبریزی ( ۱۲۶۰ - ۱۳۳۸ ) والد بزرگوار حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی متع الله المسلمین بطول بقائه و جمعی دیگر از وی اجازه روایت دارند .

علامه طهرانی در کتاب میرزای شیرازی در باره او می نویسد :

با وجود تبحرش در علوم مرسوم و اجتهادش در فقه و اصول و آگاهی به تاریخ و رجال و درایه و تفسیر و دیگر فنون اسلامی و همچنین قوت حافظه و وحدت



ذهن و هوش سرشار در نهایت ورع و تقوی میزیست و نسبت به مال دنیا در زهد کامل بسر میبرد کسی را ندیدم در آن عصر که مانند وی تمام این مراتب را در خود جمع داشته باشد . (انتهی) .

آنجناب در رواق حسینی اقامه جماعت مینموده و زبده اخبار و مقدسین به نماز او اقتداء مینموده اند (ص ۴۰۹ دوم معارف الرجال) در سیزدهم شوال سال ۱۳۲۳ وفات یافته در کربلا مدفون گردید .

### شرکاء درس و مباحثه :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در جلسات و حوزه‌های درس اساتید خود که قبلاً بنام شریف آنان اجمالاً اشاره کردیم با عده زیادی از علماء و فضلاء که بعداً عده‌ای از آنان خود از بزرگان فقهاء و مجتهدین و اکابر رؤساء ملت و دین و از مراجع تقلید مسلمین شدند شریک درس بوده و با برخی از آنان مباحثات خصوصی داشته است که خود مرحوم آقا شیخ محمد رضا در شرح حال خویش که برای مؤلف کتاب : « ریحانة الادب » مرقوم داشته و ما بعداً عین آنرا با ترجمه فارسی آن نقل خواهیم کرد می‌نویسد :

پس از فوت استاد بزرگوارم مرحوم آقا سید محمد فشارکی (متوفی بسال ۱۳۱۸) دیگر بدرس هیچ استادی حاضر نشدم (ظاهراً مقصودشان فقه و اصول بوده است) و فقط با عده‌ای از دوستان و شرکاء جلسه درس و افاضل تلامذده استاد بزرگوار مرحوم آقای فشارکی همچون :

۱ - مرحوم شیخ حسن کربلائی ۲ - میرزا حسین نائینی ۳ - حاج شیخ عبد‌الکریم یزدی بمباحثه و مذاکره علمی مشغول بودم .  
مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در شرح حال نامبرده فقط نام همین سه

نفر را ذکر فرموده است لکن آنچه از خارج و مطلعین شنیده‌ام عده‌ای از علماء و فضلاء آل کاشف الغطاء دانی زادگان پدری ایشان نیز گاهی در جلسات مباحثه شرکت مینموده‌اند و همچنین در برخی ایام مرحوم آیت الله حاج سید علی مجتهد نجف آبادی نیز حاضر در جلسه مباحثه و شریک بحث و تحقیق بوده است .  
 رفاقت و دوستی این دو عالم جلیل و دو مجتهد بزرگوار که از حوزه درس مرحوم آقا سید محمد فشارکی شروع شده بود تا آخرین روزهای زندگانی هر دو ادامه داشت و آندو بزرگوار در اصفهان بفاصله کمتر از ۲۰ روز وفات یافتند  
 رحمة الله علیهما .

\* توضیح : شیخ حسن کربلائی ( .... - ۱۳۲۲ )

مرحوم شیخ حسن بن علی بن محمد رضا بن محسن شوشتری الاصل حائری مشهور به کربلائی عالم جلیل و فقیه فاضل در شهر کربلا متولد گردیده و مقدمات علوم را در آن شهر بخوبی آموخته و در سال ۱۳۰۰ به سامراء مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آقا سید محمد فشارکی و مرحوم جناب میرزا رحمة الله علیه بهره مند شده و پس از فوت ایشان تا سال ۱۳۱۴ در آن جا ساکن سپس در خدمت مرحوم آقای حاج سید اسماعیل صدر به کربلا مهاجرت کرده و پس از مدتی به نجف مشرف شده و در این شهر مقدس بیمار شده و جهت مداوا به کاظمین مهاجرت کرده و در آنجا در روز ۵ شنبه ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۲۲ وفات یافته و همانجا مدفون گردید کتب زیر از آثار اوست ۱ - تقریرات فقه و اصول جناب میرزا ۲ - رساله در قاعده : « الناس مسلطون علی اموالهم » از تقریرات جناب میرزا ۳ - رساله‌ای در مورد قضایای تنباکو در سال ۱۳۰۹ ه . ق بفارسی که آنرا علامه طهرانی در الذریعه بنام : تاریخ الدخانیه یاد نموده است ( ص ۲۵۲ سوم الذریعه ) مرحوم آقا شیخ حسن کربلائی موضوع را از ابتدای

صدور امتیاز از طرف ناصرالدینشاه تا تاریخ لغو آن بفارسی ملیس مرقوم  
داشته است در سال ۱۳۶۰ بچاپ رسیده و اخیراً نیز تجدید چاپ گردیده است .

\* حاج میرزا حسین نائینی بن عبدالرحیم نائینی نجفی از بزرگان علماء  
مراجع تقلید از شاگردان : ۱ - حاج سید اسماعیل صدر ۲ - حاج میرزا حبیب  
الله رشتی ۳ - جهانگیرخان مشقائی در اصفهان ۴ - جناب میرزای شیرازی حاج  
میرزای محمد حسن در سامراء ۵ - حاج شیخ محمد حسین مسجدشاهی در  
اصفهان ۶ - آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در نجف ۷ - مرحوم آقا سید محمد  
فشارکی در سامراء بوده است ( میرزای شیرازی ص ۱۲۹ ) در کتابهای اعیان  
الشیعه ص ۳۱۹ بیست و ششم - مکارم الانار ص ۲۱۶۹ ششم و نقباء البشر ص ۵۹۳  
یکم علماء و مراجع زیر را نیز در عداد اساتید و مشایخ آن بزرگوار ذکر نموده اند:  
۱ - میرزا ابوالمعالی کلباسی ۲ - حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی ۳ -  
حاج شیخ محمد تقی : آقا نجفی اصفهانی ۴ - میرزا محمد تقی شیرازی ۵ -  
میرزا محمد حسن نجفی اصفهانی ۶ - حاج میرزا حسین خلیلی طهرانی نجفی  
۷ - حاج میرزا حسین نوری ۸ - ملا فتحعلی گون آبادی ۹ - شیخ محمد طه  
نجف رضوان الله علیهم اجمعین .

کتاب زیر از تألیفات آن مرحوم است : ۱ - تقریرات که عده ای از شاگردان  
ایشان تألیف و تنظیم نموده اند و برخی از آنها بچاپ رسیده است از آن جمله است:  
اجود تقریرات از آثار حضرت آیت الله العظمی آفای حاج سید ابوالقاسم  
خوئی متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف ۲ - تنبیه الامه و تنزیه المله در فوائد  
ولزوم مشروطیت که در موقع بهران مشروطه خواهی و جنبش آزادی طلبی  
ایرانیان تألیف شده و قبل از شهادت مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری بچساب  
رسیده و چون ماهیت مشروطه خواهان بر مراجع نجف ظاهر گردید از اقدامات

خود پشیمان شده و مرحوم میرزای نائینی بشرحیکه در معارف الرجال در شرح حال ایشان نوشته درصدد جمع آوری نسخه‌های آن بر آمده لکن متأسفانه در سالهای اخیر کتاب نامبرده بر خلاف رضایت و میل مؤلف با حواشی و تعلیقات یکی از دانشمندان معاصر تجدید چاپ گردیده ۳ - جواب سؤالات فقهی و مسائل که از ایشان شده است ۴ - حاشیه بر کتاب نجات العباد ۵ - حواشی بر عروة الوثقی ۶ - رساله در تعبیدی و توصلی ۷ - رساله در خال نماز ۸ - رساله در لباس مشکوک ۹ - رساله در معانی حروفیه ۱۰ - رساله در نفی ضرر ۱۱ - وسیلة النجاة رساله عملیه مختصری است بزبان فارسی در ابواب عبادات و معاملات از اول باب تجارت تا آخر باب میراث بر اساس و ترتیب: تبصره علامه حلی رحمة الله علیه که آنرا تحریر و با فتاوی خود تطبیق نموده است انجام تألیف ۶ ماه رمضان المبارک ۱۳۴۰ ق .

مرحوم میرزای نائینی در ۱۲۷۷ متولد ( در اعیان الشیعه و به تبعیت او در معجم رجال الفکر ۱۲۷۲ می نویسد ) و در روز شنبه ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۵ در نجف وفات یافته در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردید .  
برای آگاهی بیشتر به احوالات آن علامه جلیل القدر بآخذ نامبرده در متن و بکتابهای زیر مراجعه شود :

احسن الودیعه - تاریخ نائین - زندگانی آیت الله چهار سوقی - ریحانة الادب - فهرست رضویه - معارف الرجال - معجم رجال الفکر و الادب - مؤلفین کتب چاپی و غیره .

**مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی یکی از مشایخ اجازه :**

همانگونه که قبلا متذکر شدیم مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی از شش

نفر از بزرگان علماء و مجتهدین و فقهاء و محدثین اجازه داشته که آنان عبارتند از :

- ۱ - حاج شیخ محمد باقر بهاری همدانی .
- ۲ - آقا سید حسن صدر کاظمینی .
- ۳ - حاج میرزا حسین نوری .
- ۴ - آقا سید حسین قزوینی .
- ۵ - حاج میرزا فتح الله شریعت اصفهانی ( شیخ الشریعه ) .
- ۶ - آقا سید محمد قزوینی رحمة الله عليهم اجمعين .

ضمناً عده زیادی از علماء و مجتهدین و فضلاء در اصفهان و قم از ایشان استجازه نموده و بدریافت اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده اند که احصاء اسامی همگی آنان غیر مقدور و نویسنده در ضمن شرح حال و ذکر نام شاگردان آن بزرگوار بیرخی از آنان اشاره می نماید .

همچنین نویسنده افتخار دارد که سلسله روایت وی بوسیله سه نفر از مشایخ اجازة حضرات آیات عظام و مجتهدین بزرگوار : ۱ - حضرت حجة الاسلام والمسلمین صاحب تألیفات کثیره حاج شیخ محمد باقر کمره ای ساکن در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام ( شهر ری ) ۲ - حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی ۳ - حضرت آیت الله آقای حاج سید علی علامه فانی اصفهانی هر سه از شاگردان و مجازین از مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی عليهم الرحمه به ایشان منتهی میشود و حقیر بیک واسطه از ایشان نقل حدیث و روایت می کنم والحمد لله علی جمیع نعمائه والشکر علی جزیل آلائه .

مراجعت باصفهان :

گفتیم که مرحوم آقا شیخ محمد رضا در نجف اشرف متولد گردید و هم ذکر

گردیم که در حدود سال ۱۲۹۶ بانفای پدر علامه اش باصفهان تشریف آورد و نیز بیان نمودیم که در سال ۱۳۰۰ در خدمت جد و پدر به نجف اشرف مراجعت نمود و هم در این مسافرت جد بزرگوارش مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی وفات یافت .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا از این سال تا اواسط سال ۱۳۳۳ یعنی جمعاً قریب سی و سه سال در اعیان مقدسه به تحصیل و تکمیل مراتب علمیه پرداخت و در بحبوحه جنگ اول جهانی بناچار از نجف اشرف به سمت ایران مهاجرت فرمود و در اوایل سال ۱۳۳۴ به اصفهان یعنی موطن آباء و اجداد و خاندان خویش وارد گردید .

مرحوم آقا رضا مسجد شاهی علیه الرحمه در اصفهان : مرحوم آقا شیخ محمد رضا که گاهی ایشان را : آقا رضا نیز می گفتند و تا این اواخر در بین مردم بهمین عنوان شهرت داشت چون به اصفهان وارد گردید مورد تجلیل و اکرام و اعزاز کلیه طبقات بالاخص علماء و دانشمندان قرار گرفت .

از همان روزانه اول ورود طلاب و دانشجویان دور او را احاطه کرده و جلسات درس فقه و اصول را شروع نموده و هر روز شهرت علمی او بیشتر میشد .

عموی بزرگوار او مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نورالله نجفی که در مسجد نوبازار تدریس و امامت مینمود و اکنون در اثر گرفتاریهای جنگ و خستگی و گرفتاری ترك مسجد و محراب گفته و همه را برادر زاده عالم و فقیه و تازه نفس خویش وا گذاشت و از این تاریخ تا هنگام فوت مرحوم آقا شیخ محمد رضا در موقع ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشاء در مسجد نامبرده امامت مینمود و عده زیادی از بزرگان و مقدسین و اهل علم بجماعت او حاضر میشدند و همچنین قبل

از ظهرها حوزه درس ایشان در مسجد منعقد میشد .

### رفتار رضا شاه با علماء وطلاب و مردم :

میدانیم که انگلیس‌ها رضا خان میر پنجه سواد کوهی را آورده با ایجاد مقدماتی که تواریخ مفصلا از آن بحث شده و در این جا مقام ذکر آن نیست آن را باسلطنت رسانیدند . بدین مأمور دست نشانده دستوراتی دادند که باید آنها را بدون چون و چرا و طابق النعل بالنعل انجام دهد .

یکی از این مأموریتها مبارزه مستقیم با اساس دیانت مقدس اسلام و در نتیجه از بین بردن حوزه‌های علمیه و خانه نشین کردن علماء و روحانیون و کشتن و بزدان انداختن و تبعید کردن مخالفین آنها و اجیر کردن برخی از ناهلان و دین فروشان جهت تقویت دستگاه دولتی و ستایش از رفتار غیر انسانی و شیطانی شاه و مأمورین دولت .

موضوع تغییر لباس و اتحاد شکل در سال ۱۳۰۷ شمسی پیش در آمد این آهنگ خلاف بود .

جلوگیری از اقامه مجالس روضه خوانی و عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام و منع از تشکیل دستجملت عزادار و سینه زنی و زنجیر زنی و بالاخره موضوع رفع حجاب و کشت و کشتار مردم مسلمان مدافع از احکام قرآن در جوار مرقد مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام در سال ۱۳۱۴ خورشیدی و افتتاح سپنماها و تماشاخانه‌ها و کاباره‌ها و میخانه‌ها و فروش علنی مسکرات و ایجاد قمارخانه‌ها و ده‌ها بلکه صدها خلاف شرع دیگر که بوسیله دوات و همال آن در زمان حکومت و سلطنت وی انجام شد همه و همه محصول همان مأموریت بود .

ما خود شاهد و ناظر هجوم و حشیانه مأمورین نظمیه ( شهربانی ) و آژدانها ( پاسبانه ) بودیم که برای اجرای این مقررات خلاف دین چه اعمال خلاف شرع و مخالف عقل و منطق و شرافت و انسانیت انجام میدادند .

پاسبان که باید حافظ جان و مال و ناموس مردم باشد بعنوان اجرای قانون اتحاد شکل چقدر از لباسهای مردم از قبا و عبا و کلاه و عمامه پاره کرد که حساب آن را از نظر اقتصاد يك کشور فقیر مانند ایران فقط خدا میداند و بس . چادر زنان مسلمان و روسریهای آنان را بعنوان رفع حجاب پاره میکردند و از همه اینها بالاتر چقدر بمرد وزن این مملکت توهین و جسارت میکردند و حرفهاییکه خود رؤسایشان لایق آن بودند می گفتند آبروی مردم را میبرند . روی تاریخ را همچون روی خود سیاه کردند مظالمی مرتکب شدند که زبان از گفتن و قلم از نوشتن آنها شرم دارد .

بعنوان رفع حجاب زنهایرا که چادر یا روپسری داشتند سواره و پیاده تعقیب میکردند و اگر بخانهای پناه میبردند با کمال وقاحت و بیشرمی داخل خانه و منزل مردم شده در حیاط و اطاق خانه چادر او بر میداشتند .

حجره مدرسه یعنی منزل طلبه که مطابق قانون شرع و عرف هیچ کس بدون اذن و اجازه صاحب او حق ورود بدانجا را ندارد رئیس کمپسری ( کلانتری ) و بدنبال او پاسبانه مانند قشون مغول و تاتار که بفتح شهرها می تاختند به مدرسهها ریخته و بداخل حجرات رفته و لباس اهل علم را غارت میکردند . اگر آنان را در کوچه و بازار می دیدند به آنها توهین و اهانت نموده و با کمال خفت و خواری به کلانتریها جلب و ساعتها بلکه گاهی يك روز و دو روز آنان را بجرم ملبس بودن بلباس مقدس روحانیت نگاه میداشتند و بعداً بقید التزام یا کفالت آزاد میکردند . من خود در سال ۱۳۵۰ در مسجد سید جهت شرکت در تشییع جنازه یکی



از علماء بزرگوار که سیدی جلیل وفاضلی عابد وزاهد بود شرکت کرده بودم  
عموم اهالی بید آباد زن ومرد حضور داشتند جمعی از علماء نیز شرکت کرده  
بودند وعدهای از ترس مأمورین جرأت بیرون آمدن از خانههای خود را نیافته  
بودند و یا آنکه از موضوع فوت آن عالم پرهیزگار خبر دار نشده بودند .

مرحوم علامه جلیل فقیه بزرگوار مجتهد عادل عامل زاهد معمر آقا شیخ احمد  
بیدآبادی جهت اقامه نماز ایستاد مؤمنین صفها راست کردند وهمگی آماده  
اقتداء شدند که ناگهان کسی از دم درب مسجد فریاد زد :

آقایان رئیس کمبیری آمد . بیچاره اهل عمام که هر يك از گوشه‌ای فرار  
کردند غافل از اینکه این رئیس از خدا بی خبر قبلا جلو چهار درب مسجد پاسبان  
گذارده بود که مانع بیرون رفتن معممین شوند .

این بود اجمالی از وضع علماء وطلاب در این عصر تاریک و ظلمانی خلاصه  
کلام آنکه :

من گنگ خواب دیده ومردم تمام کر  
من عاجزم ز گفتن وخلق از شنیدنش  
عده زیادی از طالبین علم تاب وتوان تحمل این همه رنج ومصیبت وفشار  
وسختی رانیاورده ومجبوراً تغییر لباس داده واز سلك روحانیت خارج گردیده وهر  
يك بکاری دیگر مشغول شدند .

عدهای در ادارات دولتی استخدام شده وجمعی نیز در بازار مشغول شدند.  
رفتار شاه ودولتیان با اهل علم بسزرگترین لطمه‌ای بود که بر روحانیت  
شیعه واسلام وارد گردید لکن از آنجا که وعده خداوند تبارک وتعالی خلاف  
پذیر نیست که میفرماید : « انا انزلنا الذکر وانا له لحافظون » ما قرآن ( ودین )  
را فرستادیم وخود از او نگاهبانی می کنیم ( سوره حجر آیه ۹ )

عدهای بسیار کم اما معتقد ومصمم با تمام این سختیها ساختند وخود رانباختند

واژ علماء بزرگوار و طلاب و دانشجویان درس و مباحثات علمی را ترك نکرده  
و همچنان بکار خود ادامه دادند و در حفظ حـ. و زه مقدسه علمیه اصفهان ( و دیگر  
شهرهای ایران ) فداکاری و جانفشانی کردند .

از روی حق و انصاف باید داوری کرد که :

کسانیکه در دوره اختناق رضاخانی حفظ لباس روحانی و مقام و شخصیت  
علمی خود را نموده و در هیچ حالت ترك مسجد و محراب و مدرسه و کتاب و درس  
و مباحثه علمی نکردند از بهترین مردمان زمان بودند . خداوند عزوجل رحمت  
خود را شامل حال آنان که از دنیا رحلت کرده‌اند فرموده و بقاء و سلامت و عزت  
و دوام توفیق خدمت به اسلام و شریعت به آنان که در قید حیاتند عنایت فرماید .

**ذکر يك حدیث :**

شیخ صدوق رضوان الله علیه در کتاب فضائل الشیعه (ص ۱۲ حدیث دوازدهم)  
از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

قال الله عز وجل لاعدن كل رعية في الاسلام دانت بولاية امام جائر ظالم  
ليس من الله وان كانت الرعية في اعمالها بارة تقية ولا عفون عن كل رعية في  
الاسلام دانت بولاية امام عادل من الله وان كانت الرعية في اعمالها ظالمة سيئة .  
ترجمه : حبیب سجستانی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت می کند  
که آنحضرت فرمودند :

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که :

خداوند عزوجل فرموده است : هر رعیتی را که به پیشوای ستمگر منصوب

از طرف غیر خدا نزدیک شود و او را دوست داشته باشد ( تا چه رسد به آنکه او را اطاعت کند و دستوراتش را که بر خلاف حکم خداوند است اجرا کند ) اگر چه آن رعیت بسیار با تقوی و نیکوکار هم باشد عذاب می کنم ، و هر رعیتی که در اسلام باشد و دوست ( و پیرو ) امام عادل و پیشوای دادگر منصوب از طرف خداوند تبارک و تعالی ( یعنی پیغمبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام و مجتهدین نواب عام حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ) باشد اگر چه آن رعیت در رفتار و کردارش ستمگر ( به نفس خود یعنی گناهکار ) و بد رفتار باشد را می بخشم و از اعمالش گذشت می کنم .

این است حال و روزگار اطرافیان دربار سلاطین و خدمتگزاران بعلما و مجتهدین فاعتبروا یا اولی الالباب .

### چرا علماء مستقیماً به مبارزه علیه دستگاه بر نخواستند :

پس از مطالعه تاریخ آن دوره ظلمانی و آنهمه ستم و آزار که از طرف دربار و شاه و دولت بخواست بیگانگان بر پیکر روحانیت ایران وارد آمد این سؤال پیش می آید : چرا علماء قیام نکردند و در صدد چاره جوئی بر نیامدند ؟ آیا این سکوت آنان دستگاه را بیشتر در اعمال خلاف خود یاری نکرده است ؟ اگر علماء اقدام میکردند مردم بیاری آنها نمی شناختند و بنیاد ظلم و تباهی را بر نمی افروختند ؟

جواب این سؤالات و پرسشهای دیگری در این باب از بررسی اوضاع زمان بخوبی آشکار می شود و دوائهای استعمارگر برای اجرای مقاصد خود نوکرانی سر سپرده و بدون اختیار که فقط مجری اوامر و دستورات باشند برای مملکت ایران و ترکیه و . . . انتخاب کردند و آنها را با زمینه سازیه در نزد مردم ساده و عوام محبوب القلوب و خدمتگزار جلوه دادند . سپس اوامر خود را بدانها

القاء کرده و دستور اجرای آنرا برحسب مقتضیات زمان و مکان بعهده اینها وا گذاشتند .

کمال اتاترک با يك حمله به روحانیت و اسلام در مملکت ترکیه یعنی باقیمانده حکومت و سلطنت عظیم عثمانی تمام آثار اسلام را از این مملکت برانداخت . تدریس قرآن و علوم دینی را در مدارس جدید ممنوع کرد لباس مردم را عوض کرد ، خط آنجا را خط لاتین گردانید. کلیه مساجد و مدارس دینی را تعطیل کرد . عموم روحانیون را خلع لباس کرد یعنی آنها را مجبور ساخت که لباس متحد الشکل بپوشند چاپ و نشر کتب اسلامی را منع کرد کلیه علماء مخالف راسرکوب کرد آنها که سخت مخالفت میکردند را کشت و دیگران را زندانی ساخت ودها و صدها بلکه هزارها جنایت دیگر همه در مسیر مخالفت با اسلام و قرآن و بدتر از همه اینکه نام این همه جنایات را خدمت گذاشتند و او را پدر ترکیه ( آتا در ترکی بمعنی پدر ) نامیدند .

رضا خان سوادکوهی همین برنامه را طبق دستور از بابان در ایران میخواست اجرا کند . پیش در آمد آن قانون اتحاد شکل بود ، سپس قوانین دیگر . شیعه با داشتن موضوع تقیه میتواند در برابر کلیه حوادث زمان مقاومت کند . اگر تقیه در شیعه نبود همان زمان خلفاء بنی امیه و بنی عباس از پای در آمده بود و نابود شده بود .

تنها تقیه موجب بقاء و موجودیت شیعه در طول تاریخ بوده است . با مراجعه بتاریخ اسلام و شیعه این موضوع بر مطالعه کنندگان ثابت و روشن میشود . سلطان محمود غزنوی دشمن سر سخت شیعه بود هر کجا کسیرا باین عقیده می شناخت و یا او را منتم میکردند بلا درنگ می کشت و به کمتر از کشتن راضی نبود دیگر شاهان غزنوی نیز همین روش را داشتند . تنها در پناه تقیه بود

که شیعیان میتوانند بزندگانی خود در دنیای پر آشوب ادامه دهند . . .  
در زمان رضا خان نیز علماء که بهتر از دیگران زمان را درک کرده بودند  
و آمر و مأمور یعنی دولت مستعمرانگلستان و رضا خان را می شناختند خود را در  
زیر پوشش تقیه قرار دادند. آنها می دانستند که اگر مقاومت کنند و عکس العمل شدید  
نشان دهند شاه طبق مأموریتش با يك حمله شدید بنیاد اینان را از بیخ و بن  
بر خواهد کند .

قیام علماء اصفهان و عدم موفقیت آن در سال ۱۳۴۶ ه . ق پیش آمد  
مشهد در سال ۱۳۵۴ ه . ق و کشت و کشتار چندین هزار نفر مسلمان در جوار  
مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام حبس و تبعید و شکنجه و آزار ده ها عالم  
و مجتهد و واعظ همه و همه دلیل بر آن بود که شاه دنبال بهانه است می خواهد بوظیفه  
خود عمل کند .

انگلیس ها قبل از ۱۳۱۴ ه . ق شاه را به ترکیه بردند و آثار اعمال مصطفی  
کمال پاشا را باو نشان دادند و گفتند : اگر پیشرفت در مملکت است این است  
پس تو چکار کرده ای که هنوز در مملکت ایران زنها حجاب دارند . مردها به  
مسجد میروند و نماز میخوانند . . . او به ایران برگشت و شروع به اقدامات  
شدید کرد .

بنا بر این آنچه گفته شد : علت سکوت علماء بزرگوار مساعد نبودن اوضاع  
و جلوگیری از فشار و اختناق بیشتر رضا خان بوده است .  
مطلب گفتنی و نوشتنی در این باره زیاد است بهمین جا ختم می کنیم  
و گوئیم :

در خانه اگر کس است يك حرف بس است .  
در کتاب : رویدادهای مهم تاریخ ( ص ۳۲۸ ) ضمن شرح حال مصطفی

کمال پاشا ( ۱۸۸۱ - ۱۹۳۸ میلادی ) وستایش از او و کارهایش می نویسد :  
ترکیه بصورت کشوری غیر مذهبی بر صحنه سیاست خاور میانه ظاهر گشت  
( سال ۱۹۲۳ میلادی ) . مدت حکومت آتاترک ۱۵ سال بوده است .

### آقا شیخ محمد رضا نجفی در قم :

پس از آنکه مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری علیه الرحمة  
حوزه علمیه قم را تأسیس و در حقیقت تجدید فرمود ( سال ۱۳۴۰ ق . ) و طلاب  
و دانشجویان علوم دینی از شهرستان اراک ( عراق ) که قبلاً در آنجا ساکن  
و حوزه علمیه ای تشکیل داده بود باین شهر مقدس مهاجرت کردند و ضمناً طالبان  
علم و دانش از شهرهای مختلف روی بدین کعبه مقصود نهادند و وجود علماء  
و مجتهدین و مدرسین عالیه مقام لازم و ضروری شد لذا مرحوم آیت الله حائری  
برای جبران کمبود مدرسین برخی از علماء طراز اول و لایات را جهت کمک به  
امر تدریس و تکمیل حوزه و هم بجهت کمک و یاری از ولایات دعوت فرمود .

مرحوم حائری و علامه نجفی در نجف سالهای سال در جلسات و حوزه های  
علمیه در جلسات درس مرحوم آیت الله آقا سید محمد فشارکی و مرحوم آخوند  
خراسانی و دیگر مدرسین بایکدیگر دوست و هم مباحثه بودند و ایندوبهتر از دیگران  
از مقامات علمی و شخصیت همدیگر آگهی داشتند از اینرو مرحوم آیت الله حائری  
از علامه نجفی مرحوم آقا شیخ محمد رضا جهت امر تدریس در قسم دعوت  
دعوت نمود ایشان نیز در اوایل سال ۱۳۴۵ بقم مهاجرت فرمود و در مدرسه  
فیضیه بمباحثه خارج فقه و اصول مشغول گردید و جمعی از افاضل طلاب بمحضر  
ایشان حاضر میشدند .

تاریخ اجازه ای که مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی جهت آیت الله آقای

حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای سلمه الله مرقوم فرموده‌اند سوم جمادی الثانیة سال ۱۳۴۵ در قم می‌باشد .

پس از این تاریخ مرحوم آقا شیخ محمدرضا نجفی باصفهان معاودت فرموده است .

سفر دوم مرحوم علامه نجفی بقم: در موقع مهاجرت علماء اصفهان بقم (ربیع الاول ۱۳۴۶) بزعامت مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله نجفی علیه الرحمة عم بزرگوار مرحوم علامه نجفی ایشان نیز در جمع علماء اصفهان با اتفاق جمیع خاندان مسجد شاهیان بقم مهاجرت نموده و در طول شش ماهیکه علماء در قم بودند ایشان مجدداً در مدرسه فیضیه به مباحثات علمی مشغول گردید و پس از فوت مرحوم ثقة الاسلام (رجب ۱۳۴۶) مجبوراً باصفهان مراجعت کردند .

سفر سوم به قم: مرحوم آقا شیخ محمدرضا نجفی چند سال پس از فوت مرحوم علامه آیت الله حائری (۱۳۵۵) سومین بار بقم مسافرت نموده و پیاپی دوستی و صداقت با مرحوم آیت الله حائری بمنزل فرزند عالم و مجتهد ایشان مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری وارد گردیدند .

در این سفر دیگر بدرس و مباحثه اشتغال نداشتند .

#### اسامی برخی از شاگردان در قم :

در سال ۱۳۴۶ که علماء اصفهان بعنوان اعتراض به اقدامات غیر اسلامی دولت وقت و رفع ظلم و جور بقم مهاجرت نمودند مرحوم آقا شیخ محمدرضا نجفی نیز در خدمت عم بزرگوار خود مرحوم حاج آقا نورالله حرکت فرموده و به آن شهر مقدس وارد و مورد تجلیل و تکریم رئیس حوزه علمیه مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری رحمة الله علیه واقع گردید .

مرحوم حائری بهتر از هر کسی ایشان را می‌شناخت و با ایشان سوابق آشنائی  
و علمی از نجف اشرف و حوزه درس مرحوم آقا سید محمد فشارکی داشت .  
به اصرار آن مرحوم ، آقا شیخ محمد رضا درس فقه و اصول شروع فرمود  
و عده‌ای گرچه تعداد آنان از نظر کمیت چندان زیاد نبود لکن از نظر کیفیت بسیار  
قابل توجه و مهم بود بدرس ایشان حاضر میشدند .

مرحوم حائری در جلسات عمومی و خصوصی فضلاء حوزه علمیه را بشرکت  
در جلسات تدریس آن مرحوم تشویق و ترغیب میفرمود و اورا عباراتی نظیر : شیخ  
بهائی زمان و با شیخ مرتضای عصر میستود .

حضرت آیت‌الله العظمی نایب الامام آقای خمینی در نامه‌ای مرقوم فرموده‌اند  
که :

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری میفرمودند : اگر آقا شیخ محمد رضا  
دی فنون نبود شیخ مرتضای زمان ما بود .

مرحوم حاج سید عبدالحجت بلاغی در یکی از کتابهایش نوشته است که :  
مرحوم حائری در جلسه درس فرمودند : آقا شیخ محمد رضا شیخ بهائی  
زمان ما می‌باشد .

این دو جمله نمونه‌ای از فرمایشات مرحوم حائری درباره آن مرحوم می‌باشد  
اینک بنام چند تن از شاگردان ایشان بطور فهرست و اجمال اشاره می‌کنیم :

۱- آیت الله حاج سید احمد بن عنایت الله حسینی زنجانی

عالم زاهد جلیل فقیه بزرگوار در چهارم ماه صفر سال ۱۳۰۸ در زنجان متولد  
گردیده و در شب شنبه ۲۹ رمضان المبارک ۱۳۹۳ در قم وفات یافت شرح حال  
و اسامی تألیفات آن مرحوم در کتابهای : آثار الحجه ( ص ۳۹ دوم ) آشنائی با  
چند نسخه خطی ( ص ۱۵۰ ) آئینه دانشوران فهرست علمای زنجان ( ص ۱۷ )



چاپ اول) گنجینه دانشمندان (ص ۱۶۶ دوم) و نقباء البشر (صفحه ۱۱۶ یکم) ذکر شده است.

دانشمند بزرگوار جناب آقای حاج شیخ رضا استادی تهرانی در کتاب :  
آشنائی با چند نسخه خطی تمام مؤلفات آن مرحوم را با شرح و توضیح درباره  
هر يك ذكر نموده طالبین مراجعه نمایند .

۲ - علامه فقیه زاهد مرحوم آیت الله العظمی حاج سیداحمد بن محمد یوسف  
موسوی خونساری

از مراجع بزرگ تقلید در ۱۸ محرم الحرام سال ۱۳۰۹ متولد و در ۱۴۰۴  
در طهران وفات یافته در قم در بقعه العلماء مدفون گردید کتب زیر از تألیفات  
ایشانست: ۱ - جامع المدارك در شرح کتاب مختصر النافع در هفت مجلد مطبوع  
۲ - حاشیه توضیح المسائل ۳ - حاشیه عروة الوثقی ۴ - حاشیه بر مناسک حج  
مرحوم شیخ انصاری علیه الرحمة ۵ - عقاید الشیعه مطبوع ۶ - رساله عملیه فارسی  
بنام احکام عبادات مطبوع ۷ - کتابی در فقه در موضوع طهارت و صلوة و کتابهای  
دیگر .

۳ - میرزا اسحق استارائی

در آثار الحجج (ص ۴۱ دوم) درباره او می نویسد :

فرزند آقا عباس تاجر قفقازی در قصبه ارچوان نزدیک شهر استارا متولد گردیده  
در مسقط الرأس خود وارد بیل و خراسان و قم از محضر علماء و اساتید بهره مند شد .  
و از آثار قلمی او: ۱ - تقریرات مرحوم آیت الله حائری ۲ - تقریرات مرحوم آیت  
الله حجت می باشد در قم ساکن و سطوح نهائی را تدریس می کند و از جمعی از  
بزرگان علماء قم و اصفهان از آن جمله مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی  
اصفهانی است .

در گنجینه دانشمندان ( ص ۵۵ دوم ) می نویسد :  
در ماه ذی الحجه ۱۳۹۱ قمری از دنیا رفته و در مقبره ابو حنین در بقعة العلماء  
مدفون گردیده است .

۴ - آیت الله عالم جلیل صاحب مؤلفات کثیره حاج شیخ محمد باقر کمره ای  
ساکن حضرت عبد العظیم ( شهر ری ) ( شرح حال اجمالی ایشان بعداً  
نوشته میشود ) در کتابهای معاصرین فقط در آینه دانشوران ( ص ۹۹ ) چهار  
سطر در باره ایشان نوشته است .

۵ - مرحوم آیت الله حاج میرزا خلیل فرزند ابوطالب کمره ای خمینی عالم  
فاضل مصنف جلیل

در سال ۱۳۱۷ در خمین متولد گردیده و موطن خود و خونسار و اراک  
و سپس قم نزد علماء و بزرگان تحصیل نموده تا بمقامات عالییه رسیده از علماء  
خدمتگزار و نویسندگان و مؤلفین بشمار است سالها در طهران ساکن و در مسجد  
فخرالدوله اقامه جماعت و تدریس و همچنین موعظه و ارشاد و جلسه تفسیر داشتند  
و عده زیادی از محضر او استفاده مینمودند .

کتب زیادی از ایشان بچاپ رسیده که از آن جمله است : ۱ - هفتاد و دو تن و یک  
تن ۲ - ملکه اسلام یا محاکمه فداک اولین محکمه قضائی پس از رحلت رسول  
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۳ - شرح نهج البلاغه ۴ - ندای اسلام ۵ -  
نوید اسلام ۶ - قبله اسلام ۷ - اسرار حج مرحوم مشار در فهرست مؤلفین کتب  
چاپی ( ص ۳۲ سوم ) و همچنین در گنجینه دانشمندان ( ص ۵۳۵ چهارم ) جمماً  
نام ۶۵ کتاب و رساله از تألیفات آن مرحوم ذکر شده است .

۶ - حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا فرزند عالم جلیل آقا  
سید محمد باقر موسوی گلپایگانی  
از مشاهیر فقهاء و مجتهدین معاصر و از مراجع بزرگ تقلید در ۸ ذی القعدة

سال ۱۳۱۶ قمری در قریه گوگرد از توابع شهرستان گلپایگان متولد گردیده و در گلپایگان و اراک و قم نزد بزرگان علماء بالاخص مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نموده تا به اعلی درجه علم و اجتهاد نائل گردیده و از جمعی از اساتید خود باخذ اجازات روایتی و اجتهاد نائل گردیده است اکنون در قسم ساکن و از مدرسین بزرگ و مجتهدین عالمقام و مرجع تقلید عده کثیری از شیعیان میباشد. در علم و حلم و زهد و تقوی و اخلاق فاضله و ملکات نفسانیه و ورع و تقوی بر بسیاری از علماء متقدم و معاصر ممتاز است. متع الله المسلمین بطول بقائه بمحمد وآله. کتب زیر از تألیفات ایشانست: ۱ - تألیفی در فقه ۲ - تقریرات مرحوم حائری ۳ - حاشیه توضیح المسائل ۴ - حاشیه عروة الوثقی ۵ - حاشیه بروسائل ۶ - حواشی بر درر الاصول مرحوم حائری ۷ - کتابی در اصول ۸ - مختصر الاحکام رساله عملیه ۹ - مناسک حج ۱۰ - منتخب الاحکام و غیره تقریرات فقهی و اصولی ایشان را برخی از شاگردانشان نوشته که مجلداتی از آنها بچاپ رسیده است ( آثار الحجج ص ۷۱ دوم - فهرست مؤلفین کتب چاپی ص ۱۹۵ سوم - گنجینه دانشمندان ص ۴۱ دوم - نباء البشر ص ۷۴۲ دوم ) .

#### ۷ - حضرت آیت الله حاج شیخ محمد رضا طوسی

فرزند عباس بن علی بن حسن بن عبدالله عالم جلیل و مجتهد بزرگوار در ۱۸ شعبان المعظم سال ۱۳۲۴ در مشهد مقدس رضوی متولد گردیده و در طبس (گلشن) و مشهد مقدس و قم و نجف اشرف در نزد بزرگان علماء و مجتهدین تلمذ نموده و از آنان بکسب اجازات روایتی و اجتهاد نائل گردیده است. متجاوز از سی مجلد کتاب و رساله تألیف نموده که برخی از آنها بچاپ رسیده است. در شرح حالیکه از ایشان در مقدمه کتاب: الشیعة والرجعه (ص ۱۰) مرحوم آقا شیخ ابوالمجد شیخ آقا رضا اصفهانی (نجفی) را در عداد مشایخ اجازة

ایشان ذکر می کند و بظن قوی این اجازه در قم صادر شده و احتمالاً آن بزرگوار بدرسی علامه جلیل نجفی حاضر میشده است .

۸ - آیت الله عالم جلیل حاج آقا رضا مدنی کاشانی

فرزند مرحوم آقا ملا عبدالرسول مدنی کاشانی مادر این دانشمند بزرگوار صبیبه رضیه مرحوم آیت الله ملا حبیب الله کاشانی میباشد .

در سحرگاه شب چهارشنبه محرم الحرام سال ۱۳۲۱ درکاشان متولد و در شهرکاشان و قم در نزد علماء و مجتهدین نلاند نموده تا بمقام اجتهاد رسیده و اکنون سالهاست که در شهرکاشان مولد و موطن خود ساکن و بوظائف شرعی از تدریس و تألیف و مباحثه علوم و تربیت طلاب و اقامه جماعت و ارشاد و هدایت مؤمنین و امر بمعروف و نهی از منکر و سایر شئون روحانیت اشتغال داشته و ضمناً از معاشرت و مؤانست با مردم بر حذر و بیشتر اوقات عمر شریف ایشان بمطالعه کتب علمی و تألیف و تصنیف و عبادت می گذرد . از تعدادی از علماء نجف اشرف و قم اجازه روایتی و اجتهاد دارند که از جمله آنهاست : مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی که صاحب عنوان در قم از محضر ایشان بهره مند شده و با اجازه روایتی مفتخر گردیده است .

کتابهای زیر از تألیفات ایشانست : ۱ - برامین الحج للفقهاء والحجج در چهار مجلد مطبوع ۲ - توضیح التقریرات فی بحث الخیارات بعربی و آن شرح خیارات کتاب مناجرتالیف مرحوم شیخ بزرگوار حاج شیخ مرتضی انصاری علیه الرحمة از تقریرات مرحوم حائری میباشد ۳ - حاشیه بر کفایة الاصول ۴ - حاشیه بر عروة الوثقی ۵ - الخلافة مربوط به خلافت حضرت علی علیه السلام ۶ - الدررة المضيئة در احکام ظروف طلا و نقره ۷ - رساله در حجاب ۸ - رساله در حدود ۹ - رساله در نکاح و رضاع ۱۰ - فرائض المقلدین رساله عملیه ۱۱ -

کتاب الرباء در مسائل مربوط به ربا ۱۲ - کشف الاستار فی حکم المغرب  
والاستنار ۱۳ - کشف الحقایق فی السرد علی الزندیق والمنافق در دو مجلد  
۱۴ - منتخب الاحکام و غیره صاحب عنوان اکنون در شهر کاشان ساکن است ایده  
الله تبارک و تعالی (مآخذ : آثار لوجه ۴۴۲ دوم ، گنجینه دانشمندان ۲۶۰ ششم -  
مؤلفین کتب چاپی ص ۱۶۶ سوم - نباء البشر ص ۷۵۹ دوم) .

۹ - علامه فقیه مجاهد حضرت آیت الله العظمی نایب الامام آقای حاج آقا  
روح الله بن آقا سید مصطفی بن سید احمد موسوی خمینی  
رهبر انقلاب اسلامی ایران و مؤسس جمهوری اسلامی ایران از مراجع  
بزرگ تقلید در عصر حاضر متولد در سال ۱۳۲۰ در خمین .

شهرت جهانی ایشان مرا و هر نویسنده دیگری را از نوشتن شرح حال آن  
بزرگوار بی نیاز ساخته و ضمناً متذکر میشود که تاکنون درباره شخصیت علمی  
و اجتماعی ایشان و ماهیت انقلاب و نهضت اسلامی ایران از طرف دانشمندان  
و نویسندگان کتابها نوشته شده و بچاپ رسیده است و میتوان ادعا کرد که : کمتر  
قطعه‌ای از دنیا یافت میشود که نام ایشان و اثر اجتماعی و جهانی انقلاب و رهبری  
ایشان زبان زد مردم آن سامان نشده باشد . از اینرو برای نوشتن شرح حال  
و گزارش اعمال و اقدامات ایشان به نویسنده‌ای مقتدر و آشنا بفرمود سیاست  
و اوضاع جهانی نیاز هست و از عهده نویسنده‌ای چون من و دیگران خارج است  
بدین جهت فقط بقای عمر و سلامت و موفقیت آن رهبر و الامقام را از حضرت ایزد  
منان می‌طلبم و انه ولی قدیر .

۱۰ - حضرت آیت الله العظمی ابولمعالی (محمد حسین) سید شهاب الدین

مرعشی نجفی

متع الله المسلمین بطول بقائه از مراجع و مدرسین بزرگ حوزه علمیه قم  
و بنیان گذار کتابخانه عظیم در شهر مقدس قم این وجود محترم با این اقدام

حقاً خدمت بزرگی به اسلام و شیعه و علماء بزرگوار آن در حفظ آثار علمی و کتب و تألیفات آنان نموده و شایسته است نام ایشان در سر لوحه خدمتگزاران به اسلام و شریعت ثبت گردد کتابخانه آیت الله مرعشی در قم هم از نظر کمیت و بخصوص از جنبه کیفیت از کتابخانه های بی نظیر می باشد و پس از آنکه حوزه علمیه شیعه در قم تأسیس شد وجود چنین کتابخانه ای از ضروریات بشمار میرفت که بهمت والای این مرجع عظیم الشان تأسیس و هر روز کامل و کاملتر میشود و امید است که روزی یکی از مهمترین کتابخانه های اسلامی در تمام ممالک واقع شود تاکنون پانزده مجلد از فهرست کتب خطی آن بطبع رسیده و رجاء واثق از عنایات حضرت حق جل و علا و توجهات خاص حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان روحی له الفداء و همت و کوشش حضرت آیت اللهی و فرزند برومندشان حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمود مرعشی آنست که دیگر مجلدات فهرست کتابخانه بهمین کیفیت بچاپ رسیده زینت بخش عالم مطبوعات گردد. نویسنده که یازده مجلد از مجلدات فهرست را در اختیار دارد با اداء تشکر و امتنان از لطف و عنایت حضرت آیت الله که مرا با عدم قابلیت مورد محبت قرار داده و کتابرا جهت مطالعه و استفاده ام کرم فرموده اند از آنها بهره های زیاد برده و در تمام موارد بدان اشاره کرده ام.

یکی دیگر از خدمات ارزنده حضرت آیت الله مرعشی به علماء اسلام و در نتیجه به دین و شریعت چاپ و انتشار کتب علماء و فقهاء و مجتهدین و محدثین بزرگوار شیعه است که عموماً چاپ نشده و متروک مانده بود و با چاپی مغلوط و غیر مرغوب داشته و ایشان با این عمل خدمتی بزرگ بعلم و عالم و اسلام نموده اند ساختن و تعمیر مدارس دینی و ایجاد وسائل رفاه و آسایش طلاب و ساکنین این مدارس نیز یکی دیگر از آثار این مرد بزرگ و عالم جلیل می باشد.

آنچه ذکر شد غیر از آثار علمی و تألیفات ایشانست که برخی از آنها  
بچاپ رسیده و عده‌ای بچاپ نرسیده است .  
تربیت علمی و اخلاقی صدها دانشجوی دینی که از محضر پربرکت ایشان  
کسب فیض نموده را نیز باید جزو آثار ایشان محسوب داشته که هر يك از این  
طالبین علم که در خدمت ایشان تلمذ نموده‌اند در علم و اخلاق سر مشق جامعه بوده  
و نمودار کوچکی از آن استاد بزرگ میباشند .  
تذکره و تئیه : آنچه لازم به تذکر است آنکه :

خدمات و زحمات سایر مراجع بزرگ و علماء بزرگوار و مدرسین حوزه‌های  
علمیه قم - اصفهان - طهران - مشهد و دیگر شهرهای ایران را که هر يك بنوبه  
خود خدمتی شایسته از تأسیس کتابخانه و ساختمان مساجد و بنیان‌گذاری مدارس  
دینی و ساختن بیمارستان و دیگر مؤسسات خیریه عام المنفعة را نباید فراموش  
کنیم و بدانیم که علمای بزرگوار شیعه در هر شهر و دیار که بوده‌اند در حکم « ید  
واحدة » بوده و همگان متفقاً و متحداً در يك مسیر گام برداشته و بر میدارند و آن  
راه اعتلای اسلام و دفع بدعتها و کفر و فساد و مبارزه با ظلم و ظالم و تباهی  
و گمراهی و استعمار و استثمار بوده است . خداوند تبارک و تعالی به آنان توفیق  
انجام کارهای بیشتر و به مسلمین ( و من ) توفیق متابعت و پیروی از اوامر و نواهی  
آنان که مطابق دستورات حضرت حق عز اسمه و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله  
و سلم و ائمه هدی علیهم السلام و قرآن مجید است بیش از پیش عنایت فرماید بمنه  
و کرمه انه لطیف خبیر .

۱۱ - مرحوم حاج سید عبدالحجّت بلاشی

جزو شاگردان اصفهان نیز ذکر میشود .

۱۲ - عالم جلیل محقق حاج شیخ عبدالحسین ابن الدین

متولد در سال ۱۳۲۳ مؤلف : «الاراء والنظرات » در اصول از اساتید دانشگاه

طهران متوفی در شب جمعه ۱۰ ماه صفر سال ۱۳۹۰ ه. ق .

۱۳ - میرزا عبدالله فاضل سرابی

۱۴ - میرزا عبدالله فاضل

( احتمالاً همان فاضل سرابی سابق الذکر است ) .

۱۵ - مرحوم آیت الله آقا میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی

( ۱۳۲۰ - ۱۳۹۶ ) فرزند مرحوم آقا میرزا مصطفی تبریزی عالم فاضل ادیب .

۱۶ - مرحوم آقا میرزا محمد علی بن محمد طاهر مدرس تبریزی

عالم محقق ادیب رجالی مؤلف کتب کثیره از جمله : ۱ - دیوان المعصومین

۲ - ریحانة الادب در شش مجلد از کتب معتبر رجالی که در زمان حاضر تألیف یافته

و قبول عامه یافته و از کتب مورد نیاز همه نویسندگانست و الحق کتابی جامع و نافع

است نویسنده از آن بهره زیاد یافته و از اینرو مؤلف بزرگوار آن را بر من

و دیگران حقی عظیم است . مرحوم مدرس در این کتاب کتبه و لقب اشخاص را

عنوان قرار داده است ۳ - فرهنگ نو بهار دو مجلد و غیره . شرح حال نسبتاً جامعی

از آن مرحوم در مقدمه جلد ششم ریحانة الادب که بعد از فوت ایشان بچاپ

رسیده است نوشته شده طالبین مراجعه کنید .

مرحوم مدرس تبریزی در موقع تألیف کتاب خود از مرحوم آقا شیخ محمد

رضا نجفی شرح حال ایشان را خواسته و ضمناً از ایشان نیز اجازه نموده

مرحوم آقای آقا شیخ محمد رضا شرح حالی در چند صفحه بعربی مرقوم فرموده

و در آخر آن نیز اجازه ای نوشته اند که در آخر شرح حال آن مرحوم خواهیم

آورد . بنابراین مرحوم مدرس شاگرد ایشان نبوده بلکه فقط اجازه دارد و علت

اینکه نام ایشان جزو مجازین و شاگردان قم نوشتیم آنکه تحصیلات مرحوم مدرس

در قم بوده و بسیاری از اطلاعات رجالی خود را نیز از علماء قم کسب کرده

است .



۱۷ - علامه بزرگوار آقا سید علی اکبر برقی قمی

فرزند سید رضی از مؤلفین و نویسندگان معاصر عالم فاضل محقق ادیب شاعر در یازدهم رمضان المبارک سال ۱۳۱۷ قمری در شهرستان قم متولد گردیده و در خدمت علماء بزرگوار و اساتید علوم فقه و اصول و تفسیر و حدیث و دیگر علوم اسلامی را آموخته تا در آنها صاحب نظر گردیده و از اساتید خود به اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده تألیفات زیادی دارد در کتابهای ریحانة الادب (ص ۱۵۴ یکم) فهرست مؤلفین کتب چاپی (ص ۴۹۱ چهارم) و گنجینه دانشمندان (ص ۲۸۹ چهارم) اساتید ایشان عبارتند از: ۱ - مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی ۲ - حاج شیخ حسن معروف بفاضل ۳ - آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری ۴ - میرزا علی اکبر حکمی یزدی و غیره تألیفات او متجاوز از بیست مجلد می باشد که از آن جمله است: ۱ - بامداد روشن در اسرار صلح حضرت امام حسن علیه السلام ۲ - تذکره مبتکران در پایه گذاران علوم و فنون ۳ - چرا از مورگ بت رسم ترجمه ۴ - درج گهر در شرح و ترجمه فرمایشات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۵ - راهنمای دانشوران در تراجم کسانی که به کنیه و لقب مشهورند در ۳ مجلد ۶ - شیعه یابدید آورندگان علوم اسلامی ترجمه ۷ - کاخ دلاویز در شرح حال شریف رضی ۸ - اولو لالا در شرح و ترجمه خطبه حضرت زهراء سلام الله علیها ۹ - مهتابسان در سیرت حضرت امیر مؤمنان علیه السلام و غیره .

در کتاب «رجال قم» (ص ۱۳۳) شرحی مختصر راجع بمسافرت ایشان به وین و شرکت در انجمن هواداران صلح و آئین مترتبه بر این مسافرت نوشته طالبین مراجعه کنند .

۱۸ - مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد تقی طهرانی

فرزند مرحوم حاج میرزا ابوالفضل فرزند مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم  
کلاتری طهرانی عالم فاضل جلیل . پدر و جدش از علماء معروف و شرح حالشان  
در کتب تراجم رجال مسطور است . صاحب عنوان در جمادی الثانیه سال ۱۳۱۳  
متولد و در ذی القعدة سال ۱۴۰۵ در طهران وفات یافت رحمه الله علیه .

مرحوم ثقفی در نزد بزرگان علماء همچون مرحوم آقا میرزا کوچک و مرحوم  
آقا شیخ بزرگ اخوان ساوجبان مقدمات علوم را فرا گرفته و در قم از محضر  
مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری سالها استفاده نموده و همچنین دروس  
مقول را از مرحوم آیت الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی ( ۱۳۱۲ - ۱۳۹۵ )  
آموخته و در سال ۱۳۴۶ که مرحوم آقا شیخ محمد رضا با علماء اصفهان بقم  
مهاجرت نموده و حوزه درس تشکیل داده در این جلسه شرکت نموده و از آن  
مرحوم به اخذ دو اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده است . کتب زیر از تألیفات  
آن مرحوم است : ۱ - تقریرات بحث نکاح مرحوم حائری ۲ - حواشی بر درر  
الفوائد مرحوم حائری ۳ - حواشی بر تقریرات منظومه مرحوم حاج سید  
ابوالحسن رفیعی قزوینی ۴ - حواشی بر سیوطی ۵ - دیوان اشعار مشتمل بر قصائد  
و غزلیات و مدایح و مرثیاتی اهل بیت علیهم السلام ۶ - رساله عدم جواز رجوع  
بحکام جور ۷ - روان جاوید در تفسیر قرآن در پنج مجلد که بطبع رسیده است .  
( آثار الحجج ص ۲۶۵ دوم - گنجینه دانشمندان ص ۳۱۲ چهارم - فهرست  
مؤلفین کتب چاپی و غیره ) .

۱۹ - حضرت آیت الله حاج سید مصطفی فرزند عالم جلیل مرحوم آقا سید

احمد صفائی خونساری قمی

عالم زاهد جلیل القدر از بزرگان علماء و فقهاء و مدرّسین و ائمه جماعت

معاصر در قم میباشند .

در ربیع الاول سال ۱۳۲۱ در خوانسار در خاندان علم و روحانیت متولد گردیده و پس از گذراندن دوره کودکی به تحصیل علم با جدیت و کوشش فراوان اشتغال جسته و در موطن و موالد خود و قم در نزد اساتید بزرگوار تحصیلات خویش را بیپایان رسانیده و از اساتید خود به دریافت اجازه اجتهاد و روایتی مفتخر گشته و اکنون در قم بتدریس فقه و اصول و اقامه جماعت مشغول و مورد توجه عموم طبقات بالخصوص علماء و طلاب و متدینین می باشند .

اسامی برخی از اساتید ایشان بر حسب آنچه در آثار الحجة ( ص ۷۶ دوم و ۲۹۱ دوم ) - گنجینه دانشمندان ( ص ۱۴۸ ) نوشته بقرار زیر می باشد : ۱ - مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی ۲ - مرحوم آقا سید احمد حسینی خونساری والد معظم ایشان ( متولد در حدود سال ۱۲۹۰ و متوفی بسال ۱۳۵۹ در خونسار شرح حال آن عالم بزرگوار و اساتید و تألیفات ایشان بطور اجمال در کتاب : آثار الحجة ( ص ۲۹۱ دوم ) ذکر شده است ) ۳ - مرحوم میرزای نائینی آقا میرزا محمد حسین ۴ - مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی ۵ - آیت الله حاج آقا حسین قمی ۶ - آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ۷ - حاج میر محمد صادق خاتون آبادی ۸ - آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری ۹ - آقا سید علی خونساری خالوی معظم ایشان ۱۰ - آقا زاده خراسانی مرحوم آقا میرزا محمد کفائی رحمة الله علیهم .

صاحب عنوان از بیست و چند نفر از مراجع تقلید و اساتید خود و مجتهدین بزرگوار اجازه روایت و اجتهاد دارد ایشان را تألیفات چندی است که تا کنون به چاپ نرسیده و از آن جمله است : ۱ - تقریرات فقهی و اصولی مرحوم حائری در مباحث مختلفه ۲ - حواشی بر درر الفوائد مرحوم حائری ۳ - حواشی بر کتابهای : شرح لمعه ، قوانین ، کفایه ، مکاسب ، وسیلة النجاة مرحوم اصفهانی ۴ - الجواهر المودعة ۵ - الدیانة الاسلامیة و غیره .

فائده : از جمله اجازات صاحب ترجمه اجازه ای است که مرحوم آیت الله بروجردی علیه الرحمة برای ایشان املاء فرموده و نسخه بخط جناب آقای خونساری در تاریخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۷۳ نوشته شده است مشایخ اجازه مرحوم آیت الله بروجردی بدینقرار ذکر گردیده است :

- ۱ - مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی .
- ۲ - مرحوم حاج میرزا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی .
- ۳ - مرحوم آقا شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی معروف به آقا نجفی .
- ۴ - مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی .
- ۵ - مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی .
- ۶ - مرحوم سید علم الهدی نقوی کابلی ملایری ( ۱۲۸۸ - ۱۳۶۸ ) از خواص اصحاب مرحوم آقا سید مرتضی کشمیری .

توضیح : مرحوم معلم حبیب آبادی در نمونه مختصر المکارم تولد آیت الله صفائی خونساری صاحب عنوان را در سال ۱۳۱۷ هجری قمری می نویسد .

۲۰ - حاج آقا مهدی نراقی کاشانی

فرزند میرزا ابو تراب بن حاج میرزا فخر الدین بن حاج ملا محمد فرزند علامه فقیه حاج ملا احمد نراقی صاحب معراج السعاده فرزند حاج ملا مهدی بن ابی ذر .

در آثار الحجة ( ص ۳۳۴ دوم ) درباره او می نویسد :

از افاضل حوزه علمیه قم و حوزه درس مرحوم آیت الله حائری است در کاشان تولد یافته و در آن شهر نزد پدر دانشمند خود و جمعی از افاضل مقدمات علوم وسطوح و سطوح و نهائی را خوانده سپس جهت تکمیل مراتب علمی رهسپار قم گردیده و از محضر مرحوم آیت الله حائری و دیگر آیات عظام بهره مند

شده تا بمقام اجتهاد رسیده و با اخذ اجازات روایتی و اجتهاد از اساتید خود  
بکاشان مراجعت کرده و بتدریس و تبلیغ و امامت جماعت و ارشاد و هدایت مردم  
پرداخته در سال ۱۳۶۱ وفات یافت .

یکی از مشایخ اجازه او مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی می باشد  
که صاحب عنوان در موقع توقف مرحوم آقا شیخ محمد رضا در سال ۱۳۴۶  
در قم از محضر ایشان استفاده علمی نموده و بدریافت اجازه اجتهاد و روایتی مفتخر  
گردیده است رحمة الله علیهما .

تا این جا کسانی بودند که تا کنون از شاگردان محضر این عالم جلیل در  
قم آگهی بهم رسانیده ایم و ممکن است عده ای دیگر از بزرگان علماء و مدرسین  
باشند که از نام شریف آنها خبر نداریم و اگر بنام کسانی دیگر برخورد کردیم  
و خداوند توفیق چاپ و انتشار مجدد عنایت فرمود جبران خواهیم کرد بحول الله  
و قوته .

#### محل تدریس در اصفهان :

مرحوم علامه آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی قبل از ظهرها در مسجدنو  
بازار تدریس میفرمود و عده ای از فضلاء به محضر او حاضر گردیده و مستفید  
و مستفیض میشدند .

و همچنین عصرها در مدرسه صدر بازار جلسه تدریس داشت که در آن کتاب  
نجات العباد ( فقه ) را مورد بحث قرار داده و عده زیادی از افاضل دانشجویان  
و علماء اصفهان در آن شرکت مینمودند .

در یکی از جلساتی که در خدمت فاضل محترم جناب آقای حاج آقا رضا  
عاملی فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالحسین عاملی خور اسکانی از اعقاب علامه

مرحوم آقا میرزا محمد باقر عاملی معروف به پیشماز از علماء او آخر عهد صفوی و از شاگردان و مجازین از علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و آقا حسین خونساری و مدفون در تخت فولاد در تکیه آقا رضی ( بودیم صحبت از مرحوم آقا شیخ محمد رضانجفی شد ایشان شرحی مفصل از فضائل و ملکات و خصوصیات آن مرحوم بیان داشته و ضمناً از حوزه تدریس فقه ایشان در مدرسه صدر و جامعیت و پر فائده بودن این جلسه و امتیاز آن بر بسیاری از جلسات فقهی مجتهدین دیگر بیان داشتند که مقام ذکر آن نیست .

در روزهای پنج شنبه و جمعه که معمولاً جلسات درس در مدارس دینی تعطیل است و دانشجویان جهت امر تبلیغ و بیان مسائل به دهات میروند مرحوم آقا شیخ محمد رضا در منزل حوزه درسی در باره احادیث داشتند که در آن نیز جمعی از اخبار و افاضل و اکابر محدثین و وعاظ و علماء و طلاب اصفهان شرکت مینمودند .

حضرت حجة الاسلام والمسلمین عالم عابد زاهد آیت الله آقای حاج شیخ مرتضی مظاهری یکی از شاگردان آن مرحوم شرحی مفصل از این جلسه پرفیض و شرکت خود ایشان و جمعی دیگر بیان میفرمودند .

بنابراین حوزه درس و مباحثه ایشان در موضوعات فقه - اصول و حدیث در :

۱ - مسجد نو بازار محل اقامه نماز جماعت ایشان .

۲ - مدرسه صدر بازار مرکز علمی حوزه علمیه اصفهان .

۳ - در منزل ایشان تشکیل میشده است .

ضمناً در دوره اختناق رضا شاهی نیز ایشان هیچگاه درس و مباحثه را تعطیل ننموده بلکه در منزل تدریس مینمود دانشجویان در خدمتشان حضور می یافتند .

## شاگردان و مجازین :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا از سال ۱۳۳۴ که از نجف اشرف باصفهان موطن آباء و اجداد خود مراجعت نمود تا سال ۱۳۶۲ که هم در این شهر وفات یافت جمعاً مدت بیست و نه سال تمام یکی از مراجع دینی و مدرسین معروف اصفهان شمرده میشد و حوزه درس ایشان از حوزه‌های مهم و پرفائده و مشحون به جمعی کثیر از افاضل طلاب و بزرگان اهل علم که هر یک بنوبه خود از مدرسین و علماء معروف بشمار میرفتند بوده است .

ادوار چهارگانه : دوره تقریباً سی ساله ریاست علمی و تدریس آن مرحوم را از نظر موقعیت زمانی به چند دوره تقسیم می‌کنیم :

الف : از هنگام ورود یعنی محرم سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۴۶ ( تقریباً سیزده سال ) یعنی سال مهاجرت علماء به قم که شرح اجمالی آن در فصل مربوط بزندگانی مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نورالله نجفی گفته شد . در این دوره در اصفهان علماء و مجتهدین معروفی همچون : ۱ - آقا سید ابوالقاسم دهکردی ۲ - آقا سید محمد باقر درچه‌ای ۳ - آخوند ملامحمد حسین فشارکی ۴ - حاج میرمحمد صادق مدرس خاتون آبادی ۵ - مولی عبدالکریم گزی و جمعی دیگر از فحول و بزرگان در این شهر بکار تدریس و تربیت علمی و اخلاقی طلاب اشتغال داشتند اما مرحوم آقا شیخ محمد رضا عالمی جوان و تازه نفس و جامع جمیع فنون ، فقیه و ادیب و شاعر و لطیفه‌گو و خوش محضر و برخلاف بسیاری از علماء دیگر که هر کدام در یک رشته از علوم امتدادی و مهارت داشتند این بزرگوار ذی فنون بوده و در کلیه علوم اسلامی از فقه و اصول و حدیث و تفسیر و فلسفه و ریاضی و غیره صاحب نظر بوده از این جهات مورد توجه خاص طالبین این دانشها قرار

گرفته و همگان می‌حضرش را مغتنم می‌شمردند .

ب : در سال ۱۳۴۶ که موضوع مهاجرت علماء به قم پیش آمد مرحوم آقا شیخ محمد رضا نیز در خدمت عموی بزرگوار خود بقم هجرت نموده و در آنجا باصرار مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و استدعای جمعی از افاضل طلاب بدرس و مباحثه مشغول گردیده و عده‌ای از فضلاء حوزه قم بدرس ایشان در مدرسه فیضیه و همچنین در منزل ایشان شرکت نموده که نام عده‌ای از آنان قبلاً ذکر گردیده مدت این دوره قریب شش ماه بوده است .

ج : در سال ۱۳۴۷ مقدمات تغییر لباس پیش آمد و در سالهای ۴۹ و ۵۰ شدت یافت و آنقدر ظلم و ستم از طرف مأمورین و عمال دستگاه رضا خان به این طبقه و عموم طبقات و اقشار ملت وارد شد که قلم از شرح و بیان آن عاجز است و اگر شمه‌ای از آن‌همه بیداد نوشته شود شاید بسیاری از خوانندگان آنرا بر مبالغه و اغراق حمل کنند در هر حال این دوره نیز تا سال ۱۳۵۷ بطول انجامید .

د : از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ سالیکه اربابان رضا خان او را از راهیکه آورده بودند بیرون بردند و حکومت و سلطنت طاغوتی را بفرزندش دادند و از آن موقع ( شهریور ۱۳۶۰ مطابق شعبان ۱۳۶۰ ) تا سال ۱۳۶۲ که آقا شیخ محمد رضا نجفی وفات یافت .

در این دوره رفتار دستگاه و مأمورین جفا پیشه با علماء و روحانیون اندکی تغییر یافت نه اینکه اینان مسلمان و معتقد شده باشند و ارزش معنوی اهل علم را در اجتماع درک نموده باشند بلکه آنها خطر کمونیست را حس کرده و تنها راه چاره و وسیله مبارزه با آنرا تقویت مبانی دینی تشخیص کردند و علماء و مدرسین علوم دینی را در انجام وظائف خود آزاد گذاردند . از اینرو علماء بزرگوار توانستند که بطور آزاد و بدون مانع بمساجد و مدارس رفته و به اقامه نماز جماعت



وارشاد و هدایت مردم بوسیله موعظه در منبر، پردازند و همچنین تشکیل مجدد حوزه‌های علمی، بحث و تدریس بدهند و طلاب و دانشجویان که پراکنده شده بودند دوباره گرد هم جمع شوند. مجالس روضه خوانی و سوگواری جهت حضرت سید الشهداء علیه السلام که سالها بود از طرف دولتیان جلوگیری میشد آزاد گردید و فی الجمله آرامش برای مسلمان و متدینین فراهم گردید.

مرحوم آقا شیخ محمد رضا در تمام این ادوار از انجام وظائف شرعی خود در امر تدریس و مباحثه و تربیت طلاب و مشتغلین آنی غفلت نفرمود و در هر موقع بر حسب مقتضی زمان چه در منزل و چه در مسجد نو بازار و همچنین مدرسه صدر بازار درس و مباحثه را تعطیل نفرمود و طالبان علم و معرفت از گوشه و کنار بگرد شمع وجود او جمع شده استضاءه میگردند.

### وضع زندگانی طلاب علوم دینی:

بیشتر طلبه‌ها و دانشجویان علوم دینی از مردم دهات و عده‌ای نیز از آفازان بوده و پدرانشان عموماً اهل علم و بیشترین آنها از جنبه مادی فنی‌گر چه از جهات معنوی غنی و بزرگوار میباشند لذا زندگانی طلاب و امر معیشت آنها از راه:

۱ - موقوفات مدارس که جهت همین امر در نظر گرفته شده است.

۲ - حقوقی که مدرسین از محل سهم مبارك امام علیه السلام یاد دیگر وجوه بریه به آنها، پیروزند.

۳ - وعظ و منبر و اینگونه موارد که بوسیله خود طلاب عموماً در شهرها و یا دهات خود و یا دیگر جاها انجام میشود و مؤمنین در برابر آن وجوهی خدمتشان تقدیم می کنند.

و دیگر راههای نظیر آن تأمین میشود.

مرحوم آقا شیخ محمد رضا تا سالهای آخر عمر متصدی امر موقوفاتی نبود که بتواند از اینراه به طلاب حاضر در جلسه درس خود کمک کند .  
وی شخصاً ثروتی نداشت که با آن بذل و بخششی داشته باشد و آنچه از املاک موروثی پدری داشت در طول مدت سی ساله توقف در اصفهان بتدریج فروخته و امر معیشت خود و خانواده خویش را با آن اداره میکرد .  
از این جهات و علل دیگر عموم طالبین علم که در محضر ایشان تلمذ میکردند نظر به امور مادی نداشته و فقط خواهان علم بودند و دانش و دیگر آنکه چون دوره تدریس ایشان مصادف با دوره اختناق رضا شاهی بود تعداد آنها زیاد نبود ( مانند دیگر حوزه‌های علمیه ) .

علامه محقق مرحوم حاج شیخ احمد فیاض یکی از شاگردان مرحوم میفرمود که در آن زمان هیچوقت تعداد شاگردان حاضر در جلسه بیشتر از بیست نفر نمیشد و من ( نویسنده سطور ) خود مکرر در مکرر جلسه درس مرحوم علامه بزرگوار سید سند حجة الاسلام و آیت الله آقا سید محمد مدرس نجف آبادی را در موقع عصر در مدرسه جده دیده بودم که تعداد نفرات آن از شماره انگشتان تجاوز نمیکرد .

اینک بخواست خداوند متعال بنام عده‌ای از شاگردان و همچنین مجازین از آن مرحوم بترتیب حروف تهجی اشاره می‌کنیم .

ذکر دو مقدمه : قبل از نام بردن شاگردان و مجازین لازم است دو نکته را متذکر شویم :

۱ - این افراد همگان از حیث مقام علمی و شخصیت اجتماعی در يك رتبه و مقام نیستند :

۲ - این افراد بر سه قسم و نوعند :

اول : هم شاگرد هستند وهم مجاز

دوم : فقط شاگرد میباشند

سوم : فقط مجاز میباشند ومجازین نیز بر دو گونه اند :

الف : اجازات روایتی

ب : اجازات اجتهادی ( گواهی اجتهاد )

پس از ذکر مقدمات ومطالب ذکر شده شروع در مقصود نموده ومی گوئیم :

۱ - حاج میرزا ابراهیم نواب

امام جماعت مسجد ذوالفقار متوفی در غره ماه صفر ۱۳۶۶ مدفون در لسان

الارض در قبرستان تخت فولاد که متأسفانه در سالهای اخیر کلیه آثار وقبور لسان

الارض حتی مقبره منسوب به حضرت یوشع از پیغمبران بنی اسرائیل را خراب

کرده وبازمین برابری ساختند .

مرحوم نواب فرزند مرحوم حاج میرزا محمد باقر بن حاج میرزا محمد متوفی

بعد از سال ۱۲۶۵ فرزند علامه حکیم مفسر جلیل میرزا محمد باقر نواب لاهیجی

اصفهانى طهرانى مؤلف : ۱ - تفسیر قرآن ۲ - شرح نهج البلاغه مطبوع متوفی

در ۳ شعبان ۱۲۴۸ در طهران (ص ۹۷ سیزدهم فهرست کتابخانه مجلس شورای

ملی واسلامی) دیگر از تألیفات او : ۳ - ترجمه کشف الغطاء شیخ جعفر نجفی

نسخه در کتابخانه مسجد اعظم قم (ص ۸۰ فهرست شماره کتاب ۵۴) .

۲ - مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم اشراقی

واعظ قمیسه ای اصفهانى متوفی بسال ۱۳۸۹ ق . ۸

۳ - مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نورانی سدهی

فاضل محترم فرزند شیخ کمال الدین بن ابی القاسم بن محمد صادق بن محمد

تقی بن زین العابدین بن محمد تقی بن محمد باقر بن حیدر علی بن کلب علی بن مولی

نوراء بن مولی محمد بن الشیخ محمد بن الشیخ علی المیسی العالمی از شاگردان

و مجازین از مرحوم آقا شیخ محمد رضا وهم از مجازین از مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (ص ۷۳ نقباء البشیریکم) از فضلاء مشهور و خدمتگزاران بشرح و دین متوفی در ماه شعبان ۱۳۹۰ مدفون در تکیه آقا سید محمد لطیف خواجوی در تخت فولاد، مرحوم نورانی علاوه بر تدریس خصوصی و جلسه درسی در مدرسه چهار باغ و منبر و ارشاد امتیاز دبستان نور را نیز داشته و از اینراه بفرهنگ اجتماعی و آموزش اسلامی کودکان و نوجوانان شهر اصفهان خدمت میکرد.

۴ - آیت الله مرحوم حاج شیخ احمد فهاض فروشانی

فرزند مرحوم ملامصطفی فرزند مرحوم ملا محسن سدهی عالم فاضل زاهد متقی از مدرسین بزرگ اصفهان .

پدرش مرحوم ملا مصطفی از علماء معروف سده و از شاگردان مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و دیگران بوده و در «فروشان» به اقامه جماعت و رسیدگی به امور مردم و دیگر شئون روحانیت اشتغال داشته و پس از فوت در تکیه مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید .

مرحوم فیاض در ۱۷ ذی القعدة الحرام سال ۱۳۲۴ در سده متولد گردیده و مقدمات علوم را تا سیوطی در نزد پدر دانشمند خود و مرحوم آقا سید مصطفی سدهی آموخته در سال ۱۳۴۱ باصفهان آمده و در مدرسه نیم آورد سکونت نموده و سطوح اولیه و سطوح وسطی و همچنین دروس خارج را از علماء و مجتهدین و آیات عظام این شهر که ذیلا اسامی آنان را ذکر می کنیم بخوبی فرا گرفته و از برخی از آنان به اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر شده و در سال ۱۳۶۴ به نجف اشرف مهاجرت کرده و از مجالس درس اساتید و آیات و حجج در آن ارض اقدس کامیاب شده و در سال ۱۳۶۹ باصفهان مراجعت نموده و در مدرسه صدر

خواجو امامت و در مدرسه صدر بازار فقه و اصول تدریس مینمود . مرحوم فیاض  
 عالمی متین و منظم و موقر و مؤدب به آداب و اخلاق اسلامی بود . عموم طبقات  
 بالاخص علماء و طلاب و مقدسین با ارادت داشتند و خدمتش را معتنم می شمردند .  
 نویسنده قریب چهل و پنج سال بلکه پنجاه سال از نزدیک ایشان را می شناختم و باو  
 ارادت می ورزیدم و از محضرش کسب فیض میکردم و هر وقت میتوانستم به نماز  
 جماعتش حاضر میشدم اساتید و مشایخ اجازة روایتی و اجتهادی او در اصفهان  
 عبارتند از : ۱ - مرحوم حاج میرزا ابو الهدی کلباسی ۲ - مرحوم آقا میرزا  
 احمد مدرس ۳ - مرحوم آقا سید محمد باقر درجهای ۴ - مرحوم حاج میرزا  
 جمال الدین کلباسی ۵ - مرحوم حاج ملا حسن دولت آبادی ۶ - مرحوم آقا  
 شیخ محمد رضا مسجد شاهی ۷ - مرحوم حاج میر محمد صادق مدرس خاتون  
 آبادی ۸ - مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی ۹ - مرحوم آقا شیخ علی مدرس  
 یزدی ۱۰ - مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی ۱۱ - مرحوم ملامحمد  
 علی عالم حبیب آبادی ۱۲ - مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی ۱۳ - مرحوم  
 آقا سید محمد نجف آبادی ۱۴ - مرحوم آقا سید مصطفی در سده خدمت او  
 تلمذ کرده است ۱۵ - مرحوم آقا سید مهدی درجهای و اساتید آن مرحوم در  
 نجف اشرف عبارتند از :

۱ - مرحوم آیت الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی ۲ - مرحوم آقا سید عبدالهادی  
 شیرازی ۳ - مرحوم آقای حاج سید علی بهبهانی ۴ - مرحوم آقا شیخ محمد کاظم  
 شیرازی ۵ - مرحوم حاج سید محسن حکیم و مشایخ اجازة او غیر از آقا سید  
 جمال الدین گلپایگانی و آقا شیخ محمد رضا نجفی و آقا سید عبدالهادی شیرازی  
 و آقا سید محمد نجف آبادی عبارتند از : ۱ - مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ  
 طهرانی ۲ - مرحوم حاج میرزا احمد آشتیانی ۳ - مرحوم آقا سید احمد جزائری

معروف به سید آقا ۴ - مرحوم آخوند ملامحمد فشارگی وبالاخره ۵ - مرحوم آیت الله اصفهانی آقا سید ابوالحسن مدیسه‌ای موسوی ورحمة الله عليهم اجمعین. مرحوم فیاض تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را مرقوم فرموده لکن عموماً غیر مرتب و نا منظم میباشد و از آنجمله رساله شروط ضمن العقد از تقریرات مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی مرتب و مدون گردیده است.

مرحوم فیاض در ذی القعدة سال ۱۴۰۷ در منزل مسکونی خود در محله خواجهوی اصفهان وفات یافته جنازه ایشان روز شنبه با احترامات شایسته و تشییع مناسب اول بمدرسه صدر بازار منتقل گردیده و سپس به سده مولد ایشان نقل شده و آنجا دفن گردید. رحمة الله علیه رحمة واسعة.

شرح حال مختصری از آن مرحوم در کتاب: گنجینه دانشمندان (ص ۲۲۵ هشتم) و همچنین مجله حوزه شماره ۱۸ دیمه ۱۳۶۵ مطابق جمادی الاولی سال ۱۴۰۷ (با قید نقل و اقتباس از این مجله بدون اجازه ممنوع است) و روزنامه‌های ایام فوت آن مرحوم نوشته و بچاپ رسیده است و بیشتر مطالب نقل شده از اطلاعات شخصی نویسنده و یا برخی از علماء معاصر اصفهانست.

۵ - مرحوم آقا شیخ اسماعیل گزی

فاضل محترم.

۶ - حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید اسماعیل هاشمی

موسوی طالخونچه‌ای

فرزند مرحوم آقا محمد حسن بن سید ابراهیم از علماء بزرگوار معاصر اصفهان و از ائمه جماعت عالم فاضل جلیل صاحب تألیفات مفیده مطبوعه و غیر مطبوعه. آقای هاشمی در حدود سال ۱۳۳۰ در دهکده طالخونچه (طالقانچه) از بلوک سمیرم در خاندان علم و روحانیت و تقوی متولد گردیده و پس از گذشت

دوران طفولیت در مهد تربیت پسر بزرگوار خود که از علماء و ائمه جماعت  
 در محل بسوده بخواندن و نوشتن شروع می کند مقدمات علوم را در نزد پسر  
 و برادر بزرگ خود مرحوم حجة الاسلام آقای سید علی اکبر هاشمی طالخونچه‌ای  
 (حدود ۱۴۱۰ - ۱۴۸۸) فراگرفته سپس به اصفهان مهاجرت کرده و در مدرسه  
 ناصریه جنب مسجد شاه و بعداً مدرسه ثقة الاسلام حاج شیخ محمد علی نجفی سکوت  
 و به تحصیل ادامه داد و پس از سالها با اتفاق برادر نامبرده بقم مهاجرت نموده در نزد  
 اساتید و مراجع و آیات عظام به تکمیل مراتب علمی پرداخته و با اخذ و نیل به  
 مقامات عالیه علم بموطن خود مراجعت کرده و به ارشاد و هدایت و اقامه جماعت  
 و رسیدگی به امور مذهبی مردم ناحیه قمبوان از بلوک سمیرم پرداخته و اخیراً  
 اصفهان تشریف فرما شده و مردم این شهر را از راه مواعظ حسنه ارشاد و در  
 مسجد خیابان آتش اقامه نماز جماعت مینماید. حضرت آقای هاشمی عالمی  
 خدمتگزار و زاهدی است پرهیزکار که علاوه بر اقامه نماز جماعت و ارشادات  
 و مواعظ منبری کتابهای چندی تألیف فرموده و برخی از آنها را نیز بچاپ  
 رسانیده است کتب زیر از تألیفات ایشان است: ۱ - اربعین بنام ملتقطات ۲ -  
 دیوان اشعار بعربی و فارسی ۳ - ذریعة الزائر یا رهبر زوار مطبوع ۴ - شهادة  
 الشهداء در شرح و ترجمه لسوح حضرت زهراء سلام الله علیها مطبوع ۵ - ضیاء  
 البشر در رد شیخیه کریمخانیه ۶ - لؤلؤ درخشان در صفات بهترین زنان ۷ -  
 مجموعه‌ای در رد صوفیه و غیره.

اساتید و مشایخ ایشان عبارتند از: ۱ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی  
 ۲ - مرحوم آقای حاج شیخ مهدی نجفی در اصفهان و آیات عظام ۳ - مرحوم  
 آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری ۴ - مرحوم آیت الله آقا سید صدر  
 الدین صدر ۵ - مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حائری در قم

و جمعی دیگر از بزرگان اهل علم و اجتهاد - جناب آقای هاشمی از اعضاء جلسه استفتاء مرحوم آیت الله حاج میر سید علی بهبهانی در اصفهان بشمار میرفتند .

۷- مرحوم حاج شیخ اسماعیل کلباسی

فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا رضا کلباسی واعظ کامل و فصیح و دانشمند جامع در ذی الحجه سال ۱۳۳۲ در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر بزرگوار و عده زیادی از انجمله علماء و دانشمندان از آنجمله مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی (برای مدت زمان اندکی) تلمذ نموده و از جمعی از آیات عظام و مراجع به اخذ اجازات مفتخر گردید . سالها در مسجد و منبر مردم را موعظه و ارشاد نموده از آثارش : ۱- حواشی بر کتاب انیس اللیل در شرح دعای کمیل تألیف پدر علامه اش ۲- زیارتگاه اهواز در شرح حال اجمالی جناب علی بن مهزیار بچنان رسیده و مورد استفاده اهل فضل قرار گرفته است . مشارالیه در ۲۹ رمضان المبارک سال ۱۳۹۷ در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد در مقبره مسجد رکن الملك در تخت فولاد مدفون گردید . رحمة الله علیه در سالهای اخیر از جلسات درس مرحوم آیت الله حاج میر سید علی بهبهانی استفاده مینمود رحمة الله علیه .

۸- مرحوم آقا شیخ امان الله کیمکانی

فرزند ملا ابدال عالم فاضل از خواص اصحاب مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی و مورد وثوق و اعتماد ایشان و عموم علمای اصفهان سالها در مدرسه عربان ساکن و مقدمات علوم عربیت و سطوح فقه و اصول و غیره تدریس میکرد و عده ای از محضرش بهره مند میشدند. در بلوک بر خوار مصدر امور شرعی و مقبول القول بود در شب ۲۳ رمضان ۱۳۸۳ وفات یافته در تکیه آقا سید محمد لطیف خواجهائی در تخت فولاد مدفون گردید .



- مرحوم حاج امیر آقا فلاورجانی لنجانی

عالم فاضل محترم در اصفهان خدمت بسیاری از بزرگان و آیات عظام از آنجمله مرحومین حجتین آیتین آقای حاج میرسید علی مجتهد نجف آبادی و آقا سید محمد نجف آبادی و دیگران تحصیل نموده و مدتی نیز مدرس مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی حاضر میشده است. وی پس از تکمیل تحصیلات خود بمولد و موطن خود مراجعت نموده و به امور روحانی و رسیدگی به کارهای مذهبی مردم اشتغال داشت تا در سال ۱۴۰۳ بسن قریب به ۷۵ رحلت نموده و در همانجا بخاک سپرده شد.

مشارالیه عالمی متواضع و مهربان و جامع و نکته دان بود رحمه الله علیه.

فائده ۱ - لفظ فلاورجان که اکنون مرکز دهستان لنجان سفلی و محلی بزرگ و معتبر و دارای جمعیت زیاده و مساجد متعدد میباشد معرب تصحیف « پل ورکان » میباشد. نام اصلی این محل ورکان بر وزن لرزان میباشد و یکی از پلهای زاینده رود در جنب او قرار گرفته و آنرا « پل ورکان » می گفته اند بعداً این کلمه بر نام قصبه غلبه کرده و آنجا را « پل ورکان » به سکون لام خوانده و امروز فلاورجان می گویند و می نویسند.

فائده ۲ - حاج اطعملی بیک آذر بیکدلی در تذکره آتشکده در ضمن شعرای اصفهان می نویسد :

خواجه جلال ورکانی ( در نسخه چاپی کتاب درکان بدال چاپ شده )  
ورکان قریه ای است از جوشقان ( ظاهراً جوشقان خطا و اشتباه و لنجان صحیح  
میباشد ) من اعمال اصفهان خلف خواجه شهاب الدین . . . مداح سلاطین اتابکیه  
است و از شعرای مقرر قزل ارسلان . . . در خدمت شیخ نجم الدین کبری  
سالک طریقه فقر و عرفان گشته از مریدان اوست . این چند شعر از یکی از قصاید

او میباشد :

مگر که موکب سلطان گل رسید از راه

که ساکنان چمن را فزود رونق و جاه

نسیم صبح که مشاطه ریاحین است

چو از قدوم عروسان باغ شد آگاه

گرفت گردن شاخ از شکوفه درزیور

نهفت روی زمین از بنفشه درع سیاه

سمبران گلستان و گلرخان چمن

بزیر غنچه بصد چشم می کنند نگاه

بچشم عبرت و صنع خدا ببین و بگو

زهی بدایع او لا اله الا الله

۱۰ - آیت الله حاج شیخ محمد باقر نجفی

فرزند عالم جلیل آیت الله مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی علیه الرحمة  
عالم فاضل از علماء اصفهان ساکن طهران : سردودمان اعقاب و اخلاف مرحوم  
آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی صاحب هدایة المسترشدين .

در اصفهان در خاندان علم و روحانیت و ریاست متولد گردیده و مقدمات علوم  
را نزد عده ای از علماء و فضلاء این شهر به پایان رسانیده سپس دوره خارج فقه  
و اصول را سالها در خدمت آیتین حجّتین علامتین مرحوم حاج میر محمد صادق  
مدرس خاتون آبادی و مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی عمو زاده بزرگوار خود  
تلمذ کرده و تقریرات بحث فقه و اصول این استاد را نوشته و بنظر آن مرحوم رسانیده  
مورد تشویق و تحسین ایشان قرار گرفته و به اجازه روایتی و اجتهاد ویرا سر  
افراز نمود در سال ۱۳۴۶ در خدمت عم بزرگوار خود مرحوم ثقة الاسلام حاج

آقا نور الله نجفی بقم مهاجرت کرده و تا آخرین دقایق حیات آن مرحوم با ایشان بوده و از جمله کسانی است که از نزدیک شاهد و ناظر کلیه وقایع مهاجرت از مقدمات آن در اصفهان و رفت و آمد دولتیان در قم با مهاجرین و بالاخص با مرحوم ثقة الاسلام و گفت و شنود آنان آگاهی کامل دارد .

در سال ۱۳۶۴ به مکه معظمه مشرف گردیده و سپس باصفهان مراجعت نمود چندین سالست که بطهران مهاجرت نمود و آنجا را محل اقامت خود قرار داده و در زمان حیات مرحوم آیت الله حاج سیداحمد خوانساری از خواص اصحاب ایشان بوده و در جلسات درس و فتوی و جماعت ایشان شرکت مینمود . در زمان پدر نیز مدتها در طهران در خدمت آن مرحوم بوده است .

۱۱ - آیت الله حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای

سلمه الله تبارك و تعالی .

آیت الله آقای حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای ساکن زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام (شهر ری) . چون نویسندگان معاصر از روی نظرهای خاص و اغراض شخصی و یا جهات دیگری که بر نویسنده مجهول است عمداً و یا سهواً نام این عالم جلیل را در کتابهای خود ذکر نموده‌اند این جانب بر خود واجب و لازم دانست که شرح حالی از ایشان بمناسبت شاگردی آن مرحوم در قم و اصفهان در نزد مرحوم آفاشیخ محمد رضا نجفی و هم اجازه داشتشان به اجازه روایتی و تصدیق اجتهاد ذکری از مشارالیه نموده و ضمناً متذکر میشوم که این جانب از ایشان اجازه روایتی دریافت داشته و از این جهت نیز حقی بر ذمه حقیر ثابت گردانیده‌اند .

اینک شرح حال مأخوذ از نوشته خود ایشان و فهرست مؤلفین کتب چاپی مرحوم خانباها مشار (صفحه ۱۱ دوم) و آثار دیگر مطبوعه ایشان .

عالم جلیل بزرگوار فقیه، محدث، صاحب تألیفات کثیره آقای حاج شیخ محمد باقر بن محمد بن محمد رضا بن علی اصغر کمره‌ای پس از سال ۱۳۳۰ در نواحی خمین (کمره) متولد گردیده و پس از طی دوران مکتب خانه در نزد پدر خود که از جمله علماء و تحصیل کرده‌های اصفهان بوده، مقدمات علوم را تا سطح را آموخته و در سال ۱۳۴۱ قمری برای ادامه تحصیل به اراک رفته و پس از چند ماه بقم مهاجرت نموده و از اساتید عظام این حوزه مقدسه استفاده نموده و بخصوص نزد محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری قفها و اصولا مستفیض گشته و در سال ۱۳۴۱ قمری که دولت عراق بدستور انگلیس مراجع تقلید و علماء بزرگوار حضرات حجج باسلام و آیات الله عظام: آقا سید ابوالحسن مازندرانی اصفهانی ۲ - آقا مرزا محمد حسین نائینی ۳ - حاج شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی ۴ - آقا سید عبد الحسین حجت کربلائی ۵ - آقا سید علی شهرستانی ۶ - حاج شیخ مهدی خالصی کاظمینی علیهم الرحمة والرضوان را بجرم مخالفت با دخالت‌های ناروای بیگانگان در امور داخلی مملکت عراق به ایران تبعید نمود و این آیات الله عظام بقم وارد شدند و شروع بدرس و مباحثه علمی نمودند آقای کمره‌ای از این موقعیت استفاده نموده و در مجالس درس مرحومین حجتین آیتین اصفهانی و نائینی حاضر شده و بهره‌مند گردید.

همچنین در سال ۱۳۴۶ که علمای اصفهان بعنوان مخالفت با دستگاه حکومت رضا خانی و برخی از قوانین بقم مهاجرت نمودند و عده‌ای از اعلام و مجتهدین حوزه درسی تشکیل داده که از آن جمله مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی بود. آقای حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای بدرس خصوصی و عمومی ایشان حاضر شده و مورد توجه مخصوص استاد قرار گرفت.

مرحوم آقا شیخ محمد رضا صبح‌ها در مدرسه فیضیه درس عمومی داشتند

وعصرها در منزل درس خصوصی جهت برخی از خواص اصحاب و فضلاء حوزه میفرمودند که آقای کمره‌ای در هر دو حوزه شرکت داشته‌اند پس از فوت مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله نجفی رهبر قیام و نهضت در شب غره ماه رجب سال ۱۳۴۶ و مراجعت علماء به اصفهان مرحوم آقای آقا رضا مسجد شاهی نیز بوطن خود برگشتند

آقای کمره‌ای در شرح حال خود می‌نویسند که :

استاد نسبت به اینجانب اظهار لطف کردند و کتاب « نقد فلسفه داروین » ایشان را در مجلس میخواندم و ایشان توضیحاتی میدادند و در این ایام با مرحوم علامه حاج آقا مجدالدین فرزند برومند ایشان الفتی بسزا برقرار شد و این سوابق سبب شد که در سالهای هفت و هشت (۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ ق. هـ) با اصفهان رفتم و ایشان در منزل خود پدرا نه از من پذیرائی نمودند و از مجلس درس و معاشرتهای بسیار مفید ایشان استفاده شایانی نمودم .

در سال ۱۳۴۹ به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا در خدمت آیات عظام : ۱ - مرحوم آیت الله علی الاطلاق مرجع الشیبه آقا سید ابوالحسن ۲ - آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی ۳ - آقا میرزا محمد حسین نائینی و بالاخره استاد فقهاء عصر مرحوم آیت الله آقای آقا ضیاء الدین عراقی و دیگر علماء و مجتهدین تلمذ نموده و عموماً تقریرات دروس آنان را می‌نوشته‌اند . در خلال سالهاییکه در نجف اشرف ساکن بوده‌اند کتابهای زیبای تألیف نموده و برخی از آنها را در نجف و بغداد بچاپ رسانیده است . در سال ۱۳۱۸ شمسی به ایران مراجعت نموده و قصد برگشت به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام را داشته لکن وقوع پیش آمد جنگ جهانی دوم و توسعه آن مانع حصول مقصود گردیده و از آن سال تاکنون در جوار حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهری

ساکن گردیده و بتألیف و تصنیف و خدمات دینی و مذهبی اشتغال جسته و تاکنون  
بحمد الله بوظیفه شرعی خود مشغول است .

کتابهای زیر از تألیفات ایشانست :

- ۱ - اصول الفوائد الغریبه بعربی در دو مجلد مطبوع جلد یکم در مباحث  
الفاظ جلد دوم در اصول عملیه
- ۲ - انتخابات اساسی حکومت ملی ، اصلاح مجلس شورای ملی مطبوع
- ۳ - ترجمه اصول کافی ۴ مجلد مطبوع
- ۴ - ترجمه امالی مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمه
- ۵ - ترجمه خصال شیخ صدوق رضوان الله علیه مطبوع چندین بار بچاپ  
رسیده است

۶ - ترجمه روضه کافی تألیف فقه الاسلام کلینی علیه الرحمه مطبوع

۷ - ترجمه کمال الدین و تمام النعمه تألیف مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمه  
مطبوع

۸ - ترجمه مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس محدث قمی

۹ - ترجمه نفس المهموم مرحوم محدث قمی بنام رموز الشهادة

۱۰ - تفسیر سوره یوسف علیه السلام فارسی مطبوع

۱۱ - حاشیه بر مکاسب غیر مطبوع

۱۲ - حمزه سالار شهیدان در جنگ احد مطبوع

۱۳ - خدا شناسی جلد یکم مطبوع

۱۴ - خود آموز صرف زبان عربی بفارسی مطبوع

۱۵ - خود آموز علم بلاغت بفارسی مطبوع

- ۱۶ - الدین فی طور الاجتماع در پنج مجلد سه جلد مطبوع .
- ۱۷ - راهنمای حج و مناسک بقارسی مطبوع و آن جلد سوم فروع دین و نصوص احکام است .
- \* - رموز الشهادة ترجمه نفس المهموم .
- ۱۸ - روحانیت در اسلام دو جلد فارسی در سال ۱۳۴۲ شمسی در طهران چاپ شده است .
- ۱۹ - ستون دین چندین بار در طهران بچاپ رسیده است .
- ۲۰ - السیف المشهرقی تحقیق اسم المصدر و آنرا در اصفهان تألیف نموده و مورد تأیید و تشویق مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی استادش قرار گرفته مخطوط .
- ۲۱ - فروع دین و نصوص احکام ، فقه فارسی با مدارک یا فقه اسلامی در ۴ جلد مطبوع
- ۲۲ - فصل الخصومه فی الورد والحکومة عربی مطبوع .
- ۲۳ - کانون حکمت قرآن در تفسیر سوره لقمان فارسی مطبوع .
- \* - کانون عفت قرآن در تفسیر سوره یوسف علیه السلام فارسی مطبوع .
- ۲۴ - گنجینه معارف شیعه امامیه فارسی مطبوع و آن ترجمه و تعلیقات کتاب «کنز الفوائد» تألیف علامه کراچکی در اصول خمسہ اعتقادیہ و بیان اخلاق و جامع بین حکمت نظریه و عملیه میباشد .
- ۲۵ - مرانامه اتحاد روحانیون و علماء اسلام فارسی مطبوع .
- ۲۶ - مکاسب محرمة (رساله در ...) عربی فخر مطبوع .
- ۲۷ - هدیه عید نوروز یا بهر وس مدینه فارسی مطبوع .

۲۸- همت بلند پرتوی از زندگانی حضرت سید الشهداء علیه السلام ترجمه کتاب: «سؤال المعنی فی سموللذات» تألیف شیخ عبد الله علاقلی مصری در دو مجلد مطبوع.

در مقدمه کتابها تیکه ترجمه کرده اند بمطابقت شرح حال مؤلف و معرفی کتاب را نیز مرقوم داشته اند که هر یک از آنها را نیز باید تألیفی مستقل نام برد. خود ایشان تعداد کتب مؤلفه خود را از چاپ شده و چاپ نشده متجاوز از پنجاه جلد نوشته اند.

و اما مشایخ اجازه این فقیه بزرگوار عبارتند از: ۱- آیت الله عظمی آقا سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی ۲- آیت الله حاج شیخ محمد حسین که پانی اصفهانی ۳- آیت الله آقا میرزا محمد حسین ثانی ۴- آیت الله آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی ۵- آیت الله مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی ۶- مرحوم آیت الله عظمی حاج شیخ عبد الکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم رحمة الله علیهم اجمعین. صاحب عنوان از مشایخ نامبرده اجازه روایتی و تصدیق اجتهاد دارند.

۱۲- آقا سید محمد باقر رجائی

فرزند مرحوم عالم جلیل آقا سید محمود بن آقا سید محمد جواد موسوی عالم فاضل جلیل از علماء معاصر اصفهان.

در سال ۱۳۱۹ قمری در اصفهان متولد گردیده و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان همچون برادرش مرحوم حجة الاسلام آقای آقا حسین رجائی معروف به (بلند) و علامه آیت الله حاج میر محمد صادق و آقا شیخ محمد رضا و جمعی دیگر تلمذ نموده در سال ۱۳۵۹ به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا در خدمت آیات عظام و مراجع عالیقدر همچون: ۱- مرحوم آیت الله



الذهظمی مرجع الشیعه آقا سید ابوالحسن اصفهانی ۲ - حضرت آیت الله عظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف ۳ - مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی ۴ - مرحوم آیت الله آقا سید عبد الهادی شیرازی ۵ - مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد کاظم شیرازی استفاده نموده و با اخذ اجازات و اجتهادی و روایتی باصفهان معاودت نمود و بترویج و تبلیغ احکام و اقامه جماعت و تدریس و دیگر شئون روحانیت پرداخته و مورد توجه و عنایت عموم طبقات بالانحص علماء و متدینین قرار گرفته و اکنون چند سالست که در اثر ابتلاء بمرض بسترى و خانه نشین گردیده از خداوند متعال طول عمر و عافیت و سلامتی ایشانرا خواهانم انه ولى النعمة .

۱۳ - مرحوم آقا سید محمد باقر نحوی

فرزند علامه فقیه مرحوم حاج سید مهدی نحوی موسوی اصفهانی عالم فاضل در سال ۱۳۰۴ متولد و در ۱۳۵۰ وفات یافته در مقبره خانوادگی در تخت فولاد در نزد پدر و اجداد خود مدفون گردید . اسانید او عبارتند از : ۱ - مرحوم حاج میرزا ابوالحسن بروجردی ۲ - مرحوم آقا شیخ احمد بیسدا آبادی ۳ - مرحوم آخوند ملا حسین فشارکی ۴ - آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی مدت چند ماهی ۵ - مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی ۶ - مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی و جمعی دیگر .

۱۴ - مرحوم حاج سید محمد تقی مصطفوی فروشانی

از سادات موسوی عالم فاضل و سید سند کامل زاهد و روح از علماء فروشان ( یکی از قراء یا محلات سه گانه سده اصفهان ) در نزد بسیاری از علماء محل و اصفهان تلمذ نموده که از آن جمله است مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی پس از رسیدن به مقامات عالیه علم و اخذ اجازات بمولد خود معاودت نموده و به

ارشاد و هدایت و اقامه جماعت و موعظت پرداخته در نزد هموم طبقات محبوب القلوب و مقبول و مورد وثوق و اطمینان قاطبه اهالی محل و علمای اصفهان بوده در ماه صفر سال ۱۳۹۳ در زادگاه خود وفات یافته و همانجا مدفون گردید رحمة الله علیه .

۱۵ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی فشارکی

فرزند مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد حسین فشارکی عالم فاضل جلیل از ائمه جماعت و مدرسین معاصر اصفهان .

در سال ۱۳۲۲ در اصفهان متولد و در ۱۴۰۵ وفات یافته در صحن امامزاده باقر در محله خواجه مدفون گردید . برخی از اساتید و مشایخ اجازه او عبارتند از :

۱ - مرحوم آخوند فشارکی پدر بزرگوارش ۲ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۳ - مرحوم حاج میر محمد صادق خاتون آبادی ۴ - مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی ۵ - مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی ۶ - مرحوم آیت الله بهبهانی رحمة الله علیهم اجمعین .  
مرحوم حاج شیخ محمد تقی در محله خواجه ساکن و در مسجد : « حاج صادق » امامت مینمود رحمة الله علیه .

۱۶ - آیت الله حاج شیخ محمد تقی نجفی

فرزند مرحوم حاج بیرزا عبدالحسین فرزند آقا جلال الدین فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی نجفی معروف به : « آقا نجفی » عالم فاضل محترم از فضلاء خاندان مسجد شاهیان که بعلم و فضل و تقوی شهرت دارد .

در اصفهان متولد گردیده و در نزد جمعی از بزرگان و علماء تلمذ کرده که از آنجمله است : ۱ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۲ - مرحوم آقا سید محمد

نجف آبادی و از هر دو استاد فوق باتحف اجازة روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده و اجازات آندو بنظر آیات عظام نجف اشرف : ۱ - مرحوم آیت الله اصفهانی ۲ - مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی عطر الله مضجعهما رسیده و آنرا امضاء فرموده اند در سالهائیکه مرحوم آیت الله بهبهانی باصفهان تشریف میآوردند از محضر ایشان نیز بهره های علمی برده است .

آقای حاج شیخ محمد تقی نجفی اکنون چشم و چراغ خاندان نجفی و یکی از افراد شاخص روحانی این خاندان در اصفهان محسوب میشود .

#### ۱۷ - مرحوم حاج آقا جلال الدین فارقلیطی

فرزند مرحوم حاج سید فخر الدین رضوی خونسازی عالم و اعظم معاصر در دوره اختناق رضا شاهی مجبوراً ترك لباس گفت اما دست از تحصیل و طلب علم برنداشت در ضمن اشتغال به کسب و کار «ساعت سازی» همچنان در خدمت بزرگان تلمذ میکرد و از راه منبر و موعظه نیز مردم را هدایت و ارشاد مینمود . سالها در محضر آقا شیخ محمد رضا فقهاً و اصولاً درس خواند و چند سال قبل از انقلاب اسلامی ایران وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مرحوم جهانگیر خان قشقایی در جنب پلر دانشمند خود مدفون گردید رحمة الله علیه . پس از دوره اختناق رضا خانی مجدداً لباس روحانی در بر کرد عالمی فاضل و واعظی کامل بود رحمة الله علیه .

#### ۱۸ - دانشمند محترم آقای حاج سید جمال الدین میردامادی

فرزند مرحوم حاج سید حمید علی خوزانی اصفهانی پدرش از علمای و دانشمندان معروف زمان خود بوده و بسعی و اهتمام او کتاب «ربیع الاسایح» از تالیفات علامه مجلسی به چاپ رسیده است .

آقای میردامادی در قریه خوزان از قرائت کلام سده متولد گردیده و در نزد بسیاری

از یوزگان و دانشمندان تحصیل معارف و علوم نموده و اسلامی قریب بیست نفر از اساتید و مشایخ خود را در مقدمه کتاب: «لطائف غیبیه» از آثار جبه یوزگوار خود نام برده که از آن جمله است مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی و اجازه ایشان و جمعی دیگر از مشایخ اجازه خود را عیناً کلبه نموده است.

از جمله خدمات علمی ایشان علاوه بر جمع آوری تعدادی از مؤلفات خاندان خود از اعقاب میر داماد و میر سید احمد عاملی علیهما الرحمة بچاپ و انتشار عده ای از آنها نیز توفیق یافته و امید است که خداوند بایشان طول عمر عنایت فرموده و توفیق چلب و انتشار بقیه آثار اجدادشان را کرامت فرماید انسه ولی قدر.

#### ۱۹ - حاج آقا جواد غروی موسوی

علون آبادی فاضل ادیب و عالم فاضل معاصر و مؤلف چندین کتب و رساله از آن جمله: ۱ - اخلاق محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۲ - خطبه ها و جمعه ها ۳ - خلق الهی علیه الصلوة والسلام ۴ - خورشید معرفت ۵ - نماز و غیره در سالهای قبل در مدرسه صدر ادبیات تدریس مینمود.

#### ۲۰ - حاج شیخ محمد جواد اصولی فریدنی

فرزند مرحوم شیخ علی اصغر عالم فاضل در فریدن متولد گردیده و در اصفهان نزد جمعی از بزرگان مجتهدین و مدرسین تلمذ نموده که از آن جمله است: مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی و مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی. در مدرسه عربان ساکن و سطوح فقه و ادبیات تدریس مینمود و عده ای از طلاب از محضر او مستفید میشدند در ۴ شنبه ۱۲ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۵ وفات یافته در تخت فولاد در صحن تکیه آقا سید محمد لطیف خواجه ثانی مدفون گردید رحمة الله علیه.

#### ۲۱ - مرحوم آقا شیخ محمد حسن همدانی

فرزند آقا شیخ صفر علی عالم فاضل زاهد عادل از ائمه جماعت در محله « در درشت » در اصفهان متولد گردیده و هم در این شهر تحصیل نموده است .  
در نزد پدر خود و آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آقا سید مهدی درچه‌ای و آقا سید محمد نجف آبادی و مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی تلمذ نموده در شب جمعه ۲۱ شوال سال ۱۳۸۰ بسن متجاوز از هشتاد سالگی وفات یافته در یکی از اطاقهای تکیه متصل به تکیه ملك در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید .

تذکر ۱ : در چند سال اخیر جهت توسعه دادن به تکیه شهداء تمام تکایای مجاور آنرا و اطاقهای تکیه ملك و تکیه سادات میر محمد صادقی و چند مقبره دیگر را خراب نموده و آثار قبور عموماً محو و نابود گردید حتی بقعه منسوب به حضرت یوشع از انبیای بنی اسرائیل را در لسان الارض نیز خراب کردند و اکنون فقط صورت قبری از آن باقی است .

فائده ۱ : در وجه تسمیه لسان الارض، حافظ ابو نعیم در کتاب : « ذکر اخبار اصفهان صفحه ۴۱ یکم ) می نویسد : حدیث کرد ما را ابو جعفر محمد بن احمد بن عمرو طهرانی مؤدب باسناد خود در قول خداوند تبارک و تعالی که به آسمانها وزمین فرمود : « اثینا طوعاً او کرهاً قالنا اثینا طائمین » ( سوره فصلت آیه ۱۱ )  
زمین اصفهان جواب داد بنابراین :  
اصفهان « لسان الارض » است .

فائده ۲ : در کتاب ذکر اخبار اصفهان بمناسبت نام چند محله از محلات اصفهان را که در قرن چهارم و پنجم هجری با کلمه ( باب ) شروع میشود بدینقرار ذکر می کند :

۱ - باب سلم ( باب باغ سلم ) ظاهراً در محله جویباره بوده است ( ص ۳۹۵ دوم ) کلمه سلم بمعنای دلو يك دسته است نام این محله در معجم البلدان

- نیز مذکور است ( ص ۲۴۰ سوم )
- ۲ - باب تیره - باب طیره بالمدينه ( در شهرستان ) و در مجاورت اوقیر ؛  
محمد بن ابی محمد صحابی که در جنگ اصفهان شهید شده قرار داشته است .
- ۳ - باب دریه ( بروزن فقیه ) در محله طوقچی قران داشته و این محله در آن  
ایام به نام دریه شهرت داشته است .
- ۴ - باب دشت ( باب الدشت - در دشت ) در معجم البلدان نیز بهمین نام  
معروف و در این زمان نیز بهمین دو نام مشهور است .
- ۵ - باب عطا ( ودشت عطا ) ظاهراً منسوب به ابوزید عطا بن سائب  
متوفی سال ۱۳۰ هـ . ق بوده ( ص ۲۷۴ یکم و ص ۱۴۷ دوم ذکر اخبار  
اصفهان ) .
- ۶ - باب کوشک ( باب القصر ) منسوب بدانجا را بابکوشکی و قصری  
گویند و بطن قوی محله ؛ در کوشک از متفرعات محله بید آباد همان محله باب  
کوشک و باب القصر می باشد .
- ۷ - باب مدینه جی ( در شهرستان ) همان باب تیره ( یکسر اول ) است که  
گاهی باین نام ذکر شده است .
- غیر از محلات یاد شده بالا چند کوی دیگر نیز در آن زمان و بعدها با کلمه  
باب شهرت داشته است .
- ۱ - باب التبریزیه در قرن ۱۱ و مظنون آنکه در محله طوقچی قرار داشته  
است ؛
- ۲ - باب الحمکه در مهرآباد جی قرار داشته که در وقفنامه مسجد زافی در  
محله خواجو نام آن مذکور است .
- ۳ - باب همایون در ایز او آخر به باغ همایون شهرت داشت و اکنون

آنجا را باغ تختی می گویند و محل ساختمانهای دولتی در زمان دیالمه و علاءالدوله  
کاکویه بوده است .

تذکر : محله درب امام از متفرعات محله در دشت و سنبلان را باید در عهد  
همین محلات و کویها منظور داشت و احتمالاً این نام از اواسط قرن پنجم به بعد  
به این ناحیه از محله بزرگ در دشت اطلاق گردیده است .

در قرون اولیه اسلام شهر اصفهان از دو شهر بزرگ ( یهودیه باضافه جی یا  
شهرستان ) و چندین دهکده و قریه متصل بیکدیگر تشکیل شده بوده و این دهکدهها  
هر کدام جهت خود دروازه ای داشتند که بنا بر آن روستا نامیده میشد بعداً که  
بهمدیگر متصل شدند نام دروازه به محله داده شد مانند محله در دشت - محله در  
کوشک ( محله دروازه نو - محله دروازه دوات و . . . )

فائده ۴ : همانگونه که ذکر شد در قسمت جنوب شرقی اصفهان دو محله  
بنامهای : دریه یا درودشت وجود داشته و ساکنین آن دو حنفی و شافعی و از وابستگان  
آل صاعد و آل خجند و خانندان مقتدر روحانی بودند و همیشه بین آنان کشمکش  
و نزاع و جنگ و جهال و کشت و کشتار بود کمال الدین اسماعیل خلاق المعانی  
شاعر قصیده سرا و نکته سنج قرن هفتم از دیدن این اوضاع ملول و دلتنگ شده  
و طی قطعه ای مردم این دو محله را نفرین نمود و گفت :

ای خداوند هفت سیاره	پادشاهی فرست خونخواره
تا درودشت را چودشت کند	جوی خون آورد ز جو باره
عدد مردمان بیفزاید	هر یکی را کند دو صد پاره

بالاخره نیز دعای این شاعر که از سوز جگر نالیده بود به هدف اجابت رسید  
و مغولان باصفهان تاخته و فرمان قتل عام از طرف صادر گردید خلق  
بسیار از دم شمشیر این جانیان خونخوار کشته شدند که یکی از آنان خود کمال الدین

الدین اسماعیل بود سال کشته شدن کمال الدین اسماعیل سال ۶ بوده و قبرش در کنار خیابان کمال در محله جویباره اصفهان در اطاقی نیمه خراب قرار گرفته و تا کنون از طرف ادارات مربوطه جهت بنای مناسب با مقام والای این شاعر بلند پایه هیچگونه اقدام مثبتی انجام نگرفته است تا بعد از این چه پیش آید .

۲۲ - دکتر محمد حسن سه چهاری

فرزند مرحوم آقا ملا هاشم بن محمد ابراهیم بن محمد حسن بن محمد ابراهیم اصفهانی . عالم فاضل ادیب نویسنده از فضلاء و نویسندگان معاصر اصفهان و معلمین دانشگاه اصفهان و دبیران سابق دبیرستانها این شهر . از مؤلفین و نویسندگان معروف بشمار میرود .

در مکارم الآثار ( ص ۹۷۳ سوم ) يك جا محمد ابراهیم اول را فرزند حسینعلیشاه عارف معروف و بعداً ویرا فرزند محمد صادق بن آقا محمد پید آبادی می نویسد و هر دو قول را منتسب بخود ایشان میگرداند .

در هر حال جناب آقای دکتر سه چهاری ( یعنی دوازده حاصل ضرب سه در چهار ) در سال ۱۲۹۵ خورشیدی مطابق ۱۳۳۵ یا ۱۳۳۴ هجری قمری در اصفهان مفلوک گردید چون خانواده او خاندان علم و روحانیت بود از روزانه اول و دوران صباوت تربیت دینی و آموزشی صحیح اسلامی یافت پس از گذراندن ایام کودکی به جد تمام تحت نظر پدر دانشمند خود که از واعظان اصفهان و خدمتگزاران بساحت مقدس حضرت سید الشهداء علیه السلام بود مشغول به فرا گرفتن علم و دانش گردید . در اصفهان دوره های مقدماتی تا خارج را نزد اساتید بزرگوار بخوبی آموخت سپس جهت تکمیل تحصیلات خویش و درك محاضر دیگر اساتید بقم و طهران و نجف اشرف مهاجرت نمود اساتید معروف او در اصفهان آیتین حاجتین آقا شیخ محمد رضا نجفی و آقا سید محمد نجف آبادی می باشند و در قم در نزد آیات



اعظام و حجج اسلام مرحوم حاج سید محمد تقی خونساری و مرحوم آقا سید محمد حجت کوه کمره‌ای و حضرت آیت الله العظمی نایب الامام آقای خمینی سلمه الله تلمذ نموده و در نجف بدرس استاد فقهاء و مجتهدین مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی حاضر گردیده و از اغلب از اساتید خود اجازه اجتهاد و روایت دریافت داشته و یکی از اجازات مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی بنظر مرحوم آیت الله العظمی مرجع الشیعه آقا سید ابوالحسن اصفهانی رسیده و مورد تأیید ایشان قرار گرفته است تألیفات ایشان از مطبوع و غیره مطبوع قریب بیست و یک مجلد میشود که از آنجمله است : ۱ - اسلام سازنده نه اسلام ساخته شده ۲ - اسلام وادیان باطله ۳ - اصول دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم ۴ - اصول و فروع دین و فلسفه احکام ۵ - پرسش يك طبیعی و پاسخ آن ۶ - پرسش يك ماتریالیست سوسیالیست و پاسخ آن ۷ - تعلیمات دینی ۸ - توحید و نبوت ۹ - خدای آفریننده نه خدای آفریده ۱۰ - فروع دین محمدی و اسرار آن این کتابها همگی بچاپ رسیده است . و اسامی کتابهای غیر مطبوع ایشان در مقدمه کتاب : اصول و فروع دین ( ص ۵۰ ) بچاپ رسیده است . آقای دکتر سه چهری دکتر در الهیات از دانشگاه طهران و از دوستان قدیمی نویسنده و اکنون که دوره بازنشستگی دانشگاه را طی می کند به تألیف و تصنیف کتب و ضمناً سر دفتر ازدواج و طلاق مییابد .

۲۳ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین فاضل کوهانی

عالم فاضل در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان اهل علم و اجتهاد که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی و مرحوم حاج میرسید علی نجف آبادی تلمذ نموده و در مسجد شجره در خیابان شاه عباس دوم (شاه عباس خاکی) اقامه جماعت مینمود .

۲۴ - مرحوم آقا شیخ محمد حسین شریعت هرندی

عالم فاضل مدرس از ائمه جماعت اصفهان در هرنند متولد گردیده و در اصفهان نزد جمعی از بزرگان تحصیل نموده سپس بتدریس متون کتب پرداخته و جمعی از طلاب و دانشجویان علوم دینی از علوم و فضائل او بهره مند میشدند سرانجام در شب پنج شنبه ماه ۱۳۹۸ در اصفهان وفات یافته در تکیه مرحوم میرزا عبدالغفار تویسرکانی در تخت فولاد مدفون گردیده رحمة الله علیه .

۲۵ - مرحوم حاج سید محمد حسین مهدوی اردکانی

عالم فاضل جلیل از سادات طباطبائی اردکان بزد در آن شهر در ۲۰ شعبان ۱۳۲۲ متولد گردیده مقدمات علوم را مولد خویش فرا گرفته جهت تکمیل باصفهان مهاجرت نموده و در مدرسه جده کوچک (جده بزرگ از حیث مساحت) ساکن شده و در نزد بزرگان و مدرسین با کمال سعی و کوشش به تحصیل ادامه داده و معروفترین اساتید ایشان در اصفهان عبارتند از : ۱ - مرحوم آقا میرزا احمد اصفهانی ۲ - آقا شیخ محمد رضا نجفی ۳ - حاج میر سید علی نجف آبادی ۴ - آقا سید محمد نجف آبادی و مدت کمی در نزد حاج میرزا ابوالهدی کلباسی و آقا شیخ محمد حکیم رحمة الله علیهم .

پس از آنکه مرحوم آقا رضا صدر العلماء هاشمی بعلت گرفتاریهای زندگی و بیماری ترك اقامه جماعت در مسجد نمود مرحوم حاج میر سید علی نجف آبادی صاحب عنوان رادر مسجد صدر العلماء (مسجد شمس آباد - مسجد سید عبدالوهاب) جهت امامت نصب فرمود و از وی ترویج کرد و الحق شایسته همه گونه تشویق و ترویج بود . دوره اختناق رضا شاهی را با همه سختیها و ناملایمات که جهت اهل علم بود تحمل کرده بود و پای از جاده قناعت بیرون ننهاد ( سال ۱۳۵۸ ه . ق ) از آن تاریخ تا موقع وفات در مسجد و منبر به تبلیغ احکام و بیان مسائل

اشتغال داشت و مورد احترام و توجه عموم طبقات بالانحصار طماه و مراجع بزرگوار تقلید بود .

وی در بعد از ظهر روز ۵ شنبه شعبان سال ۱۴۰۷ وفات یافته جنازه صبح جمعه با تشییع مناسب به زینبیه نقل و در آن مکان مقدس دفن گردید رحمة الله علیه .

فائده ۱ : مقبره زینبیه منسوب به علیا حضرت زینب دختر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام که در قدیم الایام به بیجه زینب یا بیجه زینت (ظاهرأ مراد زینب صفیری میباشد) شهرت داشته و در این اواخر عنوان و شهرت کامل یافت و اکنون یکی از امامزادگان معتبر و متبرک و مزارات اصفهانست که مؤمنین و مقدسین در ایام متبرکه و غیره بزیارت آنجا رفته و کسب فیض می کنند .

فائده ۲ : شیخ صدوق به استاد خود از بکر بن احنف روایت می کند که :

حدیث کرد مرا فاطمه دختر علی بن موسی الرضا علیه السلام گفت حدیث

کردند مرا :

فاطمه وزینب وام کلثوم دختران حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

گفتند حدیث کرد ما را :

فاطمه دختر جعفر بن محمد علیهما السلام گفت حدیث کرد مرا :

فاطمه دختر محمد بن علی علیهما السلام گفت حدیث کرد مرا :

فاطمه دختر علی بن الحسین علیهما السلام گفت حدیث کردند مرا :

فاطمه و سکینه دختر حسین بن علی علیهما السلام از قول : ام کلثوم دختر

حضرت علی بن ابیطالب از قول حضرت .

فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود که شنیدم از پدرم

که فرمود شیئی که مرا در آسمان سیر میدادند ( لیلۃ المعراج ) داخل بهشت شد

ناگهان قصری از جواهر سفید دادم با دربی به جواهر و یاقوت زینت شده و بر آن پرده‌ای افکنده . سرم را بالا کردم دادم بر آن در نوشته است : لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی القوم . و بر پرده نوشته بود :

بخ بغ من مثل شیعة علی ( السی آخر الخبر ) [ ص ۱۱۰ ششم مستدرک سفینه البحار نقل از « کتاب : مسلمات » ] .

بمناسبت نام علیا جناب زینب دختر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام که مقبره زینبیه اصفهان منسوب باوست حدیث بجهت یمین و تبرک نقل گردید .

۲۶ - مرحوم آقا حسین موسوی بید آبادی

فرزند مرحوم آقا سید ابوالقاسم بن سید محمد علی فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بید آبادی . عالم فاضل از ائمه جماعت مسجد سید حجة الاسلام . در اصفهان متولد گردیده و در نزد جمعی از بزرگان اهل علم و مجتهدین تلمذ نموده که از آن جمله است مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی و مرحوم آقا شیخ محمد رضانجفی رحمة الله علیهما در سال ۱۳۵۶ در اصفهان وفات یافته در بیرون بقعه تکیه مرحوم حاج میرزا ابوالحسن بروجردی ( تکیه در کوشکی ) مدفون گردید .

۲۷ - دکتر محمد حسین ضیائی بیگدلی قمی

در سال ۱۳۵۵ هجری قمری در اصفهان در خدمت مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی تلمذ مینموده و آن مرحوم جهت ایشان بخط مبارک دوا اجازه مرقوم فرموده و یکی از آندو بنظر مرحوم آیت الله العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری رسیده و در ذیل آن مرقوم داشته‌اند که : صحیح است آنچه مرقوم فرموده‌اند الاحقر عبدالکریم الحائری سمجع مهر عبدالکریم بن جعفر .

اجازه اول مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی بدینگونه شروع میشود :

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ضرب الامثال للناس وقال لا يعلمها الا العالمون وبنى بين فضل العلماء على غيره وقال هل يستوى الذين لا يعلمون والذين لا يعلمون والصلوة على صادن العلم والحكمه محمد وآله البررة الائمة - وبعد فان العالم الفاضل الكامل جامع اشئات الفضائل البارع فى الفقه واصوله والعارف بقوانينه وفصوله سابق ميدان العلم . . . الاميرزا حسين الضيائى القمى ممن حضر على دروسى الشرعيه فوجدته ذاقوه قدسيه . . .

٢٨ - آيت الله حاج شيخ محمد حسين نجفى

فرزند مرحوم آيت الله حاج شيخ اسماعيل نجفى فاضل محترم در نجف متولد گردیده و نزد جمعى از بزرگان كه از آن جمله است : مرحوم آقا شيخ محمد رضا نجفى تلمذ نموده و در جمعه ١٥ شوال سال ١٣٩٩ در اصفهان وفات يافته در تخت فولاد برون تكيه آقا شيخ محمد تقى معروف به تكيه مادر شاهزاده مدفون گرديد.

٢٩ - مرحوم آقا حسين ظهير ميردامادى

خوزانى فرزند مرحوم عالم جليل ميرزا على محمد از جمله علماء و فضلاء معاصر در قريه خوزان از قراء ثلثه سده مارين ( همايون شهر - خمينى شهر ) متولد گردیده و در نزد علماء و فضلاء خوزان و اصفهان تلمذ نموده كه از جمله اساتيد او مرحوم آقا شيخ محمد رضا نجفى ميباشد پس از وصول بمقامات عاليه بمولد خود مراجعت كرده و بترويج دين و نشر معارف اسلام و ارشاد و هدايت مردم و اقامه جماعت و ديگر شئون روحانيت اشتغال جسته و مورد توجه و عنايت عموم طبقات بالاخص علماء و مقدسين بوده و سرانجام در مولد خود وفات يافته و همانجا ب خاک رفت رحمة الله عليه .

٣٠ - حاج شيخ حيدر على محقق

عالم فاضل و واعظ كامل از ائمه جماعت اصفهان و واعظ محترم كه با مواظب شافيه خود عموم مردم را هدايت و ارشاد و در نشر احكام و مسائل حلال و حرام

مؤمنین را راهنمایی مینمایند وی در این شهر در خدمت جمعی کثیر از بزرگان  
علماء و مجتهدین تلمیذ نموده از آنجمله است : مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نورالله  
نجفی و مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی رحمة الله علیهما .

۳۱ - فاضل محترم حیدر علی خان برومندگری

فرزند مرحوم حساج عبدالغفار بن حاج محمد حسین . در قریه گز از بلوک  
برخوار اصفهان متولد گردیده و پس از فراغت از آموختن فارسی و نوشتن که از  
شش سالگی به آن شروع کرده بود باصفهان آمده و ابتداء در مدرسه قدسیه  
و سپس در مدرسه صدر بازار و مدرسه نیم آورد در نزد بزرگان علماء و فضلاء  
و مجتهدین تلمذ نموده اساتید او که خود از آنها نام برده بترتیب حروف عبارتند  
از: ۱- مرحوم حجة الاسلام حاج ملاحسن دولت آبادی از مدرسین مدرسه نیم آورد  
متوفی قبل از سال ۱۳۶۰ مدفون در یکی از اطافهای امامزاده نرسی جناب  
ابراهیم بن الامام موسی الکاظم علیه السلام واقع در قریه زمان آباد از بلوک برخوار  
اصفهان ۲- مرحوم آقا میرزا حسن قدسی فرزند مرحوم آقا محمد علی خوشنویس  
ادیب فاضل از خدمتگزاران و بانیان فرهنگ جدید در اصفهان مؤلف شرحی  
فارسی بر کتاب متوفی ۲۷ ذی القعدة سال ۱۳۶۷ مدفون در صحن  
تکیه آقا میرزا عبدالغفار تویسرکانی ۳- مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۴-  
مرحوم حاج میر محمد صادق یزد آبادی ( خاتون آبادی ) ۵- مرحوم آقا میرزا  
عبدالحسین قدسی ادیب فاضل شاعر خطاط برادر مرحوم قدسی سابق الذکر مدیر  
مدرسه قدسیه از بانیان فرهنگ جدید در اصفهان عالم فاضل مؤلف کتاب : « تحفة  
الفاطمیة » متوفی در شب يكشنبه ۵ ماه صفر سال ۱۳۶۶ مدفون در تکیه تویسرکانی  
در تخت فولاد ۶- مرحوم حاج میرسید علی مجتهد نجف آبادی ۷- مرحوم  
آقا شیخ علی مدرس یزدی ۸- مرحوم ملا محمد علی عالم حبیب آبادی ۹-

مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی ۱۰ - مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی  
فرزند زین الدین بن محمد صادق گون آبادی متوفی در ذی الحجه ۱۳۵۵ مدفون  
در تکیه ملك ۱۱ - مرحوم حاج سید مرتضی خراسانی ۱۲ - مرحوم آقا سید  
مهدی درجه‌ای رحمه الله عليهم اجمعین . از آثار آقای برومند کتابی بنام : طریق  
الرشاد در شرح تجرید الاعتقاد بفارسی بچاپ رسیده و مؤلف دانشمند آن پس  
از آنکه چندین سال در مدرسه چهار باغ و مدرسه صدر تدریس مینمود اکنون  
سالهاست که در طهران ساکن و بامور شخصی و تدریس اشتغال دارد .

۳۲ - مرحوم شیخ داود مصاحبی نائینی

فاضل محترم در نائین متولد گردیده و در اصفهان در نزد جمعی از بزرگان  
تلمذ نموده که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی . در سالهای  
اخیر در محله خواجوی اصفهان ساکن و در یکی از مساجد آن ناحیه امامت  
میکرد و مورد وثوق و احترام اهل محل و علماء میبود . در سالهای اول انقلاب  
وفات یافت .

فائده : خاندان مصاحبی ساکنین اصفهان و طهران و نائین از اعقاب ملا  
مصاحب نائینی شاعر و ادیب معروف می باشند مرحوم حاج سید عبد الحجت  
بلاغی در کتاب : انساب مردم نائین ( ص ۱۲۷ ) و همچنین در فرهنگ تاریخ  
نائین ( ص ۲۹ ) می نویسد : ملا مصاحب شهدای از اعقاب دختری خانان مغول  
میباشد .

ملا مصاحب نامش امیر حسین و از مردم شهدا دنائین بوده . در تذکره  
آشکده در ضمن شعرای اصفهان نامی از او برده و گوید : با وجودیکه عمرش  
از هفتاد متجاوز بوده طبع خوشی داشته و در علم رمل مهارت کاملی داشته سپس  
قصیده‌ای از او در ۳۹ بیت بدین مطلع :

بکوچه‌ای گذرم بود چون نسیم سحر فتاده در ره من عکس ماهی از منظر  
نقل می‌کنند که الحق خالی از لطافت و شوخ طبعی نیست . در تذکره نصر  
آبادی ( ص ۳۳۵ ) و مجمع الفصحا نیز نام او و نمونه اشعارش ذکر شده طالبین  
مراجعه کنند .

فائده جغرافیائی : مرحوم بلاغی در فرهنگ تاریخ نائین می‌نویسد :  
مزرعه شهداد در طرف شرق بافران واقع است و تا نائین يك فرسنگ فاصله  
دارد . سپس شرحی درباره وجه تسمیه او نوشته طالبین مراجعه کنند .  
نویسنده گوید : در سالهای اخیر نام شهرستان « خبیص » از شهرهای استان  
کرمان را تغییر داده و آنجا را « شهداد » نامیدند .

۳۳ - شیخ محمد رضا قهدریجانی

از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی .  
مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در مقدمه : وقایة الازهان ( ص ۷ چاپ  
اصفهان ) می‌فرماید :

من قصد تصنیف رساله‌ای در اصول فقه نداشتم لکن یکی از افاضل اصحابم  
قدر یادداشتها تیرا که جهت تدریس فراهم میکردم و آنها را روی کاغذهای متفرقه  
بدون ذکر فصل و باب می‌نوشتم را دانسته و آنها را جمع کرده و بمن نشان داد  
و مرا بر تجدید نظر در آنها و منظم ساختنش تشویق و تحریض نموده مسن از  
ترس اینکه مبدا این اوراق از بین برود خواهش او را پذیرفتم . . .  
مرحوم حاج شیخ مجد الدین مجد العلماء نجفی در حاشیه وقایة مرقوم  
فرموده اند که :

آن فاضل محترم از شاگردان پدرم که ویرا بر جمع و تدوین یادداشتها  
اصرار میکرد مرحوم آقا شیخ محمد رضا قهدریجانی بود .



مشارالیه عالمی فاضل و از ائمه جماعت در محل زادگاه خود و متصدی  
اموراث شرعی آن حدود بود و وظائف شرعی خود را با کمال سعی و جدیت  
الجام میداد .

۳۴ - حاج سید محمد رضا آل رسول

فرزند مرحوم آقا سید محمد ابراهیم شمس آبادی موسوی عالم فاضل جلیل  
( شرح حال مختصری از پدر بزرگوارش در مجلد سوم نوشته میشود ) .  
در اصفهان متولد گردیده و در نزد جمعی از بزرگان علمای و مدرسین تلمذ  
نموده مدتی با کسب اجازه از مرحوم آیت الله فشارکی در دادگستری خدمت  
نموده و پس از فوت آن مرحوم از خدمت در دادگستری استعفاء داده و سالها  
بخدمات اجتماعی اشتغال داشته و پس از شهادت برادر بزرگوارش مرحوم حاج  
سید ابوالحسن آل رسول شمس آبادی ( شهید اصفهانی ) بجای ایشان در مسجد  
جناب : ابازر غفاری ( مسجد شمس آباد ) اقامه جماعت میکند و مصداق حقیقی  
نعم الخلف می باشد .

۳۵ - حاج سید محمد رضا شفتی

فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی بیدآبادی معروف به حاج آقا (متوفی  
در ۳ رمضان المبارک ۱۳۳۳ هـ ق ) فرزند مرحوم حاج سید اسدالله بن حاج سید  
محمد باقر حججه الاسلام شفتی بیدآبادی عالم فاضل جلیل .

در حدود سال ۱۳۲۰ متولد گردیده و پس از دوران کودکی در نزد جمعی  
از بزرگان اهل علم و مدرسین اصفهان و مجتهدین عالی مقام تلمذ نموده و تقریباً مدت  
سه سال نیز در نجف اشرف تحصیل نموده سپس با اصفهان معاودت کرده و بجای  
برادر خود مرحوم آقا سید محمد جعفر معروف به علم الهدی که ترك امامت  
مسجد نموده بود اقامه جماعت نمود و در سالهای اخیر پس از فوت ائمه جماعت

مسجد در سه وقت اقامه جماعت مینمود و مسورد توجه و عنایت عموم مؤمنین و مقدسین و علماء و بزرگان بود سرانجام در شب ۵ شنبه ۳ ذی الحجة الحرام سال ۱۳۹۶ پس از يك عمل جراحی در بیمارستان وفات یافته و جنازه با تشییع شایسته از طرف علماء و بزرگان و اهالی بیدآباد و پس از انجام مراسم مذهبی در بقعه مسجد سید دفن گردید رحمة الله علیه .

مرحوم شفقتی عالمی پرهیزکار بود و در ایام تولیت او از موقوفات مسجد سید خدمات شایسته‌ای بوسیله ایشان در مسجد انجام گردید . اینک اسامی برخی از اساتیدشان :

۱ - مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم زفره‌ای معروف به : حاج آخوند ۲ - مرحوم آقا میرزا احمد مدرس ۳ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۴ - مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی ۵ - مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای ۶ - مرحوم سید میرزا اردستانی رحمة الله علیهم اجمعین .

۳۶ - مرحوم آیت الله آقا سید محمد رضا خراسانی

فرزند مرحوم حاج سید محمد جواد خراسانی معروف به جارچی ( بعثت امامت در مسجد جارچی متوفی بسال ۱۳۵۲ ) فرزند مرحوم آقا سید محمد رضا متوفی بسال ۱۳۰۲ فرزند مرحوم حاج سید یوسف خراسانی اصفهانی متوفی بسال ۱۲۴۶ پسران نامبرده اش همگان از علماء و بزرگان و فقهاء و مجتهدین و صاحب تألیف و تصنیف بوده اند .

مرحوم آیت الله خراسانی در تاریخ ۲۵ ذی الحجة الحرام سال ۱۳۱۱ در خاندان علم و روحانیت وزهد و تقوی در اصفهان متولد گردید و هم در این شهر در نزد بزرگان اهل علم و اجتهاد تلمذ کرد تا بمقام عالی اجتهاد رسید و پس از فوت مرحوم آقا سید علی نجف آبادی مرجعیت کلی یافته سید العلماء و رئیس

حوزه علمیه اصفهان گردید . آن مرحوم در سالهای اخلاق رضا خانی به بسیاری از اهل علم و فضل که اهلیت و شایستگی داشتند پیغام کرده بود که :

در خانه‌های خود بنشینید و لباس خود را تغییر ندهید و من بعون الله ویاری امام زمان علیه السلام زندگانی شما را تأمین می‌کنم و همین پیشنهاد مایه دلگرمی و اطمینان خاطر آنها شده با کمال سعی و کوشش به تحصیلات خود ادامه دادند و هر يك عالمی بزرگوار و مدرسی خدمتگزار شدند که پس از فرار رضا شاه و خروج او از ایران ( یا اخراجش ) دوباره حوزه علمیه این شهر را دائر و برقرار ساختند که بحمد الله تاکنون پس از حوزه مقدسه علمیه قم شاید در ایران بی نظیر و یا کم نظیر باشد .

برخی از اساتید مرحوم آقای خراسانی عبارتند از : ۱ - مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی ۲ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ۳ - مرحوم حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و از همه مهمتر مرحوم آیت الله آقا سید محمد باقر درچه‌ای رحمه الله علیهم و آن مرحوم تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول مرقوم فرموده و همچنین رسائلی مستقل در مسائل فقهی و ابواب مختلف اصول برشته تحریر آورده و حواشی نافع‌ای نیز بر کتاب تذکرة القبور مرحوم آخوند ملا عبد الکریم گزی یکی دیگر از اساتید خود نوشته است .

آنچه دوباره مرحوم آقای خراسانی مسوره اتفاق کلمه است و همه طبقات اعم از روحانیون و بازرگانان حتی دولتیان بآن معترفند آنکه ایشان آبروی علماء و روحانیت بود عالمی متین و با وقار زاهد و بردبار و پشت و پناه مردم و مروج شریعت و رهبر و از مدرسین عالی‌مقام بود که از صبح‌ها در مدرسه صدر بازار و عصرها در مدرسه چهار باغ خارج فقه و اصول تدریس مینمود و عده‌ای از افاضل طلاب از محضرش مستفید میشدند .

از آثار باقیه او ایجاد ساختمان کتابخانه مدرسه صدر بازار است که بهمت ایشان ساختمان گردیده و این تقیصه از مرکز علمی اصفهان بسی و مجاهدت ایشان بر طرف گردید و اکنون یکی از کتابخانه های آبرومند مدارس دینی این شهر بشمار میرود و روزانه عده زیادی از طلاب و اهل فضل جهت استفاده از کتابهای آن بانجا رجوع می نمایند .

دیگر از آثار ایشان تعمیر مدرسه عربان در محله حسن آباد جنب مزار کثیر المیرکات امامزاده واجب التعظیم جناب امامزاده احمد از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام میباشد .

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ این تعمیر گویند :  
چو تاریخ از جابری خواستند      که باشد بتجدید بنیان سزا  
چو شد روشن از علم این مدرسه      بگو شد « ز نسور محمد رضا »

۱۳۵۶ هـ ق

در چند سال اخیر که مدرسه را از محل خیریه مرحوم : علی همدانیان بکلی خراب و تجدید ساختمان کردند کاشیهای سردر مدرسه که نمودار تعمیرات مرحوم آیت الله خراسانی بود نیز از بین رفت .

مرحوم آقای خراسانی ظهرها در مسجد جلارچی واقع در بازار و شبها قبل از ساختمان مسجد فلکه فلسطین بنام مسجد الاقصی در مسجد جاج رضا در محله حاج محمد رضا در محله حاج محمد جعفر آبادهای اقامه جماعت میفرمود و بعداً تا آخر حیات در مسجد الاقصی .

در خاتمه متذکر میشود که هم از اساتید مرحوم آقای خراسانی رحمة الله علیه باید مرحوم آقا میرزا احمد مدرس و مرحوم آخوند ملا عبد الکریم گزی را نام برد و یاد آور شد که ایشان داماد مرحوم حجة الاسلام عالم جلیل زاهد و روح

آقا میر سید محمد صادقی ( ۱۲۹۰ - ۱۳۶۶ ) متوفی و مدفون در مگر بلا میباشد .

۳۷ - مرحوم سید ریحان‌الدین مهدوی

فرزند عالم جلیل و فاضل کامل نبیل مرحوم آقا سید شهاب‌الدین نحوی ( ۱۲۶۳ - ۱۳۴۰ ) موسوی اصفهانی در دهه سوم ذی القعدة سال ۱۳۱۳ در اصفهان در خاندان علم و روحانیت از دختر علامه فقیه مجتهد بزرگوار مرحوم آخوند ملا محمد حسین کرمانی ( ۱۲۴۵ - ۱۳۳۰ ) متولد گردید . پس از گذراندن ایام صباوت در ظل توجهات پدر دانشمند خود شروع بفرآگرفتن علوم نموده مقدمات علوم را نزد عده‌ای از علماء و فضلاء از آنجمله مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم زفره‌ای فرزند مولی ابراهیم معروف به : « حاج آخوند » بخوبی فرا گرفت . سپس سطوح متوسطه فقه و اصول را نزد حاج میرزا ابوالحسن بروجردی و آقامیرزا احمد مدرس و آخوند ملا عبد الکریم گزی فرا گرفت بعداً چندین سال بدرس خسارج از فقه و اصول مرحوم آقا شیخ محمد رضا حاضر گردید و از ایشان باخذ دو اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردید و مدت دو سال نیز در طهران بدرس مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی حاضر میشد . از آثار آن مرحوم رساله‌ای است در اینکه : « جواب نامه همچون جواب سلام واجب است . و آنرا بدستور مرحوم آقای گزی نوشته و آن مرحوم آنرا مورد تحسین قرار داده است .

مرحوم آقای مهدوی در ظهر روز يك شنبه ۲۹ ذی القعدة سال ۱۳۹۹ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه خانوادگی در قبر پدر مدفون گردید .  
رحمة الله عليه .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا در اجازه ایشان می نویسد :

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي خص العلماء بخشيته وقرنهم بملائكته  
في الشهادة على وحدانيته وعلى نبيه الكريم وآله افضل الصلوة والتسليم وبعد

ان السيد العالم الكامل ويم الفضل الذي ليس له ساحل والفض الذي ليس له مساجل  
ومماثل الراقى بهتمته ارفع الرتب والجامع بين السعدين الحسب والنسب عماد العلماء  
الراسخين المهدي السيد ريحان الدين ممن حضر دروسى الشرعية فقهية واصوليه  
فوجدته ذاقوة قدسيه وملكة ملكوتيه فله العمل بما اجتهد فيه من الاحكام واستنبطه  
من مسائل الحلال والحرام . . .

امضاء الشيخ محمد الرضا النجفى سجع مهر محمد رضا بن محمد حسين  
( اجازة فوق بدون تاريخ است ) .

مرحوم آقاى مهدوى برادر بزرگ نويسنده وحقوق بسيارى بر ذمه اين  
جانب ثابته دارد خداوند ويرا با اجداد طيبين وطاهرينش محشور گرداند .  
بمحمد وآله .

۳۸ - مرحوم آقا سيد زين العابدين طباطبائى ابرقولى

عالم عارف جليل ومحدث فاضل اديب شاعر خير از اتقياء از كياء كه قول  
وفعلش مطابق اوامر خداوند وهميشه بذكر حق مشغول بود در اصفهان متولد  
گردیده ودر نزد بسيارى از بزرگان اهل علم و عرفان تلمذ نموده واز عده اى از  
اساتيد خود باخذ اجازة روايت واجتهاد مفتخر شده سالها خدمت عارف مشهور  
حاج محمد جواد بيد آبادى معروف به « سر جوئى » شرفياب ودست ارادت باو  
داده واز انفاس قدسى آن پير روشن ضمير كه استاد بسيارى از بزرگان وعلماء  
اصفهان وغيره بوده بهره مند شده تا بمقام انسانيت رسيد الحق فرشته اى بود در لباس  
آدمى واساتيد علوم دينى آن مرحوم جهانگير خان قشقائى وآخوند ملا محمد  
كاشانى وآقا سيد محمد باقر درچه اى وآقا شيخ محمد رضا نجفى وحاج ميرزا  
عبدالحسين نجفى را ميتوان ذكر نمود .

مرحوم آقا سيد زين العابدين در هشتم ماه صفر سال ۱۳۷۲ در منزل مسكونى

نحود در جنب امامزاده بالر در محله خواجه ولات یالته در تخت فولاد در پشت تکیه ملك مدفون گردید از آثار ظلمی او: ۱- تریاق اعظم ۲- ولایة المتقین در فوائد تقوی و فضائل حضرت شاه ولایت امیر المؤمنین علیه السلام دوبار بفارسی بچاپ رسیده و دیگر آثار او همچنان مخطوط در نزد اولاد او باقیمانده است. از نمونه اشعارش در کتاب: یاد بود نامه صغیر (صفحه ۳۳) قطعه‌ای از او بچاپ رسیده است.

#### ۳۹- حاج آقا شمس الدین خادمی

فرزند مرحوم حاج سید ابو جعفر صدر عاملی عالم جلیل در سال ۱۳۱۶ در خاندان علم و روحانیت و بزرگواری و سیادت متولد گردید. هنوز دران کودکی پایان نرسانیده بود که پدرش مرحوم خادم الشریعه در ۱۴ ماه صفر ۱۳۲۴ وفات یافت وی و برادر کوچکش در ظل توجهات مادر تربیت گردید و مقدمات علوم فقه و اصول دوره کامل سطح و قسمتی از خارج آنرا در اصفهان خدمت اساتید و مراجع بزرگوار تلمذ کرد سپس جهت تکمیل مراتب علمی به نجف اشرف مهاجرت نمود و در آنجا به حوزه‌های درس مجتهدین عالی‌مقام همچون: ۱- مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی ۲- آقا میرزا محمد حسین غروی نائینی و جمعی دیگر از افاضل حاضر گردید لکن بمناسبت ابتلاء به بیماری مجبور بمراجعت گردید و در این شهر نیز دیگر نتوانست بکار تحصیل بپردازد و فقط به اقامه جماعت در مسجد پدر (مسجد نوحاج رسولیها) و ارشاد و هدایت و وعظه پس از نماز در مسجد پرداخت تا سرانجام در جمعه ماه صفر سال ۱۳۹۹ وفات یالته در تخت فولاد در تکیه و بقعه پدر بزرگوارش مدفون گردید اسامی برخی از اساتید او در اصفهان بر حسب حروف تهجی بقرار زیر است: ۱- مرحوم آقا میرزا احمد مدرس ۲- مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد حسین فشارکی ۳- مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی مدت چند ماهی ۴- مرحوم حاج میر

محمد صادق خاتون آبادی ۵ - مرحوم آخوند ملا عبد الکریم گزی ۶ - مرحوم  
آقا شیخ علی مدرس یزدی ۷ - مرحوم آقا میرزا محمد علی حسینی نویسرکانی  
عالم فاضل محقق جلیل ۸ - مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی رحمه الله عليهم  
اجمعين .

۴۰ - مرحوم آقا سید عباس طباطبائی خوراسکانی اصفهانی

عالم فاضل درفروزه ( بروزن دنبه ) ازقراء مجاور خوراسکان متولد گردیده  
و در اصفهان نزد بسیاری از بزرگان از آنجمله مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی  
تحصیل کرده و در یکی از مساجد محل خود اقامه جماعت میفرمود و مردم را  
به حقایق و مسائل دینی با بیان احکام و مواظب ارشاد و هدایت مینمود سرانجام در  
جمعه ۲۵ محرم الحرام سال ۱۳۹۵ هجری قمری وفات یافته در تخت فولاد در  
تکیه ملك مدفون گردید .

۴۱ - مرحوم آقا سید عباس بن سید علی بن سید محمد تقی حسینی دهکردی

معروف و مشهور به صفی . عالم و عابد فاضل کامل جلیل در سال ۱۳۰۴ در اشکنانک  
در يك فرسنگی شهر کرد متولد گردید پدرش از علماء محل و مورد احترام عموم  
اهالی چهار محال بوده است .

مرحوم آقا سید عباس در شهر کرد و اصفهان تحصیلات خود را در فقه و اصول  
و طب و حکمت در نزد اساتید این شهر بیابان و سائید و بدریافت اجازات و وایتی  
و اجتهاد از آنان و مراجع بزرگوار نجف اشرف مفتخر گردید . آن مرحوم در  
مسجد یزد آباد و همچنین مسجد کرمانی اقامه جماعت مینمود سر انجام در ذی  
القعدة ۱۳۹۴ در اصفهان وفات یافته در قبرستان تخت فولاد مدفون گردید .

برخی از اساتید آن مرحوم عبارتند از: ۱ - مرحوم آیت الله آقا سید ابوالقاسم  
دهکردی ۲ - مرحوم آیت الله آقا سید محمد باقر درچه ای ۳ - مرحوم حاج میرزا



محمد حکیمباشی ۴ - مرحوم آقا جلال الدین شهید دهمکردی ۵ - حکیم بزرگوار  
مرحوم جهانگیرخان قشقائی ۶ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی  
۷ - مرحوم حاج شیخ عبدالحسین محلاتی ۸ - حکیم متاله استاد حکماء و متألّهین  
مرحوم آخوند ملامحمد کاشانی علیهم الرحمه والرضوان ( نقل از کتاب : شناخت  
سرزمین چهار محال و بختیاری ص ۴۴۸ دوم و اطلاعات خارجی ) .

۴۲ - حضرت آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی

فرزند مرحوم حاج محمد جعفر در روز ۱۳ جمادی الاولی سال ۱۳۱۵ در  
قریه حبیب آباد بر خوار اصفهان متولد گردیده و مقدمات علوم و ادبیات را در  
قریه نامبرده نزد مرحوم معلم حبیب آبادی آموخته و سپس بشهر منتقل شده در  
مدرسه الماسیه حجره گرفته و نزد اساتید این شهر تلمذ نموده از آنجمله است : ۱ -  
مرحوم آقا میرزا احمد مدرس ۲ - آقا شیخ محمد رضا نجفی ۳ - مرحوم آقا  
سید مهدی درچه‌ای ۴ - مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله مسجد شاهی و جمعی  
دیگر از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعظام علماء و مدرسین حوزه علمیه اصفهان و از  
عده‌ای از اساتید خود موفق بدریافت اجازه اجتهاد و روایت گردیده و اکنون  
سالهاست که در این شهر بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد و جمعی کثیر از افاضل  
طلاب از محضر او مستفید میشوند .

حضرت آقای ادیب عالمی است زاهد و فقیهی جامع و مجتهدی بزرگوار  
و ادیبی شاعر که بفارسی و عربی شعر نیکو میسراید و سابقاً نادم تخلص مینموده  
و پس از آنکه نام خانوادگی خود را : « ادیب » قرار داد این کلمه را متخلص  
خود نیز گردانید . در هیئت و ریاضی استاد و صاحب تألیفات است کتب او بقرار  
زیر میباشد : ۱ - احسن التاویم در اوقات شرعی اصفهان - کاشان - طهران که  
ساعات اذان ظهر و اذان مغرب و اذان صبح را بر حسب برجهای شمسی در طول

سال معین نموده و جزوه مربوط به اصفهان چندین بار بچاپ رسیده و یار ومدد کارشب زنده‌داران و متعهدین است ۲ - تطبیقه در تطبیق سالهای قمری به شمسی و بر عکس ۳ - دیوان اشعار فارسی و عربی ۴ - رساله درارت مفصل بفارسی مطبوع ۵ - رساله درتوبه ۶ - رساله درفضیلت علم ۷ - زیارات مدینه طیبه نسبتاً مفصل ضمیمه مناسک حج مرحوم آیت الله حکیم بچاپ رسیده است ۸ - شرح دعای ندبه بنام وظیفه الشیعه فارسی مطبوع ۹ - قبله البلدان یا معرفة القبلة در طرز تعیین قبله شهرهای ایران از روی آفتاب در طول سال ۱۰ - قطبیه در تعیین اوقات نقاط واقع در قطبین ۱۱ - ملحقات کتاب قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام مطبوع ۱۲ - هدیه العباد در شرح حال صاحب بن عباد فارسی مفصل مطبوع و غیره .

از آثار حضرت آقای ادیب احیاء و تجدیدساختمان مسجد مقابل مقبره صاحب بن عباد در محله طوقچی اصفهان و اقامه جماعت و موعظه و ارشاد و هدایت مؤمنین در این مسجد که بنام : « مسجد صاحب بن عباد » شهرت دارد می باشد .  
 زنده کردن یکی از سنن الهی : نماز عیدین که جزو نمازهای واجب (واجب تخییری) شمرده میشود در زمانهای سابق با عظمت و ابهت و شکوه خاصی بوسیله علماء انجام میشده است لکن نمیدانم از چه زمان این فریضه الهی از شکوه اولیه افتاده و فقط در روز عید فطر در مساجد بوسیله ائمه جماعت اجرا میشد .

مرحوم آقا شیخ محمد باقر زندکرماتی [ ( فوت ج ۲ / ۱۳۸۹ ) ] از علماء و مدرسین اصفهان که سعی و کوشش او درب مسجد جامع جهت اقامه جماعت باز شد (زمان رضا شاه در این مسجد و مسجد جامع جدیدعباسی یعنی مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله بعنوان آثار باستانی اجازه نماز خواندن هم نمیدادند) در زمان

سلطنت طاغوت سنہیر ( محمد رضا پسر رضا شاه طاغوت کیپر ) [ در روزهای عید فطر با جماعت مؤمنین از مسجد جامع بصورت اجتماع در صفوف منظم با خواندن تکبیرات و تهلیلات با عظمت خاصی حرکت نموده و مسیر خیابانهای هاتف و نشاط و چهار باغ خواجو را طی نموده بسمت تخت فولاد حرکت نموده در آنجا در « مسجد مصلی » نماز عید را خوانده سپس به منبر رفته و خطبہهای آنرا بفارسی و قسمتی بهربی خوانده بعداً جمعیت پراکنده میشد .

پس از فوت آن عالم جلیل حضرت آیت الله ادیب این سنت سنیه را ادامه داده و سالها در دوره طاغوت با همه مشکلات که در این راه بود مقاومت نموده و نماز عید را با ابهت و شکوه هر چه تمامتر با جمعیتی منجاوز از چندین هزار نفر اقامه میفرمود. از خداوند متعال طول عمر و سلامت مزاج جهت ایشان مسئلت می کنم .

۴۴ - حاج سید عبد الحجت بلاغی نائینی اصفهانی

فرزند مرحوم آقا سید حسن حسینی عالم فاضل مؤلف مکثر صاحب تألیفات کثیر نافه مطبوعه .

در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در نائین متولد گردیده ( در کتاب : انساب مردم نائین صفحه ۱۳۸ تولد خود را در ۱۴ شعبان سال ۱۳۰۲ می نویسد که ظاهراً روز و ماه صحیح و سال غلط چاپی است ) .

وی مقدمات علوم را در نائین بخوبی آموخته و سپس جهت تکمیل باصفهان مهاجرت نموده در نزد بزرگان علماء و مجتهدین به تحصیل پرداخته بعداً بقم رفته آنجا نیز مدت چند سال در محضر اساتید حاضر گردیده در طهران به خانقاه شمس العرفاء راه یافته و باو دل باخته و رسماً داخل تصوف گردیده سالها در مشاغل مختلف دولتی خدمت کرده در اواخر عمر در قم سکونت کرده و در این

شهر در ماه صفر سال ۱۲۹۷ وفات یافته در مقبره جناب علی بن جعفر علیه السلام مدفون گردید . مشار الیه از دوستان پنجاه ساله نویسنده بود که در این مدت با اختلاف ذوق و مشرب که بین ما دو نفر بود از اطلاعات وسیع او در ادبیات و رجال و غیره بهر مند میشدم .

آنچه از اساتید او در کتابهایش نام برده ومن آگامم از اینقرار میباشد :

در نائین : ۱ - میرزا محمد باقر خان ادیب ۲ - حاج ملا حسن نائینی  
۳ - میرزا محمد حسین فرزند میرزا عبدالمحمد نائینی ۴ - ملا محمد رضا  
۵ - مولی علی محمد معروف به سید صالح ۶ - میرزا محمد فرزند ابوطالب  
نظام العلماء ۷ - میرزا محمد بن محمد علی مشعل العلماء .

در اصفهان : ۱ - مرحوم آقا میرزا احمد مدرس ۲ - آقا شیخ محمد جواد  
فریدنی ۳ - آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ۴ - حاج نور الله نجفی ودر قم  
مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری ودر طهران سید حسین شمس العرفاء .  
واما مشایخ اجازه او عبارتند از : ۱ - مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی  
۲ - آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی ۳ - مرحوم آقا شیخ محمد باقر زند  
کرمانی اصفهانی ۴ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء نجفی ۵ -  
حضرت آیت الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی ۶ - مرحوم آیت  
الله آقا سید صدرالدین صدر ۷ - مرحوم آیت الله آقا سید محمد حجت کوه کمری  
قمی رحمة الله علیه .

واما تألیفات مرحوم بلاغی بقرار زیر است : ۱ - الاسرار الالهیه فی الاذکار  
والاوراد والادعیه السریه ۲ - اعلاط درروضات ۳ - اعلاط درانساب ۴ - انسلب  
خاندانهای مردم نائین ۵ - تاریخ انبیاء لمولوا المعزم ۶ - تاریخ طهرین وری دو مجلد  
بزرگ و مفصل ۷ - تاریخ نائین پنج مجلد ۸ - تاریخ نجف و حیره جلد اول

بچاپ رسیده ۹ - تاریخ مقابر اصفهان ۱۰ - حجة التفاسیر ۶ جلد بزرگ مطبوع  
۱۱ - حواشی بر تذکرة القبور و آنرا نویسنده در رجال اصفهان بنام ایشان بطبع  
رسانیده ام ۱۲ - دیوان اشعار با تخلص حجت و بلاغی ۱۳ - رساله شعریه ۱۴ -  
شرح حال علی بن سهل عارف مطبوع ۱۵ - شرح دعای سمات ۱۶ - فرهنگ  
سمات مطبوع ۱۷ - مقالات الحنفاء در شرح حال شمس العرفاء ۱۷ - مقالاد  
الرشاد در مؤنثات سماعیه و اضداد مطبوع .

در خانمه متذکر میشود که در کتاب شعرای معاصر اصفهان (ص ۹۳) تاریخ  
تولد مرحوم بلاغی را ۱۳۲۲ نوشته ام که آنهم بنا بنوشته خود ایشان بوده  
است و ظاهراً همان ۱۳۱۴ در بین این سالها درست و سالهای دیگر اشتباه است .

۴۴ - مرحوم آقا شیخ عبدالرحیم ربانی خوراسکانی

۴۵ - مرحوم حاج میرزا عبدالله شیخ الاسلام

معروف به حاج آقا میرزا فرزند مرحوم حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام  
پدرش آخرین شیخ الاسلام اصفهانست که در ۲۲ ذی القعدة سال ۱۳۵۰ در مشهد  
مقدس وفات یافته و در سرداب مدرسه میرزا جعفر در مقبره خانوادگی مدفون گردید.  
مرحوم حاج آقا میرزا در اصفهان متولد گردیده و در نزد عده بسیاری از  
علماء و مجتهدین این شهر که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی  
تلمذ نموده و سالها متصدی دفترخانه ثبت اسناد رسمی و همچنین دفتر ازدواج  
و طلاق بوده و پس از بازنشستگی بعبادت و مطالعه روزگار میگذرانید سرانجام  
در یک شنبه ۱ شعبان سال ۱۴۰۴ بسن متجاوز از یکصد سال وفات یافت رحمة  
الله علیه .

۴۶ - مرحوم حاج شیخ عزالدین نجفی

فرزند مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ترجمه ایشان خواهد آمد .

۴۷ - مرحوم حاج آقا عطاءالله درب امامی حسینی

عالم جلیل فرزند مرحوم حاج میرسید محمد .

پدرش از زمره علماء اخیار و دانشمندان بزرگوار اصفهان بود که در سال ۱۳۵۹ وفات یافته و در تخت فولاد در تکیه آقا رضی در قبر مرحوم آقا سید محمد باقر عاملی پیشنماز یکی از اجداد مادری خود مدفون گردید رحمة الله علیه .

نسب سادات امامی اصفهان به امامزاده واجب التعظیم جناب ابوالحسن زین العابدین علی معروف به « درب امام » صاحب بقعه و بارگاه معروف می پیوندند و از جمله سادات اصیل که به شرافت حسب و نسب معروف و بسیاری از آنان از اهل علم و اجتهاد بوده اند که شرح حالشان در کتب تراجم رجال مضبوط است و نویسنده در کتاب : « بزرگان و دانشمندان اصفهان » بنام برخی از آنان اشاره کرده ام .

مرحوم حاج آقا عطاءالله در اصفهان متولد گردیده و در نزد بسیاری از بزرگان اهل علم و مدرسین عالی مقام و مجتهدین عظام این شهر از آن جمله مرحوم آقا شیخ محمد رضا تلمذ نموده و در مسجد « باغچه عباسی » امامت مینمود . و مورد وثوق و اعتماد قاطبه اهل علم و متدینین میبود سر انجام در پنج شنبه ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ وفات یافته در تخت فولاد در تکیه آقا میر سید محمد شهبانی مدفون گردید رحمة الله علیه .

۴۸ - حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی مشکوتی سدهی

عالم جلیل از مدرسین و ائمه جماعت اصفهان . در اصفهان و نجف نزد بزرگان علماء تلمذ نموده و از اساتید خود به اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده از جمله اساتید ایشان در اصفهان مرحومین حاجتین آیتین آقا شیخ محمد رضا نجفی و مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی میباشند .

از آثار ایشان مدرسه علمیه مشکوفیه در سده میباید که بامر واجازه مرحوم  
آیت الله العظمی بروجردی رضوان الله علیه بنا فرموده است .

۴۹ .. مرحوم حاج شیخ علی قدیری کفرانی

عالم فاضل از مدرسین و ائمه جماعت اصفهان فرزند نصرالله بن قاسم بن  
مولی علی بن محمد بن قدیر کفرانی رویدشتی اصفهانی . در اصفهان متولد گردید .  
در اصفهان وقم و نجف خدمت اساتید و آیات عظام تحصیل نموده و بسا کسب  
اجازات به اصفهان مراجعت کرده و بوظائف و شئون روحانیت از تدریس و ارشاد  
و موعظه و امامت جماعت در مسجد « الهادی » واقع در خیابان سید علیخان  
پرداخته سرانجام پس از یک بیماری نسبتاً طولانی در جمادی الاولی سال ۱۴۰۷  
در اصفهان وفات یافته و در قم مدفون گردید رحمه الله علیه .

برخی از اساتید او در اصفهان وقم و نجف عبارتند از : ۱ - مرحوم آقا  
شیخ محمد رضا نجفی ۲ - مرحوم سید علی نجف آبادی ۳ - حضرت آیت الله  
العظمی نایب الامام خمینی سلمه الله تعالی .

فائده : هموی پدر مرحوم آقای قدیری : عالم جلیل فقیه کامل مرحوم آقا شیخ  
عبد الله بن علی بن محمد بن قدیر کفرانی از اکابر علماء و مدرسین نجف اشرف  
و از خواص اصحاب و برترین شاگردان مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی و مقرر  
درس ایشان بوده و پس از وفات استاد در سال ۱۳۱۲ مستقلاً حوزه درس را  
مسجد هندی در نجف منعقد نموده و علم کثیری از بزرگان اهل علم و فضل در  
جلسه درس او شرکت مینموده اند که از آن جمله است مرحوم علامه جلیل حاج  
شیخ آقا بزرگ طهرانی بطوریکه خود در نقباء البشر (ص ۱۲۰۴ سوم) می فرماید  
نویسنده گوید: هر کجا در کتب تراجم در شرح حال علماء معاصر می نویسد:  
نزد شیخ عبد الله اصفهانی تحصیل نموده است مراد و مقصود همین بزرگوار

یعنی شیخ عبدالله کفرانی است رحمة الله علیه .  
وفات مرحوم آقا شیخ عبدالله اصفهانی در سال ۱۳۱۷ در نجف رویداده  
است .

۵۰ - حاج میر سید علی ابطحی سدهی

عالم فاضل .

۵۱ - مرحوم حاج ملا علی مارینی

فرزند مرحوم ملا بو تراب عالم فاضل و واعظ خبیر از فضلاء اهل منبر اصفهان  
دانشمند بزرگواری که تمام عمر خود را در راه تحصیل علم و دانش و نشر معارف  
اسلام و بیان مسائل و مواعظ و ذکر مناقب و بیان مصائب اهل بیت علیهم السلام  
گذرانید و تا آخرین سالهای حیات از تحصیل دانش و کسب علم کوتاهی نفرمود  
برخی از اساتید او عبارتند از : ۱ - مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکراهی ۲ -  
آقا میرزا احمد مدرس ۳ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۴ - مرحوم آیت  
الله العظمی حاج میر سید علی بهبهانی رحمة الله علیهم اجمعین . مرحوم حاج  
ملا علی در شنبه ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۴۰۲ در اصفهان وفات یافته در بقعه  
تکیه مرحوم حاج آقا محمد مقدس در تخت فولاد مدفون گردید . رحمة الله  
علیه .

۵۱ - حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی علامه فانی

فرزند مرحوم آقا سید محمد حسن یزدی اصفهانی از اکابر علماء و فقهاء و مجتهدین  
معاصر . در زوال روز پنج شنبه ۲۶ ربیع الاول سال ۱۳۴۳ در اصفهان متولد  
گردیده و پس از گذراندن دوران صباوت بکسب علم و دانش با کمال جد و کوشش  
در نزد علماء و بزرگان اصفهان اشتغال جسته و پس از وفات دو تن از اساتید  
بزرگوار خود در سال ۱۳۶۲ به نجف اشرف مهاجرت فرموده و ضمن تکمیل مراتب



علمی بتدریس فقه و اصول و تفسیر مشغول گردیده و عده‌ای از فضلاء از محضر او کامیاب گردیده و پس از سی سال توقف در نجف اشرف در سال ۱۳۹۳ بایران مراجعت فرموده و در شهر قسم سکونت اختیار فرموده و همچنان شروع بتدریس خارج از فقه و اصول نموده و جمعی کثیر از افاضل طلاب و مشتغلین حوزه درس این عالم جلیل رامفتنم دانسته و از محضر ایشان مستفیض و مستفید میشوند همچنین همه ساله در ایام تابستان باصفهان تشریف آورده و در مدرسه جده تدریس و اقامه جماعت مینمایند و عموم طبقات بالاخص علماء و دانشمندان را از بیانات خود بهره‌مند میفرمایند .

برخی از اساتید ایشان عبارتند از : ۱ - مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ  
 طهرانی شیخ روایت ۲ - آقا شیخ محمد رضا نجفی استاد و شیخ روایت ۳ -  
 حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی که مدت ۱۳ سال در خدمت ایشان کسب  
 علم نموده است ۴ - مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی ۵ - مرحوم آقا سید  
 محمد نجف آبادی ۶ - مرحوم حاج سید مرتضی خراسانی اصفهانی علیهم الرحمة .  
 و اما اسامی تألیفات ایشان بر حسب اجمال بدینقرار است : ۱ - آراء حول  
 القرآن مطبوع ۲ - آراء حول مبحث الاراده مطبوع ۳ - البداء مطبوع ۴ - ترجمه  
 تقویم المحسنین تألیف مولی محسن فیض کاشانی مطبوع ۵ - ترجمه نصایح  
 الهدی مطبوع ۶ - تعلیقات بر عروة الوثقی مطبوع ۷ - تفسیر سوره جمعه ۸ -  
 تفسیر سوره فاتحه ۹ - تقریرات دوره کامل اصول فقه مطبوع ۱۰ - حاشیه بر  
 صراط النجاة ۱۱ - حواشی بر توضیح المسائل بزبانهای فارسی - عربی و اردو  
 هر سه مطبوع ۱۲ - حواشی بر وسیلة النجاة مرحوم آیت الله اصفهانی ۱۳ -  
 دستور حج و عمره بعربی غیر از مناسک حج مطبوع ۱۴ - دیوان اشعار غیر  
 مطبوع ۱۵ - رساله در احکام خراج ۱۶ - رساله در امر بمعروف و نهی از منکر ۱۷ -

رساله در جوائز سلطان ۱۸ - رساله در ذباحت ۱۹ - رساله در علم امام ۲۰ - رساله در معاملات ربوی ۲۱ - رساله در معاصی کبیره ۲۲ - رسائل فقهی در موضوعات: زکوة ، خمس ، صوم ، اجاره ، وصایا ، اجرت بر عبادات ، قرعه ، منجزات مریض و مکاسب ۲۳ - شرح شرایع در چندین مجلد که ۱۱ جلد آن بچاپ رسیده است ۲۴ - غالبیة البیان در اثبات عدم تحریف قرآن ۲۵ - فوائد رجالیة در بیان اصحاب اجماع و جماعتی از روایة ۲۶ - قبسات العقول در شرح چهل حدیث ( اربعین ) مطبوع ۲۷ - المعارف العلویة ( المحمدیة ) در کلام مجموعه‌ای از چند رساله ۲۸ - مقدمات تفسیر ۲۹ - مناسک حج بفارسی و عربی وارد و هر سه مطبوع ۳۰ - منظومه چهارده معصوم علیهم السلام ۳۱ - المختار فی الجبر و الاختیار تقریر حضرت علامه فانی و تحریر حجة السلام و المسلمین آقای حاج سید محمد علی صادقی از علماء بزرگوار اصفهان و مدرسین و مجتهدین عالی‌مقام و ائمه جماعت ( مسجد شفیعی ) ۳۲ - المرأة و الاسلام یا زن از دیدگاه شریعت اسلام تقریر حضرت علامه فانی و تحریر بانو فاطمه حسینی هر دو کتاب مطبوع .

در یکی از روزهاییکه خدمت حضرت آیت الله علامه فانی شرفیاب بودم و سخن از مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی و مرحوم حاج میر سید علی نجف آبادی بمیان آمد ایشان ضمن تجلیل و تکریم بمقامات علمی هر دو بزرگوار فرمودند: نسبت من و مرحوم آقا شیخ محمد رضا نسبت استاد و شاگردی نبود بلکه مراد مرید بود من بایشان ارادت می‌ورزیدم و آنچه علم آموختم از برکات انفاس مرحوم نجف آبادی می‌باشد . درخاتمه متذکر می‌شود که حضرت علامه فانی یکی از مشایخ اجازه نویسنده میباشد .

۵۲ - شیخ محمد علی حسینی

فاضل محترم از منبریان و ذاکرین و خدمتگزاران استان مقدس حضرت سیدالشهداء

علیه السلام که عمری را بزهده و قناعت گذرانیده و از راه منبر و موعظه و ذکر مصیبت خدمتها انجام داده است . مشارالیه در اوایل تحصیل در مدرسه الماسیه واقع در بازار چهار سو مقصود حجره داشته و از ایام ریاست آقایان مسجد شاه و تشکیل هیئت علمیه و مدارس خمسه و برخورد آقایان با طلاب مطالبی شیرین و قابل توجه زیادی بخاطر دارد که گاهی برنخی از آنها را برای نویسنده تعریف نموده است . در هر حال وی از جمله مجازین از مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی باجازه روایتی میباشد .

۵۳ - مرحوم ملا محمد علی عالم حبیب آبادی

عالم جلیل و واعظ کامل از مدرسین سطوح در اصفهان سالها در مدرسه نیم آورد تدریس میفرمود و جماعت زیادی از افاضل طلاب به جلسه درس او حاضر میشدند و از بیانات علمی و مواعظ او بهره مند میگرددند در سال ۱۲۹۶ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید .

۵۴ - مرحوم مولی محمد علی معلم حبیب آبادی

فرزند زین العابدین عالم ادیب متبع و مورخ متضلع شاعر کامل مؤلف کتاب مکارم الآثار و کتابهای دیگر .

مرحوم معلم اگرچه رسماً در جلسات درس فقه و اصول و تفسیر و حدیث مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی شرکت فرموده و او را نمیتوان در این علوم شاگرد آن مرحوم دانست لکن سالهای بیماری در هر ماه چندین دفعه خدمت ایشان شرفیاب گردیده و از مطالب ادبی و اطلاعات رجالی آن مرحوم استفاده کرده و از اینرو باید ویرا نیز در عداد شاگردان آن بزرگوار بحساب آورد .

۵۵ - مرحوم حاج سید کمال الدین نوربخش دهکردی

فرزند مرحوم آقا سید محمود بن سید محمد باقر حسینی عالم فاضل جلیل

از اساتید دانشگاه تهران بعد از سال ۱۳۲۰ هجری قمری در شهر کرد متولد گردیده مقدمات علوم و ادبیات را در آنجا بخوبی نزد اساتید فرا گرفته سپس باصفهان مهاجرت نموده و در مدرسه صدر بازار سکونت اختیار کرده و در نزد اساتید و علماء بزرگوار این شهر و سپس در قم و طهران به تکمیل مراتب علمی پرداخته تا از علماء صاحب نظر گردیده و از برخی از اساتید خود اجازه روایتی و اجتهاد دریافت داشته سالها بعنوان دبیری در دبیرستانهای طهران به شغل آموزش و پرورش جوانان اشتغال داشته و بعداً در دانشگاه بعنوان معلم شریعت انتخاب شده و سرانجام در دهم رمضان المبارک سال ۱۴۰۱ وفات یافت .

اسامی برخی از اساتید او بقرار زیر میباشد : ۱ - مرحوم آیت الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی هموی بزرگوار ایشان ۲ - حاج آقا جناب دهکردی در شهر کرد ۳ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۴ - مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی ۵ - مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی و غیره .

کتابهای زیر از تألیفات اوست که سالها در دبیرستانها مورد استفاده دانش آموزان و جوانان بوده و الحق کتابهای مفیدی در این موضوع طبق برنامه وزارت فرهنگ بود : ۱ - خود آموز عربی بفارسی ۲ - شریعت دوره اول دبیرستانها ۳ - شریعت و اصول اعتقادات دوره دوم دبیرستانها ۴ - فقه و شریعت پنج مجلد دوره کامل دبیرستان . هر يك از کتابهای ذکر شده چندین دفعه بچاپ رسیده است .

۵۶ - مرحوم ملا لطف الله فوزند میرزا ابراهیم کورنی اصفهانی

واعظ صالح . نسب آن مرحوم به جناب حبیب بن مظاهر اسدی از اصحاب گرامی حضرت سید الشهداء علیه السلام که در وقعه کربلا بشهادت رسید و قبر او در رواق مطهر حسینی دست چپ وارد شونده محل زیارت زائرین محترم

میباشد می‌پوبند .

مرحوم مولی لطف الله در کرون متولد گردیده ودر اصفهان نزد جمعی از بزرگان تلمذ نموده که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی . در دوره رضا شاه بجرم حق گوئی و دفاع از حریم مقدس اسلام وقوانین الهی مدتی بزندان رفت ورنجها دید واذینها کشید . بعد از سال ۱۳۶۳ وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید رحمة الله علیه .

۵۷ - حجة الاسلام آقای حاج آقا مجتبی میر محمد صادقی

فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر ( متوفی در چهارم ماه صفر سال ۱۳۶۳ در اصفهان ) فرزند میرزا حیدر علی حسینی . عالم فاضل ادیب شاعر از علمای بزرگوار معاصر اصفهان در ۲۹ ذی قعدة سال ۱۳۲۹ در اصفهان از دختر علاءه جلیل مرحوم حاج آقا منیر الدین بروجردی اصفهانی متولد گردید ودر این شهر در نزد بسیاری از علماء ودانشمندان ومدرسین تحصیل نمود تا بمدارج عالیہ علم واجتهاد ارتقاء یافت واز جمعی از اساتید بزرگوار خود بکسب اجازات روایتی واجتهاد مفتخر گردید واکنون سالهاست که در مدرسه صدر بازار رسائل ومکاسب وشرح تجرید تدریس می کند ودر مسجد شیخ علیخان (مسجد خان) اقامه جماعت میفرماید . وبسی ایشان رساله : الفرق بین الفریضة والنافلة از آثار مرحوم حاج آقا منیر الدین بچاپ رسیده است . برخی از اساتید ایشان عبارتند از ۱- مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۲- مرحوم حاج میر سید علی نجف آبادی ۳- مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی .

و در قم عده‌ای از بزرگان از آنجمله حضرت آیت الله نایب الامام آقای خمینی ودر نجف مدتی خدمت حضرتین آیتین آقا سید محمد ابراهیم معروف به میرزا آقا اصطهباناتی و آقا شیخ محمد کاظم شیرازی رحمة الله علیهما .

آقای حاج آقا مجتبی دارای طبعی روان است و برای فوت هر يك از اساتید خود قطعه‌ای سروده و ماده تاریخی مناسب فرموده است ، سلامت ایشان و توفیق در بچاپ رسانیدن دیگر آثار جدشان را از حی سبحان خواهانم .

۵۸ .. مرحوم آقا میرزا مجتبی روضائی

فرزند مرحوم علامه محقق زاهد متببع آقا میرزا محمد باقر مؤلف کتاب گرانقدر روضات الجنات . فاضل ارجمند نام ایشان بر حسب آنچه در کتاب : زندگانی حضرت آیت الله چهار سوقی ( ص ۱۰۳ ) نوشته حسن و کنبه ایشان ابو محمد و لقب مجتبی است . ( که به لقب شهرت یافته و نام و کنبه فراموش گردیده است ) تولد ایشان در ظهر روز دوشنبه ۲۳ شعبان المعظم سال ۱۳۰۲ در اصفهان واقع شده . در اصفهان نزد غالب اساتید وقت تلمذ نموده و بیشتر تحصیلاتش خدمت مرحوم آیت الله آقا سید محمد باقر درجه‌ای بوده است و تقریرات دروس آن مرحوم را نوشته است و از مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی نیز اجازه داشته است سالها در اصفهان دفتر اسناد رسمی داشته و از اینراه مصدر خدماتی بوده است . بالاخره در ۸ شعبان سال ۱۳۸۳ در اصفهان وفات یافته در بقعه پدر علامه خود در تخت فولاد مدفون گردید . رحمة الله علیه

۵۹ - مرحوم آیت الله حاج شیخ مجدالدین معروف به مجدالعلماء نجفی

فرزند مرحوم آقا شیخ محمد رضا ترجمه ایشان خواهد آمد .

۶۰ .. مرحوم حاج آقا محمد مقدس بیدآبادی

فرزند مرحوم سید عبدالحسین حسینی عالم جلیل محقق مدقق در حدود سال ۱۳۰۵ در اصفهان متولد گردیده و در اصفهان و نجف نزد بسیاری از بزرگان علماء و مدرسین و اعظم فقهاء و مجتهدین تلمذ نموده تا بمقامات عالییه علم و اجتهاد رسیده و از جمله کسانی است که علم را بسا عمل توأم ساخته و سالها

در اصفهان مرجع شرعیات و نماینده تام‌الاختیار مراجع وقت بوده و در مسجد مدرسه میرزا مهدی مسجد شیسی (بکسر اول و سکون دوم و سوم) اقامه جماعت مینمود و ضمناً مردم را بمواعظ حسنه ارشاد و هدایت میفرمود . در چند سال آخر حیات بمناسباتی از اصفهان بقم مهاجرت نموده و بیشتر ایام سال را در آن شهر مقدس گذرانیده و بدرس و بحث اشتغال داشته و از خواص اصحاب مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی بشمار میرفت . سرانجام در بعد از ظهر روز پنج شنبه ۱۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۵ پس از یک عمل جراحی در بیمارستان وفات یافته و در روز جمعه با تشییع عظیم با شرکت عموم طبقات در تخت فولاد مدفون گردید و سپس برای او تکیه‌ای بنا نهادند که بنام او : « تکیه مقدس » معروف است .

از جمله اساتید او در اصفهان قبل از مهاجرت به نجف اشرف مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی مییاشد که تقریباً مدت یک سال بدرس ایشان حاضر میشده است . مرحوم حاج آقا محمد دارای تألیفاتی زیادی است در موضوعات گوناگون از مسائل فقهی و اصولی و تقریرات اساتید خود و موضوعات دیگر که از آنها فقط کتاب : الاوائل یا اولیات ایشان که بفارسی تألیف شده است بچاپ رسیده است . شرح حال و اسامی عده‌ای از اساتید و همچنین نام مؤلفات ایشان در کتاب : بزرگان و دانشمندان اصفهان نوشته شده است طالبین رجوع کنند .

۶۱ - مرحوم حاج آقا محمد شیخ العواهن

فرزند مرحوم حاج میرزا مهدی جویناره‌ای متوفی بسال ۱۳۸۷ مدفون در

تخت فولاد در تکیه فاضل سراب در اول تخت فولاد .

۶۲ - مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی عماد الاسلام حجت نجفی

فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ جمال الدین مسجد شاهی متوفی در سال

۱۳۸۶ هـ . قی مدفون در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص بنام خود ایشان و ترجمه ایشان در جلد سوم خواهد آمد .

۶۳ - حضرت آیت . الله حاج شیخ مرتضی مظاهری

فرزند مرحوم محمد حسن بن محمد ابراهیم کرونی عالم جلیل محقق مدقق زاهد عابد ناسک در شب ۲ شنبه دوم جمادی الاولی سال ۱۳۱۶ در تیران مرکز بلوک کرون متولد گردیده و در اصفهان و نجف در نزد بزرگان علماء و مجتهدین تلمذ نموده و از بسیاری از آنان به اخذ اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده سپس به اصفهان مراجعت نموده به وظائف دینی و روحانی از تألیف و تصنیف و اقامه جماعت و موعظه و ارشاد و هدایت و تدریس پرداخته اکنون سالهاست که بکلی ترك معاشرت با کلبه ابناء روزگار فرموده و در منزل منزوی و بعبادت و تألیف و تصنیف اشتغال دارد .

برخی از اساتید و مشایخ اجازه آیت الله مظاهری در اصفهان و نجف بر حسب حروف تهجی عبارتند از :

- ۱ - مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی شیخ روایت ۲ - سید محمد ابراهیم اصطهباناتی معروف به میرزا آقا ۳ - سید ابو تراب خونساری استاد ۴ - سید ابوالحسن اصفهانی شیخ روایت ۵ - سید ابوالقاسم دهکردی استاد ۶ - حاج آقا جمال الدین نجفی ۷ - شیخ جواد بلاغی ۸ - سید حسن صدر کاظمینی ۹ - مولی محمد حسین فشارکی ۱۰ - میرزا محمد حسین نائینی ۱۱ - شیخ حسین ثانی ۱۲ - شیخ محمد رضا مسجد شاهی ۱۳ - میر محمد صادق خاتون آبادی ۱۴ - شیخ شعبان گیلانی ۱۵ - آقا ضیاء الدین عراقی ۱۶ - حاج شیخ عبدالکریم حائری ۱۷ - مولی عبدالکریم گزی ۱۸ - شیخ علی شاهرودی ۱۹ - سید علی کازرونی ۲۰ - شیخ محمد کاظم شیرازی ۲۱ - میرزا محمود شیرازی ۲۲ - سید مهدی صدر کاظمینی و غیره .



آقای مظاهری دارای تألیفات زیادی است که اسامی عده‌ای از آنها در مقدمه کتاب : « مقبس الیاقوت » و همچنین در کتاب : گنجینه دانشمندان (ص ۱۰۷ سوم) والذریعه و فهرست رضویه و فهرست مرحوم مشار ذکر شده از آنجمله کتابهای : ۱ - آداب الدعاء و منتخب الادعبه ۲ - تقویم شرعی ۳ - الحجة علی ذوی النهی فی حرمة حلق اللحی ۴ - الفوائد الغریبه ۵ - قلع الغیبه ۶ - مقبس الیاقوت در فضل سکوت ۷ - نصیحت نامه ۸ - نهاية المأمول در شرح کفایة الاصول بچاپ رسیده است . از خداوند طول عمر و سلامتی برای ایشان و همه خدمتگزاران بشرع انور را خواهانم .

تذکر : رساله مخزن المعانی در ترجمه حال ایشان و همچنین منظومه مرحوم آقا سید محمد صادق آل بحر العلوم طباطبائی که در نسب نام ایشانست در مقدمه مقبس الیاقوت بچاپ رسیده است .

۶۴ - حاج سید مرتضی موحد ابطحی

فرزند مرحوم سید علی بن محمد علی بن محمد حسین بن میر محمد تقی موسوی معروف به لله . عالم فاضل جلیل در حدود سال ۱۳۱۹ در اصفهان متولد گردیده و پس از گذراندن ایام صباوت با جد تمام به تحصیل علوم در نزد اساتید بزرگوار این شهر اشتغال جسته و علاوه بر علوم فقه و اصول و حدیث و تفسیر و رجال و حکمت که در نزد مجتهدین و مدرسین عالی‌مقام آموخته همت به تحصیل طب یونانی در نزد مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم طیب نمود وی از مدرسین معروف طب قدیم و از پزشکان صاحب نفس و خبیر به اصول معالجه و مداوا بود و در مدرسه حاج حسن جنب مسجد علی مقابل بقعه متبر که جناب هرون ولایت مطب داشت و در همانجا نیز تدریس کتاب قانون مینمود و عده‌ای در خدمتش تلمذ میکردند جناب آقای حاج سید مرتضی موحد ابطحی نیز سالها از محضر این طبیب

بزرگوار که عابدی زاهد و طیبی صادق و استادی ماهر بود کسب فیض نمود تا خود در طب قدیم و معالجه و مداوای بیماران صاحب نظر گردید و در این سالها همچنان به تحصیلات علوم اسلامی نیز مشغولیتی داشت تا در آنها نیز بمرحله اعلی رسید و در مسجد و منبر و همچنین در مطب به ارشاد و هدایت و معالجه و تداوی امراض روحی و جسمی مردم و مؤمنین اشتغال جسته همانگونه که با داروهای گیاهی جسم بیماران را شفا می دهد با مواظب و ارشادات روحانی و نقل احادیث در هدایت و ارشاد جامعه می کوشد . در مسجد بقية الله در خیابان چهار باغ خواجو و همچنین مسجد یزدآباد ( مسجد رحیم زاده ) اقامه جماعت می کند و بسیاری از مقدسین حضور در نماز جماعت او را مغتنم می شمارند و در منزل ( جنب امامزاده واجب التعظیم و التکریم جناب امامزاده اسماعیل ) از بیماران جسمی دیدار می نماید .

وی در موضوعات مختلف جزواتی و رسائلی پرداخته است که تاکنون بچاپ نرسیده است .

برخی از اساتید او در علوم اسلامی عبارتند از : ۱ - آقا شیخ محمد رضا نجفی ۲ - حاج میر سید علی نجف آبادی ۳ - آقا سید محمد نجف آبادی رحمة الله علیهم اجمعین .

۶۵ - حاج سید مرتضی ظهیر الاسلام

فرزند مرحوم حاج سید علی معروف به زنجیره باف فرزند مرحوم آقا سید محمد موسوی - واعظ خیر و ناطق فصیح از واعظ معروف اصفهان در حدود سال ۱۳۱۷ در اصفهان در محله چهار سوق علی قلی آقا متولد گردید . پدرش از جمله زهاد و عباد و اساتید فن قرائت در اصفهان بشمار میرفت که عده زیادی شاگرد ، آشنا بفنون و علوم قرائت تربیت نمود و بخصوص در

تدریس شاطبی بی نظیر بود پس از فوت در تکیه مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون و بعداً به اجتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام نقل گردید .

مرحوم حاج سید مرتضی پس از گذراندن دوران کودکی مقدمات علوم را در نزد پدر و مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم زقره‌ای ( حاج آخوند ) و جمعی دیگر فراگرفت و دوره‌های سطوح عالیّه و خارج فقه و اصول و حکمت را نزد اساتید معروف اصفهان : ۱- آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ۲- آقا شیخ علی یزدی ۳- آقا شیخ علی مفید بیدآبادی ۴- آقا شیخ محمد حکیم خراسانی ۵- آقا شیخ محمود حنفی ۶- مرحوم سید میرزا اردستانی رحمة الله علیهم فراگرفت و مدتی در خدمت مرحوم حاج سید محمد فرزند مرحوم آقا سید محمد رضا صدرالذاکرین طباطبائی که از رؤساء مشیران اصفهان بود اصول و فنون و عظم و ارشاد و ذکر مواعظ و مصائب را بخوبی فراگرفت و بعداً خود مستقلاً متجاوز از پنجاه سال مردم را با مواعظ شافیه نصایح کافیه و نقل اخبار و آثار و بیان احادیث و تواریخ و حکایات و داستانهای مذهبی و دینی ارشاد و تبلیغ مینمود سرانجام در شب شنبه ۴ جمادی الثانیه سال ۱۴۰۱ هجری پس از یک عمر خدمت به استان مقلس حسینی سلام الله علیه بدرود حیات گفته و در تخت فولاد در تکیه مرحوم حاج آقا محمد مقدس مدفون گردید رحمة الله علیه .

۶۶ - حاج شیخ مرتضی اردکانی

عالم فاضل جلیل محقق مدقق فرزند مرحوم آقا میرزا محمد بن حاج علیرضا اردکانی ( اردکان یزد ) پدر و جدایی و امی ایشان ( مرحوم حاج شیخ محمد رضا مجتهد اردکانی ) همگان از علماء و خدمتگزاران به شرع مطهر بوده و در اردکان ساکن و هم در آنجا وفات یافته اند .

صاحب ترجمه در روز ۲ شنبه ۱۷ ربیع المولود سال ۱۳۲۶ در اردکان

متولد گردیده و در مولد خود مقدمات علوم را فرا گرفته سپس جهت تکمیل باصفهان مهاجرت نموده نزد بزرگان علماء و مدرسین و مجتهدین این شهر از جمله :

۱ - آقا شیخ محمد رضا نجفی ۲ - حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی

۳ - حاج میر سید علی نجف آبادی ۴ - آقا سید محمد نجف آبادی ۵ - مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی تحصیلات خود را پایان رسانیده و از اساتید بزرگوار خود بکسب اجازات روایتی و اجتهاد نائل شده و اجازات او را مراجع تقلید نجف امضاء فرموده اند. اسمانی مشایخ اجازت از به یقر است : ۶ - مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی ۲ - آخوند ملا محمد حسین فشارکی ۳ - آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ۴ - مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی ۵ - مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی رحمة الله علیهم صاحب عنوان سالها در اصفهان به درس و بحث و مباحثه علوم و هم اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اشتغال داشت ضمناً کتب چندی تألیف نموده و برخی از آنها را نیز بچاپ رسانیده است اسمی برخی از مؤلفات ایشان باین شرح میباشد : ۱ - تقریرات درس فقه و اصول مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی ۲ - حاشیه بر عروة الوثقی ۳ - داور داوری در رد بر کسروی ۴ - رساله در جملات ۵ - رساله در کر ۶ - شرح خلاصه الاصول مرحوم آیت الله آقا سید صدر الدین صدر ۷ - غنیة الطالب تعلیقه بر مکاسب دو پنج جلد دو جلد آن بچاپ رسیده است ۸ - قول فصل در رد سی فصل تألیف حاج کریم خان کرمانی و غیره ( نقل از ص ۸۳ سوم گنجینه دانشمندان و اطلاعات خارجی ) .

۶۷ - مرحوم حاج شیخ مصطفی ارسطوئی نجف آبادی

واعظ فاضل صالح در شهرستان نجف آباد متولد گردیده و در موطن خویش و اصفهان تحصیل نموده و عمده تلمذ او در خدمت مرحومین علامتین حجّین

آیتین آقا شیخ محمد رضا نجفی و آقا سید علی نجف آبادی و همچنین مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی بوده و پس از اكمال تحصیلات بوعظ و ارشاد مردم پرداخته و الحق و اعطی شیرین گفتار و ناطقی نیکو رفتار بود ایام فراغت را تا آخر عمر بکارهای زراعتی و باغبانی می گذرانید و از اینراه نیز درس اخلاق اسلامی را عملاً به مسلمین می آموخت عاقبت در ماه رمضان المبارک سال ۱۴۰۱ هجری قمری بسن متجاوز از ۷۵ سال وفات یافت رحمه الله علیه .

۶۸ - حضرت آیت الله حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی

سید العلماء العالمین و سنده الفقهاء و المجتهدین عالم عامل و فقیه کامل از رؤساء علماء اصفهان .

پس از گذرانیدن ایام صباوت در سده و اصفهان و نجف در نزد اساتید بزرگوار و مدرسین و مجتهدین با کمال سعی و کوشش به تحصیلات خود مشغول و تا رسیدن بمقام شامخ اجتهاد ادامه داده و با اخذ اجازات از اساتید بزرگوار خود باصفهان مراجعت فرموده و بوظائف روحانیت از تدریس و اقامه جماعت و رسیدگی بامور دینی مردم مشغول گردیده و از طرف مراجع بزرگوار تقلید متع الله المسلمین بطول بقائهم در کلیه امور مجاز بوده و در نزد کلیه طبقات بالاخص علماء و طلاب و مؤمنین و مقدسین مورد توجه و عنایت و محبوب القلوب عام و خاص می باشند .

حضرت آیت الله مهدوی در بین علماء معاصر در بسط ید و جود و بخشش و سعه صدر و همچنین احاطه بفروع مسائل کم نظیر بلکه بی نظیر می باشند و این قولی است که جملگی بر آنند . اطلاعات رجالی ایشان چه درباره رواة احادیث و چه در باره شرح حال علماء بزرگوار شیعه بسیار قابل توجه می باشد .

اسامی برخی از اساتید و مشایخ اجازه ایشان بشرح زیر میباشد : ۱ - مرحوم علامه محقق متبوع حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۲ - آیت الله العظمی آقا سید

ابوالقاسم خوئی ۳ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۴ - آیت الله حاج سید  
عبدالهادی شیرازی ۵ - مرحوم حاج میر سید علی نجف آبادی ۶ - مرحوم  
آقا شیخ محمد کاظم شیرازی ۷ - مرحوم آیت الله حاج سید محمود شاهرودی  
علیه الرحمه .

حضرت آیت الله مهدوی ظهرها در مسجد بازار کفاشها و شبها در مدرسه ملا  
عبدالله اقامه جماعت میفرمایند و جمع کثیری از زبده اخبار و اهل علم و مؤمنین  
حضور در جماعت ایشانرا فوز عظیم می‌شمارند و روزها در مدرسه جده حوزه درس  
و مباحثه داشتند و اکنون که وضع مزاجی ایشان مقتضی نیست قبل از ظهرها در منزل  
تدریس می‌کنند و عده‌ای از فضلاء و طلاب بمحضرشان شرفیاب شده کسب فیض  
می‌کنند . از خداوند قادر متعال شفای عاجل ایشان را مسئلت دارم . یارب دعای  
خسته دلان مستجاب کن .

فائده ۱: در قبل از ظهر روز ۴ شنبه دوم شعبان المعظم سال ۱۴۰۷ جهت درک  
فیض از محضر مبارک حضرت آیت الله مهدوی در منزل ایشان شرفیاب شدم  
ایشان ضمن صحبت اشاره به :

۱ - شاگردی و تحصیل کردن خود نزد مرحومین آیتین حججین آقا شیخ  
محمد رضا نجفی و حاج میر سید علی نجف آبادی فرمودند و از ایندو استاد  
و سایر اساتید خود بخوبی و بزرگی یاد نموده و همگان را ستودند .

۲ - اشاره به بزرگداشت و تجلیل از مقام علمی مرحوم علامه نجفی نموده  
که حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی که عالمی جامع و از بسیاری از معاصرین  
در جامعیت برتر و ممتاز بود بمقامات علمی و ادبی مرحوم علامه نجفی اقرار  
میفرمود و مکرر در جلسات خصوصی و عمومی اظهار میکرد که جلسه درس  
و مباحثه آقا شیخ محمد رضا نجفی برای منم مفید و قابل استفاده است .

۳ - احترام و بزرگداشتی که مرحوم حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء از مرحوم علامه نجفی مینمود و در موقع راه رفتن، هیچگاه همردیف و شانه پشانه او راه نمیرفت بلکه همیشه يك قدم عقب تر از ایشان بود و این عمل از چنان عالم بزرگواری نسبت به علامه نجفی بیانگر کمال احترام بایشان بود است .

۴ - اشاره بمباحثات بین الاثنینی مرحومین حاجتین آیتین نجفی و نجف آبادی و تلامذشان در نزد مرحوم آقا سید محمد فشارکی و آخوند خراسانی و مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی .

۵ - بیان تجلیل و تکریم هر دو شاگرد بزرگوار از علامه فشارکی رحمه الله علیه .

۶ - ضمن بیان حالات و روحیات مرحوم علامه نجفی، میفرمودند که ایشان از حضور برخی از شاگردان در حوزه درس اظهار نگرانی و نارضایتی میفرمود لکن حضرت آیت الله مهدوی نامی از افراد ذکر فرمود .

۷ - در زمان ایشان این سؤال مطرح شد که :

چرا در کتاب شریف کافی مرحوم ثقة السلام کلینی با وجودیکه در دوره غیبت صغری میزسته از توفیعات صادره از ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر نشده است ؟

( این سؤال ) در بین اهل علم و طلاب مطرح گردید . هر يك از اساتید بزرگوار جوابی بآن دادند که نفس بدان قانع نمیشد مگر جوابیکه مرحوم علامه نجفی بآن دادند و آن این بود :

در زمان غیبت صغری خلفاء بنی عباس سخت می کوشیدند که شیعیان و خواص پسران ائمه معصومین علیهم السلام را پیدا کنند و آنها را تحت شکنجه و آزار قرار دهند و بخیمال باطل خود دسترسی بحضرت امام زمان علیه السلام یافته و او

را همچون پدران بزرگوارش شهید گردانند . مرحوم ثقة الاسلام کلینی جهت مخفی ماندن نام صاحبان توقیع یعنی شیعیان وموالبان خالص آنحضرت بطور کلی ذکری از این توقیعات مبارکات ننمود .

این جواب مطابق عقل ومنطق وبا توجه بزمان بهترین وجامعترین جوابهای برای سؤال یاد شده بالا میباشد .

فائده ۲ - یکی از دوستان از قول حضرت آیت الله مهدوی نقل کرد که ایشان فرموده اند: در مجلس مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی ( متوفی در ذی الحجّه ۱۳۶۲ در نجف اشرف ) بحث می شود که آیا کدامیک از علماء ( ظاهراً بمعصر با حاجی نوری ) بیشتر به اسلام وشریعت خدمت کرده اند . ایشان فرموده اند : خدمتی که مرحوم آقا نجفی اصفهانی به شریعت کرده است هیچ یک از علماء اسلام نکرده اند .

فائده جغرافیائی ۳ - هرستان یا هرستان ازدهات وابسته به سده ماربین واز آبادیهای قبل از اسلام می باشد .

حافظ ابونعیم ( به ضم نون مصغراً ) در کتاب : « ذکر اخبار اصفهان ص ۱۵ » در ذکر ابتدای بنای شهر اصفهان می نویسد که :

گفته شده است که : مدینه جی ( یعنی شهرستان ) از بناهای اسکندر رومی است کنه بدست : جی بن زارده اصفهانی ساخته شده است . . . . وگفته شده است که شهر قبل از جمشید ( جم ) ساخته شده و الفراسیاب آنجا را چون دیگر شهرهای ایران خراب نمود وبعدها : « خماسی جهر آزاد » دختر بهمن بن اسفندیار تجدید بنا نمود قبل از آنکه اسکندر رومی بایران بیاید و خماسی قبل از اتمام سور و باروی شهر و حمله اسکندر مرد و باروی شهر همچنان نیمه تمام بماند تا در روزگار سلطنت : فیروز فرزند یزدجرد او دستور داد به : آذر سابور فرزند



آذر مانان از اهالی قریه : هراستان از بلوك ما برین ( ظاهراً ما برین مصحف ما برین است ) ...

نویسنده گوید : هراستان مذکور در کتاب : ذکر اخبار اصفهان همین هراستان ما برین است .

فائده لغوی ۴ : هراستان و هراستان کلمه‌ای است مرکب از : هر و هرا بضم اول وستان هر بر وزن رخ بمعنی ترسیدن و از جای رفتن دل و هرا صدای ترسناک و مهیب را گویند و کلمه ستان و استان پسوند مکان است بنا بر این معنی کلمه و نام دهکده ( جای خوفناک و محل ترسناک می شود ) .

#### ۶۹ - مرحوم آقا سید مصطفی زاینانی

فرزند سید عبد الله بن سید محمد کاظم بن سید عبدالله حسینی عالم فاضل در دهکده زاینان در خاندان علمی و روحانی متولد گردید . پدر و جدش از زمره علماء و مراجع اهل محل و امام جماعت و پیشوای مذهبی قریه مزبور بوده‌اند . مرحوم آقا سید مصطفی تحصیلات خود را در نزد پدر و در شهر کرد و در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان انجام داده که از آن جمله است : ۱ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۲ - مرحوم حاج میر سید علی نجف آبادی ۳ - مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی و ظاهراً مدتی نیز بدرس مرحوم حاج میر محمد صابوق مدرس خاتون آبادی و آقا شیخ محمد حکیم خراسانی حاضر گردیده است .

پس از آنکه مرحوم حاج شیخ علی کرمانی ترك معاشرت با مردم کرد و انزوا اختیار نموده امامت مساجد کرمانی موسوم به : مسجد رضوان را به مرحوم آقا سید عباس صفی و امامت مسجد تکیه ظلمات را به مرحوم آقا سید مصطفی زاینانی دو عالم فاضل عادل جلیل و اگذار فرمود و مرحوم آقا سید مصطفی در مسجد نامبرده اقامه جماعت نموده و جمعی از مؤمنین را مستفیض میفرمود سر انجام در سال

۱۳۴۷ خورشیدی وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید رحمة الله عليه .  
زانیان از روستاهای شهر کرد و در سمت مغرب در مسیر راه اصفهان درشش  
کیلومتری شهر کرد واقع گردیده است .

۷۰ - مرحوم حاج آقا مصطفی میرعمادی سید العراقین

فرزند علامه جلیل مرحوم حاج سید عبدالحسین سید العراقین (۱۲۹۴ - ۱۳۵۰)  
حسینی خاتون آبادی عالم فاضل در سال ۱۳۱۳ در اصفهان متولد گردیده و در نزد  
جمعی از علماء این شهر همچون پدر بزرگوارش و مرحوم حاج میر محمد صادق  
خاتون آبادی و آقا میرسید محمد نجف آبادی و علامه آقا شیخ محمد رضا نجفی  
و جمعی دیگر تلمذ نموده تولیت شرعی مدرسه چهار باغ با ایشان بوده و در آنجا  
و در مدرسه صدر پاقعه اقامه جماعت مینمود عالمی خلیق و مهربان بود در ۴ شنبه  
یکم ذی القعدة سال ۱۴۰۳ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه منسوب  
بپدر خود در بقعه مدفون گردید . رحمة الله عليه .

۷۱ - حاج سید مهدی حجازی فروشانی

عالم فاضل جلیل در مدرسه جده ساکن و در آنجا تدریس و امامت مینماید .

۷۲ - حاج آقا مهدی میرعمادی سید العراقین

فرزند مرحوم سید عبد الحسین سید العراقین حسینی خاتون آبادی عالم  
فاضل از ائمه جماعت اصفهان در مسجد قصر منشی امامت میفرمود و در ذی  
القعدة ۱۴۰۴ وفات یافته جنازه دور از چشم مأمورین شهرداری شبانه در تخت  
فولاد در بقعه پدر علامه اش مدفون گردید .

مرحوم حاج آقا مهدی میرعمادی داماد مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت بود .

۷۳ - حاج آقا نجم الدین نوری

معروف به : فاضل نوری فرزند مرحوم حاج میرزا بهاء الدین نوری فرزند

مرحوم حاج محمد جواد رحمة الله عليهم اجمعين عالم فاضل ادیب شاعر عارف کامل. پدر وجد و پدر جدش همگان از علمه اخبار و از جمله معارف دانشمندان و فقهاء بزرگوار اصفهان بوده اند و پس از فوت در تکیه با بازکت الدین در تخت فولاد مدفون شده اند.

مرحوم حاج آقا نجم الدین معروف و مشهور به نجم الشریعه و فاضل نوری در روز پنج شنبه دهم شوال الکرّم سال ۱۳۱۰ قمری در اصفهان متولد گردیده تحصیلات خود را از صرف و نحو و فقه و اصول تا دوره خارج در نزد اساتید و مدرسین و مجتهدین این شهر بیابان رسانیده و از جمعی از اساتید خود و همچنین دیگر مراجع بدریافت اجازات مفتخر گردیده و پس از فوت پدر دانشمند خود (سال ۱۳۴۳) چندین سال امانت مسجد دروازه نو محله سنبلستان را داشته و در برخی ایام ولایتی بمتبرفته و مردم را ارشاد و هدایت فرموده پس از سال ۱۳۵۰ با جبار تغییر لباس داده و مسئولیت اداره یکی از دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق را پذیرفته و در این سمت بر تق و فنی امور اجتماع و رسیدگی بکارهای مردم پرداخته. مرحوم نجم الشریعه نسوری گاهی باقتضای حال شعر میسراید و در انجمن ادبی مرحوم شیدا شرکت میکرده، منظومه ای در توحید سروده و دیوان اشعاری با تخلص نجم دارد. سرانجام در جمعه سال ۱۳۹۰ در اصفهان پس از انجام غسل جمعه بعرضه سکنه وفات یافته در تخت فولاد نزد پدران خویش مدفون گردید.

۷۶ - مرحومه علویه مجتهده حاجیه نصرت خانم امین

مشهور به: بانجوی ایرانی از مفاتخر زنان اصفهان و ایران بلکه از افتخارات عالم شیعه و اسلام کسیکه بطور یقین میتوان دوباره او گفت:  
انقدر عالم اسلام و شیعه تا کنون زنی همچون او من جمیع الجهات سراغ نداریم.

درباره زینهای مشهور و دانشمند در اسلام کتابهای زیادی نوشته شده است و آنچه در باره زنان دانشمند شیعه نوشته اند در کتاب رباحین الشریعة تألیف مرحوم آقا شیخ ذبیح الله محلاتی رحمة الله علیه گردآوری شده و با مراجعه بآن کتاب نفیس صدق ادعای ما درباره صاحب عنوان ثابت میشود .

مشارایها در سال ۱۳۰۸ هجری قمری در یک خانواده بازرگان اما از دودمان علم و دانش و سلسله جلیله خاتون آبادی متولد گردید و هم در این خانهدان بخانه شوهر رفت اما ذوق فطری و لطف خداوندی او را بسوی علم و دانش رهبری کرد خدمت جمعی از بزرگان که اعلم و افاقه و اشهر ایشان مرحوم آیت الله حاج میرسید علی مجتهد نجف آبادی میباشد تحصیل کرد تا به اعلى درجه از علم و اجتهاد رسید و مقام ارجمند علمی او مورد گواهی مراجع بزرگ تقلید قرار گرفت کتابهای چندی تألیف فرمود و چون در خاندانی بود که از مال و ثروت بهره کافی داشتند عموم آنها را بچاپ رسانید و برخی از آنها آنچه ان مورد توجه و عنایت علماء و بزرگان واقع شد که در زمان حیات آن مخدره مکرمه و پس از فوتش چندین بار بچاپ رسید اینک اسامی تألیفات ایشان: ۱ - اربعین هاشمیه اولین تألیف این عالمه بزرگوار که پس از چاپ و انتشار مورد توجه و اعجاب بسیاری از مجتهدین قرار گرفته و تا کنون دو بار بچاپ رسیده است ۲ - اخلاق ترجمه کتاب طهارة الاعراق تألیف ابن مسکویه رازی اصفهانی چندین مرتبه بطبع رسیده است ۳ - جامع الشئات مجموعه چند سؤال علمی در موضوعات مختلف است که برخی از علماء از ایشان نموده و بانوی ایرانی بدانها پاسخ داده است . در آخر این رساله اجازات علماء که جهت ایشان مرقوم فرموده اند نیز نقل شده است . که بعدآه ذکر اسامی مجیزین اشاره خواهیم کرد ۴ - تفسیر قرآن بفارسی در ۱۵ مجلد مطبوع در مرتبه و بنام مخزن العرفان نامیده شده است و کتاب در عین حالیکه ساده و مختصر و جهت

فهم ودرک بیشتر مطالعه کنندگان که از علوم آگاهی زیاد ندارند تألیف شده کتابی بسیار مفید و ارزشمند است و مطالعه آن برای عموم طبقات اجتماع از عالم و غیره خالی از فائده نیست ۵ - روش خوشبختی در توصیه بخوهران ایمانی چندین بار بچاپ رسیده است ۶ - سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سیر سعادت ۷ - مخزن اللثالی در فضائل مولی الموالی حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام ( کس را چه زور و زهره که وصف علی کند \* جبار در مناقب او گفت هل انی ) این کتاب همچون دیگر کتابهای این بانوی مجتهده از بهترین کتابها در موضوع خود بوده و تاکنون چندین بار بچاپ رسیده است \* - مخزن العرفان نام کتاب تفسیر ایشانست ۸ - معاد یا آخرین سیر بشر در اثبات معاد جسمانی مطابق ادله عقل و شرع و آیات و احادیث و بیان اقوال حکماء ۹ - نفحات الرحمانیه در واردات قلبیه مشتمل بر ۹۶ عنوان بزبان عربی مطبوع لکن مرحومه علویه بانوی ایرانی در زمان حیات مایل نبود این کتاب همچون دیگر مؤلفاتش منتشر گردد رحمة الله علیها رحمة واسعة .

مشایخ اجازه او عبارتند از : ۱ - مرحوم آیت الله العظمی میرزا ابراهیم اصطهباناتی معروف به میرزا آقا تاریخ اجازه ماه صفر ۱۳۵۴ ق . ۲ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی تاریخ اجازه ربیع الاول ۱۳۵۷ ق . ۳ - آیت الله آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی ۴ - مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بدون تاریخ در ذیل اجازه مرحوم آیت الله شیرازی مرقوم فرموده اند :

صح ما رقمه دام تائیده والمرجومنها ان لانتسانی من الدعوات الصالحات فی مظان الاجابات کما انی لانساها انشاء الله کتبه الاحقر عبد الکریم الحائری ، مهر شریف .

۵ - مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد کاظم شیرازی تاریخ اجازه هفتم ماه  
صفر سال ۱۳۵۴ ق. هجری

مرحومین آیتین حجین اصطهباناتی و شیرازی در اجازات خود تصریح  
بمقام اجتهاد مخدیره نامبرده نموده و او را به : فريدة الدهر وحجة نساء العصر  
و همچنین غرة ناصية نساء عصرها و اعجوبة دهرها ستوده اند و مرحوم علامه آقا  
شیخ محمد رضا نجفی در اجازه خود جهت ایشان می نویسد :

ويحق ان تفتخر بها ربات الخمر والحجال على لابسى العمائم من الرجال ...  
مرحومه حاجیه خانم امین پس از عمری پر افتخار در خدمت به جامعه و تربیت  
دوشیزگان و زنان مسلمان در شب ۲ شنبه غره رمضان المبارک سال ۱۴۰۳ هجری  
قمری در اصفهان وفات یافته جنازه در روز یکم ماه رمضان با تشییع کم نظیر در  
تخت فولاد در تکیه خانوادگی جنب تکیه حجاج آقا مجلس مقابل تکیه مرحوم  
بروجردی ( حاج میرزا ابوالحسن در کوشکی ) مدفون گردید سپس بر سر مزار او  
بقعه ای بنا کردند .

از آثار باقیه او علاوه بر کتب یاد شده شاگردان و تربیت یافتگان محضر مبارک  
ایشان می باشد که هر يك بنوبه خود از مفاخر زنان دانشمند و از جمله نویسندگان  
کتب ارزشمند می باشند .

از آنجمله است مرحومه علویه حاجیه خانم افتخار امین رحمة الله علیها .

مرحومه هاشیمه عفت الزمان صبیبه مرحوم حاج میرزا احمد فرزند مرحوم  
حاج سید محمد تقی امین التجار اصفهانی مشار الیها در غره ماه رمضان المبارک  
سال ۱۳۳۱ هجری قمری در اصفهان در خاندان مجتهد و شرف و سیادت و افتخار  
متولد گردید و در خدمت جمعی از علماء این شهر همچون مرحوم میرزا علی اصغر

شریف از علماء و ائمه جماعت اصفهان که همری بزهد و تقاضا و تقوی در این شهر میزیست و سالها در مدرسه میرزا مهدی در محله بیدآباد و بعداً در مدرسه در کوشک حجیره داشت و شرح امعه تدریس میکرد و جمعی از افاضل مشتغلین بدرس او حاضر میشدند و در وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید دیگر از اساتید مشار الیها حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی مظاهری سابق الذکر میباشد .

علویه افتخار امین سالها از محضر بانوی ایرانی استفاده علمی و اخلاقی نموده و خود بانوئی نمونه از زنان اسلام گردید .

مشار الیها در پانزدهم جمادی الاولی سال ۱۳۹۷ در اصفهان بسن شصت و پنج سالگی وفات یافته در تخت فولاد در تکیه خانوادگی مدفون گردید . از آثارش کتاب چهل حدیث امین یا هشتصد و بیست موعظه دو مرتبه یکی در سال ۱۳۸۶ در نجف و دیگر بار سال ۱۳۹۸ در اصفهان بچاپ افست منتشر گردیده است . اشعار زیر را ( سه سطر ) جناب آقای حاج آقا مهدی امین برادر والا گهر مشار الیها در رثاه خواهر خویش سروده است :

در زنان گرهبری چون دخت پیغمبر نبود

حجت داور رسا در عرصه محشر نبود

صفت ما هم در این دوران و انفسای زن

از حکیمی هوشمند و رهنما کمتر نبود

ای ستمگر چرخ غارتگر نمیگوئی بخویش

وقت پرپر کردن این لاله احمر نبود

۷۵ - مرحوم حاج شیخ نورالدین اشنی قوه جانی

فرزند علامه فقیه عالم جامل و مجتهد کامل جامع المقبول و المنقول مرحوم

حاج شیخ محمد حسین اشنی (اشن بفتح اول و ثانی بروزن رسن از بلوک عربستان از ناحیه کرون) عالم فاضل جلیل و واعظ صالح نبیل فقیه متکلم حکیم از جمله علمائی است که مقام علمی او حتی در نزد بسیاری از اهل علم و کمال نیز مجهول بود. مشارالیه در نجف اشرف متولد گردیده و در نزد بسیاری از علماء و مجتهدین تلمذ نموده که از جمله آنها مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی و آقا سید محمد باقر درجه‌ای و پدر بزرگوارش و همچنین مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی را در اصفهان باید نام برد سالهای اولیه تأسیس حوزه علمیه قسم بدان شهر هجرت نموده و از محضر حضرت آیت الله مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری استفاده نموده و پس از مراجعت با اصفهان در ضمن اشتغال بموعظه و ارشاد دفتر استاد رسمی نیز اداره نموده و از اینراه نیز در رفع حوائج اجتماعی مردم میکوشید الحق عالمی جلیل و واعظی فصیح و شیرین بیان بود. سر انجام پس از يك عمر خدمت بعلم و دین در سال ۱۳۹۸ در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه میرزا ابوالعالی کلباسی در تخت فولاد در جنب پدر مدفون گردید رحمه الله علیهما.

#### ۷۶- مرحوم آقا شیخ هبه الله هرنندی

فرزند مرحوم شیخ محمد علی. عالم فاضل ادیب کامل از مدرسین سطوح در مدرسه صدر اصفهان در قریه هرنند متولد گردیده و در مولد خود و اصفهان در نزد اساتید بزرگوار همچون ۱- آقا شیخ محمد رضا نجفی ۲- حاج میر محمد صادق مدرس خانون آبادی ۳- مرحوم حاج میر سید علی نجف آبادی ۴- حکیم بزرگوار آقا شیخ محمد حکیم خراسانی ۵- آقا میر سید محمد نجف آبادی علوم فقه و اصول و فلسفه و حکمت را بخوبی فراگرفت و از مرحوم حاج میرزا ابوالهدی کلباسی نیز در علم رجسال بهره کافی برد و از اساتید خود باجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردید که از آنجمله است: ۱- آخوند ملا محمد حسین



فشار کی ۲ - آقا شیخ محمد رضا نجفی ۳ - آقا سید محمد نجف آبادی اجازات مراجع نامبرده اصفهان بنظر آیات عظام نجف وقم رسیده و آنها نیز آنرا امضاء فرموده اند و به مهر خویش مزین نموده که اشهر واعلم از همه حضرت آیت الله العظمی مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی میباشند .

مرحوم آقا شیخ هبة الله هرنندی عالمی خلیق وفاضلی محقق ودقیق بود تمام روزهای ایام هفته ازصبح تا شب در مدرسه صدر بازار اصفهان بتدریس وتربیت طلاب اشتغال داشت وبها همه سختیهای زمان صبر وشکیبائی را از دست نداده واز جاده قناعت وزهد منحرف نگردید سرانجام در بمرض سرطان وفات یافته در تکیه کازرونی در اطابقه حضرات حجج اسلام : آقا میرزا محمد باقر فقیه و مرحوم حاج ملا حسینعلی صدیقین وواعظ جلیل القدر سید سند مرحوم آقا سید محمود موسوی درب امامی مدفونند بخاک سپرده شد رحمة الله علیهم .

۷۷ - مرحوم حاج شیخ یحیی فاضل هرنندی

عالم فاضل جلیل از خواص شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد رضنانجفی که درس مرحوم حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی و آقا سید محمد نجف آبادی وجمعی دیگر از بسزرگان علم ودانش را درك نموده واز هرخرمنی خوشه ای چیده واندوخته فراوانی از علم ودانش وحکمت وادب فراهم آورده وعمر شریف را در راه ترویج دین ونشر احکام گذرانیده وصبحها در مسجد جامع امامت مینمود از آثارش حواشی است بر کتاب : وقایة الادهان استادش علامه نجفی .

مرحوم فاضل هرنندی در سال ۱۳۶۹ در اصفهان وفات یافته ودر تخت فولاد مدفون گردید .

خاتمه : در این وجیزه نام ۷۷ نفر از شاگردان ومجازین از علامه آقا شیخ

محمد رضا نجفی در اصفهان و قبل از آن نیز نام ۱۹ نفر از شاگردان و مجازین از آن بزرگوار را در قم یاد آور شدیم که جمعاً ۹۶ نفر میشوند و این عده بسیار کمی است از شاگردان بسیار و مجازین بیشمار از مرحوم علامه نجفی که فعلا یاد آور شدیم و اگر خداوند توفیق عنایت فرماید در آتی نام عده دیگری از این گونه افراد را که مطلع شویم بمناسبت یاد آور خواهیم شد .

### تالیفات :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی دارای تألیفات و تصنیفات زیادی در فقه و اصول و رجال و ریاضی و ادب و دیگر علوم اسلامی می باشد که متأسفانه بیشتر این کتابها بچاپ نرسیده و نسخه برخی از آنها نیز در نزد خاندان آن مرحوم موجود نمیباشد .

ذیلاً بنام اسامی تألیفات آن علامه جلیل القدر و شرح مختصری در معرفی هر يك بنظر خوانندگان محترم میرسد .

#### ۱ - اجازات

مرحوم آقا شیخ محمد رضا یکی از مشایخ بزرگوار اجازه بوده و عده زیادی از مجتهدین و مدرسین و فضلاء و دانشمندان از شاگردان ایشان و همچنین جمعی کثیر از علماء بدریافت اجازه اجتهاد و روایتی از ایشان مفتخر گردیده اند . در حال حاضر رونوشت هفت اجازه از اجازات ایشان در نزد نویسنده موجود است .

در چند اجازه مشایخ خود را بسدینقرار ذکر می کند : ۱ - سید حسن صدر کاظمینی ۲ - سید محمد قزوینی ۳ - حاج میرزا حسین نوری ۴ - شیخ الشریعة اصفهانی ۵ - شیخ باقر بهاری همدانی رحمة الله علیهم اجمعین .

هرگاه این اجازات و دیگر اجازات آن مرحوم که برخی مختصر و عده‌ای نسبتاً مفصل می‌باشند و همچنین عده‌ای از آنها اجازه روایتی و بعضی گواهی اجتهاد و پاره‌ای اجازه روایت و تصدیق اجتهاد می‌باشند و در چند تا از آنها قید شاگرد بودن نیز شده است جمع آوری گردد خود کتابی خواهد شد.

#### ۲ - الاجازة الشاملة للسيدة الفاضلة

و آن اجازة‌ای است که مرحوم علامه نجفی جهت مرحومه علویه مجتهده بانوی ایرانی ( حاجیه نصرت خانم امین ) مؤلفه کتاب : اربعین هاشمیه و تفسیر قرآن و دیگر کتابها مرقوم فرموده‌اند این اجازة در کتاب : جامع الشنات صاحب عنوان بچاپ رسیده است .

#### ۳ - اداء المفروض در شرح ارجوزه عروض

مطبوع ( ص ۱۵۳ سوم فهرست مؤلفین مشار ) .

کتاب « ارجوزه عروض » از آثار و اشعار علامه ادیب مرحوم آقا میرزا مصطفی تبریزی ( ۱۲۹۷ - ۱۳۲۷ ) فرزند مرحوم میرزا حسن آقا مجتهد تبریزی متوفی بسال ۱۳۴۸ فرزند حاج میرزا باقر مجتهد ( فوت ۱۲۸۵ ) فرزند مرحوم میرزا احمد مجتهد تبریزی ( متوفی بسال ۱۲۶۵ ) فرزند لطف علی خان مغابی تبریزی است که آنرا مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی شرح نموده است و شرح را باین نام موسوم گردانیده است ( ص ۷۵۰ دوم نقباء البشر با اندکی تغییر و تصرف ) .

علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۴۸۶ یکم ش ۲۴۱۲ ) می‌نویسد :

ارجوزه فی العروض للشیخ العلامة میرزا مصطفی ... شرحها العلامة ابوالمجد الشیخ آقا رضا بن العلامة الشیخ محمد حسین بن محمد باقر الاصفهانی .  
نسخه‌ای از این کتاب ( اداء المفروض ) بخط حضرت آیت‌الله نایب الامام

آقای خمینی در کتابخانه دانشمند محترم حجة الاسلام صاحب تألیفات کثیره آقای حاج شیخ جعفر سبحانی تبریزی از مدرسین حوزه علمیه قم در قم موجود است و نسخه عکسی این نسخه در کتابخانه حفیدبزرگوار مرحوم علامه نجفی حجة الاسلام آقا حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی در اصفهان موجود است و زیارت گردید .  
\* آراء العروض . در بعضی از فهارس کتاب : «اداء المفروض» بدین صورت ذکر شده که باید آنرا غلط چاپی دانست .

#### ۴ - امانة الغین فی استعمال العین فی المعنیین

این رساله در جواب مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی نوشته شده و نسخه آن در کتابخانه حفید محترم مصنف موجود است .

#### ۵ - استقصاء کتب الاصحاب

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در حواشی روضات الجنات ( ص ۳۵۱ ) راجع به : ابن العتایقی می نویسد :

فی خزانه الحضرة الشریفة فی النجف کتب کثیرة من مصنفات هذا الشیخ کتب بعضها فی زمانه وعلیه خطه اطلمت علیه و نقلت فهرسها فی کتاب : استقصاء کتب الاصحاب .

فائده : کمال الدین عبدالرحمن بن محمد بن ابراهیم بن محمد بن یوسف عتایقی حلی شیخ عالم فاضل محقق فقیه متبحر از بزرگان علماء شیعه در قرن هشتم هجری و منسوبست به دهی بنام عتایق از توابع حله مزیدی و بهمین مناسبت به این عتایقی شهرت دارد . دارای تألیفات زیادی است از آن جمله : ۱ - الاضداد ۲ - الايضاح والثبیین در شرح کتاب منهاج الیقین تألیف علامه حلی علیه الرحمة ۳ - شرح نهج البلاغه در سه جلد تاریخ ختم جلد سوم شعبان ۷۸۰ هـ . ق و مطالب این کتاب مأخوذ است از چهار شرح از شروع نهج البلاغه . شرح ابن میثم بحرانی -

شرح ابن ابی الحدید معتزلی - شرح قطب الدین کبیری و شرح عبدالجبار

شیعی ۴ - مختصر تفسیر علی بن ابراهیم قمی - وغیره .

محدث قمی در الکنی والالقب ( ص ۴۴۲ یکم ) می نویسد :

کتابهایش را در کتابخانه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیدم و شاید برخی

از آنها بخط خود او باشد .

۶ - استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد

این کتاب در رد نظریه و گفتار علامه مجاهد شیخ جواد بلاغی است در اینکه:

ملاقی متنجس نجس نمیباشد .

این رساله در آخر جزء اول از نصف دوم کتاب : « وقایة اذهان » در اصفهان

بچاپ رسیده در مقدمه آن میفرماید :

من قول علامه بحر العلوم را که در منظومه فرموده :

والحکم بالتنجیس اجماع السلف      وشد من خالفه من الخلف

بدینگونه تغییر میدهم و می گویم :

الحکم بالتنجیس احداث الخلف      ولسم نجد قائله من السلف

۷ - امجدیدیا رساله امجدیه

بفارسی در اعمال ماه مبارک رمضان از ادعیه و نمازها و مقدمه در معنی ضیافت .

مرحوم علامه نجفی این کتاب را بنام فرزندش مرحوم حاج شیخ امجد

الدین معروف به مجد العلماء در اولین سال بلوغ ایشان بسن تکلیف شرعی

مرقوم فرموده و در سال ۱۳۴۱ در اصفهان در      صفحه کوچک بچاپ رسیده

و مورد استفاده عموم مؤمنین از علماء و مقدسین قرار گرفته است .

دومرتبه دیگر نیز بچاپ رسیده و در مقدمه طبع سوم که در سال ۱۳۶۴ ش . ۸

انجام گرفته شرح حال نسبتاً مختصر و مفیدی بقلم آیه الله زاده نجفی جناب آقای حاج شیخ مهدی فرزند مرحوم مجدد العلماء بچاب رسیده است .

۸ - انا والایام

در ادب اللف ( ص ۲۶۲ ) می نویسد :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی شرح حال خود را جهت مرحوم شیخ محمد علی اردوبادی نوشته و در آنجا متذکر شده است که :

کتابی می نویسم در شرح حال خود و خاطر اتم بنام : « انا والایام » .

همچنین مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در شرح حالیکه جهت مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی نوشته و بعداً عین آنرا نقل خواهیم کرد اشاره ای به این تألیف فرموده است .

در یکی از روزها تئیکه خدمت حضرت آیت الله حاج سید علی علامه فانی شرفیاب شده بودم سخن از تألیفات مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی بمیان آمد ایشان اظهار فرمودند که : بزخی از مسودات آنرا مرحوم استاد جهت پاکت نویس بمن میدادند و من آنها را جمع و مرتب و پاکت نویس میکردم و شاید مسودات و مبیضه هر دو در نزد من باشد که باید در بین کتابها و کاغذهایم آنها را بیابم .

۹ - الايراد والاصدار در حل بعضی مشکلات علوم و مسائل سخت

( ص ۴۸۸ دوم الذریعه ص ۷۵۱ دوم نقباء البشر ) .

۱۰ - تعریب رساله سیر وسلوک منسوب به آیت الله بحر العلوم طباطبائی  
بروجردی نجفی

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی نسخه ای از این رساله ( یعنی رساله سیر وسلوک منسوب به بحر العلوم ) را در منزل مرحوم آقا سید حسین بن آقا سید مهدی قزوینی مشاهده می کند که آنرا مرحوم سید مهدی در کرمانشاه کتابت نموده بوده است .

مرحوم آقا سید حسین از علامه نجفی درخواست می کند که ایشان این رساله را به عربی برگردانند علامه نجفی نیز تقاضای ایشان را اجابت نموده و آنرا به عربی ترجمه می کند ( ص ۲۴۰ بیست و یکم الذریعه ) .

این رساله بسعی و کوشش دانشمند بزرگوار و محقق ارجمند جناب حاج شیخ رضا استادی تهرانی در قم بچاپ رسیده است. ایشان در مقدمه شرحی راجع به انتساب و عدم انتساب آن به مرحوم آیت الله بحر العلوم مرقوم فرموده که قابل توجه و دقت میباشد .

نویسنده سطور با توجه به مقدمه یاد شده و دقت در مطالب کتاب و توجه به دیگر مؤلفات و مصنفات علامه بحر العلوم و تاریخ اولین نسخه ای منتسب به آن بزرگوار و دیگر شواهد و رجوع به قلب خود یقین قطعی حاصل است که رساله سیر و سلوک از علامه بحر العلوم نبوده و ساخته و پرداخته یکی از صوفیان است که با شهرت دادن کتاب به آن مرحوم خواسته است که :

۱ - ارزش معنوی کتاب را در نزد اهل فن زیادتیر کند .

۲ - مرحوم علامه بحر العلوم را نیز صوفی و عارف بمعنائی که صوفیان می گویند بشناساند .

تنبیه : اگر برخی از بزرگان علماء و فقهاء و مجتهدین گاهی صحبت از عرفان کرده اند مرادشان عرفان واقعی و توحید خالص بوده و هیچگاه دم از مرشد و پیر و مراد و . . . . نزده اند بحث در این موضوع خارج از حوصله کتاب و اطلاعات نویسنده است .

۱۱ - تعلیقه بر رساله : المحاکمه بین العلمین تألیف مرحوم آقا سید مهدی

حکیم

این رساله را مرحوم علامه نجفی بر حسب خواهش مرحوم آیت الله

آقا ضیاء الدین عراقی مرقوم فرموده است .

\* تقریرات بحث فقه در قم

بقلم مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی رحمة الله عليه .

آغاز : قد عرفت قوة القول بانفعال الراكذ القليل من الماء بملاقات النجاسة

واعلم ان ظاهر الاصحاب . . .

انجام: هیهنا ختم مجلس الافادة لما اصابته مصيبة من رحلة عنهم الاکرم اعلى

الله درجاته الى دارالقرار فاضطر لاجله الرجوع من بلدة قم الى اصفهان جزاهم

الله عن الاسلام خيراً . تاریخ رجب سال ۱۳۴۶ .

در حواشی تقریرات و آخر نسخه مطالبی از خود مرحوم آقاسی زنجانی

است که نظریات فقهی آن مرحوم است . ( جلد دوم افواه الرجال : تاریخ شهر

جمادی الاخری ۱۳۴۶ ) .

۱۲ - تنبیها ت دلیل الانسداد یا اثبات حجیت ظن طریقی

علامه نجفی در این کتاب نظریه جد خود مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی

وعموی جد خویش مرحوم صاحب فصول را تأیید می نماید . ( ص ۴۵۲ چهارم

الذریعه - ص ۷۵ دوم نقباء البشر ) .

کتاب در ماه صفر سال ۱۳۴۶ در اصفهان بچاپ رسیده است .

\* - جلیله الحال

نام دیگری است برای کتاب : سمط اللثال از اجزاء کتاب : وقایة الادمان

در اصول ( ص ۱۲۷ پنجم الذریعه ) .

۱۳ - حلی الدهر العاقل فیمن ادرکنه من الافاضل .

کتاب مختصری است ودر آن شرح حال عده ای از افاضل خاندان خویش

را ذکر نموده و برخی از اساتید خود را نام برده است . علامه طهرانی در الذریعه



( ص ۷۹ هفتم ) می نویسد :

نسخه ناقصی از آن بخط مؤلف دیدم که در آن شرح حال جمعی از ارجامش  
و برخی دیگر از بزرگان را بطور اختصار شامل بود .  
ظاهر آ کتاب بنظر مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه نیز رسیده و در فوائد  
الرضویه (ص ۴۸ دوم ) در شرح حال مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی  
مطالبی نقل نموده است .

۱۴ - جواشی براکرتا و دوسیبوس

( صفحه ۷۵۴ دوم نقباء البشر ) .

ابن قفطی ( جمال الدین ابی الحسن علی متوفی بسال ۶۴۶ ) در کتاب :  
اخبار الحکماء ( ص ۷۶ ) می گوید :

ثاو دوسیبوس از حکماء ریاضی و مهندسین مشهور یونان می باشد و او مؤلف  
کتاب : اکر از بهترین کتب متوسطه ما بین اقلیدس و مجسطی می باشد .  
میرزا عبدالحسین خان فیلسوف الدوله فرزند میرزا محمد حسن مجتهد فرزند  
میرزا محمد کریم زنوزی تبریزی قمی مؤلف : تاریخ تبریز در کتاب مطارح الانظار  
( صفحه ۲۹۹ یکم ) بنقل از کتاب مختصر الدول می نویسد :

لم نقف له علی زمان معین و هو من حکماء اليونان المشهورین وله تصانیف  
حسان وله کتاب : الاکروه و اجل الکتب المتوسطات بین کتاب اوقلیدس و المجسطی  
( انتهى ) .

در اقرب الموارد گوید : اکره لغیه فی الکره .

در کشف الظنون ( ص ۱۴۲ یکم چاپ افست ایران ) می نویسد :  
مستعین خلیفه عباسی دستور داد کتاب اکر ( بالضم ) را از یونانی عبری ترجمه  
مکنند قسطنطین لوقای بهلکی در حدود سال ۲۵۰ هجری ترجمه کرد مشابت بن

قره آنرا اصلاح نمود وخواجه نصیر الدین طوسی آنرا تحریر کرد و...

#### ۱۵ - حواشی برروضات الجنات

کتاب روضات الجنات از تألیفات علامه فقیه زاهد رجالی آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی اصفهانی از کتب بسیار معروف در فن تراجم رجال و از زمان تألیف تاکنون مورد توجه و عنایت و تحقیق و مطالعه اهل فن بوده و بسیاری از بزرگان اهل علم و دانش بر آن حواشی و مستدرکات و فهرست نوشته‌اند.

و از آنجا که هیچ انسانی جز آنان که خداوند تبارک و تعالی آنها را معصوم و دور از خطاء و اشتباه قرار داده و آنان را غیر از انبیاء عظام و ائمه علیهم السلام نمی‌باشند و همه انسانهای دیگر ندانسته (یا دانسته) مرتکب خطا و اشتباه می‌شوند و ضمناً در عصر مؤلف بزرگوار با وجودیکه آن مرحوم حد اعلائی تحقیق و دقت را در صحت مطالب و درستی تواریخ و نکات مندرجه بکار برده و کتابخانه‌ای معتبر نیز در اختیار داشته است باز از نظر کمبود مآخذگاهی اشتباهاتی در مطالب برایشان حادث گردیده که در برابر آنهمه خدمت قابل اغماص و چشم‌پوشی است. جمعی از علماء این گونه خطاها و اشتباهات را در حواشی کتاب خود (و فقط برای خود) اصلاح نموده‌اند از آنجمله مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی نیز در حاشیه روضات الجنات برخی از این لغزشها و اشتباهات را تذکر داده و اصلاح نموده است.

مرحوم حاج سید عبدالحجبت بلاغی یکی از شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد رضا نسخه روضات الجنات را از فرزند محشی یعنی مرحوم حاج آقا مجد العلماء بعنوان امانت گرفته و تمام این حواشی و همچنین حواشی مرحوم مجد العلماء و همچنین بعضی از حواشی از خود بدانها اضافه نموده و در جزوه‌ای بنام: اعلاط (به عین غیر منقوله) در روضات بدون اذن و رضایت مرحوم مجد العلماء

بچاپ رسانیده و منتشر گردانید و بسا این عمل خود عده‌ای را ناراضی گردانید  
در هر حال خداوند از تقصیر ایشان و همه بندگان گنهگار و این نویسنده نامه سیاه  
بلطف و کرم خود درگذرد انه هو الغفار الرحيم الغفور المنان .

۱۶ - حواشی بر شرح دیوان متبنی از واحدی  
غیر مدون .

نوشتن این حواشی از سال ۱۳۵۴ شروع گردیده و تا سال ۱۳۵۹ خاتمه  
می‌یابد و امضاءات آن عبارتست از: ابوالمجد محمدالرضا الاصفهانی - ابوالمجد  
- ابوالمجدالرضا - محمدالرضا ابوالمجد. حواشی و در کتاب نسخه چاپی نوشته  
شده است .

ابوالطیب احمد به حسین بن جعفری کندی مقتول سال ۳۵۴ معروف به متبنی  
در کوفه سال ۴۰۴ در محله کنده متولد و در نعمانیه مقتول گردیده از بزرگان ادب  
مشاهیر شعراء است .

علامه امین عاملی در اعیان الشیعه (ص ۴۲ شماره ۱۱۹۱ تا صفحه ۲۰۰ جلد  
هشتم) شرح حال مفصلی از او نوشته و او را از شعراء شیعه نامبرده است و ادله  
تشیع او را ذکر فرموده از آنجمله :

در مجالس المؤمنین از سید حیدر بن علی آملی در کتاب جامع الانوار  
(جامع الاسرار) اشعار زیر را به متبنی نسبت میدهد لکن در دیوان مطبوع آن  
ذکر نشده است :

ذکرها یطفیء ناراً مؤصده	قیل لی قل فی علی مدحاً
حسار ذواللب ان عبده	قلت هل امدح من فی فضله
لیلة المعراج لما صعده	و النبی المصطفی قال لنا
فأرانی القلب ان قد برده	وضع الله علی ظهری یداً
فی مکان وضع الله یده	و علی واضح اقدامه

و واحدی شارح دیوان ابوالحسن علی بن احمد بن محمد بن علی بن مشویه  
نیشابوری استاد فن نحو و تفسیر در زبان خود بوده و از شاگردان ابی اسحق ثعلبی  
اصت و فاش در جمادی الثانیه سال ۴۶۸ بسن هفتاد سالگی رویداده و شرح دیوان  
او از بهترین شروح دیوان متنبی میباشد . مرحوم آقا شیخ محمد رضا در این  
حواشی گاهی بر واقدی می‌تازد و او را سخت مورد اعتراض و ایراد قرار میدهد .

#### ۱۷ - حواشی بر کافی

تألیف نفع الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رازی رحمه الله علیه ( ص ۷۵۳  
دوم نقباء البشر ) .

#### ۱۸ - حواشی استدلالی بر رساله نجات العباد

از علامه فقیه شیخ محمد حسن اصفهانی نجفی مؤلف جواهر الکلام (صفحه  
۷۵۳ دوم نقباء البشر ) ظاهراً این حواشی غیر از شرح بر کتاب نجات العباد  
می باشد که بعداً ذکر خواهیم کرد .

#### ۱۹ - دیوان اشعار

علامه طهرانی در الذریعه ( صفحه ۳۶۳ جزء دوم مجلد نهم الذریعه )  
می نویسد :

عربی و فارسی و نسخه خط علامه نجفی نزد داماد مشارالیه در اصفهان موجود  
است که آنرا از آقای مجدد العلماء ایتیاع نموده است .

نویسنده گوید : این نسخه پس از وفات مرحوم آقا شیخ محمد حسین نجفی  
داماد آن مرحوم مجدداً به کتابخانه مرحوم مجدد العلماء بازگشته و اکنون در اختیار  
فرزند ایشان آقای حاج آقا مهدی نجفی و آماده به چاپ میباشد .

ظاهراً مرحوم آقا شیخ محمد رضا شعر فارسی نسروده و با اگر گفته باشند  
در دیوان نا برده نوشته نشده است ضمناً جامع و کاتب دیوان آقا شیخ کاظم بن

شیخ موسی بن محمد رضا بن موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء ( ۱۳۰۴ -  
( آنرا مرتب نموده و در فروردین سال ۱۳۴۶ بیابان رسانیده است  
( ۴۹ صفحه ۱۹ سطری ) ضمناً ۱۲ صفحه نیز بخط مرحوم آقا شیخ محمد رضا  
میباشد .

۲۰ - ذخائر المجتهدین فی شرح معالم الدین فی فقه آل یاسین تألیف ابن

قطان

معالم الدین فی فقه آل یاسین از تألیفات مولی شمس الدین محمد بن  
شجاع انصاری حلی معروف به ابن قطان شاگرد فاضل مقداد و از علماء بزرگوار  
شیعه امامیه در قرن نهم میباشد و کتاب نامبرده بهترین دایمل بر تبحر و استادی او  
می باشد در ریحانة الادب ( ص ۱۱۷ ششم ) می نویسد : فتاوی او در کتب فقهیه  
منقول و در اصول مسائل بطریق محقق حلی و علامه رحمة الله علیهما بوده است .  
علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۱۹۹ بیست و یکم ) پس از معرفی کتاب  
چندین نسخه از آنرا معرفی می کند ، تاریخ یکی از نسخه ها که در زمان حیات  
مؤلف نوشته شده است ۱۰ شعبان ۸۴۲ در نجف اشرف می باشد .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا این کتاب را شرح نموده و دو مجلد از شرح  
را نوشته ۱ - مجلد اول در طهارت ناامام ۲ - در مقدمات نکاح تمام تاریخ فراغت  
۱۳۱۲ هـ ق .

آغاز: بعد الحمد لله الذی جعل الحمد مفتوح کتابه و آخر دعوی ساکنی دار  
ثوابه . . . ( ص ۷ دهم الذریعه ) .

مرحوم آقا میرزا مصطفی تبریزی در وصف این کتاب فرماید :  
کتاب حوی من کمال علم لبابه

مضاف علی ما صنفته الاوائل

هو البحر حدث عنه ما شئت صادقاً  
له من زلال الفضل لسبح وساحل  
فلا زال محفوظاً ولا زال يُرْبِه  
يلوذ به في المعضلات الافاضل

وشیخ مرتضی در وصف این کتاب فرماید :

علم الاوائل والاواخر	فی طی الفاظ الذخائر
احیبت شرایع جفقه	واعادت السنن الدوائر
من مصدر العلم الذی	كشفت الغطاء من السرائر
ملك الفصاحه ام یكن	لولاه فی الفقهاء دائر
حاز الرهمان بسيفه	وسواه فی التجلیات عائر

(نقل از کتاب: المختار من القصائد والاشعار تألیف مرحوم مجد العلماء نجفی).

۲۱ - الرد علی البهائیه

( صفحه ۷۵۱ دوم نقباء البشر ) .

۲۲ - الرد علی : فصل القضاء فی الكشف عن حال فقه الرضا علیه السلام

( ص ۷۵۱ دوم نقباء البشر ) .

کتاب فصل القضاء از تألیفات علامه سید ابی محمد حسن بن هادی صدرالدین

عاملی موسوی کاظمینی که در آن میفرماید : کتاب فقه الرضا همان کتاب تکلیف

شلمغانی است . لکن حاجی نوری آنرا از حضرت رضا علیه السلام میدانند .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا کتاب مزبور را در رد کتاب علامه سید حسن

صدر مرقوم فرموده است .

فائدة: مرحوم آقا شیخ عبدالله گلپایگانی (۱۲۵۸-۱۳۲۷) از میرزین شاگردان

مرحوم آخوند خراسانی ومقرر دروس ایشان ومؤلف کتاب : ۱- التبر المسکوک

فی حکم لباس المشکوک ( ص ۳۱۴ دوم الذریعه ) کتابی دارد بنام :

فصل القضاء للانتصار للرضا ودر این کتاب قول مرحوم آقا شیخ محمد رضا که انکار معانی مجاز نموده را تأیید نموده است (بمناسبت نام فصل القضاء در این جا نوشته شد) (ص ۳۱۴ شانزدهم الذریعه) .

\* - الروض الاریض فیماقال او قول فیہ من القریض

علامه طهرانی در الذریعه (ش ۲۷۳ یازدهم) می نویسد دیوان شعر عربی مرحوم آقا شیخ محمد رضا می باشد ودر آن شعر فارسی نیست . ودر نقباء البشر (ص ۷۵۲ دوم) می نویسد : اسم لدیوان شعره العربی وهو کنز ثمین . قبلا بنام دیوان اشعار نوشتیم .

۲۳ - الروضة الفناء فی معنی الفناء وتحدیده وحکمه

علامه طهرانی در الذریعه (صفحه ۳۰۱ یازدهم) می نویسد :  
مرحوم شیخ ابی المجد آقا رضا اصفهانی در این کتاب بعلی از خود به :  
عبدالمنعم ابن عبدربه تعبیر می کند همچنانکه مرحوم سید ابن طاووس در کتاب طرائف (که در آنجا خود را عبدالحمود بن داود کتابی معرفی می کند) (انتهی) .

وهمچنین سید احمد بن مولی بن طاووس برادر این بزرگوار خود را در کتاب : عین العبرة فی غین العترة خود را عبدالله بن اسماعیل کاتب می نویسد (ص ۱۵۴ و ۳۷۱ پانزدهم الذریعه) .

وهمچنین شیخ ابوالفتوح رازی رساله حسنیه را بنام یکی از زنان شیعه در عهد هارون الرشید تألیف نموده (ص ۲۰ هفتم الذریعه) است .

آغاز : بسم الله وبحمده بالصلوة علی محمد وآله .

قال المعترف بذنبه عبدالمنعم بن عبدربه انتهى بحثنا فی علم الفقه الی مسئلة حرمة الفناء ورأیت من اختلاف آراء لفقهاء فی معناه ...

انجام : كذلك يقال للصوت المسموع هنا انها صوت الانسان بالمناسحة  
سامحنا الله تعالى في يوم المحشر في ثاني شهر صفر عام تسع واربعين بعد الثلاثمائة  
والالف من الهجرة النبوية

نسخه عكسی از این رساله از روی نسخه بخط حجة الاسلام آفای حاج آقا  
احمد قبه امامی (درب امامی اصفهانی) مورخ به روز دوشنبه ۲۲ شعبان المعظم  
سال ۱۳۷۸ در نزد نویسنده موجود و در مجله نور عام بطبع رسیده است .

۲۴ - سقط اللام در احکام کو

(ص ۳۲۹ دانشمندان و بزرگان اصفهان ) .

۲۵ - سمط اللتال فی مسئلتی الوضع والاستعمال

و تحقیق حق در این مسئله . از اجزاء کتاب : وقایع الأذهان است که علامه  
آقا شیخ محمد رضا آنرا از اصل کتاب جدا فرموده و در سال ۱۳۴۶ در اصفهان  
در طی ۳۲۶ صفحه و زیری بچاپ رسیده است . (ص ۱۲۷ پنجم و ص ۳۳۱  
هوازدهم التدریه ) .

نام دیگر این کتاب : جلایة الحال فی مسئلتی الوضع والاستعمال .

۲۶ - السیف الصنیع علی رقاب منکری علم البدیع

در علم بلاغت علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۷۵۲ دوم) مقرر مآید و آن کتاب  
نفیسی است (انتهی) .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد والصلوة فان الادب وان كنت ممن رغب فی تحصیل فتوته  
ولتقطف ثماو الفوائد من فنونه فملك برفیق الشعو جر الطباع ونخاض  
بحوره فملاء من فرائده والاسماع . . .



انجام : فسیده‌ای مطلع آن :

فکنت اولی بها و اجدر کم خطبتهای نفوس قوم

تاریخ تألیف شهر المبارک ۱۳۲۴ .

نسخه اصل این کتاب نزد نواده آن مرحوم دانشمند محترم آقای حاج آقا مهدی

غیاث الدین نجفی موجود است .

\* شرح ارجوزه حاج میرزا مصطفی تبریزی بنام : اداء المفروض نوشته شد .

\* شرح اکر ( به ضم اول و فتح ثانی ) ثاو ذوسیوس همان حواشی بر اکر می باشد

که قبلاً ذکر گردید .

۲۷ - شرح نجات العباد

رساله نجات العباد رساله فتوایه مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهانی

نجفی صاحب جواهر الکلام است که خود آن مرحوم از کتاب جواهر الکلام

استخراج و جهت عمل مقلدین مرقوم فرموده و از زمان تألیف تا کنون مورد نظر

بزرگان علماء و فقهاء و مجتهدین و مراجع تقلید قرار گرفته و بر آن حواشی و شروح

زیادی نوشته اند از آن جمله :

شرحی است که علامه آقا شیخ محمد رضا مرقوم فرموده و بنا بگفته علامه

طهرانی در الذریعه ( ص ۱۰۱ چهاردهم ) این شرح ناقص و نسخه نزد فرزند

بزرگوار آن مرحوم : مرحوم مجد العلماء بوده است .

ظاهراً شرح نجات العباد غیر از حواشی است که قبلاً ذکر گردید و احتمالاً

همان نجعة المرتاد آتی الذکر می باشد .

\* صومیسه : حضرت آیت الله علامه فانی رساله ای باین نام به مرحوم

استادشان نسبت دادند و احتمالاً همان رساله امجدیه میباشد .

۲۸ - العقد الثمين في اجوبة مسائل الشيخ شجاع الدين

( ص ۷۵۲ نقباء البشر دوم سطر چهارم ) .

۲۹ - غالية العطر في حكم الشعر

علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲ شانزدهم ) فقط نسام این کتاب را ذکر فرموده و هیچگونه اطلاعی درباره آن نمی نویسد .

علامه صاحب روضات الجنات در کتاب نامبرده ( صفحه ۲۸۲ سطر ۱۱ )

می نویسد :

وقيل ان الاخفش كان يقول بان بحر الرجز خارج عن بحور الشعر بخلاف

الخليل . علامه آقا شیخ محمد رضا در حاشیه می نویسد :

ليس كذلك بل فيه تفصيل راجع کتابنا الموسوم به « غالية العطر في حكم

الشعر » .

نویسنده گوید : مرحوم بلاغی در کتاب : اعلاط الروضات ( ص ۱۶ ) در

پاورقی شماره ( ۲ ) می نویسد :

تمام مطلب در کتاب : غالية العطر مؤلف مشروح است ( انتهى ) و از این

عبارت بنظر میرسد که مشارالیه کتاب نامبرده را دیده و یا داشته است و العلم

عندالله تبارك وتعالى .

\* رساله در غنا علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۶۲ شانزدهم ) می نویسد :

من نسخه منقول از خط آنجناب را مشاهده کردم .

نویسنده گوید : این رساله همان « الروضة الغناء فی معنی الغناء وحکمه

وتحدیده » است که سابقاً ذکر گردید .

۳۰ - رساله در قبله

( صفحه ۷۵۲ دوم نقباء البشر ) .

۳۱ .. القول الجمیل الی صدقی جمیل

پس از آنکه مرحوم آقا شیخ محمد رضا گناب: نقد فلسفه داورین را تألیف و چاپ نمود: جمیل صدقی زهاوی کردی ادیب فیلسوف بر آن رد نوهت چون این رساله بنظر مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی رسید کتاب: القول الجمیل را در جواب او مرقوم فرمود (ص ۲۰۹ مقدمه الذریعه و ص ۷۵۲ دوم نقیاء).

\* گوهر گرانبها در رد عبدالبها (ص ۳۳۰ دانشمندان و بزرگان اصفهان) و این همان رساله در رد بهائیه است.

#### ۳۲ - نجمة المرقاد در شرح نجات العباد

تألیف مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام (ص ۶۸ بیست و چهارم الذریعه) در الذریعه میفرماید بعضی از آن نوشته شده و ناقص مانده است.

نویسنده گوید: قبلا جزو تألیفات مرحوم آقا رضا مسجد شاهی کتابی بنام: حواشی استدلالی بر رساله نجات العباد نوشتیم و گفتمیم که احتمالا این حواشی غیر از شرح نجات العباد آن مرحوم می باشد و باز در شرح نجات العباد گفتیم که احتمالا شرح مزبور همین نجمة المرقاد می باشد و العلم عند الله تبارک و تعالی. نسخه اصل این کتاب در کتابخانه آقای حاج سید محمد علی روضاتی بوده و ایشان این نسخه نفیس و گرانبها را با بلند نظری و سه صدر به کتابخانه فاضل محترم آیت الله زاده بزرگوار آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی وارث مقامات صوری و معنوی پدر وجد خویش اهداء فرمودند.

در مقدمه این کتاب اجازه مرحوم آقا سید حسن صدر کاظمینی دو ۴ صفحه جهت آن مرحوم قرار گرفته و سپس رساله نامبرده است. تاریخ اجازه شب شنبه ۱۴ ذی قعدة ۱۳۳۳ هـ . ق .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا در این کتاب از اسامید خود بدینگونه یاد می‌کند :

شیخ الاستاد ظم دام ظلّه مرادشان مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی میباشد .

شیخنا الفقیه رضی قدس سره مقصود مرحوم حاج آقا رضا همدانی است .  
سید الاستاد ظم دام ظلّه مقصود مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی میباشد .

شیخ در مصباح مقصود حاج آقا رضا همدانی است  
سید قدس سره ظاهراً مرحوم آقا سید محمد فشارکی است  
بعض مشایخنا : مقصودشان را ندانستم که چه کسی میباشد  
دریک محل حاشیه‌ای از مرحوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب (۱۲۹۶-۱۲۹۷)  
دیده میشود .

دریک جا مرحوم آقا شیخ محمد رضا می‌نویسد : ( در بحث مغرب ) .  
شیخ ما در حاشیه درباره مغرب دو سخن می‌گوید که دوست نمیداشتم که  
مثل او کسی مانند این سخن بگوید . سپس آن دو قول را بیان می‌کند که :

۱ - تخصیص اصالة عدم التقیه بمورد فقدان الدواهی .

۲ - ما احتمله من کون الوقت الواقعی هو زوال الحمرة .

نسخه در ۱۶۸ صفحه ۱۹ سطری بقطع نخستی می‌باشد

متن نجات العباد با خط قرمز که بالای عسارت کشیده شده از متن ممتاز  
گردیده است .

آغاز نسخه : بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة على محمد وآله .

کتاب الصلوة التي تنهى من اتى بها بجميع حدودها عن جميع الانسائم

الفحشاء والمنكر فما يشاهد من ارتكاب كثير من المصلين لهما فانما هو لعدم اقامتها  
بحدودها التي ورد في بعض النصوص انها اربعة الاف اوان في الصلوة اقتضاء  
المنع عنهما . . .

انجام : وفي رواية عمار النخعي عن سجدتي السهو حتى تطلع الشمس  
ويذهب شعاعها ويمكن ان يستغف من مجموع ذلك كراهة السجود عند الطلوع  
والغروب والله اعلم .

۳۳ - نقد فلسفه داروین فی دحض شبهات المبطلین والرد علی الفلاسفة

الطبیعیین

در الذریعة ( ص ۲۷۷ بیست و چهارم ) و نقباء البشر ( ص ۷۵۲ دوم ) می نویسد  
در سه جزء که دو مجلد آن در بغداد بچاپ رسیده جلد سوم همچنین مخطوط  
و بچاپ نرسیده و من ( علامه طهرانی ) آنرا در نزد اودیلیم و در آخر جزء دوم  
در صفحه ۲۳۶ می گوید : از این جلد دو مقاله باقی مانده است .

علامه طهرانی در الذریعة میفرماید : نخستین روز هائیکه نظریه داروین بشکل  
غیر صحیح و معارض با دین در ایران انتشار یافت علامه آقا شیخ محمد رضا این  
کتابرا در اثبات حق تعالی بدلائلی که دور و تسلسل لازم نیاید تألیف نمود و بچاپ  
رسانید و در نقباء می فرماید : و هو من احسن ما کتب فی اثبات الواجب والرد علی  
کلمات المادیین و آن از مشهورترین و بزرگترین تألیف صاحب عنوانست .

پس از چندی که از چاپ این کتاب گذشت شاعر معروف عراقی : جمیل  
صدقی زهاوی ( فرزند محمد فیضی صاحب دیوان اشعار مطبوع بسال ۱۴۵۳ در  
مصر [ ص ۳۷۵ کتب چاپی عربی مشار ] ) رد بر این کتاب نوشته و بچاپ رسانید  
و علامه نجفی کتاب : القول الجمیل الی صدقی جمیل را در رد او تألیف فرمود  
چنانکه قبلا نوشتیم .

\* ترجمه کتاب : نقد فلسفه داروین بفارسی بوسیله مرحوم حاج شیخ مجد الدین ( مجدالعلماء ) نجفی علیه الرحمه .

این ترجمه در اوراقی پراکنده و غیر مرتب بنظر رسید و امید است که فرزند بزرگوار آن مرحوم وقت و توفیق یابند که آنرا تا حد مقدور مرتب و منظم و در صورت امکان پاکنویس نمایند که این اثر نفیس از پسر بزرگوارشان در اثر گذشت زمان از بین نرود . ومن الله التوفیق .

#### ۳۴ - النوامج والروزنامج

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۳۵۱ بیست و چهارم ) بنام النوافج والروزنامج تنبل از مرحوم معلم حبیب آبادی می نویسد : کتاب در تحقیق در باره دو کلمه ( نامه - روزنامه ) است که معرب گردیده است .

نریسنده گوید : نسخه اصل کتاب بخط شریف مؤلف بزرگوار زیارت گردید در آنجا می نویسد :

النوافج والروزنامج جمع الفقیر الی مولاه ابی المجد محمد الرضا عفا الله عنه ورضی عنه سنه ۱۳۲۵ .

در این کتاب :

- ۱ - مقدار زیادی از اشعار آن مرحوم بخط ایشان نوشته شده است .
- ۲ - چندین سؤال مربوط به مسائل حساب که مابین او و دوست یکدل ایشان مرحوم آقا میرزا مصطفی تبریزی واقع گردیده و در آنجا ویرا به : مولای و اخوی المصطفی جعلنی الله فداه ستوده است .
- ۳ - منتخباتی از کتاب : المحاضرات تألیف ابو عبدالله محمد المقرئ نقل نموده است .

۴ - از بیست و شش نفر در کتاب نام برده که جمعی از آنها همچون میرزا

مصطفی تبریزی و شیخ جواد شبلی از مصاحبین و دوستان و برخی همچون شاه عباس و سلطان محمد اکبر پادشاه از سلاطین و عده‌ای مانند آقا سید محمد فشارکی (سید استاد) و سید حسن صدر کاظمینی از اساتید و مشایخ او و بالاخره عده‌ای از بزرگان علماء متقدم همچون استاد یوسف نطریه - ملا جلال منجم یزدی و شیخ ابوالفضل بن شیخ مبارک و مفلا علی فارسی و چند تن از شاگردان خود مانند شیخ محمد رضا قهد ریجانی نام برده است .

ه - ضمناً احادیثی نیز در توحید و غیره نقل می‌کند که ذیلاً بعنوان تیمن و تبرک بنقل دو حدیث از آنها مبادرت می‌کنیم .

الف : عن علی بن الحسین علیه السلام : من عرف الله بالاختیار دون شواهد الاستبصار والاعتبار اعتمد علی ما تلحقه التهم .

ب : عن جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام : ( درباره حضرت حق جل و علا ) :

لو كان علی شیئی لكان محمولاً ولو كان فی شیئی لكان محصوراً ولو كان من شیئی لكان محدثاً .

۳۵ - وقایة الادهان والالباب ولباب اصول السنة والكتاب  
در اصول فقه .

علامه آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی در این کتاب در تبویب مسائل اصولی تغییراتی داده و چون اصل کتاب مفصل و بزرگ بوده و چاپ آن مشکل مینموده لذا برخی از مبانی و مباحث آنرا جدا نموده و بنام : تنبیهات دلیل الانسداد نامیده و بچاپ رسانیده که قبلاً متذکر شدیم . قسمتی دیگر از این کتاب نیز که بنام وقایة الادهان می‌باشد در سال ۱۳۲۷ تألیف گردیده و در اصفهان بچاپ رسیده است .

در این کتاب مرحوم آقای شیخ محمد رضا نجفی از چهار تن از اساتید خود  
بشرح زیر نام میبرد :

۱ - آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به شیخ الاستاد تعبیر می‌کنند  
و گاهی ویرا صاحب الکفایه می‌خوانند .

۲ - آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی به بعض اساتیدنا تعبیر می‌نماید .

۳ - مرحوم آقا سید محمد فشارکی به سیدنا الاستاد - سید استاد و سید  
مشایخنا تعبیر می‌نماید .

۴ - بعضی مشایخنا ( ص ۸۴ ) که معلوم نیست مقصود ایشان کیست و احتمالاً  
مرحوم حاج آقا رضا همدانی مراد ایشان می‌باشد سه تن دیگر از معاصرین خود  
را باینگونه می‌نویسد : بعض الاعلام ( ص ۳ ) بعض من حاضرناه ( ص ۲۷ )  
صاحبنا العلامه ( ص ۱۰۶ ) ضمناً در صفحه ۱۱۴ مناظره خود را با مرحوم آخوند  
خراسانی می‌نویسد باین شرح که :

در مجلسی ( که پر بود از علماء ) در خدمت شیخ استاد صاحب کفایه بودم  
ومن در آن هنگام نوجوانی بودم که تازه موبصورتتم روئیده بود دو مسئله ( مقدمه  
موصله ) بحث بود و استاد آنرا انکار مینمود و من با گفتن چندین مثال آنرا ثابت  
مینمودم .

مرحوم آخوند در جواب اعتراضات من فرمود :

ان معك الوجدان ومعنى البرهان .

من با ادله سخن می‌گویم و تو آنرا بسا وجدان رد می‌کنی و جواب گفتیم ؛  
منتهی الیه علم وجدان است یعنی بسایه علوم بسرحه وجدان برسد و وقتی  
شما قبول کردید که موضوع وجدانی است و از جواب آن عاجز شدید و من  
بخواست خداوند عاجز نمی‌شوم دم لظ برهان زدید که ( گفتار من از روی برهان



است) و برهان در برابر بداهت فقط ایجاد شبهه است .  
پس آن مرحوم ساکت گردید هیچ دم نزد و این مناظره در بین فضلاء  
شهرت یافت .  
کتاب در ۱۷۲ صفحه بچاپ رسیده و بحث او امر خستامه یافته و در آخر  
میفرماید :

هذا آخر ما اردنا ایراده فی مباحث الاوامر و بتلوه القول فی التواهی انشاء الله  
و لله الحمد والفضل و علی نبیه و آله الصلوة والسلام .

مرحوم علامه نجفی در مقدمه وقایه الاذهان ( ص ۶ ) بخلاصه می نویسد :  
پس از آنکه فتنهها در اثر جنگ در مملکت عراق حادث گردید ناچار به  
ایران مهاجرت کردم و در اصفهان ساکن شدم .

در این شهر طلاب و اهل علم و فضلاء مرا همانگونه که هاله ماه را احاطه  
می کند احاطه کردند و شروع بدرس و مباحثه نمودم .

آنچه را از مسائل اصول برای آنان می گفتم در اوراقی پراکنده می نوشتم  
و چون اراده تألیف کتابی در این خصوص نداشتم آنها را مرتب و منظم نمی نمودم .  
تا یکی از اصحاب من از شاگردان ارزش آن مطالب و اوراق را دانسته و آنها  
را جمع کرده و از من خواست که در آنها نظر کرده و مرتب نمایم من نیز  
خواسته او را جامه عمل پوشانیدم .

بیشتر مطالب این کتاب چیزهایی است که از استاد مرحوم آقا سید محمد  
فشارکی استفاده نمودم . . . . .

\* حاشیه بر وقایه : پس از چاپ و انتشار کتاب وقایه عده ای از شاگردان  
مرحوم علامه نجفی بر آن حواشی نوشته اند که از آنجمله است :

۱ - مرحوم حاج شیخ مجد الدین مجد العلماء نجفی

۲ - مرحوم شیخ یحیی هرنندی معروف به فاضل هرنندی

۳ - مرحوم حاج شیخ علی قدیری کفرانی

چند نظریه علمی :

هر يك از علماء بزرگوار در ضمن مطالعات علمی به عقاید و نظریاتی خاص برخوردار نموده و در آثار و کتابهای خود که آنها اظهار می نمایند گاهی این عقاید و آراء متروک و مهجور مینماید و مورد توجه دانشمندان قرار نمیگیرد و زمانی هم تحولی در طرز اندیشه و افکار علماء معاصر ایجاد کرده و مسدتها وقت آنها را صرف بحث در صحت و سقم آن نظریه علمی می کنند بالاخره یا آنها می پذیرند و یا با ادله قاطع علمی رد می کنند .

یکی از علمائیکه با نظریات علمی خود توجه مدرسین عالی مقام و مجتهدین بزرگ را بخود معطوف داشت مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی اصفهانی بود که اینک بشرح برخی از عقاید علمی ایشان بطور اختصار می پردازیم .

۱ - استعمال لفظ در مجاز استعمال لفظ در « ما وضع له » میباشد

بخلاف آنچه اهل ادب می گویند استعمال لفظ در غیر ما وضع له را مجاز گویند .

علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۳۴ مقدم ) می نویسد :

فصل القضا للانتصار للرضا . رسالة الفها شيخ عبدالله الكلبايگانی ( ۱۲۸۵ -۱۳۲۷ ) مؤلف التبر المسكوك وغيره انتصر فيه للشيخ ابا المجد الرضا الشهير باقا رضا الاصفهانی من انكاره المجاز رأساً وان جميع الاستعمالات فيما وضع له من العرب وذكر تفصيله في كتابه جلیلة الحال في معرفة الوضع والاستعمال . مطبوع .

علمای ادب عموماً می‌گویند : حقیقت استعمال لفظ است در معنی که  
واضح جهت آن معین نموده است و مجاز استعمال لفظ است در غیر معنی واقعی  
آن .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی میفرماید : مجاز در حقیقت وجود ندارد  
( باین معنی ) بلکه واضح اولیه لغات و کلمات برای هر يك از آنها چند معنی  
وضع و معین کرده است نه يك معنی که معانی دیگر مجاز باشند و معنی اولیه  
حقیقت .

همچنین که ذکر شد این مسئله در نجف مورد بحث علماء قرار گرفت و روزانه  
اوله وارد مجامع علمی نجف مورد قبول واقع نشد تا وقتیکه آقا شیخ عبدالله  
گلبایگانی که از اعظم شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و مورد توجه و عنایت  
ایشان بود جهت بحث در این مسئله به منزل مرحوم آقا شیخ محمد رضا میرود  
و پس از گفتگوی مختصری در این قول را می‌پذیرد و رساله ؛ فصل القضاء را در این  
مورد تألیف می‌کند ( ص ۴۸ سمط اللئالی فی مسئلتی الوضع والاستعمال ) .

این قبول بعدها مورد توجه و قبول محققین از علماء و مجتهدین قرار گرفت  
بهینوان نمونه :

۱ - حضرت آیت الله العظمی نایب الامام آقای خمینی سلمه الله در تهذیب  
الاصول ( ص ۴۴ جلد یکم چاپ جامعه مدرسین ) این قول را پسندینگونه بیان  
میفرماید :

ثم ان اری خلاف الانصاف ان ارتضى رأياً فی هذا المقام غير ما وقفت علی  
تحقیقه من العلامه ابی المجد الشیخ محمد رضا الاصفهانی ( قدس الله سره )  
فی وقایته واستغذت منه شفاهاً .

۲ - بطوریکه آیت الله آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری نجف آبادی در

کتاب : نهاية الاصول في تقریرات بحث الفاظ مرحوم آیت الله العظمی فقیه اهل  
البيت آقای حاج آقا حسین بروجردي عطر الله مضجعه (ص ۲۴) مرقوم فرموده اند  
مستفاد میشود اینکه مرحوم آیت الله بروجردي رضوان الله عليه نیز این نظریه  
را پذیرفته اند .

فائده : الشيخ عبدالله الغلپایگانی

علامه طهرانی در نقباء البشر ( ص ۱۱۸۳ سوم ) ویرا عنوان فرموده

و گوید :

عالم جلیل و فقیه متبحر و محقق فاضل در ۱۲۸۵ در گلپایگان متولد گردیده  
و علوم مقدماتی را در گلپایگان فرا گرفته جهت تکمیل باصفهان رفته نزد بزرگان  
این شهر با جد تمام به اکتساب فضائل و کمالات پرداخته سپس به نجف اشرف  
مهاجرت نموده و اختصاص تمام به مرحوم آخوند خراسانی یافته و از خواص  
اصحاب و ملازمین آنجناب گردیده مورد توجه و عنایت آن بزرگوار واقع شده  
و دروس ایشانرا جهت عده ای از شاگردان تقریر مینموده و همچنین خود نیز حوزه  
درس و مباحثه داشته و عده ای از افاضل طلاب بدرس او حاضر میشده اند بمرض  
سل مبتلا گردیده جهت معالجه به ایران آمده و پس از مدتی مهاجرت به نجف نموده  
و در آنجا در سال ۱۳۲۷ وفات یافته و از مرگ او مرحوم آخوند بستار متأثر و غمناک  
شده ویرا در وادی السلام بظاک سپردند ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱ -  
التبر المسکوک در حکم لباس مشکوک ۲ - تقریرات بحث مرحوم آخوند ۳ -  
فصل القضاء و غیره .

۲ - جوان استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد

مرحوم آقا شیخ محمد رضا در کتاب : «شمطه اللئالی فی مسئلتی الوضغ

والاستعمال» (ص ۲۶) می نویسد :

استاد (یعنی مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی) در بعضی از سخنانش فرموده است که :

« امکان ندارد استعمال لفظ در دو معنی مگر وقتی که استعمال کننده احوال باشد و این خطابه نیکوئی است و اما بهتر از آن اینکه گفته شود کافی است در این مورد که او یک چشم هم ندارد زیرا اگر دو چشم داشت ممکن بود کلمه « عین » را در دو معنی استعمال کند .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا رساله‌ای تألیف فرموده بنام : « امانة العین فی استعمال العین فی المعینین » .

بطوریکه معلوم میشود این قول (جواز استعمال) در رد قول استاد بزرگوارش و همچنین پدر علامه اش مرحوم حاج شیخ محمد حسین نجفی میباشد (ص ۲۴ سمط اللثالی - مقدمه چهارم تفسیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین نجفی ص ) .

### ۳ - حجیت قول لغوی

و حجیت بودن گفتار علماء ادب .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا در وقایع الادهان (ص ۶۷ دوم ) پس از بیان طرز معرفت و آشنائی بطواهر لغات و کلمات که یا بوسیله دانستن معنی کلمه است از وضع واضح و یا معنی کلمه است در استعمالات .

و پس از مقدمه مختصری قول علماء ادب و اهل خبره را حجیت دانسته و علم بدانرا برای علمای دین واجب شمرده است .

### ۴ .. رجحان دادن قرائت ملک بر مالک در سوره الحمد

مقدمه در باره رسم الخط قرآن : در باره رسم الخط قرآن از طرف علماء و دانشمندان کتابهای زیادی تألیف شده و در موضوعات مربوط بخط عربی و پیدایش آن و اصل و ریشه و منشأ آن و همچنین اول یا اولین کسانی که به این

خط چیز نوشتند و آنرا در مکه و حجاز رواج دادند سخنها گفته و مطالب قابل توجهی ذکر نموده اند که مقام ذکر آنها نیست و در این جا فقط آنچه مربوط بقرآن مجید است گفته میشود .

خط نخستین قرآن : درباره خط اولین قرآنی که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نوشته شده است محققین می نویسند :

آن قرآن بخط حمیری بود و بدستور رسول خدا علیه الصلوة والسلام آنرا بخط سریانی نوشتند و پس از آن کاتبین وحی از آن جمله : حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و جناب ابن عباس و عثمان بن عفان آنرا بخط کوفی نوشتند .

برخی دیگر از اصحاب رسول اکرم علیه السلام نیز قسمتی از قرآن یا تمام آنرا نوشته بودند اما از نظر آشنا نبودن بقواعد و اصول خط نویسی برخی از کلمات را برخلاف قیاس بگونه های مختلفی نوشتند و بعداً دیگر صحابه و تابعین و تابعین تابعین همان رسم الخط را از نظر تیمن و تبرک پیروی کردند .

برخی از دانشمندان و نویسندگان کتابهای : « مصاحف » معتقدند که این گونه نوشتن کلمات توقیفی است یعنی عیناً حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آنرا بهمین گونه دستور فرموده است البته اینان برای ادعای خود دلیل قانع کننده ای ندارند .

دسته ای دیگر از مؤلفین معتقدند که این رسم الخط اصطلاحی است نه توقیفی و مخالفت با آن جائز است .

مصحف عثمانی : گفتیم که یکی از کاتبین وحی عثمان بن عفان بود وی در موقع خلافت خود بشرحی که در کتب تاریخ مفصلاً از آن بحث شده است بجهت جلوگیری از اختلاف در کتابت قرآنها که در نتیجه سبب اختلاف در قرائت میشود قرآنی انتخاب کرده و از آن نسخه تهیه کرده و بولایات فرستاده و امر

گرد که نسخه‌های دیگر که در دست مردم است را جمع آوری کنند. این قرآن که تاکنون در بین عموم مسلمانین متداول است بنام « مصحف عثمان » شهرت دارد. عقیده علمای اهل سنت درباره مصحف عثمان: علماء اهل سنت درباره این مصحف سه عقیده اظهار کرده‌اند:

۱ - نوشتن آن به‌عین گونه که در مصحف عثمان است واجب و غیر آن حرام

است.

۲ - نوشتن آن بغیر از رسم المخط عثمان جائز ولی مکروه است.

۳ - نوشتن قرآن با رسم المخطی غیر از رسم المخط مصحف عثمان ضروری و لازم نبوده و میتوان کلمات را به‌رگونه‌ای نوشت و رأی محسوم علمای بزرگوار شیعه و بسیاری از متأخرین اهل سنت نیز همین است.

برخی از خصوصیات رسم المخط مصحف عثمان: ذیلاً بچند مورد از

خصوصیات رسم المخط مصحف عثمان اشاره می‌کنیم:

۱ - حذف الف وسط کلمه در کتابت بطور مثال:

ملك	بجای مالک	اسمعیل	بجای اسماعیل
هرون	بجای هارون	بنیت	بجای بنات
مسجد	بجای مساجد	احسنا	بجای احسانا

۲ - کلمات بدون نقطه نوشته میشد بنا بر این دو کلمه ممکن بود یا هم اشتباه

شود:

یعلمون بجای یعلمون یا تعلمون

۳ - در رسم المخط عثمانی کلمات مشدد یعلمون تشدید نوشته میشد بطور

مثال:

لن و ان - یوقد - یوقد

۴ - کلمات بدون اعراب بود یعنی زیر و زبر و پیش و تنوین نمی گذاردند از اینرو برخی از کلمات با کلمه دیگری اشتباه میشدند مانند :

ارجلکم و ارجلکم

و چندین اختلاف دیگر که مهمتر از همه یکسان نوشته نشدن کلمات بود . نکته قابل توجه : در رسم الخط عثمانی يك کلمه در همه جای قرآن بيك گونه نوشته نشده است یعنی يك قاعده کلی در نوشتن کلمات رعایت نگردیده بطور مثال :

جزوا در سوره مائده (آیه ۶۹) در سوره بقره (آیه ۸۵) بصورت « جزاء » .  
بصطة در سوره اعراف (آیه ۶۹) در سوره بقره (آیه ۲۴۷) « بسطة » .  
الايكة در سوره الحجر (آیه ۷۸) در سوره شعراء آیه (۱۷۵) بصورت « الئیکه » نوشته شده .

مطالب قابل تذکر در این باره زیاد است طالبین بکتاب : « تاریخ قرآن » - « المصاحف » - « القراءات » مراجعه کنند .

بدین جهات و علل دیگری که از آنجمله است اختلاف مصاحف موضوع اختلاف قرائت در کلمات قرآن پیش آمد و هر يك از قراء هفتگانه و بعداً قاریان ده گانه یکی از کلمات را بدلائی پذیرفتند جمعی « ملك » بدون الف و عده ای « مالك » خواندند همچنین در دیگر کلمات و عموم قراء مدعی بودند که سند قراء نشان بحضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم میرسد و آنحضرت کلمه را بهمان گونه که اینان میخوانند میخوانده است و دستور خواندن میفرموده اما یقین است که هیچگاه آنحضرت کلمه ای را بدو صورت نمیخوانده و دستور خواندن نفرموده است . بحث در این باره نیز از موضوع کتاب ما خارج بوده طالبین بکتابهای مربوطه مراجعه کنند .



ملك یا مالك : همانطور که در مثالهای یاد شده گفتیم یکی از کلمات مورد خلاف در قراءت لفظ «ملك» در سوره مبارکه فاتحه الكتاب است . هر يك از طرفداران این دو قول برای اثبات نظریه خود ادله و برهانهای اقامه می کنند .

یکی از قائلین به ارجحیت « ملك » بر « مالك » علامه محقق بزرگوار مرحوم آیت الله مجاهد حاج میرزا فتح الله نمازی اصفهانی معروف به شیخ الشریعه اصفهانی است آن مرحوم کتابی بنام : « انارة المالك فی قراءت ملك ومالك » تألیف فرمود ( ص ۳۵۳ دوم الذریعه ) شرح و توضیح آنرا طالبین در « الذریعه » ملاحظه فرمایند .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در این مورد قول استاد بزرگوار خود را پذیرفته و همیشه در نمازهای خود « ملك یوم الدین » میخوانده است .

#### ۵ - طهارت اهل کتاب

یکی دیگر از نظریه‌ها و فتاوی ایشان در موضوع طهارت اهل کتاب است که مورد اختلاف نظر فقهاء بزرگوار بوده است .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در زمره علمائیست که اهل کتاب را پاک میدانند . این موضوع را جناب آقای آقا محمد تقی نجفی فرزند ارجمند آن مرحوم از قول والد بزرگوار خود نقل می کردند .

#### ۶ - عدم تنجیس متنجس در غیر مایع

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در مقدمه رساله : « استیضاح المراد من القول الفاضل الجواد » می نویسد :

در جلسه درس شیخ استاد علامه صاحب مصباح الفقیه ( حاج آقا رضا همدانی رحمة الله علیه ) موضوع : عدم تنجیس متنجس جامد به آنچه ملاقات می کند بخاطر م رسیدن آنرا بدانجهت که خلافش را علماء و بزرگان ادعای اجماع و ضرورت

گرفته‌اند. . . چون به ایران مسافرت کردم و ثبوت درس به این مسئله رسید  
برای این موضوع در کتب و فتاوی متقدمین عنوانی ندیدم و در اخبار نیز چیزی  
که بدان دلالت کند نیافتم. موضوع را یکی از بزرگان اهل علم . . . نوشتم  
و نظر خواستم و او قائل به نجاست بود در جواب شعر علامه بحر العلوم رحمة الله  
علیه در « الدرّة » را دلیل آورد که میفرماید :

والحکم بالتنجیس اجماع السلف      وشد من خالفه من الخلف

ومن آنرا بدینگونه تغییر دادم که :

والحکم بالتنجیس احداث الخلف      ولم نجد قائله من السلف

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی جواب این دوست عالم جلیل خود را  
( مرحوم آقا شیخ جواد بلاغی ) در رساله‌ای می‌نویسد و برای آن مرحوم  
می‌فرستد. لکن قبل از وصول این رساله علامه نامبرده وفات می‌کند. رحمة  
الله علیه .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا در آخر رساله نامبرده می‌نویسد :

هذا مقام النظر العلمی واما فی مقام العمل فاقول ما قاله صاحب نجات العباد  
فی مسئله ماء الغساله و عملی علی التجنب .

۷ - فائده اجازه روایتی فقط تبرک و تیمن نمی‌باشد .

درباره لزوم وعدم لزوم اجازه روایتی سخن بسیار است . عده‌ای آنرا  
ضروری و فقط از باب تیمن و تبرک میدانند .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در اجازه‌ای که جهت علویه امینه بانوی  
ایرانی مرقوم فرموده به این نکته اشاره فرموده است و قول مرحوم حاجی نوری  
علیه الرحمه شیخ روایت خود را در فوائد اجازه روایتی پذیرفته است .

۸ - منبای غروب برای دخول وقت فریضه مغرب ویا المطار روزه ماه مبارک  
رمضان ( چنانکه از نجعة المرتاد برمیآید )

۹ - محدود بودن دائره غناء

به رساله « الروضة الغناء » مراجعه شود .

تذکر : تنظیم و ترتیب رؤوس موارد ذکر شده نتیجه تحقیقات و مطالعات  
فاضل محترم جناب آقای آقا شیخ هادی نجفی نجل جلیل حجة الاسلام آقای  
حاج شیخ مهدی غیاث الدین فرزند مرحوم عالم بزرگوار مجسد العلماء نجفی  
میباشد . بدینوسیله از زحمات ایشان تشکر می نمایم . توضیحات راجع به مسائل  
یاد شده عموماً از خود حقیر بوده و مسؤلیت صحت و عدم صحت آن برعهده این  
جانب است .

### مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی و صاحب روضات الجنات :

مرحوم علامه جلیل فقیه زاهد مجتهد عظیم الشأن محقق متبع رجالی محدث  
ادیب مفسر لغوی آقا میرزا محمد باقر چهاردسوقی رضوان الله علیه در طول  
پنجاه سال زحمت مداوم و مطالعه و بررسی دهها بلکه صدها کتاب و رساله بدون  
آنکه کسی او را در این کار یاری کند و بنوعی از انواع در تألیف کتاب کمک  
و مساعدت نماید موفق گردید کتابی جامع بنام : « روضات الجنات » در احوال علماء  
و سادات در احوال عده کثیری از بزرگان علماء و فقهاء و ادباء و محدثین بزرگوار  
شیعه و همچنین جماعت بسیاری از علماء سنی را در چهار مجلد بزرگ تألیف  
نمایند و الحق خدمتی بزرگ و قابل همه گونه تعریف و ستایش انجام داد و با انجام  
یافتن آن متی بزرگ بر ذمه اهل مطالعه و تحقیق ثابت گردانید . چه پس از تألیف  
کتاب « ریاض العلماء » و « امل الامل » دیگر کتاب جامعی در موضوع رجال علمی

نوشته نشده بود . اما متأسفانه برخی از مجلدات ریاض العلماء مفقود یا معدوم گردیده و با احتمال ضعیف در کتابسوزی افزانه در اصفهان سوخته شده و از بین رفته است و اما کتاب امل الامل و دیگر کتابهای همانند او فقط شامل شرح حال علماء بزرگوار شیعه است و از دانشمندان سنی ذکری نشده است . در قرن ۱۴ ظاهراً تنها کتابی که از طرف علماء شیعه در شرح حال کلیه علماء اسلام بدون توجه به فرقه و مرام نوشته شده است همین کتاب باشد و با در نظر گرفتن موقعیت از حیث زمان و فقد وسائل تحقیق و مطالعه و نبودن کتابخانه جامع و منظم در اصفهان که بتوان از کتابهای آن استفاده نمود عظمت و اهمیت این خدمت علمی و دینی ظاهر میشود و حقاً باید آنرا از کرامات مؤلف بزرگوار آن دانست رحمة الله علیه .

اما از آنجائیکه سهو و نسیان و خطا و لغزش جزو ذاتیات اولیه انسان بوده که : « الانسان محل السهو والنسيان » همه مردم ممکن است ندانسته مرتکب اشتباه شوند بجز آنان که خداوند علی " متعال بحکمت بالغه خود آنان را معصوم قرار داده و از هر گونه خطا و لغزش و سهو و نسیان در کلیه حالات و زمانها چه در دوران کودکی و چه در عهد بزرگی محفوظ و معصون نگاه داشته است و آن ذوات مقدس منحصر است در انبیای عظام علیهم السلام و اوصیای کرام آنان و بالخاص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین از اهل البیت علیهم السلام و حضرت صدیق کبری فاطمه زهراء سلام الله علیها که آنان را چهارده معصوم میخوانیم و مطابق ادله عقلیه و نقلیه و عقیده و ایمان قطعی از هر گونه سهو و لغزش و خطا و گناه پاک و منزّه و مبرا میدانیم دیگران یعنی غیر از این ذوات مقدس هر کس باشد را جائز الخطاء می دانیم . البته در بین مؤمنین واقعی کسان بسیاری را می شناسیم که بپاکی و تقوای آنها ایمان داریم اما معصومان نمیدانیم و در هر حال و در هر موقعیتی ممکن است مرتکب خطاء و اشتباه شوند . اگر فقیه

و مجتهد است در فتوی و حکم و اگر قاضی و حاکم شرع است در قضاوت و بالآخره اگر نویسنده کتاب و اندیشمند است در مطالبی که می نویسد و بنا در آنچه فکر می کند .

علامه بزرگوار مؤلف جلیل القدر روضات الجنات نیز از افراد همین اجتماع است و ممکن است در کتاب خود مرتکب اشتباهی شده باشد . این اشتباهات عموماً مربوط به اصل نسخه کتاب‌هایی است که مطالب مربوط به اشخاص مأخوذ از آنها می باشد زیرا در آن ایام کتاب تصحیح شده و منقح و بدون اشتباه بخصوص در کتب رجالی کمتر یافت میشد و بیشتر نسخه‌ها مغشوش و مغلوط بود همچنانکه امروز به آنها برخورد می کنیم و از اینگونه اشتباهات که مربوط به مأخذ و مصادر کتابها می باشد در عموم بلکه در تمام کتب متقدیم و متأخرین و معاصرین زیاد دیده میشود .

یکی دیگر از موارد خطا که برای هر نویسنده‌ای ممکن است پیش آید طغیان قلم و سهو القلم است گاهی انسان بدون توجه و غرض خاصی عبارتی می نویسد که خود و دیگران بعداً متوجه اشتباه آن میشوند . کدام نویسنده‌ای است که بتواند ادعا کند من در نوشته‌هایم آنقدر دقت کرده‌ام که هیچگونه اشتباه در آن یافت نمیشود . کتابهای رجالی و شرح حال هیچگاه از اینگونه لغزشها و قضاوت‌های بیمورد درباره افراد و سالهای تارخ و نسبت دادن کتابها بمؤلفین و ... خالی نبوده نیستند .

بزرگترین عیب‌ها : از فرمایشات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که میفرمایند :

« اکبر العیب ان تعیب ما فیک مثله . »

بزرگترین عیب‌ها آنست که انسان عیبی را که همانند آن در خود اوست

بدیگری عیب گرفته او را بدان سرزنش کند .

نمونه‌ای از اشتباهات : در این جا بر سر آن نیستیم که اشتباهات يك يك نویسندگان و بزرگان را تا آنجا که متوجه شده‌ایم شرح دهیم که آن خود کتابی بسیار مفصل خواهد شد فقط يك نمونه آن را بیان کرده و گوئیم بیشتر نویسندگان از اینگونه خطایا داشته و دارند و ضمناً این خطاهای کوچک چیزی از مقام بزرگ آنها نمی‌کاهد ( و من خود نیز صدها از اینگونه اشتباه در نوشته‌هایم یافته‌ام ) .

مرحوم حاجی نوری نور الله مضجعه‌الشریف با آنهمه تحقیق و تتبع و مهارت و استادی که منتق علیه همه مؤلفین از علماء معاصر ایشان و آنها که بعداً در راه تحقیق و پژوهش در حال بزرگان علمی گام برداشته‌اند میباید در این مورد هیچکس منکر مقام او نیست در کتات فیض القدسی در احوالات علامه مجلسی رضوان الله علیه ( ص ۲۰ چاپ کمپانی سطر ۲۲ و صفحه ۱۰۹ جلد ۱۰۵ چاپ جدید ) در ضمن احوالات حافظ ابونعیم مرتکب دو خطا شده است :

۱ - نام پدر جرد طبرانی : ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لخمی را مطر بدون یاء نوشته است ( ص ۳۳۵ یکم ذکر اخبار اصفهان ) .

۲ - ویرا صاحب « معجم البلدان الثالثه » نوشته در صورتیکه :

معجم البلدان تألیف یاقوت حموی [ شیخ ابی عبد الله یاقوت بن عبد الله حموی رومی بغدادی متوفی بسال ۶۲۶ در حلب ( ص ۱۷۳۳ جلد دوم کشف الظنون چاپ بغداد ] می‌باشد .

حافظ ابوالقاسم طبرانی مؤلف سه کتابست بنام معجم کبیر و وسیط و صغیر هر سه در اسامی صحابه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مشایخ خود و معجم البلدان نام شهرها و روستاها و غیره است . یقیناً اشتباه است .

در کشف الظنون ( ص ۱۷۳۷ جلد دوم چاپ بغداد ) گوید :

المعجم الكبير والصغير والاوسط في الحديث تأليف حافظ طبرانی متوفی سال ۳۶۰ در کبیر اصامی صحابه را بر حسب حروف مرتب نموده و شامل قریب ۲۵ هزار حدیث است. در اوسط و صغیر همچنین مشایخ خود را بر حسب حروف مرتب کرده است.

رجوع بمطلب: البته همانطور که گفته شد این بزرگان و مولفین و نویسندگان خدمت ارزنده‌ای انجام داده و حق بزرگی بر جامعه مسلمین بطور عموم و شیعه بالانحصار دارند و اگر کسی چشم حق بین خود را بپوشاند و فقط چند اشتباه کوچک (یا بزرگ) تاریخی را در نظر گرفته و بر کتاب و مؤلف آن خرده گیری کند نهایت بی انصافی کرده و از راه دادگری و معدلت بیرون رفته است.

انتقاد صحیح غیر از عیب جوئی است: تنها وسیله اصلاح در کلیه علوم و عقاید و نظرات علمی و تاریخی و اجتماعی بررسی و مطالعه مقدمات نتایج حاصله از آن مقدمات در کلیه موارد یاد شده و دیگر مطالب است. خطاها و اشتباهات باید با ادله علمی و موازین منطقی بیان شود و درست و نادرست آن از یکدیگر جدا شوند و قضاوت کلی را بعهده خوانندگان قرار دهند و هیچگاه عجولانه و بی تأمل و بدون در نظر داشتن کلیه جوانب داوری ننمایند.

اول کسیکه بر صاحب روضات الجنات خرده گیری کرده است: مرحوم محدث نوری علیه الرحمه است که در خاتمه مستدرک الوسائل ایرادات و انتقادات و اعتراضاتی بر مؤلف بزرگوار روضات نموده است. این ایرادات هموماً موضوعات تاریخی است و خود بیشتر مطالب کتابش را بدون ذکر مأخذ از همان کتاب گرفته است.

پس از مرحوم حاجی نوری چهار نفر از شاگردان و مجازین از ایشان همین طریقه را پیموده و برخی از اغلاط و اشتباهات روضات الجنات را متذکر شده‌اند

و آنها عبارتند از :

۱ - علامه محقق متبوع بزرگوار مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی در طبقات الشیعه .

۲ - علامه فقیه ادیب مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در حواشی خود بر روضات الجنات .

۳ - محدث جلیل القدر مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب فوائد الرضویه و دیگر کتابهای رجاییه خود .

۴ - علامه جلیل محقق متبوع مرحوم حاج سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه .

برخی از نویسندگان معاصر نیز گاهی در نوشته‌های خود اظهار وجودی کرده و با اصطلاح معروف « می‌سز داخل میوه‌ها شده » اینان نه خودشان و نه کتابشان چندان اهمیت و شهرت ندارد که بذکر اسامی آنها پردازیم .

حق صاحب روضات بر نویسنده : نویسنده این سطور از روزی که با کتاب روضات الجنات آشنا شد تا کنون آنرا یکی از بهترین و مهمترین مآخذ مطالب خود در نوشته‌هایم قرار داده و از آن بهره‌های زیادی برده‌ام که حفاً از دیگر کتابها که در موضوع شرح حال بزرگان علماء در اختیار دارم اینقدر کامیاب نشده‌ام و حال آنکه تعداد آنها نیز نسبتاً زیاد و قابل توجه می‌باشد از اینرو بر خود لازم میدانم که از مقام شامخ او تجلیل کنم و صریحاً می‌گویم هر وقت بزیارت مرقد شریف او موفق شده‌ام از آن فتوحاتی و برکاتی دیده‌ام که از دیگر مرقد مشاهده نکرده‌ام .

و اما مرحوم حاجی نوری رحمه الله علیه از بزرگان علماء و محدثین شیعه در قرن اخیر بشمار میرود و کتاب « مستدرک الوسائل » او از گنجینه‌های فقه



شیعه و متمم و مکمل کتاب گرانقدر « وسائل الشیعه » تألیف مرحوم شیخ حر عاملی  
رضوان الله علیه است .

علامه مجلسی رضوان الله علیه در کتاب : بحار الانوار که الحق دریای بیکرانی  
است از فرمایشات معصومین بزرگوار علیهم السلام در کلیه موضوعات از فقه  
و تفسیر و کلام و ... احادیث فقهی زیادی در کلیه ابواب فقه از طهارت تا دیات  
نقل فرموده که صاحب وسائل آنها را بمالی ذکر نکرده است . حاجی نسوری  
مجموع این اخبار را خود از کتاب شریف بحار الانوار و چندین کتاب دیگر  
را بنام مستدرک الوسائل فراهم آورد . و از موقوف تألیف و چاپ و انتشار تقریباً  
همان ارزشی را در بین علماء یافت که کتاب : وسائل الشیعه دارا بود .

اخیراً مؤسسه « آل البیت » بچاپ و انتشار این کتاب اقدام نموده و تاکنون  
چندین مجلد از آن بطبع رسیده و از هر حیث چاپ نفیس و ارزشمندی است .  
در مقدمه این چاپ متذکر شده اند که مرحوم حاجی نوری در موارد بسیاری  
در ذکر مآخذ نقل حدیث مرتکب اشتباه شده اند ( و با وجود این خطاها هیچ از  
ارزش علمی کتاب نمی کاهد و کتاب مستدرک الوسائل همچنان از مهمترین مآخذ  
و مصادر فقهی شیعه بشمار میرود ) .

نویسنده سطور به اعدم قابلیت بواسطه علامه طهرانی از آن عالم ربانی نقل  
حدیث می کنم .

و اما مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در ضمن خصوصیات ایشان گفتیم که :  
دارای قلمی تندونیش دار می باشد و همچنین در بیان تألیفات ایشان نام : حواشی  
بر روضات الجنات و خصوصیات آنرا ذکر نمودیم . نویسنده سطور بواسطه سه  
نفر از شاگردان و مجازین از ایشان از او نقل حدیث می کنم .

و اما مرحوم حاج شیخ عباس محدث قمی رضوان الله علیه و آقا سید محسن امین

عاملی نیز در این راه قدم برداشته با این تفاوت که محدث قمی میانه رو و منصف است و علامه امین بطور کلی نویسندگان - مؤلفین و ادباء غیر عرب را نمی‌پسندد و بر هر يك از آنها ایراداتی می‌تراشد . رحمة الله علیهما و علی جمیع علمائنا .  
 اقرار و اعتذار : نویسنده سطور در سال ۱۳۶۹ ه . ق کتاب تذکرة القبور تألیف علامه فقیه ادیب بزرگوار مرحوم عبد الکریم گزی ( فوت ۱۳۳۹ ) را با حواشی و ملحقات بنام : « رجال اصفهان » بچاپ رسانیدم و در تنظیم مطالب و صحت آن بقدر وسع و طاقت خود کوشیدم حتی تمام فرم‌های کتاب را قبل از چاپ از طهران باصفهان بنزد مرحوم آقای معلم حبیب آبادی فرستاده و ایشان با دقت کامل تصحیح نموده و پس می‌فرستادند و باین نحو کتاب بچاپ رسید و بخیال خودم هیچگونه خلط و اشتباه نداشت اما متأسفانه هنوز کتاب منتشر نشده بود که خود متوجه اشتباهات چندی شدم و بعدها نیز هم خود و هم دیگران غلط‌های زیادی در آن کتاب یافته‌ام و یافته‌اند دیگر کتابها و مؤلفانم نیز همین حالت را دارد و از خطا و اشتباه خالی نیست .

من خود صریحاً اقرار می‌کنم که اشتباه کرده‌ام و جایز الخطا می‌باشم و امیدوارم که خوانندگان محترم که به خطائی برخورد کردند ضمن اصلاح اشتباه نویسنده را نیز آگاه فرمائید که اگر دیگر بار توفیق چاپ حاصل شد این خطاها اصلاح گردد و قبلاً از لطف و بزرگواری و همکاری آنان تشکر می‌کنم .

آنچه درباره خود اقرار کردم درباره عموم نویسندگان کتب رجالیه صدق می‌کند یعنی هیچکدام از خطا و لغزش مصون نیستند و اگر کسی خطای آنان را تذکر داد نباید رنجشی حاصل کنند و ضمناً همانگونه که گفته شد :  
 اگر خدمتی که آنان در احیای نام گذشتگان علماء و دانشمندان و قهاده و ادیبان و شعراء و محدثان و دیگر بزرگان از سلاطین و حکام و غیره انجام داده‌اند در نظر

بگیریم این گونه خطاها و اشتباهات قابل اغماض و چشم پوشی و گذشت بوده و چیزی نیست که بمقام والای آنها زیانی وارد سازد و یا از ارزش زحمات طاقت فرسای آنان بکاهد.

### مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی و شعر و ادب :

۱ - مرحوم علامه سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (ص ۵۱ سی و دوم)

درباره مرحوم آقا شیخ محمد رضا می نویسد :

آن مرحوم را شعر عربی ممتازی است که هیچگونه عیب و نقصی در آن دیده نمیشود و حال آنکه وی مدت زمانی در ایران بوده لکن سکونت ممتد او در نجف و معاشرت او با ادباء و شعراء موجب شد که وی صاحب اشعاری باشد دارای نکات بدیع و مضامینی بدیع و کمتر شعری است که حاکی از این صنایع شعری نباشد و شایسته است که در باره او گفته شود : « نظم المعانی الفارسیة بالالفاظ العربیة » یعنی معانی دقیق و لطیف را در قالب الفاظ و عبارات فصیح عربی بیان نموده است ، همچنان که درباره مهیار دیلمی گفته شده است .

۲ - در کتاب رجال آذربایجان ( ص ۱۴۴ ) می نویسد :

گفته شده است که شیخ خزعل امیر محمره ( خرمشهر ) می گفته است که این قصیده معروفه : قلبی بشرع الهوی تنصر .. الخ .

که از بدایع قصاید و از اشعار معروف مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی است از ایشان نیست و باور نداشته که عالمی ایرانی قدرت سروون چنین اشعاری داشته باشد .

فائده : همچنین در کتاب : رجال آذربایجان ( ص ۱۴۴ ) می نویسد که :

از مرحوم آقا شیخ محمد رضا نقل شده است که فرموده بود :

در مجلسی که عده‌ای از شعراء و ادباء عرب زبان حضور داشتند من و مرحوم آقا میرزا مصطفی تبریزی نیز حضور داشتیم شاعری قصیده‌ای خواند در نهایت جودت و نیکوئی در آن مجلس غیر از من و مرحوم آقا میرزا مصطفی کسی از حاضرین از وی تمجید نکرد. شاعر دلننگ شده و هنگام خروج از مجلس فریاد زد:

در این مجمع فقط در نفر شعر شناسند و متأسفانه یکی از آنها عجم و دیگری ترك است .

۳ - علامه بزرگوار مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی در نقباء البشر (ص ۷۴۹ دوم) ضمن بیان شرح حال مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی علیه الرحمه می‌نویسد:

اضافه بر کلیه مقامات علمی آن مرحوم و نظریات و آراء وی در مسائل فقهی و اصولی و تفسیر و فلسفه و دیگر علوم، نبوغ او در شعر و ادب است میل زیادی به شعر و ادب داشت و با بزرگان شعراء آن زمان در نجف معاشرت مینمود و طبع آزمائی میکرد تا آنکه مشار بالینان و فرد ممتاز بین همگان شد و همه به شعر او بدیده اعجاب و تحسین نگاه میکردند و مقام شعر و شاعری او بجائی رسید که از همقدران درگذشت و از ستایش و تعریف بی نیاز گشت و هیچ کسی مقام او را در شعر انکار نمیکرد . . .

دوست و رفیق او مرحوم علامه سماوی ویرا در کتاب: «الکواکب السماویه» در شرح قصیده فرزدق که در نجف بچاپ رسیده و همچنین در کتاب: «الطلیعه» در تراجم شعرای شیعه نام برده است، و گفته است که در برخی از اشعارش ( اشعار مرحوم آقا رضا مسجد شاهی) نکات ادبی است که هر خواننده‌ای بدان متوجه نمیشود و این عدم درك بعالت دقت معانی و مشکل و سخت بودن بعضی از کلمات

آن قصیده یا شعر است « وکان یحمل اللفظ معنی اکثر من قابلیتہ والسر فی ذاک یرجع الی احاطتہ بالادب الفارسی المعروف بذلك » .  
و مقام و ارزش او در این مورد همچون « مہیار دیلمی » است که درباره آن گفته شده است .

« معانی دقیق فارسی را در قالب الفاظ فصیح عربی بنظم در آورده است » .

### مہیار دیلمی :

ابوالحسن ( ابوالحسین ) مہیار بن مرزویہ دیلمی فارسی شاعر ادیب کاتب از شعرای متجاہرین اہل بیت علیہم السلام است کہ در مدح خاندان پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و همچنین در مرثیہ حضرت سید الشهداء علیہ السلام قصائد زیادی سروده است .

پدرش زردشتی بود و خود در اثر ارشاد و ہدایت جناب شریف رضی رضوان اللہ علیہ مسلمان و شیعه شد و قرآن و علوم را خدمت آن مرحوم بیاموخت . دردستگاہ سلاطین آل بویہ در بغداد منصب کتابت و کاتبی داشت . اشعار زیادی دارد و دیوانش در چهار مجلد میباشد کہ جلد اول آن بچاپ رسیدہ است گویند اشعار خوب او از اشعار خوب و نغز شریف رضی بہتر است با این تفاوت کہ در بین گفته‌های شریف رضی علیہ الرحمہ شعر سست و غیر فصیح یافت نمیشود .

در نسب او گفته شدہ است کہ از اعقاب انوشیروان عادل بودہ و دربارہ شعر او نقل شدہ است کہ : « جمع کرد بین فصاحت عرب و معانی عجم » .

جناب سید بزرگوار زاهد سید احمد بن طاووس رحمۃ اللہ علیہ بر یکی از قصاید او ( قصیدہ لامیہ ) شرحی نوشتہ بنام : « الازہار فی شرح اللامیہ مہیار » . مہیار در شب شنبہ ۵ جمادی الثانیہ سال ۴۲۸ ( و بقولی ۴۲۶ ) وفات یافتہ

است .

چرا برخی از بزرگان علماء نمیخواستند به شعر و ادب شهرت یابند؟

میدانیم که بسیاری از بزرگان علماء و فقهاء و حکماء و فلاسفه علاوه بر مقامات علمی دارای طبع شعر و ذوق ادبی بوده و برخی از آنها صاحب دیوان شعر بوده و میباید لکن عموماً مایل نبوده‌اند که عامه مردم آنها را شاعر دانسته و در زمره شعراء محسوب دارند. علت این موضوع:

۱ - رفتار و گفتار برخی از شعراء در مدیحه سرائی از پادشاهان و بزرگان زمان بوده که عموماً بجهت جلب منافع مادی و گرفتن صله و انعام در باره ممدوح خود غلو و اغراق گفته و بیشتر گفتار و اشعارشان در این موارد دروغ و تملق چاپلوسی است که هیچگاه جامعه آنها را نمی‌پسندد.

۲ - اخلاق ناستوده و شاید عقاید انحرافی عده‌ای از شعراء نیز یکی از موجباتی باشد که جامعه نسبت به شعراء از آنچنان که باید و شاید توجه نمی‌کند و آنها را محترم نمی‌شمارد.

در بین شعراء عده‌ای نیز هستند که جز راه حق نپیموده و سخن از روی عقیده و ایمان گفته و از اخلاق و بند و اندرز قدیمی فراقر نهاده‌اند اگر داستان سرائی کرده‌اند بخاطر نتیجه حاصله از آن بوده است. غزل بیانگر حالات روحی و معنوی آنان بوده و زلف و باد و معشوق هر يك در معنی مجازی آن بکار رفته است مردم را بخداشناسی و توحید خوانده و در نعمت و منقبت یا مصائب بزرگان دین شعر سروده‌اند اینان در هر زمان مورد احترام جامعه بوده‌اند لکن کسانی که بتوانند مابین طبقات شعراء تمیز قائل شوند بسیار اندک می‌باشند اکنون بجهت روشن شدن مطلب بداستان زیر توجه فرمائید:

داستان شیخ حسین نجف و شیخ محمد رضا نحوی: علامه شیخ محمد

حزالدین در معارف الرجال (ص ۲۸۰ جلد دوم) در ضمن شیخ شرح مرحوم شیخ محمد رضا نحوی (فرزند شیخ احمد بن حسن بن علی بن خواجه حلّی نجفی متوفی بسال ۱۲۲۶) می‌نویسد:

وی عالم فاضل و ادیب شاعر و مجتهد کامل بود لکن عامه مردم حتی علمایه ویرا فقط شاعری فصیح می‌دانستند و مقامات علمی و اجتهاد او بر کلیه طبقات مجهول بود و کسی ویرا مجتهد و صاحب رأی نمی‌شناخت.

در معارف الرجال می‌نویسد: روایت شده است که وقتی شیخ محمد رضا جهت زیارت بکر بلا مشرف شده بود در یکی از روزها که در کوچه‌های کربلا عبور میکرد بخانه‌ای رسید که در آنجا مجمعی از علمای و اهل فضل گرد آمده بودند و در بین آنها بلکه مقام بر همه علامه بزرگوار عالم جلیل زاهد شیخ حسین نجف کبیر بود وقتی مرحوم شیخ حسین، شیخ محمد رضا را از دور دید ویرا دعوت نمود که به مجلس آنها وارد شده و در مباحث علمی و ادبی با آنان شرکت کند و هیچ یک از حاضرین در آن مجلس از مقامات علمی مرحوم شیخ محمد رضا نحوی آگاه نبودند (بلکه او را یا نمی‌شناختند و یا فقط ویرا شاعری بیش نمیدانستند) چون مرحوم نحوی وارد مجلس شد مرحوم شیخ حسین نجف با احترام او برخاست و او را در سمت راست خود نشانید و باو احترام زیاد نمود بطوریکه عموم حاضرین تعجب کردند سپس مرحوم شیخ شرحی از مقامات علمی و شخصیت و مقام او بیان فرمود و ضمناً اظهار کرد که شهرت شعر و ادب او سایر مقامات او را در علم و اجتهاد در خود پنهان داشته است.

و از این جهت است که علمای بزرگواریکه در نظم شعر مهارت و استادی داشته‌اند این موهبت خداوندی را پنهان داشته و نخواسته‌اند که بشاعری شهرت یابند زیرا که عوام و محسودان مقامات علمی آنان را نادیده گرفته و فقط آنها را

بشاعری معرفی کرده‌اند نه از علماء شعراء .

بیان معارف الرجال درباره مرحوم آیت الله آقا سید عبد الهادی شیرازی:  
مؤلف کتاب معارف الرجال در ضمن بیان شرح حال مرحوم شیرازی (ص ۷۷  
دوم) می‌نویسد:

مرحوم آیت الله شیرازی دارای حافظه‌ای قوی بود و از اشعار دوره جاهلی  
زیاد بخاطر داشت که گاهی در ضمن صحبت در مجالس ادبی نجف اشرف  
بدانها استشهاد مینمود .

مرحوم علامه شیرازی علاوه بر مقام علمی ادبی شاعر بود که بفارسی و عربی  
شعر نیکو میسرود و گاهی اشعاری از آن مرحوم می‌شنیدیم اما کم شعر میگفت  
و از اظهار شاعر بودن خود امتناع داشت و نمیخواست که او را بشناسند همانگونه  
که سیره علماء بوده و بآن معروفند .

نقل دو فتوی: اکنون که نامی از مرحوم آیت الله شیرازی برده شد بسی  
مناسبت نیست که فتوای معروف ایشان همچنین فتوای مرحوم آیت الله حکیم  
رضوان الله علیهما را درباره حزب بعث عراق نقل کنیم:

در معارف الرجال (ص ۷۸ دوم) می‌نویسد:

موقمیکه عبدالکریم قاسم رئیس جمهور عراق در احکام کتاب الله تصرف  
نموده و آنرا بمیل خود و عقاید باطل تعبیر و تأویل و تفسیر می‌نمود و برخی  
از آیات را تحریف میکرد و بدعتها در احکام ایجاد مینمود مرحوم آیت الله  
شیرازی (۱۳۰۵ - ۱۳۸۲) و مرحوم آیت الله حکیم (۱۳۰۶ - ۱۳۹۰) فتوای  
خود را در کفر والحاد حزب بعث بدین شرح صادر فرمودند:

۱ - آیت الله شیرازی در تاریخ ۸ شوال ۱۳۷۹ مرقوم فرمودند:



« الشیوعیه ضلال والحاد فلا يجوز الانتماء اليها » .

۲- آیت الله حکیم در تاریخ ۵ شوال ۱۳۷۹ مرقوم فرمودند :

« الشیوعیه کفر والحاد » .

با توجه باین دو فتوی علت دشمنی دولت بعثی عراق بسا علمای شیعه وقهیم

الله وایدهم الله لنصرة الدين روشن میشود .

### اولین شعر :

نقل شده است که مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در نفس خود ذوق  
واستعداد شعر وشاعری میدید وبسا شعراء وادباء معاشر ومصاحب بود لکن خود  
شعر نمی گفت .

وقتی بفکر افتاد که طبع آزمائی کند وشعری بگوید برای آنکه شعر او مطابق  
قواعد باشد به مرحوم سید رضا هندی که اشعر شعرای وقت بود مراجعه نمود  
تاکفیت شاعری وقواعد آنرا بیاموزد مرحوم آقا سید رضا ضمن بیان مسئول آن  
مرحوم جودت وملاحت وشیوائی وفصاحت شعر را پس اذدرستی قواعد منوط  
ومربوط به ذوق واستعداد سراینده شعر دانست .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا پس از این زمانی بسامراه مشرف گردید ودر  
آنجا بیمار شد . در يك شب از شبهاییکه درحال بیماری وتب بود قصیده‌ای  
بمطلع زیر انشاء نمود

اما لهذا اللیل غد ام لك یا داه امد

تا آخر قصیده که در دیوان اشعارش مضبوط ومسطور است .

مطلب فوق رافاضل گرامی آقاسی دکتر محمد حسین ضیائی بیگدلی قمی  
نقل نمودند که مرحوم علامه نجفی روزی درمجلس درس بمناسبت بیان فرمود .

سید رضا هندی نجفی فرزند سید محمد بن هاشم بن شجاععلی موسوی  
 هندی نجفی عالم جلیل و ادیب بزرگوار در ۸ ذی القعدة ۱۲۹۰ در نجف متولد  
 گردیده و در ۲۲ جمادی الاولی سال ۱۳۶۲ (سال وفات مرحوم آقا شیخ محمد  
 رضا نجفی) وفات یافته در جنب پدرش متوفی بسال ۱۳۲۳ در خانه خود در  
 محله «حویش» از محلات نجف اشرف مدفون گردید. مشارالیه عالمی بزرگوار  
 قیہی صاحب تألیفات و ادیب و شاعر بود علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۷۶۹  
 دوم) درباره او می نویسد:

وجاء شعره من الطبقة العالية فى الرقة والانسجام وقد بلغ فى ذلك مبلغاً  
 عظيماً حتى تغلبت شهرته الادبية على مكانته العلمية.

#### مصاحبین و معاصرین ادبی در نجف اشرف :

مرحوم علامه آقا شیخ محمد رضا نجفی در سال‌هاییکه در نجف اشرف سکونت  
 داشته‌اند در مواقع فراغت و ایام تحصیل و همچنین روزهای تعطیل با جمعی از علماء  
 معروف و ادباء مشهور و شعراء مصاحب و معاصر بوده و عموماً به بحث در مطالب  
 علمی و ادبی و شعر می گذرانیده‌اند.

در کتابهای تراجم رجال بنام افراد زیر بعنوان معاصرین ادبی و مصاحبین  
 مرحوم آقا شیخ محمد رضا اشاره شده است :

۱ - سید ابراهیم بن حسین بن سید رضا بن علامه بحر العلوم طباطبائی

(۱۲۴۸ - ۱۳۱۹)

۲ - سید جعفر بن احمد حسینی حلی

(فوت - ۱۳۱۵)

۳ - شیخ جواد بن محمد بن شیبیب شیبیبی جزائری

(۱۲۸۱ - ۱۳۶۳)

۴ - سید حسین بن مهدی بن حسن قزوینی حلی

(۱۳۶۸ - ۱۳۲۵)

- ۵ - سید محمد مهید بن محمود حبیبی حسنی ( ۱۲۶۶ - ۱۳۳۳ )
- ۶ - شیخ عباس بن علی بن جعفر کاشف الغطاء نجفی ( ۱۲۴۲ - ۱۳۱۵ )
- ۷ - شیخ عبدالحسین بن ابراهیم بن صادق عاملی ( ۱۲۷۹ - ۱۳۶۱ )
- ۸ - شیخ عبدالحسین جواهری بن شیخ عبد علی بن علامه شیخ محمد حسن ( ۱۲۸۲ - ۱۳۳۵ )
- ۹ - شیخ محمد بن طاهر بن حبیب سماوی ( ۱۲۹۳ - ۱۳۷۰ )
- ۱۰ - میرزا مصطفی تبریزی بن حسن بن باقر ( ۱۲۹۵ - ۱۳۳۷ )
- ۱۱ - سید مهدی بن محمد بن حسن موسوی بغدادی ( ابی طابو ) ( ۱۳۲۷ - ۱۳۷۷ )
- ۱۲ - شیخ هادی بن عباس کاشف الغطاء ( ۱۲۸۹ - ۱۳۶۱ )
- برای آگاهی از شرح حال نامبردگان به کتابهای :

معارف الرجال - معجم رجال الفكر والادب - نقباء البشر ومصادر كتب  
نامبرده مراجعه شود بر این عده باید شیخ ابوالمحاسن جناجی را در کربلا (ص  
۴۳ شعراء القرى ) وسید علی علاق را در نجف اضافه نمود .

چند نمونه از اشعار مرحوم آقا شیخ محمد مسجد شاهی :

اینک بعنوان نمونه چند قطعه از اشعار عربی آن مرحوم نقل میشود  
وامیدوار است که در آینه بسیار نزدیک دیوان اشعار ایشان به همت و کوشش  
دانشمند محترم آقای حاج شیخ مهدی غیاث الدین نجفی نجل جلیل عالم بزرگوار  
مرحوم مجد العلماء وفرزند برومند ایشان فاضل محترم آقای آقا شیخ هادی نجفی  
بزیور طبع آراسته گردیده و گنجینه‌ای بر ذخائر ادبی و افتخارات علمیه شیعه  
افزوده گردد انشاء الله تبارک و تعالی .

- ١- قل للسماء دعى الفخارفان ذا  
قمر السماء معدل بثلاثه  
٢- دربارہ ساعت :  
وذات لہو وغشاء معاً  
« وذات قلب قاتی خافق »  
لہا فؤاد فافتق دائماً  
تحمل بالرغم علی وجهها  
جاهلہ بالوقت کم عرفت  
ان الذی یحملها ساعة  
(وان تكن تحملها ساعه  
٣- بدریطوف بکوکب  
فی الکاس نار تلهب  
الروض قدردشه الظل  
والورق فی الروح حیل  
٤- سلطان حسن طرفه عامل  
ادرك فی عامل اجفانه  
٥- یادرفتر الحیب من نظمک  
اصبح من قدرآک فی طرب  
٦- یکی از دوستانش شاخه گل یاسی به ایشان هدیه می کند آن مرحوم  
این دو بیت را ارتجالاً انشاء می نماید :

کم من صدیق قدر جوت وداده  
فزرعت فی قلبی ازاهیر المنی  
واخترته من بین هذا الناس  
لکننی لم اجنی غیر الیاس

۷ - در تقریظ کتاب عروة الوثقی مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی در

پشت جلد چاپ دوم سال ۱۳۳۰ بچاپ رسیده است :

فقیه بیت الوحی ما خاب فی      عروة الوثقی من استمسکا  
فان اهل البیت ادری بما      فی البیت من احکامه مدرکا

\* \* \* \*

کاظم اهل البیت بالعروة ال  
والناس فی اشیاء قد تستوی  
والشرع بیت للهدی قائم  
۸- الان شکل المال فی الدهر منتج  
فمن یشتری منی جمیع فضائلی  
فقیه اصولی ادیب محدث  
وماذا الانتفاع المرء بالعلم والحجی  
عفتت عن الفحشاء فی زمن الصبا  
وثقی اتسی فاستوجب الشکرا  
وما استوت علماً ولا خیراً  
والبیت اهلوه به ادری  
ولکن شکل العلم فیہ عظیم  
فانی بانحاء العلوم علیم  
طیب بصیر بالنجوم حکیم  
اذا قیل هذا مفلس وعسیم  
علی ان شیطان الشباب رجیم

۹ - موقعی کتاب جاسوس در لغت ( الجاسوس علی القاموس ) تألیف احمد

فارس بن یوسف لبنانی متوفی بسال ۱۳۰۵ را خواست که از شیخ علی بن محمد

رضا آل کاشف الغطاء بعنوان امانت بگیرد این دو بیت شعر را جهت او ارسال

داشت (ص ۲۴۶ سوم معارف الرجال پاورقی) :

یا من بفیض اکفه و علومه      اغنی الوری طراً عن القاموس  
ما فی فؤادی غیر حبک قاطن      فابعث اذا کذبت بالجاسوس

۱۰ - مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۴۲۷) می نویسد :

این دو بیت را پس اهدای عکس بخدمتشان جواباً فرستادند :

لقد كنت ارجوان ارى وجهك الذى

تقر به عيني و تكمل لى انسى

فرتبت للقبيا قضايا كثيرة

وما انتجت تلك القضايا سوى العكس

۱۱ - در موقع ازدواج شيخ كاظم بن شيخ موسى بن شيخ محمد كاشف الغطاء با دختر عمويش مرحوم شيخ على بن شيخ محمد رضا آل كاشف رضا آل الغطاء در سال ۱۳۲۴ قصيده‌ای در ۶۸ بيت در تهنيت و تبريك سروده و در مجلس عام در حضور بزرگان علم و ادب قراوت فرموده و مورد تحسين و اعجاب قرار گرفته و به قصيده ( تنصر ) شهرت يافته است در معارف الرجال ( صفحه ۵۴ سوم ) تمام قصيده نقل شده است مطلع قصيده اين اشعار است :

قلبي بشرع الهوى تنصر      شوقاً الى خصره المزنر

كنيسة تلك ام كناس      و غلصة ام قطيع جاذر

و كم به من ملك حسن      جار على الناس اذ تأمر

در اعيان الشيعه ( ص ۴۷ سى و دوم ) نيز چهل بيت از اين قصيده نقل شده لکن در ترتيب اشعار و برخی از كلمات جزئى اختلاف موجود است و اين بيت از هر دو كتاب ساقط گرديده است :

و اضرب القلب من صغير      على من تبهه تكبر

دو جلسه ادبى در نجف اشرف :

همچنان كه گفتيم مرحوم آقا شيخ محمد رضا مسجد شاهى كه در نجف به : آقا رضا اصفهانى شهرت داشته در مجامع عمومى و جلسات خصوصى ادبانه

و شعراء معروف نجف شرکت مینمود و بفرا خور حال و مقام اشعاری میسرودند  
از آنجمله :

۱ - در کتاب : ادب الطف یا شعراء الحسین علیه السلام تألیف : جواد شبیر  
( صفحه ۲۷۱ ) و همچنین مجله الغری ( صفحه ۱۲۹۰ ) می نویسد :

در جلسه ای که جمعی از ادباء حضور داشتند و آنان عبارت بودند از : شیخ  
جواد شبیری و شیخ آقا رضا اصفهانی و شیخ هادی کاشف الغطاء سید جعفر حلی  
صاحب دیوان « سحر بابل » در دست یکی از آنان ( عقد الفرید ) تألیف ابن  
عبدربه بود . باین جمله رسیدند و خواندند : « نظرت بعینی شادن ظمان » قرار  
شد آنرا مصرع اول قصیده ای قرار دهند و هر کدام بیتی از آن قصیده را  
بگویند :

شیخ هادی گفت : نظرت بعینی شادن ظمان

ظمیاہ بالتلعات من نعمان

شبیری : و تمايلت اعطافها كقصونها

ما اشبه الاعطاف بالاغصان

حلی : و شدا بذاك الريع جرس حلها

فتمايلت طرباً غصون البان

اصفهانی : هیفاء غافية لها من طرفها

اسیاف غنخ قن کل یمان

این قصیده ۵۶ بیت ( هر کدام ۱۴ بیت گفته اند ) و تمام آنرا در دیوان سید

جعفر حلی ( سحر بابل ) نقل شده است .

۲- و هم در مجله الغری شماره سابق می نویسد :

مرحوم سید جعفر حلی و آقا شیخ محمد رضا درقریه « رجبه » بودند قرار میدهند

که قصیده‌ای مشترکاً سروده و جهت آقا شیخ هادی کاشف الغطاء ارسال دارند.

آقا رضا اصفهانی فرمود :

ایا غزال المنحنى قدك فقد جرت على المشاق فى لحظ وقد

ولم تبرد غلة لعاشق وقد حوى ثغرك برداً وبرد

سید جعفر حلی گفت :

تسوف الوعد الى غدويا ما اقرب الخلف وما بعد غد

اعرنك القلب مما رددته وما سمعنا بمعار لا یرد

این قصیده متجاوز از چهل بیت است و جهت آقا شیخ هادی ارسال داشتند.

این دو قصیده در مجامع ادبی نجف مورد تحسین و قبول واقع گردیده

است .

### نمونه‌ای از اشعار فارسی :

نویسندگان شرح حال مرحوم علامه آقا شیخ محمد رضا نجفی درباره آن

بزرگوار می‌نویسند که :

وی بعبری و فارسی شعر میسروده است . از اشعار فارسی آن مرحوم در کتابها

چیز قابل توجهی نقل نشده است جز آنکه مرحوم مجدالعلماء فرزند آن مرحوم

در کتاب : « المختار من القصائد والاشعار » چند سطر زیر را بایشان نسبت

میدهد :

دل ما را اگر از آل جام است چه حاصل کو نسب دارد زیافت

دریغا عمر من در هجر بگذشت نمیدانم چه شد بر هجر باعث

دل گمگشته‌ام گریزاز جوئی ... لایقراه

دل در دست آن طفل یهودی چو طفل مسلم اندر دست حارث



وهم از اشعار آنجنابست :  
 تا بکی خوبان زمن دوری کنند  
 النبیات از هجر خوبان النبیات  
 طاقتم از هجر رویت طاق شد  
 هجر ما را نیست پایان النبیات  
 خواجه شیر از خوشی فرموده است  
 « درد ما را نیست درمان النبیات »  
 عقل و دل بردند از شیخ نجف  
 خوبرویان صفاهان النبیات

### بدیهه سرائی :

یکی از خصوصیات مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی حاضرالذهن بودن  
 و بدیهه سرائی ایشانست که در هر موقع بر حسب اقتضای زمان و مکان و جلسات  
 و سخن‌هایی که در آن مجلس گفته میشده يك یا دو شعر متناسب فی البدیهه میفرموده  
 است . از این گونه اشعار که متأسفانه توجهی به گرد آوری آنها نشده است کم  
 و بیش دوستان و شاگردان و معاصرین و مصاحبین آن مرحوم چیزها بخاطر دارند  
 که ذیلاً بچند تا از آنها اشاره میشود :

۱ - جناب آقای دکتر هبةالله نوری فرزند مرحوم عالم جلیل حاج میرزا  
 بهاءالدین نوری ( متوفی بسال ۱۳۴۲ مدفون در بقعه بابا رکن الدین در تخت  
 فولاد ) رحمهالله علیه نقل فرموده که :

در ضیافتی که در خارج شهر در باغ متعلق به مرحوم آقا نجم‌الدین معروف  
 به نجم الشریعه نوری برادر جناب آقای دکتر و شاگرد مرحوم علامه نجفی  
 عده‌ای از علماء از آنجمله مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی حضور داشتند یکی  
 از حاضرین آب نوشید آقای آقا شیخ محمد رضا نجفی بالبداهه فرمود :

لا تشرب الماء فمن رقه      اخاف ان یشربك الماء  
 مرحوم حاج نجم الشریعه نوری میزبان ابرتجالاً و ترجمه آن فرمود :

منوش آب که ترسم ز ناز کی که تراست

تو آب نوشی و آب از لبث شود سیراب

۲ - آقای دکتر محمد حسین ضیائی بیگدلی قمی یکی از شاگردان و مجازین

از مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی نقل کردند که :

روزی در جلسه درس خارج فقه موضوع بحث (نماز مسافر) بود مرحوم علامه نجفی بمناسبت خاطراتی از روزگار جوانی بیان نموده و شرحی از آن ایام نقل نموده و در بین سخنان با حالتی مخصوص که بیانگر تأثر و نأسف از آن دوران بود باین شعر مترنم گردید که :

و كل مسافر فله ايباب      فهل لك يا شباب من الرجوع

۳ - جناب آقای دکتر محمد مهریار استاد سابق دانشگاه اصفهان فرزند

مرحوم حاج شیخ ابوالفضل نجفی بنقل و اقتباس از کتاب : « تذكرة الاعلام فی

انساب اولی الارحام » از تألیفات خودشان این خاطره را مرقوم فرموده و جهت

ثبت در این کتاب ارسال داشته‌اند بدینوسیله از توجه و عنایت و بزرگواری ایشان

تشکر می‌کنم .

ایشان مرقوم داشته‌اند که :

من خود محضر فاضلانه و ادیبانه آن مرحوم را درك کرده بودم متأسفانه در

سنین صباوت و بهمین دلیل سعادت بهره‌مندی فراوان از آن بزرگوار را نداشتم .

وی در ادبیات عرب استاد بود و این سخن درباره او بر سر زبانها از همه کس شنیده

میشد . در مجلس پدرم که بسیار با صاحب ترجمه مانوس بود او را اکثر می‌دیدم

که شعر عربی می‌خواند . مرحوم حاج شیخ محمد ابراهیم دهقانی روزی بمن

گفت که :

از آقای آقا شیخ محمد رضا پرسیدم : آقا معروفست که شما سنی هزار شعر

عربی از حفظ دارید آیا این سخن درست است؟ و آن بسا همان صدای درشت  
خود خشمناک گونه فرمود:

سی هزار شعر یا سی هزار قصیده.

باری تمایل آن بزرگوار بیشتر بآداب و ادب عرب بود شیوه خطی شبیه  
خطوط نسخ رایج در عراق برای خود داشت که سخت جالب نظر بود و عقیده  
من این است که مکتوبات صاحب ترجمه بزبان عربی بر خلاف بسیاری از کتب  
عربی فارسی زبانان راستی عربی است و ادیبانه. در محضر والد که صاحب  
ترجمه و مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری بودند همه را گفتگو از تفوق  
زبان عربی و ادب عربی بر ادب فارسی و زبان پارسی بود.

در یکی از همان مجالس و محاضرات ادبی از آن مرحوم رباعی بشعر عربی  
بافتخار عمر بن ابی ربیع از فحول شعرای مخضرمی که میگوید:

فرأیت منها معصماً حين جمـرت

و كفاً خضيباً زينت بينان

شنودم که مدتها سخت دلم آویخته او بود ولی اینک که این سطور نگارش  
می یابد بیت اول را فراموش کرده ام و بیت دوم چنین است:

افلام ياقوت كتبن بعنبر في صفحة البلور خمسة اسطرى

می گوید: محبوبه زیبای خود را با کف خضیب دیدم که دست بر سینه  
بلورین نهاده بود. چنان زیبا و دلفریب که پنداشتی که خاوه‌های یاقوت است که  
پنج سطر علامت پنج انگشت بصحفه بلورین سینه که با عنبر نبشته اند.

ذوق ادبی و لطافت طبع و احساس شاعرانه از امتیازات بزرگ ایشانست

(انتهی).

## کتابخانه :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا دارای کتابخانه نفیسی در نجف و اصفهان بوده گر چه از حیث کمیت و تعداد خیلی قابل توجه نبوده اما از نظر کیفیت دارای کتابهای خطی ارزنده برخی بخط مؤلفین و عده‌ای از آنها تاریخ کتابت و تصحیح و مصححین آن مورد عنایت بوده‌اند .

علامه طهرانی در مجلدات الذریعه گاهگاهی از آنها نام میبرد از آنجمله :

۱ - اصول فصول التوضیح علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۰۰ دوم) شرحی راجع به این کتاب می‌نویسد و گوید سید محمد بن محمد معروف به میر لوحی سبزواری آنرا از تألیفات مولی محمد قسی مجلسی و در انتصار از عقاید صوفیه می‌نویسد لکن مرحوم شیخ علی صاحب کتاب : الدر المنثور .

۲ - اصول کافی با علامت بلاغ از علامه مجلسی

۳ - اظهار الحق و معیار الصدق (ص ۱۵۱ چهارم الذریعه) تألیف میر

سید احمد علوی

۴ - ایضاح الاشتباه (ص ۴۹۳ دوم الذریعه) بخط مؤلف

۵ - انبیا سلطان المؤمنین

۶ - تفسیر الائمة لهداية الامه تألیف ملا محمد رضا بن عبدالحسین نصیری

اصفهانی (ص ۱۳۸ سوم الذریعه)

۷ - تفسیر مرحوم شیخ یعقوب بختیاری

۸ - تفسیر منهج الصادقین ظاهراً بخط مؤلف

۹ - دعوات الاسماء تألیف شهاب الدین سهروردی

۱۰ - الرد علی القول (ص ۲۱۹ دهم الذریعه)

۱۱ - شرح تجرید باو فقامه بخط علامه مجلسی بسال ۱۰۹۳ . ق . ۸  
۱۲ - شرح مجلسی تألیف خواجه نصیر الدین طوسی تاریخ کتاب ۱۰۱۵  
ق . ۸ .

۱۳ - شرح مجلسی تألیف غیاث الدین جمشید کاشانی تاریخ کتابت ۱۰۱۴ . ق . ۸  
۱۴ - شرح معارج الاصول (ص ۷۰ چهاردهم الذریعه) تألیف میر فیض الله  
تفرشی متوفی سال ۱۰۲۵ . ق . ۸ .

۱۵ - شرح نتایج الافکار  
۱۶ - صحیفه الرشاد ضمن مجموعه بخط عبدالهادی بن وجیه الدین اسماعیل  
بدون تاریخ (ص ۱۵۱ چهارم الذریعه)

۱۷ - مختصر کشف الریبه تألیف علی بن عبد در شهر اصفهان سال تألیف  
۱۰۲۱ (ص ۲۰۴ بیستم الذریعه)

۱۸ - مصباح المتهدد جزء اول خط قرن هفتم و قفسی بهرام بیک با خط  
سبه حجة الاسلام و سید ثانی بیدآبادی

۱۹ - من لایحضره الفقیه

۲۰ - رساله النجفیة فی سهو الصلاة الیومیة تألیف شیخ ابراهیم بن سلیمان  
قطیفی متوفی بسال ۹۴۵ هجری تاریخ نسخه « رمضان ۱۰۲۵ (ص ۲۲۷ یازدهم  
الذریعه) .

#### همسر و اولاد و اعقاب :

مرحوم آقا محمد رضا دارای دو همسر دائمی و یک همسر منقطعہ بتوده و از  
آنان جمعا دارای نه فرزند پسر و دختر بشرح زیر می باشد :

الف : همسر اولیه ایشان مخدره علویه زهرا بیگم دختر مرحوم آقا سید محمد امامی خاتون آبادی اصفهانی نجفی می باشد اولادهای این مخدره محترمه عبارتند از :

- ۱ - آیت الله مرحوم حاج شیخ مجد الدین مجد العلماء نجفی علیه الرحمه .
- ۲ - مرحوم حاج شیخ عز الدین نجفی رحمه الله علیه .
- ۳ - آقا نور الدین نجفی داماد حاج آقا کمال الدین قزوینی و سالهاست که از اصفهان بلکه از ایران خارج گردیده و فرزند ایشان آقای دکتر شاهین نجفی داماد آقای حاج سید محمد تقی موسوی بید آبادی داماد مرحوم مجد العلماء می باشد .

- ۴ - مخدره عزت الشریعه
- ۵ - مخدره بهجت خانم
- ۶ - مخدره نزهت خانم

ب : همسر دائمیه دوم مرحوم آقا شیخ محمد رضا مخدره مریم خاتم نام داشته اولاد او عبارتند از :

- ۷ - آقای آقا مهدی نجفی
- ۸ - پروین خانم

ج : همسر منقطعه مرحوم آقا شیخ محمد رضا بانو رباب خانم نیام داشته و فرزند او عبارتند از :

- ۹ - آقای آقا محمد تقی نجفی داماد مرحوم آقا رضا صدر العلماء شمس آبادی حسینی اصفهانی

دو نفر از فرزندان آن مرحوم جزو روحانیون اصفهان بودند که ذیلاً به اجمالی از شرح احوال آنان میپردازیم .

حاج شیخ عزالدین نجفی رحمة الله عليه دومین فرزند پسر علامه نجفی  
رضوان الله عليه :

مادر آنجناب علویه زهرا خانم صبیبه مرحوم آقا سید محمد امامی خاتون  
آبادی اصفهانی نجفی است .  
در نجف اشرف متولد گردیده و در خدمت پدر بزرگوار بایران و اصفهان  
مهاجرت کرده و دوران عمر خویش را در این شهر گذرانیده و پس از فراغت از  
تحصیل به امور اجتماعی و رسیدگی و سرپرستی دفاتر رسمی اداره ثبت اسناد  
اشتغال جسته و در محله بیدآباد در کوچه شیخها ( مشایخ بیدآباد ) ساکن گردید .  
مرحوم حاج شیخ عزالدین فاضلی نیکو نهاد و عالمی خوش اعتقاد و دائم  
الذکر و خلیق و مهربان و خوش معاشرت بود . تحصیلات او نزد علماء اصفهان  
و بالاخص پدر بزرگوارش بود .

جزوات چندی بشرح زیر عموماً ناتمام از آثار قلمی او بنظر رسید :

- ۱ - جزوه در منطق از کتاب : بصائر النصیریه در ۲۴ صفحه .
- ۲ - جزوه در کلام ( در مبحث امامت ) در ۷ صفحه .
- ۳ - جزوه در نحو در ۱۲ صفحه .
- ۴ - جزوه در صرف تاریخ اتمام جمعه غره رمضان المبارک ۱۳۵۶ ق .
- ۵ - جزوه در فقه تاریخ اتمام جمعه غره رمضان المبارک ۱۳۵۶ ق .
- ۶ - جزوه در درایه .
- ۷ - وجیزه شیخ بهائی رحمة الله عليه .
- ۸ - فی ذکر من اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم از مرحوم سید  
بحر العلوم رضوان الله عليه در آخر این جزوه نوشته شده هست : تمت بید الاقل

عزالدین النجفی بتاریخ جمعه غره محرم الحرام ۱۳۵۷ قمری مطابق با

۱۳ / ۱۲ / ۱۳۱۶ شمسی .

۹ - تاریخ ادبیات عرب بفارسی در ۷۸ صفحه بخط کاتبی غیر از مرحوم

حاج شیخ عزالدین بتاریخ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۵۶ دو صفحه بخط مرحوم

حاج شیخ عزالدین نجفی است .

۲۰ - جزوه در اصول .

این جزوات در ضمن مجموعه‌ای است بترقیب فوق

۱۱ - کشکول .

باید متذکر شویم که مرحوم حاج شیخ عزالدین مدتی در خدمت مرحومین

عالمین فاضلین کاملین آقا شیخ امان الله گینکانی و حاج ملا فرج الله دری نیز مقدمات

علوم و ادبیات فارسی و عربی را آموخته است .

مشار الیه در دوم شهریور ماه سال ۱۳۵۸ شمسی در اصفهان وفات یافته در

قم مدفون گردید .

### مجد العلماء

نام : حاج شیخ محمد علی اولین و بزرگترین برادران

لقب : امجدالدین - مجدالدین

شهرت : مجد العلماء آن مرحوم بیشتر به این لقب معروف و مشهور بود

بطوریکه نام اصلی ایشان مهجور و متروک مانده بود .

پدر : علامه فقیه ادیب آقا شیخ محمد رضا نجفی

مادر : علویه زهراء بیگم دختر مرحوم آقا سید محمد امامی خاتون آبادی

نجفی

تولد : مرحوم مجد العلماء در ۲۳ جمادی الاولی سال ۱۳۲۶ در نجف اشرف



متولد گردید. و سنین اولیه عمر خود را در خدمت پدر بزرگوار در آن ارض اقدس بسر برده و در سال ۱۳۳۳ به همراهی والد ماجد به ایران و اصفهان مهاجرت فرموده و تا آخر عمر غیر از چند سفر از این شهر خارج نشده است.

اساتید و مشایخ اجازات: مرحوم آیت الله مجد العلماء در خدمت جمعی از دانشمندان اصفهان مقدمات و سطوح را خوانده و سپس درس خارج فقه و اصول را ظاهراً فقط از پدر خود استفاده نموده تا بمقام شامخ اجتهاد رسیده و از پدر بزرگوار گواهی اجتهاد دریافت داشته است.

اینک اسامی برخی از اساتید ایشان بطور مسموع:

۱ - سید عبدالحجت بلاغی . مرحوم بلاغی در کتاب: اعلاط در انساب

(ص ۲۴) می نویسد:

یک سال علوم ادبی را نزد راقم خوانده.

۲ - مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی

۳ - مرحوم سید میرزا اردستانی

۴ - پدر دانشمند آن مرحوم علامه فقیه آقا شیخ محمد رضا که مرحوم مجد

العلماء فقه و اصول و هیئت و ریاضی و غیره را نزد ایشان خوانده است.

امامت جماعت: مرحوم مجد العلماء از سالی که پدر بزرگوارش وفات یافت

(۱۳۶۲) تا موقع وفات بغیر از ایام مسافرت ظهر و شب در مسجد نو بازار (شرح آن

در خاتمه این کتاب نوشته خواهد شد) اقامه جماعت نموده و عده ای از مؤمنین

و مقدسین بنماز ایشان حاضر شده و بقبض و ثواب نائل می شدند بالاخص در ایام

ماه مبارک رمضان که نماز جماعت مسجد نو و منبر و اعظین آنجا عنوان و شهرتی

داشت و مردم از عموم محلات بدانجا رفته و در نماز و استفاده از مواظظ شرکت

میتمودند.

اجازات: همانگونه که قبلاً متذکر شدیم مرحوم آقای مجدد العلماء از بزرگوار خود گواهی اجتهاد داشته و آنرا جهت خویش کافی میدانسته و در صدد جمع آوری اجازات نبوده است لکن آیات عظام مراجع بزرگ تفضل بر مردم را در پرداخت وجوهات و مراجعه در امور حسیه و آنچه مربوط به مجتهدین است به ایشان حواله فرموده و رسماً نوشته اند که باید در این گونه موارد به آنجناب مراجعه شود.

اینک جهت تبیین و تبرک سواد اجازة مرحوم آقا شیخ محمد رضانجفی را برای ایشان نقل می کنیم :

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين الذي لا ينزل الي كنهه حافة  
 و حمل صدانه علمم العالمين و لا يبي نادره  
 اصداد المحمدين و الصلوة على محمد و آله  
 و بعد فان العالم كفا من المحسنين و المحبوبين  
 قره عيني الحق محمد بن حسن فضال و حسن مشرف  
 فعينه و امر له و وحده و اقوة نفسي الاضداد  
 بصير اسماني الاحكام فله نعمها مما استنطقه من  
 الاحكام استنطقا طائفاً كفا من كفا من كفا من  
 علمها الا كلام و اسئل الله العلي و العزيم  
 مع محمد الرضا العلي

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين الذي لا تصل الي كنهه ذاته  
وجميل صفاته علوم العالمين ولا ينفى باداء حقه اجتهاد المجتهدين والصلوة على  
محمد وآله اجمعين .

وبعد فان العالم الفاضل الخبير والمهذب التحرير قرة عيني الشيخ مجد الدين ممن  
حضر دروس الشريفة فقهية واصولية فوجدته ذاقوه تسمى الاجتهاد بصيراً بمباني  
الاحكام فله العمل بما استنبطه من الاحكام استنباطاً مطابقاً للقواعد المقرره من  
علمائنا الاعلام واسئل الله له التأييد والتوفيق : شيخ محمد الرضا النجفي : مهر:  
محمد رضا بن محمد حسين . اجازته فوق بدون تاريخ است لكن ظاهراً بعد از  
سال ۱۳۵۰ می باشد .

تدریس: مرحوم مجد العلماء در سالهای اخیر بخصوص پس از فوت مرحوم  
حاج شیخ مهدی نجفی در مدرسه مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام فقه و اصول  
خارج و تفسیر و تدریس مینموده و از سالها قبل ریاضی و هیئت را جهت طلاب  
و دانشجویان دینی تدریس میفرمودند .

در مقدمه رساله امجدیه (ص ۱۵ چاپ سوم) در پاورقی شرح حال مرحوم  
مجد العلماء می نویسد :

آوازه شهرت معظم له در این علوم ( علم هیئت و نجوم) بحدی بود که بیست  
و چند سال پیش دانشگاه طهران در تماسی با ایشان پیشنهاد کرسی استادی این  
چند رشته را نمود ولی معظم له بدلیل مسائل آن روز دانشگاه ( بسی بند باری  
دختران و پسران و غیره ) و تشخیصشان که در حوزه مفیدترند و بهتر می توانند مشر  
ثمر واقع شوند این پیشنهاد را نپذیرفتند .

تالیفات و آثار علمی ایشان : از مرحوم مجد العلماء کتابها و جزواتی در فقه  
و اصول و دیگر مباحث باقیمانده که امید است به همت فرزند دانشمند ایشان دوست

بزرگوار حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی نجفی آن جزوات مرتب و مهذب  
بطببع برسد اکنون اسامی آنها :

- ۱ - ایرادات و انتقادات بر دائرة المعارف فرید و جدی مختصر و غیر مدون .
- ۲ - ترجمه نقد فلسفه داروین : اصل کتاب در دو مجلد عبری از تألیفات  
مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی است که در بغداد بچاپ رسیده است .  
مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در رساله امجدیه (صفحه ۲۵ چاپ اول)  
در باره کتاب نقد فلسفه داروین می فرماید :

اگر کسی از مؤمنین بزبان عربی انس کامل داشته باشد رجوع بآن کتاب  
نماید و اگر بتواند ترجمه بفارسی نماید به اعتقاد حقیر خدمت بزرگی بعالم دین  
نموده .

این کتاب بر حسب دستور مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی بوسیله فرزند  
ایشان ترجمه شده لکن اوراق ترجمه غیر مرتب و مفسوش و ممکن است برخی  
از صفحات آن مفقود شده باشد که باید با نسخه اصل تطبیق و تنظیم و تکمیل  
گردد .

۳ - جزواتی در تفسیر قرآن : هیئتی بنام هیئت حضرت رقیه خاتون در اصفهان  
تشکیل گردیده بود که هفته ای یک شب جلسه داشتند و از مرحوم آقای مجد العلماء  
تقاضا نموده بودند که آنها را موعظه و ارشاد فرموده و درس تفسیری بفرماید آن مرحوم  
نیز برای این منظور در هفته مطالبی پیرامون آیات قرآن کریم قیلاباد داشت نموده  
و در جلسه درس و هیئت بحث می نمودند . تعداد این جزوات زیاد نیست و احتیاج  
به تفتیح و تهذیب و پاکنویس دارد .

۴ - حواشی بر روضات الجنات در حاشیه روضات و غیر مدون لکن مرحوم  
سید عبدالحجت بلاغی برخی از آنها را برخلاف میل و رضایت ایشان در رساله : احوال

در روضات با امضای (م) بچاپ رسانیده است .

۵ - حواشی بر سمط اللثال از تألیفات مرحوم والدشان مختصر و غیر مدون در حواشی کتاب .

۶ - حواشی بر وقایع الادهان از تألیفات مرحوم والدشان مختصر و غیر مدون در حاشیه کتاب .

۷ - صرف افعال در تاریخ ۲۸ محرم ۱۳۳۹ بسن سیزده سالگی صرف چندین فعل را بطور کامل نوشته اند .

۸ - الفوائد الرضویه فی شرح الفصول الغریبه .

کتاب فصول الغریبه از تألیفات علامه فقیه اصولی آقا شیخ محمد حسین بن محمد رحیم رازی اصفهانی حائری می باشد که مورد نظر و توجه فحول علماء اصولیین بوده و مخصوصاً مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی نظر خاصی بآن کتاب داشتند و مطالب آنرا در موقع درس مورد بحث و مذاقه قرار میدادند و در رد ایراداتی که از طرف برخی از بزرگان به آن شده سعی میکردند .

آغاز نسخه الفوائد الرضویه :

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين محمد وآله الطيبين الطاهرين واصحابه وآله الاخيار المنتجبين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين .

اما بعد فيقول المفتقر الى رحمة رب العالمين الشيخ مجد الدين ابن شيخ العلماء وسلطان الفقهاء الشيخ محمد رضا النجفي الغروي آل علامة العلماء وزبدة الفقهاء ورئيس الحكماء الشيخ محمد تقى صاحب هداية المسترشدين فى شرح اصول معالم الدين .

در مقدمه می‌نویسد که مطالب این شرح مأخوذ از پدرم می‌باشد. جزوه در ۱۴ صفحه بقطع کوچک جیبی ۱۹ سطری می‌باشد در پشت کتاب این دو سطر شعر از ایشان نوشته شده است :

هذا كتاب جامع لفوائد      عظام لم يكن عند مفرع  
وهذا كتاب ليس بآني بمثله      ولم برعين الدهر وهو مجمع  
الشعران لمؤلف هذا الكتاب .

من خط المصنف دام ظلّه فی ایام الصغر

اگر کسی بتواند که علم آموزد      به از کسی است که هر روزه مال اندوزد  
۹ - گل گلشن منتخب از کتاب گلشن راز سروده شیخ محمود شبستری  
تاریخ فراغت از انتخاب شب ۲۸ جمادی الاولى سال ۱۳۵۰ ق. ه  
۱۰ - المختار من القصائد والاشعار در دو جزء تاریخ شروع ۱۵ شعبان  
سال ۱۳۴۶ .

۱۱ - مسائل العلوم مطالب گوناگون و مسائل مختلفه از حدیث و تاریخ و مطالب  
دیگر غیر مرتب و احتیاج به تهذیب و ترتیب دارد .

نقل حدیثی از کتاب مسائل العلوم :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: قوام ديني باربعة اشياء : بعلم العلماء  
وكرم الاغنياء وعدل الامراء ودعاء الفقراء . وقال ايضا : من اراد ان يتكلم مع الله  
فليقرأ القرآن . وقال صلى الله عليه وآله وسلم : اهل القرآن هم اهل الله وخاصته  
گفتاری از افلاطون : هم در آن کتابست که :  
قبل لافلاطون : بم تبتم الانسان من حاسده وعدوه؟ قال: بان يزداد في نفسه

فضلاء . اقول : از دیدار الفضل انتقام من الحاسد قطعاً اما من مطلق العدو قلی فیہ نظر فافهم .

۱۲ - مقدمه بر تفسیر قرآن تألیف مرحوم حجاج شیخ محمد حسین جد امجد ایشان .

بنیاد تحقیقات اسلامی بعثت در صدد چاپ این کتاب که قبلاً بچاپ رسیده بود برآمد و از ایشان پس از کسب اجازه درخواست نمود که مقدمه‌ای بر آن بنویسند مرحوم مجدالعلماء با مساعد نبودن وضع مزاجی و ناراحتی چشم و دیگر بیماریها مقدمه‌ای کوتاه و مختصر لکن گویا و مستدل در چند صفحه مرقوم فرموده که قرار است در مقدمه چاپ تفسیر فوق الذکر قرار گیرد .

۱۳ - یادداشتهای متفرقه راجع به درس خارج فقه ، که اگر جمع و مرتب گردد خود کتابی خواهد شد اما در حال حاضر اوراقی پراکنده و غیر منظم است

۱۴ - البواقیت الحسان در تفسیر سوره الرحمن غیر مرتب و ناساتمام ظاهراً این همان جزوات تفسیر قرآن است که ایشان در جلسات و هیأت حضرت رقیه خاتون علیها سلام که در مسجد ایشان منعقد میگرددید افاده میفرمودند .

غیر از آنچه ذکر گردید حواشی و نوشته‌های دیگری نیز از ایشان باقیمانده که باید با کمال دقت بدرسی شود .

فوت و محل دفن : مرحوم مجدالعلماء در اواخر عمر سفری بطهران نموده که مقدمات مسافرت به خارج کشور را جهت معالجه بیماری چشم فراهم نمایند لکن در این سفر در صبح روز چهارشنبه ۲۰ ذی الحجة الحرام سال ۱۴۰۳ در قلهک ( طهران ) در منزل دخترشان وفات یافته و جنازه به اصفهان منتقل گردید . مراسم غسل و تکفین در منزل ایشان انجام یافته سپس جنازه از منزل به

مسجد شاه منتقل گردیده و از آنجا (مسجد امام) با انبوه مشیمن و تعطیل بازار  
به مسجد نو منتقل گردیده و در مسجد نو در انتهای ایوانچه شمال شرقی پسای  
دیوار دفن گردید .

اشعار مرثیه و ماده تاریخ : در فوت این عالم جلیل عده‌ای از شعراء و گویندگان  
اصفهان مرثیه و ماده و تاریخ گفتند از آنجمله :

شاعر توانا آقای علی مظاهری	
مجد العلماء و مجد دین رفت	آن عالم عالم یقین رفت
از مجمع عالمان معلم	آن رهبر راه راستین رفت
محراب نشین مسجد نو	بر منبر عرش از زمین رفت
آن دم که از این جهان به جنت	آن پاک نهاد پاک بین رفت
تاریخ و فسات او رقم شد	«رونق ده علم و حصن دین رفت»

۱۴۰۳

توضیح : مصرع تاریخ از اثر طبع آقای سید قدرت الله هانفی می باشد در  
جلد سوم نیز از ایشان ترجمه‌ای خواهد آمد .

دامادهای مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی :

مرحوم آقا شیخ محمدرضا همانگونه که ذکر شد دارای چهار فرزند دختر  
بوده که شوهران آنها عبارتند از :

۱ - مرحوم میرزا محمد حسن نجفی زاده فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ  
مهدی نجفی ازدختر مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی (آقانجفی) . مرحوم نجفی  
زاده مردی فاضل و ادیب بسود و در مدارس اصفهان بشفل تدریس اشتغال داشته  
و در ذی القعدة سال ۱۴۰۷ وفات یافته در قبرستان جدید (باغ رضوان) مدفون  
گردید ترجمه ایشان در جلد سوم می آید .



۲ - مرحوم محمد حسین معروف به فرید فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی

۳ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین نجفی فرزند مرحوم آقا جلال الدین فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی

### فوت - محل دفن - ماده تاریخ وفات :

مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی در اواخر عمر قریب دو ماه بیمار و بستری بود و دیگر به مسجد جهت اقامه جماعت و تدریس حاضر نمیشد . در این مدت مرحوم مجد العلماء در مسجد نماز جماعت میگزارد .

وضع مزاجی مرحوم آقا شیخ محمد رضا در این دو ماه متغیر بود یعنی گاهی بدترو زمانی اندکی بهتر میشد تا سرانجام در صبح روز یکشنبه ۱۴۲۴ هـ محرم الحرام سال ۱۳۶۲ پس از سه روز که وضع بحرانی و بسیار سخت داشت وفات یافت .

مراسم تغسیل و تکفین در منزل انجام گرفته سپس جنازه به مسجد شاه منتقل و از آنجا با تشییع عظیم که شایسته مقام علمی و روحانی آن عالم جلیل بود با دستجات عزادار و هیئت ها و عموم طبقات مردم و شرکت علماء و مجتهدین و طلاب به تخت فولاد عمل گردید .

محل دفن : مرحوم آقا شیخ محمد رضا در بقعه جد بزرگوار خود علامه آقا شیخ محمد تقی رازی در پائین پای مشارالیه دفن نمودند و فردای آن روز یعنی روز دوشنبه در مسجد شاه جلسه ختم برگزار شد و در این دوروز بازار اصفهان بحسب امر مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی تعطیل بود روزهای بعد تا پس از هفته در سایر مساجد و مدارس بنوبت صبح و عصر جلسات ختم برگزار گردید و مردم

اصفهان حقاً از فوت آن عالم بزرگوار متأسف و اندوهگین شدند. عده‌ای از شعراء و گویندگان نیز در مرثیه ماده تاریخ فوت او اشعاری سرودند.

در شهرهای قم و طهران و مشهد و دیگر شهرهای ایران نیز مجالس ختم جهت ایشان اقامه گردید و در نجف اشرف از طرف مرحوم آیت الله آفاسید ابوالحسن اصفهانی جلسه فاتحه با شکوهی برگزار شد.

ماده تاریخ فوت مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی: در تاریخ فوت علامه مغفورله آقا شیخ محمد رضا جمعی از ادباء و شعراء بفارسی و عربی مرثی و ماده تاریخهایی سرودند از آنجمله:

۱ - مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان‌وری (صفحه ۴۲۷) اصفهان (صفحه ۷۵ سوم) می‌نویسد:

لقد اقل الكواكب مذتوفی	رئیس العلم فی ذاك الزمان
محمد الرضا الفروی شیخ	سما علم لاهل الاصبهان
ولما راح راح الروح عما	به شأن الیوان من المعانی
تمنی الجابری بان یورخ	و كل لسانه عند الیوان
إذا جاء البشیر وقال ارخ	« لقد اوی الرضاء بالجنان »
	۱۳۲۱ خورشیدی

۲ - علامه فقیه حضرت آیت الله آقای حاج سید علی علامه فانی اصفهانی قصیده مفصلی در رثاء و ماده تاریخ فوت آن عالم ربانی و فقیه صمدانی سروده‌اند و همچنین این دو بیت شعر را در ماده تاریخ رحلت استاد بزرگوار خود اخیراً فرموده و برای درج در این کتاب مرحمت نموده‌اند:

لما مضى شیخ الفضیلة و التقى      واحسرتا حتما ، فقد ضاق الغضا

فانقص من التاريخ يوم وفاته اربع وعشرين وقل فقد الرضا

۱۳۲۲ مساوی ۲۴ - ۱۳۴۶ ش . ۸

توضیح: فوت مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در ۲۴ بهمن ماه خورشیدی سال ۱۳۲۱ روینتاده و گاهی شعراء و بزرگان از یکی دو ماه صرف نظر کرده و آنرا نادیده گرفته اند بخصوص در ماده تاریخ یاد شده بالا که اشاره به روز ۲۴ محرم الحرام نیز شده است .

۳ - حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا مجتبی میر محمد صادقی سلمه الله تعالی نیز قطعه ای در مرثیت و - اده تاریخ فوت استاد بزرگوار خود سروده اند .

۴ - مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر ادیب فاضل و شاعر گرانمایه ( ۱۳۰۸

- ۱۳۷۹ ) در مرثیت و ماده تاریخ وفات آن علامه جلیل میفرماید :

يسا دهرأ ذهب بآية الله	غدرت بنا فوا اسفا و لهفاه
محمدالرضا الغروي ابوالمجد	مضى نحو الجنان بقرب مولاہ
اراد النیر استيضاح فوته	ففي شهر المحرم طاب مشواہ
فارخ بعد نقص الست للعام	« رضا النجفی لیبی داعی الله »

۱۳۶۲ مساوی ۶ - ۱۳۶۸

وفات چهار تن از مراجع بزرگ در طول دو ماه ونیم :

از ماه ذی القعدة الحرام سال ۱۳۶۱ تا صفر المظفر ۱۳۶۲ چهار تن از مجتهدین بزرگ و مدرسین عالی مقام و مراجع عظام نجف و اصفهان وفات یافتند و حوزه های علمیه این دو شهر را در مرگ خود داغدار و مصیبت زده ساختند .

۱ - علامه بزرگوار مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی در ۲۸ ذی القعدة وفات یافت

مرحوم جابری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۴۲۴ ) در پائین صفحه ضمن وقایع سال ۱۳۶۱ فوت او را نوشته و ماده تاریخ وفاتش را می نویسد :  
حجة اسلام و دین آقا ضیاء آفتابی بود از شرع رسول در افولش جابری تاریخ گفت « پی ضیاء بین محفل فقه و اصول »  
شرح حال مفصل آن مرحوم در مکارم الانار بقلم مرحوم معلم حبیب آبادی و حواشی علامه متصل جناب روضاتی ( صفحه ۳۲۱۴ ششم ) نوشته شده طالبین مراجعه فرمایند .

۲ - علامه مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی نجفی معروف به کمپانی متولد در محرم ۱۲۹۶ متوفای شب ۵ ذی الحجة الحرام ۱۳۶۱ مدفون در اطاق جنب مناره ایوان طلای نجف اشرف از مراجع تقلید و از مدرسین طراز اول نجف اشرف صاحب تألیفات کثیره .

۳ - علامه فقیه آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی

۴ - علامه جلیل فقیه متکلم زاهد واعظ مرحوم حاج میر سید علی مجتهد حسینی نجف آبادی اصفهانی متوفی در صبح روز جمعه ۱۳ ماه صفر سال ۱۳۶۲ مدفون در بقعه تکیه تویسرکانی در تخت فولاد از مدرسین خارج اصفهان رحمة الله علیه .

مرحوم انصاری در ماده تاریخ وفات این علامه جلیل می فرماید ( ص ۴۶۸ تاریخ اصفهان وری ) :

چو بر جابری بسته شد راه نطق  
ز علم الیقینی بعین الیقین

۱۳۶۲

وحجة الإسلام والمسلمين آقای حاج آقا مجتبی میر محمد صادقی در مرثیه  
وماده تاریخ فوت استاد بزرگوار خود قطعه‌ای سروده ماده تاریخ آن چنین  
است :

الخمس ابدنی وقلت مورخاً « هذا علی قد علا فوق العلی »

شرح حال مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی بقلم ایشان :

مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی مؤلف بزرگوار کتاب نفیس  
« ریحانة الادب » در موقع تألیف کتاب نامبرده از مرحوم آقا شیخ محمد رضا  
تقاضای شرح حال و فهرست تألیف و آثار ایشان رامی کند. آن مرحوم در جواب  
مشارالیه شرح حالی نوشته که نسخه آن بخط حضرت آیت الله آقای حاج سید  
علی علامه فانی که در آن موقع جزو شاگردان آن مرحوم بوده اکنون در کتابخانه  
دانشمند محقق متببع صاحب تألیفات کثیره آقای سید احمد حسینی اشکوری در  
قم موجود و نسخه عکسی آن در نزد نویسنده موجود است. اینک عین شرح حال  
که بزبان عربی نگاشته شده و بعداً ترجمه آن توسط مؤلف این کتاب بنظر  
خوانندگان عزیز میرسد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والصلوة على رسول الله وآله مترجمی وحی الله .

وبعد فان العالم الفاضل وجامع اشنات العلوم والفضائل والفقیه العارف  
بالمسائل والدلائل صاحب المصنفات المفیده والاراء السديده ذا القدر العلی . . .  
الشیخ محمد علی التبریزی دام توفیقه رغب الی ان اکتب له ترجمتی وعدد مصنفاتی  
واحوالی . . . فقلت فی نفسی ماذا یکتب من سجنه الزمان فی مطمورة اصبهان

بعيداً عن الخلان<sup>(١)</sup> غريب الوجه واليد واللسان<sup>(٢)</sup> تقدمه من وصفهم الطغرائي في اللامية<sup>(٣)</sup> .

وتأخر عن وصفه المترجم في الرائية<sup>(٤)</sup> ثم انه ليس له مكرمة تؤثر او فضيلة تنشربل له عيوب ينبغي ان تستر ولا تسطر ولكن لم ار مناصاً عن الاجابة وارجوان يقبل مني العثار ويمدني في الاختصار .

### « الكنية واللقب والاسم والنسب »

انا : ابوالمجد محمد رضا ابن الحاج شيخ محمد حسين ابن الحاج شيخ محمد باقر ابن الشيخ محمد تقى صاحب « هداية المسترشدين » .

والدتي الشريفة الصالحة بنت السيد محمد علي المعروف بأقا مجتهد ابن السيد صدرالدين العاملي وام والدي بنت السيد صدرالدين المذكور وام والدتي بنت الحاج سيد محمد باقر الرشتي المعروف بحجة الاسلام . . . وام والدها آقا مجتهد بنت الشيخ جعفر كاشف الغطاء وام الحاج شيخ محمد باقر بنته ايضاً .

### « الولادة وتاريخها »

و اذا عدت سنى ثم نقصتها زمن الهموم فتلك ساعة مولدى

١ - قطعة بيت لابي الطيب المتبى منه

٢ - شطر بيت له ايضاً منه

٣ - تقدمنى اناس الخ منه

٤ - الدهر عادانى لفضلى فما

ذنب ذوى الفضل مع الدهر

لا يعرف النهى من الامر

خير على عن ابي بكر

كم جاهل ناه به آمر

اخرنى عنه زمانى كما

ولدت يوم عشرين المحرم سنة ١٢٨٧ توأم الهم والغم في محلة العمارة من محال النجف الأشرف . . . ولما ناهزت العشر من مدارج العمر سافرت الى اصفهان وبقيت بضع سنين فيها ثم رجعت الى النجف الأشرف في خدمة الجد والوالد في ذي الحجة سنة ١٣٠٠ وتوفى الجد فيها ثالث صفر سنة ١٣٠١ واحد وثلاثمائة والوالد غره محرم سنة ١٣٠٨ ثمان وثلاثمائة ومكثت في النجف غالباً الى سنة نيف وعشرين وفيها وقعت الحرب العامة الأروباية فعم شرها الأفاق وسرى شرر منها الى العراق فسلب فيها الأمانة وتعبت جنود المنية وكان الحزم المسافرة عنها والبعد ولو ذراعاً منها ولكن كانت بمنزلة المحال لانقطاع الطرق وتراكم الأهوال ولكن ادركتني العناية الإلهية ( الإلهية ) فهيات كل سبب فخرجت خائفاً اتقرب وكانت من احسن الاسفار واجمعها لصنوف السعادات ومن اهمها صحبة العلامة الوحيد الحاج شيخ عبد الكريم الحائري اليزدي طاب ثراه وقد ركبنا سيارة واحدة من كربلا الى سلطان آباد العراق فمكث رحمه الله فيها وسافرت عنها الى موطن آبائي اصفهان وقد وصلت اليها غرة محرم سنة ١٣٣٤ والرئيس المطاع اذ ذاك لا فيها فقط بل في جميع ايران عمى ثقة الاسلام الحاج شيخ نور الله وهو المدبر والمدير لشئون الدولة والملة في تلك الأيام الحرجة وفوض الى جميع مناصبه الشرعية من الصلوة في مسجده والتدريس واحقاق الحقوق والوعظ وغيرها وبالأجمال تفرغ عن جميع شئونه وفوضها الي وانامل لابطاوعني في الجري على باقى الترجمة حتى اؤدى فريضة شكرى لهذا الرجل العظيم الوحيد في جميع صنوف الفضائل والمكارم فقد بذل في اصلاح امرى الطارف والتلبد وصنع معى فوق ما يصنعه الوالد البار بولده الوحيد وقد فاق ما صنعه فعله عماد الدولة مع ابن اخيه عضد الدولة . اللهم احسن اليه كما احسن الي واجزه خير الجزاء . . .

## « مشايخي »

اول من يستحق الذكر منهم :

١- السيد ابراهيم القزويني قرأت عليه كتاب نجات العباد وعلم نحو خارجاً وقد ذكرته في : « حلى الزمن العاقل » فقلت حضرت درسه قبل ان ابلغ من التكليف الحد ويطرز بالشعر منى ديباج الخد من قبل ان يرقم الشباب على خدى لام العذار ويتلاقى فيه الليل والنهار و حضرت عليه علم النحو من غير كتاب فافادنى ما انساني صاحب الكتاب لو رآه سيويه لاتخذ ابراهيم فيه خليلاً .

٢ الى ٧ - ثم حضرت على سيدى الوالد والشيخ فتح الله المعروف « آقاي شريعت » كتاب الفصول ورسائل الشيخ المرتضى و حضرت الفقه والاصول خارجاً على الكاظمين اليزدى والخراسانى الى ان هاجر العلامة السيد محمد الفشاركى الاصفهاني من سامراء الى نجف فتركت الحضور عليهما وعلى غيرهما لانى وجدت عنده ضالتي من العلم وقد ذكرت ترجمته وشطراً من حضورى عليه فى مقدمة كتابى : « وقاية الاذهان » المطبوع فى اصفهان وبعد وفاته لم يكن لى رغبة فى الحضور على احد فاقتصرت على المذاكرات العلمية مع فضلاء تلامذته كالمرحوم الشيخ حسن المعروف بالكربلايى والحاج شيخ عبد الكريم اليزدى والميرزا حسين النائينى .

و حضرت فى علم العروض على : « آقاي شريعت » المتقدم ذكره وفى العلوم الرياضية على الميرزا حبيب الله العراقى الملقب بندى الفنون وتفسير القرآن على سيدى الوالد وقرأت شطراً من الكشاف والبيضاوى وعلم الحديث على آقاي



شريعة والحاج ميرزا حسين النورى وحضرت على مشايخ سواهم تركت ذكرهم  
حياً للاختصار

« مصنفاتى »

١ - اول ما يستحق الذكر منها كتاب : « ذخائر المجتهدين فى شرح كتاب  
معالم الدين » فى فقه آل طه ويس للشيخ شجاع الدين ابن القطان تلميذ السيورى  
على ما وجدته بخط السيد بحر العلوم على ظهر نسخة منه ، خرج منه مجلد كبير من  
كتاب النكاح وعدة كراريس من كتاب الطهارة .

٢ - نجمة المرتداد فى شرح نجات العباد وحيث انى انتقدت فيه حواشى  
الشيخ والميرزا الشيرازى وغيرهما من مشايخى وغيرهم سميته ايضاً : « كبوات  
الجياد فى حواشى ميدان نجات العباد » .

٣ - سمط اللثال فى الوضع والاستعمال وهى كالمقدمة والمدخل الى كتابى  
فى : اصول الفقه .

٤ - وقاية الازهان طبعا فى اصفهان .

٥ - السيف الصنيع لرقاب منكرى علم البديع .

٦ - الرسالة الامجدية فارسية فيما يتعلق بقوله صلى الله عليه وآله فى وصف  
شهر رمضان : « ودعيتم الى ضيافة الله . » وذكر الادعية الواردة فيه معالم يذكر  
فى زاد المعاد طبعت فى اصفهان .

٧ - استيضاح المراد من الفاضل الجواد فى مسألة عدم تنجيس الممتنجنس  
الجامد كتبه فى جواب الشيخ جواد البلاغى فتوفى قبل وصولها اليه طبعت فى  
اصفهان فى مجلد النواهى من كتاب الوقاية .

٨ - العقد الثمين فى اجوبة مسائل الشيخ شجاع الدين وهى مسائل فقهية

وردت الي من شيخ شجاع الدين عالم ابراهيم آباد فارسية الي غير ذلك .  
٩ - وقد جمع شعري بعض الاحباب على كراهة منى ولا بأس بذكر شيء  
منه جرياً على سنة كائى التراجم .

« من الطويل والقافيه من المتواتر »

الا ان شكل المال فى الدهر منتج      ولكن شكل العلم فيه عقيم  
فمن يشتري منى جميع فضائلى      فانى بانحاء العالموم عليم  
فقيه اصولى اديب محدث      طيب بصير بالنجوم حكيم  
وماذا انتفاع المرء بالعلم والحجى      اذا قبل هذا مفلس وعديم  
عفت من الفحشاء فى زمن الصبا      على ان شيطان الشباب رجيم  
وانافى بومى هذا فى اصفهان بحال لا يوصف كائى مصحف وفقدت بعد  
قد عمى كل شيء واقبت بعده من بنى العلات ما اكنمه ولا ابدية واذا رميت  
اصابنى سهمى .

١٠ - وعزمنى ان اكتب رساله فى ماجريات احوالى وعلى العبارة الشايعة  
فى هذا الزمان : « انا والايام » ولا حول ولا قوة الا بالله . ابوالمجد محمد الرضا  
آل صاحب الهداية فى الليلة المسفر صباحها عن تساع ربيع الثانى سنة ١٣٦١  
شيخ محمد الرضا النجفى .

وحررها تراب اقدام تلامذته اقل خدمته السيد على العلامة الفانى فى ١٢ ع ٢

١٣٦١ /

نقد فلسفه داروين ودحض شبهات المعطلين طبع فى بغداد وترجمه ولدى  
الشيخ مجدالدين الى الفارسيه وسيطبع قريباً انشاء الله : سجع مهر: محمد رضا  
بن محمد حسين .

توضيح : دوسطر فوق بخط خود مرحوم آقا شيخ محمد رضا نجفى مياشدد

که بعداً اضافه کرده و مهر نموده‌اند.

صورت اجازة مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی بجهت مرحوم آقا

میرزا محمد علی مدرس تبریزی :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وقد استجازنی دام توفیقه فاجزت له ان یروی عنی ما صح لی روايته من اخبار الائمة وكتب زعماء الامة بطرقی الكثيرة التي منها ما اخبرنی عدة من مشایخی عن السيد الحاج السيد مهدي القزوينی نزیل الحلة السیفیه عن عمه السيد باقر عن خاله بحر العلوم السيد مهدي عن المولى محمد باقر البهبهانی عن والده محمد اکمل عن المولى محمد باقر المجلسی بطرقه الكثيرة المذکوره فی البحار وارجو منه الدعاء ابوالمجد محمد الرضا النجفی . مهر

ترجمه رساله شرح حال مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سیاس و ستایش مختص ذات خداست و درود بر فرستاده خداوند و بر آل او باد ترجمه کنندگان و حی .

و بعد : بدرستی که دانشمند فاضل و جامع انواع دانشها و فضیلتها و فقیه دانا بمسائل و دلائل صاحب تصنیفات سودمند و رأیهای محکم و دارای مقام بلند . . . . . شیخ محمد علی تبریزی که ادامه یابد توفیق او مایل گردید از اینکه من برای او شرح حال خودم و تصنیفاتم و حالانم را بنویسم . . . . . پس با خود گفتم ، چه بنویسد کسی که او را زمانه در زندان اصفهان دور از

دوستان<sup>۱)</sup> محبوبس ساخته دور از دست وزبان و صورت<sup>۲)</sup> کسانیرا که طفرائی در  
قصیده لامیه در وصف آنان گفته<sup>۳)</sup> از او جلو انداخته و از جماعتی که مترجم (بفتح  
جیم یعنی شخص آقا شیخ محمد رضا) در قصیده رائیه در وصف آنان گفته  
عقب انداخته است<sup>۴)</sup> .

پس نیست برای او بزرگواری که باقیمانده یا فضیلتی که منتشر و پراکنده  
شود بلکه از برای اوست عیب‌هاییکه شایسته است که پوشانیده و پنهان‌گردد  
و نوشته نشود اما چاره‌ای ندیدم جز اینکه او را (نامه او را) جواب بدهم  
و امیدوارم که از لغزشهای من درگذرد و مرا در مختصر نویسی معذور دارد .

کنیه - لقب - اسم - نسب :

( نام ) من ابوالمجد محمد رضا فرزند حاج شیخ محمد حسین فرزند حاج

۱ - اشاره به قطعه بی‌تی است از ابی طیب متنی

۲ - همچنین قسمتی از يك بیت از اشعار او

۳ - تقدیمی اناس الخ

۴ - از اشعار قصیده رائیه مرحوم آقا شیخ محمد رضا

الدهر عادانی تفضلی فما      ذنب ذوی الفضل مع الدهر

کم جاهل ناه به آمر      لا یعرف النهی من الامر

اخرنی عنه زمانی کما      خیر علی عن ابی بکر

روزگار به خاطر فضل من با من دشمنی کرد پس نیست

گناهی صاحبان فضل را در روزگار

چقدر از نادانها که امرکننده‌ای آنها را نهی کرد

که (خود) امر و نهی را نمی‌شناخت

عقب انداخت مرا زمان من همگونه

که عقب انداخت علی علیه السلام را از ابی بکر

شیخ محمد باقر فرزند شیخ محمد تقی صاحب کتاب : « هدایة المستر شدین » .  
ومادرم زن بزرگوار و نیکوکار دختر سید محمد علی معروف به : آقا مجتهد  
فرزند سید صدرالدین عاملی .

ومادر پدرم دختر سید صدرالدین نامبرده .

ومادر مادرم دختر حاج سید محمد باقر رشتی معروف بحجة الاسلام .  
ومادر پدرش ( یعنی پدر مادرم ) آقا مجتهد دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء  
ومادر حاج شیخ محمد باقر نیز دختر او بود ( دختر مرحوم کاشف الغطاء ) .

### تولد و تاریخ آن :

وقتی که سن مرا بشماری و پس از آن کم کنی

مدت زمان عضه‌ها را پس آنست ساعت تولد من

در روز ۲۰ محرم سال ۱۲۸۷ همراه با هم و غم در محله عماره از کویهای  
نجف اشرف بدنیا آمدم چون بسن ده سالگی رسیدم به اصفهان مسافرت کردم  
و چند سال در آنجا ماندم پس در ذی الحجه سال ۱۳۰۰ در خدمت پدر و جدم  
به نجف مراجعت نمودم . جدم در سوم ماه صفر سال ۱۳۰۱ و پدرم در اول محرم  
۱۳۰۸ وفات یافتند . پس تا حدود سال ۱۳۲۰ و اندی بیشتر مواقع را در نجف  
اشرف توقف نمودم و در این سال جنگ جهانی اروپا شروع گردید و شر آن  
همه جا را فراگرفت و شعله‌ای از آن به عراق سرایت کرد پس در اثر آن امنیت  
از بین رفت و لشکر مرگ و نیستی آماده و مهیا شد و در این موقع احتیاط در  
مسافرت و دور شدن از آنجا بود ولو باندازه یک ذراع باشد اما این کار یعنی  
مسافرت در اثر نا امنی راهها و انواع ترس و وحشتها تقریباً غیر ممکن بنظر  
میرسید .

لکن لطف و عنایت حضرت حق جل و علا شامل حال شد و همه وسائل سفر

آماده گشت . پس در حال ترس و وحشت که هر آن منتظر پیش آمدی بودم از نجف اشرف خارج شدم .

و این سفر یکی از بهترین مسافرتها و جامعترین آنها از سعادت و خوشبختیها بود و یکی از بهترین این سعادات همسفری و مصاحبت با علامه یگانه حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی طاب ثراه بود . دونفری در یک ماشین از کربلا تا سلطان آباد عراق ( اراک ) سوار شدیم . مرحوم حائری در آنجا توقف فرمود و من بوطن پدراتم اصفهان مسافرت نمودم .

در اول محرم سال ۱۳۲۴ به اصفهان رسیدم . در این موقع رئیس مطلق و مطاع نه تنها در اصفهان بلکه در تمام ایران عموم ثقة السلام حاج شیخ نور الله بود و او اداره کننده کارها و تدبیر کننده امور مربوط به دولت و ملت در آن روزهای سخت بود . او تمام مناصب شرعی خود را از اقامه جماعت ( در مسجد نوبازار ) و تدریس و رسیدگی به امور اجتماعی مردم و موعظه و ارشاد نمودن و غیره ( کلیه مشاغل یک فرد روحانی مسئول و متعهد متنفذ ) و مختصراً وی خود را از تمام این مشاغل آزاد گردانید و همه آنها را بمن وا گذاشت . و انگشتان من تا حق او را از سپاسگزاری و تشکر اداء نکنم از من متابعت نمی کند ( یعنی قبل از سپاسگزاری از او قدرت بر نوشتن ندارم ) .

آن مرد بزرگوار یگانه در تمام فضیلتها و صفات پسندیده در اصلاح کار من از هر نوع کمک و مساعدت از قدیم و جدید کوتاهی نکرد نسبت بمن بیشتر از آنچه پدر مهربانی نسبت به یگانه فرزندش انجام میدهد انجام داد و بالاتر از آنچه عمادالدوله نسبت به برادر زاده خود عضدالدوله انجام داد .

بار پروردگارا نیکی کن باو همچنانکه او نیکی کرد بمن و پاداش بده و برا بیترین پاداشها .

رجوع بمطلب :

## اساتیدم :

اول کسیکه شایسته نام بردن از استادان و مشایخم میباشد :

۱ - سید ابراهیم قزوینی میباشد . کتاب نجات العباد و علم نحو را از خارج و بدون کتاب نزد او خواندم و نام او را در کتاب : « حلی الزمن العاطل » ذکر کرده‌ام و در آنجا گفتم که : بدرس او حاضر میشدم قبل از رسیدن بحد تکلیف و پیش از آنکه گونه‌هایم را موی زینت بخشد و قبل از آنکه جوانی بر صورتم لام بنویسد ( ریش که بر دو طرف صورت روئیده شود در مراحل اولیه بصورت ل می‌باشد و این جمله کنایه از همانست ) و شب و روز در آن یکدیگر را دیدار کنند ( سفیدی صورت و سیاهی مو را تشبیه به روز و شب نموده است ) و علم نحو را بدون کتاب در نزد او میخواندم پس یاد داد بمن آنچه را مؤلف «الکتاب» فراموش کرده بود بمن بیاموزد . اگر سیبویه او را میدید ابراهیم را خلیل خود قرار میداد .

۲ تا ۷ - از آن پس نزد آقا و مولایم یعنی پدرم و شیخ فتح الله معروف به آقای شریعت کتاب فصول و رسائل شیخ مرتضی را و خارج فقه و اصول را نزد دو کاظم : یزدی و خراسانی خواندم تا زمانی که علامه سید محمد فشارکی اصفهانی از سامراه به نجف مهاجرت فرمود پس حضور در جلسات آندو و جز آنها را ترک کردم زیرا گمشده خود را در علم نزد او یافتم و اندکی از شرح حال او را و همچنین حضور خود در محضر ویرا در مقدمه کتابم : « وقایة الازمان » که در اصفهان بچاپ رسیده است ذکر نموده‌ام . پس از وفات او دیگر بحضور در نزد هیچ يك از علماء رغبت نکردم پس تنها بمذاکرات علمی با فضلاء شاگردان آن

مرحوم مانند مرحوم شیخ حسن معروف بکربلانی و حاج شیخ عبدالکریم یزدی  
و میرزا حسن نائینی اختصار کردم .

و طم عروض را نزد آقای شریعت سابق الذکر حاضر شدم و در علوم ریاضی  
بر میرزا حبیب الله هراقی معروف بذی فنون شاگردی کردم و تفسیر قرآن را در  
نزد سید و آقای خود یعنی پدرم و قسمتی از کتاب کشاف و بیضاوی و علم حدیث  
را از آقای شریعت و حاج میرزا حسین نوری آموختم و جز از اینها برعهده‌ای  
دیگر نیز تلمذ کردم که بجهت اختصار از ذکر اسامی آنها خوداری نمودم .

#### مصنفات من :

۱ - اول کتابی که شایسته نام بردن است از مصنفات من کتاب : « ذخائر  
المجتهدین » در شرح کتاب : معالم الدین در فقه آل طه و یس تألیف شیخ شجاع  
الدین ابن القطان شاگرد سیوری است بطوریکه یافتم آنرا بخط سید بحر العلوم  
در پشت نسخه‌ای از آن . از این شرح مجلدی بزرگ از کتاب نکاح و چندین  
جزوه از کتاب طهارت نوشته شده است .

[نویسنده گوید : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۹۹ بیست و یکم) می‌نویسد:  
نسخه‌ای از کتاب : معالم الدین تألیف شیخ شمس الدین محمد بن شجاع  
الدین القطان الانصاری بخط احمد بن اسماعیل بن احمد بن ابراهیم بن علی بن  
متوج از روی نسخه خط مؤلف که در زه ان حیات مؤلف نوشته شده تاریخ  
فراغت دهم شعبان ۸۴۲ در نجف میباشد در کتابخانه سید محسن امینی عاملی در  
شام موجود بوده است . انتهى

شیخ شمس الدین محمد حلی مؤلف کتاب شاگرد و مجاز از فاضل مقداد



صیوری حلی متوفی بسال ۸۲۶ میباشد و او از شهید اول روایت می نماید .  
علماء و بزرگان فتاوی ویرا در کتب فقهیه نقل فرموده اند و در اصول پیرو  
محقق و علامه حلی رضوان الله علیهما میباشد شیخ عبدالعالی میسی از شیخ محمد  
بن داود جزینی و او از جناب سید اجل سید علی دقماق از ابن القطان صاحب  
عنوان روایت می کند .

ابن القطان نام دانشمند دیگری از سنیان است نامش ابوالحسین احمد بن  
محمد بغدادی شافعی در سال ۳۵۹ وفات یافته است . همچنین چند تن دیگر نیز  
به همین شهرت معروفند به کتابهای: ریحانة الادب ص ۱۱۷ ششم - الکنی والالقاب  
ص ۳۷۸ یکم هدیة العارفين ص ۶۵ و تنقیح المقال مراجعه شود .

۲ - نجمة المرتاد در شرح نجات العباد و چون در آن کتاب از حواشی  
شیخ و میرزای شیرازی و غیر از آندو از مشایخم و جز آنها انتقاد کرده ام آنرا :  
« کتب و احادیث الجیاد فی حواشی میدان نجات العباد » نیز نامیدم .

۳ - سمة اللئالی فی الوجود والاسعمال و آن مانند مقدمه و مدخلی است  
بر کتابم در اصول فقه .

۴ - وقایة الادهان ( این کتاب و کتاب قبلی هر دو ) در اصفهان بچاپ  
رسیده است .

۵ - السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع .

۶ - الرسالة الامجدیه بفارسی در بساره آنچه حضرت رسول اکرم صلی الله  
علیه وآله وسلم در وصف شهر رمضان المبارک فرموده که : « ودعیتم الی ضیافة  
الله . » و دعاهای وارده در آن آنچه را که در زاده المعاد ذکر نشده است . کتاب  
در اصفهان بچاپ رسیده است .

۷ - استنباح الحواد من الفاضل الحواد در مورد مسئله : عدم تنجیس متنجس

جامد و آنرا در جواب شیخ جواد بلاغی نوشته‌ام و او قبل از اینکه کتاب بدستش برسد وفات یافت (رحمة الله علیه) و این رساله در اصفهان در آخر مجلد نواهی در کتاب وقایه بچاپ رسیده است .

۸ - العقد الثمین در جواب مسائل شیخ شجاع‌الدین بفارسی و آن جواب چند مسئله فقهی است که از ناحیه شیخ شجاع‌الدین عالم ساکن ابراهیم آباد رسیده و جز آنها .

۹ - یکی از دوستان بدون آنکه من خود مایل و راغب باشم اشعار مرا جمع آوری نمود و باکی نیست که بروش نویسندگان شرح حال بسرخي از آنرا نقل کنم .

از بحر طویل وقایه متواتر

آگاه باش که شکل مال در روزگار نتیجه بخش است

ولکن شکل مال در آن نازا و بی نتیجه

کیست که از من همه فضیلت های مرا بخرد

بدرستی که من تمام دانشها دانایم

فقیه اصولی و ادیب و محدث

پزشک و بینابه نجوم و حکمت

و چیست فائده علم و عقل برای مرد

وقتی که گفته شود که این بی چیز است

از زمان کودکی پاک از زشتیها و گناه بودم

بدرستی که شیطان جوانی رجیم است

و من در این روز در اصفهان بحالی هستم که نمیتوان آنرا وصف کرد مثل

اینکه من قرآنم ( در خانه یهودی ) و پس از مرگ عمویم همه چیز را گم کردم

ورسید بمن از خویشانم آنچه را که مکتوم و پنهان میدارم و آشکارا نمیسازم و اگر تیری اندازم آن تیر بخود من اصابت می کند .

۱۰ - و تصمیم دارم که رساله‌ای در سرگذشت احوالات خودم بنویسم و آنرا بعبارت رایج در این زمان : «اناوالایام» بنامم ولا حول ولا قوة الا بالله . ابوالمجد محمد رضا آل صاحب الهدایه در بامداد شب ۹ ربیع الثانی سال ۱۳۶۱ شیخ محمد رضا نجفی و نوشت آنرا خاک قدمهای شاگردانش و کمترین خدمتگزاران او سید علی علامه فانی در ۱۲ ع ۱۳۶۱/۲ .

و دیگر از تألیفاتم « نقد فلسفه داروین ودحض شبهات المعطلین » است که در بغداد بچاپ رسیده و آنرا فرزندم شیخ مجد الدین بفارسی برگردانیده است و قریباً بخواست خداوند تبارک و تعالی بچاپ خواهد رسید . مهر : محمد رضا بن محمد حسین .

### سخنی چند با اداره کنندگان مجله نور علم :

یکی از مجلاتیکه در سالهای اخیر در شهر مقدس قم زیر نظر : « جامعه مدرسین حوزه علمیه قم » منتشر می شود و حاوی مطالب علمی و مقالات دینی سودمندی بقلم جمعی از افاضل حوزه میباشد و الحق مجله بسیار وزین و ارزنده‌ای است و جای آن را دارد که عموم فضلاء از آن بهره مند شوند ، مجله : « نور علم » است که ماهیانه بصاحب امتیازی دانشمند بزرگوار آقای حاج شیخ محمد یزدی انتشار می یابد .

یکی از قسمت‌های اساسی این مجله دینی بررسی و شرح حال علماء بزرگوار شیعه بالاخص متأخرین و معاصرین میباشد که در تحت عنوان : « نجوم امت » نوشته و چاپ میشود و در هر شماره شرح حال یکی از مفاخر علمی شیعه بقلم نویسنده‌ای

بیان گردیده و بچاپ رسیده است .

نویسنده نیز در سهم خود مقاله‌ای در شرح حال علامه بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی اصفهانی نوشته و جهت چاپ خدمت مدیران و گردانندگان امور مجله در قم فرستادم که در شماره نهم دوره دوم ( شماره مسلسل ۲۱ ) در خرداد ماه ۱۳۶۶ بچاپ رسید .

بدین وسیله تشکرات قلبی خور را خدمت سروان محترم عرض نموده و دوام توفیق خدمتگزاری به اسلام و شریعت را جهت آنان از خداوند قادر منان خواهانم .

گله‌ای دوستانه : در این جا بخود حق میدهم که در عین امتنان دو نکته راجع بمقاله فوق که از صفحه ۷۹ تا صفحه ۹۱ مجله را بخود اختصاص داده است بیان دارم :

۱ - آقایان محترم نام نویسنده مقاله را ننوشتند و چنین بنظر میرسد که مقاله از نویسندگان مجله بوده باشد گرچه در صفحه ۷۱ نام کتاب: « بیان سبیل الهدایه فی ذکر اعقاب صاحب الهدایه » که از تألیفات نویسنده سطور می‌باشد ذکر شده است .

۲ - نام برخی از شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد رضا از مقاله حذف گردیده است .

من هر چه فکرمی کنم علتی که بتواند مراقب و راضی کند برای اینکار نمی‌اندیشم ممکن است اختلاف سلیقه و مذاق آقایان محترم موجب اینکار شده باشد اما مگر مجله مجله‌ای علمی و دینی نمی‌باشد و مگر کسی که نامش را ذکر نکرده‌اند عالم و مجتهد و صاحب تألیفات نمی‌باشد . اگر مجله سیاسی بود ممکن بود گفته شود ما مخالفین سیاسی خود را نام نمی‌بریم و آیا با عدم ذکر نام کسی او برای همیشه

فراوش میشود . در هر حال نویسنده عدم رضایت خود را از این حذف و تحریف اظهار داشته و توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین و نشر و ترویج شرح حال بزرگان علماء و خدمتگزاران به ملت و دین از خداوند متعال جلت عظمته خواهانم انه ولی قدیر .

### شکر نعمتهای حضرت حق جل و علا :

بار پروردگارا ترا شکر گویم و نعمت‌های ترا با کدام عبارت بیان کنم که با وجود همه ناراحتیها و آلام روحی ناشی از استماع و مشاهده اوضاع و احوال خویشان و بستگان و همچنین همشهریان و عموم مردم ایران که در این چند ماهه در اثر حملات ناجوانمردانه هواپیماهای عراقی در شب و روز و گناه و بیگناه و بمباران کردن متوالی و بی امان محلات و کویهای اصفهان و دیگر شهرها و خرابی و ویرانی خانه‌ها و کشته شدن صدها نفر مرد و زن ، کوچک و بزرگ و اطفال صغیر بی گناه و بدون پناه و زیر آوار ماندن آنها پدید آمد و همه را داغدار و متأثر گردانید مرا توفیق عنایت فرمودی که این مجلد از مجلدات سه گانه کتاب را (جلد دوم کتاب: بیان سبل الهدایه ....) همانگونه که پیش بینی کرده بودم بانجام برسانم .

در این چند سال جنگ چه بسیار خانواده‌ها که در اثر جنگ تحمیلی عزیزان و یا سرپرستان خود را از دست دادند و برای همیشه در سوک آنها نشستند .

یک نمونه از آثار شوم جنگ :

برای روشن شدن موضوع و آگاهی نسل‌های آینده از وضع مردم این زمان نمونه مختصری از آثار این جنگ خانمانسوز را بطور ایجاز بیان می‌کنیم .  
از هموزادگان و وابستگان پدری این جانب چهار نفر در اثر جنگ یا در

میدان جنگ ویا بوسیله ایادی دشمن ترور شده و شهید شدند و همچنین پنج نفر در اثر خرابی وانهدام خانه در اثر بمباران شبانه دشمن زیر آوار مانده و شهید گردیده و بخیل عظیم شهداء جنگ تحمیلی پیوستند و همچنین سه نفر از نوجوانان خاله زادگان نیز در میدان نبرد مورد هدف تیرهای دشمن قرار گرفته و شهید شدند .

این يك نمونه از آثار شوم جنگ و جنایات بسی حد و حصر دشمن متجاوز است . جنگی که بـ انیان از خدا بسی خیر آن فقط بخاطر حفظ منافع بیگانگان افروختند و دو ملت مسلمان را در آتش بیداد آن سوختند . تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

سختی میشت و گمرانی سرسام آور اجناس یکی دیگر از ره آوردهای این جنگ است اگر بخواهیم آثار شوم جنگ را بنویسیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود .

امید از فضل و کرم حضرت رب العزه آنست که هر چه زودتر با توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شعله این جنگ خانمان بر انداز و دیگر جنگ های داخلی کشورهای مسلمان که همه و همه بخواست بیگانگان و منافع استعماری ایشان افروخته شده خاموش گردیده و مسلمانان در جمیع اقطار جهان پیروز و هر چه بیشتر سر بلند و مفتخر گردند بمنه و کرمه انه ولی قدير .

## فهرست موضوعات و مطالب کتاب

۱۳	انصاری	۳	مقدمه
۱۴	المآثر والاثار		۷ - حاج شیخ نور الله نجفی
۱۴	اعیان الشیعه	۹	فقه الاسلام
۱۵	قضاوت بی جا	۱۱	نام
۱۵	ادوار زندگانی	۱۱	شهرت
۱۶	اساتید و مشایخ	۱۱	پدر
۱۸	شاگردان و مجازین	۱۱	مادر
۲۲	تالیفات	۱۱	توابع
۲۴	مبارزه با بیدینی و فساد	۱۱	لقب
۲۵	مبارزه با بایبها	۱۲	گفتار نویسندگان
۲۶	مبارزه با اقتصاد استعمارگران	۱۲	رهبران مشروطه
۲۸	یک سند قابل توجه	۱۲	دیوان طرب

۵۲	اسامی برخی از اعضا	۳۰	پهارزه علماء اصفهان
۵۲	رفع اشتباه	۳۱	تأسیس شرکتهای تجارتمی
۵۳	بیان نویسنده	۳۳	تشکیل شرکت اسلامیة
۵۴	تفسیر عنوان	۳۵	سایر علماء
۵۴	نکته قابل تذکر	۳۶	هیئت مؤسس
۵۴	آقا نجفی واقف یا موقوفه خوار	۳۷	تقاضای امتیاز
۵۵	چند مطلب دیگر	۳۷	نظامنامه شرکت
۵۶	تقاضای واگذاری ملک	۳۹	جشن شرکت در بادکوبه
۵۶	قابل توجه	۳۹	یک نمونه از احکم
۵۸	نویسندهای دیگر	۴۰	تشکیل انجمن صفاخانه
۵۸	بست نشینی	۴۱	مجلة الاسلام
۶۰	مجاهد شهید	۴۲	روزنامه نور شرق
۶۰	مشروطه از دیدگاه علماء	۴۴	روزنامه اصفهان
۶۲	نظریه علماء و مراجع نجف	۴۴	تشکیل حوزه اسلام
۶۴	دوره اول مجلس	۴۵	سهام اصفهان در مشروطیت
۶۴	تعلق مظفر الدین شاه	۴۶	حاج آقا نورالله و مشروطه
۶۵	مرگ مظفر الدین شاه	۴۸	اعلامیه علمه اصفهان
۶۶	دوره استبداد صغیر	۴۹	اهداف علماء از مشروطه
۶۸	تشکیل قشون فدائیان	۴۹	معنی مشروطه از نظر فقه الاسلام
۶۹	مقدمات عزل ظل السلطان	۵۰	حامله مخالف در اصفهان
۷۰	میانجیگری انصاری	۵۱	دو یزاد
۷۲	کشتن صارم الدوله مادرش و	۵۲	تشکیل انجمن ولایتی



۹۸	اعضاء محکمه قضاوت	۷۲	حکام و فرزندان اصفهان
۹۸	اسامی محکومین در محکمه	۷۳	دعوت از بختیارها
۹۹	حلت محکومیت	۷۴	جنگ بختیارها با قوای دولتی
۹۹	فرمایش مرحوم شیخ شهید	۷۵	هزینه اردو کشی
۱۰۰	اجمالی از زندگانی شیخ شهید	۷۵	غارت بازار اصفهان
۱۰۱	بیان احسن الودیعہ	۷۶	قضاوت مرحوم انصاری
۱۰۱	گفتار : المآثر والاثار	۷۷	پس از ۷۴ سال
۱۰۲	تالیفات شیخ شهید	۷۸	صورت حکم آیتین حجین
۱۰۳	ماده تاریخ شهادت	۷۹	اشتباه محمد علیشاه
۱۰۵	مدفن و مزار مرحوم شیخ شهید		رفتار محمد علیشاه و عکس العمل مردم
۱۰۵	اولاد و احباب	۸۱	
۱۰۶	مصادر شرح حال شیخ		جلوگیری از مسافرت مرحوم آقا نجفی
	اسامی برخی از کسانی که کشته شده اند	۸۲	
۱۰۷		۸۴	آرزوی ظل السلطان
۱۰۹	سالهای بحرانی	۸۶	اثر تبلیغات علیه شیخ شهید
۱۱۱	تذکر : محمد علی شاه	۸۸	پیشگویی دو تن از امامان
۱۱۵	تلگراف علماء و مراجع نجف	۹۰	آشنائی با مرامنامه حزب دمکرات
۱۱۶	تقاضای تبعید مرحومین حجین	۹۲	موافقین مشروطه مشروعه
۱۱۷	نقشه ترور حاج آقا نورالله	۹۳	شهادت شیخ شهید
۱۱۷	مهاجرت به عراق	۹۵	مصیبت از این روز
	نظریه علماء موافق پس از استقرار	۹۵	وقتی همه به بیگانه پناهنده شدند
۱۱۸	مشروطه	۹۷	هیئت مدیره دادگاه

۱۴۵	مهاجرت به قم	۱۱۹	مرحوم نائینی و مشروطه
۱۴۶	استخاره از قرآن		گفتار حاج آقا نورالله درباره مشروطه ۱۲۰
۱۴۷	مهاجرت به چه منظور بوده	۱۲۱	حاج آقا نورالله و جنگ جهانی اول
	طرز برخورد مرحوم آیت الله حائری با	۱۲۲	اهزام قشون
۱۴۹	مهاجرین	۱۲۲	مهاجرت حاج آقا نورالله
۱۵۰	دعوت از علمای شهرها	۱۲۳	حاج آقا نورالله و فرهنگ جدید
۱۵۱	عکس العمل دولتیان	۱۲۵	ایجاد و تأسیس مریضخانه
۱۵۲	مرحوم آیت الله بروجردی	۱۲۷	حاج آقا نورالله و معاصرین
۱۵۳	اسامی علماء مهاجر بقم	۱۲۹	حاج آقا نورالله و حاج ملاحسن دری
۱۵۶	خواسته‌های مهاجرین		حاج آقا نور الله و مرحومین وریزی
۱۵۷	مهاجرین در قم و راه اصلاح	۱۳۰	درجه‌ای
۱۵۸	اندیشه دولت	۱۳۲	نظریه مرحوم انصاری
۱۶۰	نتیجه ظاهری قیام	۱۳۲	علماء اصفهان
	چرا مرحوم آیت الله حائری مستقیماً	۱۳۳	گرانی و قحطی اصفهان
۱۶۱	وارد نشد	۱۳۴	طلل قحطی
۱۶۳	شرح حال مرحوم حائری	۱۳۵	برخی از گرانیها
۱۶۴	اساتید	۱۳۹	مراجعت مرحوم حاج آقا نورالله
۱۶۵	ورود به اراک	۱۳۹	تضاد سیاست انگلیس و روس
۱۶۵	مهاجرت به قم	۱۴۰	قرارداد وثوق الدوله
۱۶۵	آثار علمی	۱۴۱	طرز تقسیم رشوه
۱۶۶	آثار اجتماعی		حاج آقا نورالله در جشن تاجگذاری ۱۴۱
۱۶۶	وفات	۱۴۳	اولین ملاقات
		۱۴۴	تشکیل هیئت علمیه

۱۹۱	مراثی و ماده تاریخها	۱۶۷	اسامی برخی از مدفونین
۱۹۵	استدراک	۱۶۹	مقبره سه تن از پادشاهان صفوی
۱۹۶	تالار طویل	۱۶۹	مقبره دو تن از شاهان قاجار
۱۹۶	تالار اشرف	۱۶۹	امتیازات مرحوم حاج آقا نورالله
۱۹۷	فائده : نام اشرف	۱۷۲	فضائل و ملکات نفسانی
۱۹۷	فائده در تأیید مطلب	۱۷۳	نقاط ضعف
۱۹۸	خلقه بیان	۱۷۴	ارتباط انصاری با آقایان
	رساله‌ای در احوالات آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین نجفی صاحب مجد البیان	۱۷۶	حاج آقا نورالله و شعر
۱۹۹	فی تقسیم القرآن	۱۷۸	برخی از نکات قابل ذکر
۲۰۰	مقدمه مترجم	۱۷۹	تثبیه و تذکر
۲۰۲	ترجمه رساله	۱۷۹	مسافرت شیخ الرئیس به اصفهان
۲۰۵	اساتید	۱۸۰	دیدار شیخ الرئیس از آخوندگری
۲۰۶	مراجعت به اصفهان	۱۸۱	مسافرت‌های حاج آقا نور الله
۲۰۷	تغییر حالت	۱۸۲	مستلیم و مستلیم‌ها
۲۰۷	مسافرت به نجف	۱۸۵	مستلیم مکرم از حاج آقا نور الله
۲۰۸	حلت ترك علاقه	۱۸۷	شهادت و علت آن
۲۰۹	نقل يك حکایت	۱۸۹	شهادت
۲۱۰	دو مکاشفه	۱۸۹	رفع اشتباه
۲۱۱	شیخ در سفر	۱۸۹	محل دفن
۲۱۱	شکل و شمایل	۱۸۹	خبیر فوت در قم
۲۱۲	شاگردی من	۱۹۰	مراسم ختم و سوگواری
۲۱۳	تولده و وفات	۱۹۱	مراسم ختم در طهران

۲۲۷	دامادهای آقا سید محمد	۲۱۲	نقل يك رؤيا
۲۲۷	فاضل شرايیانی	۲۱۳	تشریح به حرم مطهر
۲۲۹	توضیح و تکمیل	۲۱۴	ماده تاریخ وفات
۲۲۹	سید عبدالله خلیفه	۲۱۵	قصیده دیگر
۲۳۰	اقوال بزرگان		
۲۳۳	صورت و سیرت		۸- بیان مجد النبلاء در احوالات
۲۳۴	چند نمونه از شوخیها		شیخ ابوالمجد محمدالرضا نجفی
۲۳۴	شوخی با آقا سید محمد کاظم	۲۱۹	
۲۳۵	شوخی با آخوند خراسانی	۲۲۱	پیشگفتار
۲۳۶	مزاج با حاج میرزا رضا کلباسی	۲۲۲	نام
۲۳۶	اساتید و مشایخ اجازه	۲۲۲	شهرت
۲۳۹	اجازه مرحوم سید حسن صدر	۲۲۲	کنیه
۲۵۰	شرکاء درس	۲۲۲	تولد
۲۵۱	شیخ حسن کربلانی	۲۲۲	پدر
۲۵۲	حاج میرزا محمد حسین نائینی	۲۲۲	مادر
۲۵۳	شیخ محمد رضا از مشایخ اجازه	۲۲۳	جده پدری
۲۵۴	مراجعت باصفهان	۲۲۳	جده مادری
۲۵۵	آقا شیخ محمد رضا در اصفهان	۲۲۳	جده مادری دیگر
۲۵۶	رفتار رضا شاه با علماء	۲۲۳	مفسر
۲۵۹	ذکر يك حدیث	۲۲۳	سلسله نسب آقا سید محمد امامی
۲۶۰	چرا علماء مستقیماً مبارزه	۲۲۴	پسران آقا سید محمد
۲۶۳	آقا شیخ محمد رضا در قم	۲۲۵	حاج سید محمد ماشمی

۲۷۴	۱۸ - میرزا محمد ثقفی طهرانی	۲۶۴	سفر دوم
		۲۶۴	سفر سوم
۲۷۵		۲۶۴	اسامی شاگردان درقم
۲۷۷	فائده مشایخ آقای بروجردی	۲۶۵	۱ - سید احمد حسینی زنجانی
۲۷۷	۲۰ - مهدی نراقی کاشانی	۲۶۶	۲ - سید احمد موسوی خونساری
۲۷۸	محل تدریس در اصفهان	۲۶۶	۳ - میرزا اسحاق استارائی
۲۸۰	شاگردان اصفهان	۲۶۷	۴ - شیخ محمد باقر کمره‌ای
۲۸۰	ادوار چهار گانه	۲۶۷	۵ - حاج میرزا خلیل کمره‌ای
۲۸۲	وضع زندگانی طلاب	۲۶۷	۶ - سید محمد رضا موسوی گلپایگانی
۲۸۳	عده‌ای از شاگردان و مجازین	۲۶۷	
۲۸۳	ذکر دو مقدمه	۲۶۸	۷ - حاج شیخ محمد رضا طبسی
۲۸۴	۱ - میرزا ابراهیم نواب	۲۶۰	۸ - حاج آقا رضا مدنی کاشانی
۲۸۴	۲ - شیخ ابوالقاسم اشراقی	۲۷۰	۹ - امام روح الله موسوی خمینی
۲۸۴	۳ - شیخ ابوالقاسم نورائی سدهی	۲۷۰	۱۰ - سید شهاب الدین مرعشی نجفی
۲۸۵	۴ - شیخ احمد فیاض سدهی	۲۷۲	۱۱ - سید عبدالحجت بلاغی
۲۸۷	۵ - شیخ اسماعیل گزی	۲۷۲	۱۲ - شیخ عبدالحسین ابن الدین
۲۸۷	۶ - سید اسماعیل هاشمی	۲۷۳	۱۳ - میرزا عبدالله فاضل سراپی
۲۸۹	۷ - شیخ اسماعیل کلباسی	۲۷۳	۱۴ - میرزا عبدالله فاضل
۲۸۹	۸ - شیخ امان الله گینکائی	۲۷۳	۱۵ - میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی
۲۹۰	۹ - امیر آقا فلاورجانی لنجانی	۲۷۳	۱۶ - میرزا محمد علی مدرس تبریزی
۲۹۰	فائده - فلاورجان	۲۷۳	
۲۹۰	جلال ورکانی	۲۷۴	۱۷ - سید علی اکبر برقی قمی
۲۹۱	۱۰ - شیخ محمد باقر نجفی		

- ۳۰۸ زینبیه ۲۹۲ - ۱۱ - شیخ محمد باقر کمره‌ای
- ۳۰۹ - ۲۶ - سید حسین موسوی بیدآبادی ۲۹۷ - ۱۲ - سید محمد باقر رجائی
- ۳۱۰ - ۲۷ - دکتر محمد حسین ضیائی بیگلری ۲۹۸ - ۱۳ - سید محمد باقر نحوی
- ۳۰۹ قمی ۲۹۸ - ۱۴ - سید محمد تقی مصطفوی فروشانی
- ۳۱۰ - ۲۸ - شیخ محمد حسین نجفی ۲۹۸
- ۳۱۰ - ۲۹ - حسین ظهیر میر دامادی ۲۹۹ - ۱۵ - شیخ محمد تقی فشارکی
- ۳۱۰ - ۳۰ - شیخ حیدر علی محقق ۲۹۹ - ۱۶ - شیخ محمد تقی نجفی
- ۳۱۱ - ۳۱ - حیدر علی خان برومندگزی ۳۰۰ - ۱۷ - جلال الدین فارقلیطی
- ۳۱۱ امامزاده نرمی ۳۰۰ - ۱۸ - سید جمال الدین میردامادی
- ۳۱۲ ملا مصاحب ۳۰۱ - ۱۹ - سید جواد غروی موسوی
- ۳۱۳ - ۳۲ - شیخ داود مصاحبی نائینی ۳۰۱ - ۲۰ - شیخ محمد جواد اصولی فریدنی
- ۳۱۳ - ۳۳ - شیخ محمد رضا قهدبجانی ۳۰۱
- ۳۱۴ - ۳۴ - سید محمد رضا آل رسول ۳۰۱ - ۲۱ - شیخ محمد حسن همدانی
- ۳۱۴ - ۳۵ - سید محمد رضا شفتی ۳۰۲ - ۲۲ - وجه تسمیه لسان الارض
- ۳۱۵ - ۳۶ - سید محمد رضا خراسانی ۳۰۲ - ۲۳ - محلات اصفهان بیاب
- ۳۱۸ - ۳۷ - سید ریحان الدین مهدوی ۳۰۴ - ۲۴ - فائده : دردشت
- ۳۱۹ - ۳۸ - سید زین العابدین طباطبائی ابرقوثی ۳۰۵ - ۲۵ - دکتر محمد حسن سه چهاری
- ۳۲۰ - ۳۹ - سید شمس الدین خادمی ۳۰۶ - ۲۶ - شیخ محمد حسین شریعت هرنندی
- ۳۲۰ - ۴۰ - سید عباس طباطبائی خوراسگانی ۳۰۷ - ۲۷ - شیخ محمد حسن مهلوی اردکانی
- ۳۲۱ - ۴۱ - سید عباس حسینی دهکردی ۳۰۷

۶۲ - حاج آقا محمد مقدس ۳۳۵  
 ۶۳ - محمد شیخ المراقین ۳۳۶  
 ۶۴ - شیخ مرتضی عمادالاسلام حجت  
 نجفی ۳۳۶  
 ۶۵ - شیخ مرتضی شاهرودی ۳۳۷  
 ۶۶ - سید مرتضی موحد ابطحی ۳۳۸  
 ۶۷ - سید مرتضی ظهیر الاسلام ۳۳۹  
 ۶۸ - شیخ مرتضی اردکانی ۳۴۰  
 ۶۹ - شیخ مصطفی ارسطوئی نجف  
 آبادی ۳۴۱  
 ۷۰ - سید مصطفی مهدوی هرستانی ۳۴۲  
 فائده جغرافیائی : هرستان ۳۴۵  
 ۷۱ - سید مصطفی زاینائی ۳۴۶  
 ۷۲ - مصطفی میر عمادی سید المراقین  
 ۳۴۷  
 ۷۳ - سید مهدی حجازی فروشانی ۴۷  
 ۷۴ - مهدی میر عمادی سید المراقین  
 ۳۴۷  
 ۷۵ - نجم للمدین ثوری ۳۴۷  
 ۷۶ - نصرت خانم امین ۳۴۸  
 ۷۷ - شیخ نور الدین اشنی قودجانی  
 ۳۵۲

۴۲ - شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳ زنده کردن یکی از سنن  
 ۴۲ - سید عبد الحجت بلاغی ۳۲۴  
 ۴۴ - شیخ عبدالرحیم ربانی خوراسگانی  
 ۳۲۶  
 ۴۵ - میرزا عبدالله شیخ الاسلام ۳۲۶  
 ۴۶ - شیخ عزالدین نجفی ۳۲۶  
 ۴۷ - سید عطاء الله درب امامی ۳۲۷  
 ۴۸ - شیخ علی مشکوتی سدهی ۳۲۷  
 ۴۹ - شیخ علی قدیری کفرانی ۳۲۸  
 ۵۰ - شیخ عبدالله اصفهانی ۳۲۸  
 ۵۱ - سید علی ابطحی سدهی ۳۲۹  
 ۵۲ - ملا علی مارینی ۳۲۹  
 ۵۳ - سید علی علامه فانی ۳۲۹  
 ۵۴ - شیخ محمد علی حسینی ۳۳۰  
 ۵۵ - محمد علی عالم حبیب آبادی ۳۳۱  
 ۵۶ - محمد علی معلم حبیب آبادی ۳۳۲  
 ۵۷ - سید کمال الدین نور بخش ۳۳۲  
 ۵۸ - ملا لطف الله کرونئی اصفهانی ۳۳۳  
 ۵۹ - مجتبی میر محمد صادقی ۳۳۴  
 ۶۰ - میرزا مجتبی روضائی ۳۳۵  
 ۶۱ - مجدد العلماء نجفی ۳۳۵

- ۳۵۳ - ۷۸ - شیخ هبة الله هرندي
- ۳۵۴ - ۷۹ - شیخ فاضل هرندي
- ۳۵۵ - تألیفات
- ۳۵۵ - ۱ - اجازات
- ۳۵۶ - ۲ - الاجازة الشاملة للسيدة الفاضلة
- ۳۵۶ - ۳ - اداء المفروض در شرح ارجوزه عروض
- ۳۵۶ - ۴ - اعادة الفهم في استعمال العين في المعنيين
- ۳۵۷ - ۵ - استقصاء كتب الاصحاب
- ۳۵۷ - ابن عتايقي : عبد الرحمن
- ۳۵۷ - ۶ - استيضاح المراد من قول الفاضل الجواد
- ۳۵۸
- ۳۵۸ - ۷ - امجديه يا رساله امجديه
- ۳۵۹ - ۸ - انا والايام
- ۳۵۹ - ۹ - الايراد والاصدار در حل بعضی مشکلات علوم ومسائل سخت
- ۳۵۹ - ۱۰ - تعريب رساله سير وسلوك منسوب به آيت الله بحر العلوم طباطبائي بروجردى نجفى
- ۳۵۹ - ۱۱ - تعليقه بر رساله : المحاكمة بين العلمين تأليف مرحوم آقا سيد مهدي حكيم
- ۳۶۰
- ۳۶۱ \* تقريرات بحث فقه در قم
- ۳۶۱ - ۱۲ - تنبيهات دليل الانسداد بما اثبات حجيت ظن طريقى
- ۳۶۱ \* جليله الحال
- ۳۶۱ - ۱۳ - حلى الدهر - العاقل فيمن ادر كنه من الافاضل
- ۳۶۲ - ۱۴ - حواشى براكرثا وذوسبوس
- ۳۶۳ - ۱۵ - حواشى بر روضات الجنات
- ۳۶۳ - ۱۶ - حواشى بر شرح ديوان متنبى از واحدی
- ۳۶۴ - ۱۷ - حواشى بر كافى
- ۳۶۵ - ۱۸ - حواشى استدلالى بر رساله نجات العباد
- ۳۶۵ - ۱۹ - ديوان اشعار
- ۳۶۵ - ۲۰ - ذخائر المجتهدين فى شرح معالم الدين فى فقه آل ياسين تأليف ابن قطان
- ۳۶۷ - ۲۱ - الرد على البهائيه
- ۳۶۷ - ۲۲ - الرد على : فصل القضاء فى الكشف عن حال فقه الرضا عليه السلام
- ۳۶۷ \* الروض الاريض فيما قال اوقيل فيه من القريض
- ۳۶۸ - ۲۳ - الروضة الغناء فى معنى الغناء وتحديده وحكمه
- ۳۶۸



- ۲۷۹ در « ما وضع له » می باشد
- ۲۸۱ شیخ عبدالله گاپایگانی
- ۲ - جواز استعمال لفظ در اکثر از
- ۲۸۱ معنای واحد
- ۲۸۲ ۳ - حجیت قول لغوی
- ۴ - رحجان دادن قراءت ملك بر مالك
- ۲۸۲ در سوره الحمد
- ۲۸۲ رسم الخط قرآن
- ۲۸۳ مصحف عثمان
- ۲۸۴ عقیده علمای اهل سنت
- ۲۸۴ برخی از خصوصیات
- ۲۸۵ نکته قابل توجه
- ۲۸۶ ملك يا مالك
- ۵ - طهارت اهل كتاب
- ۶ - عدم تنجيس متنجس در غير مايع
- ۷ - فائده اجازة روايتی فقط تبرك و تبين نمی باشد
- ۸ - مبنای غروب برای دخول وقت فريضة مغرب و یا افطار روزه مساه مبارك رمضان ( چنانکه از نعمة المرتاد بر می آید )
- ۲۸۸
- ۹ - محدود بودن دائره غناء
- ۲۸۸
- ۲۴ - سقط الدر در احكام كرم
- ۲۵ - سمطا اللئال في مسئلتی الوضوع والاستعمال
- ۳۶۹
- ۲۶ - السيف الصنيع على رقاب منكرى علم البديع
- ۳۶۹
- ۲۷ - شرح نجات العباد
- ۳۷۰
- ۲۸ - العقد الثمين في اجوبة مسائل الشيخ شجاع الدين
- ۳۷۱
- ۲۹ - غالبية العصر في حكم الشعر
- ۳۷۱
- ۳۰ - رساله در قبله
- ۳۱ - القول الجميل الى صدقى جميل
- ۳۷۱
- ۳۲ - نعمة المرتاد در شرح نجات العباد
- ۳۷۲
- ۳۳ - نقد فلسفه داروين في دحض شبهات المبطلين والرد على الفلاسفة الطبيعيين
- ۳۷۴
- ۳۴ - النوافج والروزنامج
- ۳۷۵
- ۳۵ - وقاية الادمهان والالباب ولباب اصول السنة والكتاب
- ۳۷۶
- چند نظريه علمى
- ۳۷۹
- ۱ - استعمال لفظ در مجاز استعمال لفظ

۴۰۹	نمونه شعر فارسی	۳۸۸	شیخ محمد رضا و صاحب روضات
۴۱۰	بدبیه سرائی	۳۹۰	بزرگترین عیبها
۴۱۳	کتابخانه آقا شیخ محمد رضا	۳۹۱	نمونه‌ای از اشتباهات
۴۱۴	همسر و اولاد	۳۹۱	طبرانی صاحب معاجم
۴۱۶	حاج شیخ عزالدین نجفی	۳۹۲	انتقاد غیر از عیب جوئی است
۴۱۷	مجد العلماء نجفی	۳۹۲	اول کسیکه بر صاحب روضات ...
۴۱۸	اساتید	۳۹۳	حق صاحب روضات
۴۱۸	امامت جماعت	۳۹۳	حاجی نوری
۴۱۹	اجازات	۳۹۴	شیخ محمد رضا
۴۲۰	تدریس	۳۹۴	حاج شیخ عباس و سید محسن امین
۴۲۰	تألیفات	۳۹۵	اقرار و اعتذار
۴۲۳	نقل حدیث	۳۹۶	آقا شیخ محمد رضا و شعر
۴۲۴	فوت مجدهالعلماء	۳۹۸	مهباز دیلمی
۴۲۵	اشعار مرثیه	۳۹۹	چرا برخی از علماء
	دامادهای مرحوم شیخ محمد رضا نجفی	۳۹۹	داستان شیخ حسین نجف
۴۲۵		۴۰۱	سید عبدالهادی شیرازی
۴۲۶	فوت آقا شیخ محمد رضا	۴۰۱	نقل دو فتوی
۴۲۶	محل دفن	۴۰۲	اولین شعر
۴۲۶	ماده تاریخ فوت	۴۰۳	سید رضا هندی
۴۲۸	وفات چهار تن	۴۰۳	مصاحبین و معاشرین
۴۳۰	شرح حال بقلم ایشان	۴۰۴	چند نمونه از اشعار
۴۳۱	کنیه و لقب	۴۰۷	دو جلسه ادبی

۴۴۰	استادان	۴۳۱	ولادت
۴۴۱	مصنفات	۴۳۲	مشابیح
۴۴۲	ابن القطان	۴۳۴	مصنفات
۴۴۳	نمونه شعر	۴۳۶	اجازه آفا میرزا محمد علی
۴۴۴	مجله نور علم	۴۳۶	ترجمه رساله شرح حال
۴۴۵	گله دوستانه	۴۳۷	سه شعر از قصیده رائیه
۴۴۶	شکر نعمتهای خدا	۴۳۷	کنیه - لقب - اسم
۴۴۶	یک نمونه از آثار جنگ	۴۳۸	تولد و تاریخ آن

## غلطنامه کتاب

ص	س	غلط	صحیح	ص	س
۵	۶	گناه با	گناه	۷۰	۱۱
۶	۱	از آنان ... قدرت یاد کردن	آوردند آوردند	۷۱	۱۵
۷	۱۲	از آنان را	حاج محمد حاج محمد	۷۵	۱۶
۸	۴	کلا الانسان کلان الانسان	کازرونی حسین کازرونی		
۱۶	۳	مطلب	بامجترین بافجیمترین	۷۶	۹
۱۷	۸	اعتاب	سید امام سید امام	۷۹	۱۱
۱۸	۱۷	معظم	مرعی مدعی	۷۹	۱۲
۱۹	۱۰	نسب نام	گردش .. هم گردش .. همه	۷۹	۱۸
۲۶	۳	و در محراب	صد خلج	۸۰	۱۱
۳۱	۱۹	شاه گفته	صد	۸۱	۴
۴۰	۱۹	سفر گفته	صد	۸۳	۱۱ و ۱۳ صد
۴۲	۹	لزوم	صد	۹۰	۱۲
۴۲	۱۱	آمد کرده	فی اربعه عشر	۹۱	۱۹
۴۳	۵	و تدبیر	نیز از یکی	۹۳	۱۵
۴۳	۲۰	مجله	تلقین	۹۷	۱
۴۳	۲۱	نشاخته شده شناخته نشده	انکار آشکار	۱۰۴	۱۰
۴۷	۱۱	رأی زرین رأی رزین	حنظل	۱۰۴	۱۹
۴۸	۱۱	در شده نور شده نور	زعیب	۱۱۰	۱۱
۴۸	۱۱	آقای عبدالله آقای سید عبدالله	نقص	۱۱۱	۱۳
۵۰	۴	مبدعین	فرزند	۱۱۳	۱۱
۵۳	۱۰	کیف، کان کیف ما کان	۱۳۱۵	۱۱۴	۲
۵۳	۱۸	ادلی	نایب حسن	۱۱۷	۲
۵۵	۱۷	درصد	حتماً	۱۲۰	۱
۵۶	۸	معطوف	تنبيه والامه تنبيه الامه	۱۲۱	۱۲
۵۷	۳	کتابهای کتاب	طالب ترویج طالب آن وترویج	۱۲۲	۱۵
۵۷	۱۳	ونمک وملك	گفتند شد گفته شد	۱۲۳	۲۰
۵۹	۱۰	مرحوم مردم	همانگونه به همانگونه که به	۱۲۴	۱۲
۶۱	۱۴	بی ربطی بی ربط	مصطفی مصفی	۱۲۹	۴
۶۲	۱	مطلوبین مطلوبین	که کدام که هر کدام	۱۳۲	۱
		استبدانه استبدادانه	خورشیدی قمری	۱۳۳	۱
		تغییر	اصفهان		
		تغییر	معدل باران در اصفهان		

ص	س	غلط	درست
۱۹۲	۵	هارت	هازت
۱۹۲	۱۱	الفش	النش
۱۹۲	۱۵	بروع القدس	بروع القدس
۱۹۲	۱۹	الخط	انخط
۱۹۳	۱۶	وعابا	وغابا
۱۹۴	۲۱	اشعار كتاب اشعار	در كتاب
۲۰۲	۵	اثامه	آثام
۲۰۴	۲	الدينه	الدينه
۲۰۴	۳	واقفا	واقفا
۲۰۴	۱۹	سالى كمر	سالش كمر
۲۰۵	۱۷	استفاده	استناد
۲۰۸	۷	حقيقى	حقيقى
۲۱۴	۱۵	مدارا	مدرارا
۲۱۴	۱۶	مساكين	مساكين
۲۱۶	۱	فأجودا - فأزودا	فأجودا - فأزودا
۲۱۶	۱۶	وانار قبع لبها	وانا رفيع لبانها
۲۱۶	۱۷	المغفودا	المغفودا
۲۱۶	۱۸	شرزأ	شرزأ
۲۱۶	۱۹	فكروب	فكروب
۲۱۶	۲۲	متى - الفحار متى - الفخار	
۲۱۷	۱	لرايت	لرايت
۲۱۷	۱۴	بغر	بغر
۲۱۷	۱۷	يعرز	يعرز

ص	س	غلط	درست
۱۳۷	۵	صاعديان	صاعديان
۱۳۹	۲۰	۱۰۹۷	۱۹۰۷
۱۴۰	۱۴	۱۱۳۰	۱۳۳۰
۱۴۱	۲	۱۳۳۸	۱۳۳۸ قمرى
۱۴۱	۱۴	تذكرة	تذكرة شعراى
۱۵۴	۵	حاج محمد حاج سيد محمد باقر	باقر
۱۵۷	۸	خط گشى	خط مشى
۱۵۹	۵	براى انتخاب	انتخاب
۱۵۹	۱۱	هم	همه
۱۶۲	۸	ميدادند	ميدادند
۱۶۲	۱۶	اضاع	اوضاع
۱۶۴	۲۱	مرحوم	آن مرحوم
۱۶۵	۲۰	حائرى	حائرى است
۱۶۷	۱۰	۱۳۰۹ - ۱۳۰۹ - ۱۴۰۵	
۱۷۴	۸	خصالى خوب	خلالى خوب
۱۷۴	۱۲	رسيدگى جال	در رسيدگى بحال
۱۷۶	۹	سلامت	سلامت
۱۷۷	۱۵	نفور	نفور
۱۷۷	۱۸	حاصند	حاصنده
۱۷۸	۱۶	جواهر است	جواهر دست
۱۷۹	۱	مهلك	مهلك
۱۸۴	۳	گرونى	گرونى
۱۸۵	۱۵	قرار	قرار
۱۸۶	۱۷	در دل	در ددل
۱۹۲	۴	ناب الشمس	غاب الشمس

ص	س	غلط	درست
۴	۲۹۰	مدرس	بدرس
۱۰	۲۹۰	لفظ	دهکده
۸	۲۹۱	سمبران	سمنبران
۹	۳۰۰	رضوی	موسوی
۲	۳۰۲	دردرشت	دردشت
۹	۳	۴	محلہ دردشت زائد
۱	۳۰۶	اعظام	عظام
۹	۳۰۷	را مولد	را درمولد
۲	۳۱۰	لاعلمون	یعلمون
۱۵	۳۱۱	کتاب	کتاب صمدیه
۲۰	۳۱۶	ازصبح	صبح
۷	۳۱۷	امامزاده	امامزاده
۲۱	۳۲۹	ازوفوت	ازفوت
۱	۳۳۴	می پیوند	می پیوندد
۱۹	۳۳۷	حسین ثانی	حسین فانی
۱۰	۳۳۸	نسب نام	نسب نامه
۲۲	۳۴۵	سابور	شاپور
۱۹	۳۴۶	مساجد	مسجد
۴	۳۵۲	در	درسال ۱۳۸۴
۹	۳۵۴	در	درصفر ۱۳۶۶
۱۰	۳۶۰	امیت	کرده
۲۲	۳۶۲	مشابت	ثابت
۲	۳۶۵	زبان	زمان
۱۷	۳۶۷	کاظمینی	کاظمینی است
۱۵	۳۶۸	مولی	موسی

ص	س	غلط	درست
۹	۲۲۷	فاضل مرحوم	فاضل مرحوم
۱۸	۲۲۹	میشود	میشود دفن گردید
۴	۲۳۲	زکاه	ذکاه
۷	۲۳۲	فامتار	فامتاز
۱۵	۲۳۲	متضلاً	متضلاً
۵	۲۳۹	مؤمین	مؤلفین
۱۳	۲۴۴	شیبی	شیبی
۶	۲۴۵	گیردقرار	قرارگیرد
۱۰	۲۴۶	شهزت	شهرت
۳	۲۴۷	ولی	وی
۱۷	۲۴۷	محلہ خویش	محلہ خویش
۱۶	۲۵۰	۱۳۱۸	۱۳۱۶
۴	۲۵۶	که تواریخ	که درتواریخ
۹	۲۵۷	میرند	میردند
۱۴	۲۵۷	چادراو	چادو او را
۲۰	۲۵۸	انزلنا	نزلا
۱	۲۵۹	واز	و جمعی از
۱۱	۲۶۰	برنخواستند	برنخواستند
۱۶	۲۶۰	برنمی افروختند	برنمی انداختند
۱۴	۲۷۱	امتینان	امتان
۱۱	۲۷۲	را نباید نموده اند	را نباید
۲۱	۲۷۳	ایشان جزو ایشان	را جزو
۸	۲۷۴	اساتید	شرح حالشان نوشته شده اساتید
۶	۲۷۵	شیخ بزرگ	شیخ آقا بزرگ
۵	۲۸۸	سکوت	سکوت

ص	س	غلط	درست
ان	انرا	۱۹	۴۰۸
وان مرحوم با	وان یا	۱	۴۱۲
ایناس	ایناس	۱۵	۴۱۳
محمد آقا شیخ محمد	آقا محمد	۱۹	۴۱۴
عبارتست	عبارتند	۱۸	۴۱۵
دروسی	دروس	۵	۴۲۰
التأیید	التأیید	۷	۴۲۰
تنتم	تنتم	۲	۴۲۳
بررسی	بدرسی	۱۶	۴۲۴
ماده و تاریخ	ماده تاریخ	۵	۴۲۵
عمل گردید	عمل گردید	۱۶	۴۲۶
عنا	عما	۱۳	۴۲۷
مفضال	متصال	۸	۴۲۹
تالیفات	تألیف	۸	۴۳۰
کتنه	کتنه	۱۹	۴۳۴
کاتبی	کاتبی	۳	۴۳۵
همانگونه	همگونه	۲۲	۴۳۷
میرزا حسن	میرزا حسن	۲	۴۴۱
شکل علم	شکل مال	۱۲	۴۴۳
سروران	سروان	۶	۴۴۵
معیشت	میشت	۱۰	۴۴۷

ص	س	غلط	درست
موجود در	موجود در	۶	۳۶۹
فرائده و	فرائده الاخواه و	۲۱	۳۶۹
یستفاد	یستفاد	۵	۳۷۴
نتبل	نتبل	۹	۳۷۵
مقلا علی فارسی	مقلا علی قاری	۵	۳۷۶
خود که آنرا	خود که آنرا	۵	۳۷۹
جلیه	جلیه	۲۵	۳۷۹
رجهان	رجهان	۱۹	۳۸۲
رسمی خطی	غیر از زائد	۸	۳۸۴
ایرادات	ایرادات	۱۷	۳۹۲
لطیف را	لطیف فارسی را	۱۲	۳۹۶
مرزویه	مرزویه	۷	۳۹۸
ضمن شیخ	شرح ضمن شرح	۱	۴۰۰
بزرگوار	بزرگوار	۱۰	۴۰۰
اورا بشناسند	اورا بشناسند	۱۰	۴۰۱
شیخ محمد	شیخ محمد رضا	۱۵	۴۰۴
پس اهدای	پس از اهدای	۲۰	۴۰۶
آل کاشف	آل کاشف الغطاء	۶	۴۰۷
رضال	رضال		
غننج	غننج	۱۸	۴۰۸





